اعلام اصفهان

پدیدآور: مهدوی، مصلح‌الدین

تاریخ وفات پدیدآور: 1416 ه. ق

مقدمه نویس: چلونگر، محمد علی

ویراستار: زاد هوش، محمد رضا

مصحح: نصراللهی، غلامرضا

موضوع: فرهنگ نامه محلی

زبان: فارسی

تعداد جلد: 3

ناشر: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

اعلام اصفهان ؛ ص7

اعلام اصفهان، ص: 7

جلد اول

پیش‌گفتار

اصفهان از دیرباز مهد علم و ادب و فرهنگ و هنر بوده و به همت دانشمندان و عالمانش توانسته است نام خود را در میان شهرهای فرهنگی جهان مطرح کند. این شهر نقش محوری و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در فرایند گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشته و خدمات ارزنده‌ای به جهان اسلام تقدیم کرده است؛ ازاین‌رو، در سال 2006 میلادی به افتخار عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام دست‌یافت.

اصفهان به گواهی آثار شگرف باستانی، کتاب‌های ارزشمند علمی و آثار هنری گوناگون، که زینت‌بخش موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ و معروف دنیا است، و با عرضه نوابغ علمی، ادبا و شعرا و هنرمندان طراز اول جهانی جایگاه ویژه و ممتازی را به خود اختصاص داده است. در زمینه فقه، اصول، فلسفه، منطق، ریاضیات، نجوم و دیگر شاخه‌های علوم دانشمندانی از این شهر برخاستند که نام آنان قرین نام افراد صاحب نام این علوم گردیده است. در شاخه‌های گوناگون هنر هم چون معماری، نقاشی، خوشنویسی، موسیقی و پارچه‌دوزی نیز افرادی در این شهر ظهور کردند که نام آنان تداعی‌کننده این هنرها است.

شخصیت‌های برجسته و نامدار حوزه فرهنگی اصفهان بسیارند. از علمای بلندمرتبه قرآن و از قراء هفتگانه مشهور نافع بن عبد الرحمن اصفهانی (م 169 ه ق) بود که در این شهر زاده شد. از مفسران نامور اصفهان نیز می‌توان از ابو مسلم اصفهانی (قرن سوم هجری) نام برد که آثاری همچون جامع التأویل و الحکم التنزیل، جامع الرسائل و الناسخ و المنسوخ داشته است و در کتب ترجمه مفسران، او را ستوده‌اند. در زمینه ادبیات هم می‌توان به افرادی مانند صاحب بن عباد، مؤید الدّین طغرائی اصفهانی، عماد الدّین کاتب اصفهانی، ابن طباطبا علوی اصفهانی، ابو الفرج اصفهانی و ده‌ها تن دیگر اشاره کرد که در گسترش شعر و ادب، به خصوص شعر و ادب عرب، نقش والایی داشته‌اند. گفتنی است زبان و ادبیات

اعلام اصفهان، ص: 8

عرب با ظهور ادبا و شعرای عربی‌دان در سده چهارم هجری در اقلیم اصفهان گسترش یافت و در سده‌های پنجم و ششم هجری به اوج خود رسید تا آنجا که به این شهر لقب «بغداد ثانی» داده شد.

شخصیت‌های نامی اصفهان به مردان منحصر نمی‌شوند. در مراجعه به کتب، نام زنان دانشمند و صاحب کمال نیز به چشم می‌خورد که حق آنان در تاریخ کم‌تر ادا شده است. در برخی از منابع تاریخی آمده است نخستین زن ایرانی که به دین مبین اسلام گروید، بانویی اصفهانی به نام ام الفارسیه بوده و حتی گفته شده که او نخستین مسلمان ایرانی بوده است؛ چرا که پیش از سلمان فارسی اسلام آورد و سلمان به راهنمایی او به محضر پیامبر اسلام (ص) راه یافت. ابن عباس از قول سلمان آورده است: «چون بر عزیمت به یثرب مصمم شدم و قصد پای‌بوسی خواجه کائنات پیامبر گرامی اسلام (ص) نمودم، در آنجا زنی اصفهانی را دیدم که در وصول به یثرب و دولت دریافت سعادت اسلام بر من سبقت گرفته بود و او مرا به‌سوی آن حضرت راهنمایی کرد». (ریاحی، مقالات اصفهان‌شناسی، 1385، ص 4)

در دورانی که اصفهان پایتخت ایران بود، بسیاری از رجال علمی و سیاسی در این شهر حضور یافتند و بر شهرت آن بیش از پیش افزودند. مردان برجسته سیاسی، که اندوخته علم فرا راه آنان بود، ایران را با حکمت و سیاست اداره می‌کردند. از دو شخصیت برجسته آن دوران می‌توان از صاحب بن عباد در دوره آل بویه و شیخ بهائی در دوره صفویه نام برد.

آنان در گسترش و غنی‌سازی اصفهان نقش بسزایی ایفا کردند. البتّه آوازه و خدمات ایشان به این شهر و حتی ایران منحصر نماند.

معرفی رجال نقش‌آفرین اصفهان در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام مطلبی است که در این گفتار کوتاه نمی‌گنجد و شرح حال هریك از آنان نیازمند کتاب و حتی کتاب‌های خاص و جداگانه‌ای است. اثر حاضر نمونه‌ای از این دست و تلاشی است در راستای معرفی چهره‌های بارز تاریخ اصفهان که محقق فرزانه مرحوم مصلح الدّین مهدوی آن را نگاشته است و چاپ و نشر آن خدمتی ارزنده به بزرگان عرصه فرهنگ و اندیشه تواند بود.

مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل به پاس خدمات ارزنده این دانش‌پژوه گرامی، نخستین

اعلام اصفهان، ص: 9

جلد از مجلدات کتاب اعلام اصفهان را انتشار می‌دهد. این اثر به همت جناب آقای غلامرضا نصر اللهی، که سالیانی از محضر مؤلف فقید کسب فیض نموده بود، تصحیح شده است.

مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل امید دارد با تصحیح مجلدات بعدی این مجموعه زمینه انتشار کامل آن، که برآیند یك‌عمر تلاش و تحقیق مؤلف است، فراهم شود. در پایان از همکاران عزیز که در انتشار این اثر یاری و همدلی داشتند به خصوص آقایان محمد حسین ریاحی، مسئول پژوهشی، و علیرضا مساح، مسئول اجرایی مرکز، تشکر و تقدیر می‌گردد.

دکتر محمّد علی چلونگر

مدیر مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل

اعلام اصفهان، ص: 11

مقدّمه تحقیق

شهری که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، تاریخ، فرهنگ و تمدّنی با بیش از دو هزار سال پشت آن ایستاده است.

درخشش و شکوه اصفهان در تاریخ، بیشتر مدیون ورود اسلام به ایران، و در نتیجه این سرزمین است. مردمان این سرزمین، با پذیرفتن اسلام، دنیای پهناوری را رودرروی خویش دیدند که در آن میدان، می‌توانستند استعدادها و خلّاقیت خود را به عینیّت تبدیل کنند؛ پس آنان، با حفظ اصالت فرهنگ و هویّت خود، از آموزه‌های اسلامی نیز برای ساختن دنیایی بهتر یاری گرفتند.

اصفهان امروز، امّا اندکی از آن‌همه عظمت و شکوه از تاریخ و فرهنگ و تمدّن گذشته را تا امروز به یادگار نگاه داشته است.

اصفهان در این راه بس طولانی و دشوار و جان‌فرسا، بس سخت‌جانی‌ها کرده، و بس رنج‌ها بر تن خود خریده است. بس طوفان‌ها را ایستادگی کرده، و بس خیزاب‌ها را از سر گذرانده است. قحطی و سیل و گرسنگی، جنگ و قتل و غارت، ناامنی و

هرج و مرج و نزول بلایای ارضی و سماوی، اصفهان را آبدیده کرده است؛ لذا هیچ قوم بیگانه و لشکر مهاجم، نتوانسته در این شهر دوام بیاورد، و فرهنگ و زبان و حاکمیّت خود را برای همیشه بر این شهر حاکم سازد.

پس شایسته است که اصفهان، پایتخت فرهنگی جهان اسلام باشد، و بایسته است که آثار تاریخی و هنری، هنرمندان، دانشمندان، بزرگان عرفان و مذهب و ادبیّات این شهر، بیشتر به جهانیان شناسانده شوند، و انتشار کتاب اعلام اصفهان، گامی است برای معرّفی مشاهیر و بزرگان این شهر تاریخ‌ساز، فرهنگ‌آفرین و هنرپرور.

اعلام اصفهان، ص: 12

درست است که گاهگاه تعصّبات تند مذهبی و نابردباری‌ها، کار را بر اقلّیت‌های قومی و مذهبی سخت می‌ساخت؛ امّا همین حضور دیرپا و بسیار طولانی مسیحیّت، یهود و زرتشتی در اصفهان تا امروز، و به دنبال آن، حضور چهارصد ساله ارامنه در اصفهان، تا حدودی نشان می‌دهد که مردم اصفهان، با مدارا و تسامح با آیین‌ها و اقلیّت‌ها رفتار می‌کرده‌اند، و در اغلب برهه‌های تاریخی این شهر، همزیستی مسالمت‌آمیز با آنان داشته‌اند.

در چنین فضایی، آثار شکوهمند و شگفت معماری آفریده می‌شود. چهره‌های بزرگ تفکّر و اندیشه ظهور می‌کنند، و نظریّه‌های تازه ارائه می‌دهند. زیباترین جلوه‌های هنر از پنجه‌های اعجازگر هنرمند اصفهانی خلق می‌شود، و عارفان و معرفت‌جویان، اصفهان را جایی مناسب برای سیر و سلوك و خلوت‌گزینی و عبادت می‌یابند.

ابعاد گوناگون علوم مذهبی نیز به رشد و تعالی می‌رسد، و راه‌های تازه‌ای در مسیر تفسیر، تشریح و تدوین آموزه‌های مذهبی گشوده می‌شود.

اسلام، حدود سال‌های 19 تا 23 هجری وارد اصفهان شد، و به فاصله یکی دو قرن، اصفهان به یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام تبدیل شد. هزاران محدّث، عالم، ادیب و دانشمند از این شهر برخاستند، و تمدّن اسلامی را بارور ساختند.

اصفهان در مرکز فلات ایران، به منزله چهارراهی برای تجارت و عبور کاروانیان و مسافران، و نقطه ثقل ارتباطات فرهنگی و چهارراه دادوستد تمدّن اسلامی بود. این موقعیّت ممتاز، باعث شد اصفهان خاستگاه مذاهب، سبك‌های هنری و ادبی و جریان‌های متنوّع فلسفه و عرفان باشد.

طبیعت زیبا و اعتدال هوا در اصفهان نیز جاذبه‌ای دیگر بود که می‌توانست جمعیت بسیار را جذب خود کند، و اندك‌اندك گسترش یابد، و در ردیف شهرهای بزرگ دنیای کهن قرار گیرد.

منابع اصفهان‌شناسی در قرن سوم تا نهم هجری

احتمالا اوّلین تلاش‌ها برای نگارش تاریخ، و گردآوری اسامی بزرگان اصفهان، در قرن

اعلام اصفهان، ص: 13

سوم هجری صورت گرفته است. گویا کتاب از دست‌رفته و یافت‌نشده حمزه اصفهانی، مورّخ و ادیب نامی در قرن سوم هجری، اوّلین اثر در باب اصفهان‌شناسی باشد. پس از آن، تنی چند از خاندان ابن منده دست به کار تدوین تاریخ اصفهان شدند که متأسّفانه از آنان نیز اثری به جای نمانده است.

ناگفته نماند که گردآوری تاریخ اصفهان و سرگذشت رجال آن بیشتر بهانه‌ای بوده است برای گردآوری احادیثی که در این شهر نقل می‌شد تا به این ترتیب، هم احادیث با اسناد و سلسله راویان مشخّص گردآوری شوند، و هم افتخاری باشد بر پیش‌تازی شهرها در حفظ، گردآوری و نقل حدیث. اکنون تألیفاتی که از آغاز تا اوایل قرن چهاردهم هجری درباره اصفهان وجود دارد را معرّفی می‌کنیم:[1]

1. طبقات المحدّثین باصبهان و الواردین علیها، تألیف ابو محمّد عبد الله بن محمّد بن جعفر بن حیّان اصفهانی معروف به حافظ ابو الشّیخ (م 369 ق)، کتابی است مفصّل در باب احوال محدّثین و اسناد حدیثی آنان از قرن دوم تا چهارم هجری. این کتاب در سال 1407 ق در چهار جلد در بیروت چاپ شده است.

---

[1] . در تهیّه این فهرست: از کتاب تاریخ تشیّع اصفهان، صص 409- 422 و مقدّمه کتاب رجال اصفهان یا تذکرة القبور استفاده شده است.

2. اصفهان و اخبارها، تألیف حمزه اصفهانی (م 360 ق)، در برخی کتاب‌ها از آن نام برده، و مطالبی را نقل کرده‌اند؛ ولی متأسّفانه نسخه‌ای از آن باقی نمانده است.

3. شعراء اصفهان، تألیف حمزه اصفهانی که از آن هم نسخه‌ای به جای نمانده است.

4. قلائد الشّرف فی مفاخر اصفهان و اهلها، تألیف ابو الحسن علیّ بن حمزة بن عماره اصفهانی (م 322 ق)، از این اثر نیز تاکنون نسخه‌ای شناخته نشده است. مافرّوخی در کتاب محاسن اصفهان از این کتاب، استفاده بسیار کرده است.

5. تاریخ اصفهان، تألیف ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی (م 410 ق)، این کتاب را نیز باید جزو کتاب‌های از دست رفته تلقّی کرد. سمعانی در کتاب الانساب خود مطالبی از آن نقل کرده است.

6. ذکر اخبار اصفهان، تألیف حافظ ابو نعیم احمد بن عبد الله اصفهانی (م 430 ق)، معروف‌ترین کتابی است که در قرون اوّلیه اسلامی برای اصفهان نوشته شده است. در مقدّمه کتاب، تاریخ شهر اصفهان به اجمال آمده است، و به بسیاری از محلّه‌ها و ابنیه تاریخی آن اشاره شده است. در متن کتاب نیز شرح حال حدود دو هزار نفر از محدّثین و دانشمندان اصفهانی، یا کسانی که از شهرهای دیگر به اصفهان آمده‌اند، ذکر شده، و اسناد روایت حدیث آنان آمده است. در خلال مطالب این بخش از کتاب، اسامی بسیاری از محلّه‌ها، روستاها و آثار تاریخی و مشاغل مردم اصفهان در قرون دوم تا پنجم هجری به دست می‌آید. این کتاب، ابتدا در لیدن هلند در دو جلد به چاپ رسیده، و سپس در تهران چاپ افست شده است. شادروان دکتر نور الله کسایی نویسنده و استاد دانشگاه، این کتاب را به فارسی ترجمه کرده و به چاپ رسانده است.

6. تاریخ اصفهان تألیف عمر بن سهلان ساوجی، از این کتاب، اطّلاعی در دست نیست.

7. تاریخ اصفهان تألیف ابو القاسم عبد الرّحمن بن محمّد بن اسحاق معروف به ابن منده، حمد الله مستوفی آن را دیده، و در نزهة القلوب، مطالبی از آن نقل کرده است.

8. محاسن اصفهان تألیف مفضّل بن سعد بن حسین مافروّخی اصفهانی (زنده تا سال 458 ق)، یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ و فرهنگ اصفهان به شمار می‌آید، و خوش‌بختانه اکنون موجود است. مافروّخی در این کتاب، علاوه بر پرداختن به تاریخ شهر اصفهان، به آثار و ابنیه تاریخی، آداب و رسوم و فرهنگ مردم، جغرافیای شهر و ادبیّات و هنر مردمان آن می‌پردازد. همچنین فهرستی از اسامی محدّثین، فقها، ادباء، شعراء، فلاسفه و ریاضی‌دانان اصفهان از قرن دوم تا پنجم هجری را ارائه می‌کند.

محاسن اصفهان در سال 1312 ق به همّت مرحوم آقای سیّد جلال الدّین تهرانی در تهران به چاپ رسیده است.

9. ترجمه محاسن اصفهان، تألیف حسین بن محمّد بن ابی الرّضا علوی آوی (متوفّی حدود سال 730 ق)، این ترجمه که تقریبا دو قرن پس از تألیف کتاب صورت گرفته، علاوه بر دارا بودن اطّلاعات متن اصلی کتاب، حاوی افزوده‌هایی از مترجم، درباره اصفهان در عصر مترجم نیز شده است. نثر روان و متعادل مترجم، بر جذّابیت کتاب

می‌افزاید، و از خلال مطالب کتاب، می‌توان اطّلاعات فراوانی درباره اصفهان در قرون پنجم تا هفتم هجری به دست آورد. استاد عبّاس اقبال آشتیانی این کتاب را در سال 1328 ش با فهرست‌های مورد نیاز به چاپ رساند، و اکنون نیز به همّت مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل تجدید چاپ شده است.

10. نزهة الاذهان فی تاریخ اصبهان، تألیف مجد الدّین ابو طاهر محمّد بن یعقوب فیروزآبادی (م 817 ق) که متأسفانه نسخه‌ای از این اثر به جای نمانده است.

این‌ها مهم‌ترین تألیفاتی است که تا قرن نهم هجری درباره اصفهان به نگارش درآمده است. مورّخان از کتاب‌های دیگری نیز درباره اصفهان نام برده‌اند که چون نسخه‌ای از آن‌ها در دسترس نیست، از ذکر آن‌ها صرف‌نظر شد.

در ضمن بسیاری از کتاب‌هایی که درباره سرگذشت محدّثین، شعراء، ادباء، قاریان، مفسّران و حکمای اسلام نگاشته‌اند، مطالب فراوانی درباره اصفهان به دست می‌آید، از جمله الانساب سمعانی، معجم البلدان و معجم الادباء تألیف یاقوت حموی، نزهة

القلوب و تاریخ گزیده تألیف حمد الله مستوفی، خریدة القصر تألیف عمّاد الدّین محمّد اصفهانی، لباب الالباب تألیف سدید الدّین محمّد عوفی، تذکرة الشعراء تألیف دولتشاه سمرقندی، و غیره.

منابع اصفهان‌شناسی از قرن 13 هجری تا امروز

در اواسط دوره قاجار، پس از اعزام عدّه‌ای از محصّلین به اروپا، تأسیس مدرسه دار الفنون توسّط امیر کبیر و تأسیس چند روزنامه فارسی زبان در ایران، هند، مصر و لندن، و ورود افکار روشن‌فکرانه به ایران، و به ویژه واقعه بسیار مهمّ و تأثیرگذار انقلاب مشروطیّت ایران، تحوّلات مهمّی در عرصه فرهنگ و ادب ایران به وجود آمد. در این سال‌ها به تاریخ و جغرافیای محلّی نیز توجّه شد، و تعدادی از دانشمندان و مورّخان، درباره مناطق و شهرهای مختلف ایران، آثاری را پدید آوردند.

از اوایل دوره پهلوی، به تدریج، تألیف کتاب‌های مختلف جهت معرّفی اصفهان و آثار

اعلام اصفهان، ص: 16

تاریخی، ادبیّات، فرهنگ و رجال این شهر، رونق فراوان یافت، و صدها اثر قابل توجّه تدوین و منتشر شد. در این مجال به معرفی مهمترین این آثار می‌پردازیم:

1. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، تألیف محمّد مهدی ارباب اصفهانی، در فصول مختلف کتاب، جغرافیا، محصولات کشاورزی، تاریخ، آثار تاریخی و مختصری از آداب و رسوم مردم اصفهان معرّفی می‌شود. این کتاب، تاکنون چندین بار به چاپ رسیده است.

2. جغرافیای اصفهان، تألیف میرزا حسین تحویلدار اصفهانی، کتابی منحصر به فرد و مفید در مردم‌شناسی و تاریخ و فرهنگ اصفهان به شمار می‌آید، و اطّلاعات ارزنده‌ای درباره آثار تاریخی، و اصناف و مشاغل مردم و شرح حال اجمالی و یا فهرست اسامی شعراء، حکماء، فقهاء، هنرمندان، کارگزاران و ارباب قلم دستگاه حکومتی اصفهان به دست می‌دهد. از جمله بدائع و نوادر کتاب، اشاره به ده‌ها شغل و پیشه قدیمی در اصفهان است که بسیاری از آن‌ها در یك‌صدساله اخیر از بین رفته‌اند، و یا در حال انقراض‌اند. این کتاب، در تهران به چاپ رسیده است.

3. تذکرة القبور، تألیف آیه الله آخوند ملّا عبد الکریم گزی، اثری ارزنده است در باب معرّفی مقابر و گورستان‌های اصفهان و شرح حال دانشمندان، شعراء و حکمای مدفون در آن. این کتاب، یك‌بار در زمان حیات مؤلّف به چاپ رسیده، و پس از وفات ایشان، بارها تجدید چاپ شده است.

4. تاریخ اصفهان، تألیف سیّد محمّد علی مبارکه‌ای متخلّص به «صفایی» (م 1365 ق)، این کتاب به چاپ نرسیده؛ ولی مطالبی از آن در سالنامه فرهنگ لنجان نقل شده است.

5. تاریخ اصفهان، تألیف میرزا حسن خان جابری انصاری، در این کتاب، طیّ فصول مختلف، به معرّفی جغرافیا، تاریخ و ابنیه تاریخی پرداخته شده است. کتاب، ابتدا در سه جلد انتشار یافت. سپس به اهتمام آقای جمشید مظاهری تصحیح شد، و با اضافات و توضیحات سودمند فراوان، در یك جلد مفصّل به چاپ رسید.

مرحوم جابری انصاری تألیفات دیگری درباره اصفهان داشته، که به چاپ رسیده است؛ از جمله آگهی شهان از کار جهان و تاریخ اصفهان و ری، این دو اثر اخیر، حاوی

اعلام اصفهان، ص: 17

سال‌شماری از وقایع تاریخی اصفهان هستند.

6. اصفهان، تألیف حسین نور صادقی. این کتاب در سال 1316 ش به چاپ رسیده، و شاید اوّلین کتابی باشد که به شیوه امروزی به تدوین و چاپ تاریخ اصفهان پرداخته است. در این کتاب، آثار تاریخی اصفهان و جاذبه‌های طبیعی آن معرّفی می‌شوند. به شرح حال مهمترین شخصیّت‌های علمی و ادبی اصفهان اشاره می‌شود، و گزارشی از صنایع و جلوه‌های تمدّن جدید در اصفهان ارائه می‌گردد.

7. آثار ملی اصفهان، تألیف ابو القاسم رفیعی مهرآبادی در 2 بخش: بخش اوّل شامل معرّفی محلّه‌ها، مساجد، مدارس، حمّام‌ها و سایر ابنیه تاریخی اصفهان که حاوی مطالب مفید و ارزنده‌ای است. در پاورقی این بخش، شرح حال بسیاری از بزرگان اصفهان

آمده است. بخش دوم، معرّفی آثار تاریخی مهمّ اصفهان و ذکر الواح و کتیبه‌ها و مشخّصات معماری آن‌ها است. این بخش، اغلب از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان استخراج شده است. این کتاب به چاپ رسیده است.

8. تاریخچه مختصر ابنیه تاریخی اصفهان، تألیف کریم نیك‌زاد امیر حسینی، کتابی کوچك و مختصر است درباره آثار تاریخی اصفهان.

9. الاصفهان، تألیف میر سیّد علی جناب، کتابی است مفصّل در چندین جلد. جلد نخست آن به معرّفی تاریخ و جغرافیای اصفهان می‌پردازد.

ضمیمه این کتاب، ترجمه قسمتی از سفرنامه شاردن درباره اصفهان است. جلد دوم، آداب و رسوم و زبان مردم اصفهان مورد بررسی قرار می‌گیرد، و در جلد سوم، دانشمندان، شعراء، عرفا و بزرگان اصفهان معرّفی می‌شوند. جلد اوّل تاکنون بارها در قطع‌های گوناگون به چاپ رسیده است. جلد دوم و سوم نیز در سال جاری (1385 ش) به چاپ خواهد رسید.

10. تاریخ اصفهان، تألیف علامه جلال الدّین همایی، کتابی است مفصّل در چندین جلد درباره اصفهان. استاد همایی با داشتن تبحّر در علوم مختلف، توانسته است اثری جامع و بی‌نظیر درباره اصفهان پدید آورد. از این کتاب تاکنون سه جلد، شامل مجلّد هنر و هنرمندان، مجلّد تکایا و مقابر، و مجلّد ابنیه و عمارات به چاپ رسیده است، و مجلّدات

بعدی، شامل آداب و رسوم، شرح حال فقهاء، حکماء و شعراء و انساب و جغرافیای اصفهان هنوز به چاپ نرسیده است.

11. رجال اصفهان یا تذکرة القبور، استاد سیّد مصلح الدّین مهدوی، حواشی بسیاری را بر مطالب این کتاب افزوده، و از مطالب تکمیلی سایر دانشمندان، همچون آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، میرزا محمّد علی معلّم حبیب‌آبادی، استاد جلال الدّین همایی، سیّد عبد الحجّة بلاغی و حاج ملّا حسینعلی صدّیقین بهره گرفته است. کتاب حاضر در سال 1328 شمسی به چاپ رسیده است.[2]

12. جغرافیای تاریخی اصفهان و جلفا، تألیف علی جواهر کلام که در سال 1348 ش به چاپ رسیده است.

13. راهنمای اصفهان، تألیف حاج حسین عمادزاده که هنوز به چاپ نرسیده است.

14. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تألیف مرحوم دکتر لطف الله هنرفر، کتابی مفصّل درباره اصفهان است. در این کتاب، در یك سیر تاریخی، از قبل از اسلام تا امروز، در ضمن مرور تاریخ اصفهان، به معرّفی ابنیه تاریخی هر دوره با شناسایی دقیق بنا و خصوصیّات معماری آن، نقل کامل کتیبه‌ها و مشخّصات تزیینات بنا همچون گچبری، کاشی‌کاری و آجرکاری می‌پردازد.

این کتاب در سال 1344 و بار دیگر در سال 1350 به چاپ رسیده، و به عنوان کتاب نمونه سال انتخاب شده است.

15. اصفهان شهر تاریخ، تألیف دکتر لطف الله هنرفر، کتابی مفصّل در حدود ده جلد درباره جغرافیای طبیعی، انسانی، تاریخ مفصّل اصفهان، معرّفی محلّه‌ها و ساختمان‌های تاریخی، آثار هنری و زندگی مشاهیر اصفهان است که در نوع خود، می‌تواند دائرةالمعارفی کامل درباره اصفهان به شمار آید. این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است.

16. کتاب‌شناسی اصفهان، تألیف استاد مرتضی تیموری، کتابی مفصّل در معرّفی منابع

تحقیق درباره اصفهان است. نویسنده، کتاب‌های مربوط به اصفهان، مقالات، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های تحقیقی فارسی و کتاب‌ها و مقالات انگلیسی را که مطالبی درباره اصفهان دارند را با ذکر مشخّصات معرفی می‌کند. این کتاب به چاپ نرسیده است.

17. خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان تألیف مرحوم منوچهر قدسی، در شرح حال و معرّفی آثار خوشنویسان آثار تاریخی اصفهان. این کتاب در سال 1378 خورشیدی به چاپ رسیده است.

---

[2] . درباره سایر تألیفات استاد مهدوی که منابع ارزنده‌ای برای اصفهان‌شناسی به شمار می‌آیند، در زندگی‌نامه ایشان سخن خواهیم گفت.

18. تاریخ فرهنگ اصفهان، تألیف مجتبی ایمانیّه. جزو اوّلین آثاری است که آموزش و پرورش به شیوه جدید در اصفهان را بررسی می‌کند. معرّفی مدارس قدیم حوزه علمیّه اصفهان و آموزشگاه‌های جدید، شیوه تعلیماتی و زندگی‌نامه بنیان‌گذاران و چهره‌های تأثیرگذار آموزش و پرورش اصفهان از موضوعات کتاب است.

19. فرهنگ جامع دیه‌ها و آبادی‌های استان اصفهان، تألیف استاد محمّد مهریار، این کتاب در نوع خود منحصر به فرد است. نویسنده می‌کوشد ریشه‌های اسامی اماکن استان اصفهان (شهرها- روستاها- محلّه‌ها) را در زبان‌های باستانی پیش از اسلام جست‌وجو کند. بسیاری از اماکن ایران، و از جمله اصفهان از زبان‌های پیش از اسلام به جای مانده‌اند، و نویسنده، به معنا و مفهوم این اسامی می‌پردازد. این کتاب در سال 1382 ش به چاپ رسیده است.

20. جغرافیای اصفهان، تألیف دکتر سیروس شفقی، کتابی است مفصّل و تحقیقی درباره جغرافیای طبیعی، تاریخی و انسانی اصفهان. این کتاب تاکنون دوبار به چاپ رسیده است. چاپ اخیر کتاب با اضافات و تغییرات فراوان منتشر شده است.

21. تذکره شعرای استان اصفهان، تألیف مصطفی هادوی متخلّص به «شهیر»، کتابی مفصّل در شرح حال شعرای استان اصفهان و معرّفی انجمن‌های ادبی این شهر است. این کتاب را باید مفصّل‌ترین تذکره شعرای معاصر اصفهان شمرد. هرچند بی‌دقتی‌های زیادی نیز در آن به چشم می‌خورد و یك تحقیق دقیق و علمی محسوب نمی‌شود. این کتاب، دوبار به چاپ رسیده است، در ویرایش جدید که در سال 1384 ش منتشر شده، شرح

حال تعداد زیادی از معاصرین به کتاب افزوده شده است. صدها عکس از شخصیّت‌ها و انجمن‌های ادبی در انتهای کتاب آمده است.

22. تاریخ جلفای اصفهان، تألیف هارتون در هوهانیان، ترجمه و تحریر لئون میناسیان و محمّد علی فریدنی، کتابی ارزنده و منحصر به فرد در سرگذشت ارامنه، به خصوص ارمنیان جلفای اصفهان از عصر صفویّه تا قاجاریّه است. در خلال این کتاب، مطالب جدید و بدیع فراوانی از تاریخ اصفهان به دست می‌آید. کتاب، منبع اصلی مطالعه زندگی، آداب و رسوم و تاریخ ارامنه جلفای اصفهان است. این کتاب، در سال 1379 ش به چاپ رسیده است.

23. تاریخ تشیّع اصفهان، تألیف فاضل ارجمند شیخ مهدی فقیه ایمانی که درباره روند شیعه شدن مردم اصفهان، و معرّفی اصفهانیان دانشمند شیعه از قرن اوّل هجری تا آغاز دوره صفویّه است. این کتاب در سال 1374 ش چاپ شده است. تحقیق عمیق‌تر و تکمیلی این بحث را آقای رسول جعفریان انجام داده است.

غیر از آنچه آورده شد، کتاب‌های بسیاری درباره اصفهان و شهرستان‌های استان در هشتاد ساله اخیر تألیف شده که پرداختن به آن‌ها نیاز به چاپ کتابی مستقل با عنوان کتاب‌شناسی اصفهان دارد.

جایگاه استاد مهدوی در اصفهان‌شناسی

شاید بتوان استاد مهدوی را نسل سوم اصفهان‌پژوهان دو قرن اخیر به شمار آورد:

نسل اوّل: محمّد مهدی ارباب، میرزا حسین تحویلدار اصفهانی.

نسل دوم: میرزا حسن جابری انصاری، میر سیّد علی جناب و ....

نسل سوم: استاد همایی، استاد مهدوی، دکتر هنرفر و ....

اگرچه استاد مهدوی در موضوعات مختلفی تحقیق کرده؛ امّا عمده توجّه و همّت ایشان؛ زندگی‌نامه‌نویسی بوده است. او از کودکی؛ عشق و اشتیاق فوق‌العاده‌ای به کتاب‌های حاوی شرح حال بزرگان داشته است، و در مقدّمه کتاب دانشمندان و بزرگان

اصفهان می‌نویسد:

«کتاب‌های نام‌برده [قصص العلماء و ...] را هرچه بیشتر می‌خواندم به قرائت آن حریص‌تر می‌شدم. خود را چون بیمار مستسقی می‌یافتم که به آب رسیده باشد، هر قدر بیشتر می‌نوشیدم، تشنه‌تر می‌شدم ... سال‌ها از آن تاریخ می‌گذرد. هنوز هم مانند روزهای اوّلیه، آن‌قدر که از مطالعه کتب تراجم رجال و تاریخ بزرگان لذّت می‌برم، و به خواندن آن‌ها مایلم، به مطالعه دیگر کتب، شوقی ندارم».

خوش‌بختی و بختیاری استاد مهدوی آنجا بود که او در عصری می‌زیست که دانشمندان و محقّقان ژرف‌نگری بودند که می‌توانست از علم آنان برخوردار شود، و از همکاری آنان بهره گیرد. مرحوم معلّم حبیب‌آبادی، مرحوم جابری انصاری، استاد همایی و دیگران با استاد مهدوی، مراوده علمی داشتند، و او را به ادامه کار خود تشویق می‌کردند.

استاد مهدوی در طیّ حدود شصت سال تحقیق و پژوهش درباره چهره‌های علم و ادب و هنر اصفهان، چندین هزار مدخل جدید را گشود، و شرح حال بسیاری از معاصرین را فراهم کرد، و از این رهگذر، ذخایری ارزشمند و غنی برای پژوهندگان پس از خود گرد آورد، و چه بسا اگر همّت بلند او نبود، از سرگذشت و آثار بسیاری از مفاخر این شهر اطّلاعی نداشتیم.

استفاده از منابع نامکتوب و نامدوّن، مانند خاطرات، شرح احوال اشخاص از زبان خود آنان (اتوبیوگرافی)، و ثبت و ضبط اطّلاعات کتیبه‌های آثار تاریخی و الواح قبور، باعث شد آثار ایشان از حدّ نقل قول صرف از کتاب‌ها خارج شود، و جنبه عینی به خود بگیرد.

حجم عظیم کتاب‌ها، فیش‌ها و یادداشت‌های ایشان نشان می‌دهد که او کاری را انجام داد که امروزه ده‌ها تن محقّق با یك دستگاه عریض و طویل اداری، و صرف میلیون‌ها و شاید میلیاردها تومان هزینه به پایان می‌رسانند. حال اینکه ایشان برای تألیفات خود، از هیچ جایی مأمور نشد، و حقوق دریافت نکرد، و شاید مانند سایر نویسندگان، تنها مختصری حقّ التّألیف از بابت چاپ آثار خود دریافت داشت. به این معنی که تمامی هزینه‌های سنگین تحقیق و پژوهش را از جیب خویش می‌پرداخت، و منتظر نبود تا

بودجه‌ای تصویب شود، مؤسّسه‌ای پدید آید، و هزینه تحقیق او را بپردازد.

این قناعت و نداشتن چشم‌داشت مادّی، و سخاوت در صرف هزینه از بودجه شخصی در راه پژوهش و تحقیق باعث شد تا ایشان بتواند فارغ از موانع و مشکلات سیستم اداری و دل بستن به این مقام و آن مؤسّسه، با شور و اشتیاق، کار خود را دنبال کند، و تا آخرین روزهای زندگی، در بستر بیماری همچنان بنویسد و تحقیق کند، و مانند استاد مهدوی کم نبوده‌اند که با این همّت، قناعت و سخاوت، گذشتن از رفاه خود و خانواده و صرف کردن هزینه برای علم، آثاری ارزشمند پدید آوردند، حال آنکه مؤسّسات فرهنگی و تحقیقاتی که قاعدتا باید بودجه خود را صرف تحقیق و چاپ آثار ارجمند فرهنگی می‌کردند، به راهی دیگر رفتند، و بودجه آنان در بوروکراسی اداری به هرز رفت، و یا در بده بستان‌ها و زد و بندهای سیاسی، حمایت از محقّقان فراموش شد، و مؤسّسات و نهادهای پژوهشی فقط ویترینی برای به نمایش گذاشتن توجّه مقامات به مقوله پژوهش بود و بس.

باری، استاد مهدوی با فروتنی و گزیدن گوشه انزوا بدون اینکه در محافل و جلسات عمومی بخواهد خودنمایی کند، به خود ببالد، و یا کنار گود تحقیق بایستد، و به کار محقّقان دیگر ایراد بگیرد، آستین همّت بالا زد، و به کار خویش پرداخت.

زندگی‌نامه نویسنده کتاب

خاندان مهدوی

خاندان مهدوی، از خاندان‌های علمی قدیم اصفهان هستند، و از دوره صفویّه تا امروز، علماء، ادباء و دانشمندان بسیاری از میان این خانواده برخاسته‌اند، و در این کتاب شرح حال و آثار آنان را مطالعه خواهید فرمود.

پدر و مادر

حاج سیّد شهاب الدّین محمّد تقی نحوی پدر عالی‌قدر استاد مهدوی از علمای محترم اصفهان در اواخر دوره قاجاریّه، و دانشمندی محقّق و اهل مطالعه بود. مادر استاد مهدوی، زنی مؤمنه و صالحه، و دختر عالم ربّانی و فقیه صمدانی، آخوند ملّا حسین کرمانی بود.

نام و شهرت

نام اصلی استاد مهدوی، محمّد حسین و لقب وی مصلح الدّین است؛ امّا ایشان به «مصلح الدّین» معروف بود، و نام کوچکش متروك مانده بود. نام خانوادگی ایشان و برادرانشان مهدوی بود؛ ولی پدر و عموهای او به نحوی معروف بودند.

تولّد و کودکی

تولّد ایشان در 15 محرّم 1334 ق در اصفهان روی داد. پدرش از کودکی نسبت به تربیت او اهتمام نمود؛ امّا هنوز مصلح الدّین 6 ساله نشده بود که پدر از دنیا رفت، و مادر و

برادران بزرگـتر او، سرپرستی‌اش را برعهده گرفتند.

تحصیل در مدارس جدید

در هفت‌سالگی برای تحصیل به مدرسه «اقدسیّه» به مدیریّت شیخ محمّد حسین مشکات زفره‌ای و نظامت نور علی باستی رفت. سپس به مدرسه گلبهار وارد شد. این مدرسه زیر نظر سیّد هاشم عدنانی اداره می‌شد. مقطع متوسّطه را در دبیرستان سعدی به مدیریّت محمّد تقی خان صدری طی نمود. دبیران آن موقع دبیرستان، از چهره‌های فاضل و دانشمند اصفهان شمرده می‌شدند؛ از جمله سیّد علی خان نوربخش آزاد و ملّا محمّد همامی که کلاس درس آنان بسیار پربار بود.

تحصیلات حوزوی

استاد مهدوی هنگام تحصیل در دبیرستان، به تحصیل علوم حوزوی پرداخت، و تا سال‌های بعد، آن را ادامه داد. استادان ایشان در این زمان عبارت بودند از:

1. ملّا محمّد همامی 2. حاج میرزا محمّد باقر امامی 3. آقا کمال الدّین خوانساری 4. شیخ عبد الوهاب زاهدی 5. سیّد حسن مدرّس هاشمی 6. میرزا محمّد علی معلّم حبیب‌آبادی 7. آقا شیخ حسن داورپناه (قاضی عسکر) 8. آقا سیّد صدر الدّین کوپایی.

تحصیلات دانشگاهی

وی در سال 1315 ش به تهران رفت، و در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت. استادان او در این دوره، محمّد حسین فاضل تونی، سیّد محمّد کاظم عصّار، دکتر رضازاده شفق و دیگران بودند. او در سال 1317 به خدمت سربازی اعزام شد.

سفر به عتبات

او در سال 1323 ش به عتبات عالیات سفر، و با عدّه‌ای از علمای آن دیار دیدار کرد. او

در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی نزد همشهری خود شیخ ابو الفضل معزّی رفت، و آن دو، خدمت شیخ آقا بزرگ تهرانی رسیدند، و از ایشان اجازه روایت دریافت کردند.

تدریس

وی چندین سال در تهران به تحقیق و مطالعه پرداخت. در سال 1331 به استخدام آموزش و پرورش درآمد، و مدّتی در دبیرستان پهلوی سابق به تدریس پرداخت. سپس به اصفهان منتقل شد، و در دبیرستان‌های ادب، گلبهار و سعدی به تدریس تاریخ، جغرافیا منطق و تعلیمات دینی پرداخت.

او برای تدریس در دبیرستان‌ها در زمان حکومت پهلوی، و دریافت حقوق از دولت از آیت‌اللهالعظمی بروجردی- قدّس سرّه- کسب اجازه کرد.

استاد مهدوی مقیّد بود همیشه با وضو به کلاس درس برود؛ چون علم و کلاس و تدریس را مقدّس می‌دانست؛ همچنین در تدریس خود، همواره دانش‌آموزان را نصیحت و ارشاد می‌کرد، و معارف دینی را به آنان می‌آموخت. او الگویی شایسته در گفتار و رفتار برای دانش‌آموزان و همکاران بود.

در عرصه پژوهش

مرحوم مهدوی از همان کودکی به مطالعه و تحقیق، اشتیاق فراوان داشت. هنگامی که ده سال بیشتر نداشت، در کتابخانه پدر به مطالعه می‌پرداخت، و گاه به مناسبت، در کلاس درس، آن‌ها را برای معلّمان خود در مدرسه گلبهار بیان می‌کرد، و باعث شگفتی و خوشحالی آنان می‌شد. آنان نیز که معلّمانی فاضل و اهل مطالعه بودند، این دانش‌آموز علاقه‌مند و با استعداد را تشویق می‌کردند.

اوّلین فعّالیت تحقیقی ایشان، تکمیل کتاب تذکرة القبور بود. او پس از آنکه یادداشت‌های فراوان برای کتاب آماده کرد، کتاب را به رجال اصفهان یا تذکرة القبور موسوم ساخت، و آن را در سال 1328 به چاپ رساند. پس از آن، درباره شعرای اصفهان به گردآوری مطلب و شرح حال پرداخت، و در سال 1335 کتاب تذکره شعرای معاصر

اصفهان را منتشر کرد.

پس از آن، چون خود و اجدادش از محلّه خواجو بودند، کتابی مختصر در تاریخ محلّه خواجو نوشت؛ همچنین پس از وفات آیت‌الله‌العظمی بروجردی کتابی در شرح حال ایشان منتشر ساخت.

در کنار این فعّالیت‌ها به گردآوری احادیث و شرح حال چهارده معصوم علیهم السّلام علاقه زیاد داشت؛ لذا کتابی با عنوان عطیّة الجواد و کتاب تاریخ سامرّا و زندگانی عسکریین علیهما السّلام را به چاپ رسانید.

همچنین جهت تدوین کتاب درسی تعلیمات دینی برای دبیرستان‌ها با تعدادی از دبیران دبیرستان‌های اصفهان همکاری داشت.

زنده‌یاد مهدوی، اغلب اوقات فراغت خود را صرف یادداشت‌برداری از کتاب‌ها، جست‌وجو در آثار و ابنیه تاریخی اصفهان می‌نمود، و هر روز که می‌گذشت، بر دامنه تحقیقات و بررسی‌های خود می‌افزود.

او پژوهش‌گری امانت‌دار بود. همیشه در نوشتن منبع مطالب خود اصرار داشت، و سعی می‌کرد مطلبی را بدون مأخذ نقل نکند، علاوه بر کتاب‌ها، از افراد مطّلع نیز در تهیّه مطالب مورد نظر خود استفاده می‌کرد، و از نسخه‌های خطّی، کتیبه‌های ابنیه تاریخی و اسناد بهره می‌برد. او مطالب نقل شده از کتاب‌ها را مورد بررسی و نقد قرار می‌داد، و تلاش می‌کرد اشتباهات آن‌ها را رفع کند، و مطالب را مستند و دقیق به چاپ برساند.

او همواره چهره‌ای متبسّم داشت، و با گشاده‌رویی با دیگران برخورد می‌کرد، و معلومات و اطّلاعات خود را که حاصل سال‌ها زحمت و مرارت بود، بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی در اختیار محقّقان قرار می‌داد، و از راهنمایی و کمك به علاقه‌مندان فرهنگ و تاریخ دریغ نمی‌کرد، و در این کار حوصله‌ای عجیب داشت.

مصاحبان و دوستان

زنده‌یاد مهدوی با اغلب محقّقان، ادباء و فرهیختگان اصفهان، دوستی، رفاقت و مصاحبت داشت؛ از جمله مرحومین میرزا محمّد علی معلّم حبیب‌آبادی، استاد همایی،

استاد بدر الدّین کتابی، استاد جعفر نوا، عبّاس بهشتیان و ....

و همچنین فضلاء و استادان بزرگواری که در قید حیات هستند؛ علّامه محقّق حاج سیّد محمّد علی روضاتی، دکتر لطف الله هنرفر، دکتر سیّد محمّد باقر کتابی، دکتر ابو القاسم سرّی و ...

استاد مهدوی در آثار خود، حقّ رفاقت را درباره آنان به‌جا آورده، و به نیکی از آنان یاد کرده است.

مراسم تقدیر از استاد

خوش‌بختانه در زمانی که استاد مهدوی در قید حیات بودند؛ یعنی در آذرماه 1373 ش مراسم تجلیل و تقدیر از مقام شامخ ایشان برگزار شد.

این مراسم در سالن اداره برق اصفهان برگزار شد، و میهمانان و سخنرانان مراسم، آقایان دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، دکتر مهدی محقّق، دکتر محمّد باقر کتابی، دکتر قادریان، استاد منوچهر قدسی و استاد تیموری درباره خدمات و فعّالیت‌های استاد در عرصه تعلیم و تربیت و پژوهش و نگارش سخن گفتند، و استاد اکبر جمشیدی و آقای خسرو احتشامی در وصف ایشان اشعاری را که سروده بودند، قرائت کردند. سپس هدایایی از طرف صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شهرداری اصفهان و شرکت برق منطقه‌ای اصفهان به ایشان اهداء شد.

کتابخانه استاد مهدوی

استاد مهدوی کتابخانه‌ای شخصی با چندین هزار جلد کتاب چاپی و خطّی داشت که اغلب نسخه‌های خطّی آن از پدر بزرگوارش به او ارث رسیده بود. کتاب‌های چاپی کتابخانه نیز از کتب رجال، حدیث، ادبیّات و تاریخ بود، و اغلب کتاب‌های نایاب و کمیاب در آن یافت می‌شد. پس از وفات، بخشی از نسخه‌های خطّی به کتابخانه ابن مسکویه اصفهان اهدا شد، و بخشی از کتاب‌ها به قم انتقال یافت که اینك زینت‌بخش کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به مدیریّت نسخه‌شناس ارجمند جناب حجّت الاسلام و المسلمین

آقای سیّد احمد حسینی اشکوری- مدّظلّه- است.

برخی از نسخه‌های خطّی کتابخانه استاد مهدوی در فهرست نسخه‌های خطّی مرکز احیاء میراث اسلامی معرّفی شده است.

مشایخ اجازات

شادروان مهدوی از تعدادی از علمای عالی‌قدر موفّق به دریافت اجازه نقل حدیث شد که عبارتند از حضرات آیات:

1. حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی 2. سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی 3. حاج میر سیّد علی علّامه فانی 4. حاج سیّد مصطفی صفایی خوانساری 5. حاج شیخ محمّد علی اراکی 6. حاج سیّد ضیاء الدّین علّامه 7. حاج شیخ محمّد باقر کمره‌ای 8. سیّد محمد شیرازی 9. حاج سیّد اسماعیل هاشمی 10. حاج سیّد محمّد علی موحّد ابطحی 11. حاج سیّد محمّد علی روضاتی.

وفات

استاد سیّد مصلح الدّین مهدوی پس از عمری پربرکت، تألیف ده‌ها کتاب ارزنده، پرورش صدها شاگرد در آموزش و پرورش و خدمت به اسلام و مسلمین، سرانجام در روز یك‌شنبه 4 تیرماه 1374 ش برابر با 6 محرّم 1416 ق پس از تحمّل یك بیماری طولانی، چشم از جهان فروبست، و به دیار باقی شتافت. به دنبال انتشار خبر درگذشت استاد، بسیاری از شاگردان، دوستان و علاقه‌مندان ایشان و استادان علم و ادب، این ضایعه را به خانواده ایشان تسلیت گفتند، و در مراسم تشییع، تدفین، ترحیم، هفته و چهلم و سالگرد ایشان حضور یافته، و ارادت و علاقه خود را به استاد، ابراز نمودند. پیکر مطهّر استاد در آرامگاه خانوادگی مهدوی واقع در تخت فولاد اصفهان به خاك سپرده شد.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

در وصف استاد

چه در زمان حیات، و چه در هنگام درگذشت زنده‌یاد مهدوی، بسیاری از شعراء در مدح ایشان اشعاری سروده‌اند.

از جمله دکتر ابو القاسم سرّی پس از دیداری که با ایشان داشتند، مثنوی زیبایی در وصف ایشان سروده‌اند:

غمگین ز منافقیّ ایّام — پیری است بزرگ مهدوی‌نام

آزاده نهاد مصلح الدّین — فارغ ز سرشت زشت و از کین

سر خیل همه نسب شناسان — از دیونژادگان هراسان

پاکیزه نهاد نغز گفتار — یك‌تن به شمار لیك بسیار

کاوشگر رفتگان این راه — تن خسته ولیك جان آگاه

گوژ آمده از سپهر بد یوز — در کار سخنوری شب و روز

این مرد چو چشم اصفهان است — این شهر که نیمی از جهان است

از اهل خرد به او درود است — تارش فضل است و علم پود است

محفوظ ز سرخط امانی — بسیارش باد زندگانی

در گوشه خانه‌ای نشسته — دل از همه جز خدا گسسته

لب بسته ز گفت‌وگوی اوهام — در بسته به روی مردم خام

خم گشته قد نحیف و بازو — بگشاده رخ و شکفته ابرو

پیچیده به خود عبای خود را — بنموده عیان صفای خود را

بی‌هیچ ریا و هیچ گفتار — پیوسته به راه علم در کار

کوشیده بسی شبان و روزان — از آتش عشق و فضل سوزان

کاویده بسی کتاب‌ها را — پیموده ره صواب‌ها را

در مجتمع ادب‌شناسان — سرخیل همه نسب‌شناسان

خالیست سرایش از غریبان — دل‌بسته به الفت حبیبان

پیریش به تن فکنده چنبر — از تنش توان ربوده دیگر

یك چشم تمام گشته تاری — پیوسته به یاد لطف باری

اعلام اصفهان، ص: 30

گر مهدوی‌اش پدر لقب داد — درس ادب و خط ادب داد

دور از سرطان خودنمایی — در گوشه شهر آشنایی

30 آبان 1372 خورشیدی

تألیفات و آثار

الف) کتاب‌های چاپ شده

1. رجال اصفهان یا تذکرة القبور.

2. مختصری از تاریخچه محلّه خواجو و وقفـنامه حمّام شریف.

3. تذکره شعرای معاصر اصفهان.

4. زندگی‌نامه آیت‌اللهالعظمی بروجردی.

5. تاریخ سامرّا و زندگی عسکریین علیهما السّلام.

6. تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان.

7. تعلیمات دینی، دوره پنج جلدی، با همکاری سایر دبیران اصفهان.

8. ارمغان اصفهان یا شرح حال و شاگردان آیت‌الله میر سیّد علی بهبهانی.

9. عطیّة الجواد علیه السّلام.

10. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر یا بیان سبل الهدایة فی ذکر اعقاب صاحب الهدایه، سه جلد.

11. بیان المفاخر، در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و مآثر حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی، دو جلد.

12. خاندان شیخ الاسلام اصفهان.

13. یادنامه فقیه اهل بیت سیّد بحر العلوم میردامادی.

14. زندگی‌نامه علّامه مجلسی، دو جلد.

15. سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان (لسان الارض).

16. ابطال الصّفا فی ذکر اسماء الشّهداء (یاران باوفای امام حسین علیه السّلام.

17. تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون.

18. مزارات اصفهان.

ب) آثار چاپ شده در ضمن کتاب‌های نویسندگان دیگر

1. «شرح حال ابراهیم سرّی پوده‌ای»، در مقدّمه دیوان سرّی.

2. «شرح حال حاج میرزا ابو الحسن آل رسول موسوی شمس‌آبادی (شهید اصفهانی) و خاندان او»، در مؤخّره کتاب تحفة الابرار.

3. «شرح حال سه نفر از خاندان عالم زاهد جلیل حاج محمّد ابراهیم کلباسی» در مقدّمه کتاب حقوق زن در اسلام وارث.

4. مقاله‌ای درباره «نقش اصفهان در جنبش تحریم تنباکو»، چاپ شده در کتاب سده تحریم تنباکو.

5. «غایة الآمال و الامانی (شرح حال سیّد هاشم بحرانی)» در مقدّمه کتاب اللّوامع النّورانیّه.

6. «اصفهان یا دار العلم شرق (فهرست اجمالی مدارس دینی اصفهان)» در کتاب محیط ادب.

7. «شرح حال آقا باقر خور اسکانی»، در کتاب خورشید جی.

ج) مقالات چاپ شده در مطبوعات

1. «همدم مردم (یادی از علّامه مجلسی)»، روزنامه رسالت.

2. «شرح حال حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی»، مجلّه نور علم.

3. «شرح حال آقا شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی»، مجلّه نور علم.

4. «شرح حال حاج آقا حسین عمادزاده، هفته‌نامه نوید اصفهان.

5. «شرح حال حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی»، هفته‌نامه نوید اصفهان.

6. «شرح حال سیّد کریم نیکزاد امیر حسینی»، هفته‌نامه نوید اصفهان.

7. «شرح حال آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، هفته‌نامه نوید اصفهان.

8. «به یاد تخت فولاد»، هفته‌نامه نوید اصفهان.

9. «مسجد سیّد اصفهان پایگاه مشروطیّت و انقلاب اسلامی»، هفته‌نامه نوید اصفهان.

د) مصاحبه‌ها

1. مصاحبه با مجلّه رشد معلم.

2. مصاحبه با فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر.

3. مصاحبه با گاه‌نامه آیین فرزانگی.

4. مصاحبه با رادیو سراسری جمهوری اسلامی ایران، پخش شده در برنامه سیمای فرزانگان (هر جمعه ساعت 5/ 7 صبح).

ه.) آثار چاپ نشده

1. تذکره شعرای اصفهان (متقدّمین).

2. گوهر گرانبها در مادّه تاریخ وفیات علما و شعرا.

3. تحفة السّفر.

4. شجره طيّبه يا سادات اصفهان.

5. انيس الفارغين، جنگ اشعار و متفرّقات.

6. كتاب‌شناسى قرآن مجيد.

7. امامزادگان اصفهان و توابع.

8. اربعين در فضائل امير المؤمنين عليه السّلام.

9. فدك و سير تاريخى آن.

10. اربعين، در ذكر چهل حديث درباره علماء.

11. كلمات المعصومين عليهم السّلام، به ترتيب موضوعى.

12. قرآن در احاديث، مجموعه احاديث با موضوع قرآن.

13. صحيفه جواديّه.

14. الحائريّون، مدفونين در كربلا.

15. به ياد كربلا.

16. الحجّة البالغة، احاديث در فضائل على و اهل بيت عليهم السّلام از كتب اهل سنّت.

17. شرح حال و كلمات قصار چهارده معصوم عليهم السّلام، چهارده جلد.

18. تاريخ كاظمين.

19. اعراب كلمات مشكله قرآن مجيد.

20. منطق و فلسفه.

21. خاندان شفروه اصفهان

22. خاندان خجنديان (آل خجند) و محدّثين شافعى اصفهان.

23. خاندان تركه اصفهان (آل تركه).

24. اشعرى‌هاى قم و اصفهان.

25. مستبصرين، در شرح حال كسانى كه شيعه شده‌اند.

26. گنجينه.

27. بهشت و جهنّم.

28. جغرافياى اصفهان، مأخوذ از كتاب ذكر اخبار اصفهان.

29. خاندان میرداماد.

30. شرح حال سادات بهشتی اصفهان.

31. خوانین بختیاری.

32. خاندان نصیری طوسی اصفهان.

33. روزنامه‌های اصفهان.

34. تاریخ تشیّع اصفهان و زندگانی حافظ ابو نعیم محدّث اصفهانی.

35. معاریف اصفهان.

36. مردان نامی اصفهان که اکنون در اختیار شما است، و با نام اعلام اصفهان منتشر می‌شود، در چندین مجلّد.

37. دار العلم شرق، تاریخ مدارس دینی اصفهان.

38. وفیات الاعوام، نام بزرگان علم و حکمت برحسب سنوات وفات آن‌ها.

39. مجموعه موضوعی آیات قرآن، هفتاد موضوع.

40. شرح حال آقا سیّد ابو القاسم دهکردی.

41. شرح حال میر سیّد علی نجف‌آبادی.

42. شرح حال حاجیه خانم امین (بانوی ایرانی).

43. شرح حال ملّا محمّد حسین فشارکی.

44. شرح حال سیّد ابو الحسن مرتضوی کرونی.

45. شرح حال سیّد محمّد نجف‌آبادی.

46. شرح حال میر سیّد حسن روضاتی.

47. شرح حال جهانگیر خان قشقایی.

48. شرح حال حاج میرزا یحیی مستوفی بیدآبادی.

49. شرح حال میرزا علی آقا شیرازی.

50. شرح حال آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای.

51. شرح حال سیّد اسماعیل صدر.

52. شرح حال ملّا محسن فیض.

53. شرح حال شیخ مفید.

54. شرح حال ثقةالاسلام کلینی.

55. ارشاد النّاس یا شرح حال شیخ عبّاس مصباح دستگردی.

56. شرح حال خواجه نصیر الدّین طوسی.

57. تذکره المعاصرین

، ناتمام.

58. کتاب‌هایی که خوانده‌ام.

اعلام اصفهان، ص: 34

[3]

اعلام اصفهان ؛ ص34

آشنایی نگارنده با مؤلّف این کتاب

سال‌های آخر دبیرستان بودم، و به خاطر علاقه‌ای که به تاریخ و ادبیّات داشتم، یادداشت‌هایی فراهم کرده بودم. وقتی که کتاب‌هایی از مرحوم استاد مهدوی مثل تذکرة القبور (رجال اصفهان) و دانشمندان و بزرگان اصفهان را از کتابخانه‌ها به امانت گرفتم و خواندم، بسیار مشتاق شدم که ایشان را ببینم. خوش‌بختانه ایشان مقاله‌ای در اعتراض به بی‌توجّهی به تخت فولاد و تخریب و انهدام آن، در هفته‌نامه نوید اصفهان نوشته بودند. از مدیر هفته‌نامه، آقای دکتر فضل الله صلواتی آدرس و تلفن ایشان را گرفتم، و موفّق به دیدار استاد مهدوی شدم. اگرچه من در آن زمان یك محصّل دبیرستانی کم تجربه بیش نبودم؛ امّا ایشان با مهربانی و ملاطفت و تواضع، مرا به حضور پذیرفت، یادداشت‌ها و نوشته‌هایم را با حوصله مطالعه کرد، و به خطّ خود، برخی اشتباهات آن‌ها را اصلاح، و یا توضیحاتی به آن‌ها اضافه کرد.

این، آغاز یك رابطه دوستانه و علمی بود که حدود هفت سال؛ یعنی تا آخر عمر استاد به طول انجامید. هر هفته، پنج‌شنبه و یا جمعه و یا هر دوهفته یك‌بار به زیارت استاد نائل می‌شدم، و از خرمن دانش و معلومات و تجربیّات ایشان بهره‌مند می‌شدم. علاوه بر آن، میهمان‌نوازی ایشان و خانواده محترم، همیشه موجب شرمندگی این حقیر می‌شد.

ایشان مهم‌ترین مشوّق این جانب در ادامه کارهای تحقیقی و مطالعاتی بود. تحقیقات تازه بنده را می‌دید، و درباره آن‌ها نظر می‌داد. کتاب‌ها و منابع را معرّفی می‌کرد، و گاه کتاب‌هایی را به امانت می‌داد. افسوس که این روزها مثل برق و باد گذشت، گویی لحظه‌ای بیش نبود.

سرانجام، تقدیر آن بود که این عزیز، از میان ما کوچ کند، و به جوار رحمت بی‌منتهای الهی مقیم شود. این مفارقت و جدایی، برای این مرید و شاگرد شیفته، سخت دشوار بود؛ امّا یاد و خاطره ایّام مصاحبت و راهنمایی‌ها و رهنمودهای او تا حدودی تحمّل این جدایی را بر من آسان می‌کرد.

آنچه بیشتر مرا نگران و ناراحت می‌کرد، این بود که ایشان نتوانست همه آثار خود را تدوین و تنظیم کند، و چاپ و انتشار آن‌ها را به چشم خود ببیند.

اعلام اصفهان، ص: 35

اکنون اگرچه خود را لایق و شایسته گردآوری و تدوین آثار استاد، جهت چاپ نمی‌دانم؛ امّا خوشحالم که بالاخره زمینه‌ای فراهم شد تا بتوانم دین خود را به ایشان ادا کنم.

امیدوارم انتشار این اثر، باعث شادی روح ایشان و باقیات الصّالحات او در سرای باقی باشد.

---

[3] مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

درباره نام کتاب

مرحوم مهدوی نام مشخّصی بر روی این کتاب ننهاده بود، در برخی از اوقات، آن را مردان نامی اصفهان و گاهی رجال اصفهان می‌نامید.

بنا به پیشنهاد حقیر، و پذیرش وصیّ محترم مؤلّف، جناب آیت‌الله آقای حاج شیخ هادی نجفی، کتاب، اعلام اصفهان نامیده شد.

استفاده از کلمه «اعلام» به معنی شخصیّت‌های برجسته، بزرگان علم و ادب و مشاهیر فرهنگ و تاریخ، مسبوق به سابقه است، کتاب الاعلام تألیف زرکلی و طبقات اعلام الشّیعة تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی نمونه‌هایی از کاربرد لغت «اعلام» است.

روش تدوین، تنظیم و تصحیح کتاب

با پیشنهاد دوست گرامی جناب آقای رحیم قاسمی و همکاری خانواده مرحوم استاد مهدوی و وصیّ محترم ایشان- آیت‌الله حاج شیخ هادی نجفی یادداشت‌ها و آثار ایشان جهت تحقیق و بررسی در اختیار نگارنده قرار گرفت.

اثری که اکنون پیش روی شما است، مجموعه‌ای است برگرفته از فیش‌های تحقیقی و شرح حال‌های مدوّن و نامدوّن که بالغ بر چندین هزار فیش می‌شود.

همچنین مرحوم مهدوی در چندین دفتر به صورت الفبایی، شرح حال بزرگان اصفهان را گردآوری و تدوین کرده، و آن را رجال اصفهان نامیده بود؛ ولی تألیف آن به اتمام نرسیده، و برخی از صفحات، نانوشته و سفید باقی مانده است.

این دفترها به قطع وزیری و دوازده دفتر است:

1. جلد اوّل (آ- الف) تا شرح حال ابراهیم آذینوه.

2. جلد دوم (باب ابو- ابی) تا شرح حال اثرم.

3. جلد سوم (باب الاحامد- احمدین) تا شرح حال احمد بختیاری.

4. جلد چهارم (از اختر تا آخر حرف الف) تا شرح حال ایزدگشسب.

5 و 6. جلد پنجم (باب الباء، باب التّاء) تا شرح حال «تنها»، در دو دفتر، یك دفتر (باب الباء) و دفتر دوم (باب التّاء).

7. جلد ششم (باب الثّاء- باب الجیم) تا شرح حال حاج شیخ جمال الدّین خوانساری.

8. جلد هفتم (باب الحاء) تا شرح حال حیرت.

9. جلد هشتم (باب الخاء) تا شرح حال خال بختیاری.

10. جلد هشتم (باب الرّاء) تا شرح حال رجالی.

11. جلد هشتم (باب الصّاد- باب الضّاد تا باب الطّاء) تا شرح حال طوطی.

12. جلد هشتم (باب المیم) تا شرح حال حاج مطهّر علی شاه.

و آخرین منبع تدوین کتاب، استفاده از تألیفات چاپ‌شده زنده‌یاد مهدوی بود.

امّا مراحل انجام کار:

ابتدا فیش‌های اسامی «آ» و «الف» به ترتیب نام کوچك و نام پدر مرتّب شد. پس از اتمام کار، نگارش و تدوین کتاب آغاز شد. شرح حال‌هایی که استاد مهدوی به‌طور مستقل نوشته بود، پاك‌نویس شد، و ضمن تطبیق با تألیفات چاپ‌شده ایشان، با منابع دیگر نیز تطبیق داده، و مطالب جدید در متن گنجانده شد.

بسیاری از شرح حال‌ها نیز مدوّن نبود؛ لذا فیش‌های متعدّد راجع به یك شخصیّت، مثلا تألیفات، زندگی‌نامه، شاگردان و غیره، در نگارش شرح حال مدوّن هر شخص، مورد استفاده قرار گرفت، و با سایر منابع، تطبیق داده شد.

در این مرحله، از دفاتر رجال اصفهان و نیز کتاب‌های چاپ‌شده استاد نیز استفاده شد، و شرح حال‌ها تکمیل گردید.

بنا به پیشنهاد وصیّ محترم مؤلّف، جناب حاج شیخ هادی نجفی شرح حال معاصرین و

نیز شخصیت‌هایی که در کتاب‌های رجالی دیگر آمده است، و مرحوم مهدوی موفّق به نوشتن شرح حال آنان نشده‌اند نیز به کتاب افزوده شد.

افزوده‌های مصحّح کتاب، به دو صورت از متن اصلی کتاب متمایز شده است:

1. در صورتی که کلّ شرح حال یا مدخل در آثار چاپ شده و یا چاپ نشده مرحوم مهدوی موجود نباشد، در کنار عنوان، با ستاره (*) مشخّص می‌شود.

2. در صورتی که مطالبی برای تکمیل شرح حال به متن کتاب افزوده شود، با علامت کروشه [] از متن اصلی متمایز می‌گردد.

در نگارش و رسم الخط، سعی شده است حتّی الامکان شیوه نگارش و انشای مؤلّف، حفظ شود تا در آینده، پژوهشگران بتوانند در باب انشاء و نثر این کتاب، اظهارنظر کنند. به این خاطر، تا حدّی که به شیوایی جملات، آسیبی نرسد، از تغییر نثر مؤلّف به شیوه نثر امروزی خودداری شد تا اصالت اثر حفظ شود؛ چرا که هر نثر، به یك مقطع زمانی خاص تعلّق دارد.

در همین‌جا لازم است یادآوری شود که محقّق، تمام تلاش خود را برای تهیّه کتابی پاکیزه، خواندنی، بدون غلط و جامع به کار بسته است؛ امّا فرصت اندك تدوین و تحقیق، عدم دسترسی به برخی منابع و شرح حال‌ها، حجم عظیم فیش‌ها و عجله‌ای که برای آماده کردن کتاب وجود داشت، خواهی نخواهی، باعث پیدایش اشتباهات، نقایص و مشکلاتی در این اثر گردیده است. این جانب مسئولیّت این اشتباهات و نقایص را برعهده می‌گیردم، و بنابراین، ساحت مؤلّف محترم از این اشتباهات مبرّا است.

امید است که خوانندگان ارجمند و محقّقان باریك‌اندیش و نویسندگان نکته‌سنج، این اشتباهات و قصورها را بر این حقیر ببخشایند، و امیدواریم از نظرات و انتقادهای محقّقان در مجلّدات بعدی استفاده کنیم. همچنین با عرض پوزش از محضر علماء، نویسندگان، هنرمندان، نویسندگان و بزرگانی که نام و شرح حال آنان از قلم افتاده است، امیدواریم که در آخرین مجلّد کتاب، تحت عنوان «استدراك»، جبران ما فات کنیم، و شرح حال آنان را زینت‌افزای کتاب قرار دهیم.

در تنظیم کتاب، با توجّه به آثار و تألیفات مرحوم مهدوی، و روش تراجم‌نویسان و

دانشمندان رجال، باب خاندان‌ها کنیه‌ها و نساء، به‌طور جداگانه، و با رعایت ترتیب حروف الفبا در کتاب گنجانده شد.

سپاس و قدردانی

خدای را سپاس می‌گویم که کار جمع‌آوری، تدوین، تصحیح و تکمیل این اثر ارزنده را نصیب این حقیر گردانید. امید که چاپ این کتاب، موجب شادی روح مؤلّف باشد، و این کتاب به عنوان مرجعی جامع، موثّق و قابل اعتماد برای محقّقین و علاقه‌مندان مورد استفاده قرار گیرد. برای مؤلّف محترم، آمرزش و غفران و علوّ درجات را از پیشگاه خداوند متعال خواهانم.

در پایان، بر خود واجب می‌دانم از همه عزیزانی که این جانب را در تصحیح و تکمیل این کتاب یاری رساندند، و یا مورد تشویق و عنایت خود قرار داده‌اند، قدردانی و تشکّر کنم:

- از آیت‌الله حاج شیخ هادی نجفی- مدّ ظلّه- که رهنمودها و حمایت‌های ایشان موجب به ثمر رسیدن فعّالیت‌ها و چاپ و نشر این اثر گردید.

- از خانواده‌های محترم مرحوم مهدوی، خصوصا همسر مکرّمه ایشان که سال‌ها در کنار آن فقید سعید، زمینه آرامش ایشان را برای تحقیق و تألیف فراهم ساختند، و نیز جناب آقای حاج حمید رضا فروغی داماد محترم مرحوم مهدوی که فیش‌ها و یادداشت‌های نویسنده فقید را در اختیار این جانب قرار دادند.

- همچنین از خانواده محترم آن مرحوم، به واسطه اینکه هزینه تحقیق را برعهده گرفته‌اند.

- از عالم فاضل محقّق، جناب حجّت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد سمامی حائری- دامت برکاته- و داماد ایشان، جناب آقای سیّد محمّد حسین روحانی- که مدّتی وقت را صرف تحقیق حروف «آ» و «الف» این اثر کردند.

- از دوست گرامی و محقّق پرتلاش آقای رحیم قاسمی- حفظه الله تعالی- که در فراهم آوردن این اثر، سهم عمده‌ای داشتند، و در تکمیل و تصحیح کتاب، با تهیّه شرح حال بسیاری از علمای معاصر اصفهان، و دقت و موشکافی ویژه و تأمین کتاب‌ها و منابع

مورد نیاز، به پیش‌برد کار، کمك کردند و پس از تکمیل حروفچینی کتاب نیز مطالب تکمیلی ارزشمندی به آن اضافه کردند که درون پرانتز جای داده شده است. و نیز طلبه فاضل، آقای سیّد جواد مهاجر که در فیش‌برداری مطالب به ما یاری رساندند.

- از جناب آقای محمّد رضا زادهوش که در مراحل فنّی، و حروفچینی کتاب تلاش فراوان داشتند.

- و سرانجام از شهردار محترم اصفهان آقای دکتر سقّاییان‌نژاد و رئیس مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل آقای دکتر چلونگر که چاپ و نشر این کتاب، مرهون فرهنگ‌دوستی و بذل عنایت آنان است، و نشان از علاقه ایشان به تاریخ و فرهنگ اصفهان دارد. سلامتی و بهروزی همه آنان را از محضر حضرت باری تعالی خواهانم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین

غلام رضا نصراللّهی

اوّل شوّال المکرّم 1427 ق

عید سعید فطر

2/ 8/ 1385

اجازات مؤلّف

() اجازه آیة الله حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی به مؤلف در پایان کتاب الاسناد المصفی الی آل المصطفی از مجیز

() اجازه آیت‌الله سیّد مصطفی صفایی خوانساری قدس سره به مؤلف

() ادامه اجازه آیت‌الله سیّد مصطفی صفایی خوانساری قدس سره به مؤلف

() اجازه آیت‌اللهالعظمی آقای سیّد علی علّامه فانی قدس سرّه

اعلام اصفهان، ص: 44

() اجازه مرحوم سیّد ضیاء الدّین علّامه قدس سرّه

اعلام اصفهان، ص: 45

() اجازه آیة الله العظمی شیخ محمد علی اراکی قدس سرّه

اعلام اصفهان، ص: 46

() اجازه آیة الله حاج شیخ محمد باقر کمره‌ای قدس سره

اعلام اصفهان، ص: 47

() اجازه آیت‌الله سیّد محمّد علی موحّد ابطحی قدس سرّه

اعلام اصفهان، ص: 48

() اجازه آیة الله سید محمد شیرازی قدس سره

اعلام اصفهان، ص: 49

اعلام اصفهان

آ- الف

اعلام اصفهان، ص: 51

آدم مدینی

ابو بشر آدم بن بشر بن آدم بن سعید مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی منسوب به مدینه است که امروزه به آنجا «شهرستان» می‌گویند، او از محمّد بن بکیر بن محمّد حضرتی روایت می‌نماید، و احمد بن محمّد بن نصیر از او نقل حدیث می‌کند.[4]

آدم بن سعید مدینی

از محدّثین قرن دوم هجری است. در اوائل زمان هارون الرّشید به مکّه مشرف گردیده است، و نقل می‌نماید که در حال طواف، بر وکیع بن جرّاح وارد شدم، و چهارصد مسأله از او پرسیدم، و جواب‌های آن‌ها را حفظ کردم. رسته و قاسم بن محمّد بن موسی فقیه معروف به «کاسولا» از او روایت می‌کنند.[5]

آذرپژوه

آذرپژوه، از اهالی اصفهان و معاصر خسرو پادشاه ساسانی بوده، و خود از شاگردان بزرگمهر، حکیم معروف و وزیر انوشیروان بوده، و به دستور شاه ساسانی، کتابی از زرتشت به نام زوره که به زبان پهلوی بوده است، و جهت پادشاه هند

---

[4] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 169.
[5] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 169.

فرستاده، و شاه هند آن را به خسرو رسانیده است را تفسیر کرده، و به شاه تقدیم نموده، و مورد پسند و قبول او واقع گردیده است. پادشاه دستور داد که نامه دهقان خداپرست را نیز مختصر کند. وی نیز آن را انجام داد، و به شاه تقدیم نمود.[6]

آذر شاپور

آذر شاپور فرزند آذرمانان، از مردم قریه هرستان ماربین اصفهان در کتاب سنی ملوك الارض و الانبیاء می‌نویسد که:

فیروز فرزند یزدجرد در یك‌صد و هفتاد سال قبل از اسلام به او دستور داد که با روی جی را که نیمه تمام و مخروبه بود، تجدید عمارت کند.[7]

این بارو نیز در طول تاریخ خراب گشته، و اثری از آن باقی نیست.

آذر نیوق

جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری در ضمن وقایع سال 91 هجری فتح اندلس (اسپانیا) را به دست طارق بن زیاد مولی موسی بن نصیر می‌نویسد: و آن زمان اندلس به دست آذرنیوق مردی از اهل اسپهان بود که نیاکانش شاهان عجم اندلس بودند، و آذرنیوق با تاج و جامه پادشاهی به میدان آمده، و طارق با همه لشکر، با او روبرو شده، و آذرنیوق کشته شده، آن ملك بزرگ در 92 کشته شد.[8]

آزاد اصفهانی

آزاد شاه اصفهانی، از شعرای عهد نادر شاه افشار بوده، و در همان سال‌ها وفات یافته است.

از او است:

ای خوش آن دیده که یابد نظر از منظر دوست
وی خوش آن جبهه که شود دست به خاك در دوست[9]

آشوبی نطنزی

آشوبی نطنزی از شعرای قرن دهم هجری است. وی شعر می‌سروده، و خطّ نستعلیق را خوش می‌نوشته است.[10]

میر آصف قزوینی

میر آصف قزوینی، عالم فاضل زاهد، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری، در قزوین و اصفهان تحصیل نموده، و به مراتب عالی علم و کمال دست یافته است. پس از اتمام تحصیلات، چندی در قزوین و تفلیس و سایر شهرها سفر کرده، و به تربیت شاگردان

---

[6] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 397؛ فهرست کتابخانه ملّی، ج 9، ص 625.
[7] . سنی ملوك الارض و الانبیاء، ص 38؛ آثار ملّی اصفهان، ص 3.
[8] . تاریخ اصفهان و ری، ص 42.
[9] . تذکره روز روشن، ص 6.
[10] . احوال و آثار خوشنویسان، ج 1، ص 1.

دانشمند مشغول بود. بالاخره به اصفهان آمد، و مدّتی پس از محاصره اصفهان به دست افغان‌ها در سال 1136 ق وفات یافت. وی را شرحی است بر خطبه همام از خطب حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام.[11]

میرزا آقا بابا ثابت اصفهانی*

میرزا آقا بابا ثابت اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و در سرودن انواع شعر و فنّ مادّه تاریخ‌سرایی مهارت داشته است. این مادّه تاریخ در رثای شخصی به نام حاج علی اصفهانی از او است:

با دل زار از پی تاریخ او ثابت نوشت: »بزم جنّت مسکن حاجی علی شد زین جهان[12]«

آقا بابا خرّم اصفهانی

آقا بابا متخلّص به «خرّم»، شاعر اصفهانی مقیم قزوین، در آن شهر به دستور علی قلی میرزا کتاب جلاء العیون را در جنگ‌ها و شهادت یاران حضرت رسول اکرم صلّی الله علیه و آله به نظم آورده است. از اشعار او است:

گر بر سرم نهد شه دلدل سوار پای — بر فرق فرقدان نهم از افتخار پای

بنهاد پا به دوش شهی کز شرف نهاد — با موزه بس فراتر از این نه حصار پای

باعث اگر نبود وجودت نمی‌نهاد — هرگز برون ز کتم عدم روزگار پای

***

به چه کار آیدم اگر نکنم — نقد جان را فدای سیمبری

اثری نیست ناله را خرّم — ور نه می‌کرد در دلش اثری[13]

آقا بابا عارض اصفهانی

آقا بابا اصفهانی متخلّص به «عارض» شاعر ادیب، در اصفهان می‌زیسته، و از راه پاره‌دوزی امرار معاش می‌کرده، در سال 1228 وفات یافته، و این بیت از او است:

دلبرم در بر و پرسم ز کسان یار کجاست — تا که اغیار ندانند که دلدار کجاست[14]

---

[11] . تتمیم امل الآمل، صص 48- 49؛ نجوم السّماء، صص 273- 274؛ فوائد الرّضویة، ج 1، ص 53؛ ریحانة الادب، ج 2، صص 447- 448؛ الذّریعة، ج 7، ص 113؛ الکواکب المنتشره، ص 17؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 43- 44؛ اعیان الشّیعة، ج 5، ص 8.

[12] . تراجم الرّجال، ج 1، صص 111- 112؛ تذکره شعرای فارسی‌سرا، صص 59- 60؛ فهرست مرعشی، ج 18918.

[13] . تذکره سفینة المحمود، ص 495.

سیّد آقا خلیفه سلطانی

سیّد آقا خلیفه سلطانی فرزند میرزا اسماعیل، عالم فاضل از تألیفات او است: 1. شرح بر کتاب سرمایه ایمان تألیف ملّا عبد الرزّاق لاهیجی؛ 2. شرح خلاصة الحساب شیخ بهایی[15].

آقاجونی معمار

آقاجونی، معمار اصفهانی، از معماران هنرمند قرن سیزدهم هجری است. وی بسیاری از مساجد، امامزاده‌ها و اماکن متبرّکه را ساخته، و یا مرمّت نموده است. از جمله آثار او مسجد رحیم خان در اصفهان است که در سال 1304 ق آن را ساخته است.[16]

ملّا آقاجان زفره‌ای

حاج ملّا آقاجان بن حاج محمّد علیّ بن عبد الله زفره‌ای، عالم فاضل، در سال 1257 ق متولّد [شده]، و در 1334 ق وفات یافته است، از بزرگان قریه «زفره» کوهپایه است[17].

آقاجان کاشی‌پز*

آقاجان کاشی‌پز، فرزند آقا مؤمن، از هنرمندان دوره قاجاریّه است. در هنر کاشی‌سازی از اساتید بزرگ روزگار خود بود، و آثار ارزنده‌ای از خود به جای گذاشت. کاشی‌های مسجد سیّد اصفهان که سال نصب آن‌ها 1325 ق است از آثار ارزشمند او است. آقاجان کاشی‌پز در سال 1336 ق در اصفهان وفات یافت، و در تکیه میرزا ابو المعالی کلباسی واقع در تخت فولاد مدفون گردید[18].

میرزا آقا خان محاسب الدّوله

میرزا آقا خان محاسب الدّوله معروف به مصفّی فرزند حسینقلی خان [بن میرزا محمّد خان بن بیگلر خان اصفهانی] فاضل ادیب عارف، از دانشمندان مشهور و عرفا و ریاضی‌دانان معروف اصفهان بود. وی در سال 1274 ق در تهران متولّد شد، [و در مدرسه دار الفنون به تحصیل پرداخت]، نزد میرزا عبد الغفّار خان نجم الدّوله اصفهانی ریاضیات را

تکمیل نمود، و از سال 1312 به اصفهان آمد، و در بانك شاهی مشغول خدمت گردید. وی به دستیاری مردم حاج شیخ علی اکبر شیخ الاسلام و میرزا مسیح خان حافظ الصّحه و میرزا علی اکبر خان سرتیپ، مدرسه ایتام را تأسیس نمود که در آن، عدّه‌ای قریب پنجاه نفر از ایتام را سرپرستی نموده، و درس دادند، از سال 1323 نام آن به مدرسه علیّه و ایتام تبدیل گردید، و در این اواخر نام ایتام از آن حذف شد، و اکنون در محلّ اوّلیه، باقی و به مدرسه علیّه معروف است.

محاسب الدّوله از آزادی‌خواهان معروف و عضو انجمن ولایتی اصفهان بود، و از مشروطه‌خواهان به شمار می‌رفت.

وی از عرفای اصفهان است که از طرف ظهیر الدّوله جانشین صفی‌علی شاه اجازه دستگیری و ارشاد داشت، و در اواخر، ارادت به آقا میرزا عبّاس پاقلعه‌ای پیدا کرد، و به جرگه صوفیّه مریدان ذو الرّئاستین پیوست.

---

[14] . تذکره شبستان ص 213 مجمع الفصحاء ج 3 ص 1144، تذکره دلگشا ص 489، سفینة المحمود ص 409، تذکره اختر ص 145، مجمع الفصحاء ج 5 ص 730 و 731

[15] . اعیان الشّیعة، ج 10، ص 511.

[16] . دائرةالمعارف تشیّع، ج 2، ص 124.

[17] . منتخب اشعار رجاء زفره‌ای، ج 2، ص 89؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 209.

[18] . گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص 673- 674؛ تخت فولاد سرزمین جاویدان، نسخه تایپی؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 105؛ دائرةالمعارف تشیّع، ج 1، ص 124.

مشار الیه در غرّه جمادی الاوّل سال 1256 ق در اصفهان وفات یافت، و در ایوان بقعه مرحوم آقا سیّد حسن مدرّس مدفون گردید. کتب زیر از آثار قلمی او است:

1. تاریخچه مدرسه دار الفنون 2. تاریخ عمومی سلاطین اروپا 3. تاریخ مصر 4. اصول جبر و مقابله، مطبوع 5. اصول جغرافیایی کره زمین[19].

آقا کوچك قمشه‌ای

آقا کوچك قمشه‌ای، از عرفاء، در سال 1297 قمری وفات یافت، و در صحن تکیه مادر شاه‌زاده، جنب قبر حاج صادق تخت فولادی، در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفاتش را [میرزا حسن قمشه‌ای متخلّص به] «مفتون» گوید:

بهر تاریخ وفاتش کلك «مفتون» زد رقم: »زبده آل سلوك اندر جنان شد رستگار[20]«

آقا گلی اصفهانی*

آقا گلی اصفهانی، از صنعتگران هنرمند اصفهان در اواخر قاجاریّه است. وی در اصفهان به ساختن تار و سنتور می‌پرداخته است[21].

آقایی اصفهانی

آقایی فرزند رجب علی شریف اصفهانی، از فضلا و نویسندگان کتب در قرن 13 هجری.

از آثارش کتابت نسخه‌ای است از کتاب نخبه، رساله عملیّه حاجی کلباسی که آن را در سال 1240 ق به خطّ نسخ، کتابت نموده است که به شماره 1054 در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است.[22]

آل ترکه

آل ترکه یکی از خاندان‌های معروف شیعه در اصفهان هستند که چندین قرن به علم و ریاست شهرت داشته‌اند.

جدّ اعلای آنان از خجند به اصفهان آمده، و در این شهر سکونت نموده است، و چون ایشان از نژاد ترکان ترکستان می‌باشند، به «ترکه» شهرت یافته‌اند. این خاندان علمی و ادبی تا قرن یازدهم هجری در اصفهان حضور داشته‌اند، و مقابر آنان جنب مسجد لبنان بوده، و از بین رفته است، و اثری از آن باقی نیست. اکنون به شرح حال عدّه‌ای از حکماء، عرفاء، علماء و شعرای این خاندان می‌پردازیم.

آل ترکه- ابو الهادی*

ابو الهادی ترکه اصفهانی، از فضلای اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده، و مجاز از مولی محمّد تقی مجلسی- علیه الرّحمه- است. تاریخ اجازه، 14 صفر المظفّر سال 1058 ق

---

19 . اعیان الشّیعة، ج 6، ص 11؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 156؛ مکارم الآثار، ج 6، ص 2063؛ دایرةالمعارف دانش بشر، ص 1191؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج 1، ص 46؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 47- 48؛ مزارات اصفهان، صص 168- 169.

20 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 225؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 49- 50؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 93؛ تاریخ اصفهان(تکایا و مقابر)، ص 121.

21 . سرگذشت موسیقی ایران، ج 1، ص 170؛ تاریخ موسیقی ایران، ج 2، ص 699.

22 . فهرست گوهرشاد، ص 191.

می‌باشد.[23]

آل ترکه- خواجه حبیب الله

خواجه حبیب الله ترکه، از دانشمندان قرن دهم هجری بوده، و منصب قضاوت را در این شهر برعهده داشته است. شعر نیز می‌سروده، و رباعیّاتی از او در دست می‌باشد.[24]

آل ترکه

ضیاء الدّین علی ترکه اصفهانی فرزند خواجه حبیب الله، عالم و شاعر ادیب، برادر خواجه افضل الدّین محمّد ترکه است[25]. در کتاب کشکول شیخ بهایی این رباعی را از او نقل می‌کند:

بی‌خوابی شب جان مرا گرچه بکاست — در خواب شدن از ره انصاف خطاست

ترسم که خیال او قدم رنجه کند — عذر قدمش به سال‌ها نتوان خواست[26]

آل ترکه- صائن الدّین علی

ابو محمّد صائن الدّین علی بن صدر الدّین محمّد بن ابو حامد افضل الدّین محمّد بن حبیب الله ترکه اصفهانی از معروف‌ترین افراد آل ترکه، و از دانشمندان قرن نهم هجری است. وی عالمی فاضل و حکیمی عارف و ادیبی ماهر بود، در اصفهان متولّد شد. ابتدا نزد برادرش به تحصیل پرداخت، سپس به مسافرت به شهرهای مختلف رفت، و از محضر علمای آن شهرها بهره برد، و در علوم زمان خود به استادی رسید.

[وی در دستگاه امیرزادگان تیموری، صاحب شهرت و احترام بود، در زمان حکومت شاهرخ به قضاوت شهر یزد منصوب شد؛ امّا پس از مدّتی به فساد عقیده متّهم شد، و به دستور شاهرخ به هرات رفت، و با نوشتن کتاب نفثة المصدور به دفاع از خود پرداخت. در

سال 830 ق پس از آنکه احمد لر که از پیروان فضل الله استرآبادی پیشوای حروفیّه بود، در مسجد هرات، شاهرخ را کارد زد، صائن الدّین نیز به همکاری با توطئه‌گران متّهم، و مدّتی محبوس، و اموالش مصادره شد. عاقبت با خانواده‌اش آواره شهرها گردید. پس از مدّت‌ها دربه‌دری به بایسنغر فرزند شاهرخ توسّل جست، و از او امان یافت، و مدّتی به قضاوت نیشابور مشغول شد].

وی در 14 ذی‌حجّه 835 ق در هرات وفات یافت. شیخ آقا بزرگ او را از اعلام شیعه شمرده است.

وی تألیفات فراوانی دارد که برخی از آن‌ها به طبع رسیده است، این آثار عبارت‌اند از:

1. اسرار الصّلاة 2. التّمهید فی شرح قواعد التّوحید، مطبوع 3. شرح فصوص الحکم 4. شرح قصیده برده به فارسی که به مغیث الدّین ابو الفتح سلطان ابراهیم تقدیم شده (نسخه شماره 3464 کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم) 5. شرح گلشن راز 6. شرح قصیده تائیه ابن فارض 7. شرح نهج البلاغة 8. شقّ القمر در عرفان، به فارسی 9. رساله بائیه در علم اعداد و حروف 10. رسالة المحمدیّه 11. مبدأ و معاد 12. مخزن الغرائب 13. مدارج الافهام الافواج 14. المعتقده 15. المفاحص در علم عدد 16. مناظرات خمس یا عقل و عشق 17. رساله در تحقیق أنا نقطة الّتی تحت الباء 18. ضوء اللّمعات 19. رساله در معنی قابلیّت و تصوّر و تحقیق آن 20. تجلّی ذاتی، ترجمه رساله ابن هود مغربی 21. المناهج فی المنطق 22. نفثة المصدور 23. سلم

---

[23] . فهرست مرعشی، ج 32، ص 624.
[24] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 58؛ مزارات اصفهان، ص 61؛ تاریخ نظم و نثر، ج 1، صص 451 و 498.
[25] . تاریخ نظم و نثر، ج 1، ص 452.
[26] . کشکول، ج 1، ص 162.

دارالسّلام، در عرفان به فارسی 24. اطوار الصّوفیة یا اطوار ثلاثه 25. منظومات صائنیّه 26. جواب مکتوب امیر رضا 27. شرح حدیث عما 28. اعتقادیّه 29. شرح ابیاتی از ابن عربی 30. مقبول الملوك یا خواصّ الحروف 31. نفثة المصدور ثانی 32. مناظره بزم و رزم و غیره.[27]

اعلام اصفهان، ص: 60

آل ترکه- علی

علی یزدی، از دانشمندان قرن دهم هجری بوده، و در ریاض العلماء آمده که سبط صائن الدّین علی ترکه اصفهانی است.[28]

آل ترکه- خواجه قاسم علی

خواجه قاسم علی ترکه، بنا به نوشته اسکندربیك منشی، از صاحب منصبان عهد صفویّه بوده، مدّتی وزیر حسن بیك استاجلو یوزباشی شد، و سپس وزارت آذربایجان یافت، و امّا آنجا نرفت.

اصلا از تبریز بود؛ امّا پدرانش اصفهانی بودند. او برادر خواجه عنایت ترکه سابق الذّکر است.[29]

آل ترکه- خواجه عنایت ترکه

اسکندر بیك منشی درباره او می‌نویسد: «وزیر حسن بیك فرزند حسین بیك از وزرای معتبر، مرد خلیق و آدمی پسندیده سلوك بود».[30]

آل ترکه- خواجه افضل الدّین محمّد ترکه

عالم فاضل، فقیه محدّث، از دانشمندان قرن دهم هجری است. در اصفهان متولّد شد، و نزد علمای اصفهان به تحصیل پرداخت، و سپس به کاشان رفت، و نزد ابو الحسن ابیوردی معروف به «دانشمند» به تلمّذ پرداخت. آن‌گاه در اصفهان منصب قضاوت یافت. سرانجام شاه‌تهماسب او را به قزوین آورد، و منصب قضاوت لشکر را بالاشتراك به وی و میر علاء الملك مرعشی داد.

صاحب عنوان، سال‌ها در قزوین به تدریس مشغول بود، و شاگردان بسیار داشت، و در

اعلام اصفهان، ص: 61

زمان شاه‌تهماسب و شاه اسماعیل دوم، همواره مورد احترام حکومت صفویّه بود. سفری به هند رفت، و مراجعت نمود.

آخر الامر مدّتی در مشهد مقدّس به تدریس پرداخت، و در سفری که به همراه حمزه میرزا داشت، در سال 991 در شهر ری وفات یافت. قاضی نور الدّین محمّد اصفهانی و علّامه چلبی از شاگردان او به شمار می‌روند. طبع شعر نیز داشته، و «افضل» تخلّص می‌کرده [است].

این رباعی را شیخ بهایی در کشکول از او نقل می‌کند:

در دوزخ هجران، لب کس کی خندد — یا خاطر او به خرّمی پیوندد

گر آن دوزخ چو دوزخ هجران است — حاشا که خدا به کافری بپسندد

---

[27] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 59؛ تاریخ نظم و نثر، صص 274- 275؛ ریحانة الادب، ج 3، ص 343؛ الذّریعة، ج 11، صص 136 و 68؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 332 و 335؛ رجال حبیب السّیر، ص 123؛ تمهید القواعد، مقدّمه؛ عقل و عشق یا مناظرات خمس، مقدّمه؛ ریاض العلماء، ج 4، ص 240؛ طرائق الحقائق، ج 3، صص 68- 69؛ حروفیّه در تاریخ، صص 80- 81.

[28] . ریاض العلماء، ج 2، ص 240؛ مزارات اصفهان، ص 61.

[29] . تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج 1، ص 165؛ مزارات اصفهان، ص 62.

[30] . تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج 1، ص 165؛ مزارات اصفهان، ص 62.

صاحب عنوان، دارای تألیفاتی است از آن جمله: 1. انموذج العلوم 2. دیوان اشعار 3. رساله در اعتراض به قول استاد خود جناب مقدّس اردبیلی در موضوع «امر بشیء نهی عن ضدّه الخاص» 4. رساله در معقولات ثانیه[31].

آل ترکه- جلال الدّین محمّد

جلال الدّین محمّد ترکه، از معاصران شاه‌عبّاس کبیر صفوی و بزرگان آل ترکه بوده است.[32]

آل ترکه، خواجه افضل الدّین محمّد

خواجه افضل الدّین محمّد صدر بن حبیب الله ترکه اصفهانی، از معاریف سلسله آل ترکه است که در 13 رمضان المبارك سال 850 به دستور شاهرخ در ساوه مقتول گردید[33].

اعلام اصفهان، ص: 62

دولتشاه سمرقندی در تذکرة الشّعراء گوید: «شاهرخ، شاه علاء الدّین را در شهر ساوه حکم کشتن کرد .... گویند دو نوبت، ریسمان خواجه افضل ترکه پاره شد، و او فریاد می‌زد که با شاهرخ بگویید که این عقوبت بر ما لحظه‌ای بیش نیست؛ امّا پنجاه‌ساله نام نیك خود را ضایع مساز»[34].

صاحب عنوان را تألیفات و مصنّفاتی است که از آن جمله است ترجمه کتاب ملل و نحل شهرستانی به فارسی که به طبع رسیده است، و مؤلّف آن را «تنقیح الادلّة و العلل» نام نهاده، و در یکشنبه 13 رجب 843 در اصفهان به پایان برده است[35]. مدفن او در اصفهان به «درب آستان» معروف بوده است.[36]

آل ترکه- صدر الدّین محمّد

صدر الدّین ابو حامد محمّد ترکه، از دانشمندان آل ترکه در سده هفتم هجری است.

خواجه رشید الدّین فضل الله مکاتباتی با او داشته که در منشآت رشید الدّین مضبوط است، و بر مقام علمی و نفوذ و اعتبار صاحب عنوان دلالت می‌کند.

خواجه رشید الدّین فضل الله، وزیر سلطان غازان خان مؤلّف تاریخ غازانی یا تاریخ رشیدی همچنین در آن کتاب می‌نویسد: «در کتابخانه‌اش دو هزار جلد قرآن دارد که چهارصد جلد آن مذهّب و به خطّ یاقوت مستعصمی است، و شش قرآن به خطّ احمد سهروردی، و بیست قرآن به خطّ ابن مقله، و شصت هزار جلد کتاب دیگر که از ایران و روم و توران و مصر و شام و عدن جمع‌آوری نموده است، و تمام این کتب، وقف بر رشیدیّه است».

کتب زیر از او است:

1. الاعتماد الکبیر 2. حکمت الرّشیدیّه، به نام خواجه رشید الدّین فضل الله 2. حکمت

اعلام اصفهان، ص: 63

المنیعه 3. قواعد التّوحید 4. رساله در وجود مطلق.[37]

---

[31] . تاریخ عالم‌آرای عبّاسی، ج 1، ص 246؛ تتمیم امل الآمل، ص 71؛ ریاض العلماء، ج 3، ص 314؛ الذّریعة، ج 2، ص 404، ج 9، ص 85؛ فهرست مجلس، ج 8، ص 14؛ احیاء الدّاثر، صص 210- 211؛ معجم مؤلّفی الشّیعة، ص 101؛ کشکول، ج 1، ص 61؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 60؛ مزارات اصفهان، ص 63.

[32] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 61.

[33] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 60- 61؛ مزارات اصفهان، ص 61؛ اصفهان(کتاب جوانان)، ص 216.

[34] . تذکرة الشّعراء، ص 256.

[35] . فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج 5، ص 989؛ فهرست رضوی، ج 4، ص 55.

[36] . تاریخ نظم و نثر، ج 1، ص 448.

[37] . دانشمندان و سخن‌سرایان همدان، ج 1، ص 207؛ الذّریعة، ج 25، صص 38 و 108؛ مجلّه مهر، سال 8، شماره 2، اردیبهشت 1331؛ تاریخ نظم و نثر، ص 447؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 61.

آل تركه- محمّد

محمّد بن علیّ بن محمّد تركه، از علماء و فضلای قرن نهم هجری است.

سالك الدّین محمّد سعدی حموی متولّد به سال 847 ق از او اجازه روایت و ریاست داشته است.[38]

آل تركه- مظفّر

میرزا مظفّر تركه، شاعر و ادیب واعظ، او نبیره افضل الدّین محمّد تركه است، و مانند اجدادش تولیّت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ دادایی یزد را برعهده داشته، و علاوه بر آن، در دولت صفویّه به منشیگری مشغول بوده است. دیوان اشعاری داشته كه اكنون در دست نیست، و طبعش به هزل و هجو مایل بوده است. وی تا سال 1076 كه سال تألیف قصص الخاقانی است در قید حیات بوده است. این دو بیت در وصف شاه صفی از او است:

فانوس شمع قدسی و پا تا سر آینه — رؤیت صباح عید و تو را پیكر آینه

نقّاش صنع لمیزل از سایه توست — بر پردههای دیده هفت اختر آینه[39]

آل تركه- نظام الدّین

نظام الدّین بن تاج الدّین جلال الدّین بن عبد الله بن حسین حسینی معروف به نظام الدّین تركه، از علمای قرن نهم بوده، و زین الدّین علیّ بن حسن بن محمّد استرآبادی در سال 827 ق از او اجازه دریافت نموده است.[40]

آل خجند

آل خجند، یكی از خاندانهای علمی اصفهان است. افراد این خاندان، پیرو مذهب شافعی میباشند، و سالها ریاست علمی اصفهان را برعهده داشته، و دهها عالم، محدّث، شاعر و واعظ از این خاندان برخاستهاند. خجندیان از اهالی خجند در ماوراءالنّهر بودهاند.

خواجه نظام الملك جدّ اعلای آنان محمّد بن ثابت خجندی را به اصفهان آورده است، و فرزندان و احفادش در این شهر زندگی كردهاند. اینك به نام برخی از مشاهیر این خاندان اشاره میكنیم:

آل خجند- ابراهیم

ابراهیم بن عبد الله بن عبد اللطیف خجندی، از دانشمندان اصفهان است. كتاب الاربعین موسوم به الماء المعین از تألیفات او است.[41]

آل خجند- كمال الدّین احمد

كمال الدّین ابو سعد احمد بن محمّد بن ثابت بن حسن خجندی، از رؤسای شافعیان و از دانشمندان آل خجند بوده است[42]. در سال 443 ق اصفهان متولّد شد، و در مدرسه نظامیّه اصفهان تحصیل كرد، سپس به بغداد رفت، و در مدرسه نظامیه بغداد به تدریس پرداخت. او پس از وفات پدرش به اصفهان بازگشت[43]، و در غرّه شعبان 531 ق وفات یافت.[44]

---

38 . الضّیاء اللّامع، ص 119؛ مزارات اصفهان، ص 63.
39 . قصص الخاقانی، ج 2، صص 80- 82؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 62؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 548.
40 . الضّوء اللامع، ص 146؛ مزارات اصفهان، ص 63.
41 . كشف الظّنون، ج 1، ص 55.
42 . مدارس نظامیّه، صص 146- 147؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 63.

آل خجند- ثابت*

عماد الاسلام عضد الدّین ابو محمّد ثابت بن عبد الصّمد بن محمّد بن عبد اللّطیف خجندی از بزرگان خاندان خجندی است[45]. گویا برادر صدر الدّین عمر بوده، و در زمان

خود، بر شافعیان اصفهان ریاست داشت. کمال الدّین اسماعیل در قصاید خود به مدح او پرداخته است[46]، خود عضد الدّین خجندی شعر نیز می‌گفته است.

آل خجند- علاء الدّین ثابت*

ابو سعد علاء الدّین ثابت بن محمّد بن احمد بن ثابت خجندی، از محدّثان و خطبای خاندان خجندی اصفهان است.[47] در سال 548 ق در اصفهان متولّد شده حدیث را از محمّد بن محمّد بن ابی بکر شحام فرا گرفت. او سال‌ها در اصفهان ساکن بود، تا اینکه در سال 633 ق مغولان به اصفهان حمله کردند، و او به شیراز گریخت، [و در] آنجا ساکن شد، و همان‌جا در سال 637 ق وفات یافت، و در مقبره مصلّی دفن شد[48].

آل خجند- شهاب الدّین*

شهاب الدّین خجندی، از علماء و فقهای آل خجند بوده، و ریاست شافعیان اصفهان به او منتهی شده است. در زمان او درگیری شافعیان و حنفیان اصفهان بالا گرفت، و این زمان مقارن بوده است با حمله مغولان به ایران. شافعیان به ریاست شهاب الدّین خجندی مغولان را به اصفهان راه دادند تا حنفیان را قتل عام کنند؛ امّا مغولان پس از ورود به شهر، شافعیان و حنفیان، و سپس همه مردم را قتل عام کردند، و شهاب الدّین هم در این قتل عام در سال 633 ق مقتول شد. کمال الدّین اسماعیل در قصاید خود او را مدح گفته است.[49]

آل خجند- صدر الدّین عبد اللطیف

[صدر الدّین عبد اللطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از رؤسای شافعیان اصفهان در قرن ششم هجری در اصفهان منصب قضاوت یافته، و از محدّثان و فقهای معروف بوده،

بسیاری از او حدیث شنیده‌اند، از آن جمله است: یوسف بن عبد الرّحمن معروف به «ابن رکابی»][50]. وی از دشمنان سرسخت اسماعیلیّه به شمار می‌رفته، و به تحریك او که سعد الملك آبی را به طرفداری از باطنیان متّهم کرده بود، سعد الملك را کشتند[51] عاقبت خود او در سال 532 ق به دست یکی از فداییان اسماعیلی در اصفهان به قتل رسید.[52]

آل خجند- علاء الدّین عبد القادر

علاء الدّین عبد القادر بن عبد الله خجندی، از ادبا و شعرای اصفهان است، در سرودن شعر به عربی دستی توانا داشت. قصیده‌ای در مدح سعد الدّین محمّد بن علی ساوی سروده است[53].

---

43 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 695؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور 1325، ش 16.
44 . لباب الالباب، ص 298، تعلیقات.
45 . تلخیص مجمع الآداب، ج 4، قسمت اوّل، ص 439.
46 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 697؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 18.
47 . تخلیص مجمع الآداب، ج 4 قسمت دوم، ص 1011.
48 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 697.
49 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 697؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 18.
50 . تاریخ نظم و نثر، ج 1، ص 102، آگهی شهان از کار جهان، ج 1، ص 243؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 695.
51 . مجلّه یادگار، سال سوم، شماره 1، شهریور 1325، ص 15.
52 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 135.
53 . تلخیص مجمع الآداب، ج 4، قسمت دوم، ص 1029.

آل خجند- صدر الدّین عبد اللطیف*

صدر الدّین ابو القاسم عبد اللّطیف بن محمّد بن عبد اللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از مشهورترین بزرگان آل خجند است. در فقه و حدیث و شعر و ادب مهارت بسیار داشت. در رجب 535 ق در اصفهان متولّد شد، و در این شهر تحصیل نمود، سرانجام به ریاست شافعیان اصفهان برگزیده شد، و به تدریس پرداخت، و وعظ و خطابه ایراد نمود.

وی سفری به بغداد رفته، از خلیفه خلعت گرفت، سپس به ایران بازگشت. در جمادی الاوّل 580 در همدان به مرگ ناگهانی، عمرش به پایان رسید.

او مردی سخاوتمند و با همّت بود، و شعراء از عطایای او بهرهمند، و مدّاح مناقب او بودند که از آن جملهاند: جمال الدّین عبد الرزّاق، کمال الدّین اسماعیل، خاقانی شروانی و مجیر الدّین بیلقانی. همچنین اثیر الدّین اخسیکتی مرثیّهای در وفات او سروده است.

اعلام اصفهان، ص: 67

صدر الدّین خجندی به عربی و فارسی اشعاری سروده که در تذکرهها نقل شده است.[54]

آل خجند- عبید الله*

ابو ابراهیم عبید الله بن محمّد بن عبد اللطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از دانشمندان و فقهای خاندان خجندی اصفهان است. از محدّثان مشهور عهد خود بود. سه بار به بغداد و مکّه معظّمه سفر کرد، و حج گذارد. وفاتش در سال 584 ق در اصفهان اتّفاق افتاد.[55]

آل خجند- صدر الدّین عمر*

صدر الدّین عمر خجندی، از فقهاء و علمای اصفهان در قرن هفتم و رئیس شافعیان اصفهان بوده، و کمال الدّین اسماعیل و رفیع الدّین لنبانی[56] بارها او را مدح نمودهاند. در زمان او شافعیان و حنفیان اصفهان به خصومت پرداختند که عاقبت با آشتی صدر الدّین عمر خجندی پیشوای شافعیان و رکن الدّین مسعود صاعد پیشوای حنفیان این اختلاف پایان گرفت. وفات صدر الدّین عمر قبل از سال 635 ق (سال فوت کمال الدّین اسماعیل) رخ داد.[57]

ابو بکر محمّد بن ثابت بن حسن خجندی

از علماء و فقهای مشهور شافعیان اصفهان است. او نخستین شخص از خاندان خجندی است که به اصفهان آمد.

اعلام اصفهان، ص: 68

[وی ابتدا در مرو به سر میبرد، و در آنجا تدریس و موعظه میکرد. خواجه نظام الملك طوسی او را به اصفهان دعوت کرد تا در مدرسه نظامیّه که آن را صدریّه نامیده بود، تدریس کند. پس از مدّتی خجندی، ریاست شافعیان اصفهان را هم برعهده گرفت.[58] او شاگردان بسیاری داشت که از آن جمله است ابو علی حسن بن سلیمان اصفهانی و ابو عبد الله بن سعد[59]] و قاضی امام ابو العبّاس احمد بن سلامه بن عبید الله، معروف به ابی الرّطبی[60] ابو بکر خجندی در سال 483 ق وفات یافت. از تألیفات او میتوان به روضة المناظر و زواهر الدّرر اشاره کرد[61].

---

[54] . طبقات الشّافعیّة الکبری، سبکی، ج 4، ص 261؛ نزهة المجالس، ص 81، مقدّمه؛ لباب الالباب، تعلیقات، صص 799 و 614؛ فرهنگ معین، ج 5، ص 975؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 696؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، صص 17- 18؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره 1، شهریور 1325، صص 21- 27.

[55] . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 696؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 18.

[56] . دیوان رفیع الدّین لنبانی، صص 22 و 87.

[57] . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 697؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 8.

[58] . مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور 1325، صص 14- 15.

[59] . مدارس نظامیّه، ص 226.

[60] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 64.

[61] . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 694؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 17.

آل خجند- محمّد

ابو المظفّر محمّد بن ثابت بن حسین بن علی خجندی، از فقهای شافعی اصفهان در قرن پنجم هجری است. ریاست شافعیان اصفهان به عهده او بود، و علاوه بر آن به تدریس و وعظ و صدور فتوا مشغول بود. عاقبت از اصفهان به ری رفت، در هنگام وعظ در آنجا به دست ابو الفتح سنجری که از علویان ری بود در سال 496 ق کشته شد، و در مسجد جامع ری مدفون گردید.[62]

آل خجند- صدر الدّین محمّد

صدر الدّین ابو شجاع ابو بکر محمّد بن عبد اللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، یکی از مهمترین بزرگان آل خجند است، و در قرن ششم هجری می‌زیسته است. [او مردی فقیه خطیب، ادیب و شاعر بوده، نزد سلاطین و خلفاء منزلت بالا داشت].

اعلام اصفهان، ص: 69

در اصفهان دانش آموخته، و سپس در نظامیّه بغداد تدریس نمود، آنگاه به اصفهان آمد، و ریاست شافعیان اصفهان را برعهده گرفت. هنگامی که سلطان مسعود سلجوقی دریافت که صدر الدّین و برادرش جمال الدّین محمود با امیر بوزابه حاکم فارس رابطه دارند، قصد جان آن‌ها را کرد؛ امّا دو برادر به موصل گریخته، و به خدمت جمال الدّین جواد اصفهانی درآمدند. پس از مدّتی سلطان او را بخشید، و صدر الدّین خجندی با کمال احترام به اصفهان بازگشت، و به همراه برادرش ریاست شافعیان را برعهده گرفت. او سرانجام در یکی از سفرهایش که از بغداد به اصفهان بازمی‌گشت، در یکی از روستاهای بین همدان و کرج شب را در سلامت خفت، و صبح روز بعد او را در بسترش مرده یافتند. این واقعه در 22 شوّال 552 ق اتّفاق افتاد، و باعث آشوب در اصفهان شد که عدّه بسیاری در آن کشته شدند. وی در قبرستان سنبلان اصفهان مدفون شد.[63] صدر الدّین خجندی، شاعر و ادیب توانایی بود که به عربی و فارسی شعر می‌سرود سعدی در بوستان درباره او سروده است:

یکی خار پای یتیمی بکند — به خواب اندرش دید صدر خجند[64]

از اشعار او است:

زلف سیهت که مشك با او کم زد — مشّاطه فطرتش خم اندر خم زد

یك‌ره به منش سپار تا یك‌باری — برهم زنمش که عالمی برهم زد[65]

درباره اصفهان نیز سروده است:

اصفهانا در آرزوی توام — گشته اندهفزای و شادی کم

عکس شکلت به خواب می‌جویم — زنده‌رودت در آب می‌جویم

ای چو سیم مذاب زرّین رود — اصفهان پر شده ز تو رود[66]

---

[62] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 63؛ لباب الالباب، ص 614(تعلیقات)؛ زبدة التّواریخ، ص 170؛ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 694؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 17؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور 1325، ص 16.

[63] . لباب الالباب(تعلیقات)، صص 798 و 614؛ مدارس نظامیّه، ص 148؛ ثقات العیون، ص 268؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 695؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 17؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 65؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور 1325، صص 17- 18.

[64] . بوستان سعدی.

[65] . تاریخ اصفهان، جابری، چاپ اوّل، ص 135.

آل خجند- جمال الدّین محمّد

جمال الدّین محمّد بن صدر الدّین ابو القاسم عبد اللّطیف بن محمّد خجندی[67] [از رؤسای شافعیان اصفهان در قرن ششم هجری بوده، و شعرای معاصر او همچون رفیع الدّین لبنانی، جمال الدّین عبد الرزّاق، خاقانی و اثیر الدّین اخسیکتی او را مدح گفته‌اند. جمال خجندی خود شاعری ادیب بوده، و به عربی و فارسی شعر می‌سروده که در برخی جنگ‌ها و تذکره‌ها، آن‌ها را آورده‌اند.][68]

از او است:

چو گل به تخت درآمد که خسرو چمنم	خدایگان ریاحین و شاخ انجمنم
مرا خود از لب خود آرزوی بوسه کند	کدام بلبل من مست عشق خویشتنم
منم منم که جهان رنگ و بوی من دارد	منم که باغ و عروس هر چمنم
و لیکن این همه هست و چو باد برخیزد	حدیث من ورقی باز کن که من نه منم[69]

آل خجند- صدر الدّین محمّد

صدر الدّین محمّد بن عبد اللّطیف بن محمّد بن عبد اللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از بزرگان آل خجند و رئیس شافعیان اصفهان در قرن ششم هجری بود، [سفری به بغداد رفت، و خلیفه به او احترام فراوان نمود. او در بغداد، ناظر اوقاف مدرسه نظامیّه شد، و سرانجام به اصفهان بازگشت، و ریاست شافعیان و ریاست شهر را به دست آورد. پس از آنکه لشکریان خلیفه (ناصر) برای شکست دادن خوارزمشاهیان به اصفهان حمله کردند]، وی شهر اصفهان را تسلیم نیروهای خلیفه نمود. سرانجام در سال 592 ق فلك الدّین سنقر طویل که از طرف خلیفه، شحنه اصفهان شده بود، او را به قتل رساند. کمال الدّین اسماعیل

در چکامه‌ای او را ستوده است[70].

آل خجند- جمال الدّین محمود

جمال الدّین محمود بن عبد اللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی [از بزرگان و فضلای آل خجند است. پس از آنکه سلطان مسعود سلجوقی در پی آزار او برآمد، او و برادرش صدر الدّین محمّد به موصل گریختند، و چندی در خدمت جمال الدّین جواد اصفهانی در موصل به سر بردند[71]].

او بعد از آن، راهی حجاز شد، و در سال 543 ق بغداد رفت. آخر الامر به اصفهان بازگشت، و ریاست شافعیان اصفهان به وی واگذار شد، و او پس از آن در اصفهان وفات یافت[72]. جمال الدّین عبد الرزّاق و اثیر الدّین اخسیکتی او را مدح گفته‌اند[73].

---

66 . ترجمه محاسن اصفهان، ص 104.
67 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 65.
68 . لباب الالباب، ج 1، صص 366- 268؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 18؛ فرهنگ سخنوران، ص 135.
69 . آگهی شهان از کار جهان، ج 1، ص 245؛ مجلّه یادگار، شماره اوّل، سال سوم، شهریور 1325، ص 27.
70 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 297، لباب الالباب، ص 614(تعلیقات) مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور 1325، صص 20- 21؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 18؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 65.
71 . لباب الالباب، ص 614، تعلیقات.

آل خجند- مسعود*

ابو القاسم مسعود بن محمّد بن ثابت خجندی، از رؤسای شافعیان اصفهان، و از فقها و بزرگان آل خجند، و تا سال 494 ق در قید حیات بوده است[74]. او از دشمنان سرسخت اسماعیلیّه بوده، و دستور داده بود گودال‌هایی حفر کرده، و در آن آتش بیفروزند، و اسماعیلیان را دسته‌دسته در آتش بیندازند[75].

آل خجند- مسعود

مسعود بن محمود بن عبد اللطیف خجندی، از دانشمندان شافعی آل خجند اصفهان

است.[76]

آل صاعد

آل صاعد یا صاعدیان، یکی از خاندان‌های علمی و روحانی حنفی مذهب در اصفهان می‌باشند که از قرن پنجم تا دهم هجری، قدرت و ریاست فوق‌العاده‌ای در شهر داشته‌اند، و سال‌ها در رقابت با خاندان آل خجند در اصفهان بوده‌اند، و این مسأله، باعث کشمکش‌ها و جنگ‌ها و خونریزی‌های بسیار بین این دو خاندان شده است.

خجندیان در حدود محلّه جویباره و میدان میر سکونت داشته‌اند، و مقبره آنان ظاهرا در قبرستان شاه میر حمزه بوده، و صاعدیان در محلّه دردشت (محلّه دریه، یا محلّه در، که همین محلّه طوقچی فعلی می‌باشد) ساکن، و مقبره آنان در قبرستان طوقچی بوده است.

صاعدیان اصلا از نیشابور بوده‌اند، و شرح احوال چند تن از مشاهیر این خاندان به شرح زیر است:

آل صاعد- احمد

ابو نصر احمد بن محمّد بن صاعد صاعدی از فقهاء و علمای خاندان صاعدی اصفهان است. از سال 430 و اندی، رئیس اصفهان بوده، و از سال 440 ق قاضی القضات اصفهان شده، و سرانجام در سال 482 ق وفات یافته است. تولّدش در سال 410 ق بوده است.

ابو الغر خلیل بن تمیم بن علی خطیب واعظ معلّم، و همچنین ابو العلاء زید بن علیّ منصور راوندی از او استماع حدیث کرده‌اند.[77]

آل صاعد- نظام الدّین احمد*

قاضی نظام الدّین احمد صاعدی، از بزرگان و دانشمندان خاندان صاعدی اصفهان است. وی در قرن هشتم و نهم هجری می‌زیسته، و منصب قضاوت اصفهان را برعهده داشته

است.

---

[72] . دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 695؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 65؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور 1325، ص 19.
[73] . دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص 17.
[74] . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 695.
[75] . مجلّه یادگار، سال سوم، شهریور 1325 ش، شماره اوّل، ص 16.
[76] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 65.
[77] . التّحبیر، ج 1، صص 132 و 260 و 290.

وی ابتدا با میرزا رستم و میرزا اسکندر، از امیرزادگان تیموری متّحد شد؛ امّا آنان در جنگ با میر محمّد جهانگیر تیموری شکست خوردند.

عاقبت قاضی احمد در 10 ذی‌حجّه (عید قربان) 815 ق به دستور میرزا رستم تیموری در اصفهان به قتل رسید[78]. گویا علّت این امر، هواداری قاضی احمد از معتصم بن زین العابدین آل مظفّر[79] و قرایوسف ترکمان بوده است.

جلال الاسلام صاعدی

جلال الاسلام صاعدی اصفهانی، از علما و فضلای قرن یازدهم هجری است، در هند ساکن بوده، و کتاب ریاض المحبّین درباره مناقب حضرت علی علیه السّلام را در دوازده روضه به نام شاه، در سال 1048 ق در جهان‌گیرنگر تألیف نموده است[80].

آل صاعد- تاج الدّین حسین

تاج الدّین حسین بن شمس الدّین محمّد صاعدی طوسی، از دانشمندان و فضلای شیعه در قرن دهم هجری است.

وی نزد شیخ منصور راستگو به تحصیل پرداخته،[81] سپس سال‌ها در اصفهان به تدریس مشغول شده است. [میرداماد، فیلسوف و عالم مشهور از شاگردان او است که استاد را با القاب فراوان ستوده است.][82] از تاریخ وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ امّا تا سال 993 ق در قید حیات بوده[83]، و تألیفاتی از خود به جای گذاشته که از آن جمله است: حاشیه بر حاشیه بر شرح مختصر المنتهی که در 977 ق آن را تألیف کرده، و در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود[84].

آل صاعد- شرف الدّین

شرف الدّین شهید، از بزرگان خاندان صاعدی اصفهان.[85]

آل صاعد- قاضی صاعد*

قاضی صاعد، از بزرگان آل صاعد در قرن هشتم هجری است، در اصفهان منصب قضاوت را برعهده داشت. زین العابدین فرزند شاه شجاع که در اصفهان حکومت می‌کرد، قاضی صاعد را در سال 789 برای اظهار بندگی و فرمانبری، نزد امیر تیمور گورکانی فرستاد[86].

آل صاعد- ابو العلاء صاعد

قاضی ابو العلاء صاعد بن محمّد بن عبد الرّحمن بخاری اصفهانی معروف به راسمندی از فقهاء و بزرگان آل صاعد است، در قرن پنجم، قاضی اصفهان بود. در سال 448 ق متولّد شد، و نزد علیّ بن عبد الله خطیبی تحصیل کرد. وی سرانجام در سال 502 ق در مسجد جامع عتیق اصفهان به دست یکی از فداییان اسماعیلی کشته شد[87].

آل صاعد- جمال الدّین صاعد

جمال الدّین [قوام الدّین] صاعد بن مسعود، از بزرگان و افراد با نفوذ خاندان صاعدی اصفهان است.[88]

---

78 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 45.
79 . تاریخ جهان‌آرا، ص 224.
80 . عامری‌نامه، ص 262.
81 . احیاء الدّاثر، ص 257؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 68.
82 . حکیم استرآباد میرداماد، ص 49؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 583.
83 . فهرست مرعشی، ج 26، ص 278.
84 . فهرست رضوی، ج 16، صص 125 و 136.
85 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 68.
86 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 2، ص 45.
87 . تاریخ نظم و نثر، ج 2، ص 740؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 171؛ طبقات الحنفیّة، ص 83.
88 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 68.

آل صاعد- رکن الدّین صاعد

رکن الدّین ابو العلاء صاعد بن مسعود، از دانشمندان و فقهای قرن ششم هجری است.[89]

[او پیشوای حنفیان و قاضی اصفهان بود. در زمان او حنفیان و شافعیان اصفهان بارها با یکدیگر به درگیری پرداختند.

در یکی از این زدوخوردها، شافعیان خانه رکن الدّین را به آتش کشیدند؛ ولی او از آن فتنه، جان سالم به در برد. وی سرانجام در سال 600 هجری با اصابت تیر یکی از مخالفینش کشته شد. جمال الدّین عبد الرزّاق و کمال الدّین اسماعیل در قصاید خود، بارها او را مدح کرده‌اند][90].

آل صاعد- صدر الدّین

صدر الدّین بن قوام الدّین صاعدی، از بزرگان و افراد متنفّذ خاندان صاعدی در اصفهان[91].

آل صاعد- ظفر الاسلام*

ظفر الاسلام صاعدی، از سخنوران و شعرای اصفهان است، این قطعه، سروده او است:

منعم ز گریه مکن که کار ز غمخواری رفت — به که خون گریه کنم کار من از زاری رفت

شب هجران است که تا روز قیامت باقی است — روز وصل است که ناآمده پنداری رفت[92]

آل صاعد- عضد الاسلام

قاضی عضد الاسلام بن رکن الدّین مسعود صاعدی، از بزرگان آل صاعد است.[93] [در قرن هفتم می‌زیسته، و در اصفهان به قضاوت مشغول بوده است].

آل صاعد- جلال الاسلام محمّد*

جلال الاسلام عضد الدّین ابو الفضل محمّد بن اسماعیل بن صاعد بن مسعود از بزرگان و فقهای آل صاعد، و قاضی اصفهان در قرن هشتم هجری است.[94] تاج الدّین عیسی طرقی و برخی از شعراء به مدح او پرداخته‌اند[95]، و خواجه رشید الدّین فضل الله در کتاب خود التّوضیحات الرّشیدیّه از او یاد کرده است.[96]

آل صاعد- خواجه جلال الدّین محمّد*

خواجه جلال الدّین محمّد صاعدی، از شعرا و سخنوران قرن دهم هجری، و از بزرگان آل صاعد بوده، و در سال 943 ق وفات یافته است.

---

89 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 67.
90 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 2، ص 44.
91 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 68.
92 . هفت اقلیم، ج 2، ص 413.
93 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 68.
94 . تاریخ دیار البکریّة، ص 448.
95 . تلخیص مجمع الآداب، ج 4 قسمت دوم، ص 452.
96 . یادگارنامه حبیب یغمایی، ص 357- 359.

این بیت از او است:

صبری که بود اندر دلم، رفت از غمت یك‌بارگی اکنون من و کنج غمت، خو کرده با بی‌چارگی[97]

آل صاعد، رکن الدّین مسعود

قاضی رکن الدّین مسعود بن صاعد بن مسعود، از دانشمندان و مشاهیر خاندان صاعدی اصفهان است. [وی ریاست حنفیان اصفهان و منصب قضاوت اصفهان را برعهده داشت.

وی پس از آنکه با محمّد بن آی آبه قزوینی علیه خوارزمشاهیان متّحد شد مورد غضب غور سانچی پسر سلطان محمّد خوارزمشاه قرار گرفت. غور سانچی به اصفهان آمد، و به یاری صدر الدّین خجندی به محلّه جوباره که محلّ سکونت حنفیان بود حمله برد، و به قتل و غارت مردم آنجا پرداخت. قاضی رکن الدّین هم به شیراز گریخت، و به اتابك سعد زنگی پناه برد. پس از شورش مردم اصفهان علیه سپاه غور سانچی، او با سپاهش به ری

بازگشت[98].

قاضی رکن الدّین پس از بازگشت به اصفهان از دشمنی با خوارزمشاهیان دست برداشت، و حتّی هنگامی که سپاهیان خوارزمشاهی از مغولان شکست خوردند، و به لرستان گریختند، از دست‌اندازی مردم اصفهان به خانواده سلطان خوارزمشاه جلوگیری کرد.[99] عاقبت، قاضی رکن الدّین پس آنکه دانست مغولان قصد حمله به اصفهان را دارند از اصفهان گریخت، و به یکی از قلعه‌های فیروزکوه پناه برد؛ امّا مغولان بر او دست یافته، و او را کشتند، این واقعه در سال‌های پس از 625 ق روی داد].[100]

شاعران معاصرش همچون جمال الدّین عبد الرزّاق اصفهانی[101] [و رفیع الدّین لنبانی] او را ستوده، و در قصایدی به مدح او پرداخته‌اند[102].

آوانس

آوانس فرزند استاد ابراهیم زرگرباشی، از ارامنه اصفهان است. از آثار او: ترجمه فارسی سفرنامه سیاحت به ترکستان نوشته وامبری است که آن را در سال 1302 ق ترجمه نموده است.

آیت اصفهانی*

آیت‌الله دشتچی اصفهانی فرزند احمد، شاعر ادیب متخلّص به «آیت»، در حدود سال 1354 ق در اصفهان متولّد شد، پس از تحصیلات ابتدایی در کارخانه ریسندگی به کار پرداخت، و با شرکت در کلاس‌های متوسّطه شبانه، دیپلم گرفت؛ سپس به استخدام اداره برق منطقه‌ای اصفهان درآمد. اکنون بازنشسته شده است، و در اغلب انجمن‌های ادبی اصفهان شرکت می‌کند. این شعر از او است:

---

97 . تذکره روز روشن، ص 461؛ تاریخ نظم و نثر، ج 2، ص 683.
98 . سیرت جلال الدّین منکبرنی(سیرت جلالی)، ص 68.
99 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 2، ص 44.
100 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 2، ص 45.
101 . ترجمه محاسن اصفهان، ص 31؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 68.
102 . دیوان رفیع الدّین لبنانی، صص 120- 121؛ الذّریعة، ج 9، ص 379.

افکنده‌ای چو اشك اگر از نظر مرا | افسرده‌تر مخواه از این بیشتر مرا
مرغ شکسته‌بال، جهان باشدش قفس | دیگر امید نیست از این بال‌وپر مرا[103]

ابان

ابو احمد ابان بن ابی خصیب شهاب از پسران حنیفة بن نجیم بوده است. از حسین بن حفص، یحیی بن عبد الله بن بکیر، عیسی بن جعفر، عبد الرّحمن مقری، احمد بن یزید حرّانی، احمد بن یونس و سلیم بن منصور بن عمّار روایت می‌کند. وی در سال 258 ق وفات یافت.[104]

ابان بزّاز

ابو الحسن ابان بن مخلّد بن ابان بزّاز، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

وی از محمّد بن ابان بلخی، ابو غسّان محمّد بن عمرو زینج، عبد الله بن عمران و محمّد بن مهران روایت نموده، و ابو احمد محمّد بن احمد بن ابراهیم و ابو محمّد عبد الله بن محمّد بن عمر از او نقل حدیث کرده‌اند. وی در حدود سال 299 ق وفات یافته است.[105]

ابدال اصفهانی

ابدال اصفهانی از شعرای قرن دهم هجری، ابتدا دکان عطّاری داشت، و به واسطه عشق، دیوانه شد. سه سال در اصفهان قلندر و سر و پای برهنه می‌گشت، پس از آن به تبریز رفت، و پنج سال با ارامنه معاشرت داشت، و در میکده به سر می‌برد. عاقبت توبه کرد، به عبادت و طاعت روی آورد، و دوازده سال سجّاده‌نشین شد.

این بیت از او است:

اعلام اصفهان، ص: 79

ای شمع بزم دوست چرا می‌گریستی | پروانه عاشق است تو سرگرم کیستی؟[106]

ابدال قلندر

درویش ابدال قلندر، از دراویش عصر صفویّه است، در علوم غریبه مهارت داشته، و چندی نیز میرآخور جلودار سرکار خاصه (دربار شاه صفویّه) بوده است. از آثار او کتابی در کف‌بینی است که آن را در سال 1100 ق به فارسی در اصفهان تألیف نموده است، نسخه به شماره 66800 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.[107]

ابدال بیگ نقّاش‌باشی*

---

103 . سخنوران نامی معاصر ایران، ج 1، صص 130- 133؛ تذکره شعرای استان اصفهان ص 51.
104 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 229؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 272.
105 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 230؛ طبقات المحدّثین، ج 4، ص 237.
106 . تذکره تحفه سامی، صص 216- 212؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« ابدال»، ص 251؛ تذکرة الشّعرا، غنی، ص 3؛ آتشکده آذر، بخش سوم، نیمه نخست، ص 922.
107 . فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج 16، ص 82.

ابدال بیگ نقّاش‌باشی فرزند علی قلی بیگ جبادار، هنرمند و نقّاش توانای قرن دوازدهم هجری است. پدرش مسیحی بود، و در نقّاشی مهارت داشت؛ امّا سرانجام مسلمان شد، و در دربار صفوی، ارج و اعتبار فراوانی یافت. ابدال بیگ از نقّاشان معروف عهد شاه سلطان حسین صفوی بود، و از کسانی است که شیوه اروپایی را در نقّاشی ایرانی رواج داده است.[108]

ابراهیم

الکیا ابو اسحاق ابراهیم، از محدّثین اصفهان و معاصر با مافرّوخی، مؤلّف محاسن اصفهان است.[109]

آقا میرزا محمّد ابراهیم

آقا میرزا محمّد ابراهیم، از عرفاء اصفهان در قرن سیزدهم که شرح حالش در دست

نیست. در سال 1312 قمری وفات یافته، و در تکیه مادر شاهزاده مدفون شده است.[110]

ابراهیم آقاباشی*

ابراهیم آقاباشی، از هنرمندان عصر قاجاریّه در اصفهان است. او ریاست خواجگان دستگاه ظلّ السّلطان را برعهده داشته، و به «آقاباشی» معروف بوده است.

در نواختن نی و خوانندگی از اساتید مسلّم دوران خود بوده، و شاگردان هنرمندی چون نایب اسد الله، عیسی آقاباشی و سیّد رحیم موسیقی‌دان را تربیت کرده است. او عمری دراز یافته، و در یك‌صدسالگی درگذشته است.[111]

سیّد ابراهیم احمدی*

سیّد ابراهیم احمدی، فاضل معاصر، در سال 1308 ش در سده ماربین (خمینی‌شهر) به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدّماتی به حوزه علمیّه اصفهان آمد، و نزد ملّا هاشم جنّتی، ملا فرج الله دری، شیخ محمّد حسن عالم نجف‌آبادی، حاج شیخ عبّاس علی ادیب، سیّد محمّد رضا خراسانی، سیّد حسین خادمی و سیّد محمّد علی صادقی به تحصیل مشغول شد. وی از حامیان نهضت امام خمینی بود و صفات اخلاقی ممتازی داشت.

او در شب عاشورای 1382 ش وفات یافت و در امامزاده سید محمد مدفون شد.[112]

سیّد ابراهیم اردوبادی

سیّد ابراهیم اردوبادی، از سادات اردوباد آذربایجان است. داماد ملّا محمّد باقر یزدی بوده است. به هندوستان رفته، معلّم اولاد جعفر خان شد، و ثروتی زیاد اندوخته، به شوق عرفان، همه اموال خود را صرف کرد، و در لباس فقر به اصفهان بازگشت، و در آنجا فوت شد. از اشعار او است:

هر زنده‌دلی که او ز اهل درد است — دانسته ز اسباب تعلّق فرد است

هر پیرزنی مرگ طبیعی دارد — مردی که به اختیار می‌میرد مرد است[113]

---

108 . هنر قلمدان، صص 28 و 96؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 330.
109 . محاسن اصفهان، ص 30.
110 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 197؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 95.
111 . سرگذشت موسیقی ایران، ج 1، صص 292 و 369؛ تاریخ موسیقی ایران، صص 617 و 675.
112 . یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصفهانی از محدّثین اصفهان است. در میزان الاعتدال در ضمن شرح حال ابو داود عبد الله بن سلیمان بن اشعث سجستانی، به نام او اشاره کرده است. ابو بکر اصفهانی از او روایت می‌کند.[114]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصفهانی، از محدّثین است. از ابو بکر باغندی حدیث روایت می‌کند، و قاسم بن موسی بن اشیب از او روایت نموده است.[115]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصفهانی، در تاریخ ماه صفر سال 1069 نسخه‌ای از قبسات را به خطّ نسخ نوشته است، و به شماره 7476 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی موجود است. ظاهرا کاتب، شاگرد میرداماد بوده است.[116]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او ابو بکر عبد الله بن سلیمان بن اشعث سجستانی را کذّاب می‌داند.[117]

گویند سجستانی به شیوه ناصبیان، حدیثی در اصفهان نقل کرد که باعث شورش علما و

اعلام اصفهان، ص: 82

سادات اصفهان بر او شد، و حاکم اصفهان حکم به قتل او داد؛ ولی با وساطت محمّد بن عبد الله بن حسن بن حفص همدانی از مرگ نجات یافت.

ابراهیم اصفهانی

در اوایل قرن 14 هجری ابراهیم اصفهانی مجموعه‌ای شامل: چندین کتاب و رساله را به خطّ نسخ مرقوم داشته، و کتاب به شماره 6984 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم موجود است.[118]

میرزا ابراهیم اصفهانی

میرزا ابراهیم اصفهانی از نویسندگان کتب قرن یازدهم هجری بوده است. از آثار او:

1. کتابت نسخه‌ای از قانون ابن سینا می‌باشد که آن را در تاریخ 1061 ق و جمادی الاوّل 1062 به خطّ نسخ مرقوم داشته، و کتاب به شماره 4494 در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران [موجود است].[119]

2. کتابت نسخه‌ای از کتاب اساس الاقتباس تألیف خواجه نصیر الدّین طوسی که در تاریخ ربیع الثّانی سال 1065 کتابت آن به خطّ نسخ پایان یافته است. کتاب به شماره 4934 در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.[120]

---

113 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 281؛ دانشمندان آذربایجان، ص 91؛ سرایندگان شعر فارسی در قفقاز، صص 36- 37؛ کاروان هند، ج 1، صص 8- 9؛ ریاض العارفین، ص 53؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 96.

114 . میزان الاعتدال، ج 2، ص 43.

115 . میزان الاعتدال، ج 3، ص 130.

116 . فهرست مرعشی، ج 19، ص 277.

117 . میزان الاعتدال، ج 2، ص 43.

118 . فهرست مرعشی، ج 18، ص 158.

119 . فهرست مجلس، ج 12، ص 171.

میرزا ابراهیم اصفهانی

میرزا ابراهیم اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن 13 هجری است. از آثارش کتابت رساله عملیّه حاج سیّد کاظم رشتی است که آن را در سال 1242 به خطّ نستعلیق نوشته، و نسخه به شماره 1936 در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم موجود است.

رساله نام‌برده، ترجمه و منتخب رساله حیدریّه شیخ احمد احسایی، استاد سیّد کاظم

رشتی می‌باشد.[121]

ابراهیم مدینی

ابراهیم بن آبان مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و از ابراهیم بن محمّد بن حارث، ابی مسلم کشی، احمد بن یحیی بن خالد برقی، محمّد بن عثمان بن ابی شیبه، محمّد بن مغیرة الصّائغ و یوسف قاضی روایت می‌کند، و ابراهیم بن سهل و ابو بکر بن مردویه از وی نقل حدیث می‌نمایند.

وی در سال 339 ق وفات یافته است.[122]

ابراهیم منجانی

ابو اسحاق ابراهیم بن ابجه بن اعصر منجانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از ابراهیم بن محمّد بن مصعب و محمّد بن عاصم روایت حدیث می‌کند، و ابو اسحاق ابراهیم سریجانی از او نقل حدیث می‌نماید.[123]

[منجان از روستاهای جی و در حومه شهر اصفهان بوده است. در حال حاضر در داخل شهر قرار گرفته، و خیابان 22 بهمن از وسط اراضی منجان کشیده شده، و صحرا منجان تبدیل به مناطق مسکونی شده است].

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن ابی بکر بن علی اصفهانی، از دانشمندان قرن هفتم و از خواص شاگردان امام فخر رازی. فخر رازی در روز یکشنبه 20 محرّم سال 606 در مرض مرگ خود در خوارزم، وصیّت‌نامه خود را به این شاگرد املاء نموده، و در شوّال همان سال در هرات مرده است. نسخه وصیت‌نامه، ضمن مجموعه شماره 66831 در کتابخانه دانشگاه تهران موجود

است.[124]

سیّد ابراهیم کابلی

سیّد ابراهیم کابلی فرزند سیّد ابو الحسن موسوی، عالم فاضل از بنی اعمام حاج سیّد محمد باقر حجّت الاسلام شفتی و مورد توجّه و عنایت مخصوص آن مرحوم، و از طرف ایشان سرپرست و ناظر قسمتی از بنّایی مسجد سیّد اصفهان بوده است.

علّت شهرت وی به کابلی چنان‌که آقا محمّد (باقر) عماد الاسلام بن سیّد جعفر بن سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام در کتاب خود هدایة السّالکین نوشته، این است که سیّد حجّت الاسلام در پی یافتن کتاب مدینة العلم شیخ صدوق، سیّد ابراهیم را به کابل فرستادند؛ ولی او در این کار موفّق نگردید.

---

[120] . همان، ج 14، ص 168.
[121] . فهرست فیضیّه، استادی، ج 2، ص 62.
[122] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 201.
[123] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 203.
[124] . فهرست دانشگاه، ج 16، ص 105؛ لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 254.

سیّد ابراهیم از شاگردان سیّد حجّت الاسلام بوده، و دیباچه‌ای بر کتاب سؤال و جواب استاد خود نگاشته، و فهرست کتاب را در آن آورده است. صاحب عنوان پس از وفات در مقبره خاندان سیّد حجّت الاسلام در مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.[125]

محمّد ابراهیم خوراسکانی

محمّد ابراهیم بن حاج ابو الحسن زرکش خوراسکانی اصفهانی، خطّاط و نویسنده قرن سیزدهم هجری. این دو اثر به خطّ او موجود است: 1. زبدة المعارف تألیف ملّا علی اکبر اژه‌ای، به خطّ نسخ در غرّه ذی حجّة الحرام سال 1226 ق که به دستور مؤلّف، جهت حاج محمّد علیّ بن حاج غفور به خطّ نسخ کتابت نموده. نسخه به شماره 2983 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم نگهداری می‌شود.[126] 2. روضة الصّفا، به خطّ نستعلیق در ربیع الاوّل سال 1228 ق که به شماره 3007 در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود

است.[127]

فایده: حاج غفور سر دودمان خاندان معروف از تجّار اصفهان بوده، و اولاد و اعقابش تاکنون در مسلك تجّار و به نام «حاج غفوری‌ها» و «غفوری» شهرت دارند، و عموما مردمانی مسلمان و متدیّن می‌باشند.

ابراهیم سرّی

سیّد ابراهیم پوده‌ای متخلّص به «سرّی» فرزند حاج سیّد ابو القاسم موسوی شاعر ادیب عارف در سال 1311 قمری (1310 بنا به نقل فرزندش) در قریه پوده از دهات سمیرم سفلی متولّد شد[128]. در مولد خود و اصفهان نزد عدّه‌ای از فضلا از جمله حاج ابو القاسم زفره‌ای و میرزا یحیی مدرّس بیدآبادی تحصیل نمود، و مراتب شعر و شاعری را از میرزا یحیی فراگرفته، به افتخار دامادی او نائل شد. سپس به تصوّف روی آورده، در شیراز از امام جمعه اصطهباناتی مراسم ذکر و ریاضت آموخته، عارفی وارسته و صاحب نفس گردید.[129]

سرّی شاعری قادر و نویسنده‌ای و توانا بود؛ ولی کمتر در انجمن‌های ادبی شرکت می‌کرد، و فقط گاه‌گاه در انجمن مرحوم شیدا شرکت می‌نمود. در مسابقه ادبی رادیو لندن در سال 1326 خورشیدی در بین 273 نفر از شرکت‌کنندگان، جزو دو نفر ممتاز شناخته شد. مشارالیه در اواخر عمر، دچار بیماری سرطان شد، و در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد، و در همان جا در روز 14 رمضان سال 1369 قمری در ضمن عمل جرّاحی وفات یافت، و در قبرستان قم که به قبرستان قدیم شهرت دارد، مدفون گردید.[130] کتاب‌های زیر از آثار او است: 1. مکاشفات 2. دیوان اشعار [مطبوع] 3. مرغابیّه [مطبوع] 4. آخرین قانون و غیره 5. مجموعه اشعار برخی از شعراء [مطبوع].

[این بیت از او است:

درد غم عشق تو چه دردی است که او را هرچند دوا بیش کنی درد فزون شد]

ابراهیم اشعری

---

125 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 102- 103؛ بیان المفاخر، ج 1، صص 168- 169؛ ج 2، صص 248- 249؛ مزارات اصفهان، ص 164.
126 . فهرست مرعشی، ج 8، ص 160.
127 . فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ج 10، بخش یکم، ص 457.
128 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 242.
129 . دیوان اشعار سیّد ابراهیم سری، مقدّمه
130 . دیوان سرّی، مقدمه و دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 554- 555.

ابراهیم فرزند ابو موسی اشعری، به «ابن ابو موسی» نیز مشهور است. وی در جنگ مسلمانان با اصفهانیان در ناحیه «قهجاورستان» حاضر بوده، و تیری از سوی اصفهانیان به او پرتاب شده، ابراهیم در حال سجده شهید شد، و همان جا مدفون گردید.

برخی نام او را موسی بن ابن موسی ذکر کرده‌اند. محلّ دفن به قبرستان شهداء معروف است.[131] شعبی و عمارة بن عمیر از ابن أبی موسی روایت کرده‌اند[132]. مادرش امّ کلثوم دختر فضل بن عبّاس بن عبد المطلّب بوده است.

ابراهیم اصفهانی

ابو احمد ابراهیم بن احمد بن فضل اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. سلیمان بن احمد از او روایت کرده، و خودش از ابراهیم بن عون بن راشد نقل حدیث می‌نماید.[133]

ابراهیم

ابو اسحاق ابراهیم بن احمد بن معدان، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

از هارون بن سلیمان روایت می‌کند، و احمد بن حمد بن سنده خبّاز از او نقل حدیث می‌نماید[134].

ابراهیم نخعی

ابو اسحاق ابراهیم بن احمد بن منخّل نخعی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری

اعلام اصفهان، ص: 87

است. از رفقاء محمّد بن یوسف (بنا) بوده، و از بکر بن بکار، سعید بن یحیی طویل و محمّد بن بکیر حضرمی روایت می‌کند. ابو الحسن مظالمی، احمد بن محمّد بن نصیر و محمّد بن احمد بن یحیی از او نقل حدیث نموده‌اند.[135][136]

اعلام اصفهان ؛ ص87

ابراهیم مؤدّب

ابراهیم بن احمد بن نوح مؤدّب، از راویان حدیث و دانشمندان قرائت و تجوید در قرن سوم هجری است.

وی کتاب جامع در قرائات را از ابی عبد الله مقری روایت می‌کند. وی از سلمة بن شعیب و محمّد بن عیسی مقری روایت می‌کند، و محمّد بن عبد الرّحمن بن فضل و احمد بن عبید الله بن محمود از او نقل حدیث می‌نمایند[137].

ابراهیم باب کوشکی

ابو اسحاق ابراهیم بن احمد بن یوسف جلّاب باب کوشکی، از محدّثین اصفهان است. ظاهرا در قرن سوم هجری می‌زیسته، و از اهالی محلّه «باب کوشك» در یهودیّه بوده، از ابن صاعد و محدّثین هم طبقه او حدیث شنیده است.[138]

ابراهیم خطّابی

---

131 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 61؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 673؛ مزارات اصفهان، ص 278.
132 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 61.
133 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 198.
134 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 197.
135 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 182.
136 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
137 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 195.
138 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 203؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 9.

ابراهیم بن احمد خطّابی، فقیه و محدّث در قرن سوم هجری، از اولاد و احفاد زید بن خطّاب بوده، به خطّابی شهرت داشته، و در اصفهان متصدّی امر قضاوت بود [ه است]. از ابی ولید و عمرو بن مرزوق حدیث شنید[139]. تاریخ فوتش به دست نیامد؛ امّا تا سال 258 که بر پیکر شیخ ابو مسعود احمد بن فرات رازی نماز خوانده، در قید حیات بوده است.[140]

اعلام اصفهان، ص: 88

ابراهیم نقّاش

ابو اسحاق ابراهیم بن احمد نقّاش مقری، از محدّثین قرن سوم هجری است. از ابی الولید و حوضی و محدّثین هم طبقه آنان روایت می‌کند، و نزد ابی عبد الله محمّد بن عیسی تلمّذ کرده است. او در سال 281 ق وفات یافته است.[141]

ابراهیم حنظلی جزی

ابراهیم بن ادریس بن منذر جزی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم و از اهالی قریه گز [گز و برخوار] و برادر ابو حاتم محمّد رازی است.

از محمّد بن کثیر و محدّثین هم طبقه او روایت می‌کند، و محمّد بن قارن رازی از او نقل حدیث می‌کند.[142]

ابراهیم عقیلی

ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابراهیم بن صالح بن زیاد بن اسحاق عقیلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ولید بن مسلم روایت می‌کند، و ابو مسعود و اسید بن عاصم از او روایت می‌کنند. وفات صاحب عنوان در سال 248 ق روی داده است[143].

[خاندان عقیلی در قرن سوم و چهارم هجری در قریه «فابزان» (محلّه خوابجوان فعلی) اصفهان سکونت داشته‌اند].

ابراهیم صفّار

ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق بن موسی صفّار تاجر از محدّثین اصفهان است. از محمّد بن اسحاق بن خزیمه و محمّد بن اسحاق سرّاج روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم از وی روایت می‌کند.[144]

اعلام اصفهان، ص: 89

سیّد محمّد ابراهیم بهشتی

سیّد محمّد ابراهیم بن سیّد اسد الله حسینی، عالم فقیه کامل، (دارای اجازه اجتهاد از آخوند ملا حسینعلی تویسرکانی) متوفّی 28 صفر 1310 ق، مدفون در مقبره سادات بهشتی در تخت فولاد[145] (بر سنگ مزارش با این القاب از او یاد شده: سیّد المحققین و زبدة المدققین، ظهیر الاسلام و المسلمین، عمدة الفقهاء و المجتهدین، السخی الکریم العلیم الحلیم). مادّه تاریخ وفاتش این بیت است:

تاریخ وی از خرد شدم جویا گفت: »فردوس بدان مقام ابراهیمست[«

میرزا ابراهیم اصفهانی

---

139 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 183.
140 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 7.
141 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 187.
142 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 188.
143 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 181، مزارات اصفهان، ص 83.
144 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 202.
145 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 719؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 135.

میرزا ابراهیم بن شیخ اسماعیل اصفهانی، عالم فاضل در سال 1290 ق در اصفهان متولّد شده، و سپس به مشهد مقدّس مهاجرت کرده، و در آنجا نزد سیّد علی حائری یزدی و شیخ اسماعیل ترشیزی تلمّذ نموده است. در سال 1318 ق نیز به سامرّا رفته، و دو سال در درس میرزا محمّد تقی شیرازی حاضر شده، و در شوّال 1334 به کرمانشاه سفر کرده، و سرانجام در سال 1339 ق در مشهد مقدّس وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات او است: 1. احکام النّجاسات 2. رساله در شكّ رکعات نماز 3.

منجزات مریض 4. المواقیت و غیره. پدرش نیز از صلحاء و اخیار بوده، و در سال 1330 ق در کاظمین وفات یافته است.[146]

محمّد ابراهیم اصفهانی

محمّد ابراهیم بن اسماعیل اصفهانی، فاضل خطّاط، از آثارش کتابت نسخه‌ای است از کتاب استقصاء النّظر تألیف سیّد صدر الدّین محمّد بن محمّد رضوی قمی که به خطّ نسخ نوشته، و در ذی‌قعده 1249 به پایان رسانیده است. در حاشیه تصحیح شده است. در

ضمن، مقدّمه جنگ، فهرست موضوعات کتاب است که یکی از شاگردان مؤلّف تنظیم کرده است. نسخه به شماره 2704 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[147]

محمّد ابراهیم اصفهانی

محمّد ابراهیم بن آقا اسماعیل اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم بوده است، از آثار او: 1. کتابت نسخه‌ای است از کتاب: من لا یحضره الفقیه که آن را در قرن یازدهم به خطّ نسخ نوشته، با حواشی به نشانه «سلطان» و «م. ن» نسخه در کتابخانه مدرسه سلیمان خان مشهد مقدّس وجود دارد[148]. 2. کتابت نسخه‌ای از من لا یحضره الفقیه که آن را نیز به خطّ نسخ در 18 ذی‌القعده 1083 نوشته، و آن را نزد استادانش شیخ محمّد حسین بن محمّد خلیل شیرازی و آقا هادی بن مولی صالح مازندرانی خوانده است. تاریخ قرائت، اواخر شوّال 1101 و مرحوم آقا هادی مترجم، جهت او، انهایی مرقوم داشته است. نسخه به شماره 4166 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم وجود دارد[149]. در این نسخه او را محمّد ابراهیم بن امیر اسماعیل سورکی از قرای کدیان معرّفی می‌کند، و قرائت او در نزد دو نفر دانشمند بزرگوار، نشانه آن است که خود نیز از فضلاء و اجلّاء بوده، و احتمال تعدّد، درباره صاحب عنوان و ایشان می‌رود، و العلم عند الله تبارك و تعالی.

محمّد ابراهیم خراسانی

محمّد ابراهیم بن محمّد اسماعیل بن محمّد جعفر خراسانی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری، در پنجشنبه 21 محرّم 1253 در اصفهان نسخه‌ای از کتاب: کواشف الحجب عن مشکلات الکتب تألیف: ملّا محمّد صالح بن ملّا محسن مازندرانی اصفهانی را به خطّ نسخ کتابت نموده است که به شماره 4510 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم

موجود است[150].

استاد محمّد ابراهیم بنّای اصفهانی*

استاد محمّد ابراهیم بن استاد اسماعیل بنّای اصفهانی، از معماران زبردست عهد صفویّه است. وی در سال 1103 ق مدرسه کاسه‌گران را ساخته است. آثار دیگر وی تعمیرات صفّه صاحب در مسجد جامع اصفهان، و تعمیر گنبد خانقاه شیخ عبد الصّمد در نطنز بوده است.[151]

---

146 . نقباء البشر ج 1، صص 8- 9؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 286؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 103.
147 . فهرست مرعشی، ج 7، ص 274.
148 . فهرست چهار کتابخانه مشهد، ص 22.
149 . فهرست کتابخانه مرعشی، ج 8، ص 395؛ تراجم الرّجال، ج 2، ص 575.
150 . فهرست مرعشی، ج 12، ص 86.
151 . گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص 94 و 653 و 880؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 354.

میرزا محمّد ابراهیم ساغر

میرزا محمّد ابراهیم متخلّص به «ساغر» فرزند محمّد اسماعیل سدهی اصفهانی شاعر ادیب خطّاط. در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخت، چندی نزد آقا غلام علی خطّاط مشق نمود تا در خطّ نسخ، استاد شد. وی سرانجام در سال 1302 ق وفات یافت، و در تکیه خرابه، واقع در تخت فولاد مدفون شد. مانی اصفهانی در مادّه تاریخ او گوید:

وقت رحلت گفت با ساقی عشق: از پی تاریخ «یك ساغر بده«

این کتب از او است: 1. پارسی‌نامه، رساله مختصری است در دستور زبان فارسی 2. تحفة الحسینیّة 3. توحیدنامه 4. دیوان قصائد و غزلیّات 5. المصائب 6. مثنوی سبعة ابحر [و یا سبع المثانی و یا مظفّرنامه] که نظم کتاب جلاء العیون علّامه مجلسی است [7. ماتم‌سرا] 8. مزخرف‌نامه و آن رساله‌ای در حکایات و امثال این‌ها است. این شعر در مدح امام رضا علیه السّلام از او است:

افلاك تو را چاکر و هرکس که در آن است آفاق تو را خادم و هرکس که در این است

یك حاجب درگاهت، گردون رفیع است یك واقف بنگاهت، جبریل امین است[152]

اعلام اصفهان، ص: 92

ابراهیم فرسانی

ابو اسحاق ابراهیم بن ایّوب عنبری فرسانی اصفهانی از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است. عارف و زاهد بوده، و چهل سال بدون همسر و مجرّد زیسته است. از ثوری، ابی هانی، اسود بن رزین، مبارك بن فضاله و اعمش روایت نموده است. زیاد بن برّاد، عبد الرزّاق بن بکر اصفهانی، عبد الله بن داود، نصر بن هشام و هذیل از او نقل حدیث کرده‌اند. فرسان (به ضم فاء) از قراء نزدیك اصفهان است[153].

میرزا ابراهیم نوّاب

میرزا ابراهیم نوّاب بن میرزا محمّد باقر بن محمّد بن محمّد باقر نوّاب لاهیجی اصفهانی عالم فاضل، نزد آقا میرزا احمد مدرّس، آخوند گزی، آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای، آقا شیخ محمّد رضا نجفی و دیگران تحصیل کرد، از ائمّه جماعات مسجد ذو الفقار بود. وی در اوّل صفر 1366 ق وفات یافت، و در تکیه لسان الارض، جنب مرقد یوشع مدفون شد.[154]

میرزا محمّد ابراهیم جوهری

میرزا محمّد ابراهیم متخلّص به «جوهری» فرزند محمّد باقر از سلسله بیرام علی خان قاجار مروزی، از شعراء، ادباء و مرثیه‌سرایان قرن سیزدهم هجری است. در اوایل قرن سیزدهم هجری متولّد شده، و در هرات به تحصیل پرداخته است. فنون علم و ادب را در

---

152 . دیوان غمگین؛ مقدّمه رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 60؛ چهل سال تاریخ ایران(المآثر و الآثار)، ج 1، ص 291؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 588؛ الذّریعة، ج 9، ص 157 و ج 18، ص 166 و ج 21، ص 165، حدیقة الشّعرا، ج 1، صص 719- 720؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« ساغر»، ص 142؛ تذکرة مدایح معتمدیه،(خطّی)، ص 33؛ فهرست مرعشی، ج 32، صص 535- 536؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 98- 99؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 161.

153 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 172؛ معجم البلدان، ج 4، ص 249 میزان الاعتدال، ج 1، ص 12؛ لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 263؛ اللّباب، ج 2، ص 421.

154 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 365- 366؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 185؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 2، ص 284.

هرات از میرزا عبد الله خان شهاب ترشیزی آموخت.[155]

سال‌ها در هرات و خراسان به مدح حکّام و شاهزادگان قاجار پرداخت سرانجام به قزوین آمد، و پس از چند سال در اصفهان اقامت گزید. وی از ارادتمندان حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی بوده، و در مدح او قصایدی سروده است.[156]

وی در سال 1253 ق وفات یافت، و در قبرستان آب‌بخشان اصفهان مدفون گردید. در سال 1290 بانویی نیکوکار به مرمّت آرامگاه او پرداخت.[157] [در اوایل حکومت سلسله پهلوی، با احداث خیابان چهارباغ پایین و فلکه شهدا] قبرستان آب‌بخشان تسطیح و به خانه و مغازه و بهداری و مدرسه تبدیل شد.

تاجر نیکوکار، میرزا ابو القاسم تبریزی در آن قبرستان، دبستان تبریزی را احداث نمود، و قبر جوهری در داخل مدرسه قرار گرفت. تبریزی در گوشه دبستان، آرامگاهی برای جوهری ساخت که هنوز باقی است.[158]

روی مزار او سنگ قبری تمام قد است، و بر روی آن قصیده‌ای از میرزا محمّد باقر بهاء خواجویی [از احفاد ملّا اسماعیل خواجویی] منقور است، و مادّه تاریخ وفات جوهری در آن آمده است:

کلك سحرانگیز او بنوشت این مصرع تمام: »همره سلطان دین آید بمحشر جوهری[159]«

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

1. کتابی در امامت 2. طوفان البکاء، معروف به کتاب جوهری، در مصائب خاندان حضرت سیّد الشّهداء علیه السّلام و خاندان عصمت و طهارت، که بارها به چاپ رسیده، و مقبول اهل منبر و ذاکران اهل بیت علیهم السّلام واقع شده است [3. احسن صور 4. راز و نیاز 5. دیوان قصاید و غزلیّات 6. معراجنامه][160]. اولاد و اعقاب او در اصفهان ساکن و تا این اواخر از اهل منبر و

ذاکرین مصائب بودند (از جمله شیخ احمد جوهری و فرزندش شیخ عبد الکریم جوهری).

ابراهیم کامی

میرزا ابراهیم موسوی اصفهانی متخلّص به «کامی» فرزند میرزا باقر شاعر ادیب و طبیب لبیب، از سادات حکیم سلمانی بوده، و در شیراز به طبابت مشغول بوده [است]، در سال 1239 متولّد [شد]، و در سال 1295 ق در شیراز وفات یافت.[161]

ابراهیم اصفهانی

ابو اسحاق ابراهیم بن بسطام اصفهانی، زعفرانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ابی داود و عبید الله حنفی روایت می‌کند، و عبّاس بن حمدان از او نقل حدیث نموده است.

وی با برادرش احمد در بصره ساکن شده، و همان جا وفات یافته است.[162]

---

155 . تذکره مآثر الباقیة، نسخه خطّی، صص 169- 172.
156 . بیان المفاخر، ج 2، ص 114 و ج 1، ص 215.
157 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 104- 105.
158 . مزارات اصفهان، صص 25- 26.
159 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 143.
160 . تذکره مآثر الباقریة(نسخه خطّی)، ص 172،[سایر منابع]: روضات الجنّات، ج 2، ص 49؛ الکنی و الالقاب، ج 2. ص 631؛ ریحانة الادب، ج 1، ص 438؛ مکارم الآثار، ج 4، ص 1438؛ خلد برین، ج 1، صص 84 و 88؛ الکرام البررة، ج 1، ص 611.
161 . حدیقة الشعراء، ج 2، صص 1449- 1450.

ابراهیم قطّان

ابراهیم بن بندار بن عبده قطّان اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از محمّد بن یحیی بن ابی عمرو روایت می‌کند، و سلیمان بن احمد و قاضی ابو احمد محمّد بن احمد بن ابراهیم از او نقل حدیث می‌کند.[163] قطّان، بر وزن شدّاد، به معنی پنبه‌فروش است.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن جریر بن یزید اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از داود بن سلیمان

روایت حدیث می‌کند.

برادرزاده‌اش احمد بن سعید بن جریر از او نقل حدیث می‌نماید.[164]

میرزا محمّد ابراهیم همدانی

میرزا محمّد ابراهیم همدانی فرزند میرزا محمّد جعفر فرزند میرزا علّامه میرزا ابراهیم همدانی، شاعر ادیب. وی در اصفهان و همدان تحصیل نموده، و سرانجام در اصفهان ساکن شد. او متولّی امامزاده سهل بن علی در همدان بود. در شعر و خطّ و انشاء و معمّا مهارت بسزایی داشت.

[از سال وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ ولی ظاهرا تا سال 1107 ق زنده بوده است].

این شعر از او است:

روزگاری شد که با دردت هم‌آغوشیم ما — همچو سیل از هستی خود خانه بر دوشیم ما

چون سپند دور از آتش در شب هجران یار — ناله‌ها در دل گره داریم و خاموشیم ما[165]

ابراهیم اشعری

ابو اسحاق ابراهیم بن جعفر بن محمّد بن سعید اشعری از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از ابو عتبه حمّصی و حمید بن مسعده روایت می‌کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه و ابو محمّد بن حیّان و قاضی ابو احمد از وی روایت می‌کنند. در سال 394 ق در راه مکّه وفات یافت.[166]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن آقا جعفر شیشه‌فروش اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن 13

---

[162] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 186.
[163] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 188.
[164] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 177.
[165] . تذکره نصرآبادی، ج 1، صص 140- 141، قصص الخاقانی، ج 2، صص 99- 100؛ تذکره المعاصرین، حزین، ص 150.
[166] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 192.

هجری. از آثارش کتابت نسخه‌ای از کتاب دانشکده تألیف اسحاق بیك عذری اصفهانی است که در تاریخ یك‌شنبه 28 شعبان سال 1222 هجری از کتابت آن به خطّ نستعلیق فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره 3668 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[167]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن حامد بن شبیب اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. احمد بن فضل بن خزیمه ساکن بغداد از او روایت می‌کند، و او از احمد بن محمّد، ماجرای تزویج حضرت رضا علیه السّلام با دختر مأمون را نقل می‌کند.[168]

ابراهیم ابهری

ابو اسحاق ابراهیم بن حجّاج ابهری اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از ابو داود روایت می‌کند، و قبل از سال 250 ق وفات یافته است، وی را تألیفاتی است.[169] ابهر از قرای بلوك جی اصفهان بوده، و اکنون جزو شهر قرار گرفته، و به آن «ابر» می‌گویند.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن حرّه اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از اسماعیل بن یزید قطّان روایت کرده است[170].

ابراهیم

ابراهیم بن حسن بن یزداد، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از اسید بن

عاصم روایت کرده است[171].

حاج محمّد ابراهیم کلباسی

حاج محمّد ابراهیم کلباسی فرزند حاج محمّد حسن کرباسی هروی خراسانی اصفهانی، از مشاهیر فقهاء و مجتهدین و اکابر علماء و محقّقین است. عالم زاهد عابد ورع تقی، بلکه ازهد و اعبد و اورع و اتقای علمای زمان بوده، در روز 19 ربیع الثّانی سال 1180 ق در اصفهان متولّد شده، در 10 سالگی پدرش وفات یافته، و بنا به سفارش پدر، تحت تربیت و مراقبت عارف و حکیم فرزانه آقا محمّد بیدآبادی قرار گرفته، و نیز به درس میرزا محمّد علیّ بن میرزا مظفّر، سید محمّد خاتون‌آبادی، ملّا محراب گیلانی و ملّا علی نوری حاضر شد. سپس به سفر حج مشرّف شده، پس از بازگشت، چندی در عتبات عالیات متوطّن شده، و از علمای اعلام همچون شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء)، سیّد علی طباطبایی حائری صاحب ریاض، سیّد محمّد مهدی بحر العلوم، آقا سیّد محسن اعرجی کاظمینی و علامه آقا محمّد باقر وحید بهبهانی کسب فیض نموده، به ایران بازگشت، و در قم و کاشان نزد میرزا ابو القاسم قمی و ملّا احمد نراقی تلمّذ نموده، به درجات عالی علم و اجتهاد نائل آمده، در اصفهان ساکن شد، و به تدریس و افتاء و اقامه جماعت و ارشاد خلق مشغول گردید. عدّه‌ای کثیر از علماء در خدمت او درس خوانده‌اند.

مرحوم حاجی کلباسی در امر فتوا بی‌نهایت احتیاط می‌فرموده، و بر دقایق آداب شریعت، مواظبت کامل داشته، به طوری که کمتر مستحبّی از مستحبّات او فوت شده، و با این حال، در نهایت تواضع و سلامت نفس بوده، و حکایات زیادی از دقّت و احتیاط او در فتوا و عدم توجّه ایشان به دنیا و زهد و قناعت او نقل شده که همگی، دلالت بر عظمت مقام و جلالت قدر او است. وی در مسجد حکیم اقامه جماعت می‌نموده و پس از وفات، فرزندان و نوادگان او در آن مسجد به اقامه جماعت پرداخته‌اند.

---

[167] . فهرست مرکزی دانشگاه، ج 2، ص 2677.
[168] . احقاق الحق، ج 12، ص 386؛ تاریخ بغداد، ج 6، ص 62؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 286 و 373.
[169] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 177؛ معجم البلدان، ج 1، ص 3؛ الانساب، ج 1، ص 105؛ طبقات المحدّثین، ج 2، صص 314 و 373.
[170] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 192.
[171] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 199.

صاحب عنوان در شب پنجشنبه 8 جمادی الاوّل سال 1261 ق در اصفهان وفات یافت، و در مقبره‌ای مخصوص، مقابل در شرقی مسجد حکیم مدفون گردید که مقبره خانوادگی آن‌ها گردیده است. کتب زیر از تألیفات او است:

1. اجوبة المسائل 2. احکام نماز 3. اشارات الاصول، در دو مجلّد، جلد اوّل چاپ سنگی شده است 4. ارشاد المسترشدین، به فارسی، رساله عملیّه ایشان است 5. ایقاظات، در اصول 6. رساله در صحیح و اعم 7. شوارع الهدایه، شرح بخش طهارت و صلات کفایه محقّق سبزواری 8. عدم جواز تقلید میّت 9. مراد از کلمه «لا بأس» 10. رساله در مفطر بودن قلیان 11. مناسك حج 12. منهاج الهدایه، در فقه، یك مجلّد، چاپ سنگی شده است 13.

نخبه، رساله عملیّه به فارسی، منتخب از ارشاد المسترشدین، چاپ سنگی شده است.[172]

شیخ ابراهیم امینی*

شیخ ابراهیم امینی نجف‌آبادی، از علماء و فقهای معاصر، در سال 1304 ق در نجف‌آباد متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان آغاز کرد، و نزد اساتیدی چون شیخ رمضان علی املایی، ملا هاشم جنّتی، سیّد محمّد هاشمی قهدریجانی، میرزا محمود معین نجف‌آبادی، میرزا یحیی فقیه ایمانی، شیخ هبة الله هرندی، شیخ محمّد علی عالم حبیب‌آبادی، شیخ ابو القاسم محمّدی، شیخ محمّد جواد اصولی، سیّد محمّد باقر ابطحی

سدهی، شیخ قنبر علی کوشکی و شیخ غلام حسین منصور نجف‌آبادی تحصیل نمود.

معالم الاصول و شرح لمعه را از حاج شیخ محمّد حسن عالم نجف‌آبادی و قسمت منطق شرح منظومه را نزد حاج آقا صدر الدّین هاطلی کوپایی و بعضی از کتاب‌های شرح لمعه را نزد شیخ علی قدیری و شیخ محمّد جواد اصولی آموخت. مکاسب محرّمه را نزد حاج شیخ محمّد رضا جرقویه‌ای، کتاب بیع مکاسب را نزد حاج شیخ مرتضی اردکانی و حاج آقا رحیم ارباب، رسائل را نزد سیّد عبّاس دهکردی و حیدر علی خان برومند و قوانین الاصول را نزد سیّد علی اصغر مدرّس برزانی خواند.

پس از شش سال تحصیل به قم رفت، و بقیّه مکاسب و رسائل را نزد سید محمد باقر سلطانی و حاج آقا رضا بهاء الدّینی و آقای مجاهدی به اتمام رساند. جلد اوّل کفایه را نزد آیت‌الله مرعشی نجفی و جلد دوم را نزد آیت‌الله گلپایگانی و منظومه حکمت سبزواری را نزد علّامه طباطبایی فراگرفت.

در جلسات خصوصی، نزد علّامه طباطبایی نیز معاد کتاب اسفار، تمهید القواعد، چند جلد کتاب از بحار الانوار، منطق شفا و مقداری از مطالب مهمّ اسفار را آموخت. پس از اتمام کفایه در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله بروجردی، سپس امام خمینی شرکت کرد، و پس از مدّتی آن را نزد آیت‌الله گلپایگانی ادامه داد.

ایشان هم زمان با تحصیل، به تدریس نیز پرداخت، و منظومه حاجی سبزواری، اشارات و چند جلد از اسفار و کتب ادبیّات و شرح لمعه را تدریس نمود.

در مبارزات علیه رژیم پهلوی نیز فعّال بود، و مورد تعقیب قرار گرفت. پس از انقلاب از اعضای مؤثّر جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم بود، و سه دوره به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. اکنون نیز به عنوان امام جمعه موقّت قم، به انجام‌وظیفه مشغول است. تألیفات ایشان عبارت‌اند از:

1. آموزش دین، برای کودکان، چهار جلد 2. آیین تربیت 3. آیین همسرداری 4.

الگوهای فضیلت 5. انتخاب همسر 6. بانوی نمونه اسلام 7. بررسی مسائل کلّی امامت 8.

---

[172] . تاریخ اصفهان(جابری)، صص 283- 284؛ مزارات اصفهان، صص 67- 68؛ هدیة الاحباب، صص 246- 247؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 155؛ فوائد الرّضویة، ج 1، ص 10؛ الکنی و الالقاب، ج 3، ص 109؛ روضات الجنّات، ج 1، ص 44؛ شرح روضات الجنّات، ج 1، صص 83- 89؛ تذکرة العلماء، صص 216- 217؛ مکارم الآثار، ج 5، صص 1643- 1646؛ الکرام البررة، ج 1، صص 14- 15، لباب الالقاب، صص 99 و 134؛ شرح حال رجال ایران، ج 5، صص 212- 213؛ تکمله نجوم السّماء، ج 1، ص 68؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 859؛ اصفهان(کتاب جوانان)، صص 265- 268؛ وفیات العلماء، صص 174- 175؛ الاعلام، ج 6، ص 195؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« ابراهیم»، ص 264؛ معجم المؤلّفین، ج 1، ص 91؛ الذّریعة، ج 1، ص 521 و ج 14، ص 237 و ج 25، ص 191؛ ریحانة الادب، ج 5، ص 42؛ حاجی کرباسی و اولاد و احفادش(نسخه خطّی)، صص 13- 26؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 107- 109؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج 1، صص 112- 118.

اسلام و تعلیم و تربیت 9. ثقافة الاسلامیّة 10. خودسازی 11. دادگستر جهان 12. آشنایی

اعلام اصفهان، ص: 100

با مسائل کلّی اسلام 13. وحی در ادیان آسمانی 14. همه باید بدانند.[173]

آقا محمّد ابراهیم نعمت‌اللّهی*

آقا محمّد ابراهیم نعمت‌اللّهی (نقّاش‌باشی) فرزند آقا محمّد حسین بن محمّد ابراهیم، نقّاش هنرمند اواخر دوره قاجاریّه. وی نزد آقا عبّاس به نقّاشی مشغول شد. سپس به روسیه رفت، و با نقّاشی اروپایی آشنا شد، و به اصفهان بازگشت. او سال‌ها در سرای محمّد صادق خان نزدیك دروازه اشرف در بازار اصفهان ساکن بود، و به نقّاشی می‌پرداخت.

او مردی عارف مسلك و از مریدان حاج سیّد محمّد هادی و آقا میرزا عبّاس پاقلعه‌ای بود. سرانجام در حدود 55 سالگی در سال 1333 ق وفات یافت، و در تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون شد.[174]

شیخ ابراهیم تنکابنی

شیخ ابراهیم بن حسین بن ابراهیم تنکابنی گیلانی، عالم فاضل، معاصر میرزا عبد الله افندی است، و هم درس او بوده[175]، و ظاهرا قبل از سال 1131 ق در اصفهان وفات یافته است.[176] چون یکی از اساتید میرزا عبد الله، علّامه مجلسی است، به احتمال قوی، شیخ ابراهیم تنکابنی نیز از شاگردان علّامه مجلسی بوده است.[177]

محمّد ابراهیم فیض

(محمّد ابراهیم بن آقا محمد خلیل مشهور به فیض، عالم عامل کامل محقق، از زندگی او اطلاعی نداریم جز اینکه خود و پدرش از علما بوده‌اند. وی در سال 1379 ق برابر با 3

اعلام اصفهان، ص: 101

فروردین 1327 ش وفات نموده و در تکیه سید العراقین مدفون گردید. میرزا حسن خان جابری در وفاتش اشعاری سروده، ماده تاریخش این است: فیض از حق ببرد او بجنان)[178]

میرزا ابراهیم خلیفه سلطانی

نوّاب سیّد ابراهیم بن سیّد علاء الدّین حسین خلیفه سلطانی عالم فاضل، فقیه محدّث.

مادرش دختر شاه‌عبّاس صفوی است. در سال 1038 ق متولّد، و در سنّ سه‌سالگی به دستور شاه صفی کور شد. با وجود این، تحصیل علم و دانش نموده، و در جمیع علوم و فضائل بر امثال و اقران خویش فائق گردیده است. وی در سال 1098 وفات یافت، و در قبرستان امامزاده ستّی فاطمه اصفهان مدفون شد. از تألیفات اوست: 1. حاشیه بر شرح لمعه تا آخر طهارت 2. حاشیه بر مدارك الاحکام.[179]

استاد ابراهیم معصومزاده*

---

173 . سیمای دانشوران، صص 48- 50، دیباچه دیار نون، صص 138- 139؛ آیینه اهل‌قلم، صص 28- 29، خبرگان ملّت، صص 161- 174.

174 . تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، صص 333- 334.

175 . ریاض العلماء، ج 2، ص 34.

176 . الکواکب المنتشره، ص 5.

177 . زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2؛ تلامذة العلّامة المجلسی، ص 141؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 109- 110؛ اعیان الشّیعة، ج 7، ص 29.

178 . جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

179 . تتمیم امل الآمل، صص 50- 51؛ اعیان الشّیعة، ج 5، ص 159؛ مصفّی المقال، ص 6؛ مقتبس الاثر، ج 2، ص 299؛ الذّریعة، ج 6، صص 90 و 196؛ مزارات اصفهان، ص 110؛ فوائد الرّضویّة، ص 6؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 110- 111.

استاد ابراهیم معصوم‌زاده فرزند استاد حسین کاشی‌ساز، از هنرمندان ماهر در هنر کاشی‌سازی بود، در سال 1346 ق وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون شد[180].

ابراهیم فرسانی

ابراهیم بن حیّان بن حکیم بن حنظلة بن سوید بن علقمة بن سعد بن معاذ اشهلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او در محلّه فرسان اصفهان ساکن بود. از پدرانش و از شریك بن عبد الله روایت می‌کند. نضر بن هشام بن راشد از او نقل حدیث می‌کند.[181]

ابراهیم مؤذّن

ابو اسحاق ابراهیم بن خلید (مصغّر خالد) قوّاس، مؤذّن مسجد حفص بن سعدان بن ابو سلیمان، از محدّثین ثقه اصفهان در قرن سوم هجری است. از نعمان بن عبد السّلام روایت می‌کند. ابو عمر حفص بن معدان بن حفص بن معدان بن ابی سلیمان، از او نقل حدیث می‌نماید. وی مدت شصت سال مؤذّن مسجد حفص بوده، و مردی مورد اعتماد، نیکوکار و مسلمان بوده است.[182]

محمّد ابراهیم اصفهانی

آقا محمّد ابراهیم بن آقا رضا رئیس التجّار اصفهانی مشهدی، عالم فاضل، مؤلّف کتاب الاحتراز در رد بر رساله حسن الایجاز در ابطال اعجاز که یکی از مبلّغین آمریکایی نوشته، و خود را در آنجا به نام نصیر الدّین می‌نامد. مؤلّف، این کتاب را به مرحوم شیخ محمّد خالصی (م 1383 ق) هدیه نموده، و کتاب در سال 1342 ق در تهران به طبع رسیده است.[183]

ابراهیم خان ضرغام السّلطنه

حاج ابراهیم خان ضرغام السّلطنه فرزند رضا قلی خان ایل‌بیگی بختیاری، از سیاست‌مداران و عرفای عهد قاجاریّه است. در سال 1272 ق متولّد شده است. از سران نهضت مشروطه‌خواهی در ایل بختیاری به دعوت علماء و مردم اصفهان با عدّه‌ای از قوای بختیاری به اصفهان آمده، در نهم ذی‌حجّه 1326 اصفهان را فتح نموده، و سپس صمصام السّلطنه و دیگران وارد شده، و حکومت اقبال الدّوله حاکم اصفهان را شکست دادند.

وی سرانجام در سال 1337 ق در تهران وفات یافت.

از دراویش سلسله خاکساریّه و در طریقت به لقب «حبّ علی شاه» معروف بود.[184]

میرزا محمّد ابراهیم نصیری طوسی

میرزا محمّد ابراهیم نصیری طوسی اصفهانی (متخلّص به منیر) بن زین العابدین بن عبد الحسین، عالم محدّث، ادیب منشی، در اصفهان [در سال 1051 ق] متولّد، و در این شهر نزد علمای عالی‌قدری چون علّامه مجلسی تحصیل کرده، و سپس به مشاغل اداری روی آورده است. [ابتدا وزیر استرآباد بوده، سپس تولیت آستان شاه صفی، وزارت آذربایجان و استیفای ممالك را برعهده داشته؛ ولی در اثر سعایت حاسدان از کار کنار گذاشته شده تا اینکه به منصب مجلس‌نویسی شاه سلطان حسین صفوی منصوب شده است.]

خطّ نستعلیق را خوش می‌نوشته، و در خطّ نسخ نیز مهارت داشته است، و کتاب‌های تلخیص الشّافی، تفسیر الائمّه، کشف الآیات را کتابت نموده است. وی تا حدود سال 1126 ق در قید حیات بوده است. آثار و تألیفات وی عبارت‌اند از: 1. دستور

---

180 . تخت فولاد، شفیق، ص 47.
181 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 183.
182 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 182.
183 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 111؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 34؛ الذّریعة، ج 1، ص 284.
184 . شرح حال رجال ایران، ج 6، صص 6- 7؛ القاب رجال دوره قاجاریّه، ص 102؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 1021.

شهریاران، در حوادث زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی که به چاپ رسیده است 2. جنگ، با مطالب تاریخی، ادبی منشآت و غیره. از او است:

ساقی توفیق کردست چون بزمآرای من	باده لعلی دهد از چشم خونپالای من
مطرب آه و فغان در نغمه ریزد زیر و بم	تا نوای غمزدایی سازد از آوای من
زهره چنگی میفرستد در زمین گردون پیر	تا کند کسب نشاطی از دل برنای من[185]

ابراهیم نعمتاللّهی

ابراهیم بن زین العابدین نعمتاللّهی از فضلاء و صوفیّه و از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری در اصفهان بوده است. از آثارش چهار رساله است که آن را در سال 1290 ق به خطّ نستعلیق تحریری کتابت نموده، و این مجموعه به شماره 3043 در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.[186]

اعلام اصفهان، ص: 104

ابراهیم کاتب مدینی

ابو سعید ابراهیم بن سعدان بن ابراهیم کاتب مدینی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از بکر بن بکار و هریم بن عبد الاعلی روایت میکند، و محمّد بن اسحاق بن ایّوب، عبد الله بن محمّد بن جعفر و احمد بن اسحاق از وی نقل حدیث نمودهاند. وی ثقه و صاحب تألیف است، در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال 384 ق فوت کرده است.[187]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم فرزند سعید (معروف به سعدویه) بن سعید بن یحیی بن طویل اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از پدرش حجّاج بن منهال حوضی، عمرو بن مرزوق و عبید الله بن موسی روایت میکند، و رسته، محمّد بن یحیی بن منده و احمد بن حسین از او نقل حدیث مینمایند.[188]

سیّد ابراهیم

سیّد ابراهیم بن سیّد سلمان، عالم فاضل کامل، در دوم شوّال 1156 ق وفات یافت، و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد[189].

ابراهیم طهرانی

ابو بکر ابراهیم بن سفیان (سلیمان) طهرانی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از محدّثین عراق و اصفهان از جمله ابراهیم بن نصر و اسماعیل بن اسحاق استماع

اعلام اصفهان، ص: 105

---

185 . دستور شهریاران، مقدّمه؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج 1، ص 110؛ اجازات الحدیث، صص 149- 150؛ الکواکب المنتشره، ص 24؛ تلامذة العلّامة المجلسی، ص 57؛ تراجم الرّجال، ج 2، ص 576، نسخههای خطّی، دفتر هفتم، ص 207؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 416.

186 . فهرست مجلس، ج 10، جزء 1، ص 487.

187 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 186.

188 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 182.

189 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 92؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 111؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 108.

حدیث نموده، و عبد الله بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث می‌کنند.[190] وی به قریه طهران در حومه اصفهان منسوب است، و در زمان ما به تیران آهنگران معروف شده، و جزو محلّه‌های شهر شده است.

ابراهیم اصفهانی

حافظ ابراهیم بن سلیمان اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از حافظ ابو بکر احمد بن مردویه روایت می‌کند. اخطب خوارزم از وی حدیث شنیده، و در سال 488 ق اجازه دریافت نموده است.[191]

ابراهیم

ابو اسحاق ابراهیم بن سندی بن علیّ بن بهرام، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری.

وی از محمّد بن ابی عبد الرّحمن مقری و محمّد بن زیاد زیادی روایت می‌کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه، سلیمان بن احمد، عبد الله بن محمّد بن جعفر و محمّد بن جعفر بن یوسف از او نقل حدیث می‌کنند.

او موهای خود را به رنگ سرخ خضاب می‌نموده، و در سال 313 ق وفات یافته است.[192]

میرزا ابراهیم اصفهانی

میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی، شاعر ادیب و خطّاط فاضل، وی در اصفهان به تحصیل پرداخت، و پس از قتل پدر به قزوین رفته، مورد توجّه بزرگان و دانشمندان و شاعران قرار گرفت، و از اعیان و اشراف، هدایا و صله‌های فراوان یافت.

مردی سخن‌سنج و قلندرروش و درویش‌منش بود. در نوشتن خطوط، مهارتی بسزا

داشت، و سرانجام در سال 989 ق وفات یافت.

علاوه بر دیوان اشعار، فرهنگ میرزا ابراهیم نیز از آثار او است که در لغت فارسی به رشته تحریر درآورده است.[193]

ابراهیم لفتوانی

ابو عبد الله ابراهیم بن ابی نصر شجاع بن ابو بکر محمّد بن ابراهیم لفتوانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در حدود سال 480 ق متولّد شده، و از برادرش حافظ ابو بکر محمّد بن ابی نصر شجاع لفتوانی و نیز از رئیس ابی عبد الله ثقفی و ابی محمّد عبد الرّحمن بن احمد بن محمّد سمسار روایت می‌کند. ابو سعد و ابو القاسم از او استماع حدیث نموده‌اند.[194]

[لفتوان از قریه‌های حومه اصفهان بوده است، و اکنون از محلّات شهر به شمار می‌آید، و در زبان عوام، «لفتون» خوانده می‌شود].

ابراهیم مدینی

ابو اسحاق ابراهیم بن شذره مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی از پدرش شذره روایت می‌کند، و احمد بن محمّد بن ابراهیم از او روایت می‌نماید.[195]

---

190 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 193؛ معجم البلدان، ج 4، ص 52 طبقات المحدّثین، ج 4، ص 382؛ الانساب، ج 4، ص 85.
191 . احقاق الحق، ج 7، ص 328.
192 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 193.
193 . خلد برین، صص 462- 463؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، صص 171- 172؛ الذّریعة، ج 18، ص 332 و ج 9، ص 15؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج 1، صص 15- 16؛ فهرست مرعشی، ج 11، ص 398؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ج 1، ص 361؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 2، ص 409.
194 . معجم البلدان، ج 5، ص 20.
195 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 186.

ابراهیم عبّاسی*

ابراهیم فرزند شفیع عبّاسی، از نقّاشان هنرمند عهد صفویّه است. وی نوه رضا عبّاسی بزرگـترین نقّاش عهد شاه‌عبّاس اوّل بوده، و گفته می‌شود برخی از نقّاشی‌های کاخ

چهل ستون اصفهان از آثار او است[196].

ابراهیم بن شیبه

ابراهیم بن شیبه اصفهانی، گویند اصلش از کاشان بوده، و از محدّثان شیعه و از صحابه حضرت امام هادی علیه السّلام است، و از حضرت ایشان حدیث نقل می‌نموده است.

علیّ بن مهزیار اهوازی گوید: «نامه حضرت ابی جعفر [امام هادی] علیه السّلام را نزد ابی شیبه اصفهانی دیدم». احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی، از محدّثان مورد وثوق شیعه از او روایت می‌نماید.[197]

سیّد محمّد ابراهیم خواجویی

سیّد محمّد ابراهیم بن محمّد صادق بن ابو القاسم بن محمّد باقر بن محمّد صادق بن ابو القاسم بن محمّد باقر موسوی خواجویی (عموی جدّ پدر نگارنده) مؤلّف جنگی است که به نام آقا محمّد حسین در ربیع الاوّل سال 1199 ق جمع‌آوری نموده است. نسخه به شماره 4424 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[198]

میرزا محمّد ابراهیم چهارسوقی

میرزا محمّد ابراهیم بن میرزا محمّد صادق چهارسوقی بن میرزا زین العابدین موسوی خوانساری اصفهانی، عالم فاضل و واعظ کامل، در شب پنج‌شنبه 15 رمضان 1269 ق در اصفهان متولّد شد[199]، و در جوانی نزد دو عموی بزرگوار خود میرزا محمّد باقر چهارسوقی

صاحب روضات و میرزا محمّد هاشم چهارسوقی به تحصیل پرداخت، سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد، و نزد شیخ زین العابدین مازندرانی و سیّد حسین کوه‌کمری تحصیلات خود را تکمیل نمود[200]، و به اجتهاد نائل آمد، آن‌گاه در اصفهان به اقامه جماعت در مسجدی در محلّه خلجا پرداخت، و مردم را از مواعظ شافیه خود مستفیض نمود، مردم اصفهان، شیفته منابر او بودند.

با علماء مسیحی در منزل خود مباحثات و مناظراتی در اثبات نبوّت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله داشته، و چون آن‌ها زیر بار منطق و استدلال نمی‌رفتند، ایشان را به مباهله دعوت نموده، و دعوت‌نامه به چاپ رسانید، و در اصفهان و اطراف منتشر کرد، مع هذا کشیشان مسیحی به مباهله حاضر نشدند، و بدین‌طریق، بطلان گفتار آنان ثابت گردید.[201] این عالم جلیل القدر در شب یکشنبه 21 ربیع الثّانی 1331 ق براثر سکته وفات یافته[202]، در جوار مرقد عموی بزرگوارش صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.[203]

از آثار ایشان رساله عملیّه و تعلیقات علمی بر کتاب‌های فقهی و اصولی است.

---

196 . تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 289.
197 . مجمع الرّجال، ج 1، ص 49؛ اعیان الشّیعة، ج 6، ص 60؛ رجال برقی، ص 56؛ لسان المیزان، ج 1، ص 68؛ معجم رجال الحدیث، ج 1، صص 235- 236؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 191- 192؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 674؛ نقد الرّجال، ص 9.
198 . فهرست مرکزی دانشگاه، ج 13، ص 3386؛ مکارم الآثار، ج 5، ص 1733.
199 . مکارم الآثار، ج 6، ص 1925.
200 . نقباء البشر، ج 1، صص 15- 16.
201 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 113.
202 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 196.
203 . خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام ج 1، صص 96- 97.

شیخ ابو الحسن ابراهیم

حاج شیخ ابو الحسن ابراهیم بن حاج شیخ صالح، عالم واعظ فاضل، متوفّی در ماه ربیع الاوّل سال 1237 ق مدفون در تکیه فیض[204].

ابراهیم انجذانی

ابراهیم بن صالح انجذانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. محدّث ثقه در سال 286 ق وفات یافته است. از محمّد بن منصور کرمانی روایت می‌کند، و عبد الله بن

اعلام اصفهان، ص: 109

ابی عبد الله از او نقل حدیث نموده است[205].

[انجدان از روستاهای کاشان است، و جمعی از دانشمندان و سخنوران از جمله میرزا ابو تراب بیك فرقتی انجدانی به آنجا منسوب هستند].

ابراهیم فرسانی

ابو اسحاق ابراهیم بن عاصم فرسانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

وی از خلّاد بن یحیی حدیث نقل کرده است.[206] [فرسان از قریه‌های حومه اصفهان بوده است].

ابراهیم اشعری

ابو اسحاق ابراهیم بن عامر بن ابراهیم بن واقد بن عبد الله اشعری مؤذّن، از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری است. مردی فاضل و نیکوکار بوده، و در سال 260 ق وفات یافته است. برادرش محمّد بر جنازه وی نماز گزارده، و در اصفهان دفن شده است. از پدرش و حسین بن حفص و جمعی دیگر روایت می‌کند، و محمّد بن یحیی بن منده از او نقل حدیث می‌نماید.[207]

ابراهیم راه نجات

ابراهیم راه نجات فرزند حاج عبّاس مورچه‌خورتی، روزنامه‌نگار آزاده اصفهان، در سال 1268 ش در اصفهان متولّد شد. وی در سال 1294 ش روزنامه راه نجات را تأسیس نمود. وی افکار آزادی‌خواهانه‌ای داشت، و تحت تأثیر دایی خود میرزا نصر الله بهشتی (ملك المتکلّمین) بود.

وی به خاطر انتقادهایی که به حکومت رضا شاه پهلوی داشت، بارها به حبس افتاد، و

اعلام اصفهان، ص: 110

روزنامه‌اش به محاق توقیف فرورفت. ابراهیم راه نجات پس از تحمّل سال‌ها رنج و زجر و حبس در 29 فروردین 1326 وفات یافت، و جنب تکیه بابا رکن الدّین، در تخت فولاد مدفون شد[208].

شیخ محمّد ابراهیم کلباسی

شیخ محمّد ابراهیم کلباسی فرزند میرزا عبد الرّحیم بن حاج شیخ محمّد رضا بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل محقّق، در 11 شوّال 1302 ق در نجف اشرف متولّد شد، سپس به اصفهان آمده، از درس حاج میرزا ابو الحسن بروجردی، آقا سیّد

---

204 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 197؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 114؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 116.
205 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 187؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 136.
206 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 183.
207 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 174؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 286؛ طبقات المحدّثین، ج 2، ص 260.
208 . تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج 2، صص 313- 317؛ تخت فولاد سرزمین جاویدان، نسخه تایپی؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 222.

محمّد باقر درچه‌ای، شیخ محمّد تقی نجفی، شیخ محمّد حسین فشارکی و آخوند ملّا محمّد کاشانی مستفیض شد، و در قم نزد حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی تحصیل نمود. وی در تهران ساکن بود، و در مسجد محمودیّه اقامه جماعت می‌نمود، سرانجام در شب شنبه 20 ربیع الآخر 1362 ق در تهران وفات یافت، و در جوار مرقد حضرت عبد العظیم حسنی علیه السّلام در شهر ری مدفون شد.

کتب زیر از او است:

1. افاضات عظیمیّه در آداب شرعیّه 2. التّذکرة العظیمیّة، مطبوع 3. تذکرة الواعظین 4.

تقریرات اصولی درس آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای 5. خصائص العبّاسیّه در شرح احوال حضرت ابو الفضل العبّاس علیه السّلام، مطبوع 6. رساله در اجاره 7. رساله در بیع 8. رساله در اصول دین 9. رساله در تعبیر خواب 10. رساله در وصیت 11. شرح انموذج زمخشری در نحو 12. الفوائد السنّیه، شامل شش رساله، مطبوع 13. نجات البشر فی ابواب اثنی عشر، مطبوع.[209]

اعلام اصفهان، ص: 111

ابراهیم حبّال

ابو اسحاق ابراهیم بن عبد العزیز بن ضحّاك بن عمر بن قیس بن زبیر معروف به «شاذة بن عبدکویه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بود، و از ابی علیه، ابی داود و یزید بن هارون روایت می‌کند، و یونس بن حبیب از او استماع حدیث نموده است.

گویند در مجلس املای حدیث در فضائل ابو بکر و عمر سخن گفت، سپس به اصحاب خود گفت: «از عثمان و علی، فضائل کدام یك را ذکر کنم؟».

شاگردان گفتند: «آیا درباره او شك داری؟ به خدا قسم این مرد رافضی است».[210]

ابراهیم جرواآنی

ابو اسحاق ابراهیم بن عبد العزیز (معروف به بوبه) بن کوفی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است، و شاید اوایل قرن چهارم را نیز درك کرده باشد. وی ثقه و مأمون بوده، و در محلّه جرواآن اصفهان ساکن بوده است.

از عبد الوهاب بن عطاء، ابی نصر، ابی احمد زبیری و شجاع روایت می‌کند، و محمّد علیّ بن جارود و محمّد بن عمر بن حفص از او نقل حدیث می‌کنند.[211]

ابراهیم انواری

دکتر ابراهیم انواری فرزند مرحوم حاج ملّا عبد الکریم سودایی دستگردی، طبیب حاذق و ادیب شاعر در جمادی الاوّل 1309 ق در قریه دستگرد برخوار متولّد شد.

تحصیلات خود را در اصفهان نزد اساتید آن زمان چون حاج میرزا محمّد باقر حکیمباشی، صدر الاطبّاء، میرزا محمّد حافظ الصّحه و آقا شیخ اسد الله حکیم قمیشه‌ای و غیره انجام داد.[212]

اعلام اصفهان، ص: 112

مشار الیه از اطبّاء مورد احترام قاطبه اهالی اصفهان و به حذاقت و استادی معروف بود.

---

[209] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، صص 625- 626؛ الذّریعة، ج 24، ص 57؛ احوال حاجی کرباسی و اولادش، صص 91- 92؛ خاندان کلباسی، صص 224- 226.
[210] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 176.
[211] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 179.
[212] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 70.

در اواخر عمر، همّت به طبع و نشر آثار پدر نمود، و گلزار را به چاپ رسانید. خود نیز کتب چندی به نظم و نثر تألیف کرده است؛ از آن جمله:

1. منظومه حفظالصّحه 2. هفت دام مالك 3. دیوان اشعار، و سرانجام او در شب پنجشنبه 9 رجب سال 1377 وفات یافت، و در جنب پدر در قریه دستگرد مدفون گردید[213].

حاج سیّد علی نوربخش متخلّص به «آزاد» مادّه تاریخ او را چنین گفته است:

یکی شد از جنان بیرون و گفتا بهر تاریخش: »چنان آمد محل دکتر ابراهیم انواری[214]«

ابراهیم

ابراهیم بن عبد الله (و یا ابراهیم بن محمّد) از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است، از ولید بن مسلم روایت می‌کند، شیخ ابو مسعود رازی از او حدیث نوشته، و محمّد بن ابراهیم بن شبیب از وی روایت کرده است[215].

ابراهیم شاهین

قاضی ابو اسحاق ابراهیم شاهین بن عبد الله، از محدّثین اصفهان است. وی به اصفهان آمده است.

احمد بن محمّد بن ابراهیم از او روایت می‌کند، و خود از یحیی بن معین نقل حدیث می‌نماید.[216]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن عبد الله اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابو العبّاس احمد بن محمّد بن ازهر سجزی روایت می‌کند، و اسماعیل بن محمّد بن عصام از او نقل حدیث می‌کند.[217]

اعلام اصفهان، ص: 113

سجزی از قرای رویدشت است، و در زمان حاضر آنجا را سگزی می‌گویند.

[ابو العبّاس احمد سجزی منسوب به سجستان یا سیستان است، و ربطی به قریه سجزی اصفهان ندارد. به شرح حال احمد بن محمّد بن ازهر سجستانی رجوع شود].

ابراهیم قصّار

ابو اسحاق ابراهیم قصار بن عبد الله بن اسحاق بن جعفر بن زکریّا بن یحیی بن شهمردان معدّل اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. در سال 270 ق متولّد شده، و برای اخذ حدیث به شهرهای مختلف از جمله بغداد، شام و نیشابور سفر کرده است. وی از حسن بن محمّد دارکی، ولید بن ابان، ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی در اصفهان، و از ابی بکر بن خزیمه و ابی العبّاس سرّاج در نیشابور، و صالح بن ابی الاصبغ در جزیره سامره و محدّثین همطبقه او اخذ حدیث نموده است. وی در سنّ 103 سالگی در سال 373 ق در نیشابور وفات یافت.[218]

ابراهیم بادرانی

---

213 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 785.
214 . مزارات اصفهان، ص 214.
215 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 180.
216 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 195.
217 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 138.
218 . تاریخ بغداد، ج 6، ص 127؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 201؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 286 و 373.

ابو اسحاق ابراهیم بن عبد الله بن محمّد بادرانی اصفهانی از علماء و محدّثین اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است. وی در ذی‌الحجّه 516 ق وفات یافت.

در معجم البلدان گوید: بادران از قرای اصفهان و به قولی از نایین است[219]، به نظر حقیر، بادران همین قریه باغ بهادران لنجان علیا می‌باشد.

ابراهیم تاجر

ابو اسحاق ابراهیم بن عبد الله بن محمّد بن خرشید قوله تاجر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. مشار الیه دایی عبد الله و محمود پسران احمد بن

محمود می‌باشد. از ابن عقده، ابن مخلد، ابو عبد الله حسین بن اسماعیل محاملی، ابو سعید احمد بن محمّد بن زیاد اعرابی روایت می‌کند، و ابو اسحاق قفّال، ابو الحسن عبید الله بن محمّد بن اسحاق و ابو منصور بن شکرویه از او نقل حدیث نموده‌اند. وی در صفر 400 ق وفات یافت.[220]

ابراهیم مدینی

ابو اسحاق ابراهیم بن عبد الله بن معدان مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن حمید و محدّثین ری و مصر نقل حدیث می‌کند. ابراهیم مدینی در سال 294 ق وفات یافت[221].

سیّد ابراهیم حسینی خوراسکانی*

سیّد ابراهیم بن سیّد عبد الله حسینی خوراسکانی اصفهانی از فضلای قرن یازدهم هجری است. وی در سال 1089 ق نسخه‌ای از کتاب النّهایة فی غریب الحدیث تألیف ابن اثیر را به خطّ نسخ بسیار زیبا کتابت نموده، و در دار الکتب المصریّه موجود بوده است.[222]

سیّد محمّد ابراهیم شمس‌آبادی

سیّد محمّد ابراهیم بن سیّد عبد الله موسوی شمس‌آبادی، عالم فاضل فقیه، در سال 1294 ق در اصفهان متولّد [شد]، و در اصفهان نزد ملّا محمّد باقر فشارکی، شیخ محمّد تقی آقا نجفی، جهانگیر خان قشقایی، میرزا محمّد حسن نجفی، آخوند ملّا محمّد کاشی، میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و پدرش سیّد عبد الله شمس‌آبادی تحصیل نمود.

سپس به نجف اشرف مهاجرت نمود، و از محضر آیت‌الله سیّد محمّد کاظم یزدی بهره‌های علمی برد و از استاد خود اجازه اجتهاد و روایت اخذ نمود، سپس به اصفهان

بازگشت، و به تدریس و ارشاد و اقامه جماعت مشغول شد. او سرانجام در سال 1357 ق به عارضه سکته وفات یافت، و در تکیه ملك در تخت فولاد مدفون شد و در سال 1363 به نجف اشرف نقل شد، و در وادی السّلام، جنب پدر و جدّ خود مدفون گردید. او عالمی غیور و در امر به معروف و نهی از منکر، متعصّب و کوشا بود. میرزا حسن خان جابری در تاریخ وفات او چنین سروده است:

لقد جاء خمس ثم قالوا: «من الاحد — سلام علی ابراهیم طاب ثراه»

---

219 . معجم البلدان، ج 1، ص 316؛ اللباب، ج 1، ص 104.
220 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 204؛ احقاق الحق، ج 15، ص 339؛ تبیین کذب المفتری، ص 429؛ التّحبیر، ج 2، ص 289؛ تاریخ بغداد، ج 10، ص 143.
221 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 190.
222 . خورشید جی، ص 292.

(1352 +5 -1357)[223]

ابراهیم قاسانی

ابراهیم بن عبد الله قاسانی، از محدّثین اصفهان است. از ابو مصعب روایت می‌کند، و ابو احمد محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث می‌نماید.[224]

ابراهیم اشعری مدینی

ابراهیم بن عبد الواحد اشعری مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. یوسف بن محمّد مؤذّن از او روایت می‌کند، و خود اشعری از ابی داود روایت حدیث می‌نماید.[225]

ابراهیم ابهری

ابراهیم بن عثمان بن عمیر ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابو سلمه موسی بن اسماعیل تبوذکی روایت می‌کند. محمّد بن محمّد بن یونس ابهری از او نقل حدیث می‌نماید.[226]

اعلام اصفهان، ص: 116

سیّد محمد ابراهیم میرشفیعیان

(سیّد محمد ابراهیم میرشفیعیان موسوی سدهی، عالم زاهد پارسا، امام جماعت و مدرس مدرسه شفیعیه اصفهان. در اصفهان از درس آخوند ملا محمد حسین فشارکی، میرزا علی آقا شیرازی و دیگران استفاده کرد. عمر خود را به زهد و تقوا و بندگی حق گذراند و در سال 1370 ق وفات نمود و در تکیه آقا باقر دردشتی مدفون گردید)[227]

شیخ محمّد ابراهیم کلباسی

شیخ محمّد ابراهیم کلباسی نجفی بن شیخ علیّ بن شیخ میرزا حسین بن آقا محمّد مهدی بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، از علماء و فضلای عالی‌قدر معاصر است. در سال 1322 ق در نجف اشرف متولّد شد، و از سنّ دوازده‌سالگی به تحصیل علوم دینی پرداخت. سطح را نزد میرزا علی مشکینی و میرزا علی ایروانی، حکمت را نزد ملا احمد آشتیانی و خارج را در خدمت حاج میرزا حسین نایینی، آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدّین عراقی طی نمود.

وی سال‌ها امام جماعت مسجد حاج آقا رضا همدانی در نجف بود. ایشان صاحب چندین تألیف ارجمند است که از آن جمله است: 1. تقریرات درس میرزای نایینی در سه جلد 2. حاشیه بر کفایة الاصول 3. درّة المقال، تقریرات درس آقا سیّد ابو تراب خوانساری 4. الصّلاة الیومیّه، مطبوع 5. مناسك حج، مطبوع 6. منهاج الاصول، مطبوع در پنج جلد 7. منهاج التّقوی، شرح بر عروة الوثقی 8. منهاج المتّقین، مطبوع که رساله عملیّه ایشان است 9. نخبه الاحادیث فی الوصایا و المواریث، مطبوع 10. هدایة المسترشدین، تقریرات درس فقه آقا ضیاء الدّین عراقی.

این عالم گران‌مایه در سال 1407 ق در نجف اشرف وفات نمود[228].

اعلام اصفهان، ص: 117

---

223 . تحفة الابرار، ج 2، صص 520- 521؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 843؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 285؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 202؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 3، صص 194- 195.

224 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 194.

225 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 180.

226 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 187؛ الانساب، ج 1، ص 105؛ معجم البلدان، ج 1، ص 83.

227 . جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

228 . نقباء البشر، ج 1، ص 18، ماضی النّجف، ج 3، ص 232؛ مصفّی المقال، ص 10؛ معجم المؤلفین العراقیین، ج 1، ص 53؛ مستدرکات اعیان الشیعة، ج 10، ص 12؛ معجم رجال الفکر، ج 3، ص 1068؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 169؛ الذّریعة، ج 8، ص 135 و ج 4، ص 368 و ج 6، ص 186 و ج 23، ص 156؛ خاندان کلباسی، صص 164- 165.

ابراهیم مقری

ابراهیم بن علیّ بن عاصم بن راذان مقری، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از محمّد بن عمر بن رسته روایت می‌کند، و فرزندش ابو بکر محمّد بن ابراهیم مقری از او نقل حدیث می‌نماید[229].

ابراهیم اصفهانی

ابو اسحاق ابراهیم بن علیّ بن عیسی اصفهانی، از محدّثین اصفهان و ثقه بوده، در اصفهان، عراق و مکّه استماع حدیث نموده است.[230]

شیخ ابراهیم خوانساری

شیخ برهان الدّین ابو اسحاق ابراهیم بن زین الدّین ابو الحسن علیّ بن یوسف بن علی خوانساری اصفهانی از فضلای قرن دهم هجری، و از شاگردان و مجازین از شیخ علیّ بن عبد العالی کرکی (محقّق کرکی) است.

ملّا عبد الله افندی نسخه‌ای از کتاب کشف‌الغمّه اربلی را دیده است که در پشت کتاب، اجازه کرکی به ابراهیم به سال 924 ق نوشته شده بود، و محقّق کرکی، شاگرد خویش را بسیار مدح و تجلیل نموده بود.[231]

دکتر سیّد ابراهیم نعمت‌اللّهی

دکتر سیّد ابراهیم نعمت‌اللّهی فرزند حاج میرزا علی اکبر پاقلعه‌ای (موافق علی شاه) بن میر محمّد اسماعیل (صابر علی دوم) بن حاج میرزا محمّد بن میرزا ابو القاسم مدرّس

خاتون‌آبادی، از دانشمندان معاصر، و استاد دانشکده پزشکی در سال 1283 ش مطابق با 1321 ق در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیل دوره ابتدایی و متوسّطه به تهران رفت، و در دانشکده پزشکی تحصیل نمود، سپس در سال 1307 ش جزو اوّلین دانشجویان ایرانی در رشته پزشکی به فرانسه رفت، و به تحصیل پرداخت، و به اخذ درجه دکترا نائل آمد. دو سال در فرانسه و یك سال در ایتالیا به خدمت پرداخت، سپس به ایران بازگشت، و به تدریس پزشکی در رشته فیزیولوژی پرداخت. استادی رشته فیزیولوژی و ریاست آزمایشگاه آن، بازرس آموزشگاه‌های بهداری شهرستان‌ها و سرپرستی دانشکده‌های پزشکی، جزو سمت‌های دولتی او به شمار می‌رفت. وی سرانجام در 4 رجب 1401 ق در تهران وفات یافت، و جنازه‌اش به اصفهان منتقل و در بقعه تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون گردید. کتب زیر از او است:

1. اصول تغذیه و ویتامین‌ها و آویتامینوزها و فوائد ورزش 2. فیزیولوژی عمومی و اختصاصی اعصاب 3. فیزیولوژی، دو جلد 4. فیزیولوژی ترشّحات داخلی و خارجی 5. فیزیولوژی غدّه‌های مترشّحه داخلی.[232]

ملّا محمّد ابراهیم دهکردی

ملّا محمّد ابراهیم بن علی اکبر بن علی جان دهکردی اصفهانی عالم کامل، سال‌ها در اصفهان به درس حاج سیّد محمّد باقر شفتی (حجّت الاسلام) و دیگران حاضر شد. در مسجد محلّه نو اصفهان امامت می‌نمود. پس از مراجعه خوانین و مردم چالشتر به سیّد حجّت الاسلام، و درخواست جهت اعزام عالمی شایسته، مرحوم سیّد، طیّ نامه‌ای به تاریخ 21 ذی‌الحجّه 1246 ق مشار الیه را به آن ناحیه فرستاد. صاحب عنوان، جدّ خاندان آل ابراهیم دهکردی می‌باشد.[233]

---

229 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 194.
230 . تاریخ نیشابور، ص 162.
231 . ریاض العلماء، ج 1، ص 26؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 348؛ احیاء الذّاثر، صص 43 و 152؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 114؛ اعیان الشّیعة، ج 5، ص 318؛ الذّریعة، ج 1، ص 212.
232 . راهنمای دانشگاه، ج 2، ص 57؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 69؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص 52- 53.
233 . تاریخ و جغرافیای چهار محال، ج 1، ص 593؛ بیان المفاخر، ج 1، ص 250.

ملّا محمّد ابراهیم زفره‌ای

ملّا محمّد ابراهیم [بن علی بهلول] زفره‌ای کوهپایه‌ای اصفهانی[234] عالم فاضل خوشنویس، [مرجع امور شرعی در قریه زفره بود، و خطّ نسخ را خوش می‌نوشت.

از آثار او کتابت قرآن مجید و زاد المعاد به خطّ نسخ زیبا است][235]، وی در سال 1257 ق وفات یافته است[236].

میرزا ابراهیم امین الواعظین

میرزا ابراهیم امین الواعظین فرزند حاج محمّد علی تاجر اصفهانی، عالم فاضل و واعظ کامل، در سال 1257 ق متولّد شده[237] و در این شهر تحصیل نموده است، از جمله نزد حاج میرزا بدیع درب امامی، حاج سیّد مهدی نحوی و آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای تلمّذ کرد، و چندی نیز در اعتاب مقدّسه، نزد اعاظم فقهای آن دیار- خصوصا میرزای شیرازی- حاضر شد، و در حدود 1325 به ایران مراجعت نمود. مدّتی در اصفهان و گاهی در یزد ساکن بود. در اواخر عمر، در سده ماربین و روستاهای حوالی آنجا به وعظ و خطابه مشغول بود[238]، و سرانجام در 21 ربیع الثّانی 1359 ق در محلّه فروشان سده وفات یافت، و در قبرستان خوزان سده مدفون گردید.[239] وی تألیفاتی داشته که از آن جمله است: 1. امان الخائفین، در امامت 2. براهین الباهر، در مذمّت دنیا و مدح آخرت 3. تحفة المعاد للعباد 4.

روح العالمین، در توحید 5. شهاب الثّاقب در مدح امام غائب (عج) 6. طریقة الحق، در نبوّت 7. کهف العارفین، در اخلاق و غیره از نظم و نثر. وی قصیده‌ای در مرثیّه استادش میرزای شیرازی گفته، و نام عدّه‌ای از علماء را مذکور داشته است.[240]

میر ابراهیم قزوینی*

میر ابراهیم فرزند میر عماد حسنی قزوینی، خوشنویس خطّ نستعلیق، نزد پدر خود مشق خط کرده، پس از شهادت پدر به خراسان رفت، و عاقبت در قزوین ساکن شد، و همان‌جا وفات یافت.[241]

ابراهیم

ابراهیم بن عمّار بن زید، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

او از سلمة بن شبیب حدیث نقل می‌کند، و ابو علیّ بن عاصم از وی حدیث روایت می‌نماید.[242]

ابراهیم اصفهانی

ابو اسحاق ابراهیم بن عمر بن ابراهیم اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در بلخ ساکن بوده، و از ابو القاسم محمود بن محمّد بن خلف سهاوری اسفرائنی از او اخذ حدیث کرده است.[243]

ابراهیم جرواآنی

حاج ابراهیم بن عمر بن حفص بن معدن جرواآنی اصفهانی از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از بکر بن بکار، سلیمان بن حرب، علیّ بن عبد الحمید، محمّد بن ابان و حسین بن حفص روایت می‌کند، و هارون بن سلیمان و محمّد بن یحیی بن منده و محمّد بن احمد بن یزید از او نقل حدیث می‌کنند. وی در سال 251 ق وفات یافت.[244]

---

234 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 209.
235 . مجلّه کتابداری، دفتر 32 و 33، ص 7.
236 . مزارات اصفهان، ص 424.
237 . خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج 1، ص 102.
238 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 114- 115.
239 . مکارم الآثار، ج 6، ص 2092.
240 . نقباء البشر، ج 1، صص 19- 20؛ الذّریعة، ج 2، ص 344؛ اعیان الشّیعة، ج 5، ص 376.
241 . احوال و آثار خوشنویسان، ج 1، ص 20.
242 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 197.
243 . معجم البلدان، ج 7، ص 345.

ابراهیم سعدی مدینی

ابو اسحاق ابراهیم بن عون بن راشد سعدی مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. ابو عبد اللّه محمّد بن احمد ابهری و محمّد بن احمد بن یزید از او روایت کرده‌اند. خودش از مسلم بن سلیم ضبی، حجّاج بن نصیر، وکیع، عبید اللّه بن موسی، قبیصه و ابن عیینه نقل حدیث نموده است.

صاحب عنوان در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال 244 ق وفات یافته است.[245]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن حاج میرزا عیسی اصفهانی ادیب، از دانایان به علوم تجوید بوده، و از آثار او: 1. شجرة التّجوید 2. وجیزة التجوید، در سال 1330 ق به چاپ رسیده است.[246]

ابراهیم زاهد

ابو اسحاق ابراهیم بن عیسی زاهد اصفهانی، از عرفاء و متصوّفه قرن سوم هجری است. از مصاحبان معروف کرخی است، و کراماتی از او نقل شده است. وی در سال 247 ق وفات یافت.

از ابی داود و شبابة بن سوار و مروان بن محمّد مقری روایت حدیث نموده، و احمد محمّد مدینی بزاز و نصر بن هشام از او روایت می‌کنند.[247]

ابراهیم معدّل

ابو اسحاق ابراهیم بن فرقد اصفهانی معدّل، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری

است. از روح بن مسافر روایت می‌کند، و عامر بن ابراهیم از وی نقل حدیث می‌نماید.[248]

ابراهیم نایینی

ابو اسحاق ابراهیم بن فسان شاه بن زرا نایینی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابو حامد بن محمّد بن یحیی بن بلال نیشابوری روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث می‌نماید.[249]

ابراهیم ابار

حافظ ابو نصر ابراهیم بن فضل بن ابراهیم ابار اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است.

او در بازار اصفهان می‌ایستاده، و از حفظ حدیث می‌گفته است؛ امّا او را کذّاب و وضّاع الحدیث نوشته‌اند. از عبد الرّحمن بن منده استماع حدیث کرده است. وفات او در سال 530 ق اتّفاق افتاد.[250]

---

[244] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 181؛ آثار ملّی اصفهان، ص 202.
[245] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 173.
[246] . مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 34.
[247] . لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 263؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 180؛ هفت اقلیم، تصحیح جواد فاضل، ج 2، ص 343؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 286 و 373.
[248] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 175.
[249] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 204.
[250] . تاریخ نیشابور، ص 166؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 25؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 257؛ مقتبس الاثر، ج 2، ص 246؛ اللباب، ج 1، ص 106؛ الوافی بالوفیات، ج 5، ص 68؛ معجم المؤلّفین، ج 1، ص 74.

ابراهیم باطرقانی

ابراهیم بن قاسم بن یونس بن عبد الملك باطرقانی شیبانی ورّاق، از محدّثین قرن سوم هجری است.

وی از شیخ ابو مسعود احمد بن فرات رازی حدیث روایت می‌کند.[251]

میرزا ابراهیم قاجار

میرزا ابراهیم فرزند قبا بیك قاجار، از فضلاء و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است.

اعلام اصفهان، ص: 123

در مدرسه والده شاه صفی در اصفهان ساکن بوده، و از راه کتابت، امرار معاش می‌کرده است. مردی بوده در نهایت صلاح و در کمال فلاح. در حدود سال 1083 ق تدریس در مشهد مقدّس به او تفویض شد، و او به آنجا رفت.

وی نخستین جزء کتاب مبسوط شیخ طوسی را در 25 رجب 1054 ق کتابت نموده که به شماره 1887 در کتابخانه ملّی ملك در تهران وجود دارد. همچنین در بین سال‌های 1054 تا 1066 ق چند برگ از یك جنگ را با مطالب متنوّع از جمله حدیث تزویج حضرت زهرا- سلام الله علیها- را کتابت نموده است. این مجموعه به شماره 1451 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[252]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن قتیبه اصفهانی، از راویان و محدّثان شیعه در قرن سوم هجری است. شیخ طوسی و نجاشی در کتاب خود از او نام برده‌اند، و ابن شهرآشوب در معالم العلماء نوشته است: وی کتابی دارد. احمد بن محمّد بن خالد برقی از او حدیث نقل می‌کند.[253]

ابراهیم اسدی کاشانی

ابراهیم بن قرّه اسدی قاسانی (کاشانی) معروف به «اصم» از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است. از مصاحبان ثوری بوده، و از گفتار او کتابی تصنیف نموده (جامع)، و نزد او قرائت نموده است.

ابراهیم بن ایّوب

محمّد بن حمید و ابو حجر عمرو بن رافع از او روایت می‌کنند. وی در سال 210 ق

اعلام اصفهان، ص: 124

وفات یافت. فرزندش اسحاق نیز محدّث بوده، و در مصر ساکن شده است.[254]

سیّد ابراهیم میرباقری دهاقانی*

سیّد ابراهیم میرباقری بن حاج میرزا کریم دهاقانی اصفهانی، عالم فاضل، در دهاقان متولّد شده، و در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله جهانگیر خان قشقایی تحصیل نمود وی مدّت دوازده سال در آبادان معاون دادگستری بود، سپس در سال 1360 ق به زادگاه خود بازگشت و به تدریس پرداخت. مدّتی نیز امام جمعه دهاقان بود. در اواخر عمر به کامفیروز فارس رفت، و در آنجا وفات یافت، و همان‌جا دفن شد.[255]

---

251 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 196.
252 . تذکره نصرآبادی، ج 2، ص 762؛ فهرست ملك، ص 631؛ فهرست مرعشی، ج 4، ص 239.
253 . اعیان الشّیعة، ج 5، ص 321؛ منهج المقال، ص 25؛ الذّریعة، ج 6، ص 305، معالم العلماء، ص 5؛ مجمع الرّجال، ج 1، ص 62؛ فهرست، شیخ طوسی، صص 15- 16؛ نقد الرّجال، ص 12؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 197- 198؛ دائرةالمعارف تشیّع، ج 1، ص 277؛ تهذیب المقال، ج 1، ص 325.
254 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 172؛ طبقات المحدّثین، ج 2، ص 178؛ الانساب، ج 4، ص 427.
255 . سیمای دهاقان، صص 290- 291.

ابراهیم حبال

ابراهیم بن کوفی حبال اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از حسن بن موسی و عبد الوهاب خفاف روایت می‌کند. ابو عبد الرّحمن مقری و ابو بکر محمّد جعفر بن محمّد بن سعید از او نقل حدیث می‌کنند.[256]

شیخ ابراهیم جیلانی

شیخ ابراهیم بن محراب بن ابراهیم بن خلیل لاهیجانی گیلانی عالم فاضل. از شاگردان علّامه مجلسی و مجاز از او در سال 1090 ق است.[257]

میرزا محمّد ابراهیم مشیر الاسلام

میرزا محمّد ابراهیم مشیر الاسلام فرزند ملّا محمّد محسن بن ملّا محمّد شفیع خویی، از فضلای اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

وی در مهر ماه 1328 ش وفات یافت، و در آرامگاه خانوادگی خود در تخت فولاد جنب تکیه خوانساری‌ها مدفون شد.[258]

محمّد ابراهیم قزوینی

آقا محمّد ابراهیم بن حاج آقا محمّد ابراهیم قزوینی اصفهانی عالم فاضل، در اصفهان متولّد شد، و در این شهر تحصیل نموده، و به افتخار دامادی آقا سیّد اسد الله بیدآبادی فرزند حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی نائل آمده است.

سال وفات او معلوم نیست، و احتمالا مدفن او در قبرستان آب‌بخشان اصفهان بوده است.[259]

ابراهیم نائله

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حارث بن میمون مدینی اصفهانی معروف به «ابراهیم بن نائله» از محدّثین قرن سوم هجری است. نائله نام مادر او است. وی از بسیاری از محدّثان، حدیث نقل کرده است که از آن جمله است: احمد بن حاتم، جعفر بن محمّد بن یزید، سلیمان بن داود، علیّ بن بشر، عمّار بن هارون و محمّد بن مغیره.

جمعی نیز از ابراهیم بن نائله روایت می‌کنند از جمله: ابو بکر بردعی، احمد بن بندار، احمد بن اسحاق، احمد بن محمّد بن کوفی، اسماعیل بن عمرو بجلی، جعفر بن محمّد، محمّد اسحاق بن عمران. صاحب عنوان در سال 291 ق وفات یافت.[260]

ابراهیم قرابه

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد معروف به «قرابة بن شریك» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است، از سعید بن سلام روایت می‌کند. اسید بن عاصم و محمّد بن ابان مدینی

از او نقل حدیث می‌کنند.[261]

ابراهیم اصفهانی

---

[256] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 177.
[257] . اعیان الشّیعة، ج 10، ص 511؛ تلامذة العلّامة المجلسی، ص 8؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 97؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص 337.
[258] . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 150.
[259] . بیان المفاخر، ج 2، صص 167- 168.
[260] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 85 و 158 و 242.
[261] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 177.

ابراهیم بن محمّد حافظ اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از احمد بن حسن بن آذینوه اصفهانی حدیث روایت می‌نموده است.[262]

سید ابراهیم بیرجندی*

سیّد ابراهیم بن محمّد حسینی بیرجندی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است در اصفهان سکونت داشته، و در سال 1185 ق نسخه‌ای از حاشیه شرح مختصر تألیف شریف جرجانی را کتابت نموده است.[263]

شیخ ابراهیم ریاضی نجف‌آبادی*

حاج شیخ ابراهیم ریاضی نجف‌آبادی فرزند آقا محمّد، عالم فاضل فقیه محقّق، زاهد متّقی، در سال 1323 ق در نجف‌آباد متولّد شد، و تا هیجده‌سالگی به زراعت پرداخت. در این هنگام به اصفهان رفت، و نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف‌آبادی، میر محمّد صادق خاتون‌آبادی، میر سیّد علی نجف‌آبادی، سیّد محمّد نجف‌آبادی، شیخ محمّد حکیم خراسانی و شیخ محمود مفید تحصیل نمود. سپس به قم مهاجرت نموده، و نزد حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، شیخ محمد علی شاه‌آبادی، شیخ محمّد علی قمی، سیّد محمّد حجّت و میرزا محمد ثابتی همدانی و دیگران تحصیل نمود تا به درجه اجتهاد رسید.

سرانجام پس از مدّتی تدریس سطوح عالیه، به دعوت شیخ احمد حججی، از قم به نجف‌آباد بازگشت، و به تدریس در حوزه علمیّه نجف‌آباد پرداخت.

وی علاوه بر تدریس، در ارشاد مردم و رفع خصومات و رفع گرفتاری نیازمندان اهتمام

اعلام اصفهان، ص: 127

فراوان داشت. او در فقه، اصول، حکمت، ریاضیات و کلام، صاحب مهارت فراوان بود.

از اقدامات ارزنده او تأسیس مدرسه علمیّه معروف به «مدرسة الحجّة»، احداث حسینیه اعظم و مسجد صفا در نجف‌آباد و تربیت ده‌ها شاگرد فاضل است. این عالم ربّانی در 15 صفر 1374 ق براثر سکته قلبی در سنّ 56 سالگی وفات یافت، و در حسینیّه اعظم نجف‌آباد مدفون شد.[264]

میرزا محمّد ابراهیم قاضی

میرزا محمّد ابراهیم بن غیاث الدّین محمّد خوزانی اصفهانی عالم کامل و فقیه جلیل القدر، از فقها و محدّثان قرن دوازدهم هجری. میرزا عبد النّبی قزوینی از معاصران او گوید: «متمهر فی الفقه و اصوله و حاذق فی الحکمة و فصوله، دقیق الذّهن، جیّد الفهم، عمیق الفکر، کامل العلم، صاحب التّقریر الفائق و التّحریر الرّائق».

در اصفهان به تحصیل پرداخت، و از جمعی از بزرگان فقهاء و محدّثین، مفتخر به اخذ اجازه گردید که از آن جمله‌اند: میر محمّد حسین خاتون‌آبادی، میر محمّد باقر خلیفه سلطانی، شیخ حسین ماحوزی، میرزا محمّد رحیم سبزواری، ملّا محمّد قاسم هزارجریبی و ملّا محمّد طاهر بن مقصود علی اصفهانی.

وی در اصفهان به تدریس مشغول بود، سپس قاضی اصفهان شد، و سرانجام قاضی عسکر نادر شاه گردید، او (ظاهرا) در سال 1160 ق وفات نموده است. گویند مدفن او در قبرستان آب‌بخشان اصفهان است. کتب و رساله‌های زیر از آثار او است:

1. تفسیر آیه و إذا قرىء القرآن 2. حواشی بر کتب اربعه 3. رساله در تحریم غنا 4.

رساله در اینکه درهم و دینار مانند هم است یا قیمت در آن‌ها معتبر می‌باشد. 5. رساله در مشروعیّت تلقین میّت جهت اطفال و غیره.[265]

---

[262] . مقتبس الاثر، ج 2، ص 206.
[263] . فهرست مجلس، ج 1، بخش سوم، ص 1137.
[264] . گنجینه دانشمندان، ج 7، صص 300- 301؛ دیباچه دیار نون، صص 176- 177؛ سیمای دانشوران در شرح حال علماء، صص 95- 99 آیینه اهل‌قلم، صص 53- 54.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از سلیمان شاذکونی روایت می‌نماید، و احمد بن اسحاق از خود او نقل حدیث می‌کند.[266]

ابراهیم دواتی

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم بن احمد دواتی اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری. از ابو مظفّر منصور سمعانی، قاضی ابو منصور بن شکرویه، ابو عبد الله قاسم بن فضل ثقفی و ابو محمّد رزق الله تمیمی روایت می‌کند. ابو علی حسن بن بشیر بن عبد الله نقّاش مهاد ملنجی، از او حدیث شنیده است. وی ساکن محلّه خوز (خوزیان) اصفهان بوده، و در سال 548 ق وفات یافته است[267].

ابراهیم اصفهانی

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم اصفهانی بلخی از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است.

در بلخ ساکن بوده [است]، و ابو المکارم محمّد بن عمر بن امیرجه بن ابو القاسم بن ابو سهل بن ابو سعد عبد الله بن عبید الله بن عبد الرّحمن اشبهی بلخی، ابو المحاسن مسعود بن محمّد بن غانم هراتی و ابو القاسم محمود بن خلف لاهوری ساکن اسفراین، از وی استماع حدیث کرده‌اند.[268]

ابراهیم اصفهانی

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم اصفهانی تاجر، از محدّثین قرن ششم هجری است.

ابو الفتح محمّد بن محمّد بن عبد الله بن محمّد بسطامی خورنقی از او روایت می‌کند، و خورنق از قرای بلخ است.[269]

ابراهیم رفاعی

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم رفاعی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از محمّد بن سلیمان بن حارث باغندی کبیر روایت می‌کند، حافظ ابو نعیم اصفهانی می‌گوید: وی را درك کردم ولی موفّق به شنیدن روایت از او نشدم.[270]

ابراهیم طیّان

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم قفّال طیّان اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است.

از ابراهیم بن خورشید روایت می‌کند، و ابو الوفا اسماعیل طرقی از او روایت می‌کند.

---

[265] . تتمیم امل الآمل ص 57؛ نجوم السّماء، صص 264 و 231؛ فهرست رضوی، ج 5، ص 428؛ میراث اسلامی ایران، ج 7، صص 155- 158؛ فوائد الرّضویّة، ج 1، ص 8؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 144؛ راهنمای دانشوران، ج 1، ص 259؛ اعیان الشّیعة، ج 5، ص 339؛ روضات الجنّات، ج 7، ص 124؛ الکواکب المنتشره، ص 690؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 115- 116؛ مزارات اصفهان، ص 26.

[266] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 192.

[267] . التّحبیر، ج 1، ص 74.

[268] . التّحبیر، ج 2، صص 170 و 301 و 281.

[269] . معجم البلدان، ج 2، ص 401.

[270] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 203.

در ماه صفر 480 ق وفات یافته است.[271]

ابراهیم اسلمی

ابراهیم بن محمّد بن ابی یحیی اسلمی، از محدّثان اصفهان در قرن دوم هجری است.

وی از عبد الله بن دینار، علاء بن عبد الرّحمن و ابی عمرو ابن محمّد حدیث روایت می‌کند، و ابن جریح، محمّد بن ادریس شافعی و حسین بن حفص از او نقل حدیث

اعلام اصفهان، ص: 130

می‌نماید. وی در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال 184 ق وفات یافته است.[272]

ابراهیم اصفهانی[273]

اعلام اصفهان ؛ ص130

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن اصفهانی، از محدّثین اصفهان و امام مسجد جامع اصفهان است، از عابدان و زاهدان عصر خود بوده، و در حفظ و نقل حدیث، اهتمام بسیار داشته، و در سال 302 ق وفات یافته است.[274]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد بن بزرج (بزرگ) اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. محدّث ثقه صاحب اصول بوده، و از عمرو بن علی، محمّد بن سلیمان لوین، موسی بن عبد الرّحمن و نصر بن علی روایت می‌کند. عبد الله بن محمّد بن جعفر از او استماع حدیث نموده است.[275]

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از احمد بن ولید بن برد انطاکی نقل حدیث نموده است. سلیمان بن احمد طبرانی نیز از ابراهیم اصفهانی روایت می‌کند.[276]

ابراهیم ثقفی

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی ثقفی معروف به «طیّان» از علماء و محدّثین شیعه در قرن سوم هجری است. از حسین بن قاسم زاهد اصفهانی روایت حدیث

اعلام اصفهان، ص: 131

می‌کند. وی در سال 266 ق وفات یافته است. کتاب اخبار حسن بن علیّ بن ابی طالب علیهم السّلام از او است.[277]

ابراهیم اصفهانی

---

271 . التّحبیر، ج 1، ص 98.
272 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 171.
273 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
274 . مرآة الجنان، ج 2، ص 240.
275 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 191؛ طبقات المحدّثین، ج 4، ص 293.
276 . احقاق الحق، ج 10، ص 670.
277 . هدیة العارفین، ج 1، ص 3؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 29.

حافظ ابو اسحاق ابراهیم اصفهانی فرزند محمّد بن حمزة بن عمارة بن حمزة بن سیّار بن عبد الرّحمن بن حفص (برادرزاده ابو مسلم خراسانی) از محدّثین اصفهانی در قرن چهارم هجری. از حضرمی مطیّن، محمّد بن عثمان بن ابی شیبه، محمّد بن نصر صائغ، احمد بن یحیی حلوانی، ابو شعیب حرّانی و یوسف بن قاضی روایت کرده، و از محدّثین عراقین، جزیره و حجاز روایت نموده است.

وفات او در 7 رمضان 353 ق اتّفاق افتاد. وی «شیوخ» را جمع‌آوری و مسند را تألیف نموده است[278].

[صاحب عنوان، برادرزاده علیّ بن حمزة بن عمّاره مؤلّف کتاب قلائد الشّرف است].

ابراهیم کرمانی

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن خلید کرمانی، از محدّثین است. در سال 290 ق به اصفهان آمده، و در منزل خصیب بن سلم وارد شده است. راویان اصفهان از قول او احادیثی نقل کرده‌اند.[279]

ابراهیم ثقفی

ابو اسحاق ابراهیم ثقفی کوفی بن محمّد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود ثقفی، از مشاهیر محدّثان و دانشمندان شیعه در قرن سوم هجری. در اوّل، زیدی مذهب بوده، و سپس امامی شده، و برای تبلیغ مذهب شیعه به اصفهان آمده است. در

فضیلت او همین بس که ابو نعیم اصفهانی در حقّ او گفته است: «کان غالیا فی الرّفض». در اغلب کتب رجال و حدیث شیعه از گذشته تا امروز از او یاد شده، و او را ثقه دانسته‌اند.

محمّد بن زید رطاب، عبّاس بن سرّی و عبد الرّحمن بن ابراهیم مستملی از او روایت می‌کنند. جماعتی از شیعیان قم از او درخواست کردند که از اصفهان که اغلب مردم آن اهل سنّت بوده‌اند به قم که جایگاه شیعیان بود بیاید؛ امّا او نپذیرفت، و تا آخر عمر در اصفهان بود تا آنکه در سال 280 (و یا سال 283 ق) وفات یافت.

از کتب او است:

1. اخبار زید بن علی 2. اخبار کشته‌شدگان از اولاد ابی طالب علیه السّلام 2. قیام حسین بن علی علیه السّلام 4. مقتل الحسین علیه السّلام 5. مقتل امیر المؤمنین علیه السّلام 6. الجمل 7. فدك 8. صفّین 9. حکمین 10. نهروان 11. ما نزل القرآن فی امیر المؤمنین علیه السّلام 12. المودّة فی ذوی القربی 13. کشته‌شدگان از آل محمّد علیهم السّلام 14. الغارات، مطبوع و غیره[280].

ابراهیم مؤدّب

ابو القاسم ابراهیم بن محمّد بن سلیمان مؤدّب اصفهانی از محدّثین عامه اصفهان است.[281]

ابراهیم اصفهانی

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن عبید الله بن عمر اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از اسید بن عاصم و طبقه او روایت حدیث می‌کند، و سلیمان بن

---

278 . مرآة الجنان، ج 2، صص 3، 50؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 199.
279 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 194.
280 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 187؛ مفاخر اسلام، ج 1، ص 241- 250؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 2، ص 454؛ روضات الجنّات، ج 1، ص 51؛ الکنی و الالقاب، ج 2، ص 131 و 132؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 121- 122؛ اعیان الشّیعة، ج 5، ص 362؛ الفهرست(شیخ طوسی)، صص 16- 18؛ الفهرست(ابن ندیم)، ص 279؛ الانساب، ج 3، ص 137؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 201- 203؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 286.
281 . تاریخ اصفهان، جابری، ص 286.

احمد از او روایت می‌کند.[282]

شیخ ابراهیم حرفوشی عاملی

شیخ ابراهیم بن محمّد بن علی حرفوشی عاملی کرکی، عالم فاضل و فقیه محدّث، در قرن یازدهم هجری در اصفهان می‌زیسته، و سرانجام در سال 1080 ق در مشهد مقدّس وفات یافته، و همان جا مدفون گردیده است.

شیخ حرّ عاملی می‌نویسد: «من به تشییع جنازه او حاضر شدم»[283]. ظاهرا از شاگردان پدرش و شیخ علیّ بن محمّد بن حسن عاملی نوه شهید ثانی بوده، و از ملّا تاج الدّین حسن اصفهانی [پدر بهاء الدّین محمّد اصفهانی- فاضل هندی] حدیث روایت نموده است.[284] از آثار او کتاب اجازات است که در مجلّدات اجازات بحار الانوار ضبط شده، و به طبع رسیده است[285]. صاحب عنوان، نسخه‌ای از حاشیه بر حاشیه خلیفه سلطان بر روضة البهیّة نوشته شیخ علیّ بن محمّد بن حسن عاملی را در 3 جمادی الآخر 1077 کتابت نموده که در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی موجود است.[286]

همچنین نسخه‌ای از المقنع فی الغیبة را در دوشنبه 8 شعبان 1070 ق کتابت نموده است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد.[287]

ابراهیم کسایی

ابو نصر ابراهیم بن محمّد بن علی کسایی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. ابو بکر عبد الغفّار بن محمّد شیروی جنابدی و ابو نجم بدر بن خلف بن یوسف فرکی حاجی اصفهانی از او حدیث نقل می‌کنند.[288]

ابراهیم سریجانی

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن فاخر بن محمّد بن یحیی فقیه سریجانی مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از منیعی، ابن ابی داود، محمّد بن هارون بن حمید مجدّر و محدّثین بغداد و کوفه و بصره روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او روایت می‌نماید. او در ربیع الآخر سال 358 ق وفات یافت.[289]

ابراهیم شجری

ابراهیم شجری فرزند محمّد بطحایی بن قاسم بن ابو محمّد حسن امیر مدینة بن زید بن امام حسن علیه السّلام، از سادات و امامزادگان عالی‌قدر اصفهان است که مطابق نوشته منتقلة الطّالبیّة در اصفهان ساکن بوده، و قبر او در محلّه جیلان (چملان یا سنبلان) در باب مسجد سعید بن جبیر واقع بوده است.[290] [محلّ دفن امامزاده فوق، به درب امام معروف است].

ابراهیم اصفهانی

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن محمود اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابو احمد عبد الله بن جعفر بن احمد بن فارس روایت می‌کند، و ابو بکر بن منجویه اصفهانی و ابو بکر فارسی از او نقل حدیث می‌نمایند.[291]

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن موسی

---

282 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 194.
283 . امل الآمل، ج 1، ص 30؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 28.
284 . الرّوضة النّضره، صص 4- 5؛ مصفّی المقال، ص 8.
285 . الذّریعة، ج 1، ص 123.
286 . فهرست مرعشی، ج 9، ص 60.
287 . فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج 17، ص 95.
288 . التّحبیر، ج 1، ص 466؛ اللباب، ج 2، ص 424؛ معجم البلدان، ج 4، ص 255.
289 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 203.
290 . منتقلة الطالبیة، ص 25؛ مزارات اصفهان، صص 202- 203؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 386- 387.
291 . احقاق الحق، ج 14، ص 536 و ج 17، ص 578 و ج 5، ص 578.

وکیل معروف به باقلّانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. متصدّی جمع‌آوری درآمد موقوفات مسجد جامع اصفهان بود. پس از سال 360 ق وفات یافته

است. از حسن بن علی طوسی و علیّ بن سعید عسکری روایت می‌کند.[292]

میرزا ابراهیم آرتیمانی «ادهم»

میرزا ابراهیم متخلّص به «ادهم» فرزند میرزا رضی الدّین محمّد آرتیمانی شاعر ادیب، در سال 1020 ق در اصفهان متولّد شد، و نزد علماء و فضلای این شهر به خصوص میرداماد تحصیل کرد، سپس به هند رفت.[293] در آنجا مدّتی مقرّب درگاه تقرّب خان از صاحب منصبان پادشاه هند بود؛ امّا به واسطه رفتار ناپسند به حبس افتاد[294] به سال 1060 ق در سنّ چهل‌سالگی وفات یافت. از آثار او ساقی‌نامه است.

این بیت از او است:

ای که آرام دل خود به جهان می‌خواهی بعد درویش اگر هیچ نباشی شاهی[295]

حاج محمّد ابراهیم ملك التجّار

حاج محمّد ابراهیم ملك التّجار فرزند حاج آقا محمّد، از تجّار نیکوکار و صاحب خیرات و مبرّات بسیار بوده، و در اصفهان شهرت بسیار داشته است.

از آثار خیریّه او: 1. تکیه ملك در تخت فولاد که آن را جهت مرحوم آخوند کاشی بنا کرد، و متأسّفانه در تغییر و تحوّل سال‌های اخیر به کلّی تخریب و نابود شد 2. مسجد ملك در محلّه پاقلعه 3. تیمچه ملك در بازار 4. انگورستان ملك که منزل مسکونی او بوده است.

4. اتمام ساختمان طارمی صحن مطهّر کاظمین علیهما السّلام 6. تعمیر اساسی بسیاری از مساجد اصفهان من جمله مسجد نور و رضوان 7. تعمیر کاروان‌سرای تخت فولاد. وی سرانجام در سال 1341 ق وفات یافته، و در منزل مسکونی خود در محلّه پاقلعه اصفهان مدفون [شده] است. مادّه تاریخ وفات او را میرزا حسن خان جابری انصاری چنین گفته است:

سر برون کرد ملك گفت که این ابراهیم ملکی بوده، و فردوس برین جایش بود[296]

شیخ ابراهیم اصفهانی صنعانی

شیخ ابراهیم بن محمّد اصفهانی صنعانی، عالم فاضل و واعظ کامل، در بسیاری از علوم چون فقه، اصول، کلام، حدیث و ادبیّات صاحب‌نظر و متبحّر بوده، و در اصفهان مردم را موعظه می‌فرموده است. از اصفهان به عین مهاجرت کرده، و در سال 1150

---

[292] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 202.
[293] . کاروان هند، ج 1، ص 33.
[294] . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 509.
[295] . تذکره حسینی، ص 31.
[296] . رجال اصفهان، ص 46؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 122- 123؛ مزارات اصفهان، صص 72- 73؛ تاریخ اصفهان و ری، ص 387.

در عین ساکن شده، و همان‌جا وفات یافته است. مردم صنعا علاقه بسیار به او داشته، و در تشییع جنازه او عزاداری بسیار نمودند. قبرش در جنوب شهر صنعا زیارتگاه است. احمد بن حسین رکیعی مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

هذا ضریح الواعظ المتّقی — علّامة العصر فصیح اللّسان

ناداه رضوان بتاریخه: — »یا خلد ابراهیم اسنی الجنان[297]«

ابراهیم نجف‌آبادی

ابراهیم بن محمّد نجف‌آبادی اصفهانی، فاضل خطّاط نسخ‌نویس قرن سیزدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه‌ای از الدّرر النّجفیّه که آن را در روز 20 ذی‌حجّه سال 1246 ق به پایان رسانیده است. نسخه در کتابخانه دانشکده حقوق تهران موجود است.[298]

ابراهیم دبیر قهفرّخی

ابراهیم فرهنگ قهفرخی متخلّص به «دبیر» فرزند میرزا محمّد، شاعر ادیب در قهفرّخ زندگی می‌کرد. ابتدا به «فرهنگ» تخلّص می‌کرد، و سپس آن را به «دبیر» تغییر داد. او به زادگاه خود به زراعت مشغول بود.[299] [در مطایبه و هزل، اشعاری سروده است، او در 19 آبان 1360 ش در اصفهان وفات یافت، و در تکیه شهدا واقع در تخت فولاد مدفون شد].[300]

اعلام اصفهان، ص: 137

ابراهیم جوزدانی

ابو اسحاق ابراهیم بن معمر بن شریس جوزدانی، از محدّثین اصفهان است. از عمرو بن حفص بن عمرو و ابو ایّوب برادرزاده زریق حمصی و سلیمان بن عبد الرّحمن روایت می‌کند، و جعفر بن محمّد بن یعقوب و محمّد بن احمد بن یزید از او روایت حدیث می‌نمایند.[301] [جوزدان نام محلّه‌ای در اصفهان و روستایی در نجف‌آباد است، و ظاهرا صاحب عنوان منسوب به جوزدان اصفهان است].

ابراهیم متوکّلی

ابو اسحاق ابراهیم بن ممشاد متوکّلی اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن سوم هجری است. از مردم جی اصفهان است. در کتابت و بلاغت، از نوادر عصر خویش بوده، و به عربی شعر می‌سروده است. دبیر و ندیم متوکّل خلیفه عبّاسی بود، و پس از مرگ او از فرزندان خلیفه کناره گرفت، و به یعقوب لیث صفّاری پیوست. او را در شمار شاعران شعوبی آورده‌اند که به تحقیر نژاد عرب و تفاخر به ایرانی بودن خود نموده‌اند.[302]

ابراهیم کرانی

ابو القاسم ابراهیم بن منصور بن ابراهیم سلمی کرانی اصفهانی معروف به «سبط بحرویه» از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. در سال 362 ق متولّد شده، و در سال 455 ق وفات یافته است. ابو سهل محمّد ابراهیم بن محمّد بن احمد بن ابراهیم بن علیّ بن سعدویه امین ترکی اصفهانی از او روایت می‌کند.[303]

دکتر ابراهیم چهرازی

---

297 . خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، صص 103- 105؛ اعیان الشّیعة، ج 5، ص 489؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 121.

298 . فهرست حقوق، ص 337.

299 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 194.

300 . تخت فولاد سرزمین جاویدان، نسخه تایپی.

301 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 185.

302 . نهضت شعوبیّه، صص 246- 247؛ معجم الادباء، ج 2، ص 19؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 122.

303 . التّحبیر، ج 2، ص 55؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 18، ص 73؛ الانساب، ج 1، ص 32.

دکتر ابراهیم چهرازی فرزند سیّد مرتضی موسوی لنجانی پزشك دانشمند و استاد

دانشکده پزشکی در سال 1287 ش در قریه «چهراز» لنجان متولّد شد. در اصفهان به تحصیل در مقطع ابتدایی و متوسّطه پرداخت، و در تهران به تحصیل در مدرسه دار الفنون مشغول شد، و پس از شرکت در کلاس‌های مدرسه طب در تهران به فرانسه رفت، و به تحصیل در رشته اعصاب و روان پرداخت، و به درجه دکترا نائل شد. وی پس از بازگشت به ایران به تدریس در دانشکده پزشکی تهران و طبابت و خدمت در بیمارستان رازی، مرکز پزشکی قانونی، بیمارستان روزبه و سایر مراکز پزشکی پرداخت.

او از مؤسّسین و دبیر انجمن مبارزه با تریاك و الکل بوده است. پزشکی نیکوکار و خیرخواه بوده، و در رفع مشکلات همنوعان خود از هیچ اقدامی فروگذار ننموده است.

علاوه بر آن، دانشمندی محقّق و پرکار بود، و ده‌ها تألیف و مقاله را به رشته تحریر درآورد.

برخی از تألیفات ایشان عبارت‌اند از:

1. اهلیّت تربیت فکری و روحی 2. سردرد و علل و طرق معالجه آن، چاپ شده 3. طبیب در جامعه، چاپ شده 4. امراض اعصاب محیطی و نخاع، چاپ شده 5. بیماری‌های مغز و پی، دو جلد چاپ شده 6. شاهنامه آخرش خوش است، و غیره.[304]

ملّا محمّد ابراهیم مقدّس

ملّا محمّد ابراهیم مقدّس بن محمّد مهدی، عالم عارف، در جمادی الآخر 1289 ق وفات یافت، و در بقعه فیض مدفون شد.[305]

ابراهیم اسدی

ابو اسحاق ابراهیم بن میمون اسدی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از محمّد بن سلیمان معروف به «لوین» روایت می‌کند، و محمّد بن احمد بن ابراهیم از

وی نقل حدیث می‌نماید.[306]

ابراهیم صائغ

ابراهیم بن میمون بن صائغ، از طبقه محدّثین اصفهان است که به خراسان انتقال یافته، و در آنجا در سال 131 به دستور ابو مسلم خراسانی کشته شده است.

وی از عطا روایت می‌کند، و ابو حمزه داود بن ابی الفرات از وی نقل حدیث می‌نماید.[307]

ابراهیم اصفهانی

ابو بشر ابراهیم بن ناصح ملقّب به فورویه بن معلی بن حماد اصفهانی صاحب مناکیر و متروك الحدیث. از محدّثین اصفهان است. از سفیان بن عیینه، نصر بن شمیل و پدرش ناصح روایت می‌کند، و احمد بن جعفر بن سعید، محمّد بن احمد بن یزید و یوسف بن یحیی از او نقل حدیث کرده‌اند.[308]

---

304 . زندگی‌نامه پزشکان نام‌آور معاصر ایران، ج 2، صص 73- 77، مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 47.
305 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 196؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 123؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 168.
306 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 191.
307 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 171.

ابراهیم نوید*

ابراهیم شریفی متخلّص به «نوید» فرزند نظام علی، از شعرای معاصر است. در سال 1346 خورشیدی در کرمانشاه متولّد گردید، و همان‌جا تحصیل کرد. نسبش به یکی از عرفای کرد به نام شیخ بابای سنقری می‌رسد. پس از آنکه طبع او در سرودن شعر عیان گشت، در انجمن ادبی کرمانشاه حضور یافت، و مورد تشویق شعراء قرار گرفت. در سال 1363 به اصفهان آمد، و تا امروز در این شهر ساکن است، و در انجمن‌های این شهر حضور می‌یابد.

تألیفات و آثاری نیز دارد که به طبع نرسیده است. این دو بیت در وصف مولای متّقیان

اعلام اصفهان، ص: 140

علی علیه السّلام از او است:

ای علی! ای اسوه صبر خدا! چشم تو ریزان‌ترین ابر خدا

ای به تو شطّ تجلی متّصل یك‌نفس من را به حال خود مهل[309]

ابراهیم مدینی

ابراهیم بن یحیی بن آدم مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابی صالح جلّاب، محمّد بن عمر بن حفص و عبد الله بن ابراهیم بن صباح نقل حدیث می‌نماید.[310]

ابراهیم حزّوری

ابراهیم بن یحیی بن حکم بن حزّور اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ابی داود و بکر بن بکار روایت کرده است. فرزندش محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث نموده است.[311]

ابراهیم افرجه

ابراهیم مکتب معروف به «افرجه» فرزند ابی یحیی یزید بن عبد الله باهلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و از پدرش یزید بن عبد الله، یحیی بن قطان، ابو عمر ضریر و یعقوب حضرمی استماع حدیث کرد، و اسید بن ابی عاصم، فرزند احمد ابراهیم و عبد الله بن اسحاق پدر حافظ ابو نعیم اصفهانی از او روایت می‌کنند.[312]

اعلام اصفهان، ص: 141

ابراهیم فقیه

ابراهیم بن یوسف فقیه اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی در سال 267 ق وفات یافته است.[313]

محمّد ابراهیم بصیر اصفهانی

---

308 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 178؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 33.
309 . تذکره شعرای استان اصفهان، ص 757.
310 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 203.
311 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 176؛ الانساب، ج 1، صص 105- 106؛ معجم البلدان، ج 1، ص 98.
312 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 175.
313 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 184.

محمّد ابراهیم اصفهانی، شاعر ادیب، بهار وی را در کتاب مدایح المعتمدیّه نام برده، در قصیده‌ای که از او درج نموده، و گوید که جوان است.[314] [قصیده در مدح منوچهر خان معتمد الدّوله حاکم اصفهان سروده شده، و ازآنجا این دو بیت در وصف اصفهان نقل می‌شود:

صد شکر کز عنایت خلّاق انس و جان — یکباره رشك باغ ارم گشت اصفهان

گشت از خوشی چو کاخ خورنق ریاض او — آمد ز خرّمی به جهان غیرت جنان[315]]

ملّا محمّد ابراهیم جدلی گلپایگانی

ملّا محمّد ابراهیم گلپایگانی معروف به «جدلی»، از اکابر فقهاء و حکما و علمای قرن دوازدهم (جامع معقول و منقول و مشهور به دانایی و طلاقت لسان. وی از اساتید حکیم نامی ملا علی نوری و معاصرین آقا محمد بیدآبادی است و احتمالا شاگرد ملا اسماعیل خواجویی است. در برخی از کتاب‌ها او را شیخ ابراهیم گلپایگانی جدّی نوشته‌اند و گمان کرده‌اند که او ساکن مدرسه جدّه و به جدّه‌ای معروف بوده است)[316]

در سال 1199 ق وفات یافت، و در جنب قبر ملّا اسماعیل خواجویی مدفون شد. رفیق اصفهانی مرثیّه‌ای درباره او گفته، و مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

شد ز جهان و رفیق، از پی تاریخ گفت: — »رفت ببزم جنان، زبده ارباب علم«

همچنین مشهور، شاعر اصفهانی در مرثیه و تاریخ او گوید:

شد دریغا ز لوح هستی محو — نام ملّا محمّد ابراهیم

حیف از آن فاضل عظیم الشّأن — آه از آن عالم خبیر علیم

گر شد اجزای او چو گل اوراق — گر شد اعضای او چو عظم رمیم

گفت مشهور بهر تاریخش: — شد بجنّت مقام ابراهیم[317]

وی رساله‌ای در اصول دین تألیف نموده که از کتاب حقّ الیقین علّامه مجلسی استخراج شده است، و ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه سیّد آقا تستری موجود بوده است.[318]

ابراهیم جی اصفهانی*

---

314 . الذّریعة، ج 9، ص 138.
315 . تذکره مدایح معتمدیّه، نسخه خطّی کتابخانه مجلس.
316 . الکرام البررة، ج 1، ص 7؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، ص 180.
317 . تذکرة القبور یا رجال اصفهان، ص 55؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 95- 96.
318 . الذّریعة، ج 2، صص 181- 182؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 97.

ابراهیم جی اصفهانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. وی در سال 1189 ق در اردکان کتاب کشف الآیات را نوشته است. نسخه آن در کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به شماره 4983 محفوظ است.[319]

استاد محمّد ابراهیم حجّار اصفهانی*

استاد محمّد ابراهیم حجّار اصفهانی، از سنگ‌تراشان زبردست دوره قاجاریّه بوده، در حجّاری از عجایب روزگار بوده، و در ریزه‌کاری و ظرافت‌های فنّ حجّاری نظیر نداشته است. از آثار او حجّاری تخت مرمر در کاخ گلستان معروف به «تخت سلیمانی» است.[320]

ابراهیم خاتون‌آبادی

آقا ابراهیم خاتون‌آبادی، از علماء مشهد مقدّس رضوی در قرن دوازدهم، و از معاصرین با سیّد عبد الله بن نور الدّین موسوی جزایری است. از تألیفات او رسائل حکمیّه

اعلام اصفهان، ص: 143

است.[321]

شیخ محمّد ابراهیم درّی

شیخ محمّد ابراهیم درّی، عالم فاضل، در قریه در از قرای لنجان متولّد گردید، و در اصفهان نزد علما و دانشمندان تلمّذ نمود، و به موطن خود مراجعت کرد، مصدر امور شرعی آنجا گردید، و به امامت و وعظ و رسیدگی به دعاوی و غیره پرداخت. وی زمانی به فکر کیمیا افتاد، سرمایه مادّی و معنوی خود را در راه کیمیاگری خرج کرد، به طوری که مرحوم شیخ عبّاس درّی فرزند حاج ملّا فرج الله دری نقل می‌نمود: فی‌الجمله موفّقیتی حاصل کرده بود. وی در قصبه در وفات یافت، و در قبرستان محل دفن گردید.[322]

محمّد ابراهیم رهی اصفهانی

محمّد ابراهیم اصفهانی متخلّص به «رهی»، شاعر ادیب. در عهد خود از شعرای معروف، و به شغل قصّابی مشغول بود. طبعش همگی به هجوگویی مایل بود، سرانجام در سال 1226 ق وفات یافت. از او است:

بهر سفر گذاشتم زین چو به پشت بادپا — آمد و دامنم گرفت آن صنم از ره وفا

مرغ دلش شکسته‌پر، برگ گلش ز گریه تر — فندق آن به پسته در، لؤلؤ و عقیق سا

نرگس دلنواز او کرده به گریه آشتی — غنچه عشوه‌ساز او گشته به لابه آشنا[323]

ابراهیم طوبی

میرزا ابراهیم طوبی، شاعر و ادیب بوده، در سال 1174 هجری در اصفهان وفات یافته،

اعلام اصفهان، ص: 144

---

319 . فهرست مرعشی، ج 13، ص 178.
320 . تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 361.
321 . تتمیم امل الآمل، ص 55؛ اعیان الشّیعة، ج 3، ص 22؛ الکواکب المنتشره، ج 12، ص 8؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 97.
322 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 738 و اطّلاعات خارجی.
323 . ریحانة الادب، ج 2، ص 346؛ مجمع الفصحاء، ج 4، ص 322؛ الذّریعة، ج 9، ص 324؛ مکارم الآثار، ج 3، ص 829؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« رهی»، ص 240؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص 453.

و در رواق امامزاده اسماعیل مدفون شده است.[324] در ریحانة الادب به نقل از اعیان الشّیعة گوید: حکیم مورّخ ادیب، علاوه بر فضائل دیگرش در علم هیئت نیز عارف بوده است.[325]

میرزا ابراهیم عارف تبریزی

میرزا ابراهیم تبریزی متخلّص به «عارف» شاعر ادیب، برادر میرزا محمّد امین خازن معروف به «آقاسی» است. در محلّه عبّاس‌آباد اصفهان ساکن بود، و سرانجام در هند ساکن شد، این شعر از او است.

از طپیدن‌های دل در کلبه ویرانه‌ام سقف همچون رنگ برخیزد ز روی خانه‌ام[326]

ابراهیم عاصی فریدنی

حاج ملّا ابراهیم فریدنی معروف به «ملّا ابراهیم غسّال» متخلّص به «عاصی» شاعر ادیب، در بین همکاران خویش به دانستن مسائل و آشنایی به احکام، معروف بود. گاهی شعر می‌گفت. در محرّم الحرام 1365 قمری در حدود فریدون به سنّ قریب به هشتادسالگی وفات یافت، و هم در آنجا مدفون شد.[327]

محمد ابراهیم جواهری

(محمد ابراهیم جواهری فرزند محمد اسماعیل کوهپایه‌ای در سال 1342 ق (1302 ش) متولد شد، ابتدا در مدرسه قدسیه و دبیرستان سعدی تحصیل کرد و سپس وارد حوزه علمیه اصفهان شد و از درس اساتیدی چون شیخ محمد علی عالم حبیب‌آبادی، شیخ محمد حسن عالم نجف‌آبادی، شیخ علی محمد فقیه حبیب‌آبادی، شیخ عباسعلی ادیب، سید عبد الحسین طیب، حاج آقا صدر کوپائی، شیخ محمود مفید، سید محمد حسین ادیب

بجنوردی، شیخ محمد باقر زند کرمانی و دیگران بهره برد و سپس در مدارس دولتی به تدریس پرداخت. وی از فضلای بسیار پرتلاش و با ذوق معاصر است و با همتی بلند شرح حال بسیاری از رجال علمی و دینی معاصر اصفهان و ایران را تدوین نموده. کتاب علوم و عقاید از او به چاپ رسیده، دو جلد از اسفار را ترجمه کرده و در شعر گوهر تخلص می‌کند)

محمّد ابراهیم شوکتی اصفهانی

محمّد ابراهیم اصفهانی متخلّص به «شوکتی» از شعرای قرن یازدهم هجری است، در اصفهان ساکن بود. دوبار به هند رفت، و در دفعه دوم به دست پسر چوپان به قتل رسید. از او است:

از زلف علاج دل سودایی من کن این سلسله را گرم به رسوایی من کن

شمع و گل و پروانه و بلبل همه جمعند بی‌رحم بیا رحم به تنهایی من کن[328]

محمّد ابراهیم فارغ فروشانی

---

[324] . رجال اصفهان، ص 179؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 99؛ مزارات اصفهان، ص 103.
[325] . ریحانة الادب، ج 4، ص 62؛ الذّریعة، ج 9، ص 651؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص 10.
[326] . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 620؛ دانشمندان آذربایجان، ص 17.
[327] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 327.
[328] . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 478؛ کاروان هند، ج 1، ص 658؛ تذکره حسینی، ص 169.

محمّد ابراهیم فروشانی اصفهانی متخلّص به «فارغ»، شاعر ادیب از اهالی محلّه «فروشان» سده ماربین اصفهان بود، و مانند برادر خود عشرتی، شعر می‌سرود. سرانجام به هند رفت، و از ملازمان طوفان شد، سپس به لاهور رفت، و در آنجا وفات نمود، و مهستی خانم، همشیره طالب آملی او را با احترام دفن کرد؛ از او است:

فکرم به وصف آن قد رعنا نمی‌رسد — کس را کمند فکر به آنجا نمی‌رسد

نتوان به وصف قامت او گفت مصرعی — تا معنیی ز عالم بالا نمی‌رسد[329]

حاج محمّد ابراهیم قزوینی

حاج محمّد ابراهیم قزوینی، از علماء و فقهاء بزرگ قرن سیزدهم هجری است. در

اعلام اصفهان، ص: 146

قزوین متولّد گردیده، و در آنجا و اصفهان تحصیل نموده، و از درس حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی بهره گرفته، و سیّد، جهت او در سال 1246 اجازه مفصّلی مرقوم فرموده، و در آن از وی ستایش بسیار نموده، و تصریح کرده است که مدّت‌ها خدمت او رفت و آمد می‌نموده، و به درس او حاضر می‌شده تا به درجه اجتهاد نائل شده است[330].

صاحب عنوان در شمار نزدیکان و مخصوصین سیّد حجّت الاسلام بوده، و حاج محمّد جعفر آباده‌ای با آن جلالت قدر، آرزوی مقام او را می‌نموده، و به حال او غبطه می‌خورده است.[331] میرزا محمّد ابراهیم قزوینی در مسجد آقانور در محلّه دردشت اقامه جماعت می‌نموده، و از آثار باقیه‌اش شبستان و مهتابی و هشتی و سردر و حوض‌خانه مسجد مزبور است. وی کتابخانه‌ای مفصّل و آبرومند داشته که پس از وفات ایشان پراکنده شد، و قسمتی از آن را به کتابخانه امیر المؤمنین علیه السّلام در نجف اشرف اهدا شد.[332]

قزوینی سرانجام در چهارشنبه 29 محرّم 1261 ق وفات یافت، و جنازه به نجف اشرف نقل، و در آنجا مدفون شد.[333]

محمّد ابراهیم قمی

محمّد ابراهیم قمی، خطّاط نسخ‌نویس معروف در قرن یازدهم از اساتید بزرگ خط، و معاصر احمد نیریزی بوده، و در اصفهان مقیم بوده است. از آثارش کتابت نسخه‌ای است از قرآن مجید مورّخ به سال 1117 ق که آن را در اصفهان جهت نوّاب حاجیه زینب بیگم (ظاهرا بانی حمّام زینب بیگم) نوشته است که به شماره 1512 در آستانه مقدّسه رضویّه موجود می‌باشد. نیز قرآن دیگری به شماره 110 ق مورّخ 25 ربیع الاوّل سال 1078 ق[334].

ابراهیم معتمدی*

ابراهیم معتمدی، از شعرای معاصر اصفهان است. از او است:

اعلام اصفهان، ص: 147

خارم و با گلشنم همسایگی است — آنچه رنجم می‌دهد بی‌مایگی است

---

329 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 481؛ کاروان هند، ج 2، صص 971- 972.
330 . الذّریعة، ج 1، ص 156.
331 . تاریخ اصفهان، جابری، ص 284.
332 . بیان المفاخر، ج 1، صص 245- 248.
333 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 100- 101.
334 . راهنمای گنجینه قرآن، ص 264.

دور از این دنیای پرنقش و نگار | با نگار دیگری دارم قرار[335]

محمّد ابراهیم مقتول اصفهانی

ابراهیم بیك اصفهانی متخلّص به «مقتول» شاعر ادیب، اصلا از اصفهان بوده؛ ولی در جهان‌آباد هند متولّد شده است، و فنون شعر و ادب را از غلام همدانی مصحفی آموخته است.[336]

سیّد ابراهیم مقدّس

سیّد ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی معروف به «مقدّس»، عالم زاهد متّقی، از اهالی ساوه بود، و پدرانش از سادات مختاری سبزوار به ساوه مهاجرت کرده بودند، و سیّد ابراهیم از ساوه با اصفهان آمد. مرحوم سیّد حجّت الاسلام او را با احترام پذیرفت، و در جنب منزل خود برای او خانه‌ای تهیّه نمود. وی خواهر میر سیّد محمّد شهشهانی را به زوجیّت اختیار نمود، و بعد از سال 1250 ق وفات یافت، و در قبرستان قبله دعا مدفون گردید.[337]

میرزا ابراهیم نوّاب احمدآبادی

میرزا ابراهیم نوّاب احمدآبادی اصفهانی، هنرمند نقّاش، از معاصرین عنقا است که در نقّاشی گل و بوته و تصویر حیوانات و درختان و تجسّم حالات آنان تخصّص داشته است.

وی از سلسله نوّاب‌های صفوی است، و در اوایل قرن چهاردهم در اصفهان وفات یافت.[338]

اعلام اصفهان، ص: 148

ابراهیم بیك یوزباشی

ابراهیم بیك یوزباشی از بزرگان و امرای عهد شاه سلطان حسین صفوی است. از آثارش تعمیرات امامزاده اسماعیل علیه السّلام است که آن را در سال 1111 ق به پایان رسانیده است. کتیبه منظوم دور رواق بقعه در لوحه‌های کوچك به خطّ نستعلیق بر زمینه لاجوردی به خطّ محمّد صالح اصفهانی قصیده‌ای است به شرح زیر:

از حکم دارای زمان سلطان حسین کامران | معمار ارکان جهان شاهنشه فرمانروا

این منزل چون کعبه نو، از سعی ابراهیم شد | سلطان داور کرد نو، مأوای اسماعیل را

این کعبه آیین صفا، از سعی ابراهیم شد | الطاف سلطان نو نمود این حجر اسماعیل را[339]

ابراهیم شاه طبیب اصفهانی

ابراهیم شاه طبیب، ساکن تبریز و از اهالی اصفهان. وی در قرن دهم هجری می‌زیسته، و اعتقاد تامّی به مجذوبان و درویشان داشته، و در عین طبابت، خوشنویس زبردستی بوده است.[340]

---

335 . هفته‌نامه نوید اصفهان، شماره 298، بیست و هشتم اردیبهشت 1373، ص 8.
336 . گلشن بی‌خار، ص 186.
337 . بیان المفاخر، ج 2، ص 298؛ مزارات اصفهان، ص 337؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، صص 909- 910.
338 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 1017؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، صص 318- 319.
339 . آثار ملی اصفهان، ص 755؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 521.
340 . روضات الجنان، ص 493.

ابن ابی حاتم- عبد الرّحمن

حافظ ابو محمّد عبد الرّحمن بن محمّد بن ادریس بن منذر بن داود بن مهران اصفهانی معروف به ابن ابی حاتم تمیمی نظامی از محدّثین، فقها و مفسّرین شافعی بوده، پدرش از اهالی قریه گز از بلوك برخوار بوده، و به ری رفته، و در آنجا ساکن شده است.

تألیفات بسیاری داشته از آن جمله است: 1. تفسیر قرآن 2. الردّ علی الجهمیّة 3. الزّهد 4.

العلل (برحسب کتب فقهی تقسیم شده است) 5. فوائد الزّائرین 6. الفوائد الکبری 7. الکنی 8. المسائل 9. مسند در حدیث، در دو هزار جزء 10. مقدّمه جرح و تعدیل، در چندین مجلّد 11. مناقب شافعی. صاحب عنوان در سال 240 ق در ری متولّد [شده]، و در سال

327 ق وفات یافته است.[341]

ابن ابی دلف- دلف

دلف بن عبد العزیز بن ابی دلف عجلی، معروف به «ابن ابی دلف» یکی از مشاهیر والیان عهد بنی عبّاس است.

وی والی اصفهان بوده، سرانجام با قاسم بن مهاة جنگیده، و در سال 265 ق به قتل رسیده است.[342]

ابن ابی رزمه

ابن ابی رمزه، از محدّثین اصفهان است.[343]

ابن ابی عاصم- احمد

ابو بکر احمد بن عمرو بن عاصم ضحاك بن مخلد شیبانی معروف به «ابن النّبیل» و «ابن ابی عاصم» از محدّثین و فقهاء بوده، حافظه‌ای قوی داشته، در فتنه زنج، کتاب‌هایش در بصره از بین رفت، و او از حفظ، پنجاه هزار حدیث نوشت. تولّدش در سال 206 ق بود، و از سال 269 تا 282 در اصفهان منصب قضاوت داشت، در سال 287 ق وفات یافت. قریب به سیصد جلد کتاب تألیف کرده که از جمله آن‌ها است کتاب‌های: 1. الاوائل 2. الآحاد و المثانی 3. الدّیات، مطبوع 4. السنه 5. المسند الکبیر.[344]

ابن ابی علی اصفهانی- محمّد

محمّد بن حسن بن احمد بن محمّد بن موسی اهوازی معروف به «ابن ابی علی اصفهانی»، از محدّثین عامّه است، متّهم به کذب است، و او را «جرّاب الکذب» لقب

داده‌اند.[345]

ابن ابی فاطمه

ابن ابی فاطمه ورّاق، از نویسندگان قرآن، و در نیمه اوّل قرن چهارم می‌زیسته است ..[346]

---

[341] . هدیة العارفین، ج 2، ص 513.
[342] . الاعلام، ج 3، ص 21؛ الکامل، ج 7، ص 108.
[343] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 115.
[344] . الاعلام، ج 1، ص 181؛ تذکرة الحفّاظ، ج 2، ص 193؛ لسان المیزان، ج 4، ص 164.
[345] . میزان الاعتدال، ج 3، ص 516؛ الانساب، ج 1، ص 232.
[346] . لغت‌نامه دهخدا، ذیل« ابن ابی فاطمه»، ص 289.

ابن ابی نواس- عبد الله

ابو محمّد عبد الله بن محمّد بن خالد معروف به «ابن ابی نواس» از محدّثین اصفهان است، وی از محمّد بن سهل بن صباح و ابی اسید روایت می‌کند.[347]

ابن اخباری- محمّد

حافظ ابو العبّاس محمّد بن اسحاق بن ابراهیم طبری، از محدّثین است، به اصفهان آمده، و از همام و تمتام و محدّثین مصر حدیث روایت می‌نمود.[348]

ابن اخوه بغدادی- عبد الرّحیم

جمال الدّین ابو الفضل عبد الرّحیم بن احمد بن محمّد بن ابراهیم بن خالد بغدادی معروف به «ابن اخوه» از محدّثین عالی‌قدر شیعه در قرن ششم هجری است، در بغداد متولّد شد، و جهت اخذ حدیث، به کاشان، خراسان، ری و طبرستان سفر کرد. او چهل سال در اصفهان بود، و سرانجام به شیراز رفت، در 13 شعبان 548 ق در آنجا وفات یافت.

وی از ابو السّعادات هبة الله بن شجری، ابو شجاع صابر بن حسین بن فضل بن مالك، شیخ ابو غانم عصمی هروی، شیخ ابو الفضل محمّد بن یحیی ناتلی، ابو عبد الله حسین بن طلحه نعالی و ابو الخطّاب نصر بن احمد بن بطر و ابو الفوارس طراد زینبی عبّاسی اجازه نقل حدیث داشته، و از دختر شریف مرتضی اجازه روایت کتاب نهج البلاغة را دریافت

نمود. سدید الدّین محمّد طوسی، عماد الدّین علیّ بن قطب راوندی، قطب الدّین سعید راوندی و ضیاء الدّین فضل الله علوی حسنی راوندی شاگردان او هستند.[349]

ابن اسود- احمد

احمد بن علویه کرانی (یا کرمانی) اصفهانی معروف به «ابن اسود کاتب»، از بزرگان، نویسندگان و دانشمندان شیعه و از مجاهرین شعرای اهل بیت علیهم السّلام است. ابو حاتم سجستانی که خود از بزرگان شعر و ادب است، خطاب به اهل بصره می‌گوید: قسم به خدا این شاعر اصفهانی در محکم بودن اشعار و کثرت فوائد آن بر همه شما تفوّق یافته است.

اشاره او به قصیده نونیّه موسوم به قصیده الفیّه در مدح حضرت علی علیه السّلام با این مطلع است:

ما بال عینك ثره الانسان عبری اللحاظ سقیمة الافجان

وی از ابراهیم بن محمّد ثقفی همه مؤلّفات او را روایت می‌کند، و محمّد بن حسن بن ولید (م 423 ق) و ابو عبد الله حسین بن محمّد بن عامر بن عمران بن ابی بکر اشعری و محمّد احمد بن محمّد بن بشر، احمد بن محمّد بن بشیر، جلال بن بشیر رحال و ابو جعفر بن بابویه از او روایت می‌کنند. در عموم کتب رجال و حدیث و ادب، نام او به عظمت و بزرگی یاد شده است. وی از اصحاب ابو علی لغذه بوده، و مدّت‌ها در خدمت احمد بن عبد العزیز و دلف بن ابی دلف عجلی بوده، و از ندمای آنان محسوب می‌شده است.

تولّدش در سال 212 ق، و وفاتش در حدود سال 312 ق یا 320 یا 321 ق اتّفاق افتاده است. کتب زیر او است:

1. الاعتقاد، یا دعاء الاعتقاد 2. الفیّه، قصیده‌ای در هزار بیت، در مدح حضرت علی علیه السّلام 3. الرّسائل المختاره، در ادعیه 4. الشّیب و الخضاب.

---

347 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 98.
348 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 257؛ طبقات المحدّثین باصفهان، ج 4، ص 304.
349 . ثقات العیون، صص 158- 159؛ الذّریعة، ج 1، ص 201؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 281- 282؛ دائرةالمعارف تشیّع، ج 1، صص 300- 301؛ امل الآمل، ص 480.

از اشعار او است:

حکم الغناء تسمع و مدام ما للغناء مع الحدیث نظام

اعلام اصفهان، ص: 152

لو انّنی فاض قضیت قضیة انّ الحدیث مع الغناء الحرام[350]

ابن اسید- اسحاق

ابو الحسن اسحاق بن محمّد بن ابراهیم بن حکیم ابن اسید اصفهانی از محدّثین اصفهان است. حافظ ابو نعیم درباره او می‌گوید: «شیخ ثبت صدوق، عارف بالحدیث ادیب و لا یحدث الّا من کتابه». از حسن بن عثمان، محمّد بن عاصم و ابو امیّه روایت کرده است، و احمد بن عبید الله بن محمود، محمّد بن جعفر و محمّد بن عبید الله بن مرزبان از او حدیث نقل می‌کنند. کتاب الشّیوخ از تألیفات او است. وفاتش در رمضان 312 ق بوده است.[351]

ابن اشته*

«ابن اشته» شهرت چندین تن از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است.

نسب این خاندان به شخصی به نام «اشته» (به فتح اوّل و سکون دوم) منتهی می‌شود.

ابن اشته- احمد

ابو العبّاس احمد بن عبد الغفّار بن علیّ بن اشته حافظ اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است.

وی در 410 ق متولّد و در سال 492 ق وفات یافته است. از سعید بن محمّد نقّاش و ابو الحسن علیّ بن ابی حامد خرجانی روایت می‌کند، و ابو نصر اسماعیل بن محمّد بن

اعلام اصفهان، ص: 153

احمد رنانی، ابو الفضل ثابت بن محمّد بن فضل صفّار اصفهانی، ابو محمّد (ابو بکر) جابر بن منصور بن محمّد بن صالح ویذآبادی، ابو محمّد حسن بن احمد مدینی، ابو احمد عبد الجبّار بن عصمت و ابو غانم محمّد بن حسین بن حسن از او نقل حدیث می‌نماید.

---

350 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 123- 124؛ مزارات اصفهان، ص 185؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 207- 210؛ ریحانة الادب، ج 7، ص 383؛ الکنی و الالقاب، ج 1، صص 212- 213؛ رجال نجاشی، ص 64؛ رجال ابن داود، ص 34؛ مجمع الرّجال، ج 1، صص 125- 126؛ بغیة الوعاة، ص 146؛ نوابغ الرّواة، ص 36؛ فهرست، شیخ طوسی، ص 32؛ یتیمة الدّهر، ج 3، ص 267؛ معجم الادباء، ج 4، صص 72- 77؛ معجم رجال الحدیث، ج 2، صص 151- 152؛ الذّریعة، ج 2، صص 223- 224؛ لغتنامه دهخدا، ذیل« احمد»، ص 1222؛ معجم المؤلّفین، ج 1، ص 314؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص 46؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 57، معالم العلماء، ص 19؛ نقد الرّجال، ص 25.

351 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 219؛ الاعلام، ج 1، ص 287.

ابو بکر مدین بن علیّ بن احمد تمیمی، ابو نصر نورج بن محمّد دیلمی و ابو طاهر واضح بن محمّد مدینی از مجازین و شاگردان او به شمار می‌روند.[352]

ابن اشته- احمد

احمد بن محمّد بن اشته مدینی، از محدّثین اصفهان است. در مدینه (شهرستان) ساکن بوده، از عمرو بن محمّد ناقد و محمّد بن خالد واسطی روایت می‌کند، و ابو علی صحّاف و احمد بن محمّد بن ابراهیم از وی روایت می‌کند.[353]

ابن اشته- خرّزاد

ابو منصر خرّزاد بن اشته، از محدّثین اصفهان است. وی از محمّد بن عبّاس اخرم روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم از وی نقل حدیث کرده است.[354]

ابن اشته- عبد الرّحمن

ابو مسلم عبد الرّحمن بن بشیر بن غیر بن اشته مؤدّب، از محدّثین اصفهان است. حافظ ابو نعیم درباره او گوید: «شیخ ثقة صاحب اصول» وی از اسحاق بن ابراهیم بن اسماعیل بستی حدیث روایت می‌کند، و قتیبة بن سعید از او روایت می‌نماید. در خراسان و سجستان (سیستان) از محدّثین، حدیث فرا گرفته است.[355]

اعلام اصفهان، ص: 154

ابن اشته- محمّد

ابو بکر محمّد بن عبد الله بن محمّد بن اشته بوذری مقری اصفهانی، از دانشمندان علوم ادب و عربیت بوده، در سال 360 ق وفات یافته، تألیفاتی داشته از آن جمله است:

1. اختلاف المصاحف [2. المفید 3. المحبر 4. شواذّ القراءات][356].

ابن اشته- محمّد

محمّد بن اشته، از محدّثین اصفهان بوده، و از نعمان بن عبد السّلام روایت نموده است، مسلم بن سعید از او نقل حدیث نموده است.[357]

ابن اصفهانی- یحیی

ابو زکریّا یحیی بن عبد الرّحمن بن عبد المنعم بن عبد الله صقلی دمشقی شافعی معروف به «ابن اصفهانی» متوفّی به سال 608 ق در غرناطه از شهرهای اندلس (اسپانیا) مؤلّف:

1. الخلافیّات بین شافعی و ابی حنیفه 2. الرّوضة الانتقة، در حدیث[358].

ابن افرجه- احمد

ابو جعفر احمد بن ابراهیم بن یوسف بن یزید بن بندار تیمی اصفهانی ضریر معروف به «ابن افرجه» و «ابو جعفر بن افرجه» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی از عمران بن عبد الرّحیم، سهل بن عبد الله، ابراهیم بن مهد، یحیی بن مطرّف، یعقوب بن ابی یعقوب، ابراهیم بن حربی و عبد الله روایت نموده است. او در سال 353 ق وفات یافت.[359]

---

352 . مرآة الجنان، ج 3، صص 117 و 154؛ التّحبیر، ج 1، ص 422 و ج 2، صص 117، 330، 350، 352.
353 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 95، 103 و 126.
354 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 390- 391.
355 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 119.
356 . هدیة العارفین، ج 2، ص 47؛ الاعلام، ج 6، ص 224؛ بغیة الوعاة، ص 59.
357 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 189.
358 . هدیة العارفین، ج 2، ص 522.

ابن افرجه- محمّد

حافظ ابو علی محمّد بن ابراهیم بن یوسف بن یزید بن بندار تیمی اصفهانی معروف به «ابن افرجه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری بوده، و در سال 307 ق وفات یافته است.[360]

ابن امّ هشام- عقیل

عقیل بن ابراهیم معروف به «ابن امّ هشام» از محدّثین اصفهان است. برادر علیّ بن اصفهانی مدینی بوده، از محمّد بن بکیر و دیگران روایت می‌کند. علیّ بن صباح اصفهانی از او نقل حدیث می‌نماید.[361]

ابن اورمه- ابراهیم

ابو اسحاق ابراهیم بن اورمة بن سیاوش بن فروخ حافظ اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری بود، در حفظ و شناخت حدیث، سرآمد معاصران عصر خود بود، و اغلب محدّثان عراق و خارج از آن از او حدیث شنیده، و ضبط نموده‌اند. گویند در سال 241 ق در بغداد وفات یافته است، و به قولی وفاتش بعد از سال 270 ق روی داد. از عاصم بن نضر و محمّد بن بکار و عبّاس بن عبد العظیم و نصر بن علی حدیث نقل کرده است؛ امّا از او زیاد حدیث روایت نشده است، چون کتاب‌هایش در فتنه بصره آسیب دید.[362]

ابن بابویه

ابا محمّد بن بابویه اصفهانی، از دانشمندان قرن چهارم هجری است. وی استاد ابو محمّد عبد الله بن یوسف جوینی پدر ابو المعالی جوینی بوده است.[363]

ابن بادشاله

ابن بادشاله اصفهانی، شیخ صدوق در اکمال الدّین به اسناد خود اسامی جماعتی را یاد می‌کند که در زمان غیبت صغری موفّق به زیارت و رؤیت حضرت مهدی- عجّل الله فرجه- و معجزات ایشان شده‌اند که از آن جمله است ابن بادشاله از اصفهان.[364]

ابن باغبان- زکریّا

ابو الفتوح زکریّا بن علیّ بن محمّد بن عمر بقّال اصفهانی معروف به «ابن باغبان» از محدّثین قرن ششم هجری است. وی از ابو عبد الله قاسم ثقفی استماع حدیث نموده، و در سال 532 جهت ابو سعد سمعانی اجازه برای جمیع مرویّات و مسموعات خود به وسیله ابو القاسم علیّ بن حسن نوشته است.[365]

ابن باغبان- محمّد

ابو بکر محمّد بن احمد بن محمّد بن عمر بن محمّد بن عمر بن قاسم بن عبد الله بن اسحاق بن سندار بن اممی بن معدان بن خوش‌مردان صوفی اصفهانی معروف به «ابن باغبان» از محدّثین اصفهان است.[366]

ابن البغدادی- حسن

---

359 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1؛ مقتبس الاثر، ج 5، ص 230.
360 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 265.
361 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 144.
362 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 184.
363 . معجم الادباء، ج 6، ص 193.
364 . اعیان الشّیعة، ج 6، ص 71؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 673؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 196.
365 . التّحبیر، ج 1، ص 291.
366 . التّحبیر، ج 2، ص 75.

ابو علی حسن بن علیّ بن احمد بن سلیمان معروف به «ابن البغدادی» از محدّثین است، راویان اصفهان و همدان از وی روایت می‌کنند.[367]

ابن بامدویه- علی

ابو الحسن علیّ بن احمد بن محمّد مقری خیّاط معروف به «ابن بامدویه» از محدّثین

اعلام اصفهان، ص: 157

اصفهان در قرن چهارم هجری بوده، و از ابن نصیر، اسحاق بن ابراهیم بن جمیل و سلم بن عصام بن اسلم نقل حدیث نموده، حافظ ابو نعیم اصفهانی از وی روایت می‌نماید. مشار الیه در سال 357 در اصفهان وفات یافته است.[368]

ابن بندار- اسعد

ابو ذر اسعد بن حسین بن سعد یزدی معروف به «ابن بندار» از اساتید قرائت و تجوید در قرن ششم هجری بوده، و در اصفهان به تدریس مشغول، و مؤذّن مسجد جامع عتیق نیز بوده، و تألیفاتی داشته که از آن جمله است: غایة المنتهی و نهایة المبتدی، المنتقی[369].

ابن تلمیذ- یحیی

معتمد الملك ابی الفرج یحیی بن صاعد بن یحیی، معروف به «ابن التّلمیذ»، حکیم طبیب نصرانی نسطوری، در عصر عبّاسیان به خلافت و مهارت در طب شهرت داشته، و در اصفهان می‌زیسته، و در 556 وفات یافته است.[370] او غیر از ابو الحسن هبة الله بن صاعد بن ابراهیم بن علی اصفهانی معروف به ابن تلمیذ است.

ابن بوته- حسن

ابو علی حسن بن محمّد بن حسین بن یزید (زید) بن هزاری اشعری، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری. وی از احمد بن بدیل، موسی بن عبد الرّحمن و اسماعیل بن یزید روایت نموده است. او در سال 312 ق وفات یافت.[371]

اعلام اصفهان، ص: 158

ابن الجارود

ابو بکر بن جارود، از محدّثین اصفهان. از عمرو بن سعید بن علی و عمرو بن سلیمان بن محمّد نقل احادیث نموده، و عبد الله بن محمّد و ابو محمّد بن حیّان از وی روایت می‌کنند.

ابن جارود- احمد

حافظ ابو جعفر احمد بن علیّ بن محمّد بن جارود، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. حافظ ابو نعیم اصفهانی درباره او گوید: «علّامة بالحدیث، متّقی صحیح الکتابة».

وی در سال 299 ق فوت شده، و کتاب شیوخ و مسند از تألیفات او است.[372]

ابن حریش- عبد الواحد

---

367 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 274.
368 . ذکر اخبار اصفهان، ج 3، ص 20.
369 . الاعلام، ج 1، ص 293؛ معجم المؤلّفین، ج 2، ص 246؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج 1، ص 64.
370 . ادباء الاطبّاء، ج 2، ص 192؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 1029.
371 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 268؛ طبقات المحدّثین، ج 4، ص 153.
372 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 117؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 13، ص 564؛ معجم المؤلّفین، ج 2، ص 19؛ تذکرة الحفّاظ، ج 2، ص 751.

ابو القاسم عبد الواحد بن محمّد بن علیّ بن حریش اصفهانی، از شعراء و نویسندگان قرن پنجم هجری است، در اصفهان متولّد گردیده، در ری سکونت کرده، و در غزنه مشهور گردیده، و در سال 424 در نیشابور وفات یافته است. ثعالبی وی را دیدار کرده، و او را به عنوان استاد یاد نموده، و نمونه‌ای از اشعارش را نقل کرده است.[373]

ابن حسنویه- محمّد

ابو عبد الله بن حسن بن زیاد مقری خیّاط معروف به «ابن حسنویه» از محدّثین اصفهان است. از عبد الله بن عبد الواحد خوارزمی و محمّد بن عیسی زجاج روایت می‌نموده است، و ابو اسحاق بن حمزه از او نقل حدیث می‌نماید.[374]

ابن حمزه اصفهانی

ابن حمزه اصفهانی، دیوان ابی تمام حبیب بن اوس طایی را در هفت نوع گردآوری

اعلام اصفهان، ص: 159

کرده، و در سال 1292 ق در قاهره و در سال 1889 م در بیروت چاپ شده است.[375]

ابن خاتون امامی

ابن خاتون امامی اصفهانی، صاحب تفسیر قرآن، جلد اوّل آن در کتابخانه مجلس شورا موجود است. مؤلّف الذّریعة احتمال می‌دهد مؤلّف، همان محمّد رضا خاتون‌آبادی باشد.[376]

ابن خبّاز- محمّد

ابو منصور محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم ورّاق معروف به «ابن خبّاز»، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از دارکی، ابن جارود، فضل بن خصیب و محدّثین همطبقه او روایت کرده است. حافظ ابو نعیم از او روایت می‌کند. وی در سال 360 ق وفات نمود.[377]

ابن خصیب- عبد الله

ابو بکر عبد الله بن محمّد بن حسین بن خصیب بن صفّار اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است، در سال 272 ق در اصفهان متولّد شد. از فقهای شافعی به شمار می‌رفت. عاقبت به مصر رفت، و در سال 339 قضاوت آنجا را برعهده گرفت، و در همین منصب باقی ماند تا در سال 348 یا به قولی 347 وفات یافت. تألیفاتی داشته از آن جمله است کتاب المجالسة در فقه شافعی.[378]

ابن خوام بغدادی- عبد الله

عماد الدّین عبد الله بن محمّد بن عبد الرزّاق بغدادی حاسب معروف به «ابن الخوام» از دانشمندان ریاضی و طب در قرن هفتم و هشتم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و

اعلام اصفهان، ص: 160

کتاب الفوائد البهائیّة فی القواعد الحسابیة را در دهه دوم شعبان 675 ق در اصفهان به نام خواجه بهاء الدّین محمّد بن شمس الدّین محمّد صاحب دیوان جوینی (حاکم اصفهان) تألیف نموده است. تألیف دیگر وی مقدّمة فی الطّب است.

---

373 . الاعلام، ج 4، ص 327.
374 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 246.
375 . فهرست کتب اهدایی مشکاة به دانشگاه تهران، ج 3، ص 271.
376 . الذّریعة، ج 4، ص 243.
377 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 299.
378 . الاعلام، ج 4، ص 264 هدیة العارفین، ج 2، ص 446.

کمال الدّین حسن فارسی از شاگردان او است، و کتاب الفوائد البهائیّة او را شرح کرده، و اساس القواعد نامیده است.[379]

ابن خیاط بغدادی- عبد الله

ابو علی (یا ابو صالح) حسین بن فرج بغدادی معروف به «ابن خیّاط» از محدّثین قرن سوم هجری است. به اصفهان آمد، و از واقدی از کتاب مبتداء و المغازی حدیث گفت. از ابن عیینه، انس بن عیاض، معن، جماد بن خالد، معمّر بن سلیمان رقّی، ولید بن مسلم، ابن عدی و وکیع حدیث نقل نمود. حافظ ابو نعیم از او روایت می‌کند.[380]

ابن داود- محمّد

ابو بکر محمّد بن داود بن علیّ بن خلف اصفهانی معروف به «ابن داود»، فقیه، محدّث، ادیب، شاعر قرن سوم هجری و امام مذهب ظاهری. در بغداد مجلس درس داشته، و جمعی از ادبا و محدّثین از محضر او بهره برده‌اند. وی سرانجام در دوشنبه 9 رمضان 297 در سنّ 42 سالگی وفات یافته است. کتب زیر از او است: 1. الاغدار 2. الانتصار 3. الانذار 4. اختلاف مسائل الصّحابه 5. الزّهره، در ادبیّات، در بیروت به طبع رسیده است 6. الوصول الی المعرفة الاصول.[381]

اعلام اصفهان، ص: 161

ابن دق- احمد

احمد بن محمّد بن ابراهیم مؤدّب معروف به «ابن دق» مردی ادیب فاضل و محدّث در سال 354 ق در راه مکّه وفات یافته است.[382]

ابن دکّه- احمد

ابو العبّاس احمد بن محمّد بن حسن بن محمّد بن دکه، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در سال 375 ق وفات یافت.[383]

ابن دکّه- حسن

ابو علی حسن بن محمّد بن دکّه معدّل، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری است. وی از حمید بن مسعده، محمّد بن سلیمان لوین، ابو مسعود و عمرو بن علی روایت می‌کند.

حافظ ابو نعیم او را «ثقه و صدوق» دانسته است. در ماه شعبان سال 314 ق وفات یافت.[384]

ابن دکّه- محمّد

ابو جعفر محمّد بن حسن بن محمّد بن دکّه معدّل، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن عبد الله بن حسن و ابو العبّاس هروی روایت نموده است.

ابن دلّویه مدینی- حسین

ابو سهل حسین بن ابراهیم بن دلّویه مدینی، از محدّثین اصفهان. ابو بکر جوهری از او حدیث نقل می‌کند.[385]

---

379 . الاعلام، ج 4، ص 126؛ الذّریعة، ج 16، صص 326- 327؛ فهرست رضوی، ج 8، ص 251؛ کشف الظّنون، ج 2، ص 1296؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 307.
380 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 276؛ طبقات المحدّثین، ج 2- ص 234.
381 . الاعلام، ج 6، ص 120؛ کشف الظّنون، ج 1، ص 2014؛ ریحانة الادب، ج 4، ص 71؛ لغتنامه دهخدا، ذیل« ابن داود»، ص 308؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 4، صص 557- 559؛ وفیات الاعیان، ج 1، ص 478؛ الوافی بالوفیات، ج 3، ص 58؛ النّجوم الزّاهرة، ج 3، ص 171؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 597- 598.
382 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 161.
383 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 157.
384 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 269؛ طبقات المحدّثین، ج 4، ص 253 سیر اعلام النّبلاء، ج 14، ص 456.
385 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 280.

ابن راهویه- اسحاق

اسحاق بن راهویه، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. حسن بن مهران از وی نقل حدیث نموده است. کتاب مسند نیز از تألیفات ابن راهویه است که نزد جعفر بن محمّد بن موسی بن تمیم بن عبده بوده، و ازآنجا نقل حدیث نموده است.[386]

ابن رسته*

«ابن رسته» نام خاندانی معروف و معتبر در اصفهان در قرون سوم تا ششم هجری است.

اغلب افراد این خاندان در فقه و حدیث نام‌آور شده‌اند، معروف‌ترین شخص این خاندان احمد بن عمر بن رسته صاحب کتاب الاعلاق النّفیسه است.

ابن رسته- ابراهیم

ابراهیم بن حسن بن یزید بن مهران، از محدّثین خاندان ابن رسته در اصفهان که در محلّه جرواآن اصفهان ساکن بوده است.[387]

ابن رسته- ابراهیم

ابراهیم بن ابان بن رسته مدینی، از محدّثین اصفهان است. از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و در سال 339 ق وفات یافته است. از ابو مسلم کشی و محمّد بن عثمان بن ابی شیبه و محمّد بن مغیره صائغ و دیگران روایت می‌نموده است.[388]

ابن رسته- احمد

احمد بن رسته بن عمر، از محدّثین اصفهان و دخترزاده محمّد مغیره است. از ابراهیم هروی و شاذکونی روایت می‌نموده، و در سال 293 ق وفات یافته است.[389]

390

ابن رسته- احمد

ابو علی احمد بن عمر بن رسته، از دانشمندان قرن سوم هجری است. تا سال 310 ق زنده بوده، و در این سال پس از مسافرت به حجاز، کتاب الاعلاق النّفیسه را تألیف نموده است. این کتاب، دائرةالمعارفی شامل علوم مختلف به خصوص در جغرافیا بوده، و از هفت جلد آن فقط جلد هفتم آن باقی مانده، و متن آن در اروپا و ترجمه فارسی آن در ایران، طبع گردیده است.[391]

---

[386] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 247 و 269.
[387] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 123.
[388] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 201.
[389] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 105؛ طبقات المحدّثین، حافظ ابی الشّیخ، ج 4، ص 327؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ص 538؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 124.
[390] مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
[391] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 125؛ لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 312؛ دائرةالمعارف دانش بشر، ص 925؛ دائرةالمعارف فارسی، ج 1، ص 19؛ معجم المطبوعات، ج 1، ص 107؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 4، صص 574- 575؛ اثرآفرینان، ج 1، ص 113؛ تاریخ ادبیّات عرب، بهروز؛ راهنمای دانشوران، ج 1، ص 386، آداب اللّغة العربیة، ج 2، ص 513؛ تاریخ علوم اسلامی، ص 129؛ تاریخ ادبیّات عرب، عبد الجلیل، ص 165؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 553.

ابن رسته- احمد

احمد بن عبد الله بن عمر بن یزید زهری اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری بوده، و از عموی خود عبد الرّحمن بن عمر رسته روایت می‌کند، و کسی از او روایت نکرده است.[392]

ابن رسته- احمد

ابو حامد بن محمّد بن علیّ بن رسته متوفّی قبل از سال 360 ق از مشایخ صوفیّه، و از محدّثین به شمار می‌رود، و به جمال صوفی معروف است.[393]

ابن رسته- ازهر

ابو محمّد ازهر بن رستة بن عبد الله مکتب، از محدّثین اصفهان و متوفّی به سال 286 ق است. وی از ابو الحسین محمّد بن بکیر حضرمی و سهل بن عثمان و سعدویه روایت می‌کند، و عبد الرّحمن بن محمّد بن سیاه و عبد الله بن محمّد بن جعفر از او روایت می‌کنند.[394]

اعلام اصفهان، ص: 164

ابن رسته- جبله

جبلة بن رسته، گوید مردی از اصحاب رسول خدا صلّی الله علیه و آله به مردم اصفهان فرائض و سنن می‌آموخت.[395]

ابن رسته- حسن

ابو سعید حسن بن عبد الرّحمن بن عمر بن یزید زهری، از محدّثین اصفهان است، پدرش به ابن رسته شهرت داشت، خود او در سال 263 ق وفات یافت.

از ابو علقمه فروی، حاتم بن عبید الله، عثمان بن هیثم، علاء بن عبد الجبّار و علیّ بن مدینی روایت نموده، و عبد الله بن جعفر، محمّد بن احمد بن یزید و محمّد بن عمر بن حفص از او روایت می‌کنند.[396]

ابن رسته- رسته

رستة بن ابی الابیض ضریر اصفهانی، از شعراء و بلغای اصفهان در قرن دوم هجری بوده، و به قول حمزه اصفهانی شعرهایش شبیه‌ترین به اشعار بشار بن برد بوده است.

وفاتش در سال 175 ق روی داد.

از اشعار او است:

قد مات کلّ نبیل	و مات کلّ نبیه
و مات کلّ ادیب	و فاضل و فقیه
لا یوحشنك طریق	کلّ الخلائق فیه[397]

---

[392] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 94.
[393] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 163؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 124؛ اللّباب، ج 2، ص 25.
[394] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 227؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 125؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ص 538؛ طبقات المحدّثین، ابو الشّیخ، ج 3، ص 131.
[395] . ذکر اخبار اصفهان، ص 75.
[396] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 257.
[397] . معجم الادباء، ج 1، ص 141.

ابن رسته- سعید

سعید بن اشکیب بن کوفی بن رسته [از محدّثین قرن سوم هجری بوده] و از ابو الولید،

اعلام اصفهان، ص: 165

سعید بن یحیی، سلیمان شاذکونی و مقری روایت می‌کند، و محمّد بن عمر بن حفص از او روایت می‌نماید.[398]

ابن رسته- عبد الرّحمن

ابو الحسن عبد الرّحمن بن عمر بن رسته اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است، وفاتش در سال 246 و یا 250 ق واقع شده است. از یحیی قطان، عبد الرّحمن بن مهدی و سفیان بن عیینه روایت می‌کند.

جمعی از محدّثان نیز از او روایت می‌کنند از جمله: ابن واره، ابو حاتم رازی، ابو زرعه، اسماعیل بن عبد الله، عبد الله بن احمد بن اسید، علیّ بن خلف کاشانی و برادرزاده‌اش احمد بن عبد الله بن عمر.[399]

ابن رسته- عبد الرّحمن

عبد الرّحمن بن محمّد بن خصیب بن رسته ضبّی جرواآنی، متوفّی به سال 386 یا 387 از محدّثین اصفهان است. وی از زبیبی، دارکی و ابی عمرو بن عقبه روایت نموده است.[400]

ابن رسته- عبد الله

ابو محمّد عبد الله بن عمر بن یزید بن کثیر زهری، برادر رسته، و خود از محدّثین اصفهان است. مصنّفات بسیاری داشته است. در سال 187 ق متولّد، و در سال 252 ق در کرج وفات یافته، و در اواخر عمر قاضی کرج بوده است.

وی از حماد بن مسعده، معاذ بن معاذ، محمّد بن بکر، حسن بن حبیب بن ندبه، عبد الله

اعلام اصفهان، ص: 166

بن عصام و عبید بن واقد روایت می‌کند، و ابو عبد الله محمّد بن یعقوب غزال و احمد بن علیّ بن جارود از او روایت کرده‌اند.[401]

ابن رسته- عبد الله

عبد الله بن محمّد بن عمر بن یزید زهری، برادرزاده رسته است، و از پدر و عمویش حدیث نقل نموده است.[402]

ابن رسته- عبید الله

ابو عمرو عبید الله بن عمر بن یزید قطّان، برادر رسته است، و از محدّثین بود، و در سال 236 ق وفات یافت. اینان چهار برادر بودند، و عبید الله از همه بزرگـتر بود. از جریر، وکیع، یحیی قطّان، ابن عدی و عبد الوهاب روایت می‌کرد.[403]

ابن رسته- علی

---

398 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 328.
399 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 109؛ میزان الاعتدال، ج 2، ص 113؛ محاسن اصفهان، ص 21؛ اللّباب، ج 252.
400 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 123؛ معجم البلدان، ج 2، ص 130؛ اللّباب، ج 1، ص 274؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 125.
401 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 117.
402 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 69.
403 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 100.

ابو الحسن علیّ بن جبلة بن رستة بن جبله تمیمی، از محدّثان اصفهان است، وی در سال 291 ق فوت شده است. او از اسماعیل بن ابی اویس و محمّد بن بکیر روایت می‌نماید، و سلیمان بن احمد و محمّد بن احمد بن عبد الوهاب از او روایت می‌کنند.[404]

ابن رسته- عمر

عمر بن یزید زهری، از محدّثین اصفهان است. از ابو داود و نعمان بن عبد السّلام حدیث شنید، [فرزندانش محمّد، عبد الله، عبید الله، و عبد الرّحمن از محدّثین به شمار می‌رفتند].

اعلام اصفهان، ص: 167

ابن رسته- محمّد

محمّد بن ابراهیم بن حسن بن رسته اصفهانی معروف به محمّد مموبه از محدّثین اصفهان بود، و از اصمعی روایت می‌کرد.[405]

ابن رسته- محمّد

محمّد بن احمد بن حسین، از علماء اواخر قرن ششم از خاندان رسته است، و از مشایخ ابن صیقل به شمار می‌رود.[406]

ابن رسته- محمّد

ابو عبد الله محمّد بن اسحاق بن ماهان مسوحی، از محدّثین بوده، و داماد رسته است.

در دینور ساکن بوده، و همان جا فوت شده است.[407]

ابن رسته- محمّد

ابو عبد الله محمّد بن عبد الله بن رستة بن حسن بن عمر بن زید جنبی مدینی از محدّثان قرن سوم هجری است. وی در طلب حدیث به عراق و ری سفر کرد.

وفاتش در سال 301 ق واقع شده. ابو اسحاق بن حمزه و ابو محمّد از او حدیث نقل می‌کنند.[408]

ابن رسته- محمّد

ابو عبد الله محمّد بن عمر بن یزید زهری، برادر رسته، از محدّثین اصفهان است. وی در

اعلام اصفهان، ص: 168

واقعه وبای سال 263 در 92 سالگی وفات یافت. از حسین بن حفص، بکر بن بکار و دیگران حدیث شنیده است.[409]

ابن ریذوس، علی

ابو الحسن علیّ بن صباح بن علی اصفهانی معروف به «ابن ریذوس» از محدّثین و حافظان حدیث بوده، از جبّر روایت می‌نموده است. محمّد بن جعفر بن یوسف، و ابراهیم بن عامر بن ابراهیم از او نقل حدیث می‌کنند.[410]

ابن ریذه، محمّد

---

404 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 8.
405 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 207؛ طبقات المحدّثین، ابی الشّیخ، ج 3، ص 101؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 125.
406 . منتخب المختار، ص 110؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 125.
407 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 205.
408 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 225؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 125.
409 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 187.
410 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، صص 10 و 13.

ابو بکر محمّد بن عبد الله بن ریذه اصفهانی معروف به «ابن ریذه» از محدّثین اصفهان بوده، و مافرّوخی در کتاب خود، او را در شمار دانشمندان حدیث و کلام که متقدّم بر مافرّوخی بوده‌اند آورده است.[411] ابو الفتح مسعود بن احمد اسفینقانی نیشابوری[412]، فاطمه جوزدانیّه و اسعد بن سعید از او حدیث روایت کرده‌اند: تولّدش در سال 440 ق بوده، و سال وفاتش به دست نیامد.[413]

ابن زر، احمد

احمد بن محمّد بن زر اصفهانی واعظ، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم و پنجم هجری است.

ابن حجر عسقلانی او را معتزلی دانسته، و شیخ آقا بزرگ گوید: اعتزال، سپر تشیّع او بوده، و به خاطر تقیّه، رویّه معتزله را پیشه ساخته است. وی در سال 422 ق وفات یافت.[414]

اعلام اصفهان، ص: 169

ابن زرارة، اسماعیل

اسماعیل بن زیاد بن عبید خزاعی معروف به «ابن زیادة» از جمله حفّاظ و نویسندگان حدیث بود که جهت اخذ آن، مسافرت‌ها نمود، و سرانجام در سال 273 ق در جوانی وفات یافت.

ابو عبد الرّحمن مقری و ابو علیّ بن ابراهیم از او روایت می‌کنند. ابن زرارة خود، از عبید بن محمّد بن هارون فریانی و حمید بن موسی رازی نقل حدیث می‌کند.[415]

ابن زرقویه- ابو اللطیف

شیخ الاسلام منیر الدّین ابو اللّطیف بن احمد بن احمد بن ابو اللّطیف زرقویه اصفهانی، از محدّثین و فقهای اصفهان در قرن پنجم هجری، در خوارزم ساکن بوده، جمعی از فضلاء و بزرگان شیعه همچون شیخ منتخب الدّین از شاگردان اویند، شیخ منتخب الدّین از او به عنوان «مناظر فقیه دین» یاد کرده است. صاحب عنوان از قاضی ابو المعالی احمد بن علیّ بن قدامه نحوی و ابن قدامه از سیّد مرتضی علم الهدی کلّیه تصنیفات علم الهدی را روایت می‌کند.[416]

ابن زکریّا- عبد الوهاب

ابو سعید عبد الوهاب بن زکریّا بن ابو زکریّا معدّل از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از حسین بن حفص، ابو داود، ازهر، عبد الله بن بکر سهمی وقعنی روایت می‌کرد. مطیّن از او نقل حدیث نموده است.[417]

اعلام اصفهان، ص: 170

ابن زکریّا- عبد الله

ابو محمّد عبد الله بن محمّد بن زکریّا بن یحیی بن ابو زکریّا، از محدّثین ثقه و صاحب تصنیفات بوده، و در سال 286 وفات یافته است. از سهل بن بکار، ابو الولید طیالسی، محمّد بن بکیر، اسماعیل بن عمرو بجلی و ابو خالد رملی روایت می‌کرده، و محمّد بن یحیی بن منده، احمد بن اسحاق، احمد بن ابراهیم بن یوسف و عبد الله بن محمّد بن جعفر از او روایت می‌کنند.[418]

ابن زنجویه- احمد

---

411 . محاسن اصفهان، ص 29.
412 . معجم البلدان، ج 2، ص 180.
413 . جعفر بن ابی طالب، ص 25.
414 . لسان المیزان، ج 1، ص 330؛ النّابس، ص 23؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 261.
415 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 212؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 80.
416 . الفهرست، منتخب الدّین، ص 99؛ ریاض العلماء، ج 5، ص 508؛ اعیان الشّیعة، ج 6، ص 109، ثقات العیون 8؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 282.
417 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2؛ طبقات المحدّثین، ج 2، ص 289.
418 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 61؛ الاعلام، ج 4، ص 261؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 143.

ابو بکر احمد بن محمّد بن زنجویه اصفهانی معروف به ابن زنجویه، از محدّثین اصفهان است. ابو منصور شهردار بن شیرویه دیلمی از او حدیث شنیده است.[419]

ابن زنجویه- عبد الرّحمن

ابو منصور عبد الرّحمن بن محمّد بن موسی بن زنجویه ابهری ادیب معروف به «ابن زنجویه» از محدّثین اصفهان است، اصلا از قریه «ابهر» جی اصفهان است، از ابی الشیخ عبد الله بن محمّد بن جعفر حدیث شنیده، و محمّد بن احمد بن خالد خبّاز و محمّد بن ابراهیم عطّار از او روایت می‌نمایند.[420]

ابن زیله- حسین

ابو منصور حسین بن محمّد بن عمر بن زیله [یا حسین بن طاهر بن زیله] در فنون حکمت و موسیقی و ریاضی توانا بوده، و از شاگردان و مصاحبان شیخ الرّئیس ابو علی سینا در اصفهان به شمار می‌رفته، و در سال 440 (و یا 443 ق) در سال‌های جوانی در اصفهان فوت شده است. گویند او مجوسی بوده، [حال آنکه نام پدر و جدّش خلاف آن را ثابت می‌کند]، کتب زیر را از تألیفات وی ذکر می‌کنند: 1. [الاختصار من طبیعیّات الشّفا] 2.

اعلام اصفهان، ص: 171

تفسیر حیّ بن یقظان تألیف ابن سینا، [که قدیمی‌ترین نسخه آن در کتابخانه احمد ثالث استانبول موجود است]، و نسخه‌ای از آن هم در کتاب‌های اهدایی آقای مشکاة به دانشگاه تهران، و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مجلس موجود است، و یک‌بار هم در سال 1955 م در مجلّه المجمع اسلامی العربی بدمشق به چاپ رسیده است 3. الکافی فی الموسیقی [که قدیمی‌ترین نسخه آن در کتابخانه رضا رامپور هند موجود است، و نسخه‌ای کهن از آن در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. این کتاب در سال 1964 در قاهره به چاپ رسیده است] [4. المجموع فی الالهیّات که نسخه‌ای از آن در دار الکتب قاهره موجود است 5.

کتاب فی النّفس].[421]

ابن سابق- محمّد

محمّد بن سعید، معروف به «ابن سابق» از محدّثین اصفهان است.[422]

ابن سالم مؤذّن

ابن سالم مؤذّن مسجد جامع اصفهان، از محدّثین بوده، و نام او مشخّص نیست. برخی گفته‌اند نامش عبد الله بوده است.[423]

ابن ساوجی- محمّد

ابو المحاسن محمّد بن سعد بن محمّد نخجوانی معروف به «ابن ساوجی» شاعر، ادیب، خطّاط و دانشمندان قرن هشتم هجری. [اصلا از اهالی نخجوان است. ظاهرا مدّتی

اعلام اصفهان، ص: 172

در ساوه بوده، سپس در سلطانیه اقامت گزیده، و سرانجام به اصفهان آمده است. در نوشتن خطّ نسخ مهارت داشته، و آثاری را کتابت نموده است].

---

419 . التّحبیر، ج 1، ص 329؛ تذکرة الحفّاظ، ج 4، ص 1299؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 16، ص 414.
420 . معجم البلدان، ج 1، ص 84.
421 . نامآوران فرهنگ ایران، ص 50؛ فهرست کتب اهدایی مشکاة به دانشگاه، ج 3، صص 105 و 209؛ فهرست کتابخانه مجلس، ج 12، ص 226؛ ج 3، صص 379 و 257؛ درّة الاخبار، ص 59؛ تاریخ موسیقی نظامی ایران، ص 80؛ اثرآفرینان، ج 1، ص 114؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج 4، صص 618- 619؛ کشف الظّنون، ص 862؛ سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران، ج 1، ص 164؛ فرهنگ معین، ج 5، ص 152؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی،« ابن زیله»، ج 3، صص 649- 650؛ نزهة الارواح، ص 386؛ دائرةالمعارف دانش بشر، ص 1586؛ الاعلام، ج 2، ص 278.
422 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 287.
423 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 50.

کتب زیر از آثار او است: 1. ترجمه المسالك و الممالك اصطخری، مطبوع 2. ترجمه حلّ المشکلات حکیم طمطام هندی، از هندی به فارسی، که در سال 1312 ق در بمبئی چاپ سنگی شده است. 3. درّة المعانی فی ترجمة نثر اللّئالی، که ترجمه‌ای منظوم است، و در سال 732 ق به نظم کشیده است، و در سال 1315 ق در استامبول به چاپ رسیده است.

فرزندش ابو طاهر محمّد نیز از ادباء و فضلاء بوده است.

سال وفات او به دست نیامد؛ ولی تا سال 732 ق در قید حیات بوده است.[424]

ابن سلم رازی- عبد الرّحمن

ابو یحیی عبد الرّحمن محمّد بن سلم رازی معروف به «ابن سلم» از محدّثین مقبول القول و مورد وثوق و چندی امام جامع اصفهان بوده، در سال 291 ق وفات یافته است. از او کتاب تفسیر و کتاب مسند باقی مانده است. از محمّد بن عبید محاربی و سهل بن عثمان روایت کرده، و جمعی همچون سلیمان بن احمد و عبد الرّحمن بن محمّد بن سیاه از او روایت می‌کنند.[425]

ابن سمویه- احمد

ابو بکر احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن سمویّه، از طبقه محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وفاتش بعد از سال 371 روی داده است. وی از دارکی، فضل بن نصیب و برادرزاده ابی زرعه روایت می‌کند.[426]

ابن سینا- حسین*

شرف الملك شیخ الرّئیس ابو علی حسین بن عبد الله بن سینا معروف به «ابن سینا» و «ابو علی سینا». شرح حال او مطابق آنچه خود املاء فرموده، و شاگرد مخصوص او شیخ عبد الواحد بن عبید جوزجانی تحریر و تکمیل نموده، به‌طور اجمال به قرار زیر است:

پدرش از اهالی بلخ بوده، و در زمان امیر نوح سامانی عامل دهکده خرمیثن از دهات بخارا شد، و با دختری به نام ستاره، اهل روستای «افشنه» در حوالی خرمیثن ازدواج کرد، و ابن سینا در سال 370 ق در آن روستا متولّد گردید، و در پنجسالگی با خانواده به بخارا آمد.

او در همان کودکی، نبوغ، حافظه قوی و استعداد شگرف خود را به نمایش گذاشت، و تا سنّ ده‌سالگی در فنون ادب، لغت، قرآن، اصول دین و احکام فقه تحصیل نمود. حساب و هندسه را نزد مردی سبزی‌فروش، و فقه را نزد اسماعیل زاهد فراگرفت. در این هنگام بود که دانشمندی عالی‌قدر به نام ابو عبد الله ناتلی طبرستانی به بخارا آمد، و پدر ابن سینا فرزند را نزد او فرستاد تا منطق و هندسه را نزد او تکمیل کند. پس از رفتن ناتلی از بخارا، او حکمت طبیعی و طب را نزد ابو سهل مسیحی جرجانی (و یا به قولی ابو منصور حسن بن نوح قمری) فرا گرفت.

او در هفده‌سالگی از فراگرفتن علوم، مستغنی شد، و خود دانشمندی جامع و علّامه به شمار می‌رفت، و به خصوص در طب، صاحب مهارت، و در علاج امراض صعب العلاج در اطراف و اکناف، شهرت بسیار به دست آورد. بو علی پس از آن به مطالعه مابعدالطّبیعه ارسطو پرداخت؛ امّا آن را سخت غامض و دشوار یافت. امّا تصادفا در بازار صحّافان، کتاب اغراض مابعدالطّبیعه ابو نصر فارابی را یافت، و جمله مشکلات علمی او حل شد.

در حدود سال 387 ق امیر نوح سامانی سخت بیمار شد، و ابن سینا او را درمان کرد، و به این خاطر، اجازه یافت تا از کتابخانه دربار سامانی استفاده کند. او از سنّ 21 سالگی دست به تحقیق و تألیف زد.

پس از آنکه کار امیران سامانی به ضعف گرایید و ترکان غزنوی به بخارا دست یافتند، روزگار را ناموافق طبع آزاده‌کیش خود دیده، روانه گرگانج (جرجانیه) شد، و به خدمت

---

[424] . الذّریعة، ج 7، ص 74؛ فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، ج 2، ص 141؛ دانشمندان آذربایجان، ص 21؛ مجموعه کمینه، صص 305- 306؛ فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج 1، ص 250؛ تاریخ نظم و نثر، ص 771؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج 4، ص 1170؛ ریحانة الادب، ج 7، ص 253.

[425] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 112؛ الاعلام، ج 4، ص 99؛ تذکرة الحفّاظ، ج 3، ص 938؛ تهذیب التّهذیب، ج 11، ص 85؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 11، ص 144.

[426] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 163.

علیّ بن مأمون خوارزمشاه درآمد، و مورد احترام فراوان شاه و وزیر او قرار گرفت. پس از آن در سال 403 ق به جرجان (گرگان) رفت تا به حضور شمس المعالی قابوس وشمگیر، از امیران زیاری برسد؛ امّا او کشته شده بود. در جرجان، ابو عبید جوزجانی به او پیوست، و پس از آن، همواره در کنار استاد بود. در حدود 406 ق از جرجان به ری رفت، و به خدمت سیّده همسره فخر الدّوله دیلمی و پسرش مجد الدّوله حاضر شد. چندی بعد به همدان رفت، و شمس الدّوله دیلمی را که بیمار بود، درمان کرد، و به وزارت دست‌یافت؛ امّا مخالفان شمس الدّوله و شیخ الرّئیس، همواره آنان را تهدید می‌کردند، و شیخ در بیم و ترس به سر می‌برد.

پس از مرگ شمس الدّوله، پسرش سماء الدّوله به جای او نشست، در این هنگام، بو علی با علاء الدّوله کاکویه حکمران اصفهان و رقیب سماء الدّوله مکاتبه می‌کرد؛ لذا او را گرفته، و در قلعه فرجان در بند کردند. پس از چهار سال، علاء الدّوله به همدان تاخت، و شیخ از حبس آزاد شد. عاقبت او در لباس درویشان از همدان گریخت، و به اصفهان آمد، و حدود پانزده سال در این شهر به تحقیق، تألیف و تدریس پرداخت. شاگردان زبده‌ای چون ابو عبد الله معصومی و ابن زیله نزد او تربیت شدند.

ابن سینا از طرف علاء الدّوله مأمور شد که رصد و تهیّه تقویم را به عهده بگیرد. او این کار را به شاگردش ابو عبید سپرد، امّا سرانجامی نیافت. او تعدادی از آثارش را همچون تعلیقات، رساله آلات رصدی شفا (قسمت مجسطی، هندسه، هیئت، ارثماطیقی، موسیقی و سایر فنون، ریاضی) مبدأ و معاد و غیره را در اصفهان تألیف نمود.

در سال 421 ق سلطان مسعود غزنوی به دستور پدرش سلطان محمود به اصفهان تاخت، و علاء الدّوله را از اصفهان راند، و آنجا را غارت نمود، و مردم آن را قتل عام کرد.

در این فتنه شوم، منزل و کتابخانه شیخ غارت شد، و بار دیگر به دستور سلطان مسعود که پس از مرگ پدر به جای او نشسته بود، بو سهل حمدی و تاش فراش در سال 425 ق به اصفهان تاخت، و قتل و غارت در این شهر را تجدید کرد، و کتاب‌های کتابخانه علاء الدّوله که مصنّفات شیخ الرّئیس در آن موجود بود، به یغما برد، و به غزنه فرستاد که متأسّفانه چند سال بعد طعمه کینه‌توزی علاء الدّین غوری گردید، و به آتش کشیده شد.

سرانجام ابن سینا در سفری که به همدان می‌رفت، به بیماری قولنج مبتلا شد، و هرچه معالجه کرد، فایده‌ای نبخشید، و او در شنبه 6 شعبان یا جمعه اوائل رمضان 428 ق در بین راه وفات یافت. پیکرش را به همدان بردند، و در آنجا دفن کردند، و چندی بعد جسد او را به اصفهان نقل کرده، و در دروازه کون گنبد (یا تخت گنبد) مدفون ساختند.

در قرن اخیر، پیرامون آرامگاه ابن سینا بحث‌ها و مناقشات فراوان درگرفته، و جمعی معتقد به وجود قبر او در همدان، و جمعی معتقد به وجود آرامگاه او در اصفهان بودند. در اصفهان، دو موضع از قدیم الایّام ما بین مردم اصفهان به نام قبر ابو علی سینا شهرت داشته است: اوّل: مدرس ابن سینا، که گنبدی آجری بر روی اتاقی چهارگوش بوده، و گویند محل تدریس او بوده، و محلّ قبر او را در آنجا نشان می‌دهند، و مطابق نقل اهالی محل، سنگ‌نوشته‌ای بر روی قبر بوده که مالك آن بنا، سنگ‌نوشته را ناپدید ساخته است.

دوم: در پشت مسجد شیخ لطف الله اصفهان، در جایی که تیمچه حیدر خوانده می‌شود، و در قدیم، جزو محلّه تخت گنبد و در حوالی حمّام و مسجد دوشنبه دین و باغ خلفا و کوچه باقالی‌فروشان قرار داشته، گفته می‌شود مدرسه خواجه ملك وجود داشت، و قبر ابن سینا با سنگ لوح دیده می‌شد که سنگ نوشته آن را به جایی نامعلوم بردند.

محقّقین و مورّخین اصفهان، همچون استاد همایی و محمّد صدر هاشمی برای اثبات وجود قبر ابن سینا در اصفهان و احداث آرامگاهی شکوهمند بر مزار او تلاش بسیار کردند؛ امّا عاقبت، حکومت آن زمان، ضمن برپایی مراسم هزارمین سال تولّد ابن سینا، در همدان آرامگاهی بر سر قبر منسوب به او بر پا ساخت.

فایده: در مجموعه شماره 101 کتابخانه آیت‌الله مرعشی، رساله شماره 2: ترجمه حال ابن سینا، از نویسنده‌ای نامعلوم، که حیدر بن علیّ بن اسماعیل بن عبد العالی هاشمی کرکی در سه‌شنبه 2 ذی‌قعده 1072 ق کتابت نموده، بیوگرافی او را به‌طور مختصر می‌نویسد، و پس از ذکر مؤلّفات او در آخر می‌گوید: ابن سینا در همدان مرده، و در آنجا دفن شده، و پس از آن، جنازه‌اش را به اصفهان نقل کردند.

در باب مذهب ابن سینا می‌توان گفت به لحاظ رواج فراوان مذهب اسماعیلی در بخارا و به خصوص در دربار سامانی، رفت و آمد پدر ابن سینا در محافل اسماعیلیان، و شواهد و

قرائن دیگر، ابن سینا شیعه بوده است. این رباعی از او است:

از قعر گل سیاه تا اوج زحل — کردم همه مشکلات گیتی را حل

بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل — هر بند گشاده شد مگر بند اجل[427]

ابن شاذویه- احمد

ابو بکر احمد بن ابراهیم بن عبد الله بن کیسان ثقفی اصفهانی معروف به «ابن شاذویه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او نابینا بوده، و از اسماعیل بن عمرو بجلی نقل حدیث نموده است. وفات او در سال 291 ق واقع شد.[428]

ابن شاذویه- حسن

ابو بشر حسن بن عطاء بن یزید بن شاذویه و او را شاذان و شاذه نیز گفته‌اند. از اهالی محلّه «جروآن» اصفهان و از طبقه محدّثین بوده، از ابی داود، بکر بن بکار، حسین بن حفص، خلف بن ولید، عامر بن ابراهیم و محمّد بن صبیح روایت می‌کند، و احمد بن حسین انصاری و محمّد بن احمد بن یزید از وی روایت می‌کنند. صاحب عنوان، از شیعیان و موالیان خاندان پیغمبر صلّی الله علیه و آله بوده، ابو نصیب درباره او گوید: «کان یتشیّع»[429].

ابن شاذویه- فضل

فضل بن محمّد بن شاذویه از محدّثین اصفهان بوده [است]، ابو عبد الله کرابیسی از او روایت می‌کند، و خود از ابو حفص عمر بن راشد بن عمر بن راشد ساکن در کوی

«جارود» روایت می‌نماید.[430]

ابن شاذه- اسحاق

ابو یعقوب اسحاق بن شاذه عطّار، از محدّثین اصفهان است. از احمد بن ابراهیم بن اسحاق مولی ضبّه روایت می‌کند، و ابن شاذره از احمد بن رسته نقل حدیث می‌نماید.[431]

ابن شساه- محمّد

---

427 . مقالات ادبی، استاد همایی، صص 44- 109؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 4 ذیل« ابن سینا»؛ دائرةالمعارف تشیّع، ج 1، ص 329، فهرست مرعشی، ج 1، ص 119؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 125- 126؛ مزارات اصفهان، صص 75- 77؛ تاریخ الحکماء، قفطی، ص 570؛ پورسینا، کلیّه صفحات؛ لغتنامه دهخدا، ذیل« ابن سینا»، ص 641؛ ریحانة الادب، ج 76، ص 582؛ روضات الجنّات، ج 3، ص 170؛ تاریخ ادبیّات در ایران، ج 1، ص 303؛ دانشنامه ایران و اسلام، ص 642؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 18 و 72- 73.

428 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 107؛ مقتبس الاثر، ج 3، ص 125 طبقات المحدّثین باصفهان، ج 3، ص 130.

429 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 256.

430 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 354.

431 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 109؛ تاریخ بغداد، ج 6، ص 378؛ مقتبس الاثر، ج 4، ص 224.

محمّد بن عمر بن یحیی قرمطی معروف به «ابن شساه» از محدّثین اصفهان است. از اسماعیل بن عمرو بجلی روایت می‌کند، و فرزندش ابو مسلم عبد الرّحمن بن محمّد، استاد حافظ ابو نعیم از او استماع حدیث کرده است. ذکر اخبار اصفهان شهرت او را «ششاه» و «شساه» می‌نویسد.[432]

ابن شفروه

«ابن شفروه» شهرت تعدادی از شعراء، ادباء، محدّثین و فضلای اصفهان است که به «آل شفروه» نیز معروف بوده‌اند. «شفروه» را به صورت‌های مختلف همچون «سفروه»، «سفرویه»، «سقرویه»، «شبروه»، «شقروه» و «شوروه» ضبط نموده‌اند. برخی از نویسندگان نیز «شفروه» را منسوب به دیهی به نام «شقروه» می‌دانند، و گویند که آن دیه همان است که در زمان حاضر «پزوه» [در خوراسکان] گفته می‌شود؛ امّا نمونه خطّ یکی از افراد این خاندان که در قرن هشتم می‌زیسته، موجود است که به صراحت، نسب خود را «شفروه» می‌نویسد؛ لذا «شفروه» نام شخص است، و نه نام مکان؛ لذا تمام توجیهات قبلی، بی‌مورد است. در مذهب افراد این خاندان نیز اختلاف است، و عموما آنان را حنفی می‌نویسند؛ لکن یك نفر از آنان مسلّما شیعه امامی و از بزرگان مفاخر تشیّع بوده، و دو نفر از آن‌ها نیز مظنون

به تشیّع می‌باشند.

این خاندان در اصفهان و ساکن این شهر بوده‌اند؛ لکن یك نفر در شیراز، و چند نفر نیز در قزوین ساکن بوده‌اند. ازاین‌رو آن‌ها را گاه اصفهانی، و زمانی قزوینی گفته‌اند.

ابن شفروه اسعد

شیخ ابی السّعادات اسعد بن عبد القاهر بن سعد شفروه اصفهانی، از اجلّه فقهاء و علماء شیعه در قرن هفتم هجری.

صاحب عنوان از مشایخ جناب سیّد رضی الدّین علیّ بن طاوس است، و جناب خواجه نصیر الدّین طوسی و میثم بن علی بحرانی از او روایت کرده‌اند. در اعیان الشّیعة وی را شاگرد طوسی و بحرانی معرّفی می‌کند، و در روضات الجنّات از مشایخ آن دو می‌نویسد، و ظاهرا قول صاحب روضات، معتبر می‌باشد. فوت وی را در ماه صفر 635 ق نوشته‌اند؛ [امّا این تاریخ، زمان دریافت اجازه شیخ ابو السّعادات از سیّد بن طاوس در جانب شرقی بغداد است]، در هدیة العارفین فوت او را حدود 640 می‌نویسد. کتب زیر از تألیفات او است:

1. اکسیر السّعادتین 2. توجیه السّؤالات در نقل اشکالات 3. جامع الدلائل و مجمع الفضائل در امامت، و آن را منبع الدّلائل نوشته‌اند 4. رشح الولاء (یا رشح الوفاء)، در شرح دعای صنمی قریش، منسوب به حضرت علی علیه السّلام و آن را مترجمی ناشناس، به نام شاه سلطان حسین صفوی ترجمه کرده است 5. الفائق علی الاربعین در مناقب امیر المؤمنین علیه السّلام 6. مجمع البحرین و آن مجموعه‌ای است از مواعظ و حکم منقول از حضرت رسول اکرم صلّی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام.[433]

ابن شفروه- اسماعیل

اسماعیل بن محمّد بن عبد الله شفروه اصفهانی، از دانشمندان قرن هشتم هجری است.

---

[432] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 204.

[433] . تاریخ تشیّع اصفهان، صص 300- 301؛ فتح الابواب، سیّد بن طاوس، ص 131؛ لغتنامه دهخدا، ذیل« اسعد»، ص 2306؛ امل الآمل، ج 2، صص 32- 33؛ ریاض العلماء، ج 1، صص 81- 82؛ معجم المؤلّفین، ج 2، ص 247؛ الانوار السّاطعة، ص 17؛ فوائد الرّضویة، ج 1، صص 43- 44؛ ریحانة الادب، ج 7، ص 124؛ الذّریعة، مواضع مختلفه؛ اعیان الشّیعة، ج 11، ص 143؛ روضات الجنّات، ج 1، ص 110؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 262- 263؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 205؛ احوال و آثار خواجه نصیر الدّین طوسی، صص 169- 170.

وی در دوشنبه 14 ربیع الثّانی سال 752 ق از کتابت نسخه‌ای از شرح مختصر الاصول قاضی عضد الدّین ایجی، به خطّ نسخ فراغت یافت، کتاب به شماره 1069 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[434]

ابو شفروه- حسین

حسین بن عبید الله بن هبة الله بن محمّد بن هبة الله بن حمزه اصفهانی قزوینی معروف به «ابن شفروه»[435]، از فضلاء و دانشمندان اواخر قرن ششم هجری بوده، و ابن النجّار از قول او اشعار پدرش عبید الله را در تاریخ بغداد نقل کرده است.[436]

ابن شفروه- رزق الله

ابو البرکات رزق الله بن هبة الله بن محمّد بن هبة الله بن حمزه اصفهانی قزوینی معروف به «ابن شفروه» یا «ابن سفرویه»، از فقهاء و بزرگان حنفی اصفهان در قرن ششم هجری. تولّدش در سال 536 در اصفهان بود، و در اصفهان و بغداد به تدریس و نقل احادیث می‌پرداخت، و سرانجام در سال 615 ق در اصفهان وفات یافت، و در مدرسه محلّه جوهان مدفون شد.[437]

اعلام اصفهان، ص: 180

ابن شفروه- سلیمان

فخر الدّین ابو احمد سلیمان بن شمس الدّین بن شفروه اصفهانی، از ادباء و شعراء بوده، و به عربی شعر می‌سروده است.[438]

ابن شفروه- سلیمان

سلیمان بن احمد بن جلال الدّین محمّد بن قاسم بن هبة الله بن محمّد بن اسعد بن قاهر اصفهانی معروف به «ابن شفروه» از فضلای خاندان شفروه است، نشانه تملّك او بر کتاب البیان تألیف شهید اوّل دیده شده است.[439]

ابن شفروه- عبد اللّطیف

مجد الدّین ابو المجد عبد اللّطیف بن هبة الله بن شفروه اصفهانی، از شعرای اصفهان در قرن ششم هجری است.[440]

ابن شفروه- ظهیر الدّین عبد الله

ظهیر الدّین عبد الله بن شرف الدّین عمر شفروه اصفهانی، از شعراء و ادبای اصفهان در قرن ششم هجری است. عوفی او را پسر عموی شرف الدّین شفروه نوشته[441] و آذر بیگدلی او را برادر شرف الدّین دانسته است.[442] وی علاوه بر شعر و ادب، در حدیث و تفسیر و فقه زبردست بوده، و در مدح سلاجقه عراق؛ یعنی ارسلان شاه و طغرل سوم، قصایدی ساخته است.

رضا قلی خان هدایت او را به عنوان یك عارف سالك ستوده است.[443] در نزهة المجالس

اعلام اصفهان، ص: 181

برخی از رباعیّات او آمده است.[444] دیوان اشعار ظهیر شفروه هنوز به طبع نرسیده، و تنها نسخه خطّی آن در کتابخانه دیوان هند در لندن موجود است.[445]

---

434 . فهرست مرعشی، ج 3، ص 253.
435 . لباب الالباب، تعلیقات علّامه قزوینی، ص 642؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 127.
436 . مجلّه یادگار، شماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند 1327، به نقل از کتاب جواهر المضیئه، ج 1، ص 212.
437 . لباب الالباب، تعلیقات علّامه قزوینی، ص 640؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 128؛ مجلّه یادگار، شماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند 1327، ص 115.
438 . تلخیص معجم الآداب، ج 3، الجزء الرّابع، ص 180.
439 . تراجم الرّجال، ج 1، ص 235.
440 . تاریخ نظم و نثر، ج 1، ص 102.
441 . لباب الالباب، صص 225- 226؛ مجلّه یادگار، شماره 6 و 7، بهمن و اسفند 1327، صص 116- 117.
442 . آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص 966- 967.
443 . ریاض العارفین، ص 161.

این رباعی از او است:

ای تازه‌نسیم زلف عنبر بارش	چون برگذری بر طرف گلزارش
آهسته گذر که نرگس بیمارش	خفتست به سایه گل رخسارش

ابن شفروه- شرف الدّین عبد المؤمن

شرف الدّین عبد المؤمن مغربی اصفهانی معروف به «شرف الدّین شفروه»، فرزند هبة الله بن محمّد بن هبة الله بن حمزه[446] واعظ، شاعر و ادیب دانشمند قرن ششم هجری. برخی نوشته‌اند: نامش محمّد[447] یا فضل الله بوده[448]، ظاهرا در اواخر قرن پنجم متولّد [شد]، و در جوانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او به مدح اتابك شیرگیر اهتمام داشت، و از طرف او به لقب ملك‌الشّعرایی ملقّب شد.

وی در سال 569 در دمشق به وعظ و تذکار مشغول بوده، سپس به مصر رفته، به خدمت صلاح الدّین ایّوبی رسیده، آن‌گاه به دمشق بازگشته، و ظاهرا در سال 570 ق در آنجا فوت شده است.[449]

وی ارسلان بن طغرل و طغرال بن ارسلان را نیز مدح گفته است.[450] از آثار او کتاب اطباق الذّهب در مواعظ و خطب که آن را در مقابل کتب اطواق الذّهب زمخشری، در صد مقاله به درخواست ظهیر الدّین احمد خویی تألیف کرده، و بارها در بولاق، لاهور و مصر به چاپ رسیده است[451]، و عدّه‌ای از فضلاء بر آن شرح نوشته‌اند. دیوان اشعار او به گفته

اعلام اصفهان، ص: 182

رضا قلی خان هدایت، صد و هشت هزار بیت بوده[452]، که نسخه‌ای از آن شامل 700 بیت، ضمن مجموعه شماره 2589 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود داشته است[453]؛ نسخه دیگری نیز در موزه بریتانیا موجود است.[454]

از اشعار او است:

گر توانی ای صبا بگذر شبی در کوی او	ور دلت خواهد ببر پیغامی از من سوی او
گر همی‌خواهی که بر سرو بلند او رسی	نردبان عنبرین ساز از شکنج موی او
این دل گمگشته من باز جو از زلف او	ور نیابی رو بیفشان دامن گیسوی او

ابن شفروه- عبید الله

---

444 . نزهة المجالس، ص 82.
445 . الذّریعة، ج 9، صص 658- 659.
446 . مجلّه یادگار، شماره 6 و 7، بهمن و اسفند 1327، ص 110 به نقل از جواهر المضیئه، ج 1، ص 322.
447 . لباب الالباب، ص 221.
448 . آتشکده آذر، قسمت سوم از نیمه نخست، ص 948؛ ریاض العارفین، ص 356.
449 . مجلّه یادگار، شماره 6 و 7، ص 110 به نقل از الوافی بالوفیات.
450 . تذکره دولتشاه، ص 117.
451 . لباب الالباب، تعلیقات سعید نفیسی، ص 646؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 292؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان ج 1، ص 127؛ الذّریعة، ج 2، ص 216؛ فهرست مشکاة، ج 3، ص 2679.
452 . مجمع الفصحاء، ج 2، ص 800.
453 . فهرست دانشگاه، ج 9، ص 1393.
454 . تاریخ ادبیّات، هرمان اته، ص 122.

ابو الوفا عبید الله بن هبة الله بن حمزه معروف به «ابن شفروه» واعظ، ادیب و شاعر دانشمند قرن ششم هجری بوده، و در وعظ و خطابه، ملاحت و فصاحت داشته، و در نظم و نثر، نیکوسخن و بلیغ بوده، چند بار در راه حج به بغداد وارد شده، و یك سال نیز در مدرسه ناجیه بغداد وعظ نموده، و از جمله، ابیاتی فی‌البداهه در مدح علیّ بن ابی طالب علیه السّلام در وعظ خود سروده است.

تولّدش در 534 واقع شده، و در سال 585 در شیراز وفات یافت.[455]

اعلام اصفهان، ص: 183

ابن شفروه- عزّ الدّین

عز الدّین یا عزیز الدّین شفروه اصفهانی معروف به «عز شفروه» از شعرای اصفهان است.

برخی از رباعی‌های او در کتاب نزهة المجالس نقل شده است[456].

این رباعی از او است:

شمعی که چو پروانه برو شاید سوخت — ما را نه چنان‌که در گمان آید سوخت

زین سوز اگر آب نبودی در چشم — با شمع بگفتمی که چون باید سوخت

ابن شفروه- فضل الله

فضل الله بن هبة الله بن محمّد بن هبة الله بن حمزه اصفهانی معروف به «ابن شفروه» از فضلاء و بزرگان اصفهان در قرن ششم هجری وی تا سال 556 ق در قید حیات بوده است.[457]

ابن شفروه- هبة الله

هبة الله بن محمّد بن هبة الله بن حمزه اصفهانی، از فقهاء و بزرگان خاندان شفروه در اصفهان بوده، و در این شهر براساس مذهب ابی حنیفه برای حنفیان اصفهان قضاوت می‌کرده است.[458]

ابن شیرویه اصفهانی

ابن شیرویه اصفهانی، از محدّثین اصفهان قرن هفتم هجری، سیّد رضی الدّین علیّ بن موسی بن جعفر بن محمّد حلّی معروف به سیّد بن طاوس از او روایت می‌کند.[459]

اعلام اصفهان، ص: 184

ابن شیره- علی*

ابو الحسن علیّ بن محمّد بن شیره کاشانی اصفهانی از محدّثین اصفهان در نیمه اول قرن سوم هجری است. از صحابه حضرت امام محمّد تقی علیه السّلام است. کتاب‌های التّأدیب، شامل احادیث مربوط به نماز، و الجامع فی الفقه از تألیفات او است.[460]

---

455 . لباب الالباب، تعلیقات علّامه قزوینی، صص 640- 641؛ مجلّه یادگار، شماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند 1327، صص 114- 115؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 127.

456 . لباب الالباب، تعلیقات سعید نفیسی، صص 643 و 772؛ نزهة المجالس، ص 85؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 127.

457 . لباب الالباب، تعلیقات سعید نفیسی، صص 640 و 642؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 127.

458 . لباب الالباب، تعلیقات علّامه قزوینی، صص 639 و 641؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 127.

459 . الانوار السّاطعة، ص 117؛ مصفّی المقال، ص 302.

ابن صاعد- یحیی

یحیی بن محمّد بن صاعد معروف به «ابن صاعد» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابو نصر احمد بن نصر بن دینار و جرّاح بن فحله روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم، ابو الفرج احمد بن محمّد بن علاء صوفی شیرازی و ابو اسحاق ابراهیم بن احمد بن یوسف جلّاب باب کوشکی از او حدیث شنیده‌اند.[461]

ابن طباطبا- احمد

احمد بن حسن بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علیّ بن ابی طالب علیه السّلام از محدّثین شیعه است. در اصفهان سکونت داشته، و از پدرش حسن نقل حدیث می‌نموده است. محمّد بن احمد بن هشیم از او روایت می‌کند.[462]

ابن طباطبا- محمّد

ابو الحسن محمّد بن احمد بن محمّد بن احمد بن ابراهیم طباطبا بن اسماعیل، بن ابراهیم بن حسن مثنّی معروف به «ابن طباطبا» از علماء و ادباء و شعرای معروف اصفهان است که در قرن سوم هجری، مقارن با غیبت صغری در اصفهان می‌زیسته، و ابن شهرآشوب او را از شعراء اهل بیت شمرده است. پدرش اوّلین شخص از خاندان طباطبا بوده که از کوفه به اصفهان آمده است. ابن طباطبا در سال 322 ق وفات یافته، و ظاهرا در

کوی غازیان جوباره اصفهان [که آن را سربازار غاز می‌گویند] مدفون شد. کتب زیر از او است:

[1. اختیار دیوان اشعار] 2. تهذیب الطّبع 3. دیوان اشعار [4. سنام المعالی] 5. الشّعر و الشّعرا [6. العروض] 7. عیار الشعر (معاییر الشّعر) [8. فرائد الدّرر] 9. فی تقریض الدّفاتر 10. المدخل فی معرفة المعمّی من الشّعر 11. نقد الشّعر.[463]

ابن عبده- احمد

احمد بن ابراهیم بن عبده، از محدّثین اصفهان است.[464]

ابن عجمی- محمّد

محمّد بن احمد بن جامع اصفهانی معروف به «ابن العجمی» متولّی امر خطابت در «زبید» بوده، و در سال 727 ق وفات یافته است. در قلائد النّحر گفته شده است که وی تألیفاتی در «رائق» داشته است.[465]

ابن عدی- هارون

ابو الحسن هارون بن سلیمان بن داود بن بهرام بن قطبة بن حریث بن جویره سلمی خرّاز، معروف به «ابن عبدی» از محدّثین قرن سوم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و از علیّ بن حسن بن یعمر شامی، ابی عامر عقدی، ابی عاصم، حماد بن مسعده، عبد الرّحمن بن مهدی، معاذ بن هشام و یحیی قطان روایت می‌نموده است.

عبد الله بن جعفر بن احمد و محمّد بن احمد بن یزید هم از وی روایت می‌کنند.

---

460 . الذّریعة، ج 3، ص 210؛ مجمع الرّجال، ج 4، صص 218 و 223؛ منهج المقال، ص 237؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 188 و 119.

461 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 161 و 167 و 203.

462 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 86.

463 . ریحانة الادب، ج 8، صص 81- 82؛ الذّریعة، ج 9، ص 981 و ج 4، ص 511 و ج 15، ص 363؛ الاعلام، ج 6، ص 199؛ لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 325؛ نوابغ الرّواة، ص 243؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 212- 214؛ معجم الادباء، ج 17، ص 143؛ اعیان الشّیعة، ج 43، ص 248؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 127- 128.

464 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 101.

465 . هدیة العارفین، ج 2، ص 146.

وفاتش در سال 263 یا 265 ق واقع شده است.[466]

ابن عطّار

ابن العطّار الشّروطی الاصفهانی، یاقوت حموی در شرح حال ابو احمد حسن بن عبد الله عسکری لغوی، صاحب عنوان را از متأخّرین اصحاب ابو احمد که از او روایت کرده‌اند، می‌شمارد.[467]

ابن عطاش

ابو بکر احمد بن عبد الله بن ایّوب بن عطاش اصفهانی از محدّثان قرن چهارم هجری در اصفهان است. از ابی عاصم بزیل و ابی عمر ضریر روایت می‌نماید، و عبد الله بن اسماعیل بن عبد الله وکیل از وی نقل حدیث می‌کند.[468]

ابن عطاش- احمد

احمد بن عبد الملك عطاش، از ادباء و بزرگان قرن پنجم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و به تشیّع شهرت داشته، و مردم سنّی اصفهان، قصد جان او را کردند. وی به ری رفته، و به حسن صبّاح پیوست، و در آیین باطنی، استوار گردید. سپس به اصفهان بازگشت، و مخفیانه به تبلیغ مرام اسماعیلی مشغول شد، و پس از مدّتی قلعه شاهدژ را تصرّف کرده، آن را مقرّ فعالیت‌های خویش نمود. تبلیغات ابن عطاش، سلاطین سلجوقی را به وحشت انداخت، سبب شد تا احمد عطاش را اسیر نمودند، و در سال 504 در اصفهان با خواری بسیار او را کشتند. علاوه بر اطّلاعات مذهبی و فنون ادب، در خوشنویسی و حسن خط نیز شهرت داشت، و کتاب‌هایی را کتابت نموده بود.[469]

اعلام اصفهان، ص: 187

ابن عطاش- احمد

ابو بکر احمد بن محمّد بن عطاش تاجر، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصفهان است. وی پس از سال 350 ق وفات یافته است. حافظ ابو نعیم اصفهانی از او حدیث شنیده است.[470]

ابن علی- محمّد

محمّد بن حسن بن احمد بن محمّد بن موسی اهوازی معروف به «ابن علی اصفهانی» از محدّثین اصفهان است امّا او متّهم به کذب بوده، و او را «جرّاب الکذب» لقب داده بودند.[471]

ابن فادشاه، ابو الحسن

ابو الحسین بن ابی عبد الله بن ابی منصور بن فادشاه.[472]

ابن فادشاه- احمد

ابو الحسین احمد بن محمّد بن حسن [حسین] اصفهانی معروف به «ابن فادشاه رئیس» از محدّثین و ادبای اصفهان است.

گویند به شیعه و معتزله تمایل داشته است. ابو القاسم طبرانی از او روایت می‌کند، و خود ابن فادشاه از اسماعیل بن محمّد صوفی و محمود بن اسماعیل نقل حدیث نموده است.[473]

---

466 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 336؛ میزان الاعتدال، ج 2، ص 121.
467 . معجم الادباء، ج 8، ص 237.
468 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 94.
469 . راحة الصّدور، ص 156؛ مجمل فصیحی، ج 2، ص 217؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 5، ص 726؛ الکامل، ج 8، ص 242.
470 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 152.
471 . میزان الاعتدال، ج 3، ص 43.
472 . محاسن اصفهان، صص 31 و 69.
473 . النّابس، صص 22- 23.

ابن فادشاه- علی

عفیف الدّین ابو طاهر علیّ بن سعید بن علیّ بن فادشاه اصفهانی از محدّثین و ادبای قرن ششم هجری است. وی همه مسند شافعی را از شیخ کمال الدّین ابی عبد الله بن محمّد

اعلام اصفهان، ص: 188

بن محمّد بن سرایا بلدی با اسنادش شنیده است. وی به عربی شعر نیز می‌سروده است.[474]

ابن فادشاه- ابو عبد الله

ابو عبد الله فادشاه بن ابی منصور بن ابی طاهر بن اصفهانی، از ادبای قرن ششم هجری، وی از اصفهان به قصد تجارت به خراسان رفته، و ابو سعد سمعانی وی را در سمرقند دیده، و مقدار اندکی از شعر در سال 550 هجری از وی فراگرفته است.[475]

ابن فادشاه، محمّد

ابو عبد الله محمّد بن قاسم بن احمد بن فادشاه (پادشاه) اصفهانی معروف به «نتیف» از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری. در ذکر اخبار اصفهان درباره او گوید: «ستکلّم علی مذهب اهل السنّة ینحل مذهب ابی الحسن الاشعری» در بصره ساکن بوده، و در سال 353 ق به اصفهان معاودت نموده، و در ربیع الاوّل سال 381 وفات یافته است. از 1. لؤلؤ 2.

مادرانی 3. محمّد بن سلیمان مالکی روایت می‌کند.

کتاب‌های زیر از مؤلّفات او است: 1. الاحکام 2. الاصول 3. الفقه.[476]

ابن فتی نهروانی*

«ابن فتی نهروانی»، نام یکی از خاندان‌های علمی اصفهان است. آنان اصلا از اهالی نهروان در نزدیکی بغداد هستند؛ ولی در اصفهان ساکن بوده‌اند. این خاندان در قرن پنجم و ششم هجری از بیوت معتبر علمی شمرده می‌شده، و از مذهب شافعی پیروی می‌کرده‌اند.

ابن فتی- حسن

ابو علی حسن بن سلمان [یا سلیمان] بن عبد الله بن محمّد فتی نهروانی اصفهانی از

اعلام اصفهان، ص: 189

فقهاء و محدّثین شافعی قرن ششم هجری است. وی به «ابن فتی» شهرت داشته، و در نظامیّه اصفهان تحصیل کرده، فقه را از ابو بکر بن ثابت خجندی آموخت. مدّتی منصب قضاوت خوزستان را داشت، و سپس تدریس در مدرسه نظامیّه به او واگذار شد. وی در شنبه 5 شوّال 525 ق در بغداد وفات یافت.[477]

ابن فتی- سلمان

ابو عبد الله سلمان [سلیمان] بن ابو طالب عبد الله بن محمّد فتی نهروانی، از محدّثین و فقهای شافعی در قرن پنجم هجری است.

در نهروان متولّد شده، و در ری نشو و نما یافته، و در بغداد به تحصیل پرداخته، و سرانجام در اصفهان مقیم شده است. نحو را از ثمانینی و لغت را از حسن بن دهان فراگرفته، و از قاضی ابو الطیّب طبری حدیث را شنید.

---

474 . تلخیص مجمع الآداب، جزء 4، متمّم اوّل، ص 499.
475 . التّحبیر، ج 2، ص 37.
476 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 300؛ الاعلام، ج 7، ص 227.
477 . تبیین کذب المفتری، ص 319؛ طبقات الشّافعیة، سبکی، ج 1، ص 104؛ مدارس نظامیّه، ص 145؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 128؛ علماء النّظامیّات، ص 67؛ غزالی‌نامه، ص 134.

وی در علوم ادبی، خصوصا لغت و نحو استاد بوده، و شعر نیز می‌سرود. سرانجام او در 12 صفر 493 ق (یا 494) در اصفهان وفات یافت.

وی را تألیفاتی است از آن جمله:

1. التّفسیر، در قرائات 2. شرح الایضاح، تألیف ابو علی فارسی، در نحو 3. شرح دیوان المتنبّی 4. شرح الامالی 5. علل القراءات 6. القانون، در لغت، در ده مجلّد.[478]

ابن فتی- هبة الله*

هبة الله بن سلمان (سلیمان) بن عبد الله بن محمّد فتی نهروانی، از فقهاء و محدّثین شافعی اصفهان در قرن ششم هجری. وی از ابن ماجه ابهری حدیث شنیده است.[479]

اعلام اصفهان، ص: 190

ابن فقیه- حسن

ابو محمّد حسن بن علیّ بن موسی بن یزید بن عبد الله، داماد ابن رسته است. از محدّثین بوده، و از حسین بن حفص روایت نموده است، ابو عمر احمد بن حسن بن اسماعیل شروطی از او روایت می‌کند.[480]

ابن فنجویه

ابو بکر [یا ابو عبد الله] بن فنجویه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

از ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن محمود اصفهانی، ابن حبیش (حبش)، ابن حیّان، ابن شیبه و ابو بکر بن مالك قطیعی روایت می‌کند، و حاکم حسکانی و علّامه نیشابوری از او روایت می‌کنند.[481]

ابن فزار- عبد العظیم

عمید الدّین ابو المکارم عبد العظیم بن ابی البرکات عبد اللّطیف بن ابی نصر محمّد بن سهل سرابی اصفهانی معروف به «ابن فزّار». از محدّثین و دانشمندان قرن ششم و هفتم هجری در اصفهان است. از پدرش و حسن بن عبّاس رستمی حدیث شنیده، سپس به بغداد رفت. ابن الدّبیثی از او روایت می‌کند. تولّدش در سال 550، و وفاتش در ذی‌حجّه 617 ق در بغداد واقع شد.[482]

ابن فورك

«ابن فورك» شهرت چندین نفر از محدّثین و فقهای قرن سوم تا ششم هجری است که اغلب در اصفهان و برخی از آنان و نیشابور ساکن بوده‌اند. «فورك» (بر وزن دوزخ) نام جدّ آنان بوده، و از مذهب شافعی پیروی می‌کرده‌اند.

اعلام اصفهان، ص: 191

483

اعلام اصفهان ؛ ص191

---

478 . معجم الادباء، ج 11، ص 251- 253؛ الاعلام، ج 3، ص 169؛ ریحانة الادب، ج 8، صص 137- 138؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 4، ص 379؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 128.
479 . المشتبه، ج 2، ص 497.
480 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 265.
481 . احقاق الحق، ج 14، صص 221 و 626 و 671 و ج 9، ص 27.
482 . تلخیص مجمع الآداب، جزء 4، ج 2، ص 922.
483 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

ابن فورك- احمد

ابو بكر احمد بن محمّد بن حسن بن محمّد بن ابراهيم بن فورك، برادرزاده ابن فورك اصفهانى است. از محدّثين و فقهاى شافعى در قرن پنجم هجرى است. در خراسان مى‌زيسته و به خراسانى مشهور است. وى در مدرسه نظاميّه بغداد به وعظ مشغول بوده است. تولّدش در 408 ق و وفاتش در 478 ق روى داده است.[484]

ابن فورك- احمد

ابو الحسين احمد بن ابى يعقوب يوسف بن فورك مستملى، از محدّثين اصفهان است در مسجد جامع شهرستان (مدينه) اصفهان به تدريس علم و ادب مشغول بوده است. از ابراهيم بن متويه و ابو بكر بن راشد و ديگران روايت نموده است.[485]

ابن فورك- اسماعيل

ابو عثمان اسماعيل بن سهل (ابى سهل) بن محمّد بن عبد العزيز فوركى، سبط ابو بكر محمّد بن حسين بن فورك اصفهانى نيشابورى از قاريان و اساتيد قرائت و تجويد بوده، و حديث نيز روايت مى‌نموده است. از ابا سعد كنجروى استماع حديث كرده، و در سال 500 جهت ابا سعد سمعانى اجازه نوشته است. وفاتش در عصر روز جمعه 5 ربيع الاوّل سال 519 ق روى داد.[486]

ابن فورك- بشران

بشران بن فورك (يحيى) از محدّثان اصفهان است. از سليمان شاذكونى و محمّد بن بكير استماع حديث نموده است.[487]

ابن فورك- عبد الله

عبد الله بن حسن بن فورك، از محدّثين اصفهان است، و از عبّاد بن وليد حديث نقل كرده است.[488]

ابن فورك- عبد الله

ابو بكر عبد الله بن محمّد بن محمّد بن فورك بن عطاء بن عبد الله بن مهيار معروف به «قباب مقرى» از محدّثان فقهاء و قاريان قرآن در قرن چهارم هجرى است. در اصفهان ساكن بوده، و از عبد الله بن محمّد بن سلام، عبد الله بن محمّد بن نعمان، علىّ بن محمّد ثقفى و ابن ابى عاصم روايت نموده است. ابو بكر محمّد بن ادريس جرجرايى از او استماع حديث كرده است. وى در نيمه ذى‌قعده 370 ق وفات يافت.[489]

ابن فورك- عبد الله

عبد الله بن محمّد بن مهران بن فورك بن عطاء بن عبد الله بن مهيار از محدّثين اصفهان است.[490]

ابن فورك- عبيد الله

عبيد الله بن فورك بن عطاء بن شهره قبّاب، از محدّثين اصفهان و عموى ابو عبد الله محمّد بن محمّد فورك است. از عبد الرّحيم بن معافا بن عمران نقل حديث نموده، و برادرزاده‌اش ابو عبد الله بن فورك از او روايت مى‌كند.[491]

ابن فورك- على

---

484 . فرهنگ‌نامه پارسى، ج 1، ص 616.
485 . ذكر اخبار اصفهان، ج 1، ص 157.
486 . التّحبير، ج 1، ص 93.
487 . ذكر اخبار اصفهان، ج 1، ص 234.
488 . ذكر اخبار اصفهان، ج 2، ص 84.
489 . ذكر اخبار اصفهان، ج 2، صص 90- 91؛ اللّباب، ج 3، ص 10؛ المشتبه، ج 2، ص 519.
490 . ذكر اخبار اصفهان، ج 2، ص 90.
491 . ذكر اخبار اصفهان، ج 2، ص 100.

ابو الحسن علیّ بن فورك بن یزید، از محدّثین اصفهانی است. از حاتم بن عبید الله،

اعلام اصفهان، ص: 193

محمّد کثیر، قعنبی و محدّثین بصره حدیث شنیده است.[492]

ابن فورك- قاسم

ابو بکر قاسم بن احمد بن منصور صفّار، از محدّثین اصفهان و از احفاد ابن فورك است.[493]

ابن فورك- قاسم

ابو محمّد قاسم بن فورك بن سلیمان کنبرکی اصفهانی از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری بوده، و از محدّثان عراق و شام روایت می‌کرده است. وی در سال 301 ق فوت شده است.[494] «کنبرك» یکی از روستاهای متّصل به شهر در شمال اصفهان بوده، و اکنون جزو محلّه‌های اصفهان محسوب می‌شود.

ابن فورك- محمّد*

ابو عیسی محمّد بن اسماعیل بن محمّد بن فورك بن اشعث عنبری، از قاریان و اساتید قرائت و تجوید است. قرائت را از پدرش و علیّ بن عامر روایت کرده، و جمعی کثیر از قاریان از جمله زید بن علیّ بن ابی هلال از او قرائت را روایت نموده‌اند.[495]

ابن فورك- محمّد

ابو بکر محمّد بن حسن بن فورك اصفهانی، مشهورترین فرد خاندان ابن فورك و خود از فقها و محدّثان بزرگ شافعی در قرن چهارم هجری است. در حدود سال 330 ق متولّد شده، و در بصره و بغداد تحصیل کرد. علم کلام را به آیین اشعریان از ابو الحسن باهلی[496] و حدیث را از عبد الله بن جعفر اصفهانی، ابو محمّد بن فارس و ابن فرزاد اهوازی

اعلام اصفهان، ص: 194

آموخت.[497] ابن فورك در ادب، کلام و نحو و خطابه، مهارت بسزایی داشت. چندی در بصره و بغداد و شیراز به تدریس مشغول بود. سپس به ری رفت، و چون در مذهب اشعری سخت متعصّب بود، مخالفین اشعری به مخالفت او برخاسته، و او را آزار کردند؛ لذا او به نیشابور رفته، ابو الحسن محمّد بن ابراهیم سیمجور (م 377 ق) حاکم خراسان برای او مدرسه‌ای ساخت.[498]

وی چندی در نیشابور به تدریس پرداخت، و سپس به دعوت سلطان محمود غزنوی برای مناظره با بزرگان فرقه کرامیّه به غزنه رفت، و بر کرامیّه پیروز شد؛ امّا در بازگشت به نیشابور، وفات یافت، و گفته شد که کرامیّه، او را مسموم ساخته‌اند.[499] پس از وفات او در سال 406 ق پیکرش را به نیشابور برده، در محلّه حیره دفن کردند.[500] ابو بکر بیهقی، ابو القاسم قشیری و ابو بکر احمد بن علیّ بن خلف از شاگردان او هستند.[501] تعداد تألیفاتش را در اصول دین و فقه و معانی قرآن، حدود یکصد جلد نوشته‌اند که از آن جمله است: 1. اسماء الرّجال 2. الاملاء فی الایضاح، نسخه خطّی آن در واتیکان موجود است 4. حلّ الآیات المتشابهات، در کتابخانه عاطف در استانبول وجود دارد. 5. رسالة فی علم التّوحید 6. الحدود، در اصول 7. غریب القرآن، در

---

[492] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 9.
[493] . رساله قشیریّه، ترجمه فارسی، ص 58.
[494] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 161.
[495] . غایة النّهایه، ج 2، ص 101.
[496] . دانشنامه ایران و اسلام، ج 6، صص 768- 769، تبیین کذب المفتری، ص 232.
[497] . فرهنگ‌نامه پارسی، ج 1، صص 615- 616.
[498] . رساله قشیریّه، ترجمه فارسی، ص 26.
[499] . دانشنامه ایران و اسلام، همان‌جا.
[500] . ریحانة الادب، ج 8، صص 142- 143.
[501] . تاریخ نیسابور، ص 7.

کتابخانه سلیم آغا اسکیدار در استانبول موجود است[502] 8. مشکل الحدیث و غریبه، که در حیدرآباد هند به طبع رسیده است[503] 9. طبقات المتکلّمین[504].

ابن فورك، هیثم

هیثم بن فورك جرواآنی، از محدّثین اصفهان است. گروهی از محدّثین از وی روایت

اعلام اصفهان، ص: 195

می‌کنند که از آن جمله است: یوسف بن محمّد مؤذّن و خود ابن فورك از قعنبی روایت می‌نماید. ابو سعید عمران بن عبد الرّحیم بن عبد الملك باهلی (م 281 ق) برادر مادری او است.[505]

ابن فورك، یوسف

ابو یعقوب یوسف بن فورك بن موسی مستملی، از محدّثین اصفهان است. از ابو طالب بن سواده، ابو مسعود، اسید، حجّاج بن یوسف بن قتیبه، عبد الله بن عمر بن رسته و محمّد بن حارث صیداوی اسدی روایت می‌کند، و از او: حسین بن محمّد، سلیمان بن احمد و ابو بکر محمّد بن جعفر ورّاق بغدادی روایت می‌کنند.[506]

ابن فولاد

ابن فولاد، یکی از ولاة آل بویه بوده که در سال 406 بر آل بویه طغیان کرد، و حکومت قزوین را تقاضا نمود، و در نواحی ری به غارت و راهزنی پرداخت، و از فلك المعالی منوچهر بن قابوس برای جنگ با مجد الدّوله دیلمی مدد حوالت داد. با مجد الدّوله و مادرش چند بار به محاربه پرداخت، و ری را محاصره کرد، سرانجام مجد الدّوله در 407 ق حکمرانی اصفهان را بدو داد، و غائله او رفع شد.

جابری انصاری معتقد است تخت فولاد منسوب است به فولاد (پدر صاحب عنوان) که از فرماندهان قشون فخر الدّوله دیلمی و دلیری رشید بوده، و تخته سنگی ساخته، و روی آن می‌نشسته است، و تا زمان پدر مؤلّف (جابری) آن سنگ باقی بود، و کشتی‌گیران در آن نقطه کشتی می‌گرفتند، و بالاخره اتباع ظلّ السّلطان آن را از بین بردند.[507]

اعلام اصفهان، ص: 196

ابی قوسین

ابی قوسین، از اطبّاء اصفهان است، یهودی بود، و بعدا مسلمان شد. کتابش مقالة فی ردّ علی الیهود نام دارد.[508]

ابن قولویه

ابو الفتح بن قولویه، از ادباء و شعرای پارسی‌گوی اصفهان [در قرون نخستین هجری] است، و مافرّوخی نام او را در عداد متقدّمین آورده است.[509]

ابن قولویه، اسحاق

---

502 . الاعلام، ج 6، ص 83.
503 . دانشنامه ایران و اسلام، همان جا.
504 . مرآة الجنان، ج 2، ص 304؛ و نیز: الکنی و الالقاب، ج 1، ص 380؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 128- 129.
505 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 329.
506 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، صص 348 و 212 و 55.
507 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 863؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 21؛ لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 337؛ تاریخ اصفهان و ری، ص 93.
508 . لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 341.
509 . محاسن اصفهان، ص 33.

ابو یعقوب اسحاق بن احمد بن علیّ بن ابراهیم بن قولویه تاجر اصفهانی از محدّثین قرن چهارم هجری است. از ابراهیم بن یوسف بن خالد و عبد الرّحمن بن محمّد بن حمّاد و محدّثین ری روایت می‌کند. حافظ ابو نعیم از او حدیث شنیده است. وفاتش در پنجم ربیع الاوّل 368 ق روی داد.[510]

ابن کرسیّه، محمّد

ابو بکر محمّد بن علیّ بن احمد بن محمّد بن عمران خلقانی معروف به «ابن کرسیّه» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. در مکّه و عراق، احادیث زیادی استماع نموده، و بعد از سال 380 ق وفات یافته است. وی را اصلی است در حدیث که از آن روایت می‌نموده است. او از حسین بن اسماعیل محاملی روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم از او نقل حدیث نموده است.[511]

اعلام اصفهان، ص: 197

ابن کیغلغ، احمد

ابو العبّاس احمد بن ابراهیم بن کیغلغ، از ادباء و شعراء است. از ترکان دربار خلیفه عبّاسی در بغداد بوده است. تولّدش حدود سال 258 ق روی داده، و در سال 319 ق شحنه اصفهان بوده، و چندی در این شهر به سر برده است. ثعالبی در یتیمة الدّهر وی را جزو شعراء و ادباء آورده، و نمونه‌ای از اشعار او را نقل نموده است. فوتش بعد از سال 322 ق اتّفاق افتاد.[512]

ابن اللّباد، علی

ابو الحسن علیّ بن احمد بن محمّد اللباد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. شیخ منتخب الدّین بن بابویه، در کتاب اربعین از او حدیثی روایت می‌کند.[513]

ابن اللّبان، احمد

ابو المکارم احمد بن محمّد بن اللبان اصفهانی، از محدّثان شافعی اصفهان.[514]

ابن اللّبان، عبد الله

ابو محمّد عبد الله بن محمّد بن عبد الرّحمن بکری وائلی اصفهانی معروف به «ابن اللبان» از مشاهیر فقهای شافعیه در اصفهان بوده، در پنجسالگی قرآن را حفظ نموده، در اصفهان و بغداد و مکّه از اکابر دانشمندان استماع حدیث نموده، از جمله: ابو بکر بن مقری، ابراهیم بن عبد الله بن خوشید قوله، علیّ بن محمّد بن احمد بن میله، ابو طاهر مخلص در بغداد، احمد بن ابراهیم بن فارس در بغداد و ابو بکر اشعری، و نیز ابا یعلی بن فراء و ابا محمّد تمیمی از او روایت می‌کنند. علاوه بر فقه و حدیث، در قرائت و فنون تجوید نیز از دانشمندان به شمار می‌رفته، مدّتی منصب قاضی ایذج برعهده او بوده، و چندی هم در

اعلام اصفهان، ص: 198

بغداد ساکن بوده، عاقبت در سال 446 ق در اصفهان وفات یافت.

تألیفاتی داشته از آن جمله است: 1. درر الغوّاص فی علوم الخواص 2. تهذیب ادب القضاء 3. الرّوضة[515].

ابن لره، بندار

---

510 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 221؛ طبقات المحدّثین، ج 1، ص 83.
511 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 302.
512 . یتیمة الدّهر، ج 1، ص 65؛ محاسن اصفهان، ص 39؛ الاعلام، ج 1، ص 81 و ج 6، ص 99.
513 . تعلیقات النّقض، ج 2، ص 1230، بحار الانوار، ج 105، ص 198 ریاض العلماء، ج 3، ص 354.
514 . منتخب المختار، صص 119 و 136؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 129.
515 . تبیین کذب المفتری، ص 261؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 451؛ طبقات الشّافعیة، سبکی، ج 3، ص 207؛ الاعلام، ج 4، ص 266؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 63؛ ریحانة الادب، ج 8، ص 178؛ اللّباب، ج 3، صص 126- 127؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 129.

ابو عمرو بندار بن عبد الحمید [کرخی] اصفهانی معروف به «ابن لرة» از بزرگان علم لغت و ادب است. وی از معاصرین متوکّل عبّاسی (232- 247 ق) بوده، گویند هفتصد قصیده که اوّل آن «بانت سعاد» بود، در حفظ داشته، و در نحو نیز جامع آرای مصریان و کوفیان بود.[516]

ابن لره شاگرد ابو عبید قاسم بن سلام بود. ابن کیسان شاگرد صاحب عنوان است، و بارها در آثارش از او یاد کرده است.[517] کتب زیر از تألیفات او است:

1. جامع اللّغة 2. شرح معانی الباهلی 3. معانی الشّعر [4. الوحوش][518]. سال وفاتش معلوم نیست.

ابن لره، محمّد

محمّد بن لره اصفهانی، مردی فاضل و دانشمند بوده، و به دانستن علم حساب در زمان خود مشهور بوده، کتاب الجامع از تألیفات او است.[519]

اعلام اصفهان، ص: 199

ابن لیلاف، عبد الله

ابو محمّد عبد الله بن محمّد مقری اصفهانی معروف به «ابن لیلاف» از دانشمندان قرائت در قرن چهارم هجری بوده، چهل سال در ماه رمضان بر مردم نماز می‌گزارده، و در نقطه‌گذاری مصاحف شریف، و روایت قرائات مختلفه کلام الله مجید از اساتید دوران بوده، سرانجام در غرّه جمادی الآخر 380 ق در اصفهان وفات یافت.[520]

ابن ماما، احمد

حافظ ابو حامد احمد بن محمّد بن اجیه (احید) بن عبد الله بن ماما اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی در سال 436 ق وفات یافته است. از تألیفات او ذیل تاریخ بخاری است. تاریخ بخاری از تألیفات حافظ ابو عبد الله محمّد بن ابی بکر احمد بخاری غنجاری است.[521]

ابن ماشاذه*

«ابن ماشاذه» شهرت عدّه‌ای از بزرگان اصفهان در قرون سوم تا هفتم هجری است. این خاندان، نسب خویش را به شخصی به نام «ماشاذه» می‌رسانند. آنان پیرو مذهب شافعی بوده، و اغلب، منصب تدریس و وعظ و افتاء را در اصفهان برعهده داشته‌اند. در قریه رنان (محلّه رهنان کنونی) در غرب شهر اصفهان، مکانی به نام «صحراماشاذه» تاکنون شهرت داشته است.

ابن ماشاذه

ابو عبد الله ماشاذه، از فضلای اصفهان قبل از قرن پنجم هجری است. مافرّوخی او را جزو متقدمین آورده است.[522]

اعلام اصفهان، ص: 200

ابن ماشاذه، احمد

ابو الحسین احمد بن محمّد بن حسین بن ماشاذه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

از ابو القاسم طبرانی روایت می‌نموده، و ابو الحسن علیّ بن حسین بن عبد الله کردی و دیگران از او روایت نموده‌اند.[523]

---

516 . الکنی و الالقاب، ج 1، ص 358.
517 . دانشنامه ایران و اسلام، ج 6، صص 813- 814.
518 . ریحانة الادب، ج 8، ص 181؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان ج 1، ص 129؛ الفهرست، ابن ندیم، ترجمه فارسی، ص 139.
519 . اخبار الحکماء قفطی، ص 181؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 130.
520 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 98.
521 . الانساب، ج 5، ص 181؛ الاعلام، ج 1، ص 213؛ تذکرة الحفّاظ، ج 3، ص 117 سیر اعلام النبلاء، ج 38317.
522 . محاسن اصفهان، ص 29؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 130.

ابن ماشاذه احمد*

فخر الدّین ابو بکر احمد بن محمّد بن محمود بن عبد المنعم بن ماشاذه اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری بوده، و از ابو مسعود سلیمان بن ابراهیم بن محمّد اصفهانی، سالار ابی الحسن مکّی بن منصور علان گرجی و دیگران نقل ویژه نموده، و غیاث الدّین ابو مفید احمد بن اسعد بن غیاث عقیلی، ابو غانم مهذّب بن حسین بن محمّد حسین بن زینه و دیگران از او روایت می‌نمایند. فخر الدّین سرانجام در 572 ق وفات یافت.[524]

ابن ماشاذه، احمد

اسماعیل بن عبد المؤمن ابی منصور ماشاذه، از محدّثین اصفهان در قرن هفتم هجری است ترجمه کتاب عوارف المعارف تالیف ابو حفص عمر بن محمّد سهروردی از آثار او است که آن را در سال 665 به دستور عبد السّلام سیخی کامویی به فارسی برگردانده است.[525]

ابن ماشاذه، داود

داود بن ماشاذه، از محدّثین اصفهان است. وی از مشایخ روایت ابن صیقل بغدادی بوده است.[526]

اعلام اصفهان، ص: 201

ابن ماشاذه، عبد الله

عبد الله بن علیّ بن ماشاذه، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را از متقدّمین فضلای اصفهان می‌نویسد.[527]

ابن ماشاذه، علی

ابو الحسن علیّ بن محمّد (معروف به ماشاذه) بن احمد بن میلة بن حرّه اصفهانی معروف به «ابن ماشاذه»، از فقهاء و متصوّفه اواخر قرن چهارم هجری است. از محمّد بن محمّد بن یونس ابهری، ابی عمرو بن حکیم، مصاحبی و اسواری روایت نموده است. وی در روز عید فطر چهارشنبه، سال 414 ق در اصفهان وفات یافت. مافرّوخی در کتاب خود به نام او علیّ بن ماشاذه اشاره کرده است.[528]

ابن ماشاذه، عمر

ابو محمّد عمر ماشاذه عبّاسی هاشمی اصفهانی بن محمّد بن اسماعیل بن عبد المؤمن ابی منصور ماشاذه از ادباء و عرفای قرن هشتم هجری است. او در خانقاه حسینیّه اشرف یزد ساکن بوده، و در 28 ذی‌حجّه 740 ق از کتابت غرایب القرآن فراغت یافته است. این نسخه در کتابخانه مجلس سنای سابق موجود بوده است.[529]

ابن ماشاذه، کمال

تقی الدّین کمال بن قطب الدّین اصفهانی ماشاذه عبّاسی، از فضلاء و دانشمندان قرن نهم هجری بوده است.

وی در شنبه 4 رمضان 842 در شهر «شویم» کرمان، نسخه‌ای از کتاب شرح الموجز در طب را به خطّ نسخ کتابت نموده است. این نسخه به شماره 3334 در کتابخانه آیت‌الله

اعلام اصفهان، ص: 202

---

[523] . معجم البلدان.
[524] . تلخیص مجمع الآداب جزء 4، ج 3، ص 105.
[525] . النّصائح الایمانیة، ص 20.
[526] . منتخب المختار، ص 110؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 130.
[527] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 130.
[528] . محاسن اصفهان، ص 29؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 24؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 130.
[529] . فهرست مجلس سنا، ج 21، ص 256.

مرعشی در قم موجود است.[530]

ابن ماشاذه، محمّد

محمّد بن احمد بن میله معروف به ماشاذه اصفهانی از محدّثین اصفهان است.[531]

ابن ماشاذه، محمّد

ابو بکر محمّد بن عبد الله بن علیّ بن ماشاذه، از دانشمندان اصفهان قبل از قرن پنجم هجری بوده، و مافرّوخی نام او را در رده دانشمندان کلام و حدیث مقدّم بر عصر خود آورده است.[532]

ابن ماشاذه، محمود

ابو منصور محمود بن احمد بن عبد المنعم بن احمد معروف به ابن ماشاذه اصفهانی، از محدّثین، وعاظ و فقهای اصفهان است. در عهد خویش، مرجع مسائل شرعی مردم آن عهد در اصفهان بوده است. فقه را از ابو بکر خجندی آموخته، و از ابی المظفّر سمعانی و عایشه ورکانیه نقل حدیث نموده است. عدّه‌ای همچون ابو موسی مدینی و ابن سمعانی از او حدیث نقل کرده‌اند. صاحب عنوان در سال 458 ق متولّد [شده]، و در 11 ربیع الآخر سال 536 ق در اصفهان وفات یافته است. وی با آنکه از پیشوایان اهل سنّت در آن روزگار بوده؛ ولی در روز عاشورا در هر سال، به تعزیت شهدای کربلای پرداخته، و آشوب و نوحه و غریو داشته است.[533]

اعلام اصفهان، ص: 203

ابن ماشاذه، مسعود

ابو عبد الله مسعود بن محمود بن احمد بن عبد المنعم بن ماشاذه اصفهانی از محدّثین و فقهای اصفهان در قرن ششم هجری است. در فقه، تفسیر، حدیث و وعظ مهارت بسیار داشته، و از غانم بن محمّد برجی، ابی علی حدّاد و محمّد صیرفی نقل می‌کند. وی پس از برگشتن از حج در سال 576 ق وفات یافت.[534]

ابن ماهویه، ابراهیم

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن مالك قطان معروف به «ابن ماهویه» از محدّثان قرن سوم هجری. وی کتاب فقیه را نوشته، و از حسین بن مهدی، اسماعیل بن یزید، محمّد بن عمرو بن عبّاس، ابو الرّبیع السّمتی، محمّد بن سلمان لوین و دیگران نقل حدیث می‌نماید.

همچنین عبد الله بن محمّد بن جعفر، قاضی ابو احمد محمّد بن احمد بن ابراهیم و محمّد بن جعفر بن یوسف از او روایت می‌کنند. ابن ماهویه در سال 304 ق وفات یافت.[535]

ابن متویه*

«ابن متویه» شهرت عدّه‌ای از محدّثین و فقهای عامّه اصفهان در قرون سوم و چهارم هجری است. امامت در مسجد جامع اصفهان و تدریس، متعلّق به این خاندان بوده است.

نسب این خاندان به شخصی به نام «متویه» منتهی می‌شود.

ابن متویه، ابراهیم

---

530 . فهرست مرعشی، ج 9، ص 12.
531 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 131.
532 . محاسن اصفهان، ص 29؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 130.
533 . تبیین کذب المفتری، ص 327؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 131 طبقات المفسّرین، ج 2، صص 308- 309؛ تاریخ تشیّع در ایران، ص 317.
534 . طبقات المفسّرین، ج 2، ص 321.
535 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 191.

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حسن بن ابی الحسن اصفهانی معروف به «ابن متویه» از محدّثین و دانشمندان قرن چهارم هجری. عابد زاهد و دائم الصّوم بوده، از جمعی از محدّثان روایت می‌کند، از آن جمله است: محمّد بن ابی عمر عدنی، عبد الجبّار بن علاء، سعید محزومی، ابن ابی شوارب، بشر بن معاذ بن عقدی، و محدّثان مصر و شام و عراق.

اعلام اصفهان، ص: 204

ابو محمّد قاسم بن محمّد دیمرتی، احمد بن اسحاق، طبرانی، قاضی محمّد بن احمد بن ابراهیم، ابو محمّد بن حیّان، ابو احمد عال، ابن مقری و دیگران از او روایت کرده‌اند.

صاحب عنوان در عداد حفّاظ مشهور و ملقّب به امام بوده، در جمادی الآخر سال 302 ق وفات یافت.[536]

ابن متویه، احمد

احمد بن حسین بن محمّد معروف به «ابن متویه»، صحف ادریسیّه را از زبان سوری به عربی نقل کرده، و علّامه مجلسی (ره) تمام آن را در کتاب دعا، از مجلّدات بحار الانوار نقل فرموده است.[537]

ابن متویه، حسن

حسن بن متویه بن سندی قرشی، از محدّثین، و از مشایخ روایت محمّد بن حسن بن ولید (م 343 ق) است.

در ریاض العلماء گوید: در برخی از نسخه‌ها نامش حسین بن متویه نوشته شده، و این دو (حسن و حسین) یك نفر می‌باشند که نامشان تصحیف شده است.[538]

ابن متویه- حسن

حسن بن ابی الحسن نصر بن عثمان بن زید بن مزید بصری اصفهانی از محدّثان اصفهان است. از موالی انصار بوده، و جدّ ابراهیم بن متویه است. در اصفهان متولّد شده، از حفص بن غیاث روایت می‌کند، و ابو الفضل حسین بن عبد الله واضحی از او نقل حدیث می‌نماید.[539]

اعلام اصفهان، ص: 205

ابن متویه- حسین

حسین بن محمّد بن متویه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی به قصد انجام حج به کوفه رفت، و در آنجا حدیث گفت. از مسلمة بن شبیب روایت نموده، و احمد بن محمّد بن سرّی کوفی از او نقل حدیث می‌نماید.[540]

ابن متویه- محمّد

ابو عبد الله محمّد بن ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی معروف به «ابن متویه» از محدّثان قرن چهارم هجری بوده، و به عدالت و گفتار نیکو، شهرت داشته، و امام مسجد جامع اصفهان بوده است. از ابن نعمان هروی و محدّثان همطبقه او روایت نموده است. وی در سال 340 ق وفات نمود.

ابن متویه- محمّد

محمّد بن حسن بن ابی الحسن معروف به «متویه» از محدّثین اصفهان است. مادرش دختر ضحّاك بن مزید بن عجلان است. صاحب عنوان از محمّد بن بکیر، عبد الله بن عمران و سعدویه حدیث شنیده است.[541]

---

536 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 189؛ تذکرة الحفّاظ، ج 2، ص 740؛ اللباب، ج 3، ص 163.
537 . نوابغ الرّواة، ص 27، بحار الانوار، ج 92، ص 452.
538 . نوابع الرّواة، ص 97.
539 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 250.
540 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 282.

ابن مردانبه- اسماعیل

ابو احمد اسماعیل بن حریث بن مردانبه قطّان اصفهانی، از محدّثان قرن سوم هجری.

وی به زهد و عبادت و کثرت حدیث معروف بوده است. از تألیفات او: 1. تفسیر 2. مسند در حدیث را ذکر کرده‌اند.

وی از انس بن عیاض، بشر بن مسری، ابی داود و ابی جابر و جمعی دیگر روایت می‌کند، و محمّد بن حمید رازی و احمد بن حسین انصاری از او روایت می‌کنند. صاحب

اعلام اصفهان، ص: 206

عنوان در سال 260 ق یا کمی بعد از آن وفات یافته است.[542]

ابن مردویه

«ابن مردویه» شهرت چندین نفر از فقها و محدّثین قرن سوم تا پنجم هجری در اصفهان است. نسب افراد این خاندان به مردویه بر وزن منگوله منتهی می‌شود، و ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه معروف‌ترین شخص این خانواده محسوب می‌شود.

ابن مردویه، احمد

حافظ ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، از مشهورترین محدّثان و حافظان حدیث در میان راویان اهل سنّت بوده است. برخی نام او را بکر بن احمد نوشته‌اند که نادرست است. تولّدش در سال 323 ق، و وفاتش شش روز مانده از ماه رمضان سال 410 (24 رمضان) روی داده است. برخی تاریخ وفاتش را 416 ق و 352 نوشته‌اند که صحیح نیست. در سده ماربین اصفهان مقبره‌ای معروف به نام بابادومرده وجود دارد که آن را متعلّق به ابن مردویه دانسته‌اند.

وی علاوه بر حدیث، در تفسیر، تاریخ و طب نیز مهارت داشته است. او از ابو سهل بن زیاد قطان ... بن اسحاق خراسانی، محمّد بن عبد اللّه بن علم صفّار، اسحاق بن محمّد بن علی کوفی، محمّد بن احمد بن علی اسواری، احمد بن محمّد بن عاصم کرانی و دیگران حدیث شنیده، و ابو القاسم عبد الرّحمن بن منده و برادرش عبد الرّحمن، و ابو الخیر محمّد بن احمد بن ررا، ابو منصور محمّد بن سکرویه، محمّد بن عبد الواحد مصری و دیگران از او روایت می‌کنند.

کتب زیر از تألیفات او است:

1. تاریخ اصفهان 2. تفسیر قرآن 3. کتابی در فضائل امیر المؤمنین علیه السّلام 4. مستخرج

اعلام اصفهان، ص: 207

صحیح بخاری 5. جامع مختصر در طب[543].

ابن مردویه- محمّد

ابو بکر محمّد بن احمد بن موسی بن مردویه، از محدّثین و دانشمندان اصفهان است که قبل از روزگار مافرّوخی در اصفهان زندگی می‌کرده است.[544]

ابن مردویه، محمّد

---

541 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 194.
542 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 209.
543 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 168؛ تذکرة الحفّاظ، ج 3، صص 1050- 1051؛ کشف الظّنون، ج 1، ص 439؛ الاعلام، ج 1، ص 246؛ هدیة الاحباب، ص 87 ریحانة الادب، ج 8، ص 200؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 196؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 131؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 71؛ الکنی و الالقاب، ج 1، ص 393؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ج 1، ص 644.
544 . محاسن اصفهان، ص 29؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 132.

ابو عبد الله محمّد بن موسی بن مردویه بن فورك اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. در فقه و حدیث و کلام از دانشمندان روزگار خود بوده، و در اصفهان و عراق از راویان آن شهرها حدیث شنیده است که از آن جمله است: ابو الحسن احمد بن محمّد بن عمر لنبانی و ابی عمرو بن حکیم. جماعتی از علماء از او فقه آموختند. وی سال‌ها در اصفهان صاحب فتوا و حوزه تدریس بوده، و در سال 378 ق وفات یافته است.[545]

ابن مردویه- موسی

ابو عمران موسی بن مردویه بن فورك بن موسی بن جعفر اصفهانی فقیه و محدّث قرن چهارم هجری. از مصاحبان ابراهیم بن متویه بوده، و از او حدیث شنیده است. فرزندش حافظ ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه از او روایت می‌کند. صاحب عنوان در سال 356 ق وفات نمود.[546]

ابن مرده- احمد

احمد بن محمّد بن یوسف بن مرده اصفهانی، ادیب، کاتب، شاعر، لغوی، مؤلّف کتاب‌های 1. ادب الکتّاب 2. طبقات البلغاء 3. طبقات الخطباء. در کتاب تبیین کذب المفتری، خوابی از او نقل می‌کند، طالبین مراجعه نمایند. حافظ ابو الحسن محمّد بن احمد بن یحیی غسّانی صیدلانی از وی روایت می‌کند. وفاتش در حدود سال 420 ق اتّفاق افتاده است.[547]

ابن مرده- محمّد

محمّد بن مردة بن رستم معروف به «ابن مرده» از محدّثین قرن سوم هجری در اصفهان است. وی از محمّد بن بکیر روایت می‌کند، و ابو علیّ بن ابراهیم از وی نقل حدیث می‌نماید.[548]

ابن مرزبان- سهل

ابو نصر سهل بن مرزبان اصفهانی، از ادباء و دانشمندان اصفهان به شمار می‌آید. در قاین متولّد شده، و در نیشابور ساکن گردید. او از جمله معاصرین ثعالبی مؤلّف یتیمة الدّهر بوده، و بین آن دو، مکاتبات برقرار بوده است. شعر، نیکو می‌گفته است. از آثار او: 1. اخبار ابی العیناء 2. اخبار ابن الرّومی 3. اخبار جحظه برمکی 4. الآداب در طعام و شراب. وی در حدود سال 420 ق فوت شده است.[549]

ابن مسکویه- احمد

ابو علی احمد بن محمّد بن یعقوب بن مسکویه رازی، حکیم و فیلسوف و مورّخ و ادیب و طبیب. سال تولّد او معلوم نیست. در اوایل زندگانی، معاشر و مصاحب وزیر مهلبی

بوده، و مدّتی کتابداری ابن عمید به عهده وی بوده، و بدین سبب به خازن شهرت یافته، و محرم اسرار و ندیم عضد الدّوله بوده، و جدّش نیز در ری، متصدّی بیت المال بوده، و به خازن شهرت داشته است، و پدر یعقوب، زرتشتی بوده، و فرزند، مسلمان شده، و از خاندان‌های معروف شیعه می‌باشد. ابو حیّان توحیدی درباره او عقیده خوبی ندارد، و وی را به بخل زیاد و حرص شدید در جمع مال و طلب کیمیا سخت نکوهش می‌کند. برخی مورّخین نوشته‌اند که سلطان محمود غزنوی، خواجه ابو الفضل حسین بن علی میکال را نزد مأموران خوارزم شاه گسیل داشت، و این دانشمندان که در دربار او بودند را طلب کرد.

---

[545] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 307؛ اللّباب، ج 2، ص 445؛ محاسن اصفهان، ص 29؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 131.

[546] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 314؛ اللّباب، ج 2، ص 445.

[547] . معجم الادباء، ج 4، ص 135، تبیین کذب المفتری، ص 391 هدیة العارفین، ج 1، ص 72؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 252- 253.

[548] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 218.

[549] . الاعلام، ج 3، ص 210؛ وفیات الاعیان، ج 1، ص 219.

شیخ الرّئیس ابو علی سینا، ابو ریحان بیرونی، ابو سهل مسیحی، ابو علی مسکویه، ابن خمار و ابو نصر عراق. سه نفر از اینان نزد سلطان محمود رفتند، و سه نفر دیگر یعنی ابن سینا، ابن مسکویه و ابو سهل خدمت سلطان محمود را نپذیرفتند، و به سمت گرگان حرکت کردند، و ابو سهل در راه از تشنگی بمرد (سال 401 ق)، و آن دو به سختی جان به در بردند، و ابن مسکویه در 9 صفر 421 ق در اصفهان وفات یافت، و در این شهر مدفون شد. صاحب روضات در کتاب خود، مدفن ابن مسکویه را در محلّه خواجوی اصفهان می‌نویسد، و می‌گوید: قبر او در زمان ما معروف است. ظاهرا محل قبر او در باغ مقابل امامزاده باقر در محلّه خواجو بوده است، و اکنون آثار آن از بین رفته است.

محمّد صدر هاشمی در مقاله خود در مجلّه یادگار مدّعی است که امامزاده باقر همان قبر ابن مسکویه بوده که در زمان ناصر الدّین شاه آن را به عنوان امامزاده باقر شهرت دادند. امامزاده قبل از ناصر الدّین شاه وجود داشته، و سنگ لوح آن مورّخ به سال 1270 ق می‌باشد. کتب زیر از تألیفات او است: 1. آداب العرب و الفرس و الهند، در اخلاق 2. احوال الحکماء و المتقدّمین و صفات الانبیاء السّافلین و احوالهم 3. ادب الدنیا و الدّین 4. الاشربة و ما یتعلّق بها 5. الادویة المفرده 6. اقسام الحکمة و الرّیاضی 7. انیس الخواطر، مانند کشکول، در متفرّقات 9. تجارب الامم و تعاقب الهمم، مطبوع، در تاریخ جهان از آغاز تا 369 ق 10. ترتیب السّعادات، در اخلاق 11. تفصیل النّشأتین و تحصیل السّعادتین در اخلاق 12. التّعلیق فی المنطق 13. جاویدان خرد، به فارسی در حکمت و اندرز 14. حقایق النّفوس 15. السّیاسة للملك 16. طهارة الاعراق فی التّحصیل الاخلاق، در اخلاق که

خواجه نصیر الدّین طوسی آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده، و مبحث سیاست مدن و تدبیر منزل را بدان افزوده، و به نام اخلاق ناصری نامیده که به طبع رسیده است. 17.

الشّوامل فی ردّ «الهوامل»، تألیف ابو حیّان توحیدی 18. الفوز الاصغر در فلسفه، مطبوع 19. الفوز الاکبر 20. فوز السعادة 21. فوز النّجاة، در اخلاق 22. رسالة فی دفع الغمّ من الموت لما ذا اخاف الموت 23. الکنز الکبیر [24. رسالة فی اللذّة و الآلام] 25. لغز قابس 26. مختار الاشعار یا مستوفی 27. مقالة فی علاج الحزن

ابن مطلب- هبة الله

ابو المعالی هبة الله بن محمّد بن علی ملقّب به «ولی الدّوله» و معروف به «ابن مطلّب» وزیر خلیفه المستظهر بالله بوده، و در بغداد اقامت داشته، سرانجام به جرم شیعه بودن، مورد سوءظنّ سلطان محمّد بن ملکشاه سلجوقی واقع شد، و در اثر مکاتبات او با خلیفه، از ترس جان خود، از بغداد گریخت، و در اصفهان وفات یافت.[550]

ابن مظاهر

ابن مظاهر، از حافظه‌ای قوی برخوردار بوده، و احادیث بسیاری را از بر داشته است.

حافظ ابو نعیم در کتاب خود، ذیل شرح حال ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزة بن عماره، درباره وی می‌نویسد: «لم یر بعد ابن مظاهر مثله فی الحفظ»[551].

ابن مظفّر

ابن مظفّر بن شبیب، از فقهاء و محدّثین اصفهان است. وی امام مسجد جامع اصفهان بوده است. یاقوت حموی در ذیل شرح حال احمد بن فضل باطرقانی گوید: «پس از

552

---

550 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 1012؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 284؛ نسائم الاسحار، ص 31؛ آثار الوزراء، ص 143؛ دائرةالمعارف تشیّع، ج 1، ص 368؛ آثار الشّیعة، ج 4، ص 36.

551 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 199.

552 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

ابن مظفّر، امامت مسجد جامع اصفهان یافت»[553].

ابن معدان- محمّد

محمّد بن احمد بن راشد بن معدان بن عبد الرّحیم معروف به «ابن معدان» از محدّثین اصفهان است. از عبد الله بن ابی رومان اسکندر انی، عیسی بن شادان بصری، محمّد بن خالد بن خداش و ابو السّائب مسلم بن جناده روایت می‌کند، و ابن باغندی، عبد الله بن محمّد بن جعفر، محمّد بن احمد بن عبد الوهّاب، محمّد بن جعفر بن یوسف و محمّد بن عبد الله بن مرزبان واعظ از او نقل حدیث نموده‌اند.[554]

ابن مقری- احمد

احمد بن اسماعیل بن عبد الله بن محمّد اصفهانی بغدادی مشهور به ابن مقری مالکی، از ادبای اصفهان است. او دیوانی در مدح رسول اکرم صلّی الله علیه و آله دارد.[555]

ابن مقری- محمّد

ابو بکر محمّد بن ابراهیم بن علیّ بن عاصم بن زاذان اصفهانی معروف به «ابن مقری»، از محدّثین اصفهان است. وی در سال 285 ق در اصفهان متولّد شده، و جهت اخذ حدیث به بسیاری از شهرها سفر کرده، [و از محدّثین همدان، خوزستان، عراق، جزیره، شام حجاز، یمن و مصر استماع حدیث نموده است. برخی از مشایخ او عبارت‌اند از: ابو یعلی موصلی، ابو القاسم عبد الله بن محمّد بغوی، ابو بکر محمّد بن محمّد بن سلیمان بن باغندی، عبد الله بن احمد جوالیقی، ابن عروه حرّانی، احمد بن حسن بن عبد الجبّار صوفی، علیّ بن عبّاس بن مقانعی، محمّد بن محمّد بن اشعث و ابو جعفر طحاوی. همچنین حمزة بن یوسف سهی، ابو نعیم اصفهانی، ابو بکر بن مردویه، ابو یعلی خلیلی قزوینی، ابو سعد

مالینی، ابو الحسن هارونی (از امامان زیدیّه)، احمد بن محمّد عتیقی و ابو الشّیخ اصفهانی از او روایت کرده‌اند. وی در علم قرائت نیز تبحّر داشته، و ابو عمرو دانی او را در این زمینه متصدّر (پیشرو) خوانده است. ابن مقری از دوستان و معاشران صاحب بن عبّاد و چندی خازن کتب او بوده است.] وی در شوّال 381 ق در سن 96 سالگی وفات یافته است. [کتب زیر از تألیفات او است: 1. الاربعون، موجود در کتابخانه ظاهریّه مصر 3. فوائد، در همان کتابخانه 4. مسند ابی حنیفه، موجود در کتابخانه فیض الله در ترکیه 5. مسند نافع بن ابی رویم قاری، موجود در کتابخانه ظاهریّه و دار الکتب مصر 6. معجم الشّیوخ، موجود در کتابخانه دار الکتب مصر 7. المنتخب من غرائب الحدیث مالك بن انس الاصبحی، موجود در کتابخانه ظاهریّه][556].

ابن مکرم، محمّد

محمّد بن حسین بن مکرم، از محدّثین اصفهان است. از محمّد بن حسن بن سعید اصفهانی باب کوشکی حدیث شنیده، و ابو عمر عثمان بن محمّد عثمانی از او روایت می‌کند.[557]

ابن مکّه، اسماعیل

اسماعیل بن محمّد واعظ اصفهانی معروف به «ابن مکّه» از محدّثان اصفهان است. وی در سال 509 ق وفات یافته است، و المجالس از تألیفات او است.[558]

ابن ممجه، عمر

---

553 . معجم الادباء، ج 1، ص 396؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 134؛ آثار ملّی اصفهان، ص 187.
554 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 243.
555 . مقتبس الاثر، ج 3، ص 145.
556 . دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 4، صص 658- 660؛ الانساب، ج 6، ص 227؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 297؛ غایة النّهایه، ج 2، ص 49؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ص 40؛ تاریخ مدینة دمشق، ج 14، صص 766- 767.
557 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 230.
558 . مرآة الجنان، ج 3، ص 198.

ابو بکر عمر بن عبد الله بن احمد بن محمّد بن سهل تمیمی معروف به «ابن ممجه» از

اعلام اصفهان، ص: 213

محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از جدّش احمد بن محمّد بن سهل روایت می‌نموده است. حافظ ابو نعیم اصفهانی از او حدیث نقل می‌کند. ابن ممجه در جمعه 21 ربیع الاوّل 377 ق وفات یافته است.[559]

ابن ممشاد، عبد الله

ابو سعید عبد الله بن احمد بن ممشاد اصفهانی معروف به «ابن ممشاد» از محدّثین اصفهان است، وی دایی ابو احمد عسّال است، و خود از عبدان بن احمد و راویان اصفهان روایت می‌کند.[560]

ابن ممك، اسحاق

اسحاق بن ممك، از محدّثین اصفهان است، ابو محمّد بن حیّان از او روایت می‌کند، و خود از احمد بن محمّد بن ابی سلم حدیث شنیده است.[561]

ابن مملك، احمد

ابو عمرو احمد بن محمّد بن ابراهیم بن حکیم مدینی حکیمی معروف به «ابن مملك» از از محدّثین مدینه (محلّه شهرستان فعلی) اصفهان بوده، جهت اخذ حدیث، مسافرت بسیار کرده، و در شام و عراق و ری استماع حدیث نموده، و روایات شیوخ را کتابت کرده که از آن جمله است: ابو علی طرابلسی، ابو امیّه طرطوسی، ابو حاتم رازی و غیره ابو بکر اسماعیلی، ابو احمد عسال و محمّد بن اسحاق بن منده از او استماع حدیث نموده‌اند. در جمادی الآخر سال 333 ق وفات یافته است.[562]

مملك، در اصل محمّدك (محمّد کوچك): ممل: در اصفهان و شاید برخی دیگر از شهرها محمّد را «ممل» گویند، و کاف، علامت تصغیر است.

اعلام اصفهان، ص: 214

ابن مملك، محمّد

ابو عبد الله محمّد بن عبد الله بن مملك جرجانی اصفهانی معروف به «ابن مملك» از متکلّمین و محدّثین شیعه در قرن سوم و چهارم هجری است. در ابتدا سنّی معتزلی بوده، و به وسیله عبد الرّحمن بن احمد بن جیرویه (خیرویه) شیعه شده، و با شیخ معتزلیان بغداد ابو علی محمّد بن عبد الوهاب جبایی مناظرات و مجادلاتی در مباحث کلامی داشته است.

عموم محدّثین و رجال‌شناسان شیعه، همچون نجاشی، طوسی، علّامه و منتجب الدّین وی را به جلالت قدر و عظمت شأن ستوده‌اند. کتب زیر از او است:

1. الجامع فی سایر ابواب الکلام 2. المسائل و الجوابات فی الامّة 3. کتاب موالید الائمّه 4. نقض الامامة علی الجبائي، شامل مناظره و گفت‌وگوی او با ابو علی جبایی[563].

ابن مملك، محمّد

محمّد بن مملك معروف به «ابن مملك اصفهانی»، از محدّثین اصفهان است. او از احمد بن عصام روایت کرده است.[564]

---

559 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 357.
560 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 96.
561 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 40.
562 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1؛ الانساب، ج 4، ص 29؛ اللّباب، ج 1، ص 379.
563 . فهرست طوسی، چاپ نجف، ص 193؛ الذّریعة، ج 20، ص 373؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 134؛ اعیان الشّیعة، ج 7، ص 103؛ جامع الرّواة، ص 436؛ رجال ابن داود، ص 405؛ رجال نجاشی، صص 269- 270؛ مجمع الرّجال، ج 5، ص 249؛ نوابغ الرّواة، ص 282؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 222- 223.

ابن منجویه، احمد

ابو بکر احمد بن علیّ بن محمّد بن منجویه اصفهانی یزدی، از محدّثین مشهور قرن چهارم و پنجم هجری. در اصفهان در حدود سال 347 ق متولّد شده، و سال‌ها به تحصیل پرداخته، سپس در نیشابور ساکن شد، و در 428 ق در آنجا وفات یافت. از ابو بکر بن مقری، ابو بکر اسماعیلی و ابو عبد الله بن منده نقل احادیث نموده [است]، و خطیب بغدادی، ابو صالح مؤذّن و عبد الرّحمن بن منده از او روایت می‌کنند. رجال صحیح مسلم،

اعلام اصفهان، ص: 215

مهم‌ترین تألیف او است که در بیروت به طبع رسیده است.[565] [در هدیة العارفین نام جدّ او به اشتباه «فنجویه» آمده است].

ابن منجویه- حسین

ابو علی حسین بن ابو محمّد ابو عبد الله بن محمّد بن مرزبان بن منجویه اصفهانی از محدّثین قرن پنجم هجری است. ابو علی حسن بن احمد حدّاد اصفهانی و ابو محمّد حمزة بن عبّاس بن علی معروف به «برطله» از او روایت می‌کنند.[566]

ابن منجویه- عبد الله

ابو محمّد عبد الله بن مرزبان بن منجویه اصفهانی، از محدّثین و دانشمندان قرن چهارم هجری بوده، و به زهد و پارسایی و عبادت بسیار، شهرت داشته، و با اغلب عرفای اصفهان و نیشابور مصاحبت می‌کرده است.

از ابی احمد عسّال و ابی اسحاق بن حمزه و سلیمان طبرانی حدیث شنیده است.

صاحب عنوان در غرّه ربیع الاوّل 413 ق وفات یافت.[567]

ابن مندویه

«ابن مندویه» شهرت جماعتی از محدّثین، علماء، شعراء و ادبای اصفهان در قرن سوم تا پنجم هجری است. نسب این خاندان به مندویه (بر وزن زنگوله) بن حجّاج بن مهاجر شروطی منتهی می‌شود.

اعلام اصفهان، ص: 216

ابن مندویه، احمد

ابو علی احمد بن عبد الرّحمن بن مندویه اصفهانی، طبیب، ادیب، شاعر، در سال 338 ق متولّد شد، و به تحصیل پرداخت تا اینکه در ردیف اطبّاء درجه اوّل عهد خود محسوب شده، و از طرف عضد الدّوله دیلمی به بغداد دعوت شد. وی از جمله 24 نفر طبیبی است که در بیمارستان عضدی بغداد مشغول به خدمت گردیده، و مستمری دریافت داشته است. وفاتش در سال 372 ق واقع شده، و قریب به پنجاه جلد کتاب و رساله در علوم پزشکی تألیف نموده که از آن جمله است: 1. اطعمه و اشربه 2. تدارك انواع الخطاء فی تدبیر الطّبی 3. الجامع الصّغیر 4. الجامع الکبیر 5. رساله در تدبیر جسد 6. رساله در نفس و روح 7. الطّبیخ 8. کافی یا کافیه در طب 9. المدخل 10. المغیث 11. نقض الجاحظ 12.

نهایة الاختصار. رساله شماره 2 و شماره 5 ضمن مجموعه شماره 2114 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[568]

---

564 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 267.

565 . شذرات الذهب، ج 2، ص 233؛ کشف الظّنون، ج 1، ص 88؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 13، ص 282؛ تذکرة الحفّاظ، ج 3، صص 1085- 1087؛ الایرانیون و الادب العربی(رجال علم حدیث)، ج 2، ص 501؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج 1، ص 66؛ اللّباب، ج 3، ص 261؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ج 4، ص 696 فرهنگ‌نامه پارسی، ج 1، ص 657؛ الاعلام، ج 1، ص 125؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 74.

566 . التّحبیر، ج 1، ص 254؛ محاسن اصفهان، ص 30.

567 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 98.

568 . اخبار الحکماء، ص 268؛ ادباء الاطبّاء، ج 1، ص 39؛ ریحانة الادب، ج 8، ص 233؛ فهرست نسخه‌های خطّی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 8، ص 750؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 134.

ابن مندویه، اعین

ابو سعید اعین بن محمّد جرواآنی بن مندویة بن حماد بن زهیر بن سعید بن عطیّه، از محدّثین اصفهان است. جدّ او حمّاد از کوفه به اصفهان آمده است. صاحب عنوان از ابی حذیفه، ابو الولید طیالسی و موسی بن مسعود روایت می‌کند، و عبد الله بن جعفر از او حدیث شنیده است. وفاتش در سال 270 ق واقع شد.[569]

ابن مندویه، حمد

ابو القاسم حمد بن محمّد بن احمد بن عبد الرّحمن (محمّد) بن مندویه اصفهانی، قاضی معدّل. سمعانی درباره او نوشته: «فقیه، نقل من اهل العلم و الدّین». تولّدش حدود سال 430، و فوتش در روز دوشنبه 14 شعبان سال 514 ق روی داده است. او جهت

اعلام اصفهان، ص: 217

ابو سعد سمعانی اجازه نوشته است.[570]

ابن مندویه- عبد الرّحمن

عبد الرّحمن بن مندویه اصفهانی معروف به «ابن مندویه» از ادباء و شعرای قرن چهارم هجری، و مؤلّف کتاب الشّعر و الشّعراء است.[571]

ابن مندویه- عبد الصّمد

ابو القاسم عبد الصّمد بن ابو منصور محمّد بن عبد الله بن عبد الواحد بن مندویه شروطی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری.

تولّدش قبل از سال 470 ق واقع شده، و از ابو منصور محمّد (پدرش)، ابو طاهر احمد بن محمّد بن عمر نقّاش، ابو بکر محمّد بن احمد بن محمّد بن ماجه ابهری، ابو محمّد رزق الله تمیمی و ابو الحسن علیّ بن محمّد بن احمد حسن‌آبادی حدیث شنیده، و ابو سعد سمعانی در اصفهان از او استماع حدیث کرده است.

صاحب عنوان تا سال 545 زنده بوده است.[572]

ابن مندویه- عبد الله

ابو محمّد عبد الله بن مندویة بن حجّاج بن مهاجر شروطی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری.

از محدّثین ری حدیث نقل می‌کرده است. از ابراهیم بن محمّد بن حسن، عبد الله بن محمّد بن عمران، محمّد بن ابراهیم بن یحیی خراسانی، عبد الله بن حسن بن حفص و محمّد بن احمد بن اسباط روایت نموده، و حافظ ابو نعیم اصفهانی هم از او حدیث شنیده است. وی در شوّال 374 ق وفات یافت.[573]

اعلام اصفهان، ص: 218

ابن مندویه، فضل

فضل بن عبد الله بن مندویه اصفهانی، از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری است، و از ابو سعید عبد الواحد بن ابی القاسم عبد الکریم بن هوازن قشیری، روایت می‌کند.[574]

---

569 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 228.
570 . التّحبیر، ج 1، ص 250.
571 . اخبار الحکماء قفطی، ص 285؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ص 657؛ لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 354؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 135.
572 . التّحبیر، ج 1، ص 461.
573 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 238 و 95.

ابن مندویه- محمّد

محمّد بن عبد الرّحمن بن مندویه طبیب، در محاسن اصفهان وی را از متقدّمین فضلاء اصفهان می‌شمرد.[575]

ابن مندویه- محمّد

محمّد بن مندویه غزال، از محدّثین اصفهان است، و از یحیی بن حاتم عسکری نقل احادیث می‌کند.[576]

ابن مندویه- محمّد

ابو منصور محمّد بن عبد الله بن مندویه اصفهانی، از محدّثین است. ابو سعید محمود بن ابو علیّ بن ابو الفضل بن احمد بن حباب مدینی اصفهانی از مشایخ ابو سعد سمعانی از او حدیث شنیده است.[577]

ابن مندویه، محمّد

ابو عبد الله محمّد بن مندویه بن حجّاج بن مهاجر شروطی، از محدّثین اصفهان. وی از ابو طالب حدیث روایت می‌کند، و فرزندش ابو محمّد عبد الله بن مندویه از او روایت

می‌نماید.[578]

ابن مندویه- محمّد

محمّد بن مندویه طویل، از محدّثین اصفهان بوده، و قبل از سال 300 ق وفات یافته است.[579]

ابن منده

«ابن منده» شهرت جماعتی کثیر از محدّثین و مشایخ روایت و علمای اخبار در قرن سوم تا ششم هجری می‌باشد که به بنی منده معروف‌اند.

نسب این خاندان به ابراهیم (منده) بن ولید بن سند بن بطّه بن استندار فیروزان بن چهاربخت منتهی می‌شود. [چهاربخت، یکی از صاحب منصبان دولت ساسانی بوده، و در جریان ورود مسلمانان به ایران مسلمان شده است. ابراهیم معروف به «منده» در زمان معتصم خلیفه عبّاسی می‌زیسته است.]

سلسله بنی منده به نام یحیی آغاز شده (یحیی بن ابراهیم بن ولید) و به یحیی نیز خاتمه یافته است (یحیی بن عبد الوهاب). [مذهب این خاندان، حنبلی بوده است].

ابن منده، ابراهیم

ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن یحیی بن منده اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصفهان است.

از احمد بن خشنام و ابی بکر بن نعمان و ثقفی روایت می‌نماید، از آثار او کتاب شیوخ را می‌توان نام برد. در ماه رمضان المبارك سال 320 ق وفات یافته است.[580]

---

574 . ترجمه رساله قشیریّه، مقدّمه، ص 55.
575 . محاسن اصفهان، ص 34؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 135.
576 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 238؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 135.
577 . التّحبیر، ج 2، ص 291.
578 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 238؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 135.
579 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 238؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 135.
580 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 197- 198؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 13، ص 15؛ معجم المؤلّفین، ج 1، ص 110.

ابن منده، ابو الطیّب

ابو الطیّب بن منده، از ادباء و فضلای اصفهان است. در علم نحو، مهارت بسزایی داشته، و مافرّوخی او را از متقدّمین نام می‌برد. ظاهرا نامبرده در قرن سوم یا چهارم هجری می‌زیسته است.[581]

ابن منده، احمد

ابو سعد احمد بن ابراهیم بن منده، از محدّثین اصفهان است. از اهل فضل و جود و سخا بود، و به نیازمندان و غرباء، خصوصا محدّثین و راویانی که به اصفهان می‌آمدند، انفاق می‌کرد. از محمّد بن عمر بن حفص و عبد الله بن جعفر نقل حدیث نموده است. وی در سال 351 ق وفات یافت.[582]

ابن منده، احمد

ابو عمرو احمد بن حسن بن منده اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی در نیشابور ساکن بوده است.[583]

ابن منده، اسحاق

ابو یعقوب اسحاق بن محمّد بن یحیی بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از خاندان حدیث و روایت است، حافظ ابو نعیم اصفهانی او را دیده؛ ولی از او حدیث نشنیده است.

از عبد الله بن محمّد بن نعمان و ابن ابی عاصم و بزّاز حدیث نقل کرده است، و محمّد عبد الرّحمن بن مخلد از او نقل حدیث می‌کند. وفات او در ماه رمضان سال 341 ق

واقع شد.[584]

ابن منده، اسحاق

اسحاق بن یحیی بن ابراهیم بن منده، از محدّثین اصفهان است، سال تولّد و وفات و مشایخ و روایت‌کنندگان از او به دست نیامد.[585]

ابن منده، بندار

ابو احمد بندار بن علیّ بن احمد بن منده معروف به ابو احمد فقیه از محدّثین و فقهای قرن چهارم هجری است. از احمد بن موسی بن اسحاق خطمی انصاری قاضی اصفهان روایت می‌کند. وی رجب المرجّب 383 ق وفات یافته است.[586]

ابن منده، سفیان

ابو سعید سفیان بن محمّد بن یحیی بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. او از احمد بن یونس روایت می‌کند، و ابو محمّد بن حیّان از او نقل حدیث می‌نماید.

در سال 319 ق وفات یافته است.[587]

---

581 . محاسن اصفهان، ص 32؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 135.
582 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 155- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 136.
583 . تاریخ نیشابور، ص 76؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 136.
584 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 221؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 15، ص 441؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج 6، ص 878؛ لغت‌نامه دهخدا- ذیل« اسحاق»، ص 2247.
585 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 136.
586 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 236.

ابن منده، عبد الرّحمن

ابو القاسم عبد الرّحمن بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن یحیی بن ابراهیم بن مندة بن ولید بن مندة بن استندار فیروزان بن چهاربخت، از مشاهیر محدّثین و فقهاء حنبلی اصفهان در قرن پنجم هجری است. در سال 381 (یا به روایتی 383 یا 388 ق) متولّد شد.

وی برای اخذ حدیث به سفر رفت، و از محدّثان بغداد، واسط، مکّه، نیشابور، شیراز، همدان و دینور حدیث نقل نمود.

اعلام اصفهان، ص: 222

برخی از کسانی که وی از آن‌ها حدیث شنیده است، عبارت‌اند: از زاهر بن احمد سرخسی، محمّد بن اسحاق (پدرش)، ابراهیم بن عبد الله بن محمّد بن خورشید قوله تاجر، ابو جعفر بن مرزبان ابهری، ابن مردویه، ابن خزیمه واسطی، محمّد بن ابراهیم جرجانی. تعدادی کثیر نیز از او حدیث شنیده‌اند که از آن جمله است: سیّد ابو محمّد حسن بن محمّد بن رضا علوی کرانی، ابو الحسن ظریف بن محمّد نیشابوری، ابو زکریّا یحیی بن عبد الوهاب (برادرزاده‌اش)، ابو عبد الله فارسی، ابو سعید احمد بن محمّد بغدادی، ابو عبد الله دقاق، محمّد بن غانم بن محمّد حدّاد، و نیز پیروان و طرفدارانی داشته که به «عبد الرّحمانیه» معروف بوده‌اند.

در حسن خط نیز شهرت داشته، و حدیث بسیار نیز نقل نموده است. ابن منده سرانجام در 16 شوّال 470 ق وفات یافته است.

تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است:

1. الآیات و العلامات من الآفات و الشّبهات 2. تاریخ اصفهان 3. التّاریخ المستخرج من کتب النّاس للتّذکرة و المستطرف من اقوال الرّجال لمعرفة، که نسخه خطّی آن در کتابخانه «کوپرلوی» استانبول ترکیه وجود دارد 4. تاریخ مکّه 5. جزء من اکل الطّین 6. حرمة الدّین 7. الردّ علی الجهمیّة 8. صیام یوم الشّك 9. ما اعدّ الله لأمّة محمّد صلّی الله علیه و آله 10. المسند 11. الوفیات 12. المیزان المیّز بین الانسان و اعوان الشّیطان[588].

ابن منده، عبد الرّحمن

ابو محمّد عبد الرّحمن بن یحیی بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری

اعلام اصفهان، ص: 223

است. وی از یحیی بن حاتم عسکری روایت می‌کند. عبد الله بن محمّد بن جعفر بن حیّان [حافظ ابو الشّیخ] نیز از او نقل حدیث می‌نماید. ابن منده در سال 320 ق وفات یافته است.[589]

ابن منده، عبد الله

ابو الحسن عبد الله بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن یحیی اصفهانی از محدّثین خاندان ابن منده اصفهان است. از پدرش و از ابراهیم بن عبد الله بن محمّد بن خورشید قوله تاجر و ابو جعفر بن مرزبان و حسن بن یوه حدیث نقل نموده است، و حسین بن عبد الملك خلال از او روایت می‌کند. وی در 10 ربیع الاوّل 462 ق در جیرفت وفات یافت.[590]

ابن منده، عبید الله

---

587 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 341.

588 . التّحبیر، ج 1، ص 208؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 99؛ تاریخ نیشابور، ص 480؛ الاعلام، ج 4، ص 103؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 517؛ مجمل فصیحی، ج 2، ص 190؛ الکنی و الالقاب، ج 1؛ ریحانة الادب، ج 8، ص 234؛ طبقات الحنابلة، ج 2، ص 202؛ النّجوم الزّاهرة، ج 5، ص 105؛ البدایة و النّهایه، ج 12، ص 118؛ کشف الظّنون، ج 2، ص 1671؛ تذکرة الحفّاظ، ج 3، ص 1165؛ المنتظم ابن جوزی، ج 8، ص 315؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ج 1، ص 661؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 6، ص 879؛ الایرانیّون و الادب العربی، ج 6، ص 356؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 136.

589 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 117؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 15، ص 13؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 6، ص 878.

590 . سیر اعلام النّبلاء، ج 18، ص 355؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 6، ص 879.

عبید الله بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن عاصم مدینی روایت نموده، و ابو اسحاق سریجانی از او حدیث نقل می‌نماید.[591]

ابن منده، عبد الوهاب

ابو عمرو عبد الوهاب بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن منده تاجر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. وی در سال 386 ق متولّد شد، و برای طلب حدیث به نیشابور، شیراز، همدان، مکّه و ری سفر کرد، و از ابراهیم بن عبد الله بن محمّد بن خرشید قوله تاجر، ابو بکر بن مردویه، ابن عبد الوهاب سلمی و سعید صیرفی حدیث شنید، فرزندش یحیی بن عبد الوهاب، حسن رستمی، ابو الخیر باغبان، مسعود ثقفی، مؤتمن ساجی و دیگران از او روایت می‌کنند. در اصفهان، محبوب القلوب بین خاص و عام

بود، و در گردآوری حدیث، فرزند را به همکاری خویش خوانده بود. وی سرانجام در شب 29 جمادی الثّانی 475 ق وفات یافت. کتاب المعرفة الصّحابه از تألیفات او است که حافظ مؤتمن بن احمد ساجی آن را تمام کرده است.[592]

ابن منده، علی

ابو الحسن علیّ بن حسن بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از حسین بن یعقوب بزّاز در سال 370 ق روایت نموده است. ابو الفتح محمّد بن علیّ بن عثمان کراجکی در سال 436 ق از او نقل حدیث نموده است.[593]

ابن منده، قاسم

قاسم بن منده بن کوشید ضریر، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در محلّه «کلکه» اصفهان ساکن بوده است. از سعید بن یحیی بن سعید (سعدویه)، سلیمان بن داود منقری شاذکونی و سهل بن عثمان روایت می‌کند. عبد الله بن احمد بن اسحاق (پدر حافظ ابو نعیم) و محمّد بن جعفر بن یوسف مؤدّب از او نقل حدیث کرده‌اند.[594]

ابن منده، محمّد*

ابو عبد الله محمّد بن عبد الله بن محمّد بن ابراهیم بن منده اصفهانی، از دانشمندان قرائت و تجوید است. قرائات را از ابو علی اهوازی روایت نموده است، و ابو بکر محمّد بن علیّ بن محمّد اصفهانی قرائات را از او روایت می‌کند.[595]

ابن منده، محمّد

ابو عبد الله محمّد بن اسحاق بن یحیی بن منده حافظ اصفهانی، از مشاهیر محدّثین و رؤسای حنبلیان اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در سال 395 ق در اصفهان متولّد شده، و در طلب حدیث به بغداد، بخارا، بلخ، دمشق، مرو، مکّه و نیشابور سفر کرد، و در مدت 40 سال از قریب 1700 نفر از محدّثین، اخذ حدیث کرد که از آن جمله است: ابراهیم بن سنان قنطری، ابن ابی حاتم، ابن اخی ابی زرعه، ابن جارود، ابو جعفر البحتری، ابو حامد بن بلال، ابو سعید بن الاعرابی، ابو طاهر مدینی، ابو العبّاس اصم ابی اسید، احمد بن بهزاد فارسی، اسماعیل صفّار، ابو علی حسین بن علیّ بن یزید حافظ نیشابوری، خثیمة بن سلیمان، عبد الله بن محمّد بن حنبل، عبد الله بن یعقوب بن اسحاق کرمانی، محمّد بن احمد بن محبوب، علیّ بن احمد بستی، محمّد بن حسین بن قطان، محمّد بن عبد الله عمانی، محمّد بن یعقوب و عدّه‌ای نیز از ابن منده روایت کرده‌اند از جمله:

ابو سعید ادریسی، ابو عبد الله قنجار، ابو منصور شجاع بن علی صقلی، ابو عبد الله حاکم، ابو نعیم اصفهانی، بندار رازی، تمام رازی. وی پس از برگشت از مسافرت به اصفهان، قریب چهل بار کتاب و جزوه همراه داشت.

---

591 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 106؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ص 659؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 137.

592 . تاریخ نیشابور، ص 539؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ج 1، ص 660؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 136؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج 6، ص 879؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 18، ص 440؛ الکامل، ج 8، ص 132؛ معجم المؤلّفین، ج 6، ص 228.

593 . التّلبس، ص 119.

594 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 162؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ج 1، ص 660؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 137.

595 . غایة النّهایه، ج 2، ص 184.

ابن منده در سلخ ذی‌القعده 395 ق وفات یافته است. این کتاب‌ها از او است: 1. تاریخ اصفهان 2. التّوحید و المعرفة اسماء الله و اثبات صفاته در هفت مجلّد 3. الردّ الجهمیّة 4. طبقات الصّحابة و التّابعین 5. فتح الباب فی الکنی و الالقاب 6. الکفایة 7. المسند ابی حنیفه 8. مسند احادیث ابراهیم بن ادهم 9. معرفة الصّحابه 10. النّاسخ و المنسوخ[596].

اعلام اصفهان، ص: 226

ابن منده، محمّد

ابو جعفر محمّد بن مندة بن ابی الهیثم منصور اصفهانی از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری است. از حسین بن حفص و بکر بن بکار روایت می‌کند، و ابو بکر محمّد بن حسن بن حسین بن فرات از او نقل حدیث می‌نماید. وی چندی در ری و سپس در بغداد ساکن بوده است. جزء الحدیث از تألیفات او است.[597]

ابن منده، محمّد

محمّد بن مندة بن مهریزد، از محدّثین اصفهان است. او در بغداد بوده است. جعفر بن محمّد بن مزید نقل می‌کند که در بغداد بودم، و محمّد بن مندة بن مهریزد به من گفت:

«مایل هستی به ملاقات علیّ بن الرّضا (امام جواد علیه السّلام) برویم؟». گفتم: «آری». پس نزد او رفتیم، و ایشان حدیثی را از پیامبر درباره حضرت فاطمه- سلام الله علیها- نقل کرد.[598]

ابن منده، محمّد

ابو عبد الله محمّد بن یحیی بن ابراهیم (منده) بن ولید بن مندة بن بطّة بن استندر (فیروزان) بن چهاربخت عبدی اصفهانی، از محدّثان و بزرگان مشهور خاندان ابن منده در قرن سوم هجری. وی در حدود 220 ق متولّد شد، و به اصفهان و عراق سفر کرد، و از محدّثان آنجا حدیث نقل نمود و عدّه‌ای از محدّثین نیز از او نقل حدیث نموده‌اند.

وی در سال 301 ق وفات یافت. کتاب تاریخ اصفهان از تألیفات او است.[599]

اعلام اصفهان، ص: 227

ابن منده، محمود

ابو الوفا محمود بن ابراهیم بن سفیان بن منده (ابراهیم) بن عبد الوهاب بن منده اصفهانی، از محدّثین حنبلی اصفهان در قرن ششم هجری. در حدود سال 550 یا 552 ق در اصفهان متولّد شد، و از مسعود ثقفی، ابو عبد الله رستمی، ابو الخیر باغبان مسعود ثقفی و عبد المنعم سعدویه روایت می‌کند.

ابن نجّار، شیخ عبد الصّمد بن احمد بن ابی الجیش و ضیاء از او حدیث شنیده‌اند. وی در سال 632 هنگامی که مغولان به اصفهان حمله کردند، به دست آنان کشته شد. کتاب الایمان از او است.[600]

---

596 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 306؛ مجمل فصیحی، ج 2، ص 110؛ هدیة العارفین، ج، ص 57؛ کشف الظنون، ج 2، ص 1104؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 26؛ الاعلام، ج 6، ص 253؛ معجم المؤلّفین، ج 9، صص 42- 43؛ الکامل، ج 7، ص 230؛ ریحانة الادب، ج 8، ص 234؛ سیر اعلام النبلاء، ج 17، صص 28- 43؛ الوافی بالوفیات، ج 2، صص 90- 91؛ النجوم الزّاهرة، ج 4، ص 213؛ لسان المیزان، ج 5، ص 70؛ طبقات الحنابلة، ج 2، ص 167؛ المنتظم ابن جوزی، ج 7، ص 232؛ وفیات الاعیان، ج 1، ص 487؛ البدایة و النهایه، ج 11، ص 336؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج 6، صص 878- 880؛ الایرانیّون و الادب العربی، ج 6، صص 344- 347؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 137.

597 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 193؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 139؛ تاریخ بغداد، ج 3، ص 304؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 137.

598 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 242؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ج 1، ص 659.

599 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 222؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 14، صص 188- 193؛ معجم المؤلّفین، ج 2، ص 111؛ الاعلام، ج 8، ص 3؛ طبقات المحدّثین؛ وفیات الاعیان، ج 3، ص 416؛ تذکرة الحفّاظ، ج 2، ص 741؛ الایرانیّون و الادب العربی، ج 6، صص 315- 316؛ الوافی بالوفیات، ج 5، ص 189؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 6، ص 878؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 137؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 4، ص 698.

ابن منده- یحیی

ابو زکریّا یحیی بن عبد الله اصفهانی، از محدّثین خاندان ابن منده اصفهان است.

وفاتش در سال 445 ق روی داده، و کتاب تاریخ اصفهان از تألیفات او است.[601]

ابن منده، یحیی

ابو زکریّا یحیی بن عبد الوهاب بن ابی عبد الله محمّد بن اسحاق بن یحیی بن منده اصفهانی از محدّثان حنبلی اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری، آخرین فرد معروف خاندان ابن منده در اصفهان است. او را «محدّث بن محدّث بن محدّث بن محدّث بن محدّث بن محدّث) خوانده‌اند (شش طبقه). ابو سعد سمعانی از قول محمّد بن ابو نصر لفتوانی نقل می‌کند که او گفت: «خاندان منده از یحیی شروع شده، و به یحیی ختم گردیده است». در 19 شوّال 434 ق در اصفهان متولّد گردیده، در طلب حدیث به شهرهای مختلف همچون نیشابور، همدان، بصره و بغداد سفر کرده، و در بغداد، در جامع منصور، املاء حدیث کرده است.

اعلام اصفهان، ص: 228

مشایخ روایت او بسیارند و بسیاری از محدّثان از او نقل حدیث می‌نمایند.

وی سرانجام در 10 ذی‌حجّه (عید قربان) سال 512 ق وفات یافت، و در قبرستان باب دریه (محلّه طوقچی فعلی) اصفهان مدفون گردید.

کتب زیر از او است:

1. تاریخ اصفهان 2. التّنبیه علی احوال الجهّال و المنافقین 3. کتاب علی الصّحیحین 4.

مناقب الامام (احمد بن حنبل) 5. مناقب العبّاس 6. من عاش مائة و العشرین سنة من الصّحابه 7. معرفة الاسماء ارداف النّبی 8. احوال طبرانی[602].

ابن نابتی، احمد

ابو العبّاس احمد بن ابراهیم بن یعیش نابتی، از محدّثین اصفهان است.[603]

ابن نابتی- اسحاق

ابو العبّاس اسحاق بن ابراهیم بن قاضی همدان بن احمد بن عبد الله بن یعیش ازدی همدانی معروف به «ابن النّابتی» از محدّثین اصفهان است. از حسین بن حریث و محمّد بن غیلان روایت می‌کند، و احمد بن اسحاق و عبد الله بن محمّد بن جعفر از او روایت می‌کنند.[604]

ابن نجوکه، احمد

ابو العبّاس احمد بن حسن بن احمد خوزی اصفهانی معروف به «ابن نجوکه» از

اعلام اصفهان، ص: 229

---

600 . النّجوم الزّاهرة، ج 6، ص 292؛ شذرات الذّهب، ج 5، ص 155 سیر اعلام النّبلاء، ج 22، صص 382- 383؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 6، ص 880؛ الایرانیون و الادب العربی، ج 6، ص 500.

601 . هفت اقلیم، ج 2، ص 348؛ ریحانة الادب، ج 8، ص 234؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 137.

602 . وفیات الاعیان، ج 2، ص 225؛ معجم المؤلّفین، ج 13، صص 210- 211؛ الکنی و الالقاب، ج 1، ص 427؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 202؛ الاعلام، ج 9، ص 194؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 19، صص 395- 396؛ هدیة العارفین، ج 2، ص 520؛ التّحبیر، ج 2، ص 382؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ج 1، ص 661؛ ریحانة الادب، ج 8، ص 234؛ الکامل، ج 8، ص 285؛ تذکرة الحفّاظ، ج 4، ص 1250؛ کشف الظّنون، ج 1، ص 282 و ج 2، ص 1464؛ المنتظم، ج 9، ص 204؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج 6، صص 779- 780؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، مقدّمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 137- 138.

603 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 107.

604 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 217؛ طبقات المحدّثین، ج 4، ص 282.

محدّثین اصفهان است. [و او منسوب به کوی خوز در شهر اصفهان بوده است]. وی از حافظ ابو نعیم اصفهانی اخذ حدیث نموده، و آخرین کسی است که سمعانی از وی اخذ حدیث کرده است. در سال 517 یا 518 ق وفات یافته است.[605]

ابن النّعمان- عبد الله

ابو بکر عبد الله بن محمّد بن نعمان، از محدّثان قرن سوم هجری است از محدّثان کوفه و از ابو نعیم، محمّد بن صلت، عمرو بن طلحه قنّاد، محمّد بن سعید بن سابق و ابو غسان مالك بن اسماعیل نهدی روایت کرده است. ابو مسلم محمّد بن قاسم صحّاف، ابو بکر محمّد بن قاسم بن محمّد بن سیاه و ابو عمر محمّد بن احمد بن حسن هیسانی از او نقل حدیث نموده‌اند. ابن نعمان در سال 281 ق وفات یافته است.[606]

ابن نوله- علی

ابو الحسن علیّ بن محمّد بن اسحاق مدینی معروف به «ابن نوله شعرانی» از محدّثین اصفهان است. از محدّثین بصره و محدّثین اصفهان از جمله زکریّا ساوجی روایت نموده است.[607]

ابن واضح اصفهانی، احمد

احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عبّاسی معروف به «یعقوبی» و «ابن یعقوبی» و «ابن واضح» از مشاهیر مورّخین و جغرافی‌دانان شیعه است. در بغداد متولّد شده، و به سفر در شهرهای مختلف دنیای اسلام پرداخته است. در سال 260 ق به ارمنستان، هند، مصر، شمال آفریقا و دیگر شهرها سفر کرد، و در این سفرها به تألیف سفرنامه و کتب تاریخی و جغرافیایی پرداخت.

اعلام اصفهان، ص: 230

وفات او در سال 284 ق (و به قولی 278 ق یا 292 ق) اتّفاق افتاد. کتب زیر از تألیفات او است:

1. اخبار الامم السّالفة 2. اسماء البلدان، مطبوع 3. التّاریخ، معروف به تاریخ یعقوبی که در دو مجلّد به طبع رسیده است 4. المسالك و الممالك 5. مشاکلة النّاس لزمانهم و غیره.[608]

ابن ورواجه

ابن ورواجه، از علماء نجوم در اصفهان است. او تا سال 349 ق در اصفهان حیات داشته است، و عبد الرّحمن صوفی مؤلّف صور الکوکب او را دیده است، و می‌نویسد که از علم هیئت و نجوم، چیزی جز اسم نمی‌دانست؟![609]

ابن هاجر، محمّد

ابو طاهر محمّد بن ابراهیم بن مکّی بن علی طرازی اصفهانی معروف به «ابن هاجر»، از محدّثین قرن ششم هجری. وی از اهالی محلّه «طراز» اصفهان بوده است. در سال 460 ق متولّد شده، و از ابو زید احمد و ابو منصور شجاع فرزندان ابو الحسن علیّ بن شجاع مصقلی، ابو بکر محمّد بن احمد بن اسید مدینی، ابو المظفّر محمود بن جعفر تمیمی و ابو بکر احمد بن علیّ بن ثابت خطیب اجازه داشته، و ابو سعد سمعانی کتاب‌های چندی از او شنیده است.

سمعانی از او به عنوان «کان شیخا صالحا سدیدا راغبا فی الرّوایة و الحدیث» یاد کرده، و می‌نویسد: بیشتر اوقات در مسجد جامع نشسته بود، و آماده که نزد او حدیث بخوانند.

ازاین‌رو وی را محمّد فارغ می‌گفتند. وی در جمادی الاوّل سال 549 ق وفات یافت.[610]

---

605 . معجم البلدان، ج 2، ص 404.
606 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 285- 287.
607 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 17.
608 . ریحانة الادب، ج 6، ص 398؛ الکنی و الالقاب، ج 3، ص 296؛ الذّریعة، ج 3، صص 144 و 296؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« احمد»، ص 1126؛ معجم المؤلّفین، ج 1، ص 161؛ الاعلام، ج 1، ص 90؛ مقتبس الاثر، ج 3، ص 135؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 138- 139.
609 . گاهنامه سال 1311 ش، ص 142.

ابن هامیه، زیاد

ابو القاسم زیاد بن محمّد بن ابراهیم معروف به «ابن هامیه مقری اصفهانی»، از قاریان و دانشمندان قرائت و تجوید است. سمعانی از او چنین یاد نموده است: «شیخ مقری صالح مستور من اهل القرآن و الخیر» صاحب عنوان از ابو بکر محمّد احمد بن ماجه ابهری حدیث شنیده، و ابو سعد سمعانی جزی احادیث لوین را از او استماع کرده است.[611]

ابن یمین

در گورستان معروف به آب‌بخشان که در این اواخر آنجا را تسطیح کرده، و خیابان و فلکه ساختند، و اطراف آن را خانه و مدرسه و مغازه کردند، در جنب کوچه‌ای که به مقبره شیخ ابو مسعود رازی می‌رفت، بقعه‌ای خشتی قرار داشت. مدفون در آنجا را «ابن یمین» می‌گفتند. اکنون نیز خاندانی از اهل علم و منبر نیز به این نام و شهرت معروف‌اند، از آن جمله: حاج میرزا ابراهیم ابن یمین فرزند میرزا محمّد علی واعظ بن ملّا ابراهیم.

مدفون در این مقبره یقینا ابن یمین شاعر معروف، فخر الدّین محمّد بن یمین الدّین محمّد طغرایی شاعر معروف، متولّد یکی از سال‌های 663 یا 665 یا 669 و متوفّی 769 صاحب دیوان اشعار مطبوع نمی‌باشد. مرحوم انصاری او را ابن یمین معروف می‌نویسد.

دهخدا می‌نویسد: دیوانی از ابن یمین در کتابخانه مجلس موجود است که من آن را تصحیح کرده‌ام، و اشعار ابن یمین فریومدی با شاعری دیگر موسوم به ابن یمین که مردی عامی و بی‌سواد بوده، یك جا نوشته شده، و من در حاشیه، اصل و الحاقی را تذکّر داده‌ام.

ممکن است ابن یمین مدفون در این مزار، همین ابن یمین باشد که مرحوم دهخدا نام می‌برد. موضوع، قابل بررسی است.[612]

ابو الآداب یزدی

ابو الآداب فرزند محمّد امین دقّاق یزدی، از ادباء و شعرای قرن 11 هجری است. در فنّ شعر و انشاء و معمّا انگشت‌نما بود، و در روزگار جوانی به سال 1077 ق در اصفهان بدرود زندگی گفت.[613]

ابو احمد عسال

ابو احمد محمّد بن ابراهیم بن سلیمان عسال اصفهانی، عالم محدّث قرن چهارم هجری. متصدّی قضاوت اصفهان بوده است. مقبول القول در بین مردم و از بزرگان در معرفت و اتقان و حفظ حدیث بوده، و در شیوخ، تاریخ، تفسیر و مسند تألیفاتی نموده است. وی در سال 269 ق متولّد شده، و جهت اخذ حدیث به شهرهای زیادی مسافرت نموده، و سرانجام در رمضان 349 ق وفات یافته است.[614]

ابو اسحاق

در نزدیکی مسجد جامع اصفهان، محلّی است به نام «ابو اسحاقیّه» که عوام در اصفهان به آن «بسّاقیه» می‌گویند. مدفون در این محل، ظاهرا ابو اسحاق نامی از عرفاء و بزرگان اهل سنّت بوده، و قبر در زمان صفویّه از بین رفته است.

---

[610] . التّحبیر، ج 2، ص 52.
[611] . التّحبیر، ج 1، ص 288.
[612] . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 144؛ تاریخ اصفهان و ری، ص 155 لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 366؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 139؛ مزارات اصفهان، ص 26.
[613] . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 284، آیینه دانشوران، ص 57.
[614] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 283؛ الاعلام، ج 6، ص 201؛ طبقات المفسّرین، ج 2، صص 51- 53؛ تذکرة الحفّاظ، ج 3، ص 886؛ النّجوم الزّاهرة، ج 3، ص 325؛ محاسن اصفهان، ص 29.

اخیرا یکی از نویسندگان او را منتسب به ابو اسحاق اسفراینی می‌داند که نسبت، خالی از اعتبار است.[615] مرحوم جابری انصاری، ابو اسحاقیّه را به ابو اسحاق اینجو از پادشاهان آل اینجو نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «پس از قتل مسعود شاه اینجو برادرش شیخ ابو اسحاق به اصفهان و فارس شتافت، و مقرّ حکومتش در اصفهان اطراف مسجد جامع

در دشت و نزدیك منازل میر میران بود، و عمارات دولتی او به ابو اسحاقیه معروف شده»[616].

ابو اسحاق اصفهانی

ابو اسحاق بن بحیر اصفهانی (بحیر مصغّر بحر) در ریاض العلماء درباره او گوید: «کان من مشایخ اصحابنا رضوان الله علیهم». به طوری که از رساله یکی از شاگردان شیخ کرکی که در ذکر اسامی مشایخ نوشته ظاهر می‌شود، کتاب تأویل الآیات از تألیفات او است. در الذّریعة وی را به عنوان ابو اسحاق بن مجیر (میم و جیم) ذکر نموده است.[617]

ابو اسحاق قفّال

ابو اسحاق قفّال (غفّال) اصفهانی، از راویان است. یکی از روایت‌کنندگان از او شیرویه بن شهریار دیلمی است، و یکی از مشایخش ابو اسحاق بن خورشید می‌باشد.[618]

ابو اسحاق مطرّز

ابو اسحاق مطرّز از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی از او را در ردیف فلاسفه، ریاضی‌دانان، اطبّاء و منجّمین متقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.[619]

شیخ ابو البرکات واعظ

شیخ ابو البرکات واعظ اصفهانی، عالم فاضل محدّث، واعظ صالح معمّر. در مسجد جامع اصفهان، منصب وعظ و خطابت داشته، و قریب یك‌صد سال عمر نمود. از شیخ علی محقّق کرکی (م 940 ق) روایت احادیث می‌کند. جمعی از دانشمندان از او اخذ حدیث نموده‌اند، و از ایشان روایت می‌کنند که از آن جمله است: ملّا محمّد تقی مجلسی و شیخ

عبد الله واعظ فرزندش.[620]

ابو بشر عبدی

حافظ ابو بشر اسماعیل بن عبد الله عبدی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی در سال 267 ق وفات یافته است.[621]

میرزا ابو البقاء ابرقویی

میرزا ابو البقاء فرزند شاه ابو الولی بن شاه ابو الفتح موسوی ابرقویی، شاعر ادیب فاضل خطّاط، از اصفهان به هندوستان سفر کرده، و مورد احترام حکیم داود (تقرّب خان) قرار گرفت سپس به اصفهان بازگشت، و در مسجد تقرّب خان (مسجد حکیم) به تحصیل مشغول شد.

---

615 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 262- 263.
616 . تاریخ اصفهان و ری، ص 212؛ مزارات اصفهان، ص 79.
617 . ریاض العلماء، ج 5، ص 412؛ الذّریعة، ج 3، ص 302؛ اعیان الشّیعة، ج 7، ص 128؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 140.
618 . مناقب خوارزمی، ص 82.
619 . محاسن اصفهان، ص 34.
620 . اعیان الشّیعة، ج 8، ص 291؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 424- 425.
621 . مرآة الجنان، ج 2، ص 182.

علاوه بر شعر و ادب، خطّ نستعلیق را خوش می‌نوشته، قطعات خوشنویسی متعدّد به خطّ زیبای او در کتابخانه‌ها وجود دارد، این بیت از او است:

کجای تاب عشقت دل به مرغ نامه بربندد به جای نامه مدّ آه بر بال اثر بندد[622]

میرزا ابو البقاء قهپایه‌ای

میرزا ابو البقاء فرزند میر محمود طباطبایی قهپایه‌ای، شاعر ادیب فاضل در اصفهان ساکن و از معاشران میرزا محمّد طاهر نصرآبادی بوده، عاقبت به هند رفته، و در کشمیر فوت شد. این بیت از او است:

به فریادم غم از دل برنخیزد که رنگ گل به باد از گل نریزد[623]

اعلام اصفهان، ص: 235

ابو بکر ضحّاك شیبانی

حافظ ابو بکر احمد بن محمّد بن عمرو بن عاصم ضحّاك شیبانی بصری، از محدّثین قرن سوم هجری و صاحب مصنّفات بوده است. در اصفهان ساکن، و متصدّی قضای اصفهان بوده، و در سال 287 ق وفات یافته است. وی از پیروان ظاهریّه بوده، و کتاب الدّیات را تألیف نموده که در مصر به طبع رسیده است.[624]

ابو بکر اشنانی

ابو بکر اشنانی، از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی در محاسن اصفهان او را جزو دانشمندان حدیث و کلام متقدّم بر عصر خویش آورده است.[625]

ابو بکر اصفهانی

ابو بکر اصفهانی، از عرفای قرن چهارم هجری و خادم شیخ ابو بکر شبلی بوده است.[626]

ابو بکر خلّاد

ابو بکر بن خلّاد، از راویان ساکن اصفهان، و از مشایخ حافظ ابو نعیم اصفهانی است.[627]

ابو بکر مقری

ابو بکر بن عبد الوهاب مقری، از محدّثین اصفهان و از احمد بن محمّد بن مهران روایت می‌کند.[628]

ابو بکر سجستانی

---

622 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 167؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج 1، صص 22- 23؛ الذّریعة، ج 9، ص 37.
623 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 148؛ الذّریعة، ج 9، ص 37.
624 . مرآة الجنان، ج 2، ص 215؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 736.
625 . محاسن اصفهان، ص 29.
626 . مرآة الجنان، ج 2، ص 432.
627 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 308.
628 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 168.

ابو بکر عبد الله بن سلیمان بن اشعث سجستانی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری.

اعلام اصفهان، ص: 236

وی اغلب سال‌های عمر را در اصفهان بوده، و سرانجام در سال 316 ق در بغداد وفات یافته است. وی از احمد بن عصام و دیگران روایت نموده است. ظاهرا او شیعه بوده است.[629]

ابو بکر اسواری

ابو بکر علیّ بن محمّد بن علی واعظ اسواری، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف محدّثین و متکلّمین مقدّم بر عهد خود ذکر کرده است.[630]

ابو بکر قصار

ابو بکر احمد بن محمّد بن احمد بن جعفر اصفهانی، از دانشمندان قرن چهارم هجری است، در حدیث و فقه تبحّر داشته، و صاحب مسند حکم و فتوا در اصفهان بوده، و براساس فقه شافعی فتوا صادر می‌نموده، و در سال 399 ق وفات یافته است. از ابی علیّ بن عاصم، عبد الله بن خالد رارانی و عبد الله بن فارس و دیگران روایت می‌نموده است.[631]

ابو بکر بن ابی الحرث

ابو بکر بن ابی الحرث، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم آورده است.[632]

ابو بکر بن ابو علی

ابو بکر بن ابو علی، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را به عنوان یکی از دانشمندان کلام و حدیث متقدّم بر عصر خویش برشمرده است.[633]

اعلام اصفهان، ص: 237

ابو بکر قاضی

ابو بکر بن ابو القاسم بن جعفر معروف به قاضی، از محدّثین اصفهان و متقدّم بر عصر مافرّوخی مؤلّف محاسن اصفهان است.[634]

ابو بکر بن حدّاد

ابو بکر بن حدّاد، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری بود، و حافظ ابو نعیم اصفهانی و ابو بکر محمّد بن علیّ بن احمد اشنانی از او روایت می‌کنند.[635]

ابو بکر ثقفی

ابو بکر بن عبد الله ثقفی اصفهانی، از محدّثین اصفهان بوده، و از محمّد بن مالك روایت نموده است. مطلّب بن زیاد از او نقل حدیث می‌کند.[636]

---

629 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 66؛ میزان الاعتدال، ج 2، ص 43.
630 . محاسن اصفهان، ص 30.
631 . المشتبه، ج 2، ص 463؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 169؛ محاسن اصفهان، ص 29.
632 . محاسن اصفهان، ص 29.
633 . محاسن اصفهان، ص 29.
634 . محاسن اصفهان، ص 29.
635 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 308.
636 . میزان الاعتدال، ج 3، ص 350.

ابو بکر اصفهانی

ابو بکر بن عطّار محمّد بن ابراهیم اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است، و در سال 466 ق وفات یافته است.[637]

ابو بکر طادی

ابو بکر بن عمر بن ابی بکر بن احمد معروف به «ززا»، از محدّثین اصفهان است. حافظ اسماعیل در سال 528 ق از او استماع حدیث نموده است. طاد از بلوك لنجان اصفهان است، و صاحب عنوان، از اهالی طاذ (طاد) بوده است.[638]

ابو بکر جشمجی

ابو بکر معروف به جشمجی، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم دانسته است.[639]

ابو بکر طهرانی

ابو بکر طهرانی اصفهانی، از دانشمندان و مورّخین قرن نهم هجری است. او از اهالی قریه طهران [تیران و آهنگران] اصفهان است. از منشیان دربار شاهرخ گورکانی بوده، و پس از فوت او در سال 850 ق به سلطان محمّد بن بایسنغر پیوسته، و پس از فتح اصفهان به دست جهانشاه قره‌قویونلو در سال 856 ق نزد پسرش محمّدی میرزا رفته، و همراه او به دامغان رفت، و در آنجا عقدنامه صلح جهانشاه با ابو سعید پادشاه ترکستان را انشاء نمود.

ابو بکر طهرانی در سال 873 به دعوت اوزون حسن پادشاه آق‌قویونلو به تبریز رفته، و به خدمت او درآمد، و به دستور او تدریس در مدرسه غیاثیّه را برعهده گرفت. پس از مدّتی از تدریس در آن مدرسه معاف، و مأمور به تألیف کتابی در باب وقایع عصر گردید، و کتاب تاریخ دیار بکریّه را تألیف نمود. نسخه اصل این کتاب در بصره نزد وکیل محمّد امین موجود بوده، و به چاپ نیز رسیده است. ابو بکر طهرانی تا سال 882 ق در قید حیات بوده، و نواده‌اش مولانا شاه محمود بن شمس الدّین بن ابو بکر طهرانی در سال 904 ق وزیر محمّدی میرزا بوده است.[640]

ابو بکر عبّاب اصفهانی

ابو بکر عبّاب اصفهانی، از محدّثین بوده، و عدّه زیادی از او نقل حدیث کرده‌اند. او آخرین کسی است که از بکر بن بکار روایت نموده است.[641]

ابو بکر کوکبی

ابو بکر کوکبی، از دانشمندان اصفهان بوده، و مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء مقدّم بر عصر خویش آورده است.[642]

ابو بکر محاربی اصفهانی

حافظ ابو بکر محاربی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و ابو الحسین عبد الله بن محمّد بن عبد الغفّار فارسی بدیل سمرقند، از او روایت می‌کند.[643]

---

637 . مرآة الجنان، ج 3، ص 94.
638 . معجم البلدان، ج 4، ص 4.
639 . محاسن اصفهان، ص 30.
640 . احسن التّواریخ، تعلیقات، ج 2، ص 761.
641 . معجم البلدان، ج 2، ص 198.
642 . محاسن اصفهان، ص 32.
643 . احقاق الحق، ج 14، ص 152.

ابو بکر مطرّز

از دانشمندان اصفهان است، و مافرّوخی وی را از دانشمندان متقدّم بر عهد خویش و در ردیف فلاسفه، ریاضی‌دانان، اطبّاء و منجّمین آورده است.[644]

ابو بکر و علی

ابو بکر وعلی از فقهای اصفهان است، و اصلا اهل قریه «وعل» از قرای اصفهان بوده است.[645]

حاج ابو تراب اصفهانی

حاج ملّا ابو تراب اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محدّث، از صلحای دهر و از مصاحبان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی بوده، و به افاده فقه و حدیث مشغول بود، و اقوالش در شرعیّات، مورد اعتماد مردم بود.[646] نزد علّامه مجلسی و میر سیّد علی شولستانی نجفی به تحصیل پرداخته، و از علّامه مجلسی اجازه دریافت نموده است. صورت اجازه در نسخه شماره 6836 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که بر روی یکی از کتاب‌ها نوشته شده و

موجود است[647] تألیفاتی نیز داشته است که میرزا کمال الدّین محمّد نسوی بدان اشاره نموده است.[648] شیخ محمّد علی حزین در کودکی او را ملاقات کرده، و نوشته است در سال فوت علّامه مجلسی (سال 1110 ق) حاج ابو تراب نیز وفات یافته است[649]. قبر او محتمل است در مزار مسجد جامع در بقعه علّامه مجلسی و یا اطراف آنجا باشد.

میرزا ابو تراب اصفهانی

میرزا ابو تراب اصفهانی، معروف به «رئیس الخطّاطین» و متخلّص به «ترابا»، شاعر و خطّاط ادیب. ابتدا نزد ملّا فایضی به مشق پرداخته، و بعدا در عداد شاگردان مبرّز میر عماد قرار گرفته است. او خود دار المشق داشته، و شاه‌عبّاس گاهی به دار المشق او می‌رفته، و او را مورد تفقّد قرار می‌داده است. ابو تراب اوّلین کسی است که پس از کشته شدن میر عماد، خود را بر سر نعش او رسانیده، و جهت او نوحه‌سرایی کرده، و جنازه استاد را با کمال احترام دفن نموده است، و جهت استاد، مرثیّه‌ای سروده که اوّل آن این است:

دهر پرفتنه و پرمشغله و پرغوغاست شرح این ماتم و این سوگ کرا خود یار است

وی در سال 1072 ق در سنّ 82 سالگی وفات یافت، و جنب مسجد لبنان اصفهان، در جوار مزار خواجه صائن الدّین ترکه مدفون گردید. [میرزا نور الدّین و محمّد صالح پسران او نیز از خوشنویسان معروف عصر صفویّه به شمار می‌روند].[650]

میرزا ابو تراب ثقةالاسلام نایینی

میرزا ابو تراب ثقةالاسلام نایینی بن میرزا ابو طالب بن میرزا محمّد معروف به باغچه‌ای ابن میرزا علی رضا نایینی، مردی فاضل و دانشمند بوده، در اوائل مشروطیت ایران، طبق نظریّه و دستور مرحوم ثقةالاسلام حاج آقا نور الله مسجد شاهی در عدلیه

---

644 . محاسن اصفهان، ص 34.
645 . لغت‌نامه دهخدا، ج 1، ص 382.
646 . تاریخ حزین، ص 17؛ نجوم السّماء، ص 167.
647 . فهرست دانشگاه، ج 5، ص 1474؛ الکواکب المنتشره، صص 112- 113.
648 . تلامذة العلّامة المجلسی، ص 11.
649 . زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، صص 7- 8؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 140.
650 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 197؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 140- 141؛ تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 298؛ الذّریعة، ج 9، ص 169؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج 1، صص 24- 26 اصفهان، نور صادقی، ص 253.

وارد شده، و کلیه اهالی اصفهان در حسن عمل او و سلیقه‌اش در فیصله دادن به مرافعات، راضی بودند، در سال 1306 ش/ ح 1346 ق به سنّ شصت و اندی در اصفهان وفات یافت.[651]

شیخ ابو تراب کلباسی

حاج شیخ ابو تراب بن شیخ محمّد جعفر بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل، در دوشنبه 17 جمادی الاوّل 1279 ق در اصفهان متولّد شد. پس از اتمام مقدّمات و سطح برای ادامه تحصیل به همراه برادرش موسی به نجف اشرف رفت، و نزد حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی تلمّذ نمود، و از حاج میرزا حسین خلیلی اجازه اجتهاد دریافت نمود، و به زادگاه خویش بازگشت، و به تدریس و انجام وظایف شرعی پرداخت. در 7 ذی‌القعده 1337 ق وفات یافت، و در قبرستان وادی السّلام نجف مدفون شد. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است: 1. حواشی بر کفایه 2. رسائلی در فقه[652]

سیّد ابو تراب ملکی اصفهانی

سیّد ابو تراب بن حسن بن مرتضی بن علیّ بن حسین حسینی ملکی اصفهانی، عالم فاضل در قرن سیزدهم.

در تاریخ سه‌شنبه ربیع الثّانی 1219 کتابت نسخه‌ای از کتاب تحفة السنیه از تألیفات مرحوم سیّد عبد الله بن نور الدّین بن سیّد نعمت الله جزائری را به پایان رسانیده است.

نسخه به شماره 5184 در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.[653]

میرزا ابو تراب بروجردی

میرزا ابو تراب بروجردی، عالم فاضل، در محلّه شمس‌آباد اصفهان ساکن بوده، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، در شب یکشنبه 15 شوّال 1328 ق وفات یافته، و در تکیه مادر شاه‌زاده مدفون شد.[654]

ملّا ابو تراب زفره‌ای

ملّا ابو تراب زفره‌ای فرزند ملّا علی عرب، عالم فاضل در اصفهان نزد شیخ مرتضی ریزی شیخ محمّد تقی آقا نجفی، میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و دیگران تحصیل کرد، و در قریه برزان در حومه اصفهان ساکن شد، و سرانجام در سال 1334 ق وفات یافت، و در تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.[655]

ابو تراب اصفهانی

میرزا ابو تراب اصفهانی فرزند میرزا محمّد علی (یا میرزا محمّد طاهر) (میرزا محمّد علی و میرزا محمّد طاهر برادر می‌باشند)، از شعرای قرن دوازدهم هجری. در اوائل «غبار» تخلّص می‌نمود، بعدا تخلّص خویش را تراب قرار داد. در زمان صفویّه به هند مسافرت نمود، و در سال 1134 در آنجا کشته شد. پدرانش در دفترخانه سلاطین صفویّه، منشی بوده‌اند.

از اشعار او است:

طفل بدخوی سرشك من نمی‌گیرد قرار خواب و آسایش مگر در دامن محشر کند[656]

---

651 . تاریخ نایین، ج 4، ص 55.
652 . نقباء البشر، ج 1، ص 29؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 222؛ ماضی النّجف، ج 3، ص 233؛ خاندان کلباسی، صص 198- 200.
653 . فهرست کتابخانه مجلس، ج 16، ص 2.
654 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 142؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 93- نقباء البشر، ج 14704.
655 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 209؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 124.
656 . خزانه عامره، ص 172؛ الذّریعة، ج 9، ص 169.

شیخ ابو تراب زاهدی

شیخ ابو تراب بن شیخ علی محمّد زاهدی، عالم فاضل، از سلسله مشایخ بیدآباد بود، در 29 ذی‌القعده 1363 ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.[657]

دکتر ابو تراب نفیسی

دکتر ابو تراب بن عبد المهدی نفیسی طبیب حاذق ماهر متدیّن، در سال 1293 خورشیدی (1333 قمری) در پوده از دهات سمیرم اصفهان متولّد گردیده، و در مولد خود و اصفهان و تهران، تحصیلات دوره ابتدایی و متوسّطه و دانشکده پزشکی را به پایان رسانید، سپس به خدمت دولت وارد گردید، مراحل مختلف را پیمود، از دانشیاری و استادی و ریاست بیمارستان و ریاست پزشکی و غیره.

سفری به آمریکا نمود، و در آنجا یك دوره بیماری‌های قلب را مطالعه کرد، و در آن تخصّص یافت. فعلا از پزشکان معروف اصفهان و به حسن معالجه و حذاقت مشهور و ضمنا طبّ قدیم را نیز خوانده، و در آن فن نیز استاد است.

کتاب‌های زیر از او است: 1. ترجمه من لا یحضره الطّبیب تألیف محمّد بن زکریّای رازی 2. ترجمه برء السّاعة تألیف محمّد بن زکریّای رازی 3. درسی از قرآن 4.

نشانه‌شناسی اعصاب 5. نشانه‌شناسی دستگاه تنفّس و گردش خون، دو جلد 6.

نشانه‌شناسی سینه و تعبیر علائم آن، چهار جلد.[658]

سیّد ابو تراب موسوی

سیّد ابو تراب بن محمّد موسوی اصفهانی، از فضلای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب الاصول الاربع مائه را در جواب پرسش شیخ محسن بن محمّد رفیع رشتی اصفهانی تألیف نموده که در مجموعه‌های 2065 و 2068 در کتابخانه آیت‌اللهالعظمی

مرعشی نجفی موجود است.[659]

ابو تراب خلیفه سلطانی

سیّد ابو تراب بن سیّد مرتضی بن سیّد علیّ بن سیّد مرتضی بن سیّد علیّ بن سیّد علاء الدّین حسین خلیفه سلطان، از بزرگان سلسله خلیفه سلطانی در قرن دوازدهم هجری است. بعد از کشته شدن نادر شاه، کریم خان زند و ابو الفتح خان بختیاری و علی مراد خان که هریك داعیه سلطنت داشته، و بدان امید می‌گذرانیدند، قرار بر آن دادند که یکی از فرزندزادگان صفوی را به نام سلطان انتخاب کرده، و خود در امور دخالت کنند.

قرعه این فال به نام میرزا ابو تراب زده شد، و او را به نام شاه اسماعیل سوم نامیدند. پس از آنکه کریم خان زند فی‌الجمله قدرتی یافت، و بر حریفان خود غالب گردید، شاه اسماعیل سوم را چندین سال در قلعه آباده مقیّد و محبوس ساخته، مقارن فوت خود (یعنی سال 1193 ق) او را به اصفهان فرستاده، و او را در خانه‌های پدری خود ساکن گردانید، و در همان چند روز به عالم جاودانی شناخت. ظاهرا صاحب عنوان، در مزار ستّی فاطمه اصفهان که مزار خانوادگی سادات خلیفه سلطانی است، مدفون شده است.[660]

سیّد ابو تراب درچه‌ای

---

657 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 152؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 85؛ بیان المفاخر، ج 2332.
658 . مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 126؛ نبض حیات؛ اطّلاعات نویسنده.
659 . فهرست مرعشی، ج 6، ص 76 و 81.
660 . مجمع التّواریخ، صص 144 و 149؛ مزارات اصفهان، ص 245؛ مکارم الآثار، ج 1، ص 162.

حاج سیّد ابو تراب مرتضوی فرزند آقا سیّد مهدی درچه‌ای عالم فاضل، در روز عاشورا (10 محرّم الحرام) سال 1332 ق متولّد شد. تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار خود آغاز نموده، و در اصفهان از درس حاج آخوند زفره‌ای، شیخ محمّد حکیم خراسانی، میر سیّد علی مجتهد نجف‌آبادی، آقا سیّد محمّد نجف‌آبادی، شیخ محمّد رضا نجفی، حاج آقا رحیم ارباب، آقا سیّد محمّد رضا خراسانی و حاج میر سیّد علی بهبهانی بهره گرفت. وی در کنار تحصیل به تدریس مشغول بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به همکاری با

دستگاه قضایی پرداخت، و چندی در اصفهان حاکم شرع بود. او سال‌ها نماز جماعت را در مسجد حاج محمّد جعفر آباده‌ای اقامه می‌نمود. او سرانجام در ظهر روز جمعه 7 شعبان 1411 ق وفات یافت، و در امامزاده درب امام مدفون شد.[661]

میرزا ابو تراب حجاب اصفهانی

میرزا ابو تراب اصفهانی متخلّص به «حجاب»، شاعر ادیب فاضل، ساکن محلّه عبّاس‌آباد اصفهان بوده با لطف علی بیك آذر مؤلّف آتشکده، دیدار کرده، و در زمان نادر شاه افشار وفات یافته است. از او است:

زین پیش گردون در شیر من خون می‌کرد، و اکنون در باده‌ام آب[662]

ابو تراب خادم اصفهانی*

ابو تراب اصفهانی، شاعر ادیب متخلّص به «خادم»، این بیت از او است:

ز درد انتظار صبح رویش در شب هجران به جای شمع بر بالین چشمم خواب می‌سوزد[663]

ابو تراب فرقتی جوشقانی

ابو تراب بیگ جوشقانی کاشانی متخلّص به «فرقتی» فرزند خواجه علی بیگ انجدانی، شاعر ادیب، در کاشان نشو و نما یافت، و در دربار شاه‌عبّاس اوّل در اصفهان احترام و اعتبار فراوان پیدا کرد، سرانجام در سال 1026 در کاشان وفات یافت، و در قبرستان دشت افروز کاشان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش این بیت است:

»گفت علمی به سال تاریخش: »قدوه شاعران ایران کو«

دیوان اشعار او بالغ بر دو هزار بیت بوده است.[664]

---

[661] . مزارات اصفهان، صص 206- 207.
[662] . تذکره روز روشن، ص 195؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« حجاب اصفهانی»، ص 291؛ سفینة المحمود، ص 249؛ الذّریعة، ج 9، ص 232؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص 288؛ دانشمندان آذربایجان، ص 112.
[663] . تذکره روز روشن، ص 233.

ابو تراب هدایی بختیاری

میرزا ابو تراب هدایی شاعر ادیب، اصلا از اهالی بختیاری و از ایل معروف به قائد است. در سال 1313 قمری در شهرستان اراك متولّد گردید، و تحصیلات قدیمه خویش را در نزد اساتید آن سامان به پایان رسانید. اغلب اشعار و مقالات دینی و اجتماعی او در روزنامه آیین اسلام و نشریّه‌های انجمن تبلیغات اسلامی چاپ می‌شد. جزوه‌ای از اشعارش به نام بهاریه به طبع رسیده است.[665]

میرزا ابو تراب هرندی

میرزا ابو تراب هرندی، از سلسله نحوی‌های هرند، عالم فاضل، در اصفهان ساکن و در شعبان 1321 ق وفات یافت، و در ضمن تکیه سر قبر آقا در اصفهان مدفون شد.[666]

سیّد ابو جعفر خادم الشّریعه

آقا سیّد ابو جعفر خادم الشّریعه فرزند علّامه سیّد صدر الدّین محمّد موسوی عاملی، عالم فاضل متّقی. مادرش دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء بوده است. در حدود سال 1245 ق متولّد شد، و نزد علمای اصفهان و نجف از جمله پدر بزرگوار خود و حاج سیّد اسد الله بیدآبادی تلمّذ نمود، و به دامادی مرحوم بیدآبادی مفتخر گردید، برخی از رسائل فقهی و اصولی خود را به نظر او رسانید، و سیّد بیدآبادی پشت آن تقریظ نگاشت، و از فضل و علم و بزرگواری مؤلّف آن، مدح و ثنا گفته است. او از علماء معروف اصفهان و ساکن محلّه چهارسوق درب شیخ از متفرّعات محلّه بیدآباد بوده است. سرانجام در 14

صفر 1334 ق در این شهر وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون گردید، و بعدا فرزندش حاج آقا مجلس برای او تکیه و بقعه‌ای بنا نهاد، و در داخل بقعه و صحن و اتاق‌ها عدّه‌ای از علماء و حکماء و اطبّاء اصفهان مدفون شدند. مادّه تاریخ بنای بقعه این است: «قل ان الجنّة للمتّقین». تاریخ وفاتش این بیت است:

یکی آمد برون ز الهام غیب آورد تاریخش: »شده طیّار سوی کوی حق روح ابو جعفر[667]«

شیخ ابو جعفر مازندرانی

شیخ ابو جعفر مازندرانی اصفهانی، از علماء قرن دوازدهم و مجاز از شیخ محمّد مکّی از اعقاب شهید اوّل بود، تاریخ اجازه 1183، و همچنین مجاز از سیّد عبد الله تستری است، و در آنجا وی را به «الفاضل الجامع المحقّق القاضی باصفهان» وصف می‌کند، تاریخ اجازه 1168 می‌باشد.[668]

ابو حاتم رازی

ابو حاتم احمد بن حسن بن هارون بن احمد رازی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال 345 ق در اصفهان ساکن بوده، و حدیث می‌گفته است. ابن مقری از او حدیث نقل می‌کند.[669]

ابو حاتم رازی

---

664 . تذکره میخانه، ص 413؛ تذکره نصرآبادی، ج 2، ص 715؛ الذّریعة، ج 9، ص 37، مشاهیر کاشان، ص 115.
665 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 532.
666 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 142.
667 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 85؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 143؛ نقباء البشر، ج 1، ص 31؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 1، ص 267؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 170؛ سیری در تاریخ تخت فولاد 55.
668 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص 53؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 233؛ اعیان الشّیعة، ج 7، ص 266؛ الذّریعة، ج 11، ص 27.
669 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 147.

ابو حاتم محمّد بن ادریس بن منذر بن داود بن مهران رازی [حنظلی] جزی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. وی از اهالی قریه جز [گز برخوار] بوده است. در سال 240 ق متولّد شده، و جهت اخذ حدیث به شام، مصر و عراق سفر کرده است.
ابو عمرو بن

حکیم و عبد الله بن محمّد بن یعقوب از وی روایت می‌کنند. او در سال 327 ق وفات یافته است.

کتب زیر از او است: 1. الخراج و التّعدیل، در چندین مجلّد، مطبوع 2. کتاب در ردّ قول به رجعت 3. زینة، در تفسیر الفاظ متداوله میان ارباب علوم.[670]

ابی حامد اصفهانی

امام ابی حامد اصفهانی، از دانشمندان اصفهان و مؤلّف کتاب البصائر فی الوجوه و النّظائر است.[671]

ابو حرب دیلمی

ابو حرب نوشروان بن شیرزاد بن ابو الفوارس متصوّف دیلمی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابو بکر بن ریذه ضبّی و ابو القاسم علیّ بن احمد بن مهران مدینی استماع حدیث کرده، و جهت ابو سعد سمعانی اجازه نوشته است.[672]

ابو الحسن آتشکده گزی

ابو الحسن هادیان گزی متخلّص به «آتشکده» شاعر معاصر در قریه گز از بلوك برخوار اصفهان متولّد شد، و تحصیلات خویش را در اصفهان تا ششم ادبی به پایان رسانید. گاهی شعر می‌سرود، و دیوان اشعاری دارد. از او است:

بهار عمر من نرگس خمار تو جانا — ز تندباد حوادث بدین قرار نماند

نسیم صبح خزان چون وزد معلوم — که روزگار جوانی چو نوبهار نماند[673]

ابو الحسن اصفهانی

از اصحاب حضرت امام صادق علیه السّلام است. در کتب رجال، ذکری از او نشده است.

ثقةالاسلام کلینی در کافی (ج 2، کتاب الایمان و الکفر، باب الکتمان، 98، حدیث 12) به روایت یونس از ابو الحسن اصفهانی از امام صادق علیه السّلام و (ج 2، باب النّمیمه، 159، حدیث 3) نیز به شرح فوق، و (ج 6، کتاب الاطعمة، باب الألبان، 84، حدیث 7) به روایت قاسم بن محمّد جوهری از ابو الحسن اصفهانی از امام صادق علیه السّلام این‌چنین وی را از راویان امام صادق علیه السّلام معرّفی نموده است.[674]

ابو الحسن اصفهانی

---

670 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 201؛ مرآة الجنان، ج 1، ص 306؛ الانساب، ج 3، ص 257؛ اللّباب، ج 1، ص 278؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 5- 6.
671 . کشف الظّنون، ج 1، ص 246.
672 . التّحبیر، ج 2، ص 351.
673 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 8.
674 . تاریخ تشیّع اصفهان، صص 181- 182؛ اعیان الشّیعة، ج 7، ص 292؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 673.

ابو الحسن اصفهانی شاعر و ادیب در قرن هشتم و نهم هجری. از شاعران پیرو طریقه حروفیّه بوده، در سال 771 ق در سنّ نوزده‌سالگی در اصفهان خدمت فضل الله نعیمی استرآبادی مؤسّس فرقه حروفیّه رسیده، و در سال 802 جاودان‌نامه را به نظم درآورده است؛ بنابراین، تولّد او حدود سال 752 بوده، و سال فوت او معلوم نیست.[675]

ابو الحسن اصفهانی*

ابو الحسن اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. خطّ ثلث را با مهارت و استادی می‌نوشت. از آثار او کتیبه سردر جنوب شرقی مسجد جامع اصفهان به خطّ ثلث خوش در سال 1218 ق وجود دارد.[676]

میرزا ابو الحسن شمس‌آبادی

حاج میرزا ابو الحسن آل رسول (شمس‌آبادی) فرزند سیّد محمّد ابراهیم بن عبد الله

اعلام اصفهان، ص: 250

بن میر محمّد علیّ بن میر سیّد محمّد موسوی شاهاندشتی مازندرانی اصفهانی، عالم فاضل فقیه زاهد، از علمای مشهور اصفهان در عصر حاضر در سال 1319 ق در اصفهان متولّد گردید، و نزد ملّا محمّد ابراهیم مقدّمات را فرا گرفت. سپس نزد حاج ابو القاسم زفره‌ای، شیخ احمد حسین‌آبادی، میرزا احمد مدرّس، آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی، میر سیّد علی نجف‌آبادی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ محمّد علی فتحی دزفولی، ملّا محمّد همامی و سیّد محمّد نجف‌آبادی به تحصیل پرداخت.

او در سال 1355 ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و از درس علمای اعلام و مراجع عظام سیّد ابو الحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدّین عراقی، میرزا ابو الحسن مشکینی، سیّد عبد الهادی شیرازی، میرزا محمّد حسین نایینی و شیخ محمّد کاظم شیرازی بهره گرفت، و در تحصیل معلومات خود کوشید تا به درجه اجتهاد نائل آمد، و از اساتید خویش اجازه دریافت نمود، و پس از 12 سال تحصیل به اصفهان بازگشت، و به حلّ مشکلات شرعی مردم، اقامه جماعت، و تدریس پرداخت.

در ابتدا وکیل تامّ الاختیار آیت‌الله‌العظمی بروجردی و سپس آیت‌الله‌العظمی خویی در اصفهان بود. او در تأسیس و اداره بسیاری از مؤسّسات خیریّه و مذهبی اصفهان نقش مؤثّری داشت که از آن جمله است مؤسّسه خیریّه ابا بصیر و مؤسّسه خیریّه مهدیّه. همچنین در یاری نیازمندان و هدایت گمراهان تلاش بسیار نمود، و از جمله جهت مقابله با فرقه ضالّه بهاییّت، فداکاری‌ها نمود. او سرانجام در 7 ربیع الثّانی 1396 ق توسّط افراد منحرف از ولایت، در هنگام طلوع فجر از نزدیکی مسجدی که در آن نماز می‌خواند ربوده شد، و در نزدیك درچه‌پیاز شهید گردید. مردم اصفهان، پیکر او را با شکوه فراوان تشییع، و به تخت پولاد برده، نزدیك لسان الارض مدفون نمودند و بقعه‌ای بر مزار او بنا شد. او اوّلین شهید تکیه شهدا در تخت فولاد اصفهان به شمار می‌روند، و پس از ایشان، هزاران نفر از شهیدان انقلاب و دفاع مقدس، در این تکیه مدفون گردیدند.

استاد فضل الله اعتمادی (برنا) در تاریخ شهادت او گوید:

نوشت بیت فصیحی بدون تعمیه برنا — قلم چو خواست که سال شهادتش بنگارد:

»ابو الحسن بره بندگی واحد دانا — بود شهید و بمینو نماز صبح گزارد«

اعلام اصفهان، ص: 251

از او است: 1. اشعاری در فضائل و مناقب و مراثی و مصائب حضرات معصومین علیهم السّلام 2.

تقریرات اصولی و فقهی اساتید خود 3. رساله در اصول دین، مختصر 4. شرح صحیفه سجّادیّه 5. موعظه ابراهیم[677].

---

675 . تاریخ نظم و نثر فارسی، ج 2، ص 771.

676 . گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 146؛ آثار ملّی اصفهان، ص 566؛ خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان، ص 81؛ دائرةالمعارف تشیّع، ج 1، ص 397.

سیّد ابو الحسن شهشهانی

سیّد ابو الحسن بن سیّد محمّد ابراهیم شهشهانی عالم فاضل [ظاهرا از شاگردان آقا محمّد شهشهانی بوده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز احتمال داده است که سیّد ابو الحسن از شاگردان حاج محمّد ابراهیم قزوینی باشد].[678] این تألیفات از او است: 1.

سدرة المنتهی فی شرح جنّة المأوی، در فقه، به عربی، متن از آقا سیّد محمّد شهشهانی است، و شرح مذکور در محرّم 1269 تا ربیع الاوّل 1271 ق نوشته شده است، این نسخه به شماره 1473 و نسخه ناقص دیگری به شماره 1757 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم وجود دارد.[679] [2. الغرّة الحنفیّة فی شرح درّة النّجفیّه، به عربی در فقه (در سه جلد)، موجود در کتابخانه (ابن مسکویه اصفهان و آستان قدس رضوی) و آیت‌الله گلپایگانی در قم][680].

سیّد ابو الحسن موسوی

سیّد ابو الحسن بن سیّد محمّد ابراهیم موسوی، عالم فاضل، از بنی اعمام حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی بوده، در اصفهان سکونت داشته، و عمده تحصیلاتش نزد سیّد حجّت الاسلام بوده است. پس از فوت، در مقبره کوچك واقع در دالان مسجد سیّد اصفهان مدفون شد. سال فوتش به دست نیامد. اولاد و اعقابش به موسوی و کابلی شهرت

اعلام اصفهان، ص: 252

681

اعلام اصفهان ؛ ص252

دارند.[682]

ابو الحسن میرزا حسینی اصفهانی

ابو الحسن میرزا فرزند ابو الحسین میرزا حسینی اصفهانی عالم فاضل، ادیب شاعر. در علم فقه و حدیث مهارت داشته، و درویش مشرب، پاك طینت و درست عقیده بوده، و گاهی به اقتضای حال، اشعاری می‌سروده است.[683]

میرزا ابو الحسن قهی اصفهانی*

حاج میرزا ابو الحسن قهی قهپایه‌ای اصفهانی بن محمّد اسماعیل بن حاج ابو الحسن آقا علی اکبر بن آقا عبّاس، عالم فاضل، در روستای قهی قهپایه اصفهان متولّد شده، در اصفهان نزد آخوند کاشی، جهانگیر خان قشقایی و میرزا ابو المعالی کلباسی کسب فیض نمود، و از شیخ محمّد علی نجفی مسجد شاهی، شیخ محمّد تقی آقا نجفی و آقا شیخ محمّد رضا نجفی اجازه دریافت نمود. وی در 15 شعبان 1363 ق در زادگاه خود وفات نمود، و همان جا دفن شد.[684]

میرزا ابو الحسن گلستانه

میرزا ابو الحسن بن محمّد امین بن میر کمال الدّین بن علاء الدّین محمّد گلستانه، مورّخ و ادیب قرن دوازدهم هجری. [وی سال‌ها در خدمت عمویش میرزا محمّد تقی حاکم کرمانشاه بوده، و چندی نیز وزارت او را داشته است. سرانجام به زیارت عتبات

---

677 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، صص 1037- 1038؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 151؛ تحفة الابرار، ج 2، صص 521- 526؛ گنجینه دانشمندان، ج 3، ص 99؛ شهدای روحانیّت شیعه، ص 254- 257؛ میراث اسلامی ایران، ج 10، صص 103- 104؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، صص 356- 358؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 290.

678 . الکرام البررة، ج 1، صص 31- 32.

679 . فهرست مرعشی، ج 4، ص 265 و ج 5، ص 140.

680 . فهرست گلپایگانی، ص 539.

681 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

682 . بیان المفاخر، ج 1، ص 251.

683 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 137.

684 . مجلّه فرهنگ اصفهان، شماره 25 و 26، بهار و تابستان 1383، ص 63.

عالیات رفته، و پس از قتل عمویش به هندوستان مهاجرت نموده]، و در آنجا به نوشتن تاریخ ایران پس از عصر نادر تا سال 1203 ق پرداخته است، و کتاب را مجمع التّواریخ نامیده است.[685]

سیّد ابو الحسن درچه‌ای‌زاده*

سیّد ابو الحسن درچه‌ای‌زاده فرزند آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای، عالم فاضل. در اصفهان نزد حاج آقا رحیم ارباب، سیّد ابو الحسن شمس‌آبادی، سیّد عبد الحسین طیّب و دیگران بهره برد، سپس به تدریس ادبیّات پرداخت، و پنجاه سال به این امر مشغول بود. او عالمی زاهد و عابد، و اهل تهجّد و ذکر بود، گاهی نیز به منبر می‌رفت، و مردم را وعظ و ارشاد می‌نمود.

سرانجام در تاسوعای حسینی (9 محرّم) 1414 ق وفات یافت، و در امامزاده درچه مدفون گردید.[686]

ابو الحسن کهپایه‌ای

ابو الحسن بن محمّد جعفر کهپایه‌ای، فاضل نویسنده، از فضلای قرن 12 در اصفهان. از آثار او نسخه‌ای از کتاب معارج الاصول تألیف محقّق حلّی است که آن را در ذی‌حجّه سال 1125 به خطّ نسخ نوشته است. نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است.[687]

سیّد ابو الحسن کتابی*

سیّد ابو الحسن کتابی بن حاج سیّد محمّد جواد بن حاج سیّد محمّد صادق کتابفروش، دانشمند فاضل، در حدود سال 1312 ق در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیل در محضر علمای اصفهان به نجف اشرف عزیمت نمود، و نزد علمای آن دیار خصوصا آخوند خراسانی، سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی و شیخ فتح الله شریعت اصفهانی به تحصیل پرداخت و سپس به اصفهان بازگشت.

پس از قضایای متّحد الشّکل شدن لباس، عمامه را به کلاه تبدیل کرد، و به حرفه وکالت

روی آورد. سرانجام آن را رها کرد، و در منزل انزوا اختیار نمود، و به مطالعه و عبادت مشغول شد، و جز مباحثه و گفت‌وگوی علمی با معدودی از اهل کمال، پی کار دیگری نرفت. وی سرانجام در سال 1398 ق وفات یافت، و در تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.

وی کتابخانه‌ای قابل توجّه داشت که دارای نسخه‌های نفیس خطّی و چاپ سنگی بود، و بسیاری از آن‌ها را به کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم اهداء نمود، و یا فروخت.[688]

ابو الحسن فروغی

میرزا ابو الحسن فروغی فرزند میرزا محمّد حسین ذکاء الملك بن آقا محمّد مهدی ارباب اصفهانی بن محمّد رضا، شاعر و ادیب دانشمند. وی در سال 1301 ق در تهران متولّد گردیده، و تحصیلات قدیم و جدید خود را در تهران به پایان رسانیده است. مدّتی در دار المعلّمین عالی به تدریس تاریخ و جغرافیا مشغول بود. زمانی هم نمایندگی دولت ایران در سوئیس و جامعه ملل را داشته، و در کنگره مستشرقین و خارکف نیز شرکت نموده است. وی عضو فرهنگستان ایران بوده، و مجلّه فروغ تربیت را انتشار داده، و یك سال نیز سرپرستی مجلّه تعلیم و تربیت را برعهده داشته است. او سرانجام در شب 12 شعبان سال 1379 ق در تهران وفات یافت. کتب زیر از او است: 1. اوراق مشوّش 2. تاریخ ادبیّات ایران، به اتّفاق برادرش محمّد علی فروغی 3. سرمایه سعادت 4. شرح حال آقا شیخ هادی نجم‌آبادی که در مقدّمه تحریر العقلاء به چاپ رسیده است 5. شیدوش و ناهید 6. کتابی به فرانسه در موضوع عقاید فلسفی [7. تاریخ عالم]. این شعر از او است:

---

685 . زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 1، ص 321؛ الذّریعة، ج 20، ص 49؛ مجمع التّواریخ، ص شانزده- سی و یك(مقدّمه).
686 . یادداشت آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.
687 . فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد، ص 399.
688 . به نقل از محقّق و دانشمند گران‌مایه، جناب آقای دکتر محمّد باقر کتابی.

من از این متاع دنیا به جوی نظر ندارم | در سروری نکوبم، سر دردسر ندارم
تو و کوشش زیادت، من و عزلت و قناعت | که تو دردسر پسندی و من این هنر ندارم[689]

اعلام اصفهان، ص: 255

ملّا ابو الحسن فتونی عاملی

ملّا ابو الحسن فتونی عاملی فرزند محمّد طاهر بن عبد الحمید بن موسی بن علیّ بن محمّد بن معتوق بن عبد الحمید فتونی نباطی نجفی، عالم فاضل محقّق مفسّر، از اجداد مادری صاحب جواهر است. چون مادرش خواهر امیر محمّد صالح خاتون‌آبادی بوده، وی را «شریف» گویند، و به مناسبت سکونتش در محلّه درب امام اصفهان به امامی معروف شده است.[690] وی در حدود سال 1070 ق در اصفهان متولّد شده، و در این شهر به تحصیل پرداخته، و از جمله از درس علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی بهره برده، و سپس به نجف اشرف عزیمت کرده، و در سال 1138 ق در آنجا وفات یافته است.[691] جمع کثیری از علماء، همچون فرزندش ابو طالب و شیخ احمد بن اسماعیل جزایری، سیّد نصر الله مدرّس حائری و شیخ عبد الله بن کرم الله حویزی از او اجازه دریافت نموده‌اند.[692] کتب زیر از تألیفات او است:

1. الانساب 2. تنزیه القمیّین مطبوع 3. حدائق الالباب 4. حقیقة مذهب الامامیّة 5. شرح صحیفه سجّادیه 6. شرح عهدنامه مالك اشتر 7. الرّسالة الرّضاعیة 8. شریعة الشّیعة و دلائل الشّریعه، شرح بر مفاتیح فیض کاشانی 9. شرح کفایه محقّق سبزواری 10. ضیاء العالمین، در امامت 11. طریق الرّوایة عن ابن ابی الدّنیا 12. الفوائد غرویّه 13. الفوائد المکّیة 14.

کشکول 15. مرآة الانوار یا مشکاة الانوار در تفسیر، که در تهران به عنوان مقدّمه تفسیر برهان تألیف شیخ عبد اللّطیف کازرونی در سال 1295 طبع شده، حال آنکه از میرزا ابو الحسن فتونی است 16. معراج الکمال 17. نصائح الملوك[693] و غیره.

اعلام اصفهان، ص: 256

میرزا ابو الحسن عماد الشّریعه

میرزا ابو الحسن عماد الشّریعه فرزند سیّد عبّاس بن حاج سیّد محمّد علیّ بن حاج میرزا رحیم دوم سدهی، عالم فاضل. در حدود سال 1290 ق در محلّه خوزان سده متولّد شد، و در اصفهان در خدمت آخوند ملّا عبد الکریم گزی، میرزا احمد اصفهانی، آخوند ملّا محمّد کاشانی، آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای و آقا سیّد حسن مشکان طبسی درس خواند. وی سرانجام به سنّ متجاوز از هفتاد سال در سال 1361 ق خوزان وفات یافت، و در جوار امامزاده سیّد محمّد سده مدفون شد. وی پدر آقایان دکتر سیادت می‌باشد، و خود، مردی بسیار هوشیار و بااستعداد بود که نسبت به تحصیل فرزندان خود کمال علاقه را به خرج داد، و حتّی از فروش املاك نیز خودداری ننمود.[694]

میرزا ابو الحسن تویسرکانی

میرزا ابو الحسن بن میرزا عبد الغفّار حسینی تویسرکانی، عالم فاضل فقیه، در سال 1295 ق در اصفهان متولّد، و (در نزد پدر بزرگوارش، میرزا بدیع درب امامی، ملا محمد حسین فشارکی و سید محمد باقر درچه‌ای) تحصیل نمود. در مسجد حاج محمّد

---

689 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 357؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 149- 150؛ فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج 1، ص 582؛ سخنوران معاصر، ج 2، ص 217.
690 . الکواکب المنتشره، صص 174- 175؛ هدیة الاحباب، ص 16.
691 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 151؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، صص 9- 10.
692 . تلامذة العلامة المجلسی، ص 12 و 13.
693 . الذّریعة(مجلّدات مختلف)؛ الکواکب المنتشره، صص 174- 175؛ ریحانة الادب، ج 3، ص 355؛ مصفّی المقال، ستون 28؛ فهرست سپهسالار، ج 2، صص 33- 34.
694 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 236- 237؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 151- 152؛ لطائف غیبیّه، ص بیست و هشت؛ خمینی شهر، ص 330.

جعفر اقامه جماعت می‌نمود، و از علماء متنفّذ اصفهان به شمار می‌رفت. وی در 18 محرّم 1383 ق وفات یافت و در تکیه تویسرکانی مدفون شد.[695]

میرزا ابو الحسن بروجردی

حاج میرزا ابو الحسن بروجردی بن حاج میر سیّد علی طباطبایی بن عبد الکریم بن علیّ بن میر سیّد محمّد، عالم فاضل زاهد، از علماء و مجتهدین بزرگ و مدرّسین اصفهان. در اصفهان نزد حاج سیّد مهدی نحوی، میرزا محمّد باقر چهارسوقی صاحب روضات، میرزا محمّد حسن نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی تلمّذ نموده، و سپس به نجف اشرف

مهاجرت و تحصیلات خود را تکمیل نموده، و پس از نائل شدن به اجتهاد، به اصفهان معاودت کرده، و به انجام وظایف شرعی مبادرت ورزید. سال‌ها امام جماعت مسجد در کوشك بود، و در بین خاص و عام، محبوبیّت داشت. در اوائل مشروطه که در انجمن ولایتی، علمای بزرگ، امثال آقا نجفی و دیگران گرد آمده بودند، منطوقات ایشان، مورد تحسین همگان می‌شد. وی در صبح جمعه 18 ذی‌قعده 1348 ق یك هفته پس از فوت عالم بزرگوار میرزا احمد مدرّس وفات نمود، و در تکیه‌ای مخصوص در تخت فولاد مدفون گردید، و بقعه‌ای بر مزار او بنا شد.

میرزا حسن خان جابری در باب سال وفات او و میرزا احمد سروده است:

از مقام قاب‌قوسینی یکی آمد بگفت: «بود در معراج احمد بوالحسن یار و رفیق»[696]

ابو الحسن ریزی لنجانی

ابو الحسن بن علی ریزی لنجانی، از نویسندگان کتب و خطّاطان در قرن سیزدهم بود، از آثار او است: کتاب حدوث العالم تألیف محمّد نعیم طالقانی، که آن را به خطّ نسخ در آخر ماه رجب 1363 ق نوشته، نسخه به شماره 2023 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[697] همچنین صاحب عنوان در هفتم رجب 1262 مجموعه‌ای از چهار رساله در فلسفه و کلام را به خطّ نسخ نوشته که به شماره 1999 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[698]

سیّد ابو الحسن موسوی بیدآبادی

سیّد ابو الحسن موسوی بن حاج سیّد محمّد علیّ بن حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی بیدآبادی، عالم فاضل محقّق، در سال 1320 ق وفات یافت، و در مقبره جدّ

بزرگوارش در مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.

فرزندش آقا سیّد محمّد حسین شفتی، در تهران ساکن، و از علمای آنجا بوده، و فرزند دیگر آقا فرج الله بوده که در اواخر عمر، در قم ساکن شده است.[699]

ملّا ابو الحسن جاجرمی

---

[695] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 351؛ جلوه افلاکیان، مخطوط.
[696] . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 81- 82؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 290؛ تاریخ اصفهان و ری، ص 327؛ نقباء البشر، ص 40؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 85؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 1، ص 386؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 81.
[697] . فهرست مرعشی، ج 6، ص 27.
[698] . فهرست مرعشی، ج 5، ص 371.
[699] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 376؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 171؛ مزارات اصفهان، ص 164.

ملّا ابو الحسن جاجرمی خراسانی متخلّص به «صفا» فرزند ملّا محمّد کاظم متخلّص به «اداء»، عالم فاضل کامل، شاعر ادیب. پس از تحصیل معقول و منقول، در تهران، معلّم محمّد تقی میرزا قاجار بوده، و سپس به اصفهان آمده، و در آنجا ساکن شده است. در سرودن شعر فارسی، عربی و ترکی استاد، و در علوم مختلف، مهارت داشته، و عمر را به تحقیق و تألیف سپری نموده است.[700] سال وفاتش معلوم نیست.

این کتب و رساله‌ها از آثار او است: 1. اخلاق الاولیاء، منظومه فارسی خطاب به فرزندش نصر الله که در سال 1239 سروده[701]، و نسخه آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره 2606 موجود است.[702] 2. اخلاق، به فارسی. 3. برکات القائم لإیقاظ النّائم، در اخلاق، که در سال 1230 ق تألیف شده، و به شماره 2770 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[703] 4. تحفة الامیر، که در آن به قدر ثلث قرآن را تفسیر نموده است. 5.

جهادیّه، رساله‌ای است در وجوب جهاد، به فارسی که در جریان جنگ‌های ایران و روسیه نوشته، و در جمعه 26 جمادی الاوّل 1238 ق از تألیف آن فراغت یافته است. نسخه آن در کتابخانه حاج شیخ عبّاس قمی در مشهد مقدّس بوده است.[704] 6. رساله در جبر و اختیار، که آن را در سال 1229 ق برای میرزا محمّد تقی میرزا قاجار تألیف نموده است. 7. دیوان صفای جاجرمی 8. رایات الاجتهاد، که در اصفهان تألیف شده. 9. سؤال و جواب، در عصمت و سؤالاتی است که جاجرمی از حکیم ملّا علی نوری پرسیده است. 10. هدیة

اعلام اصفهان، ص: 259

المکیّه، که آن را در هنگام تشرّف به حجّ در سال 1245 ق به نظم کشیده است.[705] 11. ینابیع الحکمة، در مواعظ و اخلاق به فارسی، که در شعبان 1240 ق تألیف شده، و به طبع رسیده است.[706]

سیّد ابو الحسن مرتضوی

حاج سیّد ابو الحسن بن حاج سیّد محمّد کاظم مرتضوی کرونی اصفهانی عالم فاضل متّقی، در حدود سال 1320 ق در کرون متولّد شد، و تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوارش آغاز نمود، سپس به اصفهان آمد، و نزد شیخ احمد بیدآبادی، شیخ محمّد علی فتحی دزفولی، حاج میر محمّد صادق مدرّس خاتون‌آبادی، شیخ علی مدرّس یزدی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، حاج میرزا ابو الهدی کلباسی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی، آقا سیّد علی نجف‌آبادی به تحصیل پرداخت، و از برخی از علماء اصفهان، همچون آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی و آقا سیّد محمّد نجف‌آبادی اجازه دریافت نمود .. از دیگر اساتید او میرزا طاهر تنکابنی در تهران و سیّد محسن حکیم را در نجف اشرف می‌توان نام برد. او عالمی وارسته و زاهد و عابد بود و به ارشاد مردم و حلّ مشکلات شرعیّه آنان می‌پرداخت. در جفر و اعداد و علوم غریبه نیز استاد بود. در صبح جمعه 28 ذی‌قعده 1402 ق در تهران وفات یافت و در یکی از اتاق‌های مزار علیّ بن جعفر قم مدفون گردید.

از آثار او تصحیح و تحقیق تفسیر منهج الصادقین ملا فتح الله شریف کاشانی است.

ابو الحسن فیضی

ابو الحسن بن محمّد محسن فیضی ظاهرا از شاگردان مرحوم آقا سیّد محمّد مجاهد کربلایی اصفهانی بود. از آثار او کتابت نسخه‌ای از کتاب وسائل النّجاة آقا سیّد محمّد مجاهد است که در سال 1219 به خطّ نستعلیق در اصفهان نوشته شده است. نسخه به

اعلام اصفهان، ص: 260

شماره 461 در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است.[707]

ابو الحسن ابرقوهی

---

[700] . مشاهیر جاجرم، ج 1، ص 109؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 158.
[701] . الکرام البررة، ج 1، ص 36.
[702] . فهرست مرکزی دانشگاه، ج 9، ص 1461.
[703] . فهرست مرکزی دانشگاه، ج 10، ص 1628.
[704] . الذریعة، ج 5، ص 196.
[705] . همان، ج 25، ص 288.
[706] . همان، ج 25، ص 288.
[707] . فهرست کتابخانه مسجد گوهرشاد، ص 342.

ابو الحسن بن محمّد ابرقوهی اصفهانی، فقیه و دانشمند نیکوسیرت بوده، به اصفهان مهاجرت نموده، و در این شهر سکونت اختیار کرده، و تا سال 586 ق در این شهر زنده بوده است.[708]

میرزا ابو الحسن جلوه

میرزا ابو الحسن جلوه فرزند سیّد محمّد متخلّص به «مظهر» بن میر محمّد صادق بن میر محمّد حسین اوّل بن رفیع الدّین محمّد بن مهدی بن ابو الحسن بهاء الدّین محمّد بن میرزا رفیعا نایینی[709]. حکیم دانشمند و شاعر ادیب، در ذی‌قعده 1238 ق در احمدآباد هند متولّد شد، و به همراه پدر به اصفهان آمد، در مدرسه کاسه‌گران ساکن شد[710]، و نزد علمای این شهر، به خصوص میرزا حسن نوری و میرزا حسن چینی، فنون حکمت و فلسفه را آموخت[711]. در سال 1273 ق به تهران رفت، و در مدرسه دارالشّفا- که به خاطر احداث خیابان بوذرجمهری خراب شده است- ساکن شد، و سال‌ها به تدریس کتب حکمت پرداخت. جلوه، عمر را مجرّد و بدون زن و فرزند به سر آورد، و ما زاد معاش یومیّه را به فقراء، انفاق می‌کرد، اکثر اعیان و بزرگان زمان به صحبت او اشتیاق داشتند، و ناصر الدّین شاه مکرّر به حجره او می‌رفته است.[712] از نوجوانی شعر می‌گفته، و «جلوه» تخلّص می‌نموده، دیوان اشعارش را آقای علی رسولی جمع‌آوری نموده، و در سال 1348 با مقدّمه آقای سهیلی خوانساری به چاپ رسیده است. وی سرانجام در شب جمعه 6 ذی‌قعده 1314 ق در تهران وفات یافت، و در ابن بابویه مدفون گردید[713]، و نیّر الدّوله قاجار و میرزا احمد خان

نصیر الدّوله شیرازی بقعه‌ای بر مزار او بنا کردند.[714] میرزا ابو القاسم در مادّه تاریخ او گوید:

طرب از حزن پی سال وفاتش بنوشت: »بوالحسن جلوه‌کنان شد سوی فردوس برین[715]«

کتابخانه‌ای مفصّل داشته که پس از فوت، به خواهرزاده‌اش حاج میرزا محمّد بن حاج میرزا تقی رسیده، و او، آن‌ها را به کتابخانه مجلس فروخته است.[716] وی را تألیفاتی است از آن جمله: 1. اثبات حرکت جوهریّه، مطبوع 2. رساله‌ای در ترکیب و احکام آن 3. تصحیح مثنوی مولوی، مطبوع 4. حاشیه بر اسفار 5. حواشی بر فصوص الحکم 6. حواشی بر مبدأ و معاد ملّا صدرا، مطبوع 7. ربط الحادث بالقدیم، مطبوع، در حاشیه شرح هدایة الأثیریّة ملّا صدرا 8. رساله در وجود و اقسام آن 9. دیوان اشعار، مطبوع 10. شرح حال مجمر، مطبوع در دیوان خودش 11. شرح حال خودش، مطبوع در نامه دانشوران.[717]

این شعر از او است:

چون شد که در این غمکده یك همنفسی نیست — از همنفسان بگذر و از اصل کسی نیست

بازار جهان جمله جزا بین و مکافات — عاقل به چه‌سان گفت که آنجا عسسی نیست

جز رفتن از این مرحله با مژده رحمت — داناست خدا، در دل «جلوه» هوسی نیست[718]

---

708 . فرهنگ‌نامه پارسی، ص 417.
709 . آتشکده اردستان، ج 1، ص 191.
710 . همان، ج 2، صص 325- 326.
711 . خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 608.
712 . ادبیّات معاصر، صص 38- 40.
713 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 160.
714 . طرائق الحقائق، ج 3، صص 507- 508.
715 . ادبیّات معاصر، ص 39.
716 . آتشکده اردستان، ج 2، ص 334.
717 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 160؛ نقباء البشر، ج 1، ص 42؛ الذّریعة، ج 25، ص 39.
718 . ریحانة الادب، ج 1، ص 419- 420 و بنگرید به: جغرافیای اصفهان، ص 69؛ شمس التّواریخ، ص 33؛ فرهنگ معین، ج 5، ص 431؛ الکنی و الالقاب، ج 1، ص 47؛ تاریخ نایین، ج 1، ص 167- 172؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفا، صص 467- 491.

آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی

آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی بن سیّد محمّد موسوی مدیسه‌ای لنجانی بن سیّد عبد الحمید بن سیّد محمّد موسوی، از اکابر فقهای امامیّه و از مراجع تقلید جهان تشیّع، عالم فاضل کامل فقیه اصولی و متکلّم محدّث جامع در سال 1284 ق در قریه «مدیسه» از توابع بلوك لنجان اصفهان متولّد، و برای تحصیلات خود راهی اصفهان شد، و در درس سیّد مهدی نحوی، آخوند کاشی، میرزا یحیی مدرّس، میر محمّد صادق کتابفروش و میرزا ابو المعالی کلباسی حاضر شد. سپس برای تکمیل آن به نجف اشرف عزیمت نمود. دو سال در درس میرزای شیرازی در سامرا شرکت نمود، و پس از وفات استاد، نزد آخوند خراسانی ادامه تحصیل داد، و پس از وفات وی، در درس میرزا محمّد تقی شیرازی حضور یافت، و سرانجام به اجتهاد نائل آمد، و از آخوند خراسانی، حاج میرزا محمّد تقی شیرازی، شیخ فتح الله شریعت اصفهانی و آقا سیّد حسن صدر اجازه اجتهاد دریافت نمود.

موقعیّت او روز به روز تحکیم یافت، و شهرت او از مرزهای عراق فراتر رفت، تا اینکه در سال 1344 ق ریاست معنوی جهان تشیّع و مرجعیّت شیعیان در عراق، ایران، لبنان، افغانستان، پاکستان و هند به او اختصاص یافت.

پس از شکست عثمانی‌ها در جنگ جهانی اوّل و اشغال عراق به دست نیروهای انگلیسی و قیمومیّت انگلستان بر عراق، آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی برای مبارزه با اشغالگران، با همکاری میرزا فتح الله شریعت اصفهانی، میرزا حسین نایینی، سیّد مصطفی کاشانی و میرزا علی شهرستانی مردم را به قیام علیه کفّار تشویق نمودند؛ امّا با فوت سیّد مصطفی کاشانی و شریعت اصفهانی، این قیام سرکوب شد. بار دیگر علمای عراق همچون اصفهانی، شهرستانی و نایینی به حمایت از قیام عشایر جنوب عراق برخاستند، و فرمانروای انگلیسی عراق، آنان را به ایران تبعید کرد. ولی پس از هشت ماه، آنان به عراق بازگشتند.

او علاوه بر مرجعیّت و صدور فتوا، صدها شاگرد دانشمند تربیت نمود، و از لحاظ بزرگـمنشی، درایت، زهد، و اهتمام به امور مسلمانان، الگویی کم‌نظیر به شمار می‌رفت. در شب 16 صفر 1349 ق طلبه‌ای جاهل با کارد به سیّد محمّد حسن فرزند جلیل القدر او حمله

کرد، و در صف نماز، او را شهید نمود. آیت‌الله اصفهانی از او گذشت نمود، و با صبوری و توکّل بر خدا، تحمّل این مصیبت را بر خود هموار نمود. او در هنگام غروب آفتاب دوشنبه 9 ذی‌الحجّه 1365 ق در کاظمین وفات کرد، و پیکرش در یکی از حجرات صحن حضرت علی علیه السّلام در نجف مدفون شد. کتب زیر از تألیفات او است:

1. انیس المقلّدین، که سیّد ابو القاسم صفوی اصفهانی آن را جمع‌آوری و تدوین نموده است 2. حاشیه بر تبصره علّامه 3. حاشیه عروة الوثقی 4. حاشیه نجاة العباد (تألیف صاحب جواهر) 5. ذخیرة الصّالحین 6. ذخیرة العباد، مطبوع 7. شرح کفایة الاصول 8.

منتخب الرّسائل 9. مناسك حج 10. وسیلة النّجاة، یك دوره فقه در دو مجلّد که شاگردش سیّد ابو القاسم صفوی آن را ترجمه نموده، و صراط النّجاة نامیده است 11. وسیلة النّجاة صغری[719].

سیّد ابو الحسن عاملی

سیّد ابو الحسن عاملی اصفهانی فرزند سیّد صدر الدّین محمّد موسوی عاملی بن صالح، عالم فاضل زاهد، در اصفهان ساکن بود، و عمر را به عبادت گذرانده، و متولّی امامزاده شاه‌زاده ابراهیم در محلّه مستهلك اصفهان بود. وی پس از سال 1300 ق وفات یافت.[720]

ملّا ابو الحسن قهجاورستانی

---

[719] . احسن الودیعه، ج 2، ص 109؛ نقباء البشر، ج 1، ص 143، ج 1، ص 42- 43؛ آثار الحجّه، ج 1، ص 134؛ ریحانة الادب، ج 1، ص 142؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 91- 94؛ الذّریعة، ج 25، ص 85؛ مکارم الآثار، ج 7، صص 2585- 2612؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 280- 281؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 7، صص 943- 944؛ زندگانی آیت‌الله چهارسوقی، صص 127- 132.

[720] . تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج 1، ص 268- 269.

ملّا ابو الحسن بن معزّ الدّین محمّد قهجاورستانی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. قجاورستان (قه جاورستان) از دهات معتبر و بسیار قدیمی بلوك جی اصفهان

بوده، جمعی از شهدای صدر اسلام و فاتحان اصفهان در آن قریه مدفون‌اند.[721] صاحب عنوان، ساکن مسجد جامع قدیم اصفهان بوده، و شاگرد و مجاز از علّامه مولی محمّد تقی مجلسی- علیه الرّحمه- می‌باشد. وی در شب چهارشنبه 6 رجب سال 1066 کتابت نسخه‌ای از من لا یحضره الفقیه را به پایان رسانیده، و آن را نزد علّامه مجلسی اوّل قرائت کرده، و آن مرحوم گواهی تصحیح و قرائت آن را در آخر جزء چهارم کتاب، مرقوم فرموده است. کلیشه اجازه علّامه مجلسی اوّل در فهرست کتابخانه آستان قدس موجود است.[722]

میرزا ابو الحسن سلطان الاطبّاء

میرزا ابو الحسن سلطان الاطبّاء فرزند میرزا محمّد ملك الاطبّاء، از اطبّاء معروف اصفهان (از اعقاب میرزا جلال الدّین حکیم‌باشی بانی مدرسه جلالیه اصفهان) است.

در (محله احمدآباد) اصفهان ساکن و به مداوای بیماران اشتغال داشته است. در پنجشنبه 5 رجب 1269 ق وفات یافت، و در تکیه مادر شاه‌زاده در تخت فولاد مدفون شد.[723]

(سنگ قبرش به خط ثلث خوشنویس نامی آقا زین العابدین اشرف الکتاب است)

ابو الحسن نجفی اصفهانی

ابو الحسن بن حاج محمّد قاری نجفی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است.

احتمالا شاگرد شرف الدّین علیّ بن حجّت الله شولستانی حسنی حسینی نجفی است. در تاریخ 1071 در نجف بوده، و مالك نسخه‌ای از کتاب من لا یحضره الفقیه بوده است که فعلا به شماره 3167 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[724]

سیّد ابو الحسن صدر

سیّد ابو الحسن بن سیّد مهدی بن حاج سیّد اسماعیل بن سیّد صدر الدّین عاملی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، در سال 1320 ق در کاظمین متولّد گردید، و در آنجا و کربلا تحصیل کرد، و در اواخر عمر به اصفهان مهاجرت نمود، و در مسجد علی قلی آقا اقامه جماعت می‌نمود. سرانجام در شب دوشنبه 22 شوّال 1398 در اصفهان وفات یافت، جنازه به عتبات عالیات، حمل و به خاك سپرده شد.[725]

میرزا ابو الحسن نوری

میرزا ابو الحسن نوری فرزند میرزا محمّد مهدی نوری مازندرانی عالم فاضل در 1319 قمری در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد، جنب فاضلان مدفون گردید.[726]

ابو الحسن همام

---

721 . مزارات اصفهان، ص 277.
722 . فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج 5، صص 191 و 194.
723 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 75؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 158- 159؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 93.
724 . فهرست کتابخانه مرعشی، ج 8، ص 396.
725 . معارف الرّجال، ج 1، ص 117؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج 1، ص 279.
726 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 197؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 161؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 161.

ابو الحسن بن مهدی، ادیب شاعر فارسی زبان معروف به «همام» است که ظاهرا در قرن پنجم هجری در اصفهان ساکن بوده است.[727]

میرزا ابو الحسن صدر نصیری

میرزا ابو الحسن نظام الشّریعه معروف به «صدر نصیری»، فرزند میرزا نصیر ملّاباشی عالم فاضل. کتابی در ادعیه به نام مفتاح السّعادات تألیف نمود و به چاپ رسانید. پس از فوت، در تکیه مادر شاهزاده مدفون، و سپس به اعتاب مقدّسه نقل گردید.[728]

میر ابو الحسن تاج حسینی

میر ابو الحسن تاج حسینی وزیر قبانات اصفهان در قرن دوازدهم هجری. ظاهرا مشار الیه شاعر و ادیب بوده، و تخلّص «تاج» داشته است. وی صاحب جنگی است که به شماره 3015 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. وی در سال 1133 ق وفات یافته است. تاریخ فوت او را شاعر اصفهانی خادم گوید:

چون میر ابو الحسن از این غم‌آباد جهان — شد عازم باغ خلد با خاطر شاد

گفت از پی تاریخ وفاتش خادم: — »از تارك ارباب سخن تاج افتاد«

ابو الحسن ثابت اصفهانی*

[ابو الحسن اصفهانی متخلّص به «ثابت»، شاعر ادیب، در قرن سیزدهم هجری می‌زیسته، و به شغل خیّاطی امرار معاش می‌کرده است، شعاع الملك شیرازی در تذکره خود به زندگی او پرداخته است].[729]

ابو الحسن جوزدانی

ابو الحسن جوزدانی، فاضل و خطّاط در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری در اصفهان. از آثار او کتابت نسخه‌ای از منظومه «جنگ‌نامه حضرت خامس آل عبا علیه السّلام» که ناظم و سراینده او نامشخّص است.

کتاب نامبرده، به خطّ نسخ خوش نوشته شده، و نسخه به شماره 2342 در کتابخانه مجلس شورای ملّی تهران موجود است.[730] جوزدان از محلّات قدیمی اصفهان، فعلا از محلّات متّصل به چهارسوق شیرازی‌ها می‌باشد.

سیّد ابو الحسن حسنی حسینی

سیّد ابو الحسن حسنی حسینی از محدّثین و فضلای قرن یازدهم هجری بوده، و نزد

علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی علم حدیث را فرا گرفته است.

علّامه مجلسی در پایان کتاب الصّلاة از من لا یحضره الفقیه اجازه‌ای در سال 1067 ق برای او نوشته است.[731]

---

[727] . محاسن اصفهان، ص 34.
[728] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 984.
[729] . فرهنگ سخنوران، ص 120.
[730] . فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ج 8، ص 55.
[731] . زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، ص 10؛ تلامذة العلّامة المجلسی، ص 12.

میرزا ابو الحسن خاتون‌آبادی

(میرزا ابو الحسن خاتون‌آبادی، عالم فاضل کامل، امام مسجد پاقلعه، در سال 1331 ق در کربلا وفات یافت، و در آنجا مدفون گردید. شرح دعای صباح از آثار اوست. وی برادر میرزا اسد الله خاتون‌آبادی مدفون در تکیه خاتون‌آبادی است)[732]

ملّا ابو الحسن خواجویی

ملّا ابو الحسن خواجویی اصفهانی، از دانشمندان و مطّلعین از علوم قرآنی بوده، رساله‌ای در تجوید به فارسی در سال 1225 ق نگاشته که ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه سیّد محمّد جزایری در نجف نگهداری می‌شده است.[733]

سیّد ابو الحسن خوش‌مزّه اصفهانی

آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی معروف به «خوش‌مزّه»، عالم فاضل نیك‌محضر و بذله‌گو.

در کاظمین سکونت داشته، از مصاحبین و معاشرین علمای بزرگی چون شیخ اسد الله کاظمینی و سیّد عبد الله شبّر بوده، و تا سال 1222 ق زنده بوده است.

مرحوم آقا سیّد حسن صدر می‌نویسد که آقا صدر الدّین محمّد عاملی با دختر سیّد ابو الحسن خوش‌مزّه ازدواج نموده است.

کتب زیر از تألیفات او است:

1. السّروریّه، و آن کتاب کوچکی است که در آن بعضی از مطالب که سبب شادی و

سرور مؤمن بشود را ذکر فرموده است. 2. واجبات الصّلاة، آن را در زمان حیات مرحوم آقا میر سیّد علی صاحب ریاض المسائل و از فتاوای آن مرحوم جمع‌آوری فرموده است. به ظنّ قوی، وی شاگرد میر سیّد علی طباطبایی و شیخ جعفر کاشف الغطاء بوده است.[734]

ملّا ابو الحسن زنوزی

آخوند ملّا ابو الحسن زنوزی سمیرمی اصفهانی، از فضلاء قرن 13 در اصفهان. ادیب و فاضل بوده، در سال 1272 ق شرح سبعه معلّقه را تصحیح نموده، و به چاپ رسیده است.[735]

استاد ابو الحسن سنمار*

استاد ابو الحسن سنمار، هنرمند توانا از اساتید معماری اصفهان. وی نزد پدر شاگردی پرداخت، و به استادی رسید، سپس سال‌ها به همکاری با اداره باستان‌شناسی (و سازمان میراث فرهنگی اصفهان) پرداخت، و بسیاری از آثار تاریخی اصفهان، و شهرهای دیگر ایران را مرمّت کرد. وی در دی‌ماه 1376 شمسی در اصفهان وفات یافت، و قبرستان باغ رضوان مدفون شد. از آثار او تعمیر و بازسازی مسجد حاج محمّد جعفر اصفهان است که در بمباران هوایی، توسّط هواپیماهای رژیم عراق، آسیب‌های فراوانی دیده بود.[736]

سید ابو الحسن بدری

(سید ابو الحسن بدری در سال 1302 ش در اصفهان در خانواده‌ای روحانی متولد شد. دروس مقدمات و سطح را نزد اساتیدی چون سید محمد باقر ابطحی و حاج آقا صدر کوپایی فراگرفت و سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در سال 1354 به

---

732 . جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.
733 . الذّریعة، ج 11، ص 136؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 147؛ آثار ملّی اصفهان، ص 22.
734 . تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج 1، ص 265- 266؛ الذّریعة، ج 12، ص 178 و ج 25، ص 1؛ الکرام البررة، ج 1، ص 30.
735 . فهرست کتاب‌های چاپی عربی، ص 550.
736 . روزنامه خبر، مورّخ 22 دی 1376، ص 3.

خاطر مخالفت با رژیم طاغوت از کار برکنار شد. وی در ضمن تدریس و وعظ، مؤسسه احمدیه را اداره می‌کرد و در سال 1363 مدرسه النفیسه را جهت خواهران طلبه تأسیس نمود)

سیّد ابو الحسن طبیب

سیّد ابو الحسن حسینی طبیب اصفهانی، از پزشکان معروف اصفهان، و ساکن محلّه بیدآباد بوده، و در اواخر قرن سیزدهم هجری می‌زیست. فرزندانش به نام بصیر در تهران و خارج از ایران مشهورند.[737]

ابو الحسن کازرونی

ابو الیقظان ابو الحسن کازرونی، از دانشمندان اصفهان است. تألیفات زیر از او است:

1. اربعین 2. شرف النّبی صلّی اللّه علیه و آله[738].

سیّد ابو الحسن فاطمی

سیّد ابو الحسن فاطمی حسن‌آبادی، از علمای روستای حسن‌آباد جرقویه بوده، و در حدود 1280 ق وفات یافته است.[739]

ابو الحسن کفرانی

ابو الحسن کفرانی، فاضل و نویسنده در قرن دهم هجری. اصلا از اهالی قریه «کفران» رویدشت اصفهان بود، از آثارش کتابت دعایی است منقول از حضرت علی علیه السّلام با ترجمه فارسی، به خطّ نستعلیق که آن را در 15 رجب 987 هجری نوشته، و در مجموعه شماره 2144 در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.[740]

ابو الحسن محزون اصفهانی*

ابو الحسن سپه‌کار متخلّص به «محزون»، شاعر معاصر در سال 1327 شمسی در اصفهان متولّد شد، و در این شهر در مقاطع ابتدایی و متوسّطه تحصیل کرد، سپس به

دانشگاه رفت، و موفّق به اخذ لیسانس گردید. از اعضای فعّال انجمن ادبی حافظ و انجمن ادبی خانه هنرمندان به شمار می‌رود. از او است:

یك شب به سرزمین دعاهای من بیا — پنهان ز دیده‌ها به تماشای من بیا[741]

میرزا ابو الحسن موالی اصفهانی*

میرزا ابو الحسن اصفهانی، شاعر ادیب، به «موالی» تخلّص می‌کرده، و در هندوستان ساکن بوده است.

چندی منصب «بیگلربیگی» حیدرآباد را داشته، از آن منصب عزل شده، سرانجام در لکهنوی هند وفات یافت.

---

737 . بیان المفاخر، ج 2، ص 226.
738 . احقاق الحق، ج 5، ص 619 و ج 9، ص 181.
739 . گرکویه، ص 322.
740 . فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 9، ص 809.
741 . تذکره شعرای استان اصفهان، ص 638.

از او است:

نشئه‌ای از میخانه طبع متین تا برده‌ام چون نصیری عشق مولی شد «موالی» کار من[742]

استاد ابو الحسن نقّاش اصفهانی*

استاد ابو الحسن نقّاش اصفهانی، از هنرمندان اواسط قرن سیزدهم هجری است. در شبیه‌سازی آبرنگ قوی‌دست بوده، صورت برخی از دولتمردان و شاهزادگان و علمای عصر خود را با مهارت ساخته، و تا سال 1266 ق در قید حیات بوده است.[743]

ابو الحسن ضرّاب اصفهانی

ابو الحسن یعقوب بن یوسف ضرّابی غسانی اصفهانی، از راویان شیعه است. محدّث قمی در مفاتیح الجنان، در ذکر اعمال عصر روز جمعه گوید که این صلاة، از طرف مولای ما حضرت صاحب الزّمان- عجّل الله تعالی فرجه- صادر شده است، و آن را ابو الحسن

ضرّاب در مکّه از آن حضرت روایت می‌نماید. محدّث قمی، سند خود را ارائه ننموده است. در کتاب منتقم حقیقی یا مهدی القائم از تألیفات حاج آقا حسین عمادزاده، در زمره کسانی که خدمت امام علیه السّلام در زمان غیبت مشرّف شده‌اند، از او یاد می‌کند، در منتهی المقال علّامه مامقانی در ذکر اسامی یعقوبین نامی از او نبرده است.[744]

ابو الحسین

قاضی ابو الحسین، از علماء و فضلاء اصفهان است. وی در زمان صاحب بن عبّاد منصب قضاوت در اصفهان را داشته است.[745]

ابو الحسین اصفهانی

حافظ ابو الحسین اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابو کریب حدیث نقل نموده، و ابو عبد الله محمّد بن موسی بن نعمان از او روایت می‌کند.[746]

ابو الحسین اصفهانی

ابو الحسین معروف به «بلفرج» از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف فلاسفه، ریاضی‌دانان، اطبّاء و منجّمین متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.[747]

ابو الحسین خلیفه سلطانی

شریف ابو الحسین میرزا خلیفه سلطانی جرقویه‌ای بن میرزا فتح الله بن میرزا رفیع الدّین محمّد بن سیّد علاء الدّین حسین مرعشی اصفهانی (خلیفه سلطان)، عالم فاضل، به قریه «محمّدآباد» جرقویه، از دهات اصفهان مهاجرت کرد، و در آنجا به تألیف و تصنیف اشتغال جست، و تا آخر عمر در آنجا بود، و همان جا وفات یافت، و مدفون گردید، و از

---

742 . گلزار جاویدان، ج 3، ص 1454.
743 . هنر قلمدان، ص 115.
744 . منتقم حقیقی، ص 181؛ مفاتیح الجنان.
745 . رسالة الارشاد، ص 24.
746 . احقاق الحق، ج 10، ص 639.
747 . محاسن اصفهان، ص 34.

قبرش کراماتی ظاهر شده است. خود، از شاگردان پدرش می‌باشد.[748]

ابو الحسین صوفی

ابو الحسین (یا ابو الحسن) صوفی، از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان فلسفه، نجوم، طب و ریاضی ذکر کرده، و او را متقدّم بر عهد خویش دانسته است.[749]

ابو حفص بن ابی علی

ابو حفص بن ابی علی، از ادباء و فضلای اصفهان است. مافرّوخی در کتاب خود، او را از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، و مقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.[750]

ابو حفص جاری

شیخ ابو حفص جاری، از ادباء و شعرای اصفهان در قرن پنجم هجری است. به عربی شعر می‌سروده، و معاصر مافرّوخی بوده است.[751]

[جار- گار، از روستاهای شرق اصفهان است].

ابو دردا

در قریه زهران [محلّه زهران فعلی در غرب شهر اصفهان] قبری است به نام «ابو دردا» که [هویّت و سرگذشت او بر ما مجهول است]. برخی او را از صحابه پیامبر صلّی الله علیه و آله نوشته‌اند؛ امّا او هیچگاه به اصفهان نیامده است. احتمال می‌رود مدفون در این قبر، یکی از محدّثین اصفهان مکنّی به «ابو دردا» باشد[752].

ابو دلف عجلی

امیر ابو دلف بن ادریس بن عیسی بن معقل عجلی در زمره کتّاب و نویسندگان بود، گویند در مکتب، همدرس ابو مسلم عبد الله بن مسلم خراسانی بوده، در زمان مأمون الرّشید در اصفهان، صاحب منصب و جاه بود، خلیفه بر وی غضب کرد، و او را به شام تبعید نمود. از جمله اشعار او است:

اقول و اکناف الجزیرة بیننا	و سهب تردّی آلها بملائها
سقی الله غیثا اصفهان و اهلها	عزالی آلت لا تضنّ بمائها
احبّ الصّباتینی هوای الی الصّبی	الآن اسمها ضاحی اسمها فی بنائها

در کتاب محاسن اصفهان از دو قصیده دیگر او درباره اصفهان، جمعا سیزده بیت نقل کرده است.[753]

ابو الرّبیع زهرانی

---

748 . اعیان الشّیعة، ج 7، ص 344 و ج 10، ص 514.
749 . محاسن اصفهان، ص 34.
750 . محاسن اصفهان، ص 31.
751 . محاسن اصفهان، ص 33.
752 . تاریخ نایین، ص 294؛ مزارات اصفهان، صص 227- 231.
753 . محاسن اصفهان، ص 12، نسائم الاسحار، ص 13.

ابو الرّبیع محمّد (معروف به محوله) بن معروف بن یزید بن عبد الرّحمن بن معروف قرشی عطّار اصفهانی معروف به ابو الرّبیع زهرانی، از محدّثین قرن سوم هجری است.

پدرش از مردم بصره بوده، و محمّد به اصفهان مهاجرت کرده، و در این شهر ساکن شده است. وی سال‌ها امام جماعت در جامع اصفهان بوده، و در زهد و ورع مقامی بلند داشته است. صاحب عنوان، ممکن است ابو الرّبیع محولة بن عبد الله نحوی ساکن دمشق، متوفّی 230 ق مؤلّف کتاب الجماهر در نحو باشد.

وی از ابو اسحاق اسماعیل بن عمرو بجلی کوفی، حاتم بن میمون و سلام بن طویل حدیث شنید، و محمّد بن حسن بن حماد بن سلمان، حافظ ابو بکر محمّد بن هارون رویانی و ابو مسلم سلم بن حمزه مقری نقّاش اصفهانی از ابو الربیع زهرانی حدیث نقل می‌کنند. زهران از قریه‌های غرب شهر اصفهان است.[754]

ابو ریّان اصفهانی*

ابو ریّان اصفهانی، احمد بن محمّد، از کارگزاران دولت آل بویه است. در بغداد نایب مطهّر بن عبد الله و نصر بن هارون مسیحی وزیران آل بویه بود. پس از فوت عضد الدّوله در سال 375 ق مدّتی به بند کشیده شد. سپس به وزارت صمصام الدّوله جانشین عضد الدّوله منصوب شد؛ امّا چند ماه بعد، در اواخر سال 375 با فتنه‌گری مادر پادشاه، بار دیگر به زندان افتاد، و در آنجا او را کشتند. کمی بعد، شرف الدّوله به جانشینی صمصام الدّوله رسید، و دستور نبش قبر او را داد، و ابو ریّان را با احترام و تجلیل به خاك سپردند.[755]

ابو زید

ابو زید بن ابی القاسم بن ابی طالب، از شعرای اصفهان است. وی به عربی شعر می‌سروده، و معاصر با مافرّوخی بوده است.[756]

ابو زید

ابو زید بن سعد از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری بوده، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان فلسفه، ریاضیّات، طبّ و نجوم آورده است.[757]

ابو زید

ابو زید بن علیّ بن قاسم، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم صرف و نحو و لغت و انشاء دانسته است.[758]

ابو زید تیجابادی

استاد ابو زید تیجابادی از ادبا و فضلای اصفهان است. مافرّوخی وی را در ردیف

دانشمندان صرف و نحو لغت و انشاء که مقدّم بر عصر خود بوده، ذکر کرده است.[759]

[ظاهرا تیجاباد از روستاهای اصفهان است].

---

754 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 189؛ لغتنامه دهخدا، ذیل« ابو الرّبیع»، ص 458؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 472؛ مزارات اصفهان، صص 225- 227.
755 . دانشنامه ایران و اسلام، ج 8، ص 1041.
756 . محاسن اصفهان، ص 33.
757 . محاسن اصفهان، ص 35.
758 . محاسن اصفهان، ص 32.
759 . محاسن اصفهان، ص 32.

ابو سعد

ابو سعد بن عبد الوهاب، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم بر عصر خویش برشمرده است.[760]

ابو سعد جوهری

ابو سعد جوهری از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان کلام و حدیث متقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.[761]

ابو سعد

ابو سعد فرزاد از ادبای اصفهان بوده، و مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء که مقدّم بر عصر وی بوده‌اند، ذکر کرده است.[762]

ابو سعد زین الملك

ابو سعد زین الملك، برادر سعد الملك آوی است. سعد الملك در اصفهان وزارت سلطان محمّد سلجوقی را برعهده داشته است، و سرانجام به همدستی با ملاحده (فداییان اسماعیلی) و توطئه بر علیه شاه، متّهم شد، و او را به همراه برادرش زین الملك در شوّال 500 ق در بازار اصفهان به دار کشیدند.[763]

ابو سعد قمی

ابو سعد قمی، از ادباء و دانشمندان است. در اصفهان ساکن بوده، و مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء مقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.[764]

ابو سعد مطرّز

ابو سعد معروف به مطرّز، از دانشمندان کلام و حدیث در اصفهان بوده، و مافرّوخی او را مقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.[765] [ممکن است وی همان ابو سعید مطرّز متوفّی 503 ق باشد].

ابو سعد مطرّز

ابو سعد محمّد بن محمّد بن محمّد اصفهانی معروف به مطرّز، از محدّثان قرن پنجم و ششم هجری است. علاوه به فقه و حدیث در علم قرائت نیز صاحب نظر بوده، و آن را نزد ابو بکر محمّد ابراهیم بن احمد نقار آموخته است. ابو طاهر سلفی و حافظ ابو موسی مدینی و دیگران از شاگردان او هستند. وی در سال 503 ق به سنّ نود و دوسالگی وفات یافته است.[766]

ابو سعد نختکینی

ابو سعد نختکینی، از ادبای اصفهان بوده، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.[767]

ابو سعید امامی*

---

760 . محاسن اصفهان، ص 31.
761 . محاسن اصفهان، ص 29.
762 . محاسن اصفهان، ص 32.
763 . تعلیقات النّقض، ج 2، ص 731.
764 . محاسن اصفهان، ص 32.
765 . محاسن اصفهان، ص 31.
766 . غایة النّهایه، ج 2، صص 253- 254؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 173.
767 . محاسن اصفهان، ص 32.

ابو سعید امامی، خوشنویس هنرمند عهد صفویّه است. در عهد شاهتهماسب صفوی

می‌زیست، و خطّ ثلث را با استادی می‌نوشت، و اوّلین خوشنویس بزرگ خاندان امامی اصفهان است.

کتیبه‌های ثلث مسجد پیر پینه‌دوز در جوباره به سال 962 و سردر مسجد قطبیّه به سال 950 ق به خطّ زیبای او است.[768]

ابو سعید رارانی

ابو سعید رارانی، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.[769] راران از روستاهای جی اصفهان است.

میرزا ابو سعید مشکی

میرزا ابو سعید مشکی، عالم فاضل حکیم، از خاندان مشکی اصفهان است. میرزا معزّ الدّین بن میرزا حسن تبریزی متوفّی 1183 ق در علوم معقول و منقول نزد او در اصفهان به تلمّذ پرداخته است.[770] خاندان معروف به «مشکی» از خانواده‌های معروف اصفهان، و عموما از بازرگانان و فضلاء این شهر می‌باشند، و قریب سیصد در این شهر به نیکی و خوش‌نامی شهرت دارند.

ابو سعید نقّاش

ابو سعید محمّد بن علیّ بن عمرو بن مهدی نقّاش اصفهانی حنبلی از حفّاظ حدیث، در طلب حدیث به بغداد، کوفه، مرو، جرجان، هرات، دینور، حجاز، همدان و نهاوند سفر کرده، و مدّتی طولانی در نیشابور اقامت گزیده است. وی از هجیمی و شافعی و طبقه آنان حدیث نوشته، و عمر را به املاء و قرائت حدیث و تألیف گذرانده، و در 8 رمضان 414 ق وفات

یافته است. این کتاب‌ها از او است: 1. طبقات الصّوفیة 2. القضاء و الشّهود.[771]

ابو سهل کحّال

ابو سهل کحّال، از اطبّاء اصفهان بوده، و در حکمت نیز دستی داشته، مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.[772]

ابو شجاع اصفهانی

ابو شجاع اصفهانی، از مردمان نیکوکار قرن پنجم هجری بوده، و در سال 446 ق برج چهل دختران در دامغان را بنا نموده که تاکنون به صورت اوّلیه خود باقی است.[773]

ابو شجاع اصفهانی

شهاب الدّین ابو شجاع احمد بن حسین بن احمد اصفهانی، از فقهاء و محدّثین شافعی در قرن پنجم هجری است، در سال 533 ق متولّد شد، و در آنجا به تحصیل پرداخت. [وی بیش از چهل سال به تدریس فقه پرداخت]. وفات او در سال 593 ق اتّفاق افتاده است. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

---

768 . گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 388؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج 4، ص 1017؛ آثار ایران، ج 4، ص 257.
769 . محاسن اصفهان، ص 30.
770 . الذّریعة، ج 9، ص 1068، خزانه عامره، ص 429؛ الکواکب المنتشره، ص 315؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 944.
771 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 17، ص 307؛ تذکرة الحفاظ، ج 3، ص 246؛ الاعلام، ج 7، صص 160- 161؛ محاسن اصفهان، ص 29؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 203.
772 . محاسن اصفهان، ص 34.
773 . جغرافیای تاریخی دامغان، ص 19.

1. غایة الاختصار، در فقه شافعی [که در «لیدن» هلند به چاپ رسیده است، و بسیاری از دانشمندان شافعی بر آن کتاب، حواشی و شرح نوشته‌اند] 2. شرح اقناع ماوردی.[774] [حاجی خلیفه نامش را حسین بن احمد و وفاتش را سال 488 ق در ذیل عنوان غایة الاختصار آورده که یقینا اشتباه است].[775]

اعلام اصفهان، ص: 279

ابو شجاع اصفهانی

ابو شجاع زاهر بن رستم بن ابی الرّجاء اصفهانی، از محدّثین سده ششم هجری بوده، مدّتی در مکّه معظّمه، مجاورت اختیار نموده، سپس به بغداد رفته، و در آنجا به سال 607 ق وفات یافته است. کتاب نزهة النّاظر از تألیفات او است.[776]

ابو الشّرف اصفهانی

قاضی ابو الشّرف اصفهانی، عالم فاضل و محدّث فقیه، از دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده، از ملّا درویش محمّد بن حسن عاملی روایت می‌کند. ملّا محمّد تقی مجلسی نیز از ابو الشّرف روایت نموده است. محدّث نوری به نقل از امل الآمل نام وی را «ابو اشرف» ضبط نموده، و او را از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی دانسته است.

ظاهرا در نسخه‌ای از امل که به نظر مرحوم محدّث نوری رسیده، اغلاطی راه یافته است.[777]

ابو الشکر حرّانی

ابو الشّکر حمد بن ابو الفتح بن ابو بکر حرّانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری بوده، و از ابو العبّاس احمد بن محمّد بن حسین خیّاط، ابو القاسم عبد الرّحمن بن ابی عبد الله بن منده و ابو المظفّر محمود بن جعفر الکوسج حدیث شنیده است. ابو سعد سمعانی در اصفهان احادیث او را نوشته، و روایت نموده است. ابو الشّکر در رجب 543 ق وفات یافت.[778]

ابو الشّیخ ابهری

ابو جعفر محمّد بن حسین بن ابراهیم بن زیاد بن عجلان ابهری اصفهانی معروف به «ابو الشّیخ» از محدّثین قرن سوم هجری.

اعلام اصفهان، ص: 280

در بغداد ساکن بوده، و همان جا در سال 286 ق وفات یافته است. از حسن بن محمّد بن اسید ابهری، محمّد بن موسی حروثی، ابو بکر اثرم و حسن بن محمّد زعفرانی روایت می‌نمود، و ابو بکر محمّد بن عبد الله شافعی از او استماع حدیث نموده است.[779]

حافظ ابو الشّیخ اصفهانی

حافظ ابو الشّیخ اصفهانی، ابو محمّد بن عبد الله بن محمّد بن جعفر بن حیّان، از بزرگان محدّثین اصفهان است. در حدود سال 273 ق متولّد شد، و از ابراهیم بن سعدان، ابن ابی عاصم، ابو العبّاس هروی، عبد الله بن محمّد بن زکریّا، عمر بن احمد بن اسحاق اهوازی و محمّد بن اسید روایت نموده است. ابو بکر بن حارث، حافظ ابو نعیم اصفهانی، محمّد بن احمد بن شاکر مؤذّن و ابو احمد بن علی مؤدّب مکفوف از او استماع حدیث نموده‌اند. صاحب عنوان، حدود شصت سال در اصفهان حدیث گفته، و سرانجام در سال 369 ق در سن 96 سالگی وفات یافته است. کتب زیر از او است: 1. الثّواب الاعمال الزّکیة 2. السّنن المعظّمة و الاخلاق النّبویّة 3. طبقات المحدّثین باصفهان 4. طبقات اهله 5.

العظمة.[780]

---

774 . معجم المطبوعات، ج 1، ص 398؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 8، ص 1057؛ مشاهیر دانشمندان اسلام، ج 1، ص 196.
775 . کشف الظّنون، ج 2، ص 1189.
776 . هدیة العارفین، ج 1، ص 372.
777 . ریاض العلماء، ج 2، ص 463؛ نجوم السّماء، ص 216؛ تلامذة العلّامة المجلسی، ص 141- 142؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، ص 8.
778 . معجم البلدان، ج 2، ص 236.
779 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 228؛ الانساب، ج 1، ص 106؛ معجم البلدان، ج 1، ص 84؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 111.

ابو صالح اصفهانی

حافظ ابو صالح عبد الرّحمن بن سعید اصفهانی بغدادی، از بزرگان محدّثین به شمار می‌رود، و از عبد الرّحمن بن رسته اصفهانی و ابو مسعود رازی اخذ حدیث نموده، در جمادی الآخر سال 334 ق در بغداد از دنیا رفته است.[781]

اعلام اصفهان، ص: 281

میر ابو صالح اعرجی اصفهانی

میر ابو صالح بن امیر عبد الرزّاق اعرجی حسینی سبزواری اصفهانی، از اجلّه سادات عظام و بزرگان علماء اعلام، و از علمای معتبر زمان خود بوده، و حاج محمّد ابراهیم کلباسی در طفولیّت، در خدمت پدر خود، حضور او را درك نموده است؛ بنابراین، صاحب عنوان از اعلام قرن دوازدهم هجری می‌باشد.[782]

شیخ ابو صالح اصفهانی

شیخ ابو صالح بن ابو تراب اصفهانی، عالم فاضل، فقیه متبحّر از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. پدرش از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است، و شاید خود او هم از شاگردان علّامه مجلسی باشد. وی در سال 1115 ق وفات یافته است.[783]

حاج ابو طالب

حاج ابو طالب، از نیکوکاران اصفهان است. وی بانی مسجد معروف به «مسجد حاج طالب» واقع در محلّه دروازه نو سنبلستان است. این مسجد از مساجد درجه دوم اصفهان است، هیچگونه اثر تاریخی ندارد، و احتمالا از مساجد عهد قاجاریّه است، و یا در این عهد، تعمیر شده است.[784]

میرزا ابو طالب اصفهانی

میرزا ابو طالب اصفهانی، عالم فاضل ادیب، در اصفهان ساکن، و به تدریس ادبیّات عرب مشغول، و ظاهرا ساکن محلّه خواجوی اصفهان بوده است. او تحصیلات خود را در عتبات عالیات، نزد سیّد علی طباطبایی صاحب ریاض انجام داده است. اثر مشهور او حاشیه بر بهجة المرضیّة سیوطی است که در سلخ جمادی الثّانی 1223 ق از تألیف آن

اعلام اصفهان، ص: 282

فراغت یافته است. نسخه‌ای از این کتاب به خطّ سیّد محمّد حسن بن سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی به سال 1239 ق موجود است که کاتب نوشته است: مؤلّف کتاب در دو سال قبل (یعنی سال 1237 ق) در راه مکّه وفات یافته است. کتاب شرح بهجة المرضیّة بارها چاپ شده است.[785]

میرزا ابو طالب اصفهانی

میرزا ابو طالب اصفهانی، برادرزاده صاعدای اصفهانی، از فضلاء اصفهان در قرن دوازدهم هجری بوده است. از آثار او مجموعه‌ای است حاوی 9 کتاب به تاریخ 1171 با یادداشت میرزا ابو طالب که به شماره 2669 در کتابخانه مجلس شورای ملّی تهران موجود است.[786]

---

780 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 90؛ کشف الظّنون، ج 1، صص 437 و 441؛ ریحانة الادب، ج 7، صص 155- 156؛ اللّباب، ج 1، صص 404- 405؛ طبقات المفسّرین، ج 1، صص 240- 241؛ الاعلام، ج 4، ص 264؛ معجم المؤلّفین، ج 6، ص 114؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« عبد الله»، ص 75 قابوس‌نامه، ص 288.

781 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 113؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص 410- 411.

782 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 266.

783 . اعیان الشّیعة، ج 6، ص 283؛ تلامذة العلّامة المجلسی، ص 142؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، صص 10- 11.

784 . آثار ملّی اصفهان، صص 73 و 733.

785 . محیط ادب، مقاله استاد حاج سیّد محمّد علی روضاتی، صص 239- 247؛ الذّریعة، ج 6، ص 29؛ الکنی و الالقاب، ج 3، ص 183؛ اعیان الشّیعة، ج 6، ص 448؛ الکرام البررة، ج 1، ص 39؛ مکارم الآثار، ج 4، ص 1061؛ چهل سال تاریخ ایران(المآثر و الآثار)، ج 1، صص 304- 305؛ دائرةالمعارف تشیّع، ج 1، ص 313؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 162.

میرزا ابو طالب اصفهانی

میرزا ابو طالب اصفهانی، ادیب فاضل، مؤلّف رساله‌ای در صرف به فارسی، نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره 1/ 600 موجود است.[787] [شاید او همان مؤلّف حاشیه بر بهجة المرضیّه باشد که شرح حال او در این کتاب آمده است].

میر سیّد ابو طالب امامی

میر سیّد ابو طالب امامی اصفهانی، از علمای اصفهان در عهد شاه‌تهماسب صفوی بود، و تولیّت امامزاده زین العابدین معروف به درب امام را برعهده داشت[788]، و در معقولات و

اعلام اصفهان، ص: 283

حکمیّات، خود را از معاصرین، برتر می‌شمرده است.[789] وی جدّ سادات امامی اصفهان است.

سیّد ابو طالب دهکردی*

سیّد ابو طالب دهکردی بن آقا بزرگ اصفهانی دهکردی، عالم فاضل خوشنویس هنرمند، در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله سیّد محمّد نجف‌آبادی، میر محمّد صادق خاتون‌آبادی و آخوند گزی کسب فیض نمود، سپس به قم مهاجرت، و از درس حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره گرفت. در نوشتن خطّ نسخ و نستعلیق نیز مهارت داشت.[790]

حاج ابو طالب اصفهانی

حاج ابو طالب بن ابو تراب اصفهانی، عالم فاضل محدّث ماهر، از دانشمندان اواخر عهد صفویّه است. وی از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است، و نسخه‌های متعدّدی را به خطّ خود کتابت کرده که از آن جمله است: 1. استبصار، جلد سوم، که حواشی ملّا محمّد تقی مجلسی، علّامه مجلسی، میرزا رفیعا نایینی و دیگران را در آن آورده است، و نسخه را خود مقابله و تصحیح نموده، و در 26 ذی‌قعده 1113 ق از این کار فراغت یافته است. 2. القواعد علّامه حلّی که در 16 شعبان 1118 ق از کتابت آن فارغ شده است. 3.

تفسیر کشّاف، جلد سوم، که در سال 1100 کتابت آن را به پایان برده است. 4. تمهید القواعد که در سال 1118 ق آن را کتابت نموده است. حاج ابو طالب تا سال 1118 ق در قید حیات بوده، و وفاتش بعد از این سال است.[791]

شیخ ابو طالب مصطفایی*

شیخ ابو طالب مصطفایی نجف‌آبادی فرزند حاج ابراهیم عالم فاضل معاصر، در سال 1303 ش در نجف‌آباد متولّد شد. پس از تحصیل در نجف‌آباد به اصفهان آمده، و نزد علمای

اعلام اصفهان، ص: 284

این شهر همچون شیخ محمّد حسن عالم نجف‌آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا محمّد علی معلّم حبیب‌آبادی، میرزا علی آقا شیرازی، حاج آقا صدر کوپایی، سیّد حسین خادمی، ملّا هاشم جنّتی، سیّد عبد الحسین طیّب، شیخ مرتضی اردکانی، شیخ عبّاس ایزدی، شیخ ابراهیم امینی و آقا باقر تدیّن به فراگیری علوم حوزوی پرداخت. سپس به قم رفت و در درس آیات عظام بروجردی، امام خمینی، علّامه طباطبایی، منتظری حضور یافت. وی عاقبت به نجف‌آباد آمد، و به تبلیغ و ترویج دین و اقامه نماز جماعت و حلّ

---

786 . فهرست مجلس، ج 8، ص 425.
787 . فهرست گوهرشاد، ص 147.
788 . اعیان الشّیعة، ج 6، ص 292؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 818؛ وقایع السّنین و الاعوام، ص 489، ریاض العلماء، ج 5، ص 467.
789 . تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج 1، ص 239.
790 . آیینه دانشوران، ص 339.
791 . الکواکب المنتشره، ص 389؛ نجوم السّماء، ص 167؛ تاریخ حزین ص 17؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 140؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، ص 8.

مشکلات شرعی مردم پرداخت. فرزند برومند او شیخ محمّد جواد مصطفایی در فروردین 1360 ش در جبهه‌های جنگ ایران و عراق به شهادت رسید.[792]

میر ابو طالب طباطبایی

میر ابو طالب بن میر ابو المعالی کبیر حسنی حسینی طباطبایی اصفهانی، عالم فاضل، در اصفهان نزد بزرگان و علمای شهر مشغول تحصیل بوده، و از جمله از علّامه مجلسی استفاده علمی نموده، و علّامه، دو اجازه برای او نوشته، و او را بسیار ستوده است. مشار الیه برادر ابو المعالی صغیر، جدّ صاحب ریاض المسائل است، و مادرش دختر آمنه بیگم (دختر ملّا محمّد تقی مجلسی) و ملّا محمّد صالح مازندرانی است.[793]

میرزا ابو طالب معین الشّریعه*

میرزا ابو طالب معین الشّریعه بن شیخ محمّد شریف دزفولی عالم فاضل، ساکن اصفهان، متوفّی در حدود سال 1372 ق برابر با 15 مهر 1332 ش، مدفون در تکیه مادر شاه‌زاده.

ابو طالب دارجانی

ابو طالب بن عبد العظیم دارجانی اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. «دارجان» که آن را «دارگون» گویند از دهات لنجان می‌باشد. صاحب عنوان در 1225 کتاب شرح شمسیه قطب رازی موسوم به تحریر القواعد المنطقیّه را کتابت نموده، و این نسخه به شماره 727 در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی در قم موجود است.[794]

شیخ ابو طالب زاهدی لاهیجی

شیخ ابو طالب زاهدی فرزند ملّا عبد الله بن علیّ بن عطاء الله لاهیجی گیلانی، عالم فاضل محقّق، نسب وی به شیخ زاهد گیلانی عارف مشهور می‌پیوندد. در سال 1058 ق در لاهیجان متولّد شد، و نزد ملّا حسن شیخ الاسلام لاهیجی به تحصیل پرداخت. در بیست‌سالگی به اصفهان آمد، و از محضر آقا حسین خوانساری و ملّا محمّد رفیع یزدی مستفیض شد. او از راه شام، سفری به مکّه معظّمه نمود، به حج مشرّف شد، و در بازگشت در عتبات عالیات، مدّتی ساکن شد، و سرانجام به اصفهان آمد، و با دختر حاجی عنایت الله اصفهانی ازدواج کرد. در زهد و پارسایی، اعراض از دنیا و ترك مکروهات و سیّئات، از نوادر عصر خویش به شمار می‌رفته، و با وجود مقام والای علم و فضل، از تفاخر و خودنمایی پرهیز می‌نموده است.

وی در سال 1127 ق در اصفهان وفات یافت، و جنب مزار عارف ربّانی ملّا حسین گیلانی (لبنانی) [تکیه صاحب روضات کنونی در تخت فولاد] مدفون گردید.

مشار الیه خطّ خوشی داشت، و بیش از هفتاد نسخه از کتابخانه خویش را خود کتابت نموده بود. کتابخانه‌اش بیش از پنج هزار عنوان کتاب داشته که اکثر آن‌ها را حاشیه زده، و تعلیقه نوشته بود. این کتاب‌ها از او است: 1. تفسیر آیه قل الرّوح من أمر ربّي 2. رساله در علم و تحقیق درباره آن 3. رسالة فی عمل المسبع و المتسع و الدّائرة، که فرزندش شیخ محمّد علی حزین شرح نموده است. 4. شرح قول ارسطو «لم صار ماء المطر حفیفا» به

فارسی که آن را نیز فرزندش شرح نموده است 5. شرح حدیث «عرفت الله بفسخ العزائم» که آن را فرزندش به فارسی ترجمه کرده است 6. رساله در حرکت که آن را نیز فرزندش شرح نموده است.[795]

---

[792] . سیمای دانشوران(نجف‌آباد)، صص 197- 198.

[793] . الکواکب المنتشره، ص 394؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، ص 11؛ تلامذة العلّامة المجلسی، ص 14؛ الذّریعة ج 11، ص 14؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص 336- 337؛ مرآة الاحوال، صص 140- 141.

[794] . فهرست گلپایگانی، ج 2، ص 24.

[795] . تذکرة المعاصرین، حزین، صص 42- 44(مقدّمه)؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص 148- 151؛ ریحانة الادب، ج 7، ص 166؛ تاریخ علماء گیلان، ص 42؛ اعیان الشّیعة، ج 6، ص 297؛ مشاهیر گیلان، ج 1، صص 81- 83؛ الکواکب المنتشره، صص 393- 394؛

ابو طالب شیروانی

میرزا ابو طالب شیروانی بنان السّلطنه فرزند میرزا عبد الله خان روزنامه‌نگار و نویسنده اصفهانی در شوّال 1309 ق در اصفهان متولّد شد، و در این شهر به تحصیل پرداخت، و مقطع متوسّطه را در مدرسه انگلیسی‌ها به پایان رساند. وی مدرسه رشدیّه را در اصفهان تأسیس نمود، و به عضویّت انجمن ولایتی اصفهان برگزیده شد. در ماجراهای مشروطه‌طلبان و مستبدّین خانه‌اش غارت شد، و خود به عتبات عالیات مهاجرت کرد. پس از بازگشت به اصفهان به انجام خدمات دولتی مشغول شده، و سرانجام در سال 1337 ق روزنامه میهن را منتشر کرد. در دوره پنجم و ششم به عنوان نماینده شهرضا به مجلس شورای ملّی راه یافت.

وی در 6 جمادی الاوّل 1370 ق وفات یافت. از آثار او سرگذشت حسن آقا است که به چاپ رسیده است.[796]

میرزا ابو طالب طبیب اصفهانی

میرزا ابو طالب بن میرزا علی رضا بن میرزا محمّد علیّ بن میرزا کوچك بن حکیم داود اصفهانی هندی، طبیب حاذق و دانشمند فاضل، پدرانش همه از اطبّاء معروف اصفهان بوده‌اند. در اصفهان ساکن بود؛ ولی به خاطر خوابی که دید در مدرسه جنب حرم

مطهّر حضرت رضا علیه السّلام در مشهد مقدّس ساکن گردید، و به طبابت پرداخت، و در ضمن آن، جزو خدمه آستان قدس رضوی گردید، و بالاخره به تولیّت آستان قدس رضوی مفتخر شد، و حدود 37 سال در این منصب شریف، به خدمت به آن آستان مبارك مشغول بود. وی عارفی سالك، و حکیمی قابل بود. سرانجام در سال 1216 ق وفات یافت، و در حرم مطهّر مدفون گردید. اولاد و احفادش نیز راه پدر را ادامه دادند.[797]

ابو طالب اصفهانی

ابو طالب بن محمّد علي اصفهانی، از خطّاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. وی نسخه‌ای از قرآن مجید (سوره انعام) را به خطّ نسخ در 1249 ق کتابت نموده که به شماره 996 در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است.[798]

همچنین نسخه‌ای از سفینة النّجاة تألیف ملّا علی اصغر قزوینی را به خطّ نسخ زیبا در رجب 1248 و شعبان 1250 کتابت نموده، نسخه به شماره 4570 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است.[799]

ابو طالب غوّاص قهفرخی

ابو طالب برجیس فرزند میرزا محسن متخلّص به «غوّاص»، شاعر ادیب فاضل کامل، در سال 1250 خورشیدی در قهفرخ متولّد شده، در اصفهان تحصیلات خود را به پایان رسانید و به محلّ خود معاودت نمود. او در قهفرخ، انجمن ادبی تأسیس کرد، و مدرسه‌ای به نام سعادت به همّت او تأسیس شد. بسیاری از شعرا و فضلای قهفرخ و چهارمحال از شاگردان او می‌باشند. او در سال 1363 قمری در قهفرخ وفات یافت، و همان جا مدفون شد.

[از او است:

دانشمندان خوانسار، صص 112- 114؛ الذّریعة، مجلّدات مختلف؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص 79؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 98؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 79.

[796] . تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج 4، صص 245- 250؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 25.

[797] . مطرح الانظار، ج 1، صص 125- 126؛ مطلع الشّمس، ج 2، ص 704؛ الکرام البررة، ج 1، ص 43؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص 79- 80؛ مکارم الآثار، ج 2، ص 573.

[798] . فهرست مدرسه مروی، ص 59.

[799] . فهرست مرعشی، ج 12، ص 145.

از سر گذرد هرکه به کوی تو نهد پا ما بی‌سر و پا روی به صحرای تو داریم[800]]

ابو طالب تبریزی اصفهانی

میرزا ابو طالب بن حاج محمّد تبریزی اصفهانی معروف به «ابو طالب لندنی» از ادباء و شعرا و نویسندگان ساکن هندوستان. در شهرهای مختلف و ممالك خارجی همچون فرانسه، انگلیس، هلند و ممالك عثمانی در سال‌های 1212 و 1218 گردش نموده، چندین کتاب تألیف نموده است؛ از آن جمله: 1. خلاصة الافکار، در تذکره شعرای فارسی، در یك مجلّد بزرگ که در بین سال‌های 1205- 1207 ق تألیف گردیده است. 2. رساله در علم اخلاق به فارسی 3. فنون خمسه طب 4. کافی در علم عروض و قوافی 5. لبّ السّیر و جهان‌نما، در تاریخ، به فارسی 6. مصطلحات موسیقی 7. مسیر طالبی فی البلاد الافرنجی در سفرنامه مشار الیه به ممالك اروپا.[801]

میرزا ابو طالب فندرسکی

میرزا ابو طالب بن میرزا بیك فندرسکی اصفهانی، شاعر ادیب محدّث حکیم. در اعیان الشّیعة[802] گوید: شاگرد آقا حسین خوانساری و ملا محمد باقر سبزواری بوده است، و در ریحانة الادب به نقل از صاحب ریاض العلماء گوید: از تلامذه علّامه مجلسی است، و با میرزا عبد الله افندی معاصر و شریك درس بوده است.[803] صاحب اعیان الشّیعة او را نواده پسری میرفندرسکی نوشته؛ لکن علّامه تهرانی می‌نویسد: امیر ابو طالب بن میرزا بیك سبط امیر ابو القاسم فندرسکی و به گمان من، مادرش دختر امیر ابو الفتح مشهور به میر

میران فرزند میر ابو القاسم فندرسکی می‌باشد.[804]

سال وفات او معلوم نیست؛ امّا تا سال 1100 ق در قید حیات بوده است[805]، تألیفات بسیار دارد، و از آن جمله است: 1. بیان بدیع، به فارسی مطبوع 2. ترجمه شرح لمعه به فارسی 3. توضیح المطالب شرح بر خلاصة الحساب شیخ بهایی 4. تکمله حمله حیدری (سروده باذل مشهدی) 5. حاشیه بر اصول کافی 6. حاشیه بر تفسیر بیضاوی (نسخه خطی آن در کتابخانه آیه الله العظمی گلپایگانی موجود است) 7. حاشیه بر شرح لمعه 8. حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات شفا 9. حاشیه بر معالم 10. حاشیه یا شرح بر شافیه ابن حاجب 11. دیوان اشعار 12. ساقی‌نامه 13. غزوات حیدری 14. المنتهی، در نجوم 15. مجمع البحرین، به فارسی 16. نگارخانه چین (مثنوی)

میرزا ابو طالب «حیات» اصفهانی

میرزا ابو طالب اصفهانی متخلّص به «حیات» فرزند میرزا نصیر، شاعر ادیب خطّاط منشی، در اصفهان در منصب استیفا به خدمات دیوانی اشتغال داشت، و خطّ شکسته را خوش می‌نوشت، و در فنّ انشاء، مهارت کامل داشت[806]. سرانجام در سال 1135 ق در اصفهان وفات یافت، و مدفون شد.[807]

[برخی از نویسندگان، تخلّص وی را «جناب» ذکر کرده‌اند که احتمالا تصحیف‌شده «حیات» است]. دیوان اشعارش بالغ بر دوسه‌هزار بیت بوده، این بیت از او است:

لب خواهش نگشودیم و از آن خشنودیم که مراد دوجهان قابل اظهار نبود

---

800 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 80.
801 . تاریخ ادبیّات، هرمان اته، ص 11؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 243؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ج 1، ص 573؛ فهرست آستان قدس رضوی، ج 7، ص 173؛ الذّریعة، ج 22، ص 434.
802 . اعیان الشّیعة، ج 6، ص 294.
803 . ریاض العلماء، ج 5، صص 500- 501؛ ریحانة الادب؛ تلامذة العلامة المجلسی، صص 14- 15.
804 . الذّریعة، ج 4، ص 105.
805 . الکواکب المنتشره، ص 392.
806 . احوال و آثار خوشنویسان، ج 4، ص 1241.
807 . تذکره المعاصرین، حزین، ص 194 و نیز ر. ك: الذّریعة، ج 9، ص 205؛ تذکره غنی، ص 38؛ ریحانة الادب، ج 1، ص 430؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 167 و 457؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« جناب»، ص 108.

حاج ابو طالب تصنیف اصفهانی

حاج ابو طالب اصفهانی متخلّص به «تصنیف» شاعر ادیب، تجارت می‌نمود، و در زمره

شعرای شعرای شاه سلیمان صفوی بود، به هندوستان مهاجرت کرد، مؤلّف الذّریعة فرماید:

به گمان من، وی همان تصنیف خوانساری می‌باشد.[808]

ابو طالب «زهره» بروجنی

ابو طالب زهره، از اخلاف دفتری بروجنی است. در سال 1298 خورشیدی در بروجن متولّد، و سپس در شهر رامهرمز به کسب و کار مشغول شد. گاهی برحسب اقتضای حال، اشعاری می‌سرود، از او است:

]قصد قتلم گر کنی خنجر مخواه کار صد خنجر کند ابروی تو[809]

ملّا ابو طالب فخر الواعظین چهارسوقی

حاج ملّا ابو طالب چهارسوقی ملقّب به «فخر الواعظین»، از فضلای اهل منبر اصفهان بود.

در سال 1339 وفات یافت، و در یکی از حجرات تکیه صاحب روضات مدفون شد.[810]

ملّا ابو طالب قزوینی

ملّا ابو طالب قزوینی اصفهانی، از دانشمندان ماهر در علوم غریبه در قرن سیزدهم هجری، از آثار او است:

1. رساله‌ای در نسبت بین حروف 2. فرائد الدّرر فی علم اللّوح و القدر، در جفر [که نسخه‌های آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و آیت‌الله مرعشی نجفی موجود است].[811]

ملّا ابو طالب لواسانی

ملّا ابو طالب لواسانی، عالم فاضل. در علوم مختلف، خصوصا ریاضیات و جفر و اعداد استاد بود. سال‌ها در مدرسه نیماورد ساکن بود و در حدود سال 1260 ق وفات یافت.[812]

ابو طالب مذهّب اصفهانی*

---

808 . الذّریعة، ج 9، ص 172؛ تذکره غنی، ص 32.
809 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 228.
810 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 197؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 162؛ نقباء البشر، ج 1، ص 47؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 82.
811 . الکرام البررة، ج 1، ص 40؛ الذّریعة، ج 16، ص 134 و ج 24، ص 145؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 163؛ فهرست آستان قدس، ج 10، صص 263- 264 و ج 15، صص 430- 431؛ فهرست مرعشی، ج 13، ص 314.
812 . جغرافیای اصفهان، ص 83؛ الکرام البررة، ج 1، ص 40؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 163.

ابو طالب مذهّب اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. در تذهیب، و از جمله تزیینات گل و بوته و زرافشان و تشعیر، استادی کامل بوده، و در عهد فتحعلی شاه قاجار می‌زیسته است. سال فوتش به دست نیامد.

وی پدر شاعر هنرمند و نقّاش تذهیب‌کار، میرزا محمّد علی مذهّب، متخلّص به «بهار» و «فرهنگ» می‌باشد.[813]

حکیم ابو طاهر

حکیم ابو طاهر از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری، و معاصر با مافرّوخی است.

مافرّوخی وی را در ردیف فلاسفه، ریاضی‌دانان، اطبّاء و منجّمین عصر خویش می‌آورد.[814]

ابو طاهر اصفهانی

ابو طاهر سعید بن محمّد بن ابی طاهر بن عبد الواحد صفّار اصفهانی تیمی، از محدّثین اصفهان است.[815]

ابو طاهر اصفهانی

ابو طاهر سهل بن محمّد بن ازهر اصفهانی، از فقهاء و محدّثین قرن سوم هجری است.

در اصفهان ساکن بوده، و از یونس بن حبیب حدیث شنیده؛ امّا از او حدیثی نقل نشده است.

وی در سال 286 ق وفات یافت. فرزندش علیّ بن سهل از صوفیان معروف اصفهان در آن

روزگار بوده است.[816]

ابو طاهر بن ثابت

ابراهیم بن ثابت از دانشمندان قرن پنجم هجری است.

وی معاصر مافرّوخی است، و مافرّوخی او را جزو دانشمندان فلاسفه، ریاضی، طبّ و نجوم آورده است.[817]

ابو طاهر ثقفی

ابو طاهر بن محمود بن احمد بن محمود ثقفی از محدّثین اصفهان است. وی از ابو العبّاس احمد بن عبد الرّحمن بن یوسف اسدی اعرج و ابو بکر بن مقری روایت می‌کند.

ابو الفضل جعفر بن عبد الواحد بن محمّد بن محمود نوه برادرش از او روایت نموده است.[818]

ابو طاهر خیّاط

ابو طاهر خیّاط، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء متقدّم بر عصر خود می‌آورد.[819]

---

813 . هنر قلمدان، ص 111.
814 . محاسن اصفهان، ص 35.
815 . ذیل کشف الظّنون، ص 40.
816 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 339.
817 . محاسن اصفهان، ص 35.
818 . التّحبیر، ج 1، ص 162.
819 . محاسن اصفهان، ص 31.

ابو طاهر فرقدی

ابو طاهر فرقدی از محدّثین اصفهان است.

مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان حدیث و کلام متقدّم بر عصر خود آورده است.[820]

ابو طاهر قمی

ابو طاهر کمج قمی، از شعرای قرن پنجم هجری است. وی معاصر مافرّوخی بوده، و به عربی شعر می‌سروده است.[821]

ابو عامر جرواآنی

ابو عامر جرواآنی اصفهانی، ادیب شاعر، از اهالی محلّه جرواآن اصفهان بوده، و به عربی شعر می‌سروده، و در قرن سوم هجری می‌زیسته است. حمزه اصفهانی این شعر را از او نقل نموده است:

سقی الله جیّا انّ جیّا لذیذه — من الغیب ما یسری لها ثمّ یبکر

فلا بقة فی اللّیل یؤذیك لسعها — لنوم و لا برغوثة حین تسهر

و ماء کایاها زلال کأنّه — إذا ما جری فی الخلق ثلج و سکر[822]

ابو العبّاس خوزانی

ابو العبّاس خوزانی از ادبای اصفهان به شمار می‌رود. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء مقدّم بر عصر خود ذکر می‌کند.[823]

ابو العبّاس ضبّی

ابو العبّاس احمد بن ابراهیم ضبّی، ملقّب به «کافی الاوحد»، شاعر، ادیب و دانشمند قرن چهارم هجری. [وی از صاحبان و پرورش‌یافتگان صاحب بن عبّاد بود، و صاحب به او اعتقاد تامّ و تمام داشت، و پس از فوت صاحب، این ابو العبّاس بود که بر جنازه استاد، نماز گزارد.

در سال 385 ق پس از فوت صاحب بن عبّاد به شراکت ابو علی خطیر اصفهانی وزارت

فخر الدّوله دیلمی را برعهده گرفت. پس از مرگ فخر الدّوله وزارت مجد الدّوله پسر او را نیز عهده‌دار بود تا اینکه سیّده، مادر مجد الدّوله او را به مسموم کردن برادر متّهم ساخت، و دویست هزار دینار برای مراسم تعزیت و سوگواری مطالبه نمود. ابو العبّاس به ناچار به بدر الدّین حسنویه امیر جبال پناه برد، و در سال 392 در بروجرد وفات یافت. پسرش سعد بن احمد جنازه پدر را به کربلا داد، و با مساعی شریف ابو احمد (پدر شریف رضی) در آن آستان متبرّك در خاك آرمید.

---

820 . محاسن اصفهان، ص 31.
821 . محاسن اصفهان، ص 33.
822 . محاسن اصفهان، ص 5.
823 . محاسن اصفهان، ص 32.

ابو العبّاس ضبّی مردی نیکوکار و فرهنگ دوست بود، و آثار خیریّه بسیار از خود به جای نهاد. مافرّوخی اشاره می‌کند که ابو العبّاس ضبّی کتابخانه‌ای ارزشمند در مسجد عتیق اصفهان بنا کرد که حاوی هزاران نسخه نفیس ادبی، فقهی، حدیثی، فلسفی، ریاضی، هیئت، منطق، تاریخ و علوم طبیعی بود، و آن را وقف فضلاء و دانشمندان نموده بود. فهرستی که از کتاب‌های کتابخانه فراهم شده بود، بالغ بر سه جلد ضخیم می‌شد. متأسّفانه در سال 515 ق فداییان اسماعیلی، مسجد جامع اصفهان را به آتش کشیدند، و آن کتابخانه بزرگ، با هزاران کتاب نفیس موجود در] مخزن آن را در آتش کینه خود سوختند.

وی در سرودن اشعار عربی از اساتید ارجمند عهد خود بوده، و در غزل و قصیده، اشعاری شیوا می‌سروده است. او اشعاری در مدح ائمّه شیعه دارد، و در کتاب الغدیر نمونه‌ای از غدیریّه او را آورده است].

ابو عبد الله ابرقویی

ابو عبد الله ابرقویی[824] از ادباء و دانشمندان ساکن اصفهان است.

مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء مقدّم بر عصر خود آورده است.[825]

اعلام اصفهان، ص: 295

ابو عبد الله اصفهانی

ابو عبد الله اصفهانی معروف به «شافعی» از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال 381 ق وفات یافت.[826]

ابو عبد الله اصفهانی

ابو عبد الله اصفهانی، از دانشمندان قرن پنجم هجری است، در شام ساکن بوده، و در علم و ادب، شاگرد ابو العلاء معرّی است. معرّی برحسب خواهش او بعضی از ابیات مشکل کتاب سقط الزّند را شرح کرده، و آن را ضوء السّقط نامیده است. معروف شده که ضوء السّقط را ابو زکریّا بن خطیب تبریزی (421- 502 ق) تألیف نموده، حال آنکه این کتاب، از تألیفات ابو العلاء معرّی است، و خطیب تبریزی ضوء السّقط را شرح و تکمیل نموده است.[827]

ابو عبد الله اصفهانی

ابو عبد الله بن یوسف اصفهانی، از محدّثین به شمار می‌رود. از ابو بکر عمر بن محمّد صاحب کتّانی روایت می‌کند، و حافظ ابو بکر احمد بن حسین از او استماع حدیث نموده است.[828]

ابو عبد الله انداآنی

ابو عبد الله انداآنی، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، و مقدّم بر عصر خود دانسته است.[829]

[انداآن از قریه‌های ماربین بوده است، و اکنون یکی از محلّه‌های سده (خمینی شهر) به شمار می‌رود].

اعلام اصفهان، ص: 296

ابو عبد الله بادی

---

824 . یتیمة الدّهر، ج 3، صص 118- 127؛ ترجمه محاسن اصفهان، ص 63؛ الذّریعة، ج 9، ص 625؛ الغدیر، ج 4، صص 101- 110؛ معجم الادباء، ج 1، ص 65؛ دائرةالمعارف تشیّع، ج 1، ص 419؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 245؛ تاریخچه اوقاف اصفهان، ص 34.

825 . محاسن اصفهان، ص 32.

826 . تبیین کذب المفتري، ص 197.

827 . نشریّه دانشکده ادبیّات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال 11 و 12، ص 180.

828 . تبیین کذب المفتری، ص 424.

829 . محاسن اصفهان، ص 32.

ابو عبد الله بادی، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی وی را از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء دانسته، و او را از متقدّمین بر عصر خود برشمرده است.[830] [باد از قرای نطنز، و اکنون به نام بادرود معروف است].

ابو عبد الله برقی[831]

اعلام اصفهان ؛ ص296

ابو عبد الله برقی، از بزرگان قرن سوم هجری، و خواهرزاده احمد بن محمّد بن خالد برقی محدّث معروف است. از قم به اصفهان آمده، و در این شهر ساکن گردیده است.[832]

ابو عبد الله خطیب

ابو عبد الله خطیب اصفهانی معروف به اسکافی، ادیب، لغوی، نحوی، از ادبای قرن چهارم و پنجم هجری است. وی شعر عربی را فصیح و بلیغ می‌سروده است. در ری از مصاحبان صاحب بن عبّاد بوده، و در آن شهر، منصب خطابت را برعهده داشته است.

تألیفاتی دارد که از آن جمله است: 1. درة التّنزیل، در آیات متشابهه، مطبوع در مصر 2.

شواهد سیبویه 3. الغرّة 4. غلط کتاب العین جاحظ 5. لطف التّدبیر 6. مبادی اللّغة العربیّة، مطبوع در مصر، 7. نقد الشّعر. وی در سال 427 ق وفات یافته است.[833]

ابو عبد الله طبری

حافظ ابو عبد الله طبری، از اکابر فقهاء و محدّثین عامّه است. در سال 495 ق در اصفهان وفات یافته است.[834]

اعلام اصفهان، ص: 297

ابو عبد الله فقیه

ابو عبد الله فقیه، از دانشمندان اصفهان در اوایل قرن پنجم هجری است. وی متصدّی امور رصدی که بر امر علاء الدّوله کاکویه فرمانروای اصفهان، و به وسیله شیخ الرّئیس ابو علی سینا در اصفهان قرار بود انجام گیرد، بوده است.[835]

ابو عبد الله قاینی

ابو عبد الله قاینی، ادیب اصفهانی، از ادبای ساکن اصفهان است. او را اصمعی کوچك می‌گفته‌اند، و در حسن قضا مشهور بوده است.[836]

ابو عبد الله معصومی

ابو عبد الله محمّد بن احمد معصومی، حکیم، فیلسوف و طبیب دانشمند قرن پنجم هجری. از اهالی اصفهان و از شاگردان ابن سینا بوده، و استاد، درباره او گفته است:

---

830 . محاسن اصفهان، ص 32.
831 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
832 . معجم البلدان.
833 . محاسن اصفهان، ص 31؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 251.
834 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 747.
835 . درّة الاخبار، ص 39.
836 . بهارستان(آیتی)، ص 183.

«ابو عبد الله منّی بمنزلة ارسطاطالیس من افلاطون». ابو عبد الله از فاضل‌ترین شاگردان ابن سینا است، و از طرف او، پاسخ ایرادهای ابو ریحان بیرونی را داده است. او سال‌ها پس از وفات ابن سینا در اصفهان به تدریس حکمت و طب مشغول بوده، و سرانجام در سال 450 ق وفات یافته است. برخی نوشته‌اند که او به دستور سلطان محمود غزنوی کشته شده است که صحیح نیست؛ چرا که سلطان محمود در سال 421 ق مرده، و عبد الله معصومی، حدود سی سال پس از مرگ محمود از دنیا رفته است.

کتب زیر از تألیفات او است: 1. جواب هیجده مسأله که ابو ریحان از ابن سینا کرده، و استاد، جواب آن را بدو حواله نموده است. 2. رساله‌ای در حفظ‌الصحّه 3. شرح کلمات المتقدّمین از حکماء 4. مفارقات عقلیّه 5. رساله در منطق و غیره.[837]

اعلام اصفهان، ص: 298

ابو عبد الله ملنجی

ابو عبد الله محمّد بن ابراهیم بن سالم بن عبد الله قرشی ملنجی، از محدّثین اصفهان معروف به «ابن شاوال» وی در قرن چهارم هجری می‌زیسته، و از اهالی روستای «ملنجه» اصفهان بوده است. از حسن بن عرفه و علیّ بن داود قنطاری و دیگران روایت نموده است.[838]

ابو عبد الله وعلی

ابو عبد الله وعلی از دانشمندان اصفهان و از اهالی قریه وعل (به فتح واو، و کسر عین) است. از آثار او قصیده‌ای است در موضوع باطل بودن حیله در طلاق و ربا، و آن را طاهر بن یحیی یمنی رد کرده است به کتاب الاحتجاج الشّافی، بردّ علی المعاند فی طلاق التّنافی[839].

[شرح حال ابو بکر و علی را در صفحات قبل آورده‌ایم].

ابو عبید جوزجانی

شیخ ابو عبید عبد الواحد جوزجانی، از اهالی جوزجان خراسان، و از شاگردان مخصوص شیخ الرّئیس ابو علی سینا است. [وی در سال 403 ق در گرگان به خدمت استاد رسیده، و از محضر او بهره علمی برده، و تا آخر عمر استاد (سال 428 ق) در سفر و حضر، در خدمت او بوده، و پس از وفات او، شرح حال خود نوشت استاد را تکمیل نموده است].

در مدّت شانزده سال اقامت ابن سینا در اصفهان (412- 428) او نیز در اصفهان بود، و پس از آنکه علاء الدّوله کاکویه، شیخ الرّئیس را مأمور تأسیس رصدخانه نمود، شیخ نیز شاگردش ابو عبید را مأمور تهیّه آلات رصدی و استخدام اهل‌فن گردانید، و او هشت سال

اعلام اصفهان، ص: 299

صرف این امر نمود.[840]

ابو عبید ضراب

ابو عبید معروف به ضرّاب، از ادبای اصفهان است.

مافرّوخی وی را در عداد دانشمندان صرف و نحو انشاء ذکر کرده، و او را مقدّم بر عصر خویش دانسته است.[841]

---

837 . ترجمه نزهة الارواح، ص 387، مطرح الانظار، ج 1، صص 128- 129؛ ریحانة الادب، ج 5، صص 344- 345؛ فرهنگ معین، ج 6، ص 1999؛ تاریخ ادبیّات، صفا، ج 1، ص 319؛ الاعلام، ج 7، ص 103؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« ابو عبد الله»، ص 614؛ ادباء الاطبّاء، ج 1، ص 26؛ درّة الاخبار، ص 60؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص 458، نامه دانشوران، ج 2، ص 569؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 167- 168.

838 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 262؛ محاسن اصفهان، ص 29.

839 . کشف الظنون، ج 1، ص 15.

840 . مقالات ادبی، استاد همایی، صص 46 و 79؛ درّة الاخبار، ص 39؛ غزالی‌نامه، ص 318؛ الکامل، ج 8، ص 245.

ابو العزّ اصفهانی

ابو العزّ اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است، و شاید قرن پنجم را نیز درك نموده باشد. حسین بن محمّد بن بزری صیرفی (متوفّی 423 ق در مصر) از او روایت می‌کند.[842]

ابو العلاء اصفهانی

ابو العلاء احمد بن محمّد بن فضل حافظ اصفهانی، از دانشمندان اصفهان است. یاقوت در ضمن شرح حال سیّد مرتضی علم الهدی (متوفّی 436 ق) ذکری از او می‌نماید، و گوید:

شیخ ابو الفضل محمّد بن طاهر مقدسی گفت: شنیدم از کیا ابی الحسین عیسی بن حسین علوی زیدی در موقعی که شاعری نزد او آمده، و اشعاری در مدحش گفته بود، و نزد مردم به من و سیّد مرتضی به یك‌گونه نظر می‌کنند، و توقّع دارند، و حال آنکه عوائد املاك سیّد، بیست و چهار هزار دینار در سال است، و من از عوائد املاکی که متعلّق به خواهرم می‌باشد، زندگی می‌نمایم، و مرا غیر از این، راه معیشتی نیست.

اعلام اصفهان، ص: 300

ابو العلاء سروی

ابو العلاء سروی، از بزرگان اصفهان در قرن چهارم هجری بوده، و صاحب بن عبّاد اشعاری جهت او سروده است که هفت بیت آن را مافرّوخی در کتاب خود نقل نموده است؛ از جمله این بیت:

ابا العلاء الا بشر بمقدمنا فقد وردنا علی المهریّة القود[843]

ابو العلاء فرسانی

ابو العلاء فرسانی از محدّثین اصفهان است. سلفی از او روایت می‌کند.[844]

ابو العلاء نیشابوری

قاضی ابو العلاء نیشابوری، از فقهای عامّه بوده، و در اصفهان به قضاوت می‌پرداخته است. وی به دست اسماعیلیان در سال 499 ق در اصفهان کشته شد.[845]

ابو علی اردستانی

ابو علی اردستانی، از ادبای اصفهان است.

مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو، و لغت و انشاء که مقدّم بر عصر خود می‌زیسته‌اند یاد کرده است.[846]

میرزا ابو علی «هاتف» اصفهانی*

---

841 . محاسن اصفهان، ص 33.
842 . میزان الاعتدال، ج 1، ص 256.
843 . محاسن اصفهان، ص 14.
844 . میزان الاعتدال، ج 2، ص 13.
845 . تاریخ تشیّع در ایران، ص 332.
846 . محاسن اصفهان، ص 32.

میرزا ابو علی اصفهانی متخلّص به «هاتف» شاعر ادیب، در کودکی در معیّت پدر به هندوستان رفت، در فنون ادب نزد میر محمّد افضل ثابت و میر شمس الدّین فقیر دهلوی تحصیل کرد، سپس مورد توجّه بزرگان و امیران هندوستان واقع [شد]، و مورد اقدام و اعزاز

آنان قرار گرفت، در اواخر قرن دوازدهم هجری در آن سرزمین وفات یافت. از او است:

فارغ ز بد و نیك جهانم که خیالش یك‌دم نگذارد که به فکر دگر افتم[847]

ابو علی بادی

ابو علی بادی، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم که در علوم صرف و نحو و لغت و انشاء، مهارت داشته‌اند دانسته است.[848]

ابو علی بغدادی

ابو علی بغدادی، ساکن اصفهان بوده، و در کلام و حدیث مهارت داشته است. مافرّوخی او را از دانشمندان مقدّم بر عصر خویش دانسته است.[849]

ابو علیّ بن دیزویه

ابو علیّ بن دیزویه، از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان فلسفه، ریاضی، طبّ و نجوم که معاصر بوده‌اند آورده است.[850]

ابو علیّ بن سهلویه

ابو علیّ بن سهلویه، از ادبای اصفهان بوده، و مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین آورده، و او را از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء دانسته است.[851]

ابو علی حدّاد

شیخ ابو علی حسن بن احمد بن حسن بن احمد بن محمّد بن مهره اصفهانی معروف به «ابو علی حدّاد» از مشایخ علم قرائت و تجوید در اصفهان بوده، در سال 419 متولّد

[شده]، و 25 ذی‌الحجّه 515 ق وفات یافته است.[852]

[تألیفاتی داشته است از آن جمله است: 1. تاریخ اصفهان 2. معرفة الصّحابه 3. علوم الحدیث 4. کتاب الخلفاء الرّاشدین 5. الجوامع الکلم 6. الفرائض 7. الثّقلاء 8. کتاب المحبّین مع المحبوبین[853]].

---

847 . گلزار جاویدان، ج 3، ص 172؛ الذّریعة، ج 9، ص 1283.
848 . محاسن اصفهان، ص 32.
849 . محاسن اصفهان، ص 30.
850 . محاسن اصفهان، ص 35.
851 . محاسن اصفهان، ص 32.
852 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 483؛ التّحبیر، ج 1، ص 177.
853 . الاعلام، ج 2، ص 159.

برخی از شاگردان و راویان از ابو علی حدّاد عبارت‌اند از: ابو المحاسن سعد بن محمّد بن حسین هراسی، ابو منصور شهردار بن شیرویه بن شهردار بن شیرویه بن فناخسرو دیلمی همدانی، ابو الخیر عبد الهادی بن علی، ابو روح عباد بن احمد، ابو المجد فخرآور بن شهفور رازی، ابو محمّد کامل (محمود) بن ختلع لتوری اصفهانی، ابو غالب لیث بن هبة الله صالحانی، سیّد ابو القاسم منصور بن محمّد بن محمّد هراتی[854] و ابو جعفر محمّد بن احمد صیدلانی.

ابو علی رستمی

ابو علی احمد بن محمّد بن رستم بن طیّار قرشی طهرانی مدینی اصفهانی معروف به ابو علی رستمی یا ابو علی کاتب از ادباء و دانشمندان و دولتمندان قرن سوم و چهارم هجری.

وی حکمران اصفهان، و دارای ثروت و املاك فراوان در اصفهان و اطراف بوده است، از جمله قصر معروفی که ابن حوقل به آن اشاره کرده، و حمّامی که در سال 323 مرداویج در آن به قتل رسید، و باغ معروف به «باغ رستم». وی با شاعر توانمند زبان عربی ابو الحسن محمّد بن احمد بن طباطبا مؤلّف عیار الشّعر، معاشر و مصاحب بوده، و مناظره‌ها داشته که در کتاب المحاضرات از آن‌ها یاد شده است.

وی دختری به نام فاطمه داشته که آن را به ازدواج ابی الحسین علی الشّهاب فرزند ابو الحسن محمّد، که از او یاد کردیم درآورده، وقف نامه‌ای تنظیم، و اموال و املاك خود را

طیّ این وقف‌نامه در سال 316 ق به داماد و نوادگان خود سپرده است.

ابو علی در زمان خود به تعمیر مسجد جامع عتیق اصفهان پرداخته، و آن را وسعت داده است. وی سرانجام در سال 321 ق وفات یافت. حافظ ابو نعیم در کتاب خود می‌نویسد: از اسحاق بن جمیل و طبقه او استماع حدیث نمود؛ ولی تا زنده بود، حدیثی روایت نکرد.[855]

ابو علی خطیر اصفهانی

ابو علی خطیر اصفهانی، از دولتمردان قرن چهارم هجری است. پس از وفات صاحب بن عبّاد در سال 385 ق فخر الدّوله وزارت را به ده هزار دینار به او فروخت، و دست او را در امر ملك باز گذاشت.

آورده‌اند که روزی عضد الدّوله از ابو علی خطیر آزرده شد، و رسولی را به نزدیك او فرستاد، و شمشیر برهنه بدو داد، و گفت: «این را ببر، و در پیش او بند، و هیچ نگوی». آن رسول بیامد، و چنان کرد. چون تیغ نهاد، و چیزی نگفت، وزیر، قلمی سوی وی انداخت، و گفت: «جواب تو این است»، و بعد از آن، روی به کار عضد الدّوله آورد، و سپاه را بر وی بیرون آورد تا وی را در بند کردند، و پسر را به جای او نشاندند.[856]

ابو علی سبط الوزراء

ابو علی سبط الوزراء از ادبای اصفهان است.

مافرّوخی از او به عنوان یکی از دانشمندان متقدّم در صرف و نحو و لغت و انشاء یاد کرده است.[857]

ابو علی صحّاف

ابو علی صحّاف، از محدّثین اصفهان است، و احمد بن محمّد بن اشته مدینی از او

---

854 . التّحبیر، ج 1 و 2 صفحات مختلف.
855 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 33؛ محاسن اصفهان، ص 11 شرح روضات الجنّات، ج 1، صص 30- 31؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 110 و 193- 194؛ آتشکده اردستان، ج 1، صص 170- 173.
856 . آثار الوزراء، ص 202.
857 . محاسن اصفهان، ص 32.

روایت نموده است.[858]

ابو علی قزوینی

ابو علی معروف به قزوینی از دانشمندان معاصر مافرّوخی مؤلّف محاسن اصفهان است.

مافرّوخی او را در طبقه دانشمندان فلسفه، ریاضی، طبّ و نجوم آورده است.[859]

ابو علی قمی

ابو علی بن بنان قمی، از شعرای اصفهان در قرن پنجم و معاصر مافرّوخی بوده، و در سرودن اشعار عربی، دستی توانا داشته، و در اصفهان می‌زیسته است.[860]

ابو عمرو بن قدامه

ابو عمرو بن قدامه، از دانشمندان متقدّم بر عصر مافرّوخی بوده، و مافرّوخی او را در ردیف فلاسفه، ریاضی‌دانان، منجّمین و اطبّاء آورده است.[861]

ابو عیسی مافرّوخی

ابو عیسی محمّد بن عبد الله بن عبّاس مافرّوخی ثانی، از علماء و فقهاء اصفهان. مفضّل بن سعد مافرّوخی، از دانشمندان قرن پنجم هجری او را در ردیف علمای کلام و حدیث متقدّم بر روزگار خویش برشمرده است. ابو عیسی مافرّوخی از احمد بن یونس صبی و ابو العیناء محمّد بن قاسم نقل حدیث نموده است.[862]

اعلام اصفهان، ص: 305

ابو غالب

ابو غالب بن هارون، از ادباء و فضلای قرن پنجم هجری است. وی از شاگردان احمد بن محمّد بن احمد بن شهردار معلّم اصفهانی (متوفّی 446 ق) بوده است.[863]

ابو غالب رویدشتی

ابو غالب سعد رویدشتی اصفهانی، از اهالی رستاق رویدشت بوده، و از محدّثین اصفهان است. حمزه اصفهانی از او یاد کرده است.[864]

ابو الفتح اردستانی

ابو الفتح عبد الجبّار بن عبد الله بن برره اردستانی اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی در ربیع الاوّل 378 ق متولّد شده، و برای اخذ حدیث به عراق و شام سفر کرده، و از ابو الحسن علیّ بن عمر قصار در ری، ابو عبد الرّحمن محمّد بن حسین سلمی در نیشابور، و ابو القاسم علیّ بن محمّد علوی در عراق استماع حدیث نموده است.

جمعی از راویان، از جمله ابو منصور محمّد بن احمد بن ماشاذه در اصفهان و ابو سعد احمد بن محمّد بن احمد بغدادی در اصفهان [از او] روایت نموده‌اند. اردستانی در محرّم 468 ق در اصفهان وفات یافت.[865]

---

858 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 103.
859 . محاسن اصفهان، ص 35.
860 . محاسن اصفهان، ص 33.
861 . محاسن اصفهان، ص 34.
862 . محاسن اصفهان، ص 29؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 272؛ اللّباب، ج 3، ص 150؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 882.
863 . معجم البلدان، ج 2، ص 107؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« احمد»، ص 1279.
864 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 332.

ابو الفتح اصفهانی

میرزا ابو الفتح فرزند میرزا ابو طالب نجم ثانی اصفهانی از مشاهیر فضلای عهد شاه سلطان حسین صفوی در اصفهان است.

اعلام اصفهان، ص: 306

ابو الفتح اردستانی

فخر الملك ابو الفتح عبد الحمید اردستانی، در بلاغت و فصاحت و کیاست و کفایت و بزرگی، صاحب کمال بوده، مدّتی وزارت سلطان سنجر بن ملکشاه را داشته، و به سعایت خواجه فخر الملك از کار برکنار، و محبوس شد.

سپس به رسالت سلطان بهرام شاه [رفته]، و منصب ندیمی او را یافته، و تا هنگام مرگ در این شغل بوده است.[866]

ابو الفتح اصفهانی

ابو الفتح خالد بن عمر بن محمّد بن عبد الله بن محمّد بن علیّ بن اسحاق غازی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری، شیخ صالح ثقه بوده، و به اقامه نماز جمعه و جماعت مواظبت داشته است، تولّدش در سال 450 و اندی بوده است.[867]

ابو الفتح اصفهانی

ابو الفتح محمّد بن احمد بن سمکویه اصفهانی حافظ مفید، در سال 407 ق در اصفهان متولّد گردیده، جهت اخذ حدیث به هرات و ماوراءالنّهر و عراق مهاجرت کرده، در سال 482 در نیشابور وفات یافته، و در مقبره شهنبر مدفون گردیده است. ابو سعد (ابو سعید) محمّد بن جامع بن ابو نصر بن ابراهیم صیرفی ضرّاب نیشابوری از او اخذ حدیث کرده است.[868]

ابو الفتح اصفهانی

ابو الفتح محمّد بن قاسم بن فضل اصفهانی، از دانشمندان قرن پنجم و ششم هجری. در علم ریاضیّات، از بزرگان و اساتید عهد خویش بوده، و مورد توجّه و عنایت ابو کالیجار

اعلام اصفهان، ص: 307

گرشاسف بن علیّ بن فرامرز پنجمین پادشاه کاکویه اصفهان و همدان بوده است. از اساتید و شاگردان و تولّد و وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ ولی تا سال 513 ق در قید حیات بوده است. تألیفاتی از خود به جای گذاشته که از آن جمله است:

1. تلخیص مخروطات اپولونیوس، مقاله اوّل تا چهارم مخروطات توسّط هلال بن ابی هلال حمصی و مقاله پنجم تا هفتم توسّط ثابت بن قرّه حرّانی به عربی ترجمه شده، و ابو الفتح اصفهانی تحریر تازه‌ای از این هفت مقاله فراهم آورده است.[869]

ابو الفتح اصفهانی

ابو الفتح محمود بن حسین بن محمّد بن حسین اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی از ابو محمّد رزق الله تمیمی و ابو عبد الله قاسم بن فضل ثقفی روایت می‌کند. ابو سعد سمعانی از وی نقل حدیث نموده است. تولّد او در حدود سال 480 ق، و فوت او در شوّال 552 در اصفهان روی داده است.[870]

---

865 . الانساب، ج 1، ص 160؛ اللّباب، ج 1، ص 138؛ آتشکده اردستان، ج 2، صص 262- 263؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 70.
866 . آثار الوزراء، ص 233.
867 . التّحبیر، ج 1، ص 261.
868 . التّحبیر، ج 2، ص 103.
869 . دائرةالمعارف فارسی، ج 1، ص 26؛ تاریخ ادبیّات در ایران، ج 1، صص 334- 335؛ زندگی‌نامه ریاضی‌دانان دوره اسلامی، ص 92- 98؛ کارنامه ایرانیان در زمینه نوآوری‌های ریاضیّات، نجوم، گاهشماری، ص 112؛ گاهنامه، سیّد جلال الدّین تهرانی، ص 82؛ دائرةالمعارف دانش بشر، ص 89.
870 . التّحبیر، ج 2، ص 278.

ابو الفتح اصفهانی

ابو الفتح منصور بن حسن بن علی اصفهانی، از دانشمندان قرن پنجم و از معتزله بوده، و در سال 442 ق وفات یافته است.[871]

ابو الفتح انصاری

ابو الفتح انصاری از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان

حدیث و کلام متقدّم بر عصر خود آورده است.[872]

ابو الفتح اوژن بختیاری

سرهنگ ابو الفتح اوژن فرزند هادی خان فرزند رضا قلی خان ایل‌بیگی بختیاری، شاعر و نویسنده ادیب در سال 1324 قمری در چهار محال بختیاری متولّد شد. تحصیلات خویش را در مولد خود و اصفهان و تهران به پایان رسانید. از سال 1312 شمسی وارد دانشکده افسری گردید. سال‌ها به انجام‌وظیفه در ارتش پرداخت. شعر نیز می‌سرود. ابتدا «محزون» تخلّص داشت، و بعدا آن را به «اوژن» تبدیل نمود. تألیفات ایشان عبارت‌اند از:

1. قصّه زمستانی 2. طوفان 3. دو جوان 4. همان‌که دلت می‌خواهد (از افسانه‌های شکسپیر)، مطبوع 5. خاطرات گذشته 6. داستان ماهرخ و ماهیار 7. شعرای دو قرن اخیر چهار محال و بختیاری، مطبوع.

از اشعار او است:

هرکه آمد در جهان یك‌چند روزی بود و رفت آن هم آخر از تحسّر دست برهم سود و رفت[873]

[سرهنگ اوژن در 18 بهمن 1360 ش در تهران وفات یافت].[874]

ابو الفتح حدّاد

ابو الفتح احمد بن محمّد بن احمد حدّاد تاجر اصفهانی، از محدّثین مشهور اصفهان در قرن پنجم هجری است. در سال 408 ق متولّد شد، در نظامیّه نیشابور تحصیل کرد، و در آنجا با امام محمّد غزالی در درس امام الحرمین جوینی حاضر شد. از ابو عبد الله کازرونی نیز استفاده علمی برده است.

استاد همایی معتقد است وی در نظامیّه بغداد تدریس نموده است. ابو طاهر سلفی، علیّ

بن احمد یزدی، طامذی و ابو محمّد حسین بن حسن مرورودی از او استماع حدیث کرده‌اند. ابو الفتح حدّاد نوه دختری ابی عبد الله بن منده است، و سال‌ها مجاور مکّه معظّمه بوده است. علاوه بر حدیث، در قرائت نیز از اساتید و دانشمندان آن علم بوده، و بسیاری از قاریان آن عهد از او روایت قرائت دارند.

وی در ذی‌قعده سال 500 ق وفات یافته است.[875]

---

871 . هزاره شیخ طوسی، ج 1، ص 139؛ محاسن اصفهان، ص 30.
872 . محاسن اصفهان، ص 30.
873 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص 72- 73.
874 . کتاب انزان، کتاب اوّل، ص 182.

ابو الفتح دانشور بختیاری

میرزا ابو الفتح بختیاری متخلّص به «دانشور»، شاعر معاصر در حدود سال 1300 قمری متولّد شد، و در مکاتب قدیم، کمی درس خواند، سپس در زادگاه خویش قهفرخ به امور زراعتی مشغول گردید. گاهی شعر می‌سرود.

[از او است:

بر یار دلستانم باد صبا خدا را برگو شکستی آخر قلب درست ما را[876]]

ابو الفتح بن ابی العیاض

ابو الفتح بن ابی العیاض، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم در رشته صرف و نحو و لغت و انشاء، ذکر نموده است.[877]

ابو الفتح بنجری

ابو الفتح بنجری، از دانشمندان کلام و حدیث است، و مافرّوخی او را از دانشمندان مقدّم بر عصر خویش دانسته است.[878]

اعلام اصفهان، ص: 310

ابو الفتح دهقان سامانی

ابو الفتح سامانی متخلّص به «دهقان» فرزند بابا خان، شاعر و ادیب مشهور، در سال 1261 ق (و یا به قولی 1240 ق) در قریه «سامان» متولّد شد. از نوجوانی طبع شعر داشت، به اصفهان آمد، و در انجمن ادبی ابو الفقراء شرکت کرد، و با شعرای اصفهان مأنوس و رفیق شد[879] و ضمن آن، در مدرسه جدّه ساکن شد، و به تحصیل مشغول گردید، و از اساتیدی همچون آخوند کاشی و شیخ حسن شیرازی بهره گرفت. در بهار و تابستان در زادگاه خود به زراعت و فعّالیت مشغول بوده، و در زمستان به اصفهان می‌آمده، و در محافل شعراء و فضلاء شرکت می‌نموده است. انواع شعر را با مهارت می‌گفته، خصوصا در غزل، طبعی توانا داشته، و با آتش اصفهانی رقابت داشت. اشعار و آثارش را مدوّن ساخت؛ از آن جمله است:

1. شکرستان، مطبوع 2. مثنوی سلیمان و بلقیس شامل هفتصد بیت 3. مثنوی داود و طالوت و جالوت شامل ششصد و پنجاه بیت 4. هزارویك‌شب (که نظم الف لیل و لیلة می‌باشد، در حدود هفتاد هزار بیت که شاهکار ادبی است، مطبوع 5. باستان‌نامه، شامل اشعار تاریخی و افسانه‌های تاریخی «دهقان». سرانجام در سال 1326 ق در قریه سامان وفات یافت، و همان جا مدفون گردید. میرزا ابو القاسم ذوقی در تاریخ وفات او گوید:

مرغ طبع ذوقی خواند مصرعی به تاریخش: »در حدیقه‌ها بارم لاله کار شد دهقان«

و آتش اصفهانی هم در قطعه‌ای مادّه تاریخ فوت دهقان را چنین یافته:

زد خامه آتش رقم سال وفاتش: »از داس اجل گشت درو حاصل دهقان«

---

875 . التّحبیر، ج 1، ص 229؛ مدارس نظامیه، صص 102 و 145.
876 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 193.
877 . محاسن اصفهان، ص 32.
878 . محاسن اصفهان، ص 29.
879 . اصفهان(کتاب جوانان)، ص 248.

و این اشعار از او است:

ماه من آفتاب تابد صبح | تو به وقت غروب آمده‌ای
فرد مانند استخاره بیا | تا بدانم که خوب آمده‌ای

ای دل‌آشفته چو زلفش شده کار من و تو | بی‌رخش فتنه ز کف صبر و قرار من و تو
کوه بگداخته از ناله آه تو و من | ابر بگریسته بر حالت زار من و تو

میر ابو الفتح فندرسکی

میر ابو الفتح حسینی معروف به «میر میران» فرزند میر ابو القاسم فندرسکی، در اصفهان ساکن بوده، از آثار او: کتابت نسخه‌ای از تهذیب الاحکام شیخ طوسی، به خطّ نسخ در اصفهان، که به شماره 303 در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، در تهران موجود است.[880]

همچنین نسخه‌ای از حاشیة علی القواعد تألیف شیخ علیّ بن عبد العالی کرکی را به خطّ نسخ در سال 1065 کتابت نموده است[881]، و نیز نسخه‌ای از شرح تذکره خواجه نصیر الدّین طوسی از شمس الدّین محمّد خفری که آن را در شنبه 27 رجب 1043 ق در اصفهان به خطّ نستعلیق کتابت نموده، به شماره 817 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[882]

ابو الفتح کجوری

ابو الفتح بن پاشا فریدون کجوری، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری بوده، از آثار او: کتابت نسخه‌ای از حاشیه شرح تجرید جدید دوانی را به خطّ نستعلیق در رجب 1093 در دارالسّلطنه اصفهان است، نسخه به شماره 85 در کتابخانه مرعشی قم موجود است.[883]

سیّد ابو الفتح خوراسکانی

سیّد ابو الفتح بن محمّد حسینی خوراسکانی، عالم فاضل ادیب، اصلا از اهالی خوراسکان جی اصفهان بوده، در اصفهان نزد عدّه‌ای علماء همچون ملّا محمّد تقی مجلسی

تحصیل کرده، و اجازه از او دریافت داشته است.[884] وی در حین تحصیل، چندین جلد کتاب حدیثی را همچون کافی، استبصار، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و خصال را کتابت کرد، نسخه‌های آن موجود است.[885] صاحب عنوان تا سال 1091 در قید حیات بود[886].

---

880 . فهرست سپهسالار، ج 1، ص 237.
881 . الکواکب المنتشره، ص 391.
882 . فهرست کتب اهدایی مشکاة، ج 4، ص 910.
883 . فهرست مرعشی، ج 1، ص 105.

ابو الفتح ورزرده

ابو الفتح معروف به «ورزرده» از دانشمندان اصفهان است، مافرّوخی از او به عنوان یکی از دانشمندان متقدّم، و در ردیف فلاسفه، اطبّاء، منجّمین و ریاضی‌دانان یاد کرده است.[887]

ابو الفتوح اصفهانی

ابو الفتوح بن محمّد تقی اصفهانی، از نویسندگان و خطّاطان قرن دوازدهم هجری است. از آثار او نسخه‌ای از تفسیر صافی تألیف مولی محسن فیض کاشانی است از سوره مائده تا سوره اسری (بنی اسراییل) که آن را به خطّ نسخ در سال 1174 کتابت نموده است.

نسخه کتاب در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم به شماره 1572 موجود است.[888]

ابو الفتوح اصفهانی

ابو الفتوح اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و کتاب نکت الفصول از تألیفات او است.[889]

ابو الفتوح اصفهانی

ابو الفتوح [بن] محمّد صالح اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری است. وی در سال 1119 جزء اوّل و دوم کتاب من لا یحضره الفقیه را نوشته، کتاب

به شماره 418 در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.[890]

ابو الفتوح عجلی

ابو الفتوح منتجب الدّین اسعد بن ابی الفضائل محمود بن خلف بن احمد بن محمّد عجلی اصفهانی، فقیه، واعظ و محدّث شافعی در قرن ششم هجری است.

در سال 515 ق در اصفهان متولّد شده، و جهت کسب علم به شهرهای مختلف سفر کرده، و نزد اساتید زیادی تحصیل نموده است. او از دسترنج خویش، و با شغل ورّاقی و صحّافی اعاشه می‌نموده، و در فقه شافعی از اجلّه فقهاء و علمای عهد خویش بوده، سرانجام در روز 20 صفر 600 ق در اصفهان وفات یافت، و در قبرستان طوقچی در بقعه امامزاده ابراهیم مدفون گردید. مقدّس اردبیلی در حدیقة الشّیعة به تقبیح مردم اصفهان پرداخته که آن‌ها به گمان وجود قبر ابو الفتوح رازی مفسّر شیعی، به زیارت قبر ابو الفتح عجلی شافعی سنّی می‌روند.

[شاردن سیّاح فرانسوی که مدّتی در اصفهان بوده، نقل می‌کند که قبر ابو الفتوح عجلی در قبرستان چملان (سنبلستان) بود، و مردم به زیارت آن می‌رفتند تا اینکه یك عالم و واعظ معروف به نام میرلوحی عنوان نمود که این قبر، متعلّق به عالمی سنّی است، و به تحریك او مردم، قبر و مزار ابو الفتوح عجلی را خراب کردند].

کتب زیر از او است:

1. آفات الواعظ 2. تتمّة التّتمّة، در فقه شافعی (تتمّة الابانة تألیف عبد الرّحمن بن امول شافعی متوفّای 487 ق، این کتاب، تتمیم کتاب ابانه تألیف شیخ ابو القاسم فورانی متوفّای سال 461 ق است) 3. شرح مشکلات الوجیز خزالی در فروع 4. شرح مشکلات

---

[884] . الرّوضة النّضره، ص 429.
[885] . فهرست مجلس، ج 11، ص 160؛ تراجم الرّجال، ج 2، ص 42؛ فهرست مرعشی، ج 11، ص 44.
[886] . فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص 506.
[887] . محاسن اصفهان، ص 34.
[888] . فهرست مدرسه فیضیه، ج 1، ص 1754.
[889] . احقاق الحق، ج 15، ص 9.
[890] . فهرست سپهسالار، ج 1، ص 330.

الوجيز (غير از كتاب قبل) 5. شرح مهذّب تأليف ابى اسحاق شيرازى، در فروع 6. الايضاح، كه در كتابخانه آستان قدس رضوى به شماره 5462 نگهدارى مى‌شود 7. الموجز فى فضل

اعلام اصفهان، ص: 314

الخلفاء الاربعة[891].

ابو الفتوح قمشه‌ای

ابو الفتوح قمشه‌ای، عالم فاضل، و در قرن دوازدهم می‌زیسته است، و حواشی به شرح اصول کافی نگاشته که آن را فرزندش محمّد مهدی قمیشه‌ای در نسخه‌ای از کتاب مرقوم که در تاریخ 26 شعبان 1133 ق از کتابت آن فراغت یافته، نقل نموده است.[892]

ابو الفتوح گلستانه*

ابو الفتوح گلستانه، خوشنویس خطّ نستعلیق بوده، و در اواخر حکومت صفویّه می‌زیسته، از آثار او کتیبه‌ای گچبری در مدرسه نیماورد اصفهان است.[893]

ابو الفرج اصفهانی

ابو الفرج اصفهانی، علیّ بن حسین بن محمّد بن احمد بن هیثم بن عبد الرّحمن بن مروان بن عبد الله بن مروان حمار، ادیب نحوی، لغوی، مورّخ، کاتب و شاعر قرن چهارم هجری.

در سال 284 ق در اصفهان متولّد شد، و در بغداد نشو و نما یافته، و تحصیل نموده، و باقی عمر را تحت حمایت آل بویه به خصوص مهلّبی وزیر گذرانیده، سرانجام در 14 ذی‌حجّه 356 ق وفات یافته است. معروف است که وی شیعه زیدی بوده، و اینکه او از

اعلام اصفهان، ص: 315

نسل امویان است، و شیعه نیز هست، از نوادر و عجایب شمرده می‌شود؛ امّا آنچه به نظر می‌رسد، او، شیعه بودن را بهانه‌ای برای بیان مطاعن بنی عبّاس قرار داده، و آنجا که به مطاعن بنی امیّه می‌رسد به دیده اغماض نگریسته، و به‌طور اجمال برگزار می‌کند.

و دیگر آنکه در وصف خاندان خویش (امویان) کتاب‌ها نوشته، و به اندلس (اسپانیا) نزد خلفای اموی فرستاده، و هدایا دریافت نموده است.

این کتاب‌ها از او است:

1. آداب الغرباء 2. اعماد الشواعر 3. اغانی الکبیر، در باب انواع آوازها و الحان، مغنّیان و خوانندگان و شرح حال آنان که در قاهره و بولاق مصر و نیز لیدن به طبع رسیده است 4. ایّام العرب 5. التّعدیل و الانصاف 6. جمهرة النّسب 7. الدّیارات 8. کلام فاطمة- علیها السّلام- فی الفدك 9. ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین و اهل بیته علیهم السّلام 10. مقاتل الطّالبین، در باب احوال شهدای خاندان ابو طالب که آن را در سال 313 ق تألیف نموده، و از معروف‌ترین تألیفات او است. بارها به طبع رسیده، و به فارسی نیز ترجمه گردیده است.

درباره زندگی او محمّد احمد خلف الله کتابی به نام صاحب الاغانی تألیف نموده که به چاپ رسیده است.[894]

---

[891] . الاعلام، ج 1، ص 294؛ ذیل کشف الظّنون، صص 49 و 91؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 204؛ ریحانة الادب، ج 7، ص 226؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 137؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 173- 174؛ طبقات الشّافعیة، اسنوی، ج 2، صص 196- 197؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 498؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 293 و 376؛ معجم المؤلّفین، ج 2، ص 248؛ روضات الجنّات، ج 2، ص 6؛ الکنی و الالقاب؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« اسد»، ص 2307؛ فرهنگ بزرگان اسلام ایران، ص 92؛ سفرنامه شاردن(قسمت اصفهان)، ص 117؛ احقاق الحق، ج 2، ص 449؛ کشف الظّنون، ج 1، ص 1؛ مزارات اصفهان، صص 73- 74.

[892] . الذّریعة، ج 13، ص 98؛ الکواکب المنتشره، ص 580؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص 84.

[893] . گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 682؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 181.

ابو الفرج بن واوا

از شعراء و ادبای اصفهان است. وی به عربی شعر می‌سروده، و این بیت در وصف اصفهان از او است:

اعلام اصفهان، ص: 316

الوانها شتّی الفنون و انّ غذیت بماء واحد فی منهل[895]

ابو الفرج بن یوحنّا

حکیم ابو الفرج بن یوحنّا، از حکماء و فلاسفه قرن پنجم هجری، و معاصر مافرّوخی است.[896]

ابو الفرج بن یونس

ابو الفرج بن یونس، از ادباء و دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم صرف و نحو و لغت و انشاء آورده است.[897]

ابو الفرج صیرفی اصفهانی

شیخ ابو الفرج سعید بن ابی الرّجاء صیرفی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری. در سال 444 ق متولّد شده، و قطب الدّین راوندی در کتاب الخرائج و الجرائح برخی اخبار را از او روایت کرده است.

صاحب عنوان، ظاهرا از علمای شیعه است.[898]

ابو الفضل

الاستاد الأعزّ ابو الفضل، از ادبای اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، ذکر کرده است.[899]

اعلام اصفهان، ص: 317

ابو الفضل اصفهانی

ابو الفضل اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از احمد بن عبد الله روایت می‌کند، و ابی الفتح بن البطی از وی نقل حدیث می‌نماید.[900]

---

894 . نوابغ الرّواة، ص 183؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 225- 226؛ احقاق الحق، ج 12، ص 243؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص 379؛ رجال ابن داود، ج 1، ص 26؛ جامع الرّواة، ج 2، ص 409؛ الاعلام، ج 5، ص 88؛ دائرةالمعارف العشرین، فرید وجدی، ج 1، ص 385؛ هدیة الاحباب، ص 42؛ الکنی و الالقاب، ج 1، ص 138؛ روضات الجنّات، ج 5، ص 211؛ مرآة الجنان، ج 2، ص 359؛ مجمل فصیحی، ج 2، ص 74؛ تاریخ ادبیّات، صفا، ج 1، ص 642؛ الذّریعة، ج 2، صص 249- 250 و ج 21، ص 376؛ دائرةالمعارف فارسی، ج 1، ص 26، اصفهان(کتاب جوانان)، ص 206؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 1، صص 977- 978؛ امل الآمل، ج 2، ص 108؛ ریحانة الادب، ج 7، ص 236؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« ابو الفرج»، ص 716؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 174- 175.

895 . محاسن اصفهان، ص 49.

896 . محاسن اصفهان، ص 35.

897 . محاسن اصفهان، ص 32.

898 . ریاض العلماء، ج 1، ص 418؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 277؛ اعیان الشّیعة، ج 34، ص 230؛ الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 577- 582؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 669.

899 . محاسن اصفهان، ص 32.

میرزا ابو الفضل اعلامی

میرزا ابو الفضل اعلامی نایینی اصفهانی فرزند میرزا ابو تراب ثقةالاسلام نایینی اصفهانی و از فارغ‌التّحصیل‌های دانشسرای عالی می‌باشد که کتب چندی در ریاضیّات تألیف نمود، آن‌ها را به طبع رسانید، و در این اواخر وفات یافت.[901]

شیخ ابو الفضل خوانساری

شیخ ابو الفضل بن ملّا احمد بن شیخ محمّد حسین خوانساری، عالم کامل و فقیه متبحّر. در ذی‌حجّه 1334 ق در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد شد. در اصفهان نزد سیّد احمد مقدّس، شیخ هبة الله هرندی، میرزا علی آقا شیرازی، شیخ محمّد حسن عالم نجف‌آبادی و شیخ احمد فیّاض به تحصیل پرداخت. سپس به نجف اشرف عزیمت، و سطوح عالی را نزد آیت‌الله‌العظمی خویی و میرزا محمّد باقر زنجانی طی نمود. آن‌گاه در درس خارج آیات عظام، سیّد ابو الحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدّین عراقی، سیّد ابو القاسم خویی، شیخ محمّد حسین کمپانی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، سیّد عبد الهادی شیرازی، سیّد محسن حکیم، سیّد محمود شاهرودی، شیخ موسی خوانساری و شیخ محمّد علی کاظمینی حاضر شد. شرح منظومه و شوارق را نزد شیخ صدرا بادکوبه‌ای فراگرفت، و از محضر عارف کامل میرزا علی آقا قاضی تبریزی نیز بهره برد.

او در 25 سالگی از آیات عظام، اصفهانی و عراقی اجازه اجتهاد، و از شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت دریافت نمود. وی در اثر ابتلا به عارضه ریوی، مجبور به مهاجرت به ایران و اقامت در قم گردید، و در آنجا ضمن استفاده از محضر درس آیت‌الله‌العظمی

بروجردی، به تدریس سطوح عالی، خارج فقه و شرح منظومه پرداخت. وی از طرفداران نهضت مقدس امام خمینی بود، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فرمان او به امامت جمعه شهر اراك منصوب شد.

او در اواخر عمر، در قم ساکن شد، و به تدریس پرداخت تا آنکه در یك‌شنبه 26 رجب 1422 ق وفات یافت، و در مسجد بالاسر حضرت معصومه- سلام الله علیها- مدفون گردید.

آثار عبارت‌اند از: 1. یك دوره کوتاه «اصول» 2. توضیح المسائل 3. الجوهر النّضید فی شرح فروع التّقلید 4. حاشیه عروة الوثقی 5. حاشیه کفایة الاصول 6. حاشیه مکاسب 7.

الحکم الظّاهری و الواقعی 8. رساله در «طهارت و صلاة» 9. قاعدة الفراغ و التّجاوز[902]

ابو الفضل همایی «شادمان»

میرزا ابو الفضل همایی متخلّص به «شادمان» شاعر و نویسنده ادیب، فرزند میرزا ابو القاسم طرب. در سال 1324 قمری در اصفهان متولّد شد، و از همان اوان کودکی به کسب فضل کمال پرداخت، پس از تکمیل دوره دبیرستان، در خارج از مدرسه به کسب علوم قدیمه و زبان فرانسه و انگلیسی پرداخت، بعدا نیز وارد دانشسرای عالی، و ازآنجا فارغ التّحصیل شد، و از سال 1305 خورشیدی، وارد خدمت فرهنگ گشت. علاوه بر تبحّر در شعر، در خط نیز از اساتید محسوب می‌شد.

تألیفات او عبارت‌اند از: 1. سیر و تحوّل نثر فارسی در ادوار مختلف 2. رهبر ایمان یا ترجمه قرآن 3. دیوان اشعار[903] وی در سال‌های اخیر وفات کرد و در باغ رضوان مدفون شد.

شیخ ابو الفضل معزّی*

حاج شیخ ابو الفضل معزّی فرزند ملّا محمّد اسماعیل معزّی عالم فاضل و خطیب توانا.

---

900 . احقاق الحق، ج 8، ص 252.
901 . تاریخ نایین، ج 4، ص 55.
902 . معجم رجال الفکر و الادب، ص 35؛ گنجینه دانشمندان، ج 2، صص 74- 75؛ یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی.
903 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 260.

در سال 1304 ش در اصفهان متولّد شدند. تحصیلات خود را در حوزه علمیّه اصفهان آغاز نمود. پس از وفات پدر، به نجف اشرف هجرت نمود، و نزد علمای آن دیار به تحصیل پرداخت، سپس به اصفهان بازگشت، و به تبلیغ و ترویج دین و وعظ و خطابه پرداخت.

وی خطیبی توانا، عالمی خوش‌خلق و خوش‌بیان و نیك‌محضر بود. در جریان مبارزات ملّی شدن صنعت نفت از طرفداران آیت‌الله کاشانی بود، و در اصفهان از ارادتمندان حاج شیخ محمّد باقر زند کرمانی به شمار می‌رفت. او در سال 1379 ش وفات نمود، و در صحن مقبره علّامه مجلسی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفات او را آقای فضل الله اعتمادی (برنا) چنین سروده:

به‌سوی گلزار جاویدان نهاد از دار فانی رو — خطیب خوش‌بیان خیّر خوش‌محضر خوش‌خو

نوشت از بهر تاریخ وفاتش خامه «برنا:« — »ابو الفضل معزّی ناطق علّام زاهد کو[904]«

سیّد ابو الفضل صفوی*

حاج سیّد ابو الفضل موسوی صفوی فرزند حاج سیّد جلال، عالم فاضل و خطیب توانا، در حدود سال 1347 ق در قصبه ریز [زرّین شهر کنونی] متولّد شد، و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود طی کرد. سپس به همراه والد خود به اصفهان آمده، نزد علمای گران‌قدری چون ابو طالب مصطفایی نجف‌آبادی، شیخ عبّاس علی ادیب، شیخ محمّد علی حبیب‌آبادی، ملّا هاشم جنّتی، شیخ محمّد حسن نجف‌آبادی، شیخ محمود مفید، سیّد مهدی حجازی سدهی، شیخ مرتضی اردکانی، آیت‌الله بهبهانی، حاج آقا رحیم ارباب، علّامه فانی، حاج سیّد محمّد رضا خراسانی، حاج شیخ حسن صافی و شیخ محمد باقر زند کرمانی به تحصیل پرداخت و سپس به وعظ و خطابه و سخنرانی‌های مذهبی روی آورد. وی مدّتی در چهارمحال و بختیاری به مبارزه با فرقه ضالّه بهاییّت پرداخت. همچنین هفده سال در

اعلام اصفهان، ص: 320

شهرهای مختلف خوزستان به ارشاد و راهنمایی مردم مشغول بود.

او از شاگردان و علاقه‌مندان خاص عالم جلیل آیه الله زند کرمانی بود.[905] وی در سال 1382 ش وفات یافت. مادّه تاریخ وفات او را آقای احمد خلیلیان چنین سروده است:

خواست تاریخ وفاتش را «خلیل» از طبع خویش — تا به نظم آرد ز ابجد سال تاریخ ورا

زاهدی سر کرد در جمع «خلیل» و خوش سرود: — »سیّد ما رفت نزد جدّ پاکش مصطفی[906]

شیخ ابو الفضل کلباسی*

حاج شیخ ابو الفضل کلباسی فرزند شیخ محمّد حسن بن حاج شیخ محمّد جعفر بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل. در اصفهان ساکن بود، و به زهد و تقوا و صلاح شهرت داشت. در سال 1345 ق وفات یافت، و در تکیه میرزا ابو المعالی کلباسی مدفون شد.[907]

---

904 . وفیات علمای معاصر اصفهان، تألیف آقای رحیم قاسمی، نسخه خطّی.
905 . نقل از یادداشت‌های محقّق ارجمند جناب آقای حاج شیخ محمّد زاهد نجفی.
906 . نقل از یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر)، نسخه خطّی.
907 . خاندان کلباسی، صص 193- 194.

سیّد ابو الفضل مشکاة الواعظین

حاج سیّد ابو الفضل امامی عریضی (درب امامی) ملقّب به «مشکاة الواعظین» فرزند حاج میرزا محمّد حسین، از وعّاظ و منبریان مشهور اصفهان بوده، و در سال 1392 ق به سنّ متجاوز از هشتاد سال وفات یافت، و [در تکیه جویباره‌ای‌ها در تخت فولاد مدفون شد].[908]

میرزا ابو الفضل خاتون‌آبادی

حاج میرزا ابو الفضل خاتون‌آبادی بن حاج میرزا حسین نایب الصّدر و برادر حاج میر محمّد صادق مدرّس خاتون‌آبادی، عالم فاضل زاهد. در اصفهان متولّد و نزد علمای

شهر تحصیل کرد، و سپس به انجام وظایف شرعی پرداخت. در مسجد ساروتقی و مدرسه ملّا عبد الله اقامه نماز جماعت می‌نموده، و در مدرسه ملّا عبد الله تدریس می‌کرده است. در شب دوشنبه 11 رمضان المبارك 1388 در تهران وفات یافت و در قم مدفون گردید.[909]

میرزا ابو الفضل بیدآبادی

میرزا ابو الفضل بن میرزا زین العابدین موسوی بن سیّد محمّد باقر شفتی، عالم فاضل، معروف به «آقاجان». در موقع شورش مردم اصفهان علیه حاکم ستمگر شهر در سال 1265 ق و بست نشستن مردم در مسجد سیّد، از مأموران دولت، اهانت‌ها دید و متحمّل رنج‌های فراوان شد. وفاتش بعد از سال 1265 ق روی داد، و در مسجد سیّد مدفون شد.[910]

شیخ ابو الفضل ریزی

حاج شیخ ابو الفضل بن آقا شیخ عبد الوهاب ریزی لنجانی عالم عامل و فقیه و اصولی محقق، در قصبه ریز [زرّین شهر فعلی] متولّد شد، و در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله جهانگیر خان قشقایی[911] تحصیل نمود، سپس به نجف اشرف رفت، و نزد اساتید آنجا تلمّذ نمود، و از اساتید خود به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردید که عبارت است از اجازه از حاج میرزا حبیب الله رشتی و آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی و آخوند خراسانی.

آن‌گاه به اصفهان مراجعت کرد[912]، [و در زادگاه خود مرجع امور شرعی بود، لکن به علّت سکونت در آنجا شهرت و مرجعیّتی نیافته است. وی در سال 1330 ق در زادگاه خود وفات یافت].

جنازه به اصفهان منتقل، و در تکیه برادرش شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.[913]

شیخ ابو الفضل نجفی

حاج شیخ ابو الفضل نجفی بن حاج شیخ محمّد علی ثقةالاسلام بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی اصفهانی، عالم فاضل، در سال 1309 ق در اصفهان متولّد شد، و در این شهر و نجف اشرف به تحصیل پرداخت. از جمله اساتید او آقا ضیاء الدّین عراقی است، همچنین حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی جهت او اجازه نوشته است.

وی در علم تاریخ مهارتی بسزا داشت، و سرانجام در ظهر جمعه 25 ربیع الاوّل 1391 ق در اصفهان وفات یافت، و پیکرش به قم حمل، و آنجا به خاك سپرده شد.[914]

---

908 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 155.
909 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص 380.
910 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 146؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 376؛ بیان المفاخر، ج 2، صص 148 و 158 و 171؛ مزارات اصفهان، ص 164.
911 . نقباء البشر، ج 1، ص 54.
912 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 175- 176.
913 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 85؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 124.

شیخ ابو الفضل واعظ

شیخ ابو الفضل بن آخوند ملّا محمّد علی واعظ نیماوردی اصفهانی، عالم فاضل، در سال 1300 ق متولّد گردیده، و در نجف نزد آخوند خراسانی و میرزا محمّد حسین نایینی تحصیل نموده است. در معجم رجال الفکر و الادب درباره او می‌نویسد: «عالم فاضل ورع مجتهد تقی». در سال 1332 ق در جوانی وفات یافت. وی تقریرات اساتید خود را نوشته، و در سال 1357 هجری رساله مباحث شروط از آثار او در 58 صفحه به چاپ رسیده است.[915]

شیخ ابو الفضل قدسی نجفی*

شیخ ابو الفضل قدسی نجفی فرزند عبد الحسین انتظام قدسی در سال 1322 ق متولد شد. پس از تحصیل در دبیرستان گلبهار به حوزه علمیه رفت و از درس اساتیدی چون شیخ علی مدرس یزدی، میرزا ابو الهدی کلباسی و حاج آقا رحیم ارباب بهره برد. در سال 48 ق به نجف اشرف مهاجرت نمود و از درس سید جمال الدّین گلپایگانی، سید محسن حکیم و سید محمود شاهرودی استفاده کرد و پس از 25 سال به ایران بازگشت و در تهران

ساکن شد. در تهران مسجد یاسین را تأسیس کرد و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. وی در سال 1402 ق وفات یافت و در قم مدفون شد. کتاب قرآن و عترت از او به چاپ رسیده.[916]

ابو الفضل حدّاد

ابو الفضل حدّاد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از محدّثین بغداد و اصفهان نقل حدیث نموده، کتاب حلیه او را در بغداد روایت کرده، و در سال 486 ق وفات یافته است.[917]

سیّد ابو الفضل کاظمی*

سیّد ابو الفضل کاظمی، عالم فاضل. در روستای «شیخ شبان» از توابع اصفهان متولّد شد. دروس مقدّماتی را در اصفهان فراگرفت، آنگاه به قم رفت، و سطح را نزد آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی فراگرفت، و پس از آن، در درس خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی و سیّد محمّد محقّق داماد شرکت نمود.

او پس از فراغت از تحصیل، در شهر ری ساکن شد، و در مسجد امیر المؤمنین در خیابان 24 متری شهر ری به اقامه جماعت پرداخت. از خدمات او تأسیس قرض الحسنه و رفع نیازهای شرعی مردم بود. سرانجام در 29 دی‌ماه 1362 ش براثر ابتلاء به سرطان حنجره وفات یافت، و در حرم حضرت عبد العظیم علیه السّلام مدفون گردید.[918]

ابو الفضل کوکبی

ابو الفضل کوکبی از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین، و از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده است.[919]

شیخ ابو القاسم اشراقی

شیخ ابو القاسم اشراقی قمشه‌ای، عالم فاضل، واعظ کامل. در زادگاه خود قمشه، و سپس در اصفهان نزد شیخ محمّد حکیم خراسانی و شیخ محمود مفید تلمّذ کرد، و به وعظ و ارشاد پرداخت. مدّتی به تدریس منظومه در حکمت مشغول بود، و بعدا به

---

[914] . مکارم الآثار، ج 6، ص 1976؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج 3، صص 24- 26.
[915] . معجم رجال الفکر و الادب، ص 34؛ نقباء البشر، ج 1، ص 52.
[916] . تربت پاکان قم ج 1 ص 252.
[917] . مرآة الجنان، ج 3، ص 142.
[918] . اختران فروزان ری و تهران، ص 98؛ یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.
[919] . محاسن اصفهان، ص 32.

تدریس در دبیرستان‌های اصفهان پرداخت. سرانجام در جمعه 8 ذی القعدة الحرام 1389، در سنّ هفتاد و اندی وفات یافت، و در تکیه امام جمعه در تخت فولاد مدفون شد.[920]

ابو القاسم اصفهانی

ابو القاسم اصفهانی ادیب فاضل، خطّاط قرن دهم هجری. از آثار او کتابت نسخه‌ای است از کتاب قواعد تألیف شهید- علیه الرّحمه- که آن را در سال 969 نوشته است، نسخه در کتابخانه فاضلیّه مشهد مقدّس بوده است.[921]

ابو القاسم اصفهانی

ابو القاسم اصفهانی در سال 1267 نسخه‌ای از کتاب کشف الاسرار آخوند تویسرکانی را به خطّ نسخ کتابت نموده، نسخه به شماره 7390 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است.[922]

ابو القاسم اصفهانی

ابو القاسم اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن سیزدهم هجری. خطّ نسخ را با مهارت و استادی می‌نوشت، و به کتابت قرآن مجید و ادعیه روزگار می‌گذرانید، عاقبت در سال 1220 ق در اصفهان وفات یافت. یك نسخه قرآن مجید مورّخ 1220 ق به خطّ زیبای او در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.[923] در مرقّع شماره 353 کتابخانه دانشکده ادبیّات

اعلام اصفهان، ص: 325

دانشگاه فردوسی مشهد، نمونه‌ای از خطّ او وجود دارد.[924]

میرزا ابو القاسم اصفهانی

حاج میرزا ابو القاسم اصفهانی، عالم فاضل، اجازه او جهت مرحوم حاج شیخ محمّد نبی تویسرکانی در پشت نسخه فصل الخطاب تألیف حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی اصفهانی نقل شده است. نسخه به شماره 1495 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم موجود است.[925]

ابو القاسم اصفهانی*

[ابو القاسم اصفهانی از فضلای اصفهان بوده، و در فنون ادب و انشاء و خط استاد بوده، چندی در تهران به سر برده، و سپس منشی عبّاس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه قاجار شده، و در رکاب او در جنگ‌های ایران با روسیّه شرکت کرده، و مدّتی هم اداره حکومت آذربایجان با او بوده است.

شعر هم می‌سروده، از آن جمله است:

نوبهار است بیا تا طرف از سر گیریم — سال نو باز غم کهنه ز دل برگیریم

سبحه گر باید از آن زلف مسلسل سازیم — مصحف ار شاید از آن زلف معنبر گیریم[926]]

ابو القاسم اعلامی

---

920 . علوم و عقاید، ص 10؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 68.
921 . فهرست کتابخانه فاضلیّه مشهد، ص 120.
922 . فهرست مرعشی، ج 19، ص 192.
923 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 176؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 131.
924 . احوال و آثار خوشنویسان، ج 4، ص 1018.
925 . فهرست مرعشی، ج 4، ص 301.
926 . تذکره روز روشن، صص 24- 25.

ابو القاسم اعلامی، شاعر ادیب، در سال 1301 شمسی در اصفهان متولّد گردیده تحصیلات خود را در این شهر انجام داده، و در شعر و ادب از محضر میرزا عبّاس خان شیدا بهرهمند گردیده، و به سرودن شعر پرداخته [است].

از آثار او: 1. محراب شعر که در سال 1339 شمسی در تهران در 186 صفحه به چاپ

اعلام اصفهان، ص: 326

رسیده است.[927]

سیّد ابو القاسم امامی*

سیّد ابو القاسم امامی حسینی امامی اصفهانی، از نقّاشان هنرمند اواخر دوره قاجاریّه است. وی در نقّاشی گل و بوته و پرنده، مهارت خاصّی داشته، و در نقّاشی قلمدان، آثار ارزشمندی به وجود آورده است.[928]

ابو القاسم باب الدشتی

ابو القاسم شریف بالفروشی [باب الدشتی] اصفهانی فاضل نویسنده در قرن سیزدهم هجری است از آثارش:

1. بحار الانوار علّامه مجلسی جلد یازدهم، کتابت در سال 1262 ق، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. 2. نقد النّصوص در شرح نقش الخصوص جامی، کتابت ربیع الاوّل 1273، موجود در کتابخانه گوهرشاد مشهد 3. فتوح الشّام، کتابت در رجب 1282 ق، موجود در کتابخانه ملك تهران 4. مفتاح الکرامه، کتابت در سال 1283 ق به امر حاج شیخ محمّد تهرانی، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جزو کتب مرحوم امام جمعه خوی. کتابت این کتاب‌ها همگی به خطّ نسخ می‌باشد.[929]

ابو القاسم ورنوسفادرانی

ابو القاسم بن ملّا آقا ورنوسفادرانی سدهی اصفهانی، عالم فاضل، در مولد خود و اصفهان تحصیل کرده، و تا سال 1265 ق در قید حیات بوده، در سال 1233 ق مالك نسخه‌ای از شرح لمعه بوده، نسخه، جزو کتب مرحوم صدر هاشمی در کتابخانه دانشکده

اعلام اصفهان، ص: 327

ادبیّات اصفهان موجود است.[930]

سیّد ابو القاسم چهارسوقی

سیّد ابو القاسم بن میرزا محمّد ابراهیم بن سیّد محمّد صادق بن سیّد زین العابدین موسوی خوانساری، عالم فاضل، در اصفهان تحصیل کرد و پس از فوت پدر در مسجد مریم بیگم، اقامه جماعت می‌نمود، تولّدش 1311، و وفاتش در 14 رمضان 1381 ق واقع شد.[931]

سیّد ابو القاسم صفوی

سیّد ابو القاسم صفوی فرزند ابراهیم بن عبد الحسین بن هادی بن ابراهیم صفوی موسوی اصفهانی، عالم فاضل محقّق، در عید غدیر (18 ذی‌حجّه) 1283 ق در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف اشرف تحصیل کرده، و از خواصّ اصحاب و شاگردان آقا سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی و محرّر او بوده، و به این خاطر به «سیّد ابو القاسم محرّر» شهرت داشته است. وی از آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و دیگران اجازه داشت، و سیّد مهدی غریفی بحرینی از او روایت می‌کند. سیّد ابو القاسم صفوی در 6 ربیع الثّانی سال 1370 ق در نجف اشرف وفات یافت و مدفون گردید. کتب زیر از او است:

---

927 . مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 228.
928 . هنر قلمدان، ص 163.
929 . فهرست مجلس، ج 10، جزء 2، ص 962؛ فهرست گوهرشاد، ص 194؛ فهرست ملك، ص 540؛ فهرست مجلس، ج 7، ص 365.
930 . نشریّه دانشکده ادبیّات اصفهان، سال دوم، شماره 2 و 3، ص 136.
931 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 131.

1. ابواب الجنان، در اعمال شب و روز، مطبوع 2. انیس المقلّدین 3. ترجمه جلد پنجم مجالس السنّیه تألیف علّامه سیّد محسن امین 4. جامع الرّسائل العملیّة، مجموعه‌ای از فتاوای سیّد محمّد کاظم یزدی و جمعی از بزرگان 5. رساله‌ای در کر 6. صراط النّجاة، ترجمه وسیلة النّجاة آیت‌الله آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی، که چندین مرتبه چاپ شده است 7. ترجمه عروة الوثقی به نام الغایة القصوی، مطبوع.

میرزا ابو القاسم رشتی

میرزا ابو القاسم بن محمّد ابراهیم رشتی اصفهانی، از افاضل ادبای عهد ناصر الدّین شاه قاجار در مدرسه نیماورد، تدریس مطوّل و مغنی می‌کرده، و طبع شعر داشته است. کتاب تحفة النّاصریه را در فنون ادب و منتخبات اشعار عرب تألیف نموده که در سال 1278 ق به طبع رسیده است. قبرش مطابق گفته احفاد برادرش، در مقبره هارون ولایت است.

از او است:

لبن از بهر علاج آمده افعی زده را افعی زلف تو عالم زد و خود در لبن است[932]

سیّد ابو القاسم سیّد الاسلام

آقا سیّد ابو القاسم سیّد الاسلام بن سیّد ابراهیم بن سیّد عبد الصّمد حسینی شهشهانی، عالم فاضل، پیش‌نماز مسجد صفا در محلّه شهشهان اصفهان. در 25 محرّم 1357 ق وفات یافت، و در بقعه آقا سیّد محمّد شهشهانی عمّ امجد خود مدفون گردید. در مادّه تاریخ فوت او گفته‌اند:

خواست چه تاریخ فوت بانوی محزونه گفت: «شد سوی جنّت روان سیّد اسلامیان[933]»

ابو القاسم انصاری

حکیم ابو القاسم بن ابی حامد بن نصر البیان بن نور البیان انصاری کازرونی، از دانشمندان قرن دهم هجری در اصفهان است. وی از شاگردان خواجه افضل الدّین محمّد بن حبیب الله ترکه و ملّا وحید الدّین سلیمان قاری فارسی بوده است. کتب زیر از تألیفات او است: 1. سلّم السّماوات فی تراجم جماعة من الحکماء و اشعار الاصحاب المقالات 2.

النّجوم الزّاهرة، فی تراجم المنجّمین[934].

شیخ ابو القاسم نجفی*

شیخ ابو القاسم نجفی بن شیخ ابو الحسن بن شیخ محمّد شریف دزفولی، عالم فاضل، ساکن اصفهان، متوفّی 27 ربیع الثّانی 1364 ق، مدفون در تکیه مادر شاه‌زاده.

ابو القاسم بن ابو العلاء

---

932 . اعیان الشّیعة، ج 8، ص 232؛ ریحانة الادب، ج 2، ص 307؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 251.
933 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 31؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 184؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 155.
934 . احیاء الدّاثر، ص 186؛ الذّریعة، ج 12، ص 221؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 352- 353.

ابو القاسم غانم بن محمّد بن ابو العلاء اصفهانی، شاعر ادیب و دانشمند قرن چهارم هجری است. وی معاصر صاحب بن عبّاد بوده است، خود می‌گوید: پس از مرگ صاحب، در عالم رؤیا دیدم که گوینده‌ای مرا مخاطب و معاتب ساخته که: «چرا برای صاحب، مرثیه‌ای نگفتی؟». گفتم: «وی آن‌قدر محاسن دارد که ندانم کدام یك را بگویم، و می‌ترسم که درباره او کوتاهی کنم». گوینده گفت: «مصرع اوّل را من می‌گویم، مصرع دوم را تو بگو»:

گفت: ثوی الجود و الکافی معا فی حفیرة — گفتم: لیأنس کلّ منهما باخیه

گفت: اصطحبا حبیبین ثم تعانقا — گفتم: ضجیعین فی لحدا بباب درّیه

گفت: اذ ارتحل الثّاوون عن مستقرّهم — گفتم: اقاما إلی یوم القیامة فیه

در وصف زر نرود (زاینده‌رود) نیز سروده است:

تجرّ علی الامصار ذیل یجبّر — و اعجاب معتزّ علیهنّ معتد[935]

سیّد ابو القاسم کزازی

سیّد ابو القاسم بن احمد حسینی کزازی الاصل، اصفهانی المسکن از آثارش کتابت نسخه‌ای است از شوارق تألیف مولی عبد الرزّاق لاهیجی که آن را در روز چهارشنبه نهم ربیع الثّانی سال 1243 به خطّ نسخ به پایان رسانیده است، نسخه به شماره 5 در کتابخانه

رضوی قم موجود است.[936]

میرزا ابو القاسم مدرّس

میرزا ابو القاسم مدرّس فرزند میر محمّد اسماعیل بن میر محمّد باقر حسینی خاتون‌آبادی، عالم فاضل کامل و حکیم و فیلسوف و متکلّم. در اصفهان متولّد شد، و نزد علمای این شهر همچون آقا محمّد بیدآبادی و ملّا اسماعیل خواجویی تحصیل نمود. حاج سیّد مهدی بحر العلوم نیز از اساتید او است. در معقول و منقول، استاد مسلّم زمان خود بوده، خصوصا در تدریس شرح دروس آقا حسین خوانساری مهارت بسزایی داشته، و بدین جهت به مدرّس معروف بوده است. سال‌ها در مدرسه چهارباغ اصفهان به تدریس علوم عقلی و نقلی مشغول بوده، و سرانجام در اواخر ذی‌حجّه 1202 ق وفات یافته، و جسدش به نجف اشرف حمل، و در ایوان علماء دفن شده است. شاگردان بسیاری از محضر او مستفیض شدند که از جمله آن‌ها است: سیّد ابو القاسم جعفر بن حسین خوانساری.

سیّد ابو القاسم آسیاب‌پری

سیّد ابو القاسم آسیاب پری فرزند سیّد محمّد باقر موسوی، عالم فاضل متّقی، ساکن محلّه چارسو درب شیخ کوچه آسیاب (معروف به آسیاب پری) امام جماعت مسجد آب‌بخشان. وی در جمعه 25 محرّم سال 1369 ق در اصفهان وفات یافت، و در یکی از اتاق‌های تکیه کازرونی مدفون گردید.[937]

سیّد ابو القاسم دهکردی

---

935 . تتمّة الیتیمه، ج 1، صص 2 و 19؛ محاسن اصفهان، صص 5، 31، 54، 108، 110- 111؛ معجم الادباء، ج 6، ص 276؛ رسالة الارشاد، ص 45؛ مرآة الجنان، ج 2، ص 424؛ تاریخ اصفهان، صص 16 و 98.

936 . آشنایی با چند نسخه خطّی، ج 1، ص 28.

937 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 171.

آقا سیّد ابو القاسم دهکردی بن سیّد محمّد باقر بن سیّد ابراهیم بن میر محمّد هادی بن میر شمس الدّین، عالم ربانی، فقیه صمدانی، از اعاظم فقهاء و مدرّسین اصفهان، در شنبه غرّه ماه رجب المرجّب 1272 ق در دهکرد [شهر کرد فعلی] متولّد شد. نسب گرامی‌اش به

جناب ابو الحسن محمّد پرهیزگار بن عبد الله بن امام زین العابدین علیه السّلام منتهی می‌گردد.

پدرش از علمای دهکرد، و مادرش دختر آخوند ملّا محمّد ابراهیم دهکردی است.

او در یازده‌سالگی جهت تحصیل به اصفهان رفت، و در مدرسه صدر نزد برادر بزرگوار خود سیّد محمّد جواد دهکردی تلمّذ نمود، و سپس در درس حاج شیخ محمّد باقر نجفی، میرزا ابو المعالی کلباسی، حاج ملّا اسماعیل حکیم درکوشکی، میرزا محمّد حسن نجفی و ملّا محمّد باقر فشارکی حاضر شد. در سال 1301 ق ازدواج نمود، و جهت تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات مشرّف، و در سامرّا و نجف، از محضر درس آیات عظام میرزا محمّد حسن شیرازی، ملّا فتحعلی سلطان‌آبادی، حاج میرزا حسین نوری، شیخ زین العابدین مازندرانی، میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی بهره کافی و وافی برد، و به مراتب عالی علم نایل آمد.

او در سال 1309 ق به اصفهان مراجعت نمود، و به تدریس درس خارج در مدرسه صدر و تربیت شاگردان پرداخت، و مرجعیّت امور شرعی مردم را برعهده گرفت، و جمعی در اصفهان و چهارمحال از مقلّدین او بودند. وی سال‌ها نماز جماعت را در مسجد شیخ الاسلام و مسجد سرخی اقامه می‌کرد، و به منبر می‌رفت، و مردم را ارشاد می‌نمود.

وفات این عالم عالی‌قدر در یکشنبه 6 شوّال 1353 ق اتّفاق افتاد، و پیکر او به امامزاده زینبیّه اصفهان منتقل، و در آنجا به خاك سپرده شده، و بعد از ساختن صحن امامزاده، قبر، در یکی از حجرات غربی قرار گرفت.

کتب زیر از تألیفات او است: 1. بشارات السّالکین یا واردات غیبیّه در شرح حال و مکاشفات خود 2. جنّة المأوی، در اخلاق 3. حاشیه بر جامع عبّاسی، چاپ شده 4. حاشیه بر نخبه حاجی کلباسی، مطبوع 5. حاشیه بر تفسیر صافی 6. حاشیه بر وافی 7. ذخیره در ادعیه 8. رساله در مبحث الفاظ 9. رساله در طهارت، مطبوع 10. رساله در قبض 11. شرح بر شرایع، دو جلد 12. شرح بر من لا یحضره الفقیه و آن را در تکمیل شرح فارسی علّامه مولی محمّد تقی مجلسی بر آن کتاب مرقوم فرموده 13. الفوائد در متفرّقات 14. لمعات در شرح دعای سمات 15. منبر الوسیله که آن را وسیله یا وسیلة المنابر گفته‌اند، دو جلد است، و جلد یکم چاپ شده است 16. هدایة الانام که رساله عملیّه او است 17. ینابیع الحکمة، در

تفسیر 18. المتاجر، تقریر درس میرزا حبیب الله رشتی 19. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری 20. تنقیح الاصول، تقریرات درس میرزا حبیب الله رشتی، با نظریّات مؤلّف در بحث الفاظ 21. حاشیه بر رسائل شیخ انصاری 22. شرح بر اصول کافی 23. شرح حدیث حقیقت کمیل بن زیاد 24. السّوانح و اللّوائح][938].

سیّد ابو القاسم بیدآبادی

سیّد ابو القاسم بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی عالم فاضل، [نزد پدر بزرگوار و احتمالا حاج محمّد ابراهیم کلباسی تحصیل کرده]، و پس از وفات پدر، مرجع امور در اصفهان بوده، و سال‌ها قبل از فوت برادرش حاج سیّد اسد الله (متوفّی 1290 ق) وفات یافته است. معلّم حبیب‌آبادی به نقل از حاشیه هدایة الانام و مستدرك سفینة البحار وفات او را در 28 صفر 1263 ق ذکر کرده. وی در مقبره پدرش در مسجد سیّد مدفون شد.[939]

سیّد ابو القاسم خواجویی

---

[938] . مکارم الآثار، ج 6، صص 2007- 2010؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 292؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 141؛ نقباء البشر، ج 1، ص 61؛ دیوان طرب، صص 122- 123؛ تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون، صص 41- 42؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 193- 194؛ ریحانة الادب، ج 2، ص 33؛ الذّریعة، ج 18، ص 46 و ج 25، ص 84؛ مزارات اصفهان، صص 234- 235؛ آفتاب علم، صص 17 به بعد؛ زندگانی آیت‌الله چهارسوقی، صص 191- 198؛ اعیان الشّیعة، ج 9، ص 517.

[939] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 376؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 154؛ مزارات اصفهان، ص 164.

سیّد ابو القاسم خواجویی فرزند سیّد محمّد باقر بن محمّد صادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل زاهد، در اصفهان ساکن بود، و در علوم مختلف همچون فقه، حدیث، ادبیّات، تاریخ و انساب مهارت داشت وی در شب سه‌شنبه 8 رجب 1191 ق وفات یافت[940]، و در اوّل اراضی تخت فولاد، نرسیده به تکیه جویباره‌ای‌ها (تکیه فاضل سراب) مدفون شد. مع الاسف در سال‌های اخیر، تکیه و مقبره او را خراب کردند[941]. صاحب عنوان، جدّ خاندان

نحوی و مهدوی در اصفهان[942] و موسوی‌زاده در یزد، و از اجداد مؤلف است.

میرزا ابو القاسم زنجانی

حاج میرزا ابو القاسم بن سیّد محمّد باقر بن سیّد علی نقی موسوی زنجانی عالم فاضل، فقیه، در اصفهان متولّد شده، و نزد آقا میرزا هاشم چهارسوقی و حاج میرزا بدیع درب امامی تلمّذ نمود، سپس در نجف اشرف از درس حاج میرزا حبیب الله رشتی و ملّا لطف الله مازندرانی بهره گرفت، و از آن دو، و نیز شیخ‌الشّریعه اصفهانی و محمّد ایروانی اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان، به تدریس و اقامه جماعت و ترویج دین قیام نمود. قضایای بابی‌کشی در سال 1321 ق در اصفهان به فتوای او بود، در امر به معروف و نهی از منکر، ساعی و کوشا و در عموم پیش‌آمدهای اصفهان در دوره ریاست آقایان مسجد شاه با آنان یار و مددکار بود. در نهضت مشروطه نیز از طرفداران حاج آقا نور الله نجفی اصفهانی بود، سرانجام در رجب 1336 ق در اصفهان وفات یافت، و در تکیه‌ای مخصوص در تخت فولاد مدفون گردید.[943]

ابو القاسم «نیّر»

حاج میرزا ابو القاسم علاقبند متخلّص به «نیّر» [معروف به «یراقی» فرزند حاج میرزا تقی، شاعر ادیب] از شعرای قدیمی و محترم اصفهان بوده، و در اغلب انجمن‌های ادبی اصفهان شرکت داشت[944]، [و بالاخره در جمعه اوّل جمادی الاوّل سال 1394 ق وفات یافته، در تکیه آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون گردید.

از اشعار او است:

ای گل جفا به بلبل شیدا روا مدار کاو هر صباح، نغمه به‌سوی تو می‌کشد]

میرزا ابو القاسم انصاری*

(میرزا ابو القاسم انصاری فرزند شیخ محمّد جعفر بن مرتضی بن محمّد حسن بن منصور (برادر شیخ مرتضی انصاری مرجع عالی‌قدر شیعه) از علماء و فضلای محقّق و عالی‌قدر معاصر در سال 1350 ق متولّد شد. پس از فراغت از تحصیلات ابتدایی، نزد پدر دانشمندش مشغول تحصیل شد. پس از وفات پدر، نزد عمویش شیخ علی انصاری و برادرانش شیخ مرتضی انصاری (مؤلّف کتاب زندگانی و شخصیّت شیخ انصاری) و میرزا ابو الحسن، سطوح را به اتمام رساند. دروس عالی را نیز نزد پسر عموی پدرش شیخ منصور سبط الشّیخ و پسر عمّه‌اش سیّد اسد الله نبوی آغاز کرد.

در سال 1381 ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و از درس آیات عظام، شیخ حسین حلّی، سیّد علی طباطبایی تبریزی و سیّد محمود شاهرودی بهره گرفت. پس از فراغت از تحصیل در اصفهان سکونت نمود، و به اقامه جماعت، تدریس و تألیف پرداخت.

---

940 . وقایع السّنین و الاعوام، ص 573.
941 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 57.
942 . مکارم الآثار، ج 5، ص 1731.
943 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 58؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 196- 197؛ نقباء البشر، ج 1، صص 61- 62؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 129.
944 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 523.

او از این افراد، اجازه روایت یا اجتهاد و یا هر دو را دارد: سیّد اسد الله نبوی، سیّد احمد خوانساری، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سیّد علی طباطبایی تبریزی، شیخ منصور سبط الشّیخ انصاری، سیّد محمود شاهرودی.

وی تألیفات متعدّدی را به رشته تحریر درآورده است که از آن جمله است: 1. تلخیص رساله تعارض صاحب عروه 2. شرح تبصره علّامه 3. کواشف الجلیّة عن مطالب شرح اللمعة الدّمشقیّة 4. وسیلة الرّحال من احوال الرّجال)[945].

میرزا ابو القاسم سلطان الحکماء

میرزا ابو القاسم ملقّب به «سلطان الحکماء» فرزند میرزا محمّد جعفر نایینی اصفهانی، طبیب حاذق و دانشمند فاضل. از طرف پدر، نسبش به سلطان محمّد خدابنده ایلخانی و از طرف مادر، نسبش به علّامه مجلسی منتهی می‌شود. در سال 1245 ق در نایین متولّد شد، و در مدرسه نیماورد اصفهان به تحصیل پرداخت، از درس آخوند ملّا محمّد حسن نایینی

بهره برد سپس به یزد رفت، و نزد میرزا زین العابدین، آقا محمّد حکیمی و حاجی میرزا عبد الوهاب یزدی در حکمت، منطق، هیئت، طب، ادبیّات، فقه و تفسیر تحصیل نمود. وی در 25 سالگی به تهران رفت، و به تدریس طب در مدرسه صدر پرداخت، و سرانجام به تدریس در مدرسه دار الفنون مشغول شد. شهرت و حذاقت وی باعث شد ناصر الدّین شاه به او لقب «سلطان الحکماء» دهد، و او را رئیس اطبّای دربار خویش نماید. عاقبت، سلطان الحکماء در سال 1322 ق در قریه کلاك در نزدیکی کرج در اثر ابتلاء به وبا وفات یافته، در صحن امامزاده آن قریه مدفون شد. وی را در طب تألیفاتی است؛ از آن جمله: 1.

ناصر الملوك به فارسی، مطبوع 2. تحفه ناصری، به عربی 3. اقسام حمیّات، در انواع تب.[946]

سیّد ابو القاسم بختیاری

سیّد ابو القاسم بن سیّد محمّد حسن حسینی بختیاری اصفهانی عالم فاضل، در سال 1272 ق وفات یافته است، شرح نهج البلاغة از تألیفات او است.[947]

سیّد ابو القاسم بهشتی

سیّد ابو القاسم بن سیّد حسن حسینی بهشتی، عالم جلیل القدر، امام مسجد سه پله اصفهان، متوفّی جمادی الثّانی 1337 ق مدفون در تکیه سادات بهشتی، در شمال مصلّای تخت فولاد.[948]

سیّد ابو القاسم بهشتی

سیّد ابو القاسم بن سیّد حسن حسینی بهشتی، از فضلاء و ائمّه جماعات اصفهان، متوفّی

16 رمضان 1384 ق مدفون در تکیه سادات بهشتی، واقع در شمال مصلّای تخت فولاد[949].

ابو القاسم اصفهانی

---

[945] . کتاب الدّرایة فی شرح الکفایة، مقدّمه، صص 64- 68؛ یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی.
[946] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 177؛ مکارم الآثار، ج 4، صص 1242؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 6، ص 180؛ فهرست مرعشی، ج 5، ص 60؛ تاریخ نایین، ج 1، صص 86- 87؛ الذّریعة، ج 24، ص 16؛ المآثر و الآثار(چهل سال تاریخ ایران)، ج 3، صص 2129- 2130؛ شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 58.
[947] . الکرام البررة، ج 1، صص 51- 52؛ الذّریعة، ج 13، ص 114؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 177؛ کتاب‌نامه نهج البلاغة، ص 40.
[948] . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 135.
[949] . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 135.

ابو القاسم بن محمّد حسین اصفهانی فاضل خطّاط قرن سیزدهم. از آثارش مجموعه‌ای است از چندین سوره از قرآن مجید که آن را به خطّ نسخ، جهت صدر اعظم در سال 1272 نوشته است. ظاهرا جامع آن مجموعه نیز خود او می‌باشد. نسخه به شماره 57 در کتابخانه ملّی ملك در تهران موجود است.[950]

شیخ ابو القاسم حججی نجف‌آبادی*

شیخ ابو القاسم حججی نجف‌آبادی فرزند ملّا حسین بن ملّا احمد در حدود سال 1331 ق در نجف‌آباد متولّد شد، در قم نزد برادرش شیخ احمد حججی و آیات عظام سید حسین بروجردی، سید صدر الدّین صدر و سید محمد حجّت تحصیل نمود، در قم و اصفهان و نجف‌آباد به تدریس سطوح عالیه پرداخت، و سرانجام در سال 1413 ق وفات یافت، و در جنّت الشّهدای نجف‌آباد مدفون شد.[951]

ابو القاسم رفیعی مهرآبادی*

ابو القاسم رفیعی مهرآبادی فرزند ملّا محمّد حسین ظهیری مهرآبادی اردستانی، نویسنده و مورّخ دانشمند، در حدود سال 1323 ق در مهرآباد اردستان متولّد شد، و دروس مقدّماتی را نزد پدر آموخت. سپس در کاشان و اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت.

سپس در مدرسه دار الفنون تهران به تحصیلات جدید مشغول شد. وی دوره عالی وزارت دادگستری را طی [کرد]، و به خدمات قضایی و اداری پرداخت، و پس از 32 سال خدمت، بازنشسته گردید، و فعّالیت در سازمان لغت‌نامه دهخدا مشغول شد. وی در مهر ماه

1366 ش در تهران وفات یافت. شعر نیز می‌سرود، و «نزهت» تخلّص می‌کرد. این کتاب‌ها از او است: 1. آتشکده اردستان، سه جلد، مطبوع 2. آثار ملّی اصفهان، مطبوع 3. تاریخ خطّ و خطّاطان، مطبوع 4. تذکره هجوسرایان 5. تصحیح دیوان وفا 6. توضیح الکفایه، به عربی 7. دانشمندان اسلام 8. ره‌آورد طوس 9. زبان‌ها و لهجه‌های اصفهان 10. فرهنگ اصفهان 11. لهجه‌های اردستانی[952].

ملّا ابو القاسم گلپایگانی

ملّا ابو القاسم بن محمّد ربیع گلپایگانی، عالم فاضل، در اصفهان نزد علمای این شهر به خصوص ملّا محمّد تقی مجلسی به تحصیل پرداخته، و سپس به تدریس در مدرسه شیخ لطف الله مشغول شد.[953]

ابو القاسم پاینده نجف‌آبادی*

ابو القاسم پاینده نجف‌آبادی فرزند محمّد رضا، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم توانا.

در سال 1287 ش در نجف‌آباد متولّد شد. به تشویق شیخ احمد حججی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت، و نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف‌آبادی، شیخ نصر الله قضایی، شیخ محمود مفید و شیخ محمّد حکیم خراسانی تحصیل کرد، چندی بعد تحصیل را رها کرد، و به تهران رفت، و به کارهای دولتی پرداخت، در دوره دوم مجلس مؤسّسان و در دوره‌های 21 و 22 مجلس شورای ملّی به نمایندگی انتخاب شد.

وی با روزنامه عرفان اصفهان و روزنامه‌های شفق سرخ، ایران و اطّلاعات در تهران همکاری داشت. مدّتی نیز مدیر مجلّه تعلیم و تربیت بود، و خود، نشریّه هفتگی صبا را در تهران منتشر ساخت. او قلمی شیوا و نثری روان داشت که در داستان‌ها، ترجمه‌ها و تألیفات او مشهود است. وی در 18 مرداد 1363 ش در تهران درگذشت، و در گورستان ابن

---

950 . فهرست کتابخانه ملّی ملك، ص 299.
951 . سیمای دانشوران(نجف‌آباد)، صص 76- 77؛ گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 297.
952 . مجلّه آینده، سال چهاردهم، شماره 1- 2، فروردین و اردیبهشت 1367، صص 78- 79؛ پشت جلد کتاب خطّ و خطّاطان و آتشکده اردستان؛ نادره‌کاران، صص 640- 641.
953 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 655؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، ص 388.

بابویه در شهر ری به خاك سپرده شد. برخی از آثار او عبارت‌اند از: 1. ترجمه در جست‌وجوی خوشبختی 2. ترجمه زندگانی محمّد صلّی الله علیه و آله، در دو جلد، نوشته محمّد حسنین هیکل 3. ترجمه مروج الذّهب 4. ترجمه التّنبیه و الاشراف 5. نهج الفصاحه 6. تمدّن اسلام 7. ترجمه تاریخ طبری 8. ترجمه قرآن مجید 9. علی علیه السّلام ابر مرد تاریخ 10. عشق مخفی 12. دخترك دهقان 13. سیر تکامل عقل نوین و غیره[954].

میرزا ابو القاسم امام جمعه

حاج میرزا ابو القاسم بن میرزا زین العابدین بن میرزا ابو القاسم امام جمعه، عالم فاضل، پدر و جدّش امام جمعه تهران بوده‌اند. در دوشنبه 22 ذی‌قعده 1282 ق در تهران متولّد شد، در نجف اشرف از محضر درس میرزا حبیب الله رشتی و میرزا فتح الله شریعت اصفهانی مستفیض شد، و به تهران مراجعت نمود. پس از وفات پدر، امام جمعه تهران گردید، و در قضایای مشروطه، از طرفداران پادشاه به شمار می‌رفت. سرانجام در 26 جمادی الثّانی 1346 ق در تهران وفات یافت. وی را تألیفاتی است از جمله: 1. رساله در تسامح در ادلّه سنن 2. رساله در قاعده ضرر 3. رساله در منجزات مریض[955]؛ هر سه به چاپ رسیده است.

ابو القاسم اصفهانی

ابو القاسم بن سلطان محمّد بن محمّد بن حاج محمّد اصفهانی، فاضل خطّاط در قرن دهم هجری. از آثارش کتابت نسخه‌ای است از کتاب بیان تألیف شهید اوّل که آن را در چاشت روز جمعه دهم شوّال سال 956 ق به پایان رسانیده، و نسخه، مقابله شده است.

کتاب به شماره 79 در کتابخانه رضوی قم موجود است.[956]

اعلام اصفهان، ص: 339

ابو القاسم اصفهانی

ابو القاسم اصفهانی پسر شیخ شهاب الدّین، از غزل‌سرایان زمان شاه‌تهماسب صفوی.[957]

شیخ ابو القاسم اصفهانی

شیخ ابو القاسم بن عبد الرزاق اصفهانی. عالم فاضل کامل. در سال 1304 ق متولد شد.

در اصفهان از درس میرزا ابو القاسم زفره‌ای، شیخ علی یزدی، آخوند ملا عبد الکریم گزی، میر محمد صادق خاتون‌آبادی، آخوند کاشی و سید محمد باقر و سید مهدی درچه‌ای و در نجف اشرف نیز از درس آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ ابراهیم اردبیلی و شیخ احمد شانه‌ساز بهره برد. در سال 1336 ق به اصفهان مراجعت کرد و در 1341 ق به قم رفت و ضمن استفاده از درس حاج شیخ عبد الکریم حائری به تدریس پرداخت. وی در شوال 1384 ق وفات یافت و در قبرستان شیخان قم مدفون شد.[958]

شیخ ابو القاسم نورایی

در حدود سال 1230 ق در قریه ورنوسفادران متولّد گردیده، و نزد علمای سده و اصفهان از جمله حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی و حاج محمّد ابراهیم کلباسی و آقا میر سیّد حسن مدرّس میر محمّد صادقی تحصیل و تلمّذ نموده است. وی در مولد خود، مسجد و محراب، و ریاست علمی و روحانی داشت، و سرانجام در سال 1305 ق در سده وفات یافت، و همان‌جا مدفون

---

954 . دیباچه دیار نون، صص 154- 155؛ سیمای دانشوران در شرح حال علماء و نویسندگان نجف‌آباد، صص 64- 71؛ آیینه اهل‌قلم، صص 108- 110؛ نادره‌کاران، صص 548- 549.

955 . اعیان الشّیعة، ج 8، ص 101؛ نقباء البشر، ج 1، صص 68- 69؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 229؛ مکارم الآثار ج 7، صص 2448- 2450.

956 . آشنایی با چند نسخه خطّی، ج 1، ص 13.

957 . تاریخ نظم و نثر فارسی، ج 2، ص 666.

958 . آثار الحجة ج 1 ص 38، آینه دانشوران ص 207، تربت پاکان قم ج 1 ص 256.

گردید. وی تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته تحریر درآورده، و تألیفاتی داشته که از آن جمله است: 1. رساله در اجتهاد و تقلید 2. کشف الاصول در شش مجلّد بزرگ 3. کشف الفقه، در شش مجلّد بزرگ[959].

اعلام اصفهان، ص: 340

شیخ ابو القاسم دولت‌آبادی

حاج شیخ ابو القاسم دولت‌آبادی فرزند عبّاس، عالم فاضل زاهد. در سال 1298 ق در دولت‌آباد اصفهان متولّد شد، و در اصفهان نزد آقا سیّد ابو القاسم دهکردی، آقا میرزا احمد مدرّس، آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای، حاج میر محمّد صادق خاتون‌آبادی و آخوند ملّا عبد الکریم گزی تلمّذ نمود، آن‌گاه به نجف اشرف مهاجرت کرد، و نزد آقا میرزا محمّد حسین نایینی، حاج میرزا فتح الله شریعت اصفهانی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت، و از اساتید خویش و نیز آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی مدیسه‌ای اجازه روایت و اجتهاد دریافت نمود. آن‌گاه به اصفهان بازگشت، و در مدرسه نیماورد به تدریس پرداخت. گاهی در اصفهان و گاهی در دولت‌آباد بود، و سرانجام در 26 ذی حجّة الحرام 1366 ق به سنّ متجاوز از هفتاد سال وفات یافت، و در امامزاده شاه‌زاده محمود دولت‌آباد مدفون گردید. رسائلی در فقه و اصول نوشته، و حاشیه‌ای بر ذخیرة المعاد آیت‌الله اصفهانی نوشته که به چاپ رسیده است.[960]

سیّد ابو الفضل میر لوحی*

سیّد ابو الفضل میر لوحی فرزند سیّد عبد الحسین، عالم فاضل معاصر، در سال 1301 ش در یزدآباد فلاورجان متولّد شد. در اصفهان به تحصیلات حوزوی پرداخت، و ادبیّات عرب و بخشی از سطوح را آموخت. مصاحبت با عالم زاهد، میرزا محمّد درچه‌ای که دارای مشی اخباری او را به مطالعه در اخبار اهل بیت رهنمون ساخت. وی با عارف سالك، سیّد زین العابدین طباطبایی ابرقویی و عالم فرزانه، حاج آقا رحیم ارباب مأنوس بود.

سال‌ها در یزدآباد به اقامه نماز جمعه می‌پرداخت. بسیار اهل عبادت و تهجّد و ادای نوافل بود. او از راه کشاورزی امرار معاش می‌نمود، و از دریافت وجوهات شرعی خودداری می‌کرد. سرانجام در 20 خرداد 1380 ش وفات یافت، و در یزدآباد، جنب قبر پدر و

اعلام اصفهان، ص: 341

برادرش مدفون شد. کتب زیر از تألیفات او است:

1. خورشید درخشان 2. دو گواه بزرگ بر صدق نبوت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله 3. مقام زن در اسلام 4. اسراف‌های گوناگون[961].

میرزا ابو القاسم کوپایی

حاج میرزا ابو القاسم کوپایی فرزند حاج عبد الحسین بن محمّد حسن، از مردمان نیکوکار و تجّار محترم و مورد اعتماد مراجع تقلید. در حدود سال 1321 ق متولّد شده، و در زمان خود، نماینده تامّ الاختیار آیت‌الله‌العظمی اصفهانی و آیت‌الله‌العظمی بروجردی و عموم مراجع بعد از او بود و در مدّت عمر خود، مصدر خدماتی گردید که از آن جمله است:[962]

اعلام اصفهان ؛ ص341

ساختمان حسینیّه و حمّام و زوّارخانه در سامرّاء، تعمیرات مدارس دینی اصفهان، تعمیرات و ساختمان امامزاده زینبیّه اصفهان، تعمیرات بقعه علّامه مجلسی و بنای کتابخانه‌ای به نام آن علّامه عالی‌قدر، بانی ساخت ضریح حضرت ابو الفضل علیه السّلام به امر آیت‌الله‌العظمی حکیم، و ساختن در، جهت مرقد مطهّر کاظمین علیهما السّلام.

---

959 . الذّریعة، ج 18، صص 20 و 51؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، صص 986- 987؛ بیان المفاخر، ج 1، صص 254- 255.
960 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 206- 207؛ مزارات اصفهان، صص 268- 269.
961 . یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.
962 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

سرانجام این شخص خدوم و نیکوکار در شب سه‌شنبه 28 جمادی الثّانی 1411 ق وفات یافت، و در مقبره علّامه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون گردید.[963]

میرزا ابو القاسم قاضی

میرزا ابو القاسم قاضی بن شیخ عبد الرّحیم، عالم فاضل، از احفاد ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری است. وی قاضی اصفهان بوده، و ساختمان شبستان بزرگ مسجد علی قلی آقا به همّت او در سال 1297 ق بنا شده است. سال‌ها در مسجد علی قلی آقا اقامه جماعت می‌نموده، و سرانجام در سال 1317 ق وفات یافته است، حاج آقا مجلس فرزند

آقا ابو جعفر بن صدر الدّین عاملی داماد او است.[964]

ملّا ابو القاسم ریزی لنجانی

آخوند ملّا ابو القاسم بن ملّا علی ریزی لنجانی، فاضل ادیب، از آثارش: 1. در تاریخ 1252 جلد یازدهم بحار الانوار علّامه مجلسی را به خطّ نسخ کتابت نموده است. کتاب به شماره 2713 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است. 2. در تاریخ 1282 کتاب مجمل اللّغة تألیف ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریّا را به خطّ نسخ کتابت نموده است.

کتاب به شماره 3981 در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است. 3. در تاریخ 1291 جلد پانزدهم بحار الانوار تألیف علّامه مجلسی را به خطّ نسخ، کتابت نموده است.

کتاب به شماره 2710 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است.[965]

میرزا ابو القاسم زفره‌ای

حاج میرزا ابو القاسم زفره‌ای معروف به «حاج آخوند» فرزند ملّا علی [عرب] عالم فاضل ادیب، از مدرّسین معروف که اغلب علمای اصفهان از شاگردان او بودند. در تدریس ادبیّات عرب مهارت بسیاری داشته، در علوم غریبه، جفر، اعداد و طلسمات نیز زحمات فراوانی کشیده بود، و تسخیر اجنّه و غرائب دیگر را بدو نسبت می‌دادند. [سال‌ها در مدرسه میرزا مهدی بیدآباد تدریس می‌کرد]. سرانجام در دوشنبه 28 رمضان المبارك 1352 ق به سنّ قریب نود سال وفات یافت، و در تکیه بروجردی مدفون شد. کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله است: 1. رساله در اصول دین 2. کتابی در علوم غریبه 3. کتاب در قاعده دایره هندی 4. رساله در مکروهات، [رساله اصول دین به ضمیمه رساله در مکروهات در سال 1316 ق در اصفهان چاپ سنگی شده است][966].

ابو القاسم نژند اصفهانی

ابو القاسم عریضی متخلّص به «نژند» فرزند سیّد علی اصغر، شاعر ادیب، در سال 1303 خورشیدی در اصفهان متولّد شد، تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در اصفهان انجام داد، و در تهران، دانشکده حقوق را در رشته قضایی به پایان رسانید. بعدا وارد فرهنگ شد، از شعرای باذوق و خوش‌قریحه اصفهان بود، و اشعار و مقالاتش در روزنامه‌های اصفهان به طبع می‌رسید. کتب چندی تألیف نمود؛ از آن جمله است: 1. اسرار الماس مفقود شده 2. در تیرگی‌های اجتماع 3. در گرداب زندگی 4. منتخبی از اشعار شعرای معاصر و غیره.

[از او است:

---

963 . مزارات اصفهان، صص 32- 33.
964 . نقباء البشر، ج 1، ص 56؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 118.
965 . فهرست مجلس، ج 10، ص 2141؛ فهرست مرعشی، ج 7، صص 280 و 282.
966 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 82؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 208- 209؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص 85؛ دیوان اشعار سیّد ابراهیم سرّی، مقدّمه، یادداشت‌های آقای محمّد حسن رجایی زفره‌ای.

گذاری بعد مرگم گر قدم بر تربتم بینی که بوی عشق برخیزد ز مغز استخوان من[967]]

میرزا ابو القاسم راجی بیدآبادی

میرزا ابو القاسم بن علی اکبر بیدآبادی شاعر ادیب فاضل، متخلّص به «راجی» متوفّی 1301 ق کتب زیر از تألیفات او است: 1. حقایق النّبویه، یا حقایق ناصری، منظوم، به فارسی، مطبوع 2. دیوان اشعار 3. علاج الامراض بالادویة و الادعیة 4. همیان، مثنوی مانند موش و گربه، در نقد اجتماعی به صورت فکاهی. علّامه تهرانی در نقباء البشر می‌فرماید:

کلّیه آثار او نزد مرحوم آقا ابو القاسم اصفهانی نجفی موجود است. برادرش نیز به نام میرزا نصر الله در سال 1313 وفات [یافته]، و فاضل بوده، و عمر معقولی کرده است.[968]

سیّد ابو القاسم سدهی

آقا سیّد ابو القاسم بن سیّد محمّد علی حسینی سدهی، عالم فاضل و واعظ کامل، در تهران ساکن بود، و به وعظ و خطابه، مردم را ارشاد می‌نمود، سرانجام در مکّه معظّمه پس از

اعلام اصفهان، ص: 344

انجام فریضه حج در سال 1339 ق وفات یافت. وی برادر عالم جلیل سیّد محمّد باقر ابطحی سدهی مدرّس حوزه علمیّه اصفهان است. کتب زیر از تألیفات او است: 1. بدائع الاخبار، در اخلاق 2. بشارة الابرار در احوال شیعة الکرار فی دار القرار، در چهل هزار بیت 3. برهان الرّساله در اثبات نبوت خاصّه 4. حسام الشّیعة، در اثبات امامت امیر المؤمنین علیه السّلام 5. خصایص الایّام در وقایع الایّام 6. دلائل الرّبوبیة، مطبوع 7. لمعات الانوار، مطبوع 8.

نفایس الاخبار، مطبوع. وی در سال 1317 کتاب کشف الغطاء تألیف شیخ جعفر نجفی را به کمك دایی خود میرزا عبد الرّحیم معروف به حاج آقا تصحیح کرد و به چاپ رساند.[969]

شیخ ابو القاسم صدر العلماء دهاقانی*

حاج شیخ ابو القاسم دهاقانی ملقّب به «صدر العلماء» فرزند ملّا محمّد علی دهاقانی، عالم فاضل مجتهد، در سال 1263 ق در دهاقان تولّد یافت، و در اصفهان نزد جمعی از علماء، از جمله شیخ محمّد باقر مسجد شاهی، آقا سیّد محمّد هاشم چهارسوقی و دیگران تحصیل نمود، سپس برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات مشرّف شد، و از محضر علمای آنجا خصوصا میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) بهره‌مند شد، و به اجتهاد نائل آمد. وی در سال 1305 ق به مولد خود بازگشت، و به تبلیغ و ترویج دین پرداخت، سپس به مشهد مقدّس مشرّف شد، و هشت سال در آن سرزمین مقدّس مجاور گردید. سرانجام به دهاقان بازگشت، و باقی عمر را به عبادت و تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت گذرانید تا اینکه در سال 1354 ق وفات یافت. پیکرش به نجف اشرف حمل، و در وادی السّلام مدفون شد.[970]

میرزا ابو القاسم قدسی

آقا میرزا ابو القاسم خوشنویس فرزند میرزا محمّد علی قاری، خوشنویس فاضل.

اعلام اصفهان، ص: 345

---

967 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 507.

968 . اعیان الشّیعة، ج 7، ص 75؛ الذّریعة، ج 7، ص 36 و ج 15، ص 310 و ج 25، ص 245؛ نقباء البشر، ج 1، ص 71؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 226؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 212.

969 . نقباء البشر، ج 1، ص 72؛ الذّریعة، ج 7، ص 12 و ج 18، ص 344 و ج 24، ص 249؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 292؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 212.

970 . سیمای دهاقان، ص 261؛ اسرة المجدّد الشّیرازی، ص 107.

پدرش و برادرانش به ویژه میرزا عبد الحسین قدسی، از خوشنویسان معروف اصفهان بودند. خود او خطّ نسخ را با استادی می‌نوشت، و قرآن را با خطّ زیبای خود کتابت کرده که به طبع رسیده است. سال‌ها در مدرسه و دبیرستان قدسیّه به تدریس مشغول بود، تولّدش در 24 صفر سال 1296 و وفاتش در جمادی الثّانی 1375 روی داد. در تکیه تویسرکانی مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم نیّر گوید:

سال تاریخ وفات خال خود نیّر نگاشت: »شد بقدسی مسکن بوالقاسم قرآن نویس[971]«

سیّد ابو القاسم بدری

آقا سیّد ابو القاسم بدری بن آقا سیّد محمّد علی حسینی سینی بر خواری فاضل ارجمند، در مدرسه گلبهار از مدارس جدید اصفهان تدریس می‌کرد، مؤلف [سیّد مصلح الدّین مهدوی، مؤلّف کتاب] از محضر او در ایّام تحصیل استفاده کرده‌ام. در سال 1398 ق وفات یافت، و در قسمت شرقی تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون گردید.[972]

سیّد ابو القاسم بیدآبادی

آقا سیّد ابو القاسم بیدآبادی فرزند حاج سیّد محمّد علی بن حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی، عالم فاضل. ظاهرا در خدمت پدر بزرگوار و عمّ عالی‌مقدار خود حاج سیّد اسد الله بیدآبادی و دیگر بزرگان اصفهان تلمّذ نموده، و احتمالا پس از وفات، در بقعه سیّد حجّت الاسلام مدفون گردیده است. مشار الیه داماد مرحوم حاج میرزا ابو الفضل بن حاج میرزا زین العابدین بن سیّد حجّت الاسلام بوده است.[973]

ابو القاسم خوزانی

ابو القاسم بن محمّد علی خوزانی سدهی اصفهانی، فاضل خطّاط در قرن سیزدهم

اعلام اصفهان، ص: 346

هجری، از آثار او کتابت نسخه‌ای از الفطرة السّلیمة تألیف حاج محمّد کریم خان کرمانی در هشتم ربیع الثّانی 1282 ق به خطّ نسخ است که به شماره 1059 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[974]

میرزا ابو القاسم ناصر حکمت

میرزا ابو القاسم ناصر حکمت معروف به گوگردی فرزند میرزا محمّد علیّ بن حاج محمّد یزدی، عالم فاضل حکیم عابد زاهد و طبیب حاذق، از اطبّاء مشهور و مدرّسین طبّ قدیم در اصفهان. جدّش حاج محمّد از یزد به اصفهان آمده، و در محلّه احمدآباد ساکن گردید، و ظاهرا حمّام احمدآباد از آثار خیریّه او است. در حدود 1278 ق در اصفهان متولّد شد، و نزد میرزا ابو الحسن پاقلعه‌ای، میرزا ابو القاسم مدرّس رشتی، میرزا محمّد باقر حکیم‌باشی، جهانگیر خان قشقایی، میرزا عبد العلی هرندی و آخوند کاشی به تحصیل پرداخت. او از اطبّاء مشهور و صاحبان نفس قدسی بود. سال‌ها در مدرسه حاج حسن جنب مسجد علی مقابل هارون ولایت به تدریس و نیز مداوای بیماران اشتغال داشت، و کتاب قانون را تدریس می‌نمود. او سرانجام در دوشنبه 2 ربیع الثّانی 1371 ق به سنّ 90 سالگی وفات یافته، بیرون بقعه مادر شاه‌زاده مدفون شد. رساله افیونیّه به فارسی از او است.[975]

میرزا ابو القاسم امام جمعه

سیّد ابو القاسم امام جمعه ابن میر محمّد محسن بن سیّد مرتضی بن سیّد محمّد مهدی بن میر محمّد حسین بن میر محمّد صالح بن میر زین العابدین بن میر محمّد صالح حسینی خاتون‌آبادی، عالم فاضل فقیه، در 6 ذی‌قعده 1215 ق در اصفهان متولّد شد. وی

---

971 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، 768؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 123.
972 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 180.
973 . بیان المفاخر، ج 2، ص 184؛ مزارات اصفهان، ص 164.
974 . فهرست مرعشی، ج 3، ص 246.
975 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 213؛ هشت بهشت، مقدّمه.

از اصفهان به تهران مهاجرت کرد، و از درس ملّا محمّد تقی استرآبادی و ملّا عبد الله زنوزی بهره گرفت. سپس به عتبات عالیات عزیمت نمود، در درس شیخ حسن آل کاشف الغطاء و

دیگران حاضر شد، و علوم خویش را تکمیل نمود، و آن‌گاه به تهران مراجعت کرد. وی از سال 1262 پس از وفات میر محمّد مهدی امام جمعه عموی خود به منصب امام جمعگی تهران منصوب شد، و ریاست دینی پایتخت را برعهده گرفت. او سرانجام در دوشنبه 15 ربیع الاوّل 1272 ق در تهران وفات یافت، و در بیرون دروازه قدیم تهران مدفون گردید، و بر سر قبر او گنبد و بارگاه عالی ساختند، و به سر قبر آقا معروف شد.

کتب زیر از تألیفات او است: 1. البلدان المفتوح العنوة 2. رساله عملیّه فارسی، مطبوع 3. کتابی در تحقیق بعضی مسائل اصولی 4. منتخب الفقه.[976]

ابو القاسم ریاحی چهار محالی

ابو القاسم ریاحی بنی فرزند محمّد، شاعر ادیب، در سال 1312 خورشیدی در قریه بن (به کسر باء) از بلوك چهار محال اصفهان متولّد گردید، دوره دبیرستان را در اصفهان در رشته ادبی به پایان رسانید، و در آنجا ساکن شد. در انجمن ادبی کمال شرکت می‌کرد. [از او است:

بهار آمد جهان اکنون به مانند جنان باشد درختان را به تن زان رو قبا از پرنیان باشد[977]]

ابو القاسم اصفهانی

ابو القاسم بن حاج محمّد اصفهانی، فاضل خطّاط در قرن سیزدهم هجری ظاهرا در یزد ساکن بوده است. از آثار او نسخه‌ای از قرآن مجید است که آن را در محرّم 1233 به خطّ نستعلیق نوشته، و نسخه نامبرده به شماره 1651 در کتابخانه وزیری یزد موجود است.[978]

سیّد ابو القاسم حسینی اصفهانی

سیّد ابو القاسم بن سیّد محمّد حسینی اصفهانی، فاضل خطّاط قرن سیزدهم از آثارش کتابت نسخه‌ای است از وجیزه در درایه تألیف جناب شیخ بهایی که آن را در سال 1245 نوشته، و نسخه، پیوست کتاب من لا یحضره الفقیه به شماره 418 در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.[979] همچنین در تاریخ ربیع الثّانی سال 1230 کتابت نسخه‌ای از کتاب سرور الشّیعة تألیف ملّا عبد الله بن علیّ بن مهدی بروجردی را به خطّ نسخ به پایان رسانیده، کتاب به شماره 7043 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[980] اثر دیگر از او جلاء العیون تألیف علّامه مجلسی که در رجب 1236 به خطّ ثلث و نسخ کتابت آن را به پایان رسانیده، نسخه به شماره 4977 در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.[981] اثر دیگر، عین الحیاة تألیف علّامه مجلسی است که به خطّ نسخ در سال 1230 ق کتابت نموده، و به شماره 131 در کتابخانه مسجد گوهرشاد در مشهد موجود است.[982]

---

976 . چهل سال تاریخ ایران(المآثر و الآثار)، ج 1، صص 191- 192؛ مکارم الآثار، ج 2، صص 547- 549؛ الکرام البررة، ج 1، صص 62- 64؛ الذّریعة، ج 3، صص 145- 146 و ج 11، ص 212؛ شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 55؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 213؛ اعیان الشّیعة، ج 8، ص 155.

977 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 225.

978 . فهرست کتابخانه وزیری یزد، ج 3، ص 1014.

979 . فهرست مدرسه عالی سپهسالار، ج 1، ص 330.

980 . فهرست کتابخانه مرعشی، ج 18، ص 217.

981 . فهرست کتابخانه مجلس، ج 14، ص 270.

982 . فهرست گوهرشاد، ج 1، ص 153.

ملّا ابو القاسم گلپایگانی

ملّا ابو القاسم بن محمّد گلپایگانی، عالم فاضل، از دانشمندان نیمه اوّل قرن یازدهم هجری است. وی در اصفهان به تدریس و تحقیق مشغول بوده، و میر محمّد قاسم طباطبایی قهپایی از او اجازه روایت دارد. همچنین ملّا علی گلپایگانی از او اجازه دریافت نموده که در بخش اجازات کتاب بحار الانوار ضبط شده است.[983] وی تألیفاتی دارد از جمله: 1. رساله در فقه، موجود در کتابخانه حاج سیّد مهدی لاجوردی قمی.[984] 2. منهاج العلیّة.[985]

سیّد ابو القاسم نایب الصّدر اصفهانی

ابو القاسم نایب الصّدر بن سیّد مهدی موسوی اصفهانی عالم فاضل ادیب در قرن

اعلام اصفهان، ص: 349

سیزدهم هجری. از آثارش کتابت: 1. کتاب تجوید، تألیف محمّد زمان تبریزی است که آن را در سال 1264 به خطّ نسخ نوشته، و به شماره 1/ 1710 در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد مقدّس موجود است. 2. کتاب تصریف زنجانی را در سال 1264 ق در شیراز به خطّ شکسته نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره 2/ 1710 در کتابخانه مسجد گوهرشاد وجود دارد.[986]

میرزا ابو القاسم کلباسی «شیخ العراقین»

حاج میرزا ابو القاسم معروف به «شیخ العراقین» فرزند آقا محمّد مهدی بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل محقّق، مادرش دختر حاج سیّد محمّد باقر بیدآبادی است. در اصفهان متولّد شد، و نزد پدر به تحصیل پرداخت. سپس در نجف اشرف در محضر درس شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمّد حسین کاظمینی حاضر، و سپس به انجام وظایف دینی خود مشغول شد. وی سرانجام در سال 1308 ق (سال وفات استادش کاظمینی) وفات نمود، و در صحن مطهّر حضرت علی علیه السّلام در نجف مدفون گردید. کتب زیر از او است: 1.

شرح کتاب اصول پدرش 2. کتابی در اصول در دو مجلّد 3. کتابی در صلاة.[987]

سیّد ابو القاسم فریدنی

آقا سیّد ابو القاسم موسوی شاهکرمی فریدنی بن سیّد محمّد هاشم، عالم فاضل، در اصفهان نزد آقا سیّد ابو القاسم دهکردی، میرزا ابو الحسن بروجردی، سیّد محمّد نجف‌آبادی، آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، حاج شیخ مهدی نجفی و حاج میر محمّد صادق مدرّس خاتون‌آبادی تحصیل کرد. وی در مسجد در کوشك اقامه جماعت می‌نمود، در ربیع الاوّل 1384 ق وفات یافت، و در تکیه مقدّس

اعلام اصفهان، ص: 350

مدفون شد.[988]

میر ابو القاسم فندرسکی

میر سیّد ابو القاسم بن میرزا بیك بن میر صدر الدّین حسینی موسوی فندرسکی استرآبادی معروف به «میرفندرسکی» حکیم فیلسوف، عارف مرتاض و شاعر ادیب. از اکابر حکماء و عرفاء است، و همگان به عظمت، بزرگی، جامعیّت، زهد و تقوای او اذعان دارند. در سال 970 ق در قریه «فندرسك» از توابع استرآباد [گرگان فعلی] متولّد شده، و نزد علمای بزرگ روزگار خود همچون کمال الدّین چلبی بیك تبریزی، خواجه افضل الدّین محمّد ترکه اصفهانی، میر محمّد باقر استرآبادی (میرداماد) و میر

---

983 . علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص 88 و 177.
984 . آشنایی با چند نسخه خطّی، ج 1، ص 107.
985 . الذّریعة، ج 22، ص 328.
986 . فهرست گوهرشاد، صص 79 و 248.
987 . نقباء البشر، ج 1، صص 76- 77؛ الذّریعة، ج 15، ص 54؛ ماضی النّجف، ج 3، ص 233؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 955؛ بیان المفاخر، ج 2، صص 172- 173؛ معجم رجال الفکر و الادب، ج 3، ص 1066؛ خاندان کلباسی، صص 153- 154.
988 . تاریخ اصفهان، جابری، ص 292؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 923؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص 200 و اطّلاعات شخصی نویسنده.

برهان الدّین اشراق استرآبادی تحصیل نموده است. وی به هند سفر کرده، و خدمت عرفاء و بزرگان آن دیار رسیده، و تجربه‌ها اندوخته، و در ضمن، جهت ترویج دین اقدام نموده است. وی پس از چندین سفر در اصفهان اقامت گزیده، و به تدریس و تحقیق پرداخته است. شاه صفی او را احترام بسیار می‌نمود؛ امّا میر به او اعتنایی نداشت. از محضر درس او ده‌ها شاگرد دانشمند برخاسته‌اند. سرانجام در سال 1050 ق وفات یافت، و در تکیه‌ای مخصوص که به نام او تکیه میر نامیده می‌شود، در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفات او این است:

تاریخ وفاتش ز خرد جستم گفت: »صد حیف ز آفتاب اوج دانش«

مشار الیه طبع شعر داشته، و گاهی اشعاری می‌سروده، معروف‌ترین سروده او قصیده حکمی و عرفانی او است با این مطلع:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

که آن را به پیروی از ناصر خسرو قبادیانی سروده است. قصیده یاییّه میرفندرسکی مورد توجّه عرفاء و شعرا بوده، و بر آن شرح نوشته‌اند؛ از جمله شرح محمّد صالح بن سعید خلخالی، شرح حکیم عبّاس شریف دارابی موسوم به تحفة المراد، و شرح محسن بن

محمّد گیلانی، و دو شرح اوّل به طبع رسیده است. همچنین این قصیده را امیر محمّد علی هندی تخمیس نموده که ابتدای آن این است:

ای که ذاتت در دو گیتی مظهر اسماستی جوهری دهر را چون لؤلؤ لالاستی

بشنو از انجام خود حرفی که از مبداستی چرخ با این اختران نغز و خوش زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

کتب زیر از تألیفات او است: 1. اجازه به ملّا حسنعلی تستری، مطبوع ضمن اجازات بحار الانوار 2. برهان الابصار 3. منظومه در کیمیا 4. تحقیق المزلّة 5. تخمیریّه 6. ترجمه شذور الذّهب 7. جواب سؤالات ملّا مظفّر حسین کاشانی، مطبوع در کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران 8. حاشیه جوك باشست 9. رساله حرکت، مطبوع در کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران 10. رساله صناعیّه، مطبوع 11. رسالة فی ارتباط الحادث بالقدیم 12. رسالة فی حقیقة الوجود 13. رسالة فی معقولات العشر 14. زیبق، مطبوع در کتاب مجموعه رسائل خطّی فارسی 15. قصیده یائیّه، مطبوع 16. کشف اللّغات «جوك باشست» 17. منتخب «جوك باشست».

میرفندرسکی کتابخانه‌ای ارزشمند با کتاب‌های نفیس داشته که پس از وفات، کتاب‌های آن را به کتابخانه شاه صفی انتقال داده‌اند. این شعر از او است:

شرب مدام شد چو میسّر مدام به چون می حرام گشت، به ماه حرام به

یك بوسه از رخت ده و یك بوسه از لبت تا هر دو را چشیده بگویم کدام به[989]

اعلام اصفهان، ص: 352

سیّد ابو القاسم تابش محمودیان*

حاج سیّد ابو القاسم تابش محمودیان، عالم فاضل، در اصفهان متولّد شد، و سپس به نجف اشرف مهاجرت نمود، نزد علمای اعلام به تحصیل پرداخت، و فقیهی جامع، و دانشمندی فاضل گردید. بیش از هفتاد سال در نجف اشرف اقامت داشت، و در سال 1370 ق در آن دیار مقدّس وفات یافت. خطّ شکسته را خوش می‌نوشت.[990]

ابو القاسم تمیمی اصفهانی

ابو القاسم تمیمی اصفهانی نسّابه، سیّد عزّ الدّین اسماعیل بن حسین مروزی مؤلّف الفخری، از ورقانی در اثبات نسب جناب اسماعیل بن ابراهیم بن امام موسی الکاظم علیه السّلام به قول او و جمعی دیگر از علماء نسب، استشهاد نموده است.[991]

ابو القاسم جاوید اصفهانی

میرزا ابو القاسم مستوفی متخلّص به «جاوید» شاعر ادیب، از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود، و اشعارش در روزنامه‌های قدیم اصفهان همچون سحاب و غیره به طبع می‌رسید.

[از او است:

نیست حاجت رنجه کردن پنجه‌های نازنین کز نگاهی صد چو من آماج پیکان کرده‌ای[992]]

اعلام اصفهان، ص: 353

ابو القاسم جلا*

ابو القاسم خان جلا، از پیش‌گامان عکّاسی در اصفهان در سال 1294 ق در اصفهان به دنیا آمد. وی نزد برادرش محمّد خان دیاری (دکتر صحّت) عکّاسی را فراگرفت، و نزد او در عکّاسی مرکزی در چهارباغ اصفهان به کار پرداخت، و سرانجام در

---

989 . تذکره نصرآبادی، ج 1، صص 221- 223؛ وقایع السّنین و الاعوام، صص 514- 515؛ طرائق الحقائق، ج 3، صص 158- 159؛ ریاض العلماء، ج 5، صص 499- 502؛ ریحانة الادب، ج 3، ص 418 و ج 4، صص 357- 360، شرح حال میرداماد و میرفندرسکی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 6، صص 169- 173؛ الرّوضة النّضره، صص 450- 451؛ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج 1، صص 85- 88؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج 1، صص 289- 292؛ تاریخ فلسفه در اسلام، صص 447- 460؛ روضات الجنّات، ج 1، صص 242- 246 و ج 5، ص 380؛ الکنی و الالقاب، ج 3، ص 35؛ الذّریعة، ج 3، ص 485 و ج 6، ص 395 و ج 18، صص 57 و 489؛ قصص العلماء، صص 236- 237؛ تذکره روز روشن، صص 25- 26؛ مجمع الفصحاء، ج 4، صص 9- 10؛ فرهنگ معین، ج 6، صص 1379- 1380؛ از آستارا تا استرآباد، ج 5، صص 338- 340؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص 543- 546؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 112 و 108؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، صص 378- 379؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 197- 200؛ اعیان الشّیعة، ج 7، ص 68؛ راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص 64- 65؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص 208- 210؛ اصفهان(کتاب جوانان)، صص 217- 218.

990 . تاریخ اصفهان، جابری، ص 292.

991 . الفخری، ص 14.

992 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 138.

سال 1313 ش در خیابان چهارباغ، عکّاسی شرق را تأسیس کرد. وی از اوّلین عکّاسان خبری اصفهان بود، و با مطبوعات و مراکز مختلف، همکاری می‌کرد. وی سرانجام در سال 1358 ش در اصفهان درگذشت.[993]

شیخ ابو القاسم حکّاك*

شیخ ابو القاسم حکّاك اصفهانی، از هنرمندان اوایل قرن چهاردهم هجری بوده، و علاوه بر مهارت در هنر حکّاکی، در قلمزنی و تذهیب و خوشنویسی نیز توانا بوده، امّا به علّت کسادی بازار هنر، در فقر و فاقه به سر برده، تا آنکه فوت شده است.[994]

میر ابو القاسم خلیفه

میر ابو القاسم خلیفه اصفهانی از متولّیان آستانه مقدّسه رضویّه در زمان شاه‌تهماسب صفوی بوده، و تولیّت موقوفات واجبی را داشته است. توضیح: تولیّت آستانه مقدّسه دو قسمت بوده؛ تولیّت سنّتی‌ها: موقوفات مجهول المصرف؛ تولیّت واجبی‌ها: موقوفات معلوم المصرف.[995]

استاد ابو القاسم خواجویی

استاد ابو القاسم خواجویی، از هنرمندان نقّاش قرن سیزدهم هجری بوده، در نقّاشی گل‌وبته و صورت‌سازی و منظره مهارت داشته، و آثاری در اصفهان پدید آورده است از جمله

اعلام اصفهان، ص: 354

نقّاشی و تزیینات خانه استاد همایی در محلّه پاقلعه به تاریخ 1288 ق از آثار هنرمندانه او است.[996]

ابو القاسم خواجویی*

ابو القاسم خواجویی، عالم فاضل ادیب شاعر، در اوایل قرن سیزدهم هجری می‌زیسته، و در سال 1222 ق کتاب تحفة المرید را در موضوع علوم طبیعی تألیف نموده که به شماره 8812 در کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در قم موجود است.[997] شعر نیز می‌سروده است. این شعر از او است:

ستایش سزاوار ذاتی که هست	بر قدرتش آسمان چیز پست
خداوند خلّاق انسان و جان	که افلاك و انجم همه صنع آن
خداوند صنعتگر آب و خاك	روان‌بخش اجسام اجرام پاك
خداوند انوار و عقل اثیر	خداوند کیوان و بهرام و تیر
خداوند خورشید و ناهید و ماه	خداوند گردون این ناوگاه[998]

میرزا ابو القاسم زیانی

---

993 . چهره‌نگاران اصفهان، صص 138- 139.
994 . تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، صص 30- 31.
995 . مکارم الآثار، ج 3، ص 710.
996 . دیوان طرب، ص 179؛ تاریخ اصفهان(مجلّد هنر و هنرمندان)، ص 318؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 1016.
997 . فهرست مرعشی، ج 23، صص 9- 10.
998 . تذکره شاعران فارسی‌سرا، ص 87.

میرزا ابو القاسم اصفهانی متخلّص به «زیانی» شاعر ادیب، برادرش میرزا عنایت الله اصفهانی در دفتر خانه سلطنتی دولت نادری، لشکرنویس بوده، و خود او نیز از طرف نادر شاه به وزارت دار الامان کرمان منصوب شده است. این رباعی از او است:

مجنون دل‌آزرده بی‌صبر و قرار — می‌گشت به کوه و دشت با ناله و زار

خار و خس دشت را به مژگان می‌رفت — تا ناقه لیلی کند آسوده گذار[999]

میرزا ابو القاسم شمس‌آبادی*

میرزا ابو القاسم شمس‌آبادی، خطّاط هنرمند، در قرن سیزدهم هجری می‌زیست، و در خطّ شکسته استاد، و در دستگاه حکومت اصفهان، منشی‌باشی بود.[1000]

سیّد ابو القاسم سرّی

سیّد ابو القاسم فرزند سید ابراهیم سری از شعرا و ادبای معاصر در سال 1313 ش متولد شد. از آثار او ترجمه کتاب اشرف افغان بر تختگاه اصفهان است.

سیّد ابو القاسم قاری

ابو القاسم قاری، از فضلاء و دانایان قرائت و تجوید در اصفهان بود، طبع شعر نیز داشت، و در عهد شاه‌عبّاس دوم صفوی می‌زیست، در سال 1061 ق منظومه‌ای در تجوید به نام لؤلوئیّه سروده که بیت اوّلش این بیت است:

ای کلام از انتظام نام ذاتت در نظام — وی ز شهد شکّرین شکرت زبان شیرین به کام[1001]

شیخ ابو القاسم قاری

شیخ ابو القاسم قاری اصفهانی، از علمای بزرگ و از دانایان به علوم قرآن بود، و از معاصرین حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام و از شاگردان او است. در قرآن و تجوید شاگرد ملّا ابو الحسن خواجویی اصفهانی است از دیگر اساتید او میرزای قمی است. آقا محمّد مهدی کلباسی نیز از ارادتمندان صاحب عنوان بوده، و ظاهرا قرائت را نزد او تحصیل نموده است.[1002] وی در سلخ رمضان 1267 ق کتابت حبل المتین فی معجزات امیر المؤمنین علیه السّلام تألیف شمس الدّین محمّد بن محمّد بدیع مشهدی را در نجف اشرف به

پایان رسانیده است، کتاب به شماره 177 در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی مشهد موجود است.[1003]

میرزا ابو القاسم لاهیجی

---

999 . تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص 519؛ الذّریعة، ج 9، ص 408؛ تذکره روز روشن، ص 330؛ سفینة المحمود، ص 232.
1000 . جغرافیای اصفهان، ص 79؛ آثار ملّی اصفهان، ص 239.
1001 . الذّریعة، ج 18، ص 377.
1002 . الکرام البررة، ج 1، صص 43- 44؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 176؛ بیان المفاخر، ج 1، صص 253- 254.
1003 . فهرست الهیّات مشهد، ج 1، ص 94.

میرزا ابو القاسم لاهیجی، معروف به «جغد العرفاء» از عرفای ساکن اصفهان (و مریدان حسین علی شاه اصفهانی) است. در طرائق الحقائق ذکری از او شده است.[1004]

سیّد ابو القاسم مذهب‌باشی*

ابو القاسم حسینی اصفهانی ملقّب به «مذهب‌باشی» از هنرمندان دوره فتحعلی شاه قاجار است. از تذهیب‌کاران درجه اوّل آن عهد بوده، و در نقّاشی قلمدان و فنون زرافشان و نقّاشی گل و بوته، هنرنمایی‌ها کرده است. وی تا سال 1222 ق در قید حیات بوده است.[1005]

از آثار او تذهیب قرآنی است که جهت تقدیم به فتحعلی شاه قاجار نویسنده معروف زین العابدین بن عبد النّبی قزوینی در سال 1322 نگاشته است، و این قرآن در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است.[1006]

ابو القاسم معبّر اصفهانی

ابو القاسم اصفهانی فاضل محترم مدّت چهل سال در اصفهان تعبیر خواب می‌نموده است. وی مؤلّف کتابی است به نام نخبة الاشیاء فی تعبیر الرّؤیا در یك مقدّمه و چند باب برحسب حروف تهجّی و یك خاتمه. کتاب به شماره 4613 بدون تاریخ تألیف و یا کتابت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. نویسنده محترم فهرست، اظهارنظر می‌کند که نام کتاب باید نخبة الرّؤیا باشد.[1007]

سیّد ابو القاسم ملایری

سیّد ابو القاسم موسوی ملایری اصفهانی، عالم فاضل بارع. از آثارش، تقریظی است بر کتاب توحید تألیف ناصر الاسلام موحّد مکّی اصفهانی که آن را در صفحه 46 کتاب نامبرده مرقوم داشته است. نسخه کتاب توحید به شماره 163 در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی در قم موجود است.[1008]

میرزا ابو القاسم نشاط

میرزا ابو القاسم نشاط، از فضلاء و شکسته‌نویسان قرن 13 هجری در اصفهان بوده، از آثارش کتابت کتاب گنجینه به خطّ شکسته نستعلیق مورّخ شعبان 1266 ق است، نسخه به شماره 1442 در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس وجود دارد.[1009]

شیخ ابو القاسم نصرآبادی

شیخ ابو القاسم نصرآبادی، ظاهرا از عرفاء و متصوّفه قرن هفتم یا هشتم هجری بوده، و در نصرآباد ماربین اصفهان ساکن بوده، و خانقاه داشته، و همان جا مدفون شده است[1010].

سردر و بنای خانقاه توسّط خواجه صدر الدّین علی طبیب نصرآبادی در سال 854 ق بنا شده که قسمتی از کتیبه سردر آن هنوز باقی است.[1011]

فایده: این شیخ ابو القاسم نصرآبادی، عارفی است غیر از شیخ ابو القاسم بن محمّد بن محمویه نصرآبادی نیشابوری، مجاور مکّه معظّمه و متوفّی به سال 372 ق.[1012]

1004 . تاریخ تهران، بلاغی، ج 2، ص 42.
1005 . هنر قلمدان، ص 145؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 318.
1006 . گنجینه قرآن، ص 82.
1007 . فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج 14، ص 3544.
1008 . فهرست گلپایگانی، ج 1، ص 152.
1009 . فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد، ص 167.
1010 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 178.
1011 . گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 329.
1012 . تذکرة الاولیاء، ج 2، ص 261؛ طرائق الحقائق، ج 2، ص 210.

سیّد ابو القاسم هرندی*

ابو القاسم هرندی عالم فاضل معاصر، در سال 1338 ق در هرند متولّد شد. در اصفهان نزد شیخ هبة الله هرندی، سید محمّد باقر ابطحی سدهی و شیخ احمد فیّاض به تحصیل

پرداخت. پس از آن به قم رفت، و از درس آیات عظام امام خمینی، مرعشی نجفی و گلپایگانی بهره‌مند شد. آن‌گاه به عتبات عالیات عزیمت نمود و در جلسه درس آیات عظام سیّد عبد الهادی شیرازی، خویی، حکیم، اصطهباناتی و شیخ موسی خوانساری حاضر شد.

وی سال‌ها در نجف اشرف به تدریس سطوح مشغول بود. عاقبت به ایران مراجعت نموده، و در اصفهان به اقامه جماعت و سایر وظایف دینی پرداخت، و سرانجام در 30 دی 1370 ش (مصادف با سالروز شهادت امام محمّد باقر علیه السّلام در قم وفات یافت، و در مزار علیّ بن جعفر در قم مدفون شد). فرزند برومند او سیّد محمّد علی حسینی هرندی اوّلین روحانی شهید اصفهان در دوران دفاع مقدّس است. او در مهر ماه 1359 در کوی ذوالفقاری آبادان در نبرد با متجاوزین عراقی به شهادت رسید.[1013]

ابو محمّد

ابو محمّد، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده، و از او با عنوان «الاستاد الاوحد ابو محمّد» یاد کرده است.[1014]

ابو محمّد اصفهانی

ابو محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابو عبد الله جعفر بن محمّد بن حسین خزاز و عبد الرّحمن بن محمّد بن حماد روایت نموده، و حافظ حکایی و ابو بکر قرآنی از او حدیث روایت می‌نمایند.[1015]

ابو محمّد اصفهانی

ابو محمّد بن بامویه اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. ابو سهل عبد الملك

بن عبد الله بن محمّد دشتی (482- 582 ق) از وی حدیث شنیده است.[1016]

ابو محمّد بن یحیی

ابو محمّد بن یحیی بن زکریّا، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف معاصرین ذکر کرده است.[1017]

ابو محمّد خونجانی اصفهانی

ابو محمّد بن ابی نصر بن حسن بن ابراهیم خونجانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان، و از اهالی قریه «خونجان» است، از ابو القاسم بن محمّد بن فضل طلحی اصفهانی و دیگران حدیث شنیده است.[1018]

ابو محمّد طیرانی

1013 . یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.
1014 . محاسن اصفهان، ص 32.
1015 . احقاق الحق، ج 17، صص 81 و 471.
1016 . التّحبیر، ج 1، ص 345.
1017 . محاسن اصفهان، ص 31.
1018 . اللّباب، ج 1، ص 471؛ معجم البلدان، ج 2، ص 407.

ابو محمّد طیرانی مقری، از دانشمندان اصفهان، و احتمالا از قریه «طیران» اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و از دانشمندان کلام و حدیث ذکر نموده است.[1019]

ابو محمّد ورّاق

ابو محمّد ورّاق، از محدّثین اصفهان است. احمد بن محمّد بن فراد تمیمی از او روایت می‌کند، و ابو محمّد از عبد الله بن محمّد بن زکریّا حدیث نقل می‌کند.[1020]

[ظاهرا در قرن سوم می‌زیسته، و او همان ابو محمّد داود بن عبد الرّحمن بن عطاش ورّاق است که از احمد بن موسی بن اسحاق انصاری روایت نموده است.][1021]

اعلام اصفهان، ص: 360

ابو المرجّی

ابو المرجّی سبط عبدوس، از شعرای پارسی‌گوی اصفهان است. مافرّوخی در کتاب خود از او یاد کرده است.[1022]

ابو مسعود رازی

شیخ ابو مسعود بن فرات رازی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او در ری متولّد گردید، و جهت اخذ حدیث به مصر، دمشق، کوفه، بغداد، جزیره، شام، یمن و اصفهان سفر کرد. او معاصر احمد بن حنبل بوده، و نزد او احترام بسیار داشته است. وی سرانجام در اصفهان ساکن شده، و به تربیت شاگردان و نقل حدیث پرداخت، و سرانجام در شعبان سال 258 ق وفات یافت، و قاضی ابراهیم بن احمد خطّابی بر او نماز گزارد، و محمّد بن عاصم وی را غسل داد، و در مقبره مردبان مدفون گردید.

برخی او را شیعه می‌دانند، و از او تجلیل می‌کنند، و برخی او را سنّی و صوفی می‌دانند.

[ظاهرا بقعه‌ای بر سر مزار او بوده، و تا قرن‌ها مردم اصفهان آنجا را زیارت می‌کرده‌اند]، در سال 895 ق محمّد بن جلال الدّین عربشاه سردر بقعه شیخ ابو مسعود را تجدید بنا کرد، و کاشی‌کاری نمود که هنوز باقی است، و در شمار آثار باستانی اصفهان به ثبت رسیده است.

در اواسط دوره قاجاریّه، آقا سیّد صدر الدّین محمّد عاملی پس از تحقیق درباره احوال و مذهب شیخ ابو مسعود، او را سنّی دانست، و مردم را تحریك نمود، و آنان قبر شیخ ابو مسعود را تخریب کردند. در کتاب مزارات اصفهان اسامی تعداد کثیری از مشایخ و اساتید و راویان و شاگردان شیخ ابو مسعود مذکور است، و کتاب مسند از او است.[1023]

اعلام اصفهان، ص: 361

ابو مسلم اصفهانی

ابو مسلم محمّد بن بحر اصفهانی، ادیب، لغوی، نحوی، شاعر، کاتب، مفسّر، از دانشمندان قرن سوم و چهارم هجری. وی منصب کتابت داعی صغیر محمّد بن زید حسینی (م 287 ق) را داشته است. در سال 254 ق متولّد شده، و از دانشمندان زمان خود بهره گرفته، و در ادبیّات، حدیث، تفسیر و سایر علوم عصر خود، مهارت یافته است. وی پیرو مذهب معتزله بوده، و چندی از طرف مقتدر عبّاسی حاکم قم، و سپس اصفهان بوده، و سرانجام در سال 322 ق وفات یافته است. کتب زیر از او است:

1019 . محاسن اصفهان، ص 30.
1020 . احقاق الحق، ج 14، ص 303.
1021 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 313.
1022 . محاسن اصفهان، ص 34.
1023 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 82، تهذیب التّهذیب، ج 1، صص 66- 67؛ الاعلام، ج 1، ص 186؛ میزان الاعتدال، ج 1، صص 49 و 60؛ خلد برین، صص 187- 193؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 144؛ فوائد الرّضویة، ج 2، ص 460؛ مرآة الجنان، ج 2، ص 169؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 215- 216؛ مزارات اصفهان، صص 79- 88؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 353؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 49؛ الذّریعة، ج 21، ص 405.

1. جامع التّأویل در تفسیر قرآن، در چهارده جلد برحسب رأی معتزله 2. کتاب همزه 3. النّاسخ و المنسوخ 4. کتابی در نحو و غیره.[1024]

ابو مسلم اصفهانی

ابو مسلم محمّد بن علیّ بن محمّد بن حسین بن مهریزد اصفهانی، ادیب، مفسّر و محدّث معتزلی، و دانشمندان قرن پنجم هجری. وی در سال 322 ق متولّد شده، [ابو بکر بن مقری روایت نموده است که سعید بن ابی الرّجاء صیرفی، حسین خلّال و محمّد بن احمد کبریتی از وی روایت کرده‌اند.

برخی از مورّخان و تراجمنگاران او را شیعه دانسته، و ابراز عقیده کرده‌اند که از اعتزال، به عنوان پوششی برای تشیّع خود استفاده کرده است]. ابو مسلم اصفهانی در سال 457 یا 459 ق در اصفهان وفات یافت. کتب زیر از او است: 1. جامع التّأویل لمحکم التّنزیل، در تفسیر قرآن، در بیست جلد 2. جامع الرّسائل 3. ناسخ الحدیث و منسوخه.[1025]

ابو مضر بن ابی طالب

ابو مضر بن ابی طالب بن غیاث، از ادباء و شعرای قرن پنجم هجری است، و به عربی شعر می‌سروده است.[1026]

ابو مضر بن جریر

ابو مضر بن جریر، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است، و مافرّوخی او را در ردیف معاصرین آورده است.[1027]

ابو مضر بن ابی عدنان

ابو مضر بن ابی عدنان بن ابی الفوارس، از ادباء و دانشمندان اصفهان بوده، و مافرّوخی وی را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده است.[1028]

ابو المطهّر مجلّدی

ابو المطهّر مجلّدی، از ادباء و دانشمندان اصفهان است، در صرف و نحو و لغت و انشاء مهارت داشته، و مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین ذکر نموده است.[1029]

ابو المظفّر بن ناحیه

ابو المظفّر بن ناحیه، از ادباء و فضلای اصفهان و معاصر با مافرّوخی است، مافرّوخی او را در شمار دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء آورده است.[1030]

ابو المظفّر حسن‌آبادی

ابو المظفّر حسن‌آبادی اصفهانی، از ادباء و شعرای پارسی‌گوی اصفهان است. وی از

[1024] . تاریخ قم، صص 217- 218؛ الاعلام، ج 6، ص 273؛ لسان المیزان، ج 5، ص 89؛ معجم المؤلّفین، ج 9، ص 97؛ معجم الادباء، ج 18، صص 35- 36؛ بغیة الوعاة، ج 2، ص 23؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 214- 216؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 898.

[1025] . اعیان الشّیعة، ج 46، ص 148؛ الذّریعة، ج 4، ص 258؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 917؛ شذرات الذّهب، ج 5، ص 254؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 18، ص 146؛ محاسن اصفهان، ص 32؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 83؛ هدیة العارفین، ج 2، ص 71؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 106؛ الاعلام، ج 7، ص 143؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 263.

[1026] . محاسن اصفهان، ص 34.

[1027] . محاسن اصفهان، ص 31.

[1028] . محاسن اصفهان، ص 32.

[1029] . محاسن اصفهان، ص 32.

[1030] . محاسن اصفهان، ص 32.

شعرای متقدّم بر عصر مافرّوخی (قرن پنجم هجری) بوده است.[1031]

میرزا ابو المعالی کلباسی

میرزا محمّد مکنّی به ابو المعالی کلباسی (نام او مهجور افتاده، و در همه جا به کنیه شهرت یافته‌اند)، فرزند حاج محمّد ابراهیم کلباسی خراسانی از اکابر علما و مجتهدین، محقّق مدقّق و دقیق الفکر، کثیر التتبّع، در غایت زهد و تقوی. درباره زهد و ورع و احتیاطهای شرعی او بین الخواص و العوام، حکایاتی منقول است که همگی، دلالت بر مقام او می‌کند. در شب چهارشنبه 7 شعبان 1247 ق در اصفهان متولّد شد، [مقدّمات را نزد آقا سیّد محمّد باقر دهکردی و] درس خارج را نزد آقا میر سیّد حسن مدرّس و آقا سیّد محمّد شهشهانی طی نمود، و به اجتهاد نایل آمد.

در تذکرة القبور درباره او فرماید: «مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریّین و عیسی علیه السّلام بود که عرض کردند: من نجالس؟ فرمود: من یذکرکم الله رؤیته و یزیدکم فی العلم منطقه، و یرغّبکم فی الآخرة عمله».

جمعی کثیر از بزرگان علماء و مجتهدین از شاگردان او هستند که معروف‌تر از همه، مرحوم آیت‌اللهالعظمی حاج آقا حسین بروجردی- رحمة الله علیه- می‌باشد. او در شب چهارشنبه 27 ماه صفر المظفّر سال 1315 وفات یافت، و در تخت فولاد در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید. بانی ساختمان تکیه، حاج میرزا احمد ملّاباشی داماد آن مرحوم می‌باشد. میرزا ابو المعالی دختر آقا میرزا زین العابدین فرزند حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی را به زوجیّت داشت، و از او، صاحب دو پسر (حاج میرزا جمال الدّین، و حاج میرزا کمال الدّین معروف به ابو الهدی) و یك دختر (که به زوجیّت حاج میرزا احمد ملّاباشی درآمد) می‌باشد. مجموع کتب و رسائل تألیفی ایشان، متجاوز از هشتاد مجلّد می‌شود که از آن جمله است: 1. رساله در استخارات، مطبوع در مقدّمه قرآن در سال 1316 ق 2. رساله در استشفاء به تربت حضرت سیّد الشّهداء علیه السّلام مطبوع در سال

1258 ق 3. الاستجاریّه 4. رساله در کیفیّت زیارت عاشورا 5. رساله در ابن غضائری 6.

رساله در احوال انسان، به فارسی 7. رساله در احوال آقا حسین خوانساری 8. رساله در احوال شیخ بهایی 9. بشارات در اصول، سه مجلّد 10. مجموعه‌ای از اشعار عربی 11.

تفسیر قرآن کریم 12. تعارض استصحاب و اصالة الصحّة 13. جبر و تفویض 14. حجّت مظنّه 15. رساله در تزکیه اهل رجال 16. رساله در نیّت 17. رساله در مفطر بودن قلیان 18.

سند صحیفه کامله 19. شرح خطبه شقشقیّه [مطبوع] 20. شرح کفایه سبزواری، در فقه 21.

شرح زیارت جامعه 22. رساله در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام[1032].

میر ابو المعالی طباطبایی

میر ابو المعالی کبیر فرزند سیّد مراد بن شاه اسد الله طباطبایی اصفهانی، از مشاهیر علماء و سادات ساکن اصفهان است. زوجه‌اش دختر مولی محمّد صالح مازندرانی از آمنه خاتون دختر ملّا محمّد تقی مجلسی بوده، و از همسر خود صاحب چهار پسر و دو دختر شده که یکی از پسران میر ابو المعالی صغیر جدّ مجتهد عالی‌قدر سیّد علی طباطبایی صاحب ریاض المسائل است. ظاهرا میر ابو المعالی کبیر در اصفهان وفات یافته است.[1033]

ابو المعالی نقیب حسینی*

1031 . محاسن اصفهان، ص 33.

1032 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 40؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 216- 217؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 302؛ الکنی و الالقاب، ج 1، ص 59؛ بیان المفاخر، ج 2، صص 173- 174؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص 58- 59؛ نقباء البشر، ج 1، صص 79- 80؛ مکارم الآثار، ج 4، صص 1301- 1302؛ تاریخ و جغرافیای گناباد، ص 195؛ ریحانة الادب، ج 7، ص 269؛ البدر التّمام؛ هدیة الاحباب؛ چهل سال تاریخ ایران(المآثر و الآثار)، ج 1، ص 231؛ مشاهیر مزار علّامه ابو المعالی کلباسی، صص 33- 97؛ خاندان کلباسی، صص 232- 244؛ الذّریعة، مواضع مختلف؛ علمای بزرگ شیعه، ص 315؛ میراث حقوق زن، مقدّمه، صص 7- 12؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج 1، صص 152- 155.

1033 . مرآة الاحوال، صص 140- 142؛ اعیان الشّیعة، ج 10، ص 530؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 1، ص 328.

ابو المعالی نقیب حسینی، از خوشنویسان اصفهان در اواخر عهد صفویّه بوده، خطّ ثلث را با استادی و مهارت می‌نوشت، و تا سال 1124 ق در قید حیات بود. از آثار او کتیبه ایوان

شاگرد در مسجد جامع اصفهان به سال 1112 و نسخه‌ای از کتاب نثر اللّئالی به خطّ نستعلیق در سال 1124 هنوز موجود است.[1034]

ابو المفاخر رضوی

ابو المفاخر رضوی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در پنجشنبه 27 صفر سال 1078 ق نسخه‌ای از وافی فیض کاشانی در اصفهان به خطّ نسخ کتابت نموده است، نسخه به شماره 1866 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[1035] همچنین در سال 1053 ق نسخه‌ای از کافی شیخ کلینی را به خطّ نسخ کتابت نموده است.[1036]

ابو المکارم اصفهانی

قاضی ابو المکارم اصفهانی، از فقهاء و محدّثین اصفهان است. از حسن بن احمد مقری (حدّاد) روایت کرده، و علیّ بن احمد از او نقل حدیث نموده است.[1037]

شیخ ابو منصور اصفهانی

شیخ ابو منصور معمّر بن احمد بن محمّد بن زیاد اصفهانی، صوفی و محدّث حنبلی، از بزرگان تصوّف و حدیث قرن چهارم و پنجم هجری. [وی از ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه، حافظ ابو الشّیخ اصفهانی، طبرانی، ابو الحسن بن مثنی، ابن مقری، علیّ بن عمر بن عبد العزیز و ابو عبد الله محمّد بن منده حدیث شنیده، و یا نزد آنان تلمّذ نموده است. از مشایخ او در تصوّف، اطّلاعات چندانی در دست نیست؛ ظاهرا یکی از آنان احمد بن جعفر بن هانی است. ابراهیم بن هبة الله جربادقانی، احمد بن محمّد قرشی، قاسم بن مفضل ثقفی و ابو مطیع از او حدیث استماع کرده‌اند. از شیخ ابو منصور تألیفاتی مختلفی به‌جا مانده که از آن جمله است: 1. الاختیارات، چاپ شده در مجلّه معارف 2. ادب الملوك،

قسمت سماع آن در مجلّه معارف چاپ شده است 3. حقائق الآداب، در آداب صوفیّه، که در مجلّه معارف چاپ شده است 4. ذکر معانی التّصوف که در مجلّه معارف چاپ شده است 5. شرح ابیات ابی عبد الله مرشدی، مخطوط 6. شرح الاذکار، مخطوط 7. شرح اربعین حدیثا فی التصوّف، چاپ شده در مجلّه مقالات و بررسی‌ها 8. المسائل المحدّثة الواقعة فی عصرنا، چاپ شده در مجلّه معارف 9 و 10. المناهج بشاهد السنّة و نهج المتصوّفه، دو تألیف جداگانه، چاپ شده در مجلّه معارف 11. نهج الخاص، چاپ شده در مجلّه تحقیقات اسلامی. شیخ احمد کوفانی او را دیده، و عبارت «الفقیر عزیز» را از او شنیده، و آن را نیکو یافته است]. شیخ ابو منصور اصفهانی در رمضان 419 ق (و یا 418) وفات یافته است.[1038]

ابو منصور بن اسماعیل

ابو منصور بن اسماعیل، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف محدّثین متقدّم بر عصر خود ذکر می‌کند.[1039]

ابو منصور بن حسن

[1034] . احوال و آثار خوشنویسان، ج 1، ص 35؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 115 گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 115؛ آثار ملّی اصفهان، ص 542.

[1035] . فهرست مرعشی، ج 5، ص 249.

[1036] . فهرست الفبایی آستان قدس، ص 455.

[1037] . احقاق الحق، ج 17، ص 425.

[1038] . تاریخ تصوّف، ص 534؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 33؛ تذکرة الحفاظ، ج 3، ص 946؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 16، صص 276-278؛ العبر، ج 2، ص 236؛ مجلّه معارف، شماره 1 و 2، سال 1368 ش، مقاله شیخ ابو منصور اصفهانی؛ نفحات الانس، ص 283؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 6، صص 280- 285.

[1039] . محاسن اصفهان، ص 30؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« اسماعیل»، ص 2536.

ابو منصور بن حسن بن زرینزاد، از ادباء و دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء یاد کرده است.[1040]

ابو منصور خیّاط

ابو منصور خیّاط فقیه، از محدّثین و فقهای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف محدّثین مقدم بر عصر خود ذکر می‌کند.[1041]

اعلام اصفهان، ص: 367

ابو المظفّر بن سهل

ابو المظفر بن سهل، از محدّثین اصفهان و معاصر با مافرّوخی بوده است.[1042]

ابو نعیم اصفهانی

حافظ ابو نعیم احمد بن عبد الله بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی، از محدّثین معروف اصفهان در قرن چهارم و پنجم هجری است. نسب او از طرف مادر به شیخ محمّد بن یوسف بن معدان اصفهانی از مشاهیر صوفیّه آن عهد می‌رسد. حافظ ابو نعیم در سال 334 یا 336 ق متولّد شده، و در اصفهان و سایر شهرها به تحصیل پرداخته است. در کتب رجال از او به حافظ اصفهان و گاهی حافظ دنیا تعبیر می‌کنند. برخی او را سنّی و صوفی، و عدّه‌ای شیعه می‌دانند. وی در طلب حدیث، به ایذج، عسکر مکرم، شوشتر، اهواز، بصره، واسط، کوفه، بغداد، مکّه، ایله و نیشابور سفر کرد. از بسیاری از محدّثان روایت می‌کند، و تعداد کثیری از محدّثین نیز از او نقل حدیث می‌کنند. [اسامی مشایخ حافظ ابو نعیم در کتاب مزارات اصفهان آمده است].

از شیخ ابو عبد الله محمّد بن محمّد اصفهانی نقل شده است که چون سلطان محمود غزنوی بر اصفهان استیلا یافت، از طرف خود کسی را بر این شهر والی گردانید. مردم بر او بشوریدند، و او را کشتند. سلطان محمود مجدّدا به شهر مراجعت نمود، و مردم را تأمین داد و از تقصیر آنان گذشت. چون روز جمعه شد، و مردم جهت نماز جمعه در مسجد حاضر شدند، جمعی کثیر از مردم را بکشت، و چون مردم شهر، قبلا حافظ ابو نعیم را از ورود به مسجد منع کرده بودند، از این مهلکه جان به سلامت برد، و این موضوع را از کرامات حافظ دانستند.

وی سرانجام در یکشنبه 21 محرّم سال 430 ق در اصفهان وفات یافت، و در قبرستان آب‌بخشان [که در آن روزگار به گورستان مردبان شهرت داشته است] مدفون شد. [برخی نوشته‌اند که حافظ ابو نعیم اصفهانی از اجداد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است.] نقل شده

اعلام اصفهان، ص: 368

است که میر لوحی سبزواری، از علماء و فضلای ساکن اصفهان از جمله کسانی بوده که با مجلسی عداوت داشته است، و از همین جهت، به بهانه سنّی بودن ابو نعیم، مردم را تحریک نمود که قبر او را خراب کنند.

[ظاهرا مقبره او بعدا مرمّت و احیاء شده است، و مقبره او تا قبل از تسطیح و تخریب قبرستان آب‌بخشان باقی بود]، و پس از احداث فلکه و خیابان، قبرستان آب‌بخشان تسطیح [شد]، و مقبره او از بین رفت. کتب زیر از تألیفات او است: 1. اربعون حدیثا فی المهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) 2. اطراف الصّحیحین 3. حرمة المساجد 4. حلیة الاولیاء و بهجة الاصفیاء، مطبوع در ده جلد، در مصر 5. دلائل النّبوّه، مطبوع در حیدرآباد هند 6. ذکر اخبار اصفهان، مطبوع در دو جلد در لیدن هلند 7. الرّیاضة و الابدان 8. طبّ النّبی صلّی الله علیه و آله 9. الفتن 10. فضائل الخلفاء 11. فضل العالم العفیف 12. الفوائد 13. ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین علی علیه السّلام 14. مختصر استیعاب 15. الجامع بین الصّحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم) 16. معجم الشّیوخ 17. معرفة الصّحابه، مطبوع در ریاض عربستان 18. منقبة المطهّرین 19. الرّد علی الرّافضة، مطبوع در بیروت[1043].

[1040] . محاسن اصفهان، ص 32.

[1041] . محاسن اصفهان، ص 30.

[1042] . محاسن اصفهان، ص 30.

[1043] . طبقات الشّافعیة، حسینی، صص 141- 142؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 17، ص 453؛ طبقات الفقهاء، ص 227؛ طبقات الشّافعیة، اسنوی، ج 2، صص 474- 475؛ تاریخ نیشابور، ص 110؛ النّجوم الزّاهرة، ج 5، ص 30؛ تبیین کذب المفتری، ص 246؛ وفیات الاعیان، ج 1، ص 75؛ العبر، ج 3، ص 170؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 111 و 52؛ المنتظم، ج 8، ص 100؛ تذکرة الحفاظ، ج 3، ص

ابو الولید کنانی

ابو الولید عبد الله بن محمّد کنانی، از محدّثین شیعه است. حدیث بسیار روایت کرده، و به طلب دانش و نویسندگی شهرت داشته، و بر ترویج تشیّع اصرار می‌ورزیده [است]، بدین

علّت، والی اصفهان مناظره‌ای ترتیب داد، و ابو الولید با ابو مسعود رازی، محمّد بن بکار، محمّد بن فرج و زین بن خرشه و دیگران مناظره کرد، و آن‌ها موفّق به مجاب کردن ابو الولید نشدند؛ لذا والی اصفهان او را شلّاق زد، و سنیّان اصفهان او را طرد کردند.[1044]

حاج میرزا ابو الهدی کلباسی

حاج میرزا کمال الدّین ابو الهدی کلباسی فرزند میرزا ابو المعالی بن حاج محمّد ابراهیم، عالم فقیه محقق زاهد، در زهد و تقوی مانند پدر بزرگوار و برادر عالی‌مقدار خود [میرزا جمال الدّین] بی‌مثل و مانند بود، و در مکارم اخلاق و صفات و حالات روحانی کم‌نظیر در 22 شعبان 1278 در اصفهان متولّد شده، و نزد پدر دانشمند خود به تحصیل پرداخت، و پس از وفات او در درس حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی حاضر شد، سپس به همراه برادرش به عتبات عالیات رفت، و از محضر درس آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم یزدی مستفیض گردید.

او از علمای عالی‌قدری چون حاج میرزا هاشم چهارسوقی آقا سیّد حسن صدر کاظمینی و حاج ملّا علی محمّد نجف‌آبادی اجازه دریافت نمود. وی پس از بازگشت به اصفهان به تدریس پرداخته، و نماز جماعت را در مسجد جوجه، جنب مسجد حکیم، اقامه می‌فرمود. وی در اغلب علوم همچون فقه، اصول، حدیث، منطق، هیئت و خصوصا رجال مهارت داشته است. سرانجام در شب سه‌شنبه 27 ربیع الثّانی 1356 ق در اصفهان وفات یافت، و در کنار پدر، در بقعه تکیه میرزا ابو المعالی مدفون گردید. مادّه تاریخ وفات او را میرزا حسن خان جابر انصاری ضمن قطعه‌ای چنین یافته است:

جاء البشیر مهنیا و مورّخا: »اتل السّلام علی من اتّبع الهدی«

از تألیفات او: 1. البدر التّمام، در احوال پدر و جدّ والامقام خود، مطبوع 2. التّحفة الی سلالة النّبوة، و آن اجازه‌ای است که جهت آیت‌الله مرعشی نجفی مرقوم فرموده، مطبوع در کتاب المسلسلات 3. حاشیه بر کفایة الاصول 4. الدّر الثّمین فی جملة من المصنّفات و

المصنّفین 5. درّة البیضاء، در اجازه حدیث 6. زلّات الاقدام، در اشاره به اشتباهات رجالی برخی از اعلام 7. سماء المقال فی تحقیق علم الرّجال که در دو جلد به سعی فرزندش آیه الله شیخ محمّد کلباسی به طبع رسیده 8. الصّراط المستقیم فی التّمییز بین الصّحیح و السّقیم 9. الفوائد الرّجالیة، حاوی سی فایده.[1045]

ابو یعقوب حذّاء

275؛ روضات الجنّات، ج 1، ص 265؛ النّابس، ص 17؛ اعیان الشّیعة، ج 9، ص 4؛ ریحانة الادب، ج 7، ص 285؛ الکنی و الالقاب، ج 1، ص 265؛ هدیة الاحباب، ص 49؛ معجم المطبوعات، ج 1، ص 350؛ الاعلام، ج 1، ص 150؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 8، صص 1118- 1120؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 143؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 224- 226؛ مزارات اصفهان، صص 88- 93؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 302- 303 و 386؛ اصفهان(کتاب جوانان)، صص 208- 209.

[1044] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 49.

[1045] . احوال حاجی کرباسی و اولادش، صص 101- 107؛ ریحانة الادب، ج 8، صص 298- 300؛ میراث و حقوق زن، مقدّمه؛ سماء المقال، مقدّمه؛ نقباء البشر، ج 1، ص 81؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 294؛ ماضی النّجف، ج 3، ص 235؛ بدر التّمام، ص 45؛ الاجازة الکبیرة، ص 21؛ المسلسلات، ج 2، صص 53- 55؛ خاندان کلباسی، صص 247- 252؛ مشاهیر مزار علّامه ابو المعالی کلباسی، صص 115- 161؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 217- 219؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 61.

ابو یعقوب ابن ابو اسحاق اسماعیل بن ابراهیم بن صبیح ثقفی، از محدّثین اصفهان است. او در سنین جوانی در راه مکّه وفات یافته است.

بسیاری از احادیث را نوشته، و آخرین کسی که از او استماع حدیث کرد، ابو عثمان اسحاق بن ابراهیم بن یزید بود.[1046]

ابی الخیر

ابی الخیر بن احمد بن محمّد بن برد واعظ اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.[1047]

اثرم فابجانی

اثرم فابجانی اصفهانی، از شعراء و ادبای اصفهان است. وی به عربی شعر می‌سروده، و از علمای لغت به شمار می‌رفته است. او شهرهای عراق را سیاحت نموده، و لغت و شعر را از علمای آن شهرها فرا گرفته است.[1048]

اعلام اصفهان، ص: 371

احسان الله ساطعی نجف‌آبادی

احسان الله گلشنی نجف‌آبادی از شعرای معاصر در سال 1351 ق در نجف‌آباد متولّد شد. دوره متوسّطه را در ساوه طی نمود، و در همان دوران به سرودن شعر پرداخت. ابتدا «بیدل» تخلّص داشت، و سپس «ساطعی» تخلّص نمود.[1049] از او است:

روزگار خرّمی باری گذشت — وه چه بی‌حاصل گذشت، آری گذشت

تا ز مستی کوس شیدایی زنم — صحبت از شور و شرّ و زاری گذشت

دل به عشق دلبری در خون نشست — از سر مهر و وفاداری گذشت

سیّد احمد آزاد اصفهانی

احمد شهشهانی متخلّص به «آزاد»، شاعر ادیب، [در حدود سال 1284 شمسی در اصفهان متولّد شد]. وی در فنّ شعر و ادب از شاگردان مرحوم میرزا عبد الوهاب گلشن ایران‌پور و در موسیقی، شاگرد سیّد رحیم موسیقی‌دان بود[1050]. [به کفّاشی اشتغال داشت، و زمانی رئیس اتّحادیّه صنف کفّاشان شد. در انجمن‌های ادبی از جمله انجمن کمال و انجمن سعدی شرکت می‌کرد، در سال 1368 شمسی وفات یافت، و در گورستان باغ رضوان مدفون گردید.] از او است:

به یاد ناله مجنون، ز عشق طرّه لیلی — در این صحرای بی‌پایان جرس دایم فغان دارد

دکتر احمد آژیر

[1046] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 214.
[1047] . میزان الاعتدال، ج 1، ص 73.
[1048] . معجم الادباء، ج 2، ص 104.
[1049] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص 104 و 405؛ دیباچه دیار نون، ص 218.
[1050] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص 11- 12.

دکتر احمد آژیر اصفهانی شمس‌آبادی، از پزشکان حاذق معاصر در تهران ساکن بوده، و در دانشکده پزشکی تهران تدریس می‌نموده، مدیریّت مجلّه بیوشیمی نیز با او بوده است.[1051]

اعلام اصفهان، ص: 372

احمد ابهری

ابو جعفر احمد ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان. در سال 393 ق وفات یافت.[1052]

شیخ احمد احرام‌باف

شیخ احمد احرام‌باف بیدآبادی از فضلاء گمنام اصفهان ساکن محلّه قبله دعا و از معاصرین مرحوم سیّد حجّت الاسلام شفتی و فرزندش حاج سیّد اسد الله بوده، و در نزد آنان، محترم و مقبول القول و معتمد علیه. جلسه درس مختصری در منزل داشته، و عدّه‌ای در محضر او حاضر می‌شده‌اند که از آن جمله است مرحوم آقا میرزا یحیی مدرّس کاشی‌پز اصفهانی بیدآبادی. پس از وفات- که ظاهرا در حدود سال 1295 بوده-، در قبرستان آب‌بخشان در مقبره مرحوم ملّا حسین تفلیسی مدفون گردیده است. پس از خرابی قبرستان آب‌بخشان، اعقابش استخوان‌های او را به تکیه آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی نقل کردند.

احمد اخوّت*

استاد احمد اخوّت، نویسنده و مترجم توانای معاصر، در اصفهان ساکن است، و در زمینه‌های ترجمه، نقد ادبی و شناخت ادبیّات غرب، مهارتی بسزا دارد. آثار ایشان:

1. ترجمه اطلس نوشته خورخه لوییس پورخس، 2. ترجمه واژه‌نگارهای چینی، رساله شعر، نوشته ارنست فنولوزا 3. ترجمه قصیده کافه غم، نوشته کارسون مك لولرز 4. کتاب مقدّمات و مقالاتی در چند نشریه از جمله فصلنامه زنده‌رود.

احمد اصفهانی

احمد اصفهانی، از جمله دانشمندانی است که وقف‌نامه مدرسه نوریّه اصفهان را مهر و امضاء کرده است. سجع مهر او: «و مبشّرا برسول یأتی من بعدی اسمه احمد»[1053].

اعلام اصفهان، ص: 373

احمد اصفهانی

احمد اصفهانی شاعر، از فضلاء و ادباء اوایل قرن چهاردهم هجری است. وی دیوان شعر کوچکی داشته که در سال 1312 ق به چاپ رسیده است.[1054]

میرزا احمد اصفهانی

میرزا احمد اصفهانی، واعظ شهیر عصر قاجار. مدتی در تهران ساکن بود.

اعتماد السّلطنه گوید: «در شغل مرثیه‌خوانی و روضه‌خوانی به مقامی سامی رسیده، وصیت شهرتش از تهران به همه جای ایران کشیده».[1055]

(به نوشته بیان الواعظین وی فرزند میرزا علی محمد شیرازی است و پس از سال‌ها اقامت در تهران، به اصفهان معاودت نموده و تا آخر عمر در کمال شهرت و عظمت به منبر می‌رفت و پس از وفات به عتبات حمل شد و در وادی السلام مدفون گردید)[1056]

1051 . دائرةالمعارف دانش بشر.
1052 . هزاره شیخ طوسی، ج 1، ص 148.
1053 . تاریخچه اوقاف اصفهان، ص 106.
1054 . نقباء البشر، ج 1، ص 82.
1055 . چهل سال تاریخ ایران(المآثر و الآثار)، ج 1، ص 289؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 230.

آقا احمد نقّاش اصفهانی*

آقا احمد فرزند آقا نجف نقّاش، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. وی در نقّاشی، شاگرد پدر، و در نقّاشی صحنه‌های جنگ و مجالس بزم، استادی مسلّم بوده است.[1057]

احمد اصفهانی

احمد بن ابان اصفهانی، از محدّثین اوایل قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن ابان عنبری روایت می‌کند، و علیّ بن حسن بن سلم از وی نقل حدیث می‌نماید.[1058]

احمد اصفهانی

ابو الحسن احمد بن ابراهیم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم. از حافظ سلیمان بن احمد طبرانی روایت نموده و اسماعیل بن زاهر بونانی از او نقل حدیث می‌کند.[1059]

احمد شیبانی

احمد بن ابراهیم بن ابی الخصیب شیبانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابی سفیان و محمّد بن مغیره روایت می‌کند، و احمد بن حسین از وی نقل حدیث می‌نماید.[1060]

احمد کرانی

ابو بکر احمد بن ابراهیم بن احمد بن روزبه کرانی از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از دارکی و ابن اخی ابی زرعه روایت می‌کند.[1061] کران از محلّه‌های شهر اصفهان است.

احمد اصفهانی

ابو بکر احمد بن ابراهیم بن احمد بن محمود اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. او از حسن (یا محمّد) بن احمد بن محمّد بن حبش اصفهانی روایت می‌کند، و احمد بن حسین از او نقل حدیث می‌نماید.[1062]

احمد

احمد بن ابراهیم بن اسحاق، مولای ضبه، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری

است. از عمرو بن حمید قاضی دینور روایت می‌کند، و اسحاق بن شاذه از وی نقل حدیث می‌نماید.[1063]

احمد باب کوشکی

احمد بن ابراهیم باب کوشکی، عالم محدّث قرن سوم هجری از اهالی محلّه «باب کوشك» یهودیّه اصفهان بوده، از حسین بن حفص نقل حدیث نموده، در سال 278 ق وفات یافته است.[1064]

1056 . خلد برین ص 185، جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.
1057 . هنر قلمدان، ص 79.
1058 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 98.
1059 . احقاق الحق، ج 9، ص 279.
1060 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 85.
1061 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 164.
1062 . احقاق الحق، ج 8، ص 287؛ مناقب خوارزمی، ص 68.
1063 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 109.

احمد دقّاق

ابو العبّاس احمد بن ابراهیم بن ایّوب دقّاق، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از عبد الله بن محمّد بن نعمان روایت می‌کند، و حسین بن علیّ بن احمد بن بکر از وی نقل حدیث می‌نماید.[1065]

احمد زعفرانی

ابو بکر احمد بن ابراهیم بن حسن زعفرانی، از محدّثین اصفهان است. از محدّثین اصفهان و بصره استماع حدیث کرده است که از آن جمله است: محمّد بن احمد اثرم بصری.

فایده لغوی: زعفرانی منسوب است به «زعفرانیّه» از قرای بغداد. زعفرانی منسوب است به «زعفران» از قرای همدان. زعفرانی کسی را گویند که زعفران فروشد.[1066]

اعلام اصفهان، ص: 376

احمد غسال

ابو جعفر احمد بن ابراهیم بن سلیمان بن غسال، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از سهل بن عثمان و اسماعیل بن عمرو بجلی روایت می‌کند، و فرزندش قاضی ابو احمد بن محمّد از او نقل حدیث می‌نماید.[1067]

احمد

احمد بن ابراهیم بن شادان، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از جعفر بن احمد قارنی روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث کرده است.[1068]

احمد

ابو الحسن احمد بن ابراهیم بن صالح بن منذر، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از عبید الله بن عبد الرّحمن بن واقد روایت می‌کند، و عبد الله بن محمّد بن مندویّه از او نقل حدیث می‌کند.[1069]

شیخ احمد کلباسی*

حاج شیخ احمد کلباسی فرزند حاج شیخ محمّد ابراهیم بن حاج میرزا عبد الرّحیم بن حاج شیخ محمّد رضا بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی عالم فاضل، در حدود سال 1342 ق متولّد شده، و در قم نزد آیات عظام حجّت کوه‌کمری و صدر الدّین صدر و در تهران نزد حضرات آیات سیّد احمد خوانساری و میرزا محمّد باقر آشتیانی تلمّذ نمود. سپس در دانشگاه تهران در رشته حقوق قضایی تحصیل نموده، و لیسانس دریافت کرد، و سپس در رشته فلسفه دکترا دریافت نمود.

وی در مسجد امام حسن عسکری در تهران اقامه جماعت می‌نمود، و در دانشگاه تهران

اعلام اصفهان، ص: 377

در رشته فلسفه به تدریس می‌پرداخت. در اواخر عمر به بیماری سختی دچار شد، و برای معالجه به آمریکا رفت، معالجات سودی نبخشید، و در 10 ذی‌قعده 1414 ق (1373 ش) دار فانی را وداع گفت، و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید. این

[1064] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 98؛ الانساب، ج 2، ص 7؛ اللّباب، ج 1، ص 101؛ معجم البلدان، ج 1، ص 309؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 376.
[1065] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 149.
[1066] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 165؛ راهنمای دانشوران، ج 1، ص 436.
[1067] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 100.
[1068] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 26؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 6، ص 93؛ طبقات المحدّثین، ج 1، ص 118.
[1069] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 137.

کتاب‌ها از تألیفات او است: 1. اخلاق از نظر قرآن کریم 2. فلسفه نوین یا نجات بشر 3. مفتاح السّعاده یا کلید خوشبختی (ترجمه فصل پنجم از مقدّمه ابن خلدون)[1070].

احمد انواری*

احمد انواری فرزند دکتر ابراهیم انواری بن شیخ عبد الکریم ادیب الشّریعه سودایی دستگردی اصفهانی، روزنامه‌نگار ادیب، در حدود سال 1343 ق در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و تهران تحصیلات خود را به پایان رسانده، و در رشته‌های ادبیّات، حقوق و ارتباطات، لیسانس دریافت نموده است. از سال 1362 ق فعّالیت مطبوعاتی خود را آغاز نموده، و خود، روزنامه‌های خرد و پرخاش را منتشر ساخته است. از خدمات فرهنگی ماندگار او تأسیس مدرسه عالی کورش در اصفهان است. وی سرانجام در اواخر اسفندماه 1375 شمسی در تهران وفات یافته است.[1071]

احمد هفشوری

ابو جعفر احمد بن ابراهیم بن عبد الله مؤدّب، ساکن قریه هفشور، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی از محمّد بن مثنی، سلمة بن شبیب و مقری روایت می‌کند، و عبد الله پدر حافظ ابو نعیم اصفهانی از وی روایت می‌نماید.[1072]

[ظاهرا «هفشور» همان هفشویه، از قراء بلوك قهاب جی اصفهان است].

احمد اصفهانی

ابو جعفر احمد بن ابراهیم بن فیض، از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری است. او از احمد بن عثمان اودی، حسن بن صبّاح و هارون بن موسی روایت می‌کند، و ابو محمّد بن حیّان از او حدیث نقل کرده است.[1073]

احمد فریز هندی

ابو العبّاس احمد بن ابراهیم بن محمّد بن ابان فریز هندی میمه‌ای اصفهانی از محدّثین اصفهان است. اصلا از قریه «فریز هند» میمه بوده است. از ابی بکر محمّد بن سلمان بن حسن معدانی استماع حدیث نموده، ابن منده در تاریخ اصفهان او را ذکر نموده است.[1074]

احمد خبزی اصفهانی

ابو مسعود احمد بن ابراهیم بن محمّد بن احمد بن ابراهیم بن موسی بن عبد الله خبزی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، شیخ صالح و عابد بوده، و پدرانش عموما از محدّثین اصفهان بوده‌اند. پدرش وی را به محضر ابی عمرو بن مندویه اصفهانی جهت استماع حدیث برد.[1075]

احمد سنّی

احمد بن ابراهیم بن یزید معروف به سنّی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از ابو سفیان صالح بن مهران روایت می‌کند.[1076]

1070 . خاندان کلباسی، ص 227؛ تربت پاکان قم، ج 1، ص 383؛ یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.
1071 . چهره مطبوعات معاصر، ص 184؛ روزنامه اطّلاعات، مورّخ 30 بهمن 1375 ش.
1072 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 97.
1073 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 123.
1074 . معجم البلدان، ج 15، ص 259.
1075 . معجم البلدان.
1076 . میزان الاعتدال، ج 1، ص 27.

احمد مدینی

ابو العبّاس احمد بن ابراهیم بن ابی یحیی یزید بن عبد الله باهلی مکتب مدینی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از نصر بن علی جهضمی، عبد الله بن محمّد زهری، و محمّد بن یحیی بن فیّاض روایت می‌کند. پدر حافظ ابو نعیم اصفهانی، محمّد بن جعفر و محمّد بن احمد بن ابراهیم قاضی از او نقل حدیث می‌کند. مدینی از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و در ربیع الاوّل 304 ق وفات یافته است.[1077]

احمد حنفی

ابو جعفر احمد بن ابراهیم حنفی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم است. از حمید بن مسعده روایت می‌کند، و قاضی ابو احمد از او نقل حدیث می‌نماید.[1078]

دکتر احمد رئیسی*

دکتر احمد رئیسی فرزند ابراهیم، استاد دانشگاه و از دانشمندان معاصر اصفهان است.

در سال 1319 ش در اصفهان متولّد شده، و پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسّطه وارد دانشگاه اصفهان شده، و سرانجام، دکترای داروسازی دریافت نموده است. وی در انگلستان به تحصیل ادامه داده، و فوق دکترای داروشناسی دریافت نموده است. او سال‌ها در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول بوده، و مناصب مختلف اداری، از جمله رئیس دانشکده داروسازی را برعهده داشته است.

احمد سمیرمی

ابو بکر احمد بن ابراهیم سمیرمی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. در طرابلس از ابا عبد الله بن ابی حامد اخذ و استماع حدیث کرد، و ابو علی حسن بن محمّد بن حسن

1079

ساوی از او روایت می‌کند.[1080]

احمد قصّار

ابو العبّاس احمد بن ابراهیم قصّار معروف به «فاتنی» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن محمّد بن یونس ابهری، ابی عمرو بن حکیم و صحّاف روایت نموده است. او از مصاحبان حافظ ابو نعیم اصفهانی بوده، و با او رفت و آمد داشته، و در اواخر قرن چهارم هجری وفات یافته است.[1081]

سیّد احمد مقدّس

آقا سیّد احمد مقدّس فرزند ابراهیم حسینی عالم فاضل ادیب ماهر، از دانشمندان معاصر اصفهان است. در حدود سال 1320 ق در محلّه بیدآباد متولّد شد، و در خدمت اساتید این شهر همچون حاج میرزا ابو الحسن بروجردی، شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی، آقا سیّد محمّد نجف‌آبادی، حاج میر سیّد علی نجف‌آبادی، آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای، آقا سیّد مهدی درچه‌ای، آقا سیّد ابو

1077 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 114.
1078 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 124.
1079 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
1080 . معجم البلدان، ج 3، ص 257.
1081 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 169.

القاسم دهکردی و حاج آخوند زفره‌ای به تحصیل پرداخت، به مراتب عالی علم و کمال نائل آمد. او در علوم زمانه، خصوصا ادبیّات عرب از صرف و نحو، معانی و بیان و نیز منطق و کلام، زحمت‌ها کشیده، و رنج‌ها برده بود.

او از مدرّسین معروف در مقدّمات و سطح بود، و سرانجام در 3 ربیع الاوّل 1397 ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.[1082]

شیخ احمد قاضی

شیخ احمد بن ابو تراب بن شیخ محمّد حسن بن شیخ عبد الله گیلانی عالم فاضل، از سلسله مشایخ بیدآباد اصفهان است. در قرن سیزدهم هجری می‌زیست، و پس از وفات،

در قبرستان آب‌بخشان مدفون شد.[1083]

از آثار او مجمع الانوار فی ترجمة عیون اخبار الرّضا علیه السّلام است که آن را به خواهش میرزا صادق بن میرزا علی اکبر اشتهاردی ساکن محلّه چهارسوق علی قلی آقا ترجمه نموده است.[1084]

سیّد احمد تنکابنی

احمد بن ابی الحسن تنکابنی، ساکن اصفهان، ادیب فاضل ریاضی‌دان، نویسنده حواشی بر هیئت فارسی قوشچی. وی در دیباچه این رساله می‌نویسد: «روزهای پنج‌شنبه و جمعه نزد آخوند ملّا حسین بن ملّا ولیّ الله مازندرانی ساکن محلّه شهشهان اصفهان هیئت می‌خواندم، و مجموعه بیانات او را به صورت این حاشیه درآوردم». نسخه به خطّ نستعلیق در 377 برگ، ضمن مجموعه 1791 در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم موجود است[1085].

[او در اواخر عمر، به زادگاهش تنکابن رفت، و در آنجا وفات یافت. از کتب او است:

1. رساله در معاد 2. رساله در شرح بعضی از ادعیه و احادیث و متفرّقات عرفانی 3. حاشیه بر شرح چغمینی 4. حاشیه بر هیئت فارسی قوشچی][1086].

احمد غزّاء اصفهانی

احمد بن ابی السرّی غزّاء اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، او از ابو همّام و یوسف بن بحر روایت نموده است.[1087]

احمد مدینی

ابو بکر احمد بن ابی سعید بن اسحاق بن ابراهیم مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن

سوم هجری است. وی از اسحاق بن اسماعیل و محمّد بن عاصم روایت می‌کند، و قاضی ابو احمد از وی نقل حدیث می‌نماید.[1088]

احمد حرانی

1082 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 86 و اطّلاعات متفرّقه.
1083 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 145؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 119؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 234؛ مزارات اصفهان، ص 27.
1084 . فهرست مسجد اعظم قم، ص 347.
1085 . فهرست فیضیّه، استادی، ج 3، ص 134.
1086 . بزرگان تنکابن.
1087 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 11.
1088 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 97؛ محاسن اصفهان، ص 30.

ابو الشّکر احمد بن ابو الفتح بن ابو بکر حرانی اصفهانی از محدّثین قرن ششم هجری است. وی از ابو العبّاس احمد بن محمّد بن حسین خیّاط، ابو القاسم عبد الرّحمن بن عبد الله بن منده و محمود بن جعفر کوهج و دیگران روایت نمود، و سمعانی از او نقل حدیث کرده است. ابو الشّکر در رجب 543 ق وفات یافت.[1089]

احمد شریف حائری

احمد بن ابی الفتح بن ابی جعفر شریف حائری اصفهانی از ادباء و خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. وی مدّتی در تهران و مدّتی در کرمانشاه بوده، و کتاب احسن القصص و دافع الغصص را تألیف نموده است. قسمت عمده کتاب از کتاب تاریخ الفی نوشته احمد تتوی سندی (مقتول در سال 1010 ق) گرفته شده، و وقایع پس از آن به خامه خود احمد شریف حائری است. نسخه‌های مختلفی از این کتاب در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی در مشهد، مرکزی دانشگاه تهران، مدرسه عالی سپهسالار، ملّی ایران، ملّی ملك موجود است. در کتابخانه‌های آستان قدس و عمومی اصفهان نسخه‌هایی از تاریخ الفی موجود است که همین احمد بن ابو الفتح اصفهانی آن را کتابت کرده است. وی تا سال 1259 ق در قید حیات بوده است.[1090]

احمد اصفهانی

شیخ ابو الفضل احمد بن احمد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از حافظ ابو نعیم

اصفهانی روایت می‌کند، و ابو الفتح محمّد بن عبد الباقی بن احمد بن سلمان معروف به «ابن البسطی» از او روایت می‌کند.[1091]

احمد ثقفی

ابو العبّاس احمد بن اسحاق بن ابراهیم جوهری معروف به «حمویه ثقفی» از محدّثین قرن سوم هجری است.

وی در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال 300 ق وفات یافته است. از ابی مروان عثمانی، اسماعیل بن زراره، ابن ابی رزمه، محمّد بن سلیمان لوین، عبد الله بن عمران عابدی و ابن المقری روایت می‌کند. قاضی ابو احمد محمّد بن احمد بن ابراهیم و عبد الله بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث می‌نمایند.[1092]

سیّد احمد حائری بروجنی

احمد حائری بروجنی فرزند سیّد ابو القاسم بن سیّد حسن حسینی بختیاری، عالم فاضل، در عتبات عالیات نزد فاضل اردکانی، شیخ زین العابدین مازندرانی و دیگران تلمّذ نموده و از علمای برجسته، و ائمّه جماعات کربلا محسوب می‌شده، و به انجام وظایف شرعیّه مشغول بوده است. عاقبت به اصفهان آمده، و به اقامه نماز جماعت در مدرسه چهارباغ و ارشاد مردم پرداخت، و سرانجام در سال 1339 ق در اصفهان وفات یافت و در تکیه ملك مدفون گردید. او تقریرات اساتید خود را به رشته تحریر درآورده است.[1093]

احمد ابهری

ابو طاهر احمد بن احمد بن ابی بکر ابهری مقری، از اهالی ابهر اصفهان، و از دانایان علم قرائت و از محدّثین اصفهان است.[1094]

احمد نیازی اصفهانی

1089 . لغت‌نامه دهخدا، ذیل« حرانی»، ص 428.
1090 . تاریخ الفی، مقدّمه، صص 33- 34 و 44- 47؛ فهرست ملك، ج 2، ص 10؛ نسخه‌های خطّی، ج 5، ص 721؛ فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج 1، ص 563؛ اعیان الشّیعة، ج 8، ص 297.
1091 . احقاق الحق، ج 7، ص 624.
1092 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 116.
1093 . نقباء البشر، ج 1، ص 82؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 231؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 305.
1094 . معجم البلدان، ج 1، ص 91.

احمد میرزا متخلّص به «نیازی» فرزند اسحاق بن ابو تراب خلیفه سلطانی مرعشی، عالم فاضل محدّث فقیه مرتاض. [برخی از تذکره‌ها نام پدر او را سیّد مرتضی آورده‌اند][1095].

مادرش دختر شاه سلطان حسین صفوی و خود، داماد شاه‌تهماسب ثانی بوده دیوان اشعاری دارد، در 1216 وفات یافته است. [با توجّه به فوت نیازی در زمان حیات آذر بیگدلی و مادّه تاریخی که او برای نیازی سروده، سال 1216 غلط، و سال 1188 ق صحیح است]. پدرانش عموما اهل فضل و کمال بودند، و فرزندش میرزا سیّد علی نوّاب نیز از علماء و دانشمندان است. [آذر در این بیت، مادّه تاریخ فوت او را آورده است:

چون شمار سال تاریخش ز آذر خواستم زد رقم: «مونس بود با احمد احمد در بهشت[1096]]

[دیوان اشعار او در کتابخانه آستانه حضرت معصومه (س) در قم وجود دارد][1097].

از اشعار او است:

به یك کرشمه زلیخاوش دل ما را چنان ربود که یوسف دل ما را

احمد اصفهانی

احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی، از محدّثین اصفهان در اوایل قرن چهارم هجری است. از محمّد بن یوسف بنّا روایت نموده، و نواده‌اش حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث می‌کند.[1098]

اعلام اصفهان، ص: 385

دکتر احمد فشارکی

دکتر احمد فشارکی فرزند حاج میرزا اسد الله، از طرف مادر، نواده ملّا علی اکبر فشارکی فرزند ملّا محمّد جعفر می‌باشد. در سال 1337 قمری متولّد شد. تحصیلات خویش را در رشته پزشکی در دانشکده پزشکی تهران به پایان رسانید، و از اوّل تأسیس آموزشگاه عالی پزشکی و دانشکده پزشکی به عنوان دانشیار، و اخیرا استاد مشغول انجام‌وظیفه است. طبیبی است حاذق، و در فنّ طبابت ماهر. مردی خلیق و مهربان و متدیّن و پاك‌روان است.

برخی از تألیفات و آثار او در رشته پزشکی به طبع رسیده است. [وی پس از تأسیس دانشکده پزشکی اصفهان، ریاست آزمایشگاه فیزیولوژی آن را برعهده داشته، و در این دانشکده به تدریس پرداخته، و به مقام استادی نایل آمده است. وی مدّتی معاونت دانشکده پزشکی و سپس ریاست اداره کلّ دبیرخانه دانشگاه اصفهان را برعهده داشت.[1099]

احمد انصاری

احمد بن اسماعیل بن مثلم انصاری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابی هانی اسماعیل بن خلیفه قاضی مصاحب ثوری روایت می‌کند، و محمّد بن یحیی بن منده از او نقل حدیث می‌نماید.[1100]

[1095] . مجمع الفصحاء، ج 6، صص 1035- 1036.
[1096] . تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص 679- 681.
[1097] . فهرست آستانه حضرت معصومه(س)، ج 2، ص 313؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 231- 232؛ تذکره انجمن خاقان، صص 663- 664 و نیز رجوع کنید به: الذّریعة، ج 9، ص 1240؛ مکارم الآثار، ج 1621- 1623؛ الکنی و الالقاب، ج 3، ص 276؛ ریحانة الادب، ج 6، صص 274- 275.
[1098] . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 221.
[1099] . راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص 58؛ اطّلاعات شخصی مؤلّف.

احمد عابد

احمد بن اسماعیل بن یوسف عابد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از شیخ ابو مسعود احمد بن فرات رازی روایت می‌کند، و سلیمان بن احمد و حسن بن محمّد بن دکه از او نقل حدیث می‌کنند.[1101]

اعلام اصفهان، ص: 386

احمد اصفهانی

ابو بکر احمد بن اشکیب بن محمّد اصفهانی، از محدّثین چهارم هجری است. او از عبید بن حسن و ابا طالب بن سواده روایت نموده است. احمد در محرّم سال 332 ق در بازگشت از نیشابور وفات یافته است.[1102]

احمد خان بیگ کامل اصفهانی*

احمد خان بیگ اصفهانی متخلّص به «کامل» فرزند افضل، شاعر ادیب، به همراه پدر به هندوستان رفته، به ملازمت اورنگ زیب عالمگیر پادشاه هند درآمده، منصب امیری یافته، سرانجام در سال 1082 در شهر «تهانیسر» هند وفات یافته است.

از او است:

غم ز هر دل سفری شد سوی من می‌آید چون غریبی که ز غربت به وطن می‌آید[1103]

دکتر سیّد احمد ابطحی

دکتر حاج سیّد احمد ابطحی سدهی فرزند حاج میر محمّد باقر از پزشکان حاذق و متدیّن معاصر، در سال 1340 ق متولّد شد، و در اصفهان و تهران تحصیلات خود را انجام داد، و به اخذ درجه دکترا نائل شد، سپس به اصفهان بازگشت، و به معالجه بیماران و رسیدگی به حال ضعفاء و مستمندان پرداخت.

وی در عصر روز چهارشنبه 19 رمضان المبارك 1409 ق در اثر ابتلاء به سکته، وفات یافت، و در قبرستان باغ رضوان مدفون گردید.[1104]

میرزا احمد خان مشیر فاطمی

حاج میرزا احمد خان مشیر فاطمی فرزند میرزا محمّد باقر خان مشیر الملك بن میرزا

اعلام اصفهان، ص: 387

علی محمّد خان طباطبایی نایینی، عالم فاضل، از مشایخ و بزرگان شیخیّه اصفهان بود، تولّدش در سال 1315 ق، و وفاتش در 13 رمضان 1383 ق اتّفاق افتاد.[1105]

سیّد احمد روضاتی

1100 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 80.
1101 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 126 و 87؛ احقاق الحق، ج 16، ص 567.
1102 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 149.
1103 . کاروان هند، ج 2، ص 1129.
1104 . مزارات اصفهان، ص 117.
1105 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 363.

حاج سیّد احمد بن سیّد محمّد باقر بن سیّد جلال الدّین بن میرزا مسیح بن میرزا محمّد باقر موسوی چهارسوقی «صاحب روضات». عالم فاضل محقّق، در 7 رجب 1347 ق در اصفهان متولّد [شد]، و تحصیلات مقدّماتی خود را در اصفهان نزد شیخ محمّد حسین مشکینی، سیّد محمّد باقر ابطحی، میرزا علی آقا شیرازی، میرزا علی هسته‌ای، حاج آقا رحیم ارباب و سیّد مصطفی بهشتی‌نژاد انجام داد.

[سپس] به قم عزیمت نمود، و نزد آیات عظام: سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد محمّد حجّت، صدر الدّین صدر، سیّد احمد خوانساری، شیخ مرتضی حائری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدّین مرعشی نجفی به کسب علم پرداخت و از اساتید خود و بسیاری از علمای عالی‌قدر شیعه، موفّق به اخذ اجازه روایت گردید. سپس به اصفهان آمد، و به تدریس و تألیف و اقامه نماز در مسجد شیخ بهایی و مسجد الیادران پرداخت. پس از مدّتی در تهران ساکن شد، و به وظایف شرعی اقدام نمود.

او سرانجام در سال 1422 ق (1380 ش) در تهران وفات یافت، و در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون گردید.

او تألیفات بسیاری از خود به‌جا نهاد، از جمله:

1. المستدرکات علی روضات الجنّات 2. ماجرای ریش و سبیل، ردّ بر دکتر صفوی 3. گروه گمراهان بابی و بهایی 4. میزان الانساب 5. النّهریه شامل چهار رساله فقهی 6. حواشی زواهر الجواهر در اخلاق 7. گفت‌وگوی یك دانشمند شیعی با یك عالم سنّی 8. فوائد منطقی یا شرح کبری 9. شرح مبسوط بر رسائل مرحوم شیخ انصاری که به ضمیمه رسائل، چاپ سنگی شده 10. مقدّمه بر حاشیه شیخ جواد طارمی بر قوانین الاصول، چاپ

سنگی شده 11. مقدّمه مبسوط بر کتاب سفینة البحار، چاپ افست 12. فلسفه روزه یا بهترین روش تهذیب اخلاق در اسلام 13. مقدّمه کتاب مناهج المعارف 14. نداء الشّیعة فی حیاة الزّهراء 15. تحقیق نفحات الرّوضات 16. طبقات الاجازات 17. علماء الاسرة.

18. تقریرات درس فقه آیت‌الله بروجردی 19. السّبیل المسلوك فی اللّباس المشکوك 20. مغانم الاصول فی شرح معالم الاصول 21. سیر علم الاصول فی مختلف العصور 22. موقظ الاعلام فی تراجم الاسرة و الاقوام، در سه جلد 23. محاسن الاجازات فی سلسلة الرّوایات 24. سیرة صاحب الرّوضات و حیاته العلمی 25. حواشی بر کتب درسی متفرّق 26. حواشی بر کتب رجالیّه 27. مناظرات مذهبی، رد بر سنّیان، ج 2 و 3 مخطوط 28.

صوفی‌بازی، در دو جلد 29. پاسخ پرسش‌ها، سه جلد 30. فرهنگ منظوم یا شرح نصاب 31. الفوائد الثّمینة.[1106]

میرزا احمد چهارسوقی

آقا میرزا احمد چهارسوقی فرزند آقا میرزا محمّد باقر صاحب روضات، عالم فاضل زاهد، در 21 ربیع الثّانی 1263 ق در اصفهان متولّد شد، و نزد علمای اصفهان، از جمله پدر بزرگوار خود و عموی دانشمندش آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی تحصیل نمود، و دختر عموی خود را به زوجیّت خویش برگزید، و به نجف اشرف مهاجرت نمود.

وی در آنجا به تکمیل تحصیلات خود کوشید تا فقیهی جامع گردید، و باقی عمر را به عبادت و ریاضت گذراند تا اینکه در چهارشنبه 15 رمضان المبارك 1341 ق وفات یافت، و در وادی السّلام نجف در جوار مرقد عمّ بزرگوار خود مدفون گردید. صاحب عنوان، آثار و تألیفاتی داشته که از آن جمله است:

1. حاشیه بر شرایع 2. حاشیه بر شرح لمعه 3. کتابی در ادعیه.

او خطّ خوشی داشته، و کتب خود را به خطّ زیبای خویش کتابت نموده، و یك جلد

قرآن مجید نیز با خطّی نیکو نوشته است.[1107]

[1106] . الذّریعة، ج 16، ص 329 و ج 20، ص 123؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، صص 397- 398؛ مستدرك فهرس التّراث، صص 236- 237؛ گنجینه دانشمندان، ج 4، ص 471؛ مصفّی المقال، ص 64؛ فلسفه روزه، صفحه پشت جلد؛ یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

دکتر سیّد احمد تویسرکانی*

دکتر حاج سیّد احمد تویسرکانی فرزند عالم جلیل، حاج سیّد محمّد باقر تویسرکانی در سال 1314 ش در اصفهان متولّد شد، و تحصیلات حوزوی را نزد پدر خود آغاز نمود.

سپس نزد مدرّسین عالی‌قدری همچون سید احمد مقدّس، شیخ محمّد علی عالم حبیب‌آبادی، شیخ حیدر علی صلواتی، شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب‌آبادی، ملّا هاشم جنّتی، شیخ علی قدیری، حاج میرزا رضا کلباسی، شیخ محمود مفید، شیخ مرتضی اردکانی، حاج شیخ محمّد حسن عالم نجف‌آبادی، شیخ احمد فیّاض و میر سیّد علی علّامه فانی به تحصیل پرداخت، و در تهران نیز نزد استاد جواد مصلح به فراگیری علوم اسلامی مشغول شد.

از سال 1333 تا 1341 در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران به تحصیل مشغول شد. ابتدا در رشته معقول و منقول، لیسانس و سپس دکترا دریافت نمود.

او سال‌ها در دانشگاه‌های اصفهان به تدریس فلسفه و کلام مشغول بوده است و تلاش ارزنده‌ای جهت تصحیح و احیای متون کلامی انجام داده است، از جمله:

1. الرّسائل المختاره، شامل چند رساله از ملّا جلال الدّین دوانی که به همراه رساله امانت الهیّه میرداماد توسّط او تصحیح شده، و به چاپ رسیده است 2. سبع رسائل، شامل معرّفی حواشی و شروح بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیر الدّین طوسی و ابطال الزّمان الموهوم تألیف ملّا اسماعیل خواجویی، به همراه پنج رساله از تألیفات ملّا جلال الدّین دوانی: اثبات الواجب القدیم، اثبات واجب الجدید، الزّوراء و دو شرح مختصر و مفصّل از خود دوانی 3. تصحیح رساله غنا تألیف میرزا عبد الغفّار تویسرکانی 4. ثلاث رسائل که شامل سه رساله از ملّا جلال دوانی: تفسیر سوره کافرون، شرح هیاکل النّور سهروردی و شرح بر انموذج العلوم 5. رساله وقف تألیف حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی

از او مقالات متعدّدی نیز در نشریّات علمی به چاپ رسیده است.[1108]

سیّد احمد نوربخش دهکردی

حاج سیّد احمد نوربخش دهکردی ملقّب به «رحمت علی شاه حقّانی» فرزند سیّد محمّد باقر، عارف ادیب شاعر، در حدود سال 1285 ق در دهکرد [شهرکرد فعلی] متولّد [شد]، و جهت تحصیل به اصفهان آمد، و خدمت آخوند ملّا محمّد حسین دهکردی دایی خود و آقا سیّد ابو القاسم دهکردی برادر خود، و آقا میرزا محمّد حسن نجفی و آخوند ملّا محمّد کاشانی تحصیل نمود، سپس به نجف اشرف رفت، و از درس علمای اعلام آنجا به خصوص آخوند خراسانی بهره گرفت.

وی پس از بازگشت به ایران به تصوّف میل پیدا کرد، و در سلك فقرای خاکساریّه درآمد، و خرقه پوشید، و اذن هدایت یافت، و در محلّه در کوشك اصفهان خانقاهی ساخت، و در آن ساکن شد، و به ارشاد مریدان خود پرداخت. بسیاری از اهالی اصفهان و چهارمحال از مریدان او بودند.

وی در سال 1325 ق روزنامه نامه حقیقت را در اصفهان منتشر ساخت، و بالاخره در 12 جمادی الاوّل 1339 ق وفات یافت، و در خانقاه خود مدفون شد، و قبل از وفات، خواهرزاده خود حاج آقا رحیم دهکردی منوّر علی شاه را به جانشینی انتخاب کرد.

این کتاب‌ها از او است:

1. آغاز حقیقت [2. برهان‌نامه حقیقت، که در سال 1336 ق در اصفهان چاپ سنگی شده] 3. رشحات رحمت 4. منطق الطّیر در شرح هفت وادی 5. مثنوی در شرح سؤال کمیل از حضرت امیر علیه السّلام در معنی حقیقت 6. مثنوی در شرح آیه نور.

در شعر، «حقیقت» تخلّص داشت، و این شعر از او است:

[1107] . احسن الودیعه، ج 1، ص 40؛ نقباء البشر، ج 1، صص 91- 92؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 234- 235؛ مکارم الآثار، ج 5، صص 1705- 1706؛ اعیان الشّیعة، ج 9، ص 211.

[1108] . فصلنامه وقف میراث جاویدان، پاییز و زمستان 1376، ص 48، مصاحبه با دکتر تویسرکانی توسّط غلام رضا نصراللّهی در مهر ماه 1385.

به ملك فقر چرا كوس سلطنت نزنم؟ | كه آفتاب فلك گوشه كلاه من است

خطت دميده و «حقيقت» به سوز دل مى‌گفت: | سياهى رخ دلبر، ز سوز آه من است[1109]

احمد اصفهانی

احمد بن بسطام، از محدّثین اصفهان، به همراه برادرش ابراهیم در بصره ساکن بوده است.[1110]

احمد اصفهانی

احمد بن بشر بن فاخر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از مسعود روایت می‌کند، و محمّد بن ابراهیم بن علی از او نقل حدیث نموده است.[1111]

احمد

احمد بن بشرویه، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی در کتاب محاسن اصفهان از او نام برده است.[1112]

احمد شعّار

ابو عبد الله احمد بن بندار بن اسحاق اصفهانی معروف به شعّار، از محدّثین قرن چهارم هجری. حافظ ابو نعیم درباره او گوید: «ثقة ظاهریّ المذهب» و در مرآة الجنان گوید: مسند اصفهان معروف به سفار [ظاهرا سفار، تحریف‌شده شعار است]. وی از ابن

ابی عاصم ظاهری مذهب، حسن بن ادریس عسکری، خزاعی، عبید عزّال، عمر بن مرداس، محمّد بن ایّوب رازی، محمّد بن زکریّا و محمّد بن یوسف جدّ مادری حافظ ابو نعیم اصفهانی روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم از او نقل حدیث می‌نماید.[1113]

احمد حبّال

ابو العبّاس احمد بن بندار حبّال، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از مسعود، سلمه، عبد الله بن محمّد بن یحیی بن ابی بکیر و محمّد بن عاصم روایت حدیث می‌کند، و احمد بن اسحاق و ابو بکر محمّد بن احمد بن یعقوب شیبانی از او روایت می‌کنند.[1114]

فایده لغوی: «حبّال» بر وزن حمّال، به ریسمان‌باف و ریسمان‌فروش می‌گویند. «بندار» صفت فاعلی مرکّب و مرخّم (بن+ دارنده) به معنی ریشه‌دار است. بندار به معنی مال‌دار و سرمایه‌دار و صاحب باغ می‌باشد.[1115]

سیّد احمد تربتی

1109 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 176- 177؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 232- 233؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج 4، صص 268- 271؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 489؛ دیوان طرب، ص 245؛ مقالات الحنفاء، ص 118.

1110 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 186.

1111 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 167.

1112 . محاسن اصفهان، ص 31.

1113 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 151؛ مرآة الجنان، ج 2، ص 371.

1114 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 123.

1115 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 123.

سیّد احمد بن سیّد محمّد تقی بن حسن تربتی اصفهانی، عالم فاضل. در سال 1357 ق متولّد شده، و در نجف اشرف، خدمت اساتید، تلمّذ نموده است. این کتب از او است: 1.

تقریرات اصول و فقه اساتید خود 2. ردّ بر بابیان 3. علی علیه السّلام در علوم[1116].

احمد اصفهانی

ابو صالح احمد بن توبه، از محدّثین اصفهان است. وی در سال 321 ق وفات یافته است.[1117]

اعلام اصفهان، ص: 393

احمد طرقی اصفهانی

ابو العبّاس احمد بن ثابت بن محمّد طرقی اصفهانی، از محدّثین است، و در نقل احادیث مورد وثوق همگان بوده، در اصفهان از ابا الفضل مطهّر بن عبد الواحد و ابو القاسم بن الیسری و ابا علی تستری و غیره، نقل اخبار نموده است.[1118]

احمد مؤدّب ابهری

ابو العبّاس احمد بن جعفر بن احمد مؤدّب ابهری، از محدّثین اصفهان بوده [است]، و از محمّد بن حسن بن مهلب و فضل بن خصیب نقل احادیث می‌کند.

احمد بن جعفر فقیه یزدی از او روایت می‌نماید. ابهر یکی از روستاهای بلوك جی اصفهان است.[1119]

احمد فرسانی

احمد بن جعفر بن سلم فرسانی، از محدّثین قرن سوم هجری است از اهالی قریه «فرسان» در حومه اصفهان است. از محمّد بن یحیی بن منده و جعفر بن احمد بن فارس روایت می‌کند. محمّد بن عبد الرّحمن بن مخلد و محمّد بن عبد الرّحمن بن سهل از او نقل حدیث نموده‌اند.[1120]

احمد اشعری ملحمی

ابو حامد احمد بن جعفر بن محمّد بن سعید اشعری ملحمی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری. بیش از ده سفر به عراق کرده، و آخرین سفر او در سال 297 ق بوده است. از برخی از محدّثان اصفهان حدیث نقل می‌کند. حافظ ابو الشّیخ اصفهانی او را از ضعفاء

اعلام اصفهان، ص: 394

دانسته است. وی در ماه رجب 313 ق وفات یافت.[1121]

احمد مدینی دشتکی

ابی جعفر احمد بن جعفر بن محمّد مدنی [مدینی] اصفهانی معروف به دشتکی، از محدّثین اصفهان بوده، از محمّد بن عبد الله عسکری روایت می‌نموده، و ابو بکر بن مردویه از او روایت کرده است. دشتك از قرای اصفهان است، و برخی انکار کرده‌اند، در هر صورت، صاحب عنوان، اصفهانی است.[1122]

1116 . معجم رجال الفکر و الادب، ص 438.
1117 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 140.
1118 . معجم البلدان، ج 4، ص 31.
1119 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 164؛ معجم البلدان، ج 1، ص 84؛ خورشید جی، ص 426.
1120 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 142 و 153.
1121 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 128؛ تاریخ بغداد، ج 4، ص 64.
1122 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 163؛ معجم البلدان.

احمد صیرفی بغدادی

ابو الحسن احمد بن جعفر بن محمّد صیرفی بغدادی، از محدّثین قرن چهارم هجری است.

او بعد از سال 360 ق به اصفهان آمده است. محاملی و ابن عقده از او روایت می‌کنند.[1123]

احمد سمسار

ابو جعفر احمد بن جعفر بن معبد سمسار، از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از احمد بن عصام، احمد بن مهدی، ابی بکر بن نعمان، عبید غزال و یعقوب بن یعقوب روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.

احمد سمسار در 346 ق وفات یافته است.[1124]

احمد اصفهانی

ابو حامد احمد بن جعفر بن سعدان، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از ابی بکر بن نعمان روایت می‌کند، و قبل از سال 250 ق وفات یافته است.[1125]

احمد مؤدّب

احمد بن جعفر بن ممیّه مؤدّب، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ابراهیم بن نائله روایت می‌کند، و سریجانی از او نقل حدیث می‌کند.[1126]

احمد صوفی

احمد بن جعفر بن هانی صوفی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری از محمّد بن یوسف روایت می‌کند، و عبد الله بن احمد (پدر حافظ ابو نعیم اصفهانی) از او نقل حدیث می‌کند.[1127]

احمد جنّت اصفهانی

احمد غفراللّهی متخلّص به «جنّت» فرزند حاج محمّد جعفر روغنی شاعر و عارف ادیب در حدود سال 1270 خورشیدی در اصفهان متولّد شد، و در این شهر علم و ادب آموخت. در شعر، از شاگردان سینا کرونی، ثمر اصفهانی و غمگین اصفهانی بود، و در انجمن‌های ادبی شیدا، دبیرستان تبریزی، خاکیا، کمال الدّین اسماعیل و پروانه شرکت داشت. در جوانی مرید میرزا عبّاس پاقلعه‌ای و میرزا زین العابدین پاقلعه‌ای از عرفای نعمت‌اللّهی اصفهان شد. سپس به مسافرت پرداخت، و بالاخره به استخدام وزارت فرهنگ درآمد، و آموزگار شد. وی صاحب قدرت طبع و لطف بیان در شعر بود. این شاعر توانا در 27 جمادی الثّانی 1378 ق در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد جنب مزار ملّا اسماعیل خواجویی مدفون شد.

دیوان اشعار او به همّت برادرزاده‌اش عبد الحسین روغنی (ضیمران) در سال 1372 ش به طبع رسیده است. مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانا استاد فضل الله اعتمادی (برنا) سروده است:

گفت «برنا» به شمسی‌اش تاریخ: »جنّت ما شدی سوی جنّت«

[1123] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 164.
[1124] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 149.
[1125] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 152.
[1126] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 168.
[1127] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 142.

از او است:

ز برقی خرمن افلاك گردد تلّ خاکستر | ز سوز سینه عاشق اگر فریاد برخیزد
فلك را عاقبت ترسم به دل این آرزو ماند | که از کوی نکورویان یکی دلشاد برخیزد
به هر شاخی که بنشیند گل معنی به بار آرد | غبار تربت «جنّت» اگر از باد برخیزد[1128]

احمد قطّان

احمد بن جعفر حافی صوفی قطّان، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از احمد بن عصام روایت می‌نماید، و ابو بکر محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث نموده است.[1129] فایده لغوی: قطّان بر وزن عطّار، به معنی پنبه‌فروش است.

احمد خشّاب

ابو العبّاس احمد بن جعفر خشّاب، از محدّثین اصفهان است. او از محمّد بن عاصم روایت می‌کند، و سریجانی از او نقل حدیث می‌نماید.[1130]

احمد فقیه

احمد بن جعفر فقیه، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را در شمار دانشمندان متقدّم بر عصر خویش آورده است.[1131]

احمد یزدی

ابو بکر احمد بن جعفر یزدی از محدّثین قرن پنجم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و از احمد بن محمّد بن موسی ملحمی روایت کرده است، خطیب بغدادی مؤلّف تاریخ بغداد از او روایت می‌کند.[1132]

حافظ احمد اصفهانی

احمد بن جمال الدّین حافظ اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن دهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه‌ای است از لباب الاخبار فی احادیث النّبویه تألیف محمّد بن محمود که آن را در یکم جمادی الاوّل سال 910 ق به خطّ نسخ نوشته است.

نسخه، ضمن مجموعه شماره 2398 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1133]

شیخ احمد بیدآبادی

[1128] . دیوان جنّت اصفهانی، صص 1- 5؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 145؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 235- 236؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 64.
[1129] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 141.
[1130] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 168.
[1131] . محاسن اصفهان، ص 29.
[1132] . احقاق الحق، ج 5، ص 185.
[1133] . فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج 9، ص 999.

آقا شیخ احمد مجتهد بیدآبادی فرزند حاج محمّد جواد حسین‌آبادی، عالم عامل فقیه زاهد. در حدود سال 1278 ق (و یا 1279) در اصفهان متولّد شد، و در کودکی به تحصیل مشغول گشت، و از محضر درس علمای اصفهان بهره گرفت، و قبل از رسیدن به بلوغ، به اجتهاد نائل آمد، و از شش‌تن از اساتید خود، از جمله آقا میرزا محمّد باقر صاحب روضات و برادرش میرزا محمّد هاشم چهارسوقی کسب اجازه نمود. او قریب به پنجاه سال در محلّه بیدآباد اصفهان به اقامه جماعت، و هدایت و ارشاد مردم پرداخت، و در مدرسه میرزا مهدی تدریس نمود و با مواعظ شافیه خود مردم را مستفیض می‌نمود. حاج شیخ احمد در چند خصلت در بین معاصرین خود ممتاز بود:

اوّل: در حافظه و ذکاء، اعجوبه دهر بود، و ادعیه مطوّله را در قنوت نوافل، قرائت می‌نمود. دوم: در فروغ فقهیّه، به‌طور کامل مسلّط بود. سوم: در اخلاص و ارادت به خانواده عصمت و طهارت، اهتمام بسیار داشت. چهارم: در فتوّت و جوان‌مردی و فرزانگی، آیت

روزگار خود بود. این عالم جلیل القدر در چهارشنبه قبل از ظهر 21 جمادی الاوّل 1357 ق وفات یافته، در بقعه تکیه بروجردی مدفون شد. میرزا عبد الجواد خطیب در رثای او شعری سروده که مادّه تاریخ آن چنین است:

»خطیب« آه از دل برآورد و گفت: »بمعراج قرب احد رفت احمد[1134]«

احمد مستوفی اصفهانی*

عزیز الدّین احمد بن حامد بن محمّد اصفهانی معروف به عزیز الدّین مستوفی، ادیب دانشمند. از دولتمردان متنفّذ دولت سلجوقی بود، و به همراه ابو القاسم درگزینی، علیه شمس الملك فرزند خواجه نظام الملك نزد پادشاه سعایت کرد، و موجبات قتل او را در سال 517 ق فراهم ساخت. وی ابتدا مستوفی سلطان محمود سلجوقی بوده، و سپس خزانه‌دار و وزیر فرزندان سلطان شد. سلطان، درگزینی را عزل [کرد]، و انوشیروان کاشانی به وزارت برداشت. درگزینی پس از مدّتی با پرداخت وجهی کلان، وزارت را از سلطان محمود خرید، و پس از رسیدن به وزارت، شاه را به برکناری و حبس عزیز الدّین وادار ساخت. عزیز الدّین ابتدا در بغداد، و سپس در قلعه تکریت محبوس شد، درگزینی سرانجام فرمان قتل او را گرفت، و مجاهد الدّین بهروز شحنه بغداد، فرمان قتل او را اجراء کرد، در سال 527 ق عزیز الدّین در قلعه تکریت کشته شد. وی طبع شعر نیز داشته، این رباعی از او است:

امروز دگرباره چنان آمده‌ای گویی ز بهشت جاودان آمده‌ای

رخشنده چو ماه آسمان آمده‌ای از خلد مگر در این زمان آمده‌ای[1135]

احمد اصفهانی

شیخ احمد بن حسن اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن دهم هجری. از آثارش کتابت نسخه‌ای است از کتاب سی فصل تألیف خواجه نصیر الدّین طوسی که آن را در سال 918 در شماخی به خطّ نستعلیق نوشته است.

وی در همان سال و همان محل (یعنی سال 918 در شماخی) شرح سی فصل را نیز نوشته است. این دو اثر به شماره‌های 1/ 1082 و 1/ 1083 در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس وجود دارد.[1136]

[1134] . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 82- 83؛ خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج 1، صص 135- 138؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 237- 238؛ نقباء البشر، ج 1، صص 92- 93؛ استادزاده، صص 25- 30؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 86.

[1135] . وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، ص 269؛ لغتنامه دهخدا ذیل« احمد»، ص 1148؛ مجمع الفصحاء، ج 2، ص 868؛ نزهة المجالس، صص 84 و 258.

احمد انصاری

میرزا احمد خان نصر السّلطان فرزند حاج میرزا حسن خان جابری انصاری فرزند حاج میرزا علی، متوفّی 15 شهر رجب 1386 ق مدفون در تکیه بابا رکن الدّین در تخت فولاد اصفهان.[1137]

احمد آذینی

احمد بن حسن بن آذینویه (آذینوه) اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. وی در نصیبین ساکن بوده، و از احمد بن عیسی بن زید لخمی خشاب تنیسی و اسحاق بن سیّار روایت می‌کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه اصفهانی از او نقل حدیث می‌نماید.[1138]

احمد سسّویه

ابو العبّاس احمد بن حسن بن ابی عبد الله بن سسّویه، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از محمّد بن اسماعیل صائغ روایت می‌کند، و احمد بن عبد الرّحمن بن محمّد حفصی ذکوانی از او نقل حدیث می‌نماید.[1139]

احمد ماندکانی اصفهانی

ابو نصر احمد بن حسن بن احمد بن عبد الرّحمن ماندکانی اصفهانی معروف به «قاضی اللّیل» از محدّثین اصفهان بوده، و در شعبان 475 ق وفات یافته است.

ماندکان یکی از روستاهای اصفهان است.[1140]

احمد نقّاش

ابو الحسن احمد نقّاش بن حسن بن ایّوب بن هارون، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. حافظ ابو نعیم اصفهانی گوید: ثقه، صاحب اصول و کثیر الحدیث است. در روز جمعه در مسجد جامع به مدرس او حاضر شدم که در حظیره ابی بکر بن عبد الوهاب بوده؛ ولی چیزی از او استماع ننمودم. احمد نقّاش از عمران بن عبد الرّحیم، عبد الله بن محمّد بن سلام و محمّد بن احمد بن بردء روایت می‌کند، و محمّد بن ابراهیم بن علی از وی نقل حدیث نموده است. فوتش در ذی‌حجّه سال 345 ق اتّفاق افتاده است.[1141]

احمد تیمی واذاری

ابو مسعود احمد بن حسن تیمی واذاری بن جهم بن حبلة بن مصقله از محدّثین اصفهان در اوایل قرن چهارم هجری است. در کوفه حدیث می‌گفته است. از پدرش و اسید بن عاصم روایت می‌کند.[1142] [پدرش از اهالی قریه واذار در حومه شهر اصفهان بوده است].

احمد ابهری

1136 . فهرست گوهرشاد صص 138- 139.
1137 . سیری در تاریخ تخت فولاد، صص 73- 74.
1138 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 130؛ الانساب، ج 1، صص 73- 74؛ اللّباب، ج 1، ص 19، مقتبس الاثر، ج 2، ص 206؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 1، ص 70؛ فرهنگ‌نامه پارسی، ج 1، ص 98.
1139 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 146.
1140 . معجم البلدان.
1141 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 1535.
1142 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 145؛ الانساب، ج 5، ص 559.

ابو شكر احمد بن حسن بن فادار ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. اصلا از «ابهر» جی اصفهان بوده، و از احمد بن محمّد بن مرزبان ابهری حدیث نقل کرده، و در شعبان 455 ق وفات یافته است.[1143]

احمد قاری

ابو العبّاس احمد بن حسن بن محمّد بن حسن قاری، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. ابو المعالی هبة الله بن علیّ بن ابراهیم شیرازی در اصفهان از وی حدیث شنیده است.[1144]

احمد دارکی

ابو بکر احمد بن حسن بن محمّد بن حسن بن زیاد دارکی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابو حاتم و محدّثان عراق و ری روایت می‌کند، و محمّد بن احمد بن محمّد بن جشنس از او نقل حدیث می‌نماید.[1145]

احمد هیسانی

ابو بکر احمد بن ابو علی حسن بن محمّد بن همزه هیسانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی از اسید بن عاصم، احمد بن مهدی و عبد الله بن محمّد بن سنان روایت می‌کند، و ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه، حسن بن اسحاق بن ابراهیم و علیّ بن محمود از وی نقل حدیث می‌کنند.[1146]

سیّد احمد بهشتی

حاج سیّد احمد بهشتی فرزند سیّد حسن، عالم فاضل پارسا، مرد وارسته و زاهدی بود.

گاهی منبر می‌رفت، و مردم را موعظه می‌فرمود. نماز جماعت را در مسجد سر جوی شاه اقامه می‌نمود. در 29 جمادی الاوّل 1362 ق وفات یافت، و در تخت فولاد، نزدیك مصلّی مدفون شد پس از آن، تکیه‌ای برای او ساخته شد که به تکیه زرگرها معروف شد.[1147]

ملّا احمد بیان الواعظین

حاج ملّا احمد بیان الواعظین فرزند حاج ملّا حسن ادهم واعظ اصفهانی بن آقا محمّد جواد بن آقا محمّد هادی بن احمد بن ملّا ادهم بن آقا محمّد رضی قزوینی، عالم فاضل، واعظ کامل، در سوم صفر 1314 ق در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد گردیده[1148]، و نزد علمای این شهر، همچون حاج ابو القاسم زفره‌ای معروف به «حاج آخوند»، شیخ محمّد تقی آقا نجفی و آقا شیخ احمد حسین‌آبادی به تحصیل پرداخته است. سپس او به مطالعه و تحقیق و تألیف کتاب روی آورد، و جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، و با مواعظ خود شنوندگان را مستفیض می‌نمود. الحق، واعظی شیرین بیان و طلیق اللّسان بود.

وی سرانجام در شب یکشنبه 21 ربیع الاوّل 1371 ق وفات یافت، و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.[1149] کتب زیر از تألیفات او است: 1. اصل الکلام، در کلام 2. جوهر مقصود در اثبات رجعت موعود 3. خلد برین، در احوال خطباء و واعظین، در ده مجلّد که جلد اوّل آن به طبع رسیده است 4. دیوان اشعار 5. ران ملخ، دو جلد، در تاریخ احوال خمسه طیّبه علیهم السّلام 6. ضیاء النّحو، در امّهات مسائل نحویّه (تقریرات درس مرحوم زفره‌ای) 7. النّوادر و المتفرقات و غیره.[1150]

1143 . معجم البلدان، ج 1، ص 84.
1144 . التحبیر، ج 2، ص 361.
1145 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 126.
1146 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 144.
1147 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 198؛ نقباء البشر، ج 1، ص 86؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 240؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 128؛ تحفة الاحباب، صص 22- 23.
1148 . خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج 1، ص 230.
1149 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 241- 242؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 86.
1150 . مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 369؛ نقباء البشر، ج 1، صص 460- 461؛ الذّریعة، ج 10، ص 194.

میرزا احمد ملّاباشی

حاج میرزا احمد ملّاباشی بن میرزا محمّد حسن منجّمباشی بن میرزا محمّد علیّ بن حاج میرزا عبد الله حسینی تفرشی اصفهانی، عالم فاضل ادیب فقیه و منجّم، در اصفهان، مصدر امور شرعیّه و عرفیّه بوده، و در نزد جمعی از بزرگان از فحول علماء، همچون میرزا ابو المعالی کلباسی و پدرش میرزا محمّد حسن تلمّذ نموده، و به افتخار مصاهرت میرزا ابو المعالی نائل آمده است. وی سرانجام در روز پنجشنبه 11 ربیع الثّانی 1331 ق در اصفهان وفات یافت، و در داخل بقعه مرحوم میرزا ابو المعالی در تخت فولاد مدفون گردید، سپس به اعتاب مقدّسه حمل گردید. از آثار او دفتر تقویم است. همچنین ساختمان بقعه تکیه آقا میرزا ابو المعالی در تخت فولاد نیز به همّت او صورت گرفته است.[1151]

میرزا احمد محیی

میرزا احمد خان محیی فرزند میرزا حسن جرّاح، طبیب ماهر. وی در دار الفنون تحصیل کرد، و سال‌ها در بیمارستان انگلیسی‌ها مشغول خدمت بود، سپس خود در محلّه نو چهارسوق شیرازی‌ها بیمارستان تأسیس نمود که به بیمارستان احمدیّه شهرت یافت.

وی طبیبی حاذق و خلیق بود. طبّ قدیم را نیز نزد پدر آموخته بود، و به گرمی و ملاطفت و مهربانی از بیماران دلجویی می‌کرد. او بیش از چهل سال در اصفهان به طبابت مشغول بود، و سرانجام در ماه صفر سال 1371 ق وفات یافت، و در اتاق تکیه سادات میر محمّد صادقی‌ها در تخت فولاد مدفون گردید. اتاق مزبور و تکیه و حیاط تکیه اختصاصی مرحوم دکتر محیی را در سال‌های اخیر خراب کردند، و جزو تکیه شهداء نمودند.[1152]

احمد ضیاء الملك

خواجه ضیاء الملك ابو نصر احمد بن خواجه نظام الملك حسن طوسی اصفهانی، از سیاستمداران و کارگزاران عصر سلجوقی است. در بلخ متولّد شد، در اصفهان تربیت یافت، و در همدان سکنی گزید.

پس از سعد الملك آبی به وزارت سلطان محمّد سلجوقی رسید. مردی سلیم القلب، نیك نفس، صادق اللّهجه و پسندیده سیرت بود؛ امّا در حلّ و عقد امور و سیاست جمهور، استقلال و قدرت و قوّت نفس نداشت. از جمله القاب او قوام الدّین صدر الاسلام نظام الملك بود. مدّت چهار سال وزارت کرد، و پس از او خطیر الملك میبدی وزارت یافت.[1153]

احمد اسدی

ابو العلاء احمد بن حسین اسدی بغدادی، ادیب شاعر. وی به اصفهان آمده، و در این شهر ساکن شده، و در این شهر وفات یافته است.[1154]

احمد اصفهانی

احمد بن حسین اصفهانی، از محدّثین شیعه در قرن یازدهم هجری است. وی در 18 ربیع الاوّل 1040 ق از حسین بن حیدر بن قمر کرکی عاملی اجازه روایت دریافت داشته است. این اجازه، بر روی برگی از کتاب من لا یحضره الفقیه که در کتابخانه امیر المؤمنین علیه السّلام نجف محفوظ است، نوشته شده است.[1155]

احمد

ابو عمر احمد بن حسین بن احمد بن ابراهیم از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری

1151 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 43؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 218- 219؛ بیان المفاخر، ج 2، صص 174- 175؛ چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج 1، ص 284؛ خاندان کلباسی، ص 163؛ الذّریعة، ج 8، ص 216.

1152 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 214 و اطّلاعات شخصی نویسنده.

1153 . راحة الصّدور، ص 18؛ نسائم الاسحار، ص 53؛ دایرةالمعارف دانش بشر، ص 581.

1154 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 167.

1155 . الرّوضة النّضره، صص 15- 16؛ اعیان الشّیعة، ج 6، ص 60.

است. وی برادر قاضی ابی احمد محمّد عسال است، و از عبدان روایت می‌نماید.[1156]

احمد کرّانی

ابو حامد احمد بن حسین بن علی سمسار، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی ساکن محلّه ماجشون در کرّان اصفهان، و در صنف فرش‌فروشان (انماط) بوده است. وی از احمد بن محمّد بن سکن بغدادی روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث می‌نماید.[1157]

فایده لغوی: «انماط» جمع نمط به معنی فرش و بساط، و انماطی به معنی فرش‌فروش است.

شیخ احمد حججی نجف‌آبادی*

حاج شیخ احمد حججی فرزند ملّا حسین بن ملّا محمّد نجف‌آبادی عالم فاضل فقیه مجتهد، از علمای عالی‌قدر قرن چهاردهم هجری. در سال 1303 ق در نجف‌آباد متولّد شد، و پس از طی نمودن تحصیلات مقدّماتی به نجف اشرف عزیمت نموده، و از درس علمای اعلام و آیات عظام، آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم یزدی و دیگران بهره گرفت. در سال 1330 ق به دنبال واقعه فوت پدر، به نجف‌آباد بازگشت و به ارشاد مردم و ترویج دین پرداخت. همچنین در اصفهان از درس آخوند ملا محمد حسین فشارکی و میرزا محمّد صادق مدرّس خاتون‌آبادی استفاده نمود. او به پرورش طلّاب و تشویق جوانان به تحصیل علوم دینی اهتمام فراوان داشت. بسیاری از فضلای نجف‌آباد، شاگرد و دست‌پرورده او هستند. وی با قناعت و ساده‌زیستی روزگار را سپری می‌ساخت. سرانجام در 15 صفر 1365 ق در سنّ 63 سالگی در نجف‌آباد براثر بیماری دیابت وفات یافت، و در قبرستان شش‌جوبه نجف‌آباد مدفون گردید. از آثار ماندگار ایشان، تصحیح قبله نجف‌آباد

و ساختن مسجد معروف به مسجد شیخ احمد در چهارراه بازار نجف‌آباد است.[1158]

احمد خرجانی

ابو بکر احمد بن ابو علی حسین بن محمود بزّاز خرجانی واعظ، از محدّثین اصفهان است. وی از برادرزاده ابی زرعه و ابی الاسود و دیگران روایت می‌کند.[1159]

[خرجان یکی از روستاهای قدیمی حومه اصفهان بوده است].

احمد دلیجانی

ابو العبّاس احمد بن حسین بن مطهّر دلیجانی مشهور به خطیب از محدّثین اصفهان است. دخترانش امّ ولید و لامعه و ضوء الصّباح از او حدیث شنیده، و روایت کرده‌اند.

دلیجان (که اکنون آن را دلیگان می‌خوانند)، از دهات بلوك برخوار اصفهان است.[1160]

احمد اصفهانی

ابو بکر احمد بن حسین بن مهران اصفهانی، از محدّثین و دانشمندان قرائت و تجوید در قرن چهارم هجری است.

1156 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 153.
1157 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 160؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 23.
1158 . گنجینه دانشمندان، ج 7، صص 297- 299؛ دیباچه دیار نون، صص 166- 167؛ سیمای دانشوران، صص 73- 76، آیینه اهل‌قلم، صص 40- 41؛ حکایات پارسایی، اغلب صفحات.
1159 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 168.
1160 . معجم البلدان، ج 2، ص 461.

وی در سال 295 ق متولّد شده، و سال‌ها در نیشابور ساکن بوده است. وفات او در سال 381 ق اتّفاق افتاده است. کتب زیر از او است: 1. آیات القرآن 2. الغایة 3. غرائب القرآن 4. وقوف القرآن 5. الشّامل فی القراءات[1161].

احمد حلّی

جمال الدّین احمد بن حسین حلّی، از علماء و فضلاء قرن دوازدهم هجری، و از شاگردان فاضل هندی در اصفهان بوده است. مشار الیه در ماه رمضان 1124 ق نسخه‌ای از کتاب کافی را کتابت کرده، و حواشی فاضل هندی را در قسمت اوّل کتاب، نقل نموده، و مرحوم فاضل هندی در روی برگ اوّل کتاب، اجازه‌ای جهت کاتب نسخه نوشته است. این نسخه به شماره 983 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[1162]

شیخ احمد خوانساری

شیخ احمد بن شیخ محمّد حسین خوانساری، عالم فاضل، واعظ کامل، از علمای عالی‌قدر و اهل منبر اصفهان. (از شاگردان آخوند خراسانی، شیخ محمد حسن مامقانی و میرزا هاشم چهارسوقی) در تاریخ اسلام و اخبار و روایات، مهارت بسزایی داشته، و با مواعظ شافیه خود، مردم را راهنمایی می‌فرموده است.

در روز 19 جمادی الاوّل سال 1345 ق در خوانسار وفات یافت. کتاب لسان الصّدق او به چاپ رسیده است.[1163]

میرزا احمد عماد الواعظین

حاج میرزا احمد عماد الواعظین کربکندی فرزند مرحوم ملّا حسین عماد الواعظین. از افاضل اهل منبر اصفهان، در حدود سال 1300 در اصفهان متولّد گردید، و در خدمت جمعی از بزرگان همچون آخوند ملّا محمّد حسین کرمانی، مولی عبد الکریم گزی، سیّد محمود کلیشادی مغنی‌گو، حاج آقا منیر الدّین بروجردی و جمعی دیگر تلمّذ نموده، در خدمت پدر دانشمند خود حدیث و تفسیر آموخته، و رموز وعظ و خطابه و منبر فرا گرفته، و

عمر عزیز خود را به ارشاد و هدایت و ذکر مناقب و مصائب خاندان عصمت و طهارت گذرانید. سرانجام در صبح روز جمعه، سوم جمادی‌الثّانیه سال 1384 پس از فرود آمدن از منبر موعظه، در مجلس عزاداری حضرت صدّیقه طاهره- سلام الله علیها- به مرض سکته وفات یافت، و در تکیه حاج محمد جعفرآباده‌ای در جنب پدر مدفون گردید. نویسنده سال‌ها از نزدیك او را می‌شناختم، واعظی نیك‌نهاد و فاضلی خوش‌اعتقاد بود.[1164]

سیّد احمد مرندی

حاج سیّد احمد بن میر سیّد حسین مرندی اصفهانی، عالم فاضل، در حدود سال 1225 ق در شهر مرند متولّد گردید، و مقدّمات علوم را در آنجا فراگرفت. سپس به اصفهان مهاجرت نمود، و در خدمت حاجی کلباسی و سیّد حجت الاسلام و جمعی دیگر از علماء، تلمّذ نمود تا عالمی فاضل گردید.

سرانجام در شوّال سال 1298 در اصفهان وفات یافت، و در تکیه حاجی آباده‌ای مدفون گردید. این سه سطر شعر، بر روی سنگ قبر او منقور است:

حاج سیّد احمد از شهر مرند	آمد و در اصفهان مأوا گرفت
دانش این آیت‌الله بزرگ	در میان عالمان والا گرفت

[1161] . مرآة الجنان، ج 2، صص 410 و 308؛ النّشر فی قرائات العشر، ص 89؛ الاعلام، ج 1، ص 112؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 67.
[1162] . فهرست مرعشی، ج 3، ص 175؛ روضات الجنّات، ج 7، ص 113؛ احوال و آثار بهاء الدّین محمّد اصفهانی، صص 22- 23.
[1163] . خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، صص 146- 147؛ الذّریعة، ج 18، ص 306؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 386؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 243، جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی.
[1164] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 566؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 49.

در هزار و دو صد و نود و هشت در جوار رحمت حق جا گرفت[1165]

سیّد احمد میردامادی

حاج سیّد احمد میردامادی (فرزند سیّد محمّد حسین مقدّس)، از اکابر علماء، و از شاگردان آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و حاج شیخ محمّد تقی آقا نجفی مسجد شاهی اصفهانی و داری اجازه از هر دو نفر بوده، و در سال 1305 ق وفات نموده است.[1166]

اعلام اصفهان، ص: 409

احمد گرجی

احمد بن حسین علی گرجی فریدنی آخره علیا، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. وی نسخه‌ای از کتاب عین الحیاة علّامه مجلسی را کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی در قم موجود است.[1167]

آخره از دهات فریدن اصفهان است.

احمد ابهری

ابو طاهر احمد بن حمد بن ابی بکر ابهری مقری، از محدّثین و قاریان قرآن مجید است. اصلا از اهالی قصبه «ابهر» جی اصفهان بوده است، و از ابو بکر لفتوانی حدیث نقل می‌کند.[1168]

احمد حبّال

ابو العبّاس احمد بن حمدان بن محمّد بن عبدك حبّال اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از محمّد بن احمد بن تمیم [شمیکانی] روایت حدیث می‌کند.[1169]

احمد مدینی

ابو العبّاس احمد بن خشنام بن عبد الواحد مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از بکر بن بکار و حسین بن حفص روایت نموده است. علیّ بن صبّاح از او نقل حدیث می‌کند.[1170]

اعلام اصفهان، ص: 410

دکتر میرزا احمد احتشام زوّاره‌ای

دکتر میرزا احمد احتشام الحکماء فرزند میرزا محمّد خلیل بن میرزا احمد طباطبایی زوّاره‌ای. از اطبّاء حاذق بوده، و در اصفهان سکنی داشته است. او در دوره‌های پنجم، هشتم، نهم و دهم به نمایندگی مردم اصفهان در مجلس شورای ملّی برگزیده شد.[1171]

احمد ثقفی مدینی

1165 . بیان المفاخر، ج 1، صص 258- 259.
1166 . لطائف غیبیّه، مقدّمه، صص سی و یك- سی و دو.
1167 . فهرست گلپایگانی، ج 2، ص 132.
1168 . معجم البلدان، ج 1، ص 84.
1169 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 162.
1170 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 98.
1171 . آتشکده اردستان، ج 2، ص 202 و ج 3، ص 610.

احمد بن راشد بن معدان بن عبد الرّحیم بن راشد ثقفی مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از حیّان بن بشر و پدرش راشد بن معدان روایت می‌کند، و فرزندش محمّد بن احمد از او نقل حدیث می‌کند.[1172]

احمد فریدنی

احمد بن رجبعلی فریدنی اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن 13 هجری است. از آثارش کتابت نسخه‌ای است از اختیارات و تعبیر خواب تألیف ابراهیم بن عبد الله کرمانی که آن را در جمعه 17 شعبان 1258 ق و نسخه اسماء الحسنی را به سال 1208 (ظاهرا 1258 ق) به خطّ نسخ زیبا نوشته است. این دو نسخه، ضمن مجموعه شماره 4041 در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.[1173]

احمد اصفهانی

احمد بن رحیم اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن 13 هجری است. از آثارش مجموعه‌ای است شامل سه کتاب به شرح زیر: 1. الموازین الذریّه، از عبد الوهاب شعرانی 2. رساله در وحدت وجود، از محی الدّین عربی 3. التّدبیرات الالهیّة، از محی الدّین عربی.

مجموعه به شماره 3769 در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است، و کاتب، آن

را در سال 1214 ق به خطّ نسخ کتابت نموده است.[1174]

میرزا احمد خوانساری

حاج میرزا احمد خوانساری معروف به «میرزا منظور» فرزند ملّا محمّد رضا، عالم فاضل و واعظ کثیر التّألیف. در حدود سال 1323 ق وفات یافت، و در تکیه مادر شاه‌زاده مدفون گردید، کتب زیادی در احادیث و اخبار و مصائب تألیف نموده، و برخی از آن‌ها را به طبع رسانده است که از آن جمله است: 1. بشری للزّائرین 2. تبصرة النّاظرین 3. تذکرة المتّقین 4. تبصرة الرّایین، مجموعه قصاید و غزلیّات 5. خلاصة المقاصد فی تاریخ الاماجد 6. ذکری للذّاکرین 7. زبدة النّوائب المصائب 8. زبدة المصائب، مطبوع 9. عمدة المصائب، مطبوع 10. عنوان الرّزیة فی بیان القضیّة من ذریّة النّبویّه 11. فلاح الامامة فی تاریخ ثامن الأئمّة 12. فصلین یا بهار و خزان 13. کتابی در اسامی اولاد حضرت زهرا- سلام الله علیها- 14. کتابی در مواعظ 15. مصباح الامّة فی تاریخ امّ الأئمّة 16. مخزن الاسرار و مجمع الاشعار 17. منظور الائمّه در ترجمه مجلّد دهم بحار الانوار در چهار جلد (که عبارت از شماره‌های 11، 13، 15 و 18 می‌باشد) 18. مفتاح الغمّة در تاریخ الأئمّة 19. یومیّه که وقایع الایّام است، و غیره. این شعر از او است:

منکر حسن خدا تو گویی کور است — زان که از پرتو روی تو جهان پرنور است

چشم خفّاش گرت فاش نبیند چه کند؟ — که وی از ظلمت چشم و دل خود مستور است

هستی دوست، خودش شاهد بر هستی اوست — مهر و امهر دلیل و مثلی مشهور است[1175]

احمد صدیق السّلطان

[1172] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 92.
[1173] . فهرست مجلس، ج 11، ص 45.
[1174] . فهرست مجلس، ج 10، جزء چهارم، ص 1751.
[1175] . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 77- 78؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 242- 243؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 93؛ تذکره شعرای خوانسار، صص 177- 175؛ دانشمندان خوانسار، صص 233- 231.

احمد (زمان خان) فرزند حاج میرزا رضا صدیق السّلطان تهرانی، خزانه‌دار ناصر الدّین شاه و مظفّر الدّین شاه.

وی در 15 رجب 1328 ق در اصفهان متولّد شده، و در این شهر تحصیل کرده است. از فقرای سلسله نعمت‌اللّهی گنابادی است، گاهی شعر می‌سراید.[1176]

احمد هنرمند*

استاد احمد هنرمند فرزند محمّد رضا، از موسیقی‌دانان اصفهان در عصر حاضر است.

در سال 1313 ش در اصفهان متولّد شد. او زیر نظر استاد جلال تاج، استاد حسین یاوری و دیگران پرورش یافت. او با اکثر گوشه‌ها و ردیف‌های آوازی به خوبی آشنا است، و علاوه بر نوازندگی نی، به آواز نیز علاقه‌مند است. در حال حاضر، با گروه ارکستر هنرستان موسیقی اصفهان همکاری دارد.[1177]

احمد اصفهانی

ابو عبد الله احمد بن رطبه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و از محمّد بن عمرو بن واقدی روایت می‌کند.[1178]

احمد مدینی

احمد بن زبیر بن هارون مدینی، از محدّثین اصفهان، و از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان در قرن سوم هجری است، از همام بن محمّد بن نعمان روایت می‌کند، و محمّد بن عبد الرّحمن بن مخلد از وی نقل حدیث می‌نماید.[1179]

احمد زیرك‌زاده

مهندس احمد زیرك‌زاده فرزند حاج میرزا زیرك دهکردی اصفهانی، از سیاستمداران معاصر در سال 1286 ش متولّد شد، و در اصفهان و تهران به تحصیل پرداخت. او جزء اوّلین دوره دانشجویان ایرانی اعزام شده به اروپا بود. او پس از فارغ‌التّحصیلی از یکی از دانشگاه‌های فرانسه به ایران آمد، و پس از تأسیس دانشگاه تهران، به تدریس در آنجا پرداخت. در جریان مبارزات ملّی شدن صنعت نفت، شرکت فعّال داشت، و از طرفداران دکتر مصدّق به شمار می‌رفت. او از جمله مؤسّسین حزب ایران بود.

سیّد احمد علوی عاملی

نظام الدّین احمد بن سیّد زین العابدین میر عبد الله بن میر محمّد بن میر صالح علوی عاملی. فقیه متکلّم، حکیم و فیلسوف محقّق. در اواخر قرن دهم هجری متولّد شده، و در اصفهان نزد میرداماد و شیخ بهایی به تحصیل پرداخته، و مفتخر به دریافت اجازه از آنان گردیده است. وی دختر میرداماد را به همسری اختیار کرده، و در شرح و تبیین افکار فلسفی استاد کوشیده تا جایی که در بین مردم و فضلای آن عصر که میانه‌ای با فلسفه نداشته‌اند، منزوی بوده است. سال دقیق وفات او معلوم نیست؛ ولی در بین سال‌های 1054 تا 1060 ق وفات او اتّفاق افتاده است. برخی جای دفن او را در تخت فولاد، تکیه آقا سیّد رضی الدّین شیرازی دانسته‌اند.

وی بیش از پنجاه جلد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است: 1. اظهار الحق و معیار الصّدق، به فارسی، در بیان احوال ابو مسلم خراسانی 2. رسالة الاغالیظ 3. رساله در بیان اقوال درباره دابّة الارض که از آیات است 4. بیان الحق و تبیان الصّدق 5. تعلیقات جواهر و اعراض تجرید 6. ثقوب الشّهاب 7. حاشیة من لا یحضره الفقیه 8. جواب سؤالات خواجه نصیر الدّین طوسی 9. حظیرة القدس، مختصر کتاب ریاض القدس 10. حواشی بر کافی 11. روضة المتّقین، حاشیه بر مقصد 5 و 6 تجرید العقائد خواجه طوسی در بحث امامت و معاد 12. ریاض القدس (- تعلیقة القدسیّة- مصابیح القدس و قنادیل الانس)،

[1176] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 25.
[1177] . چهره‌افروختگان خطّه زنده‌رود، ص 148.
[1178] . احقاق الحق، ج 8، بخش 1، ص 451؛ مناقب خوارزمی، ص 123.
[1179] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 148.

شرح حاشیه بر تجرید قوشچی و حاشیه محقّق خفری 13. رساله در ردّ ملّا محمّد امین استرآبادی در باب طهارت خمر، به فارسی 14. سیادة الاشراف 15. شرح اثنی‌عشریّه شیخ بهایی 16. شرح اشعار اوّل کتاب جذوات میرداماد 17. شرح قبسات، چاپ شده است 18. صواعق الرّحمن در ردّ مذهب یهودان، به فارسی 19. کحل الابصار، در شرح اشارات ابن سینا 20. کشف الحقائق، در شرح تقویم الایمان میرداماد، چاپ شده 21. کلام و فلسفه 22. لطائف غیبیّه، به فارسی، چاپ شده 23. لوامع ربّانی (- اللّوامع الالهیّة) در ردّ شبهات نصرانی، چاپ شده 24. مصقل صفا در ردّ شبهات نصرانی، چاپ شده 25. مصائب النّواصب 26. معارف الالهیّة، در شرح حدیث من عرف نفسه فقد عرف ربّه 27. معراج العارفین، در شرح منهاج السّالکین 28. مفتاح الشّفا و العروة الوثقی، حاشیه بر الهیّات شفا 29. مناهج الاخبار، در شرح استبصار، چاپ شده 30. المنهاج الصّفوی در باب فضائل سادات 31. رساله در بیان نسب معاویه 32. النّفحات اللاهوتیّة فی العثرات البهائیّة 33.

رساله در نماز زیارت[1180].

احمد کاتب

ابو الحسن (ابو الحسین) احمد بن سعد کاتب اصفهانی، از ادبای قرن چهارم هجری است. از طرف خلیفه قاهر، مأمور ضبط خراج اصفهان بود. در سال 324 معزول گردید، و در سال 350 ق وفات یافت. کتب زیر از تألیفات او است: 1. الاختیار من الرّسائل 2. العلی و

الثیاب 3. فقر البلغاء 4. کتاب المنطق 5. کتاب الهجاء[1181].

احمد اصفهانی

احمد بن سعید اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و از ابراهیم بن زید روایت می‌کند.[1182]

احمد سنبلانی

احمد بن سعید (بن جریر) بن یزید اصفهانی سنبلانی از محدّثین اصفهان در اواخر قرن دوم هجری است. وی از جریر بن عبد الحمید، عبد الرّحمن بن معراء دوسی، ابن حمزه، انس بن عبّاس، ابی البحتری، وهب بن وهب، عبد الله بن مبارك و عیسی بن خالد و عموی خود ابراهیم بن جریر روایت می‌کند. محمّد بن احمد بن یزید و عبد الله بن محمّد بن زکریّا از او نقل حدیث می‌کنند.[1183]

احمد صفّار

ابو سعید احمد بن سعید بن عروه صفّار، از ثقات محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از اسحاق بن موسی خطمی انصاری، احمد بن عبده و عبد الواحد بن غیاث روایت نموده [است]. سلیمان بن احمد، عبد الله بن محمّد بن جعفر و عبد الرّحمن بن محمّد بن احمد از او نقل حدیث می‌کنند. وی در سال 395 ق وفات یافته است.[1184]

احمد عبدی

احمد بن سفیان بن معاویه عبدی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از

[1180] . فهرست کتابخانه‌های اصفهان، ج 1، صص 177- 169؛ لطائف غیبیّه، مقدّمه، صص شش- هفده؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 94؛ حکیم استرآباد میرداماد، صص 54 و 115؛ تتمیم امل الآمل، صص 62- 63؛ یادنامه بحر العلوم میردامادی، صص 28- 29؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 32؛ جلوه قرآن در خاك تابان، صص 8- 6؛ امل الآمل، ج 1، ص 33؛ الذّریعة، ج 3، ص 179 و ج 7، صص 26 و 96 و ج 1، صص 159- 160 و ج 11، صص 91 و 21، صص 130 و 333 و ج 22، ص 243، ج 18، صص 29 و 366؛ ادبیّات فارسی بر مبنای استوری، ج 1، صص 180- 181؛ مکارم الآثار، ج 4، صص 1194- 1195؛ فوائد الرّضویة، ص 17؛ خمینی شهر، صص 241- 244؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 243- 244؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 118.

[1181] . معجم الادباء، ج 1، ص 129؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 63؛ لغت‌نامه دهخدا، شماره 58، ص 2723 و ج 1، ص 421.

[1182] . میزان الاعتدال، ج 1، ص 47.

[1183] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 78 و 177.

[1184] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 211.

ابو الحسن هارون بن سلیمان خرّاز و احمد بن یونس روایت نموده است.[1185]

میرزا احمد کفرانی

میرزا احمد بن سلطان محمّد کفرانی رویدشتی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان. از آثار او کتابت نسخه‌ای از تفسیری است که جهت میرزا رفیع الدّین نامی کتابت نموده است؛ امّا نام مفسّر و نام کتاب، معلوم نیست. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.[1186]

احمد حکیم‌باشی

میرزا احمد حکیم‌باشی فرزند حکیم سلمان موسوی جهرمی اصفهانی از اطبّاء و حکماء ماهر قرن یازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته، و پس از فوت پدر، لقب «حکیم‌باشی» را از طرف پادشاه صفویّه دریافت نموده است.[1187]

احمد

احمد بن سلمه، از محدّثین اصفهان است، و حافظ ابو نعیم اصفهانی او را «شیخ صالح» دانسته است. از صالح بن مهران روایت می‌کند. جعفر بن احمد بن فارس از وی نقل حدیث می‌نماید.[1188]

احمد عقیلی فابزانی

ابو جعفر احمد بن سلیمان بن یوسف بن صالح بن زیاد بن عبد الله عقیلی فابزانی، از محدّثین اصفهان است. از اهالی قریه «فابزان» اصفهان بوده که امروزه به آن «خوابجون» می‌گویند، و محلّه‌ای در اصفهان است. در سال 301 ق وفات یافته است.

از پدرش سلیمان بن یوسف روایت می‌کند، و احمد بن یعقوب اصفهانی از او حدیث

نقل نموده است.[1189]

احمد نهرآبادی

شیخ ابو سعد احمد بن سهل بن ابراهیم نهرآبادی اصفهانی، از دانشمندان قرن هفتم هجری است.

در شدّ الآزار گوید: وی عالمی متّقی و فقیهی جامع بود، در اواخر عمر به شیراز مسافرت نمود، و در آنجا در شعبان سال 641 ق وفات یافت، و در حظیره شیخ علی کوبانی مدفون گردید.[1190]

احمد برجی اصفهانی

احمد بن سهل بن محمّد بن عبد العزیز بن سهل برجی اصفهانی از محدّثان اصفهان و از اهالی قریه «برج» است. از ابی منصور عبد الرّحمن بن عبد العزیز بن عبد الله صحّاف اخذ حدیث کرد، و از او روایت می‌کند.[1191]

احمد بن سیاه

1185 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 168.
1186 . فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج 1، ص 205.
1187 . دیوان طبیب اصفهانی، ص 223.
1188 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 96.
1189 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 113؛ معجم البلدان، ج 4، ص 224.
1190 . تذکره هزار مزار، ص 520.
1191 . معجم البلدان، ج 1، ص 373.

احمد بن سیاه دشتی اصفهانی، از مردان نیکوکار اصفهان در قرن سوم هجری است. در محلّه دردشت زندگی می‌کرد، و از نوادگان او ابو مسلم عبد الرّحمن بن محمّد بن دشتی، از محدّثین است. در اصفهان باغی را آباد کرده که تا سال‌ها به نام باغ احمد سیاه معروف بوده بوده است. در مجمل فصیحی از احمد بن سیاه عامل خراج اصفهان یاد شده که در سال 304 ق به دست غلامی کشته شده، و ظاهرا همین صاحب عنوان است.[1192]

اعلام اصفهان، ص: 418

احمد اصفهانی

ابو جعفر احمد بن شاهین بن سبخت، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری و کثیر الحدیث بوده، و در سال 286 ق فوت شده است.

وی از سلمه، لوین، ابو مسعود و ابان بن خصیب روایت می‌کند، و احمد بن اسحاق از او نقل حدیث می‌نماید.[1193]

ملّا احمد اصفهانی

ملّا احمد بن محمّد شفیع اصفهانی، عالم فاضل، مؤلّف رساله در انکار وقف پس از اعتراف به فارسی. نسخه ضمن مجموعه شماره 245 در کتابخانه آیت لله گلپایگانی در قم موجود است. رساله نامبرده به خطّ علّامه ادیب فقیه، حاج شیخ عبد الحسین محلّاتی اصفهانی (1270- 1323) می‌باشد. در کتابخانه ملّی تبریز، جنگی خطّی به شماره 3559 موجود است که آن را مرحوم حاج آقا نخجوانی به کتابخانه اهدا نموده [است]، جنگ مزبور به عربی و فارسی، مشتمل بر رسالاتی در علم کلام و احادیث می‌باشد، بدون تاریخ و مؤلّف آن، مولی احمد بن محمّد شفیع اصفهانی کرمانی معرّفی شده است. ممکن است که صاحب عنوان، مؤلّف جنگ نام برده باشد. و العلم عند الله.[1194]

میرزا احمد اصفهانی

میرزا احمد بن محمّد شفیع اصفهانی، ساکن محلّات، عالم فاضل، مؤلّف احسن الودیعه در ضمن تألیفات سیّد حیدر کاظمی گوید: التّحفة القدسیّة در جواب سؤالات میرزا احمد بن محمّد شفیع اصفهانی ساکن محلّات، کتاب در سال 1262 ق تألیف شده است.[1195]

[ظاهرا صاحب عنوان، مؤلّف رساله در انکار وقف پس از اعتراف است که شرح حال او ذکر شد].

اعلام اصفهان، ص: 419

ملّا احمد بروجنی

آخوند ملّا احمد بن محمّد شفیع بروجنی اصفهانی، عالم فاضل از شاگردان حاج شیخ محمّد باقر نجفی و از معتمدین او بوده، و برحسب خواهش مردم حبیب‌آباد برخوار اصفهان، و دستور استاد، بدانجا مهاجرت نموده، و به امر ارشاد و هدایت و اقامه جماعت و منبر روزگار می‌گذرانیده. سرانجام، روز سه‌شنبه 9 شوّال سال 1321 ق در بروجن مولد خود وفات یافت، و همان جا مدفون شد.[1196]

احمد مدینی

احمد بن شهدل مدینی، از محدّثین مدینه (شهرستان) اصفهان است. وی از ابی داود روایت نموده است.[1197]

احمد حنظلی خوراسکانی

1192 . ذکر اخبار اصفهان، ج 2، ص 119؛ معجم البلدان، ج 1، ص 502.
1193 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 99.
1194 . فهرست گلپایگانی، ج 1، ص 211؛ فهرست ملّی تبریز، ج 1، ص 384.
1195 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 247.
1196 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 247.
1197 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 99.

ابو جعفر احمد بن شهدل بن مفضّل حنظلی خوراسکانی، از محدّثین اصفهان، و از اهالی قریه «خوراسکان» بوده، کتاب الصّلاة هشیم را از حیّان بن بشر روایت کرده است؛ همچنین او از ابو ایّوب شاذکونی حدیث نقل می‌کند. ابو محمّد بن حیّان از او روایت می‌کند.[1198]

فایده: در خوراسکان [واقع در ناحیه جی، در حومه شرق اصفهان] در زمان حاضر کوچه‌ای به نام «شادلی» معروف است، احتمالا کلمه شادلی تصحیف شهدلی باشد، و موضوع، قابل تحقیق و بررسی است.

احمد

احمد بن شیبان بن زید بن ابی زیاد، از محدّثین اصفهان است. وی از ابی سفیان مهران

بن ابی عمر روایت می‌کند، و احمد بن حسین از وی نقل حدیث می‌نماید.[1199]

احمد مازندرانی

احمد بن محمّد صالح مازندرانی، در قرن یازدهم هجری می‌زیسته است.

در پشت برگ اوّل نسخه شماره 3353 کتابخانه مجلس شورا (ترجمه شرح اربعین ابن خاتون عاملی) یادداشت تملّك ملّا محمّد صالح مازندرانی و احمد بن ملّا صالح مشهود است. وی فرزند ملّا محمّد صالح، و احتمالا از مادری غیر از آمنه خاتون می‌باشد.[1200]

سیّد احمد قمشه‌ای

احمد بن محمّد طاهر قمشه‌ای عالم فاضل ادیب، خطّاط قرن یازدهم. وی از شاگردان سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد قاسم طباطبایی قهبایی و مجاز از علّامه مجلسی می‌باشد.

از آثارش جلد دوم کتاب من لا یحضره الفقیه است که آن را در شب جمعه بیستم ربیع الاوّل سال 1070 شروع کرده، و در جمعه 1077 ق به پایان رسانیده است، تاریخ کتابت حواشی، 1079 و کتابت اسانید، 1081 می‌باشد. در انتهای جلد دوم، صورت قرائت سیّد احمد قمشه‌ای اصفهانی (کاتب) در ذی‌القعده 1079 بر سیّد محمّد سعید طباطبایی دیده می‌شود. در پشت صفحه اوّل، اجازه‌ای به خطّ علّامه مجلسی است. نسخه به شماره 923 در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی مشهد مقدّس موجود است.[1201]

احمد ورنوسفادرانی

احمد بن طیّب بن حسین کلوا ورنوسفادرانی، از نویسندگان و فضلاء قرن دهم. از آثارش کتابت نسخه‌ای از کتاب کفایة التّعلیم تألیف محمّد بن مسعود غزنوی است که آن را در 26 ربیع الثّانی سال 959 به خطّ نسخ نوشته است. کتاب به شماره 3172 در کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1202]

شیخ احمد ترشیزی

[1198] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 118- 119؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 16.
[1199] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 79.
[1200] . زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 1، ص 356؛ فهرست مجلس، ج 10، بخش سوم، ص 117.
[1201] . فهرست الهیّات مشهد، ج 2، ص 79.
[1202] . فهرست دانشگاه، ج 11، ص 2136.

شیخ احمد ترشیزی معروف به «حاج مجتهد» فرزند عبّاس اصفهانی، عالم زاهد متّقی، درس شیخ مرتضی انصاری را درك کرده، و عمده تحصیل او نزد میرزا محمّد حسن شیرازی و سیّد حسین کوهکمری بوده، و در 1323 در ترشیز (کاشمر) وفات یافته است.[1203]

احمد همدانی*

احمد بن عبّاس بن محمّد زمان همدانی اردستانی، عالم فاضل زاهد، از شاگردان آقا محمّد باقر وحید بهبهانی و آقا محمّد بیدآبادی بوده است، چندی در اصفهان بوده، سپس مردم اردستان به واسطه میرزا عبد الباقی امام جمعه، او را برای حلّ و فصل امور شرعیّه به اردستان دعوت کردند، و او به اردستان رفته، سال‌ها به ارشاد مردم و ترویج دین، و اقامه جماعت مشغول بوده، و در همان جا وفات یافته است.[1204]

احمد زعفرانی

ابو العبّاس احمد بن عبدان بن سنان زعفرانی، از محدّثین اصفهان است. شیخ ثقه بوده، و از عبد الله بن عامر بن یزید روایت نموده است. عبد الله بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث کرده است. احمد زعفرانی در سال 296 ق وفات یافت.[1205]

احمد خان صدر اصفهانی

احمد خان صدر اصفهانی فرزند عبد الحسین خان بن حاج محمّد حسین خان

صدر اعظم اصفهانی، خطّاط و شاعر ادیب، در خانواده‌ای اهل ادب و هنر تربیت شد، و در فنون ادب و خوشنویسی استاد شد. شعر می‌سرود، و خطّ نستعلیق را خوش می‌نوشت. یك نسخه دیوان حافظ به خطّ زیبای او به تاریخ 1277 ق در کتابخانه سلطنتی سابق وجود دارد.[1206]

احمد سعدی کوفی

احمد بن عبد الرّحمن بن بحر بن یزید بن زیاد بن جاریة بن قدّامه سعدی کوفی جزار، از محدّثین شیعه است. وی جهت طلب حدیث به اصفهان وارد شد. او از مسلم بن ابراهیم و عبید الله بن موسی روایت می‌کند، و محمّد بن ابراهیم بن سعید وشاء اصفهانی از او روایت نموده است.[1207]

احمد سرّاج

ابو بکر احمد بن عبد الرّحمن بن عبد الله بن صباح سرّاج اصفهانی از محدّثین اصفهان است. در شام و جزیره از محدّثین آنجا استماع حدیث کرده، و آن‌ها را نوشته است. وی از محمّد بن حسن بن خالد آلوسی روایت می‌کند.[1208]

احمد ذکوانی

ابو الحسین احمد بن عبد الرّحمن بن محمّد بن احمد ذکوانی همدانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. ابو بکر محمّد بن شجاع بن ابو بکر لفتوانی اصفهانی از او حدیث شنیده است.[1209]

احمد یزدی

1203 . نقباء البشر، ج 1، ص 105، میرزای شیرازی، ص 107؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 247- 248.
1204 . میراث اسلامی ایران، ج 6، صص 273- 227؛ آشنای حق، ص 35؛ تذکرة السّالکین، ص 14.
1205 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 111.
1206 . تذکره خوشنویسان، ص 109؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج 1، ص 37.
1207 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 95 و 88.
1208 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 155.
1209 . التّحبیر، ج 1، ص 107.

احمد بن عبد الرّحمن یزدی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی در اصفهان ساکن بوده، و از پدرش و عبد الله بن جعفر بن فارس، علیّ بن فضل بن شهریار، محمّد بن اسحاق بن ایّوب، ابو بکر جعابی، طبرانی، اسماعیل بن نجید و فاروق خطابی روایت نمود.

عبد الرّحمن بن منده، علیّ بن شجاع، خصیب بن قتاده، محمّد بن محمّد بن عبد الوهاب مدینی از او نقل حدیث می‌کنند. وی محدّثی ثقه، مقبول القول و خردمند بود.

ذهبی او را قاضی و صاحب اصول خوانده است.[1210]

احمد اصفهانی

ابو غسان احمد بن عبد الرّحیم بن رجاء بن صهیب اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی در قزوین ساکن بوده است. از ابو زرعه روایت نموده، و احمد بن عبید الله بن محمّد از وی نقل حدیث می‌کند.[1211]

احمد عرفان

احمد بن عبد الصّمد مراغی معروف به عرفان نویسنده، ادیب و روزنامه‌نگار. پدرش از مراغه به اصفهان آمد، او در پنجشنبه 15 شعبان 1311 ق متولّد گردید. در مدارس اصفهان تحصیل نمود، و پس از اتمام تحصیلات خود، مجلّه عرفان را از سال 1301 ش در اصفهان منتشر ساخت، و از سال 1306 ش آن را به روزنامه تبدیل کرد، و تا آخرین روز حیات، به انتشار آن ادامه داد. وی در شب 5 شنبه 22 صفر 1371 ق وفات یافت، و در تکیه جهانگیر خان مدفون گردید. سیّد علی بدیعزاده مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

نوشت «هور» از برای تاریخش: »بسوی قرب کند رو، روان احمد عرفان[1212]«

احمد مازندرانی

احمد بن عبد الصّمد مازندرانی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن چهاردهم هجری است. در تاریخ جمعه 23 ربیع الاوّل سال 1305 نسخه‌ای از کتاب تریاق فاروق تألیف میرزا محمّد حسین شهرستانی را به خطّ نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره 7318 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[1213]

شیخ احمد میسی عاملی

شیخ احمد بن عبد العالی عاملی میسی، عالم فاضل صالح، از فضلای قرن یازدهم است.

در اصفهان ساکن بوده، و همان جا وفات یافته است.[1214] وی از شاگردان شیخ علیّ بن محمّد بن حسن عاملی نوه شهید ثانی بوده، و کتاب الدّر المنثور استاد را نزد او خوانده است.

تاریخ قرائت کتاب، صفر 1073 ق است، و این کتاب در کتابخانه صدر نجف نگهداری می‌شود.[1215]

شیخ احمد، جزو شهود وقف‌نامه مدرسه نوریّه اصفهان بوده است.[1216]

1210 . سیر اعلام النّبلاء، ج 13، ص 193؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج 1، ص 85.
1211 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 136.
1212 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، صص 803- 804؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج 1، صص 12- 17؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 63.
1213 . فهرست مرعشی، ج 19، ص 112.
1214 . امل الآمل، ج 1، ص 33؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 42.
1215 . الرّوضة النّضره، ص 38.

احمد اصفهانی

احمد بن عبد الله فقیه اصفهانی، از فقهاء و محدّثین قرن چهارم هجری است. پدرش اهل اصفهان بوده، و خود در نیشابور متولّد شده، و در آنجا ساکن بوده است.[1217]

احمد اصفهانی

احمد بن عبد الله اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از عبد الرّحمن بن ابی حاتم روایت می‌کند، و سیّد ابو طالب از او نقل حدیث نموده است.[12191218]

اعلام اصفهان ؛ ص424

اعلام اصفهان، ص: 425

احمد اصفهانی

ابو العبّاس احمد بن عبد الله اصفهانی، یکی از وزرای خلیفه عبّاسی المتّقی بالله است که در 329 ق به خلافت رسید.

احمد اصفهانی

احمد بن عبد الله اصفهانی، از مردان سیاستمدار قرن چهارم هجری است. او در سال 331 ق به وزارت ناصر الدّوله حمدانی رسیده است.[1220]

احمد اصفهانی

ابو العبّاس احمد بن عبد الله اصفهانی، از محدّثین قرن هفتم هجری است. در دمشق ساکن بوده، و از ابو سعید عبد الله بن محمّد بن عبد الوهاب روایت نموده است. وی در 29 ذی‌القعده سال 206 ق در مسجد الحرام، مقابل کعبه معظّمه، نزد درب «خروره» جهت شیخ ابو الهدی صواب بن عبد الله حبشی خادم ضریح مطهّر نبوی، حدیثی در فضیلت حضرت علی علیه السّلام به روایت جابر بن عبد الله انصاری نقل می‌کند.[1221]

احمد تاجر

ابو العبّاس احمد بن عبد الله بن احمد بن آدم تاجر، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از محمّد بن یحیی بن منده و اخرم روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث می‌نماید.[1222]

احمد حداد

ابو علی احمد بن عبد الله بن احمد بن احمد بن بشر حدّاد اصفهانی، از محدّثین

اعلام اصفهان، ص: 426

اصفهان در قرن چهارم هجری. وی از محمّد بن زکریّا و عبد الرّحمن بن محمّد بن سلم رازی روایت می‌کند، و ابو بکر محمّد بن عبد الرّحمن جوهری و محمّد بن ابراهیم بن علی از وی نقل حدیث می‌نمایند.[1223]

1216 . تاریخچه اوقاف اصفهان، ص 101.
1217 . تاریخ نیشابور، ص 76.
1218 . احقاق الحق، ج 12، ص 236.
1219 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
1220 . تاریخ اصفهان و ری، ص 79.
1221 . احقاق الحق، ج 4، ص 114.
1222 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 153.

احمد تیمی

ابو الحسین احمد بن عبد الله بن احمد بن دلیل معدل تیمی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. او به «تیم الرّباب» منسوب است. مادرش لبابه، دختر محمّد بن عبد الله بن حسن بوده است.

در سنّ نوزده‌سالگی شهادتش را پذیرفتند. وی شصت سال از شهود پرسش می‌نموده، و سال‌ها متصدّی قضای اصفهان بوده است. از احمد بن یونس و ابراهیم بن فهد روایت نموده، و قاضی احمد محمّد بن احمد بن یونس و حسین بن علیّ بن احمد بن بکر از او نقل حدیث کرده‌اند. او در سال 337 یا 338 ق وفات یافته است.[1224]

احمد سودرجانی

ابو الفتح احمد بن عبد الله بن احمد بن علی سودرجانی اصفهانی از محدّثین قرن پنجم هجری و اهل قریه «سودرجان» بلوك لنجان اصفهان است. از علیّ بن ماشاذه فضل بن عبد الله بن شهریار، ابی بکر بن ابی علی، ابی سهل صفّار و ابی نعیم حدیث شنیده، و ابو بکر محمّد بن طاهر بن ابو الفتح کوّاز و ابو الوفا محمود بن ابو القاسم بن محمّد مقری تاجر اصفهانی از او نقل حدیث کرده‌اند.

سال‌ها به تدریس ادب، و تعلیم اطفال مشغول و در سال 496 ق وفات یافته است.[1225]

اعلام اصفهان، ص: 427

احمد قناطری

ابو العبّاس احمد بن عبد الله بن اسحاق قناطری خلقانی، از محدّثان اصفهان است. از قاضی احمد بن موسی انصاری و ابی علی اسماعیل بن محمّد بن اسماعیل صفّار روایت می‌کند. «قناطر» محلّه یا قریه‌ای از اصفهان بوده است.[1226]

سیّد احمد میردامادی

احمد بن سیّد عبد الله بن میرزا محمّد رحیم بن میر مرتضی بن میر محمّد اشرف بن میر عبد الحسیب محمّد بن میر سیّد احمد عاملی اصفهانی از اکابر علماء دوره قاجار.

در سده ماربین متولّد شد، و در اصفهان نزد حاج محمّد ابراهیم کلباسی و حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی تحصیل نمود. سپس از طرف پدر، امامت جمعه و جماعت را برعهده گرفت، و سرانجام در 22 محرّم الحرام 1243 ق وفات یافت، در مقبره معروف به مقبره عبد الله در خوزان مدفون گردید. زبدة الاسرار در اوراد و اذکار از او است.[1227]

سیّد احمد بحرانی

احمد بن سیّد عبد الله بکاء بن سیّد حسین بحرانی نجفی، عالم فاضل، پدرانش اصلا از بحرین و ساکن اصفهان بوده‌اند.

خود او در کوفه سکونت داشت، و از ائمّه جماعات آنجا بود. سرانجام در روز سه‌شنبه 30 ربیع الاوّل 1383 ق وفات یافته، جنازه به نجف منتقل شد، و در آنجا مدفون گردید.[1228]

احمد نفّاط

ابو جعفر احمد بن عبد الله بن عبّاس بن ولید بن شجاع نفّاط، از زهّاد و عبّاد و محدّثین

1223 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 149.
1224 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 143؛ التّحبیر، ج 1، ص 102.
1225 . معجم البلدان، ج 3، ص 278؛ التّحبیر، ج 2، صص 137 و 191.
1226 . معجم البلدان، ج 4، ص 400.
1227 . لطایف غیبیّه، مقدّمه، ص سی و دو؛ بیان المفاخر، ج 1، صص 260- 261؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص 237؛ الذّریعة، ج 12، ص 18.
1228 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 794.

اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از ابی اسید و جدّش عبّاس بن ولید و دیگران روایت می‌کند. احمد نفّاط پس از سال 360 ق وفات یافته است.[1229]

احمد یوانی

ابو جعفر احمد بن عبد الله بن محمّد بن حکم یوانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از یحیی بن ابی طالب حدیث شنیده [است]، و احمد بن عبد الله از او نقل حدیث می‌نماید.

احمد یوانی در سال 322 ق وفات یافته است.[1230] [یوان از روستاهای حومه اصفهان در قرون اوّلیه اسلامی بوده است.]

احمد اصفهانی

ابو العبّاس احمد بن عبد الله بن محمّد بن نعمان، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از محمّد بن عامر اشعری روایت می‌کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه، عبد الله بن محمّد و محمّد بن محمّد بن سیبویه از او نقل حدیث می‌کنند.[1231]

احمد برقی

احمد بن عبد الله برقی، از راویان و فضلای شعر و ادب می‌باشد. در قم سکونت داشته، سپس با ابا عبد الله برقی خواهرزاده‌اش به اصفهان آمده، و در این شهر سکونت نموده است.[1232]

احمد بنداری

ابو العبّاس احمد بن عبد الله بنداری، شاعر فارسی‌گوی، معاصر با مافرّوخی مؤلّف کتاب محاسن اصفهان است.[1233]

احمد رویدشتی

ابو العبّاس (یا ابو بکر) احمد بن عبد الله رویدشتی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

وی در سال 459 ق از سعد بن علی زنجانی (ساکن مکّه) و ابی سعد علیّ بن عثمان بن جنّی (ساکن صور) استماع حدیث نموده، وفاتش پس از این تاریخ روی داده است. ابو الحسن بن قیس و ابو البرکات عبد المنعم بن محمّد حافظ از او روایت می‌کنند.[1234]

احمد طبیب

احمد طبیب فرزند عبد القادر، از فضلاء و دانایان به علم ریاضی و پزشکی در قرن 12 ق است.

از آثارش مقاله‌ای است در یك صفحه راجع به تعیین افق اصفهان به فارسی که به خطّ صاحب عنوان، در ضمن مجموعه 664 در کتابخانه دانشکده الهیّات مشهد موجود است.

تاریخ‌های جمعه 23 ذی‌قعده 1150 ق و پنجشنبه 14 ربیع الثّانی 1018 (که باید 1118 باشد) در این نسخه دیده می‌شود.[1235]

[1229] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 162.
[1230] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 121.
[1231] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 135.
[1232] . معجم البلدان، ج 1، ص 390 و ج 2، ص 135.
[1233] . محاسن اصفهان، ص 33.
[1234] . معجم البلدان، ج 3، ص 105.

احمد مهابادی

احمد بن عبد الله مهابادی نحوی، از ادباء و فضلای اصفهان است. در نحو، شاگرد عبد القاهر جرجانی (متوفّی حدود 500 ق) بوده، و تألیفاتی دارد؛ از جمله:

1. شرح اللّمع (تألیف استادش جرجانی) 2. التّبیان.

مهاباد از توابع اردستان اصفهان است.[1236]

احمد اصفهانی

احمد بن عبد الوهاب اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن سیزدهم هجری، از آثارش کتابت نسخه‌ای از شرح هدایه میبدی که آن را در سال 1283 به خطّ نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره 2287 در کتابخانه ملّی ملك در تهران موجود است.[1237]

احمد اردستانی

احمد بن عبد الهادی بن احمد بن حسن اردستانی، از محدّثین است، و در نایین ساکن بوده، و از عبد بن حمید استماع حدیث نموده است.[1238]

احمد بن عبید

احمد بن عبید، از محدّثان ساکن اصفهان بوده، و از اسماعیل بن عمرو بجلی و غیر او روایت می‌کند.[1239]

احمد خزاعی

احمد بن عبید الله (عبد الله) بن احجم خزاعی، وی به «مروی» معروف بود، و چندی در مرو ساکن بود. از طرف منصور دوانیقی به مدّت هفت سال حکومت اصفهان را برعهده داشت.[1240]

احمد قصّار

ابو الحسن احمد بن عبید الله بن احمد بن سعید قصّار، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از احمد بن محمّد بن مصقله، دارکی، محمّد بن حمزه و محمّد بن عبد الرّحمن ارزنانی روایت نموده است. حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث می‌نماید.[1241]

فایده: قصّار به معنی گازر و رخت‌شوی است.

احمد خرطبه

ابو العبّاس احمد بن عبید الله بن محمود بن شاپور فقیه مقری معروف به «خرطبه» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

1235 . فهرست الهیّات مشهد، ج 1، ص 459.
1236 . معجم البلدان، ج 5، ص 295؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 81.
1237 . فهرست کتابخانه ملّی ملك، ص 460.
1238 . معجم البلدان، ج 1، ص 255؛ آتشکده اردستان، ج 2، ص 270.
1239 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 111.
1240 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 77- 78.
1241 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 163.

وی از عبد الله بن وهب دینوری و محمّد بن ابراهیم بن زیاد روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است. وی بعد از سال 360 ق وفات یافته است.[1242]

احمد حلاوی

ابو المحاسن احمد بن عبید الله حلاوی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است.

از ابو عمرو بن منده حدیث شنید، و ابو سعد سمعانی از او روایت می‌کند.[1243]

احمد ابهری

ابو علی احمد بن عثمان بن احمد ابهری خصیب، از اولاد ابی الشّعثاء جابر بن یزید و معروف به جابری، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. صاحب بیان و تصانیف بوده [است]، ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه حافظ اصفهانی از او روایت می‌کند، و خود او از ابراهیم بن اسباط بن سکن نقل حدیث نموده است. احمد ابهری در ذی‌قعده

اعلام اصفهان، ص: 432

338 ق وفات یافت.[1244]

احمد برّی

احمد بن عثمان برّی قاضی، از محدّثین اصفهان است.[1245]

احمد انصاری

ابو یحیی احمد بن عصام بن عبد الحمید بن کثیر بن ابی عمره انصاری، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. مادرش هند، دختر یوسف بن ابی سلیمان سغدی و خواهر محمّد بن یوسف بن معدان عروس الزّهاد است. او در رمضان 272 ق فوت شده است.[1246]

سیّد احمد فقیه امامی

حاج سیّد احمد فقیه امامی فرزند سیّد عطاء الله درب امامی، عالم فاضل و خطیب توانا و دانشمند، در 17 ربیع الاوّل 1352 ق متولّد شد. نزد پدر خود و شیخ احمد فیّاض، شیخ نور الدّین اشنی، شیخ علی مشکاة سدهی، میرزا محمّد علی معلّم حبیب‌آبادی و شیخ محمود مفید به تحصیل پرداخت. سپس به قم عزیمت کرد، و نزد آیات عظام حاج آقا حسین بروجردی، امام خمینی، علّامه طباطبایی، سیّد محمّد محقّق داماد، حاج سیّد محمّد باقر سلطانی و میرزا محمّد مجاهدی تبریزی تلمّذ نمود. سپس به اصفهان بازگشت، و به تبلیغ دین و اقامه جماعت و تدریس پرداخت. (وی در طول دوران مبارزه از حامیان حضرت امام خمینی بود و نقش مهمی در بیداری مردم اصفهان داشت)

از اقدامات ایشان، تجدید بنای مسجد بابا محمّد علی سقّا است که به نام «مسجد الزّهراء» نام‌گذاری شده، و کتابخانه‌ای در آن تأسیس گردیده است. وی در اقدامات خیریّه، همواره پیش‌گام، و معین ضعفا و نیازمندان بود. او در صبح پنج‌شنبه 10 جمادی الثّانی 1414 ق

اعلام اصفهان، ص: 433

وفات یافت، و پس از تشییعی کم‌نظیر، در حرم امامزاده ابو العبّاس خوراسکان دفن گردید.

[1242] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 158.
[1243] . التّحبیر، ج 1، ص 283؛ الانساب، ج 4، ص 320.
[1244] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 141؛ الانساب، ج 1، ص 106؛ خورشید جی، ص 426؛ الاعلام، ج 1، ص 167.
[1245] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 134.
[1246] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 87.

از او قریب به هشتاد جلد کتاب و رساله باقی مانده که از آن جمله است: 1. اخلاق در قرآن 2. اجتهاد و تقلید 3. انقلاب در پرتو وحی 4. چرا جمهوری اسلامی؟، مطبوع 5. روش رهبران انقلابی ما، مطبوع 6. شرح خطبه فدکیّه 7. شرح دعای عرفه 8. قیامت 9. ولایت و امامت از دیدگاه قرآن و غیره.[1247]

احمد

ابو بکر احمد بن عقبة بن مضرس، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از شیبان، هدبه و عبد الله بن معاذ روایت کرده است، و محمّد بن عبد الله دبیلی در رمله از او نقل حدیث می‌نماید.

او در سال 282 ق وفات یافته است.[1248]

احمد ورّاق

احمد بن ابو العبّاس علاء بن شاه صعدی ورّاق از محدّثین قرن چهارم هجری است.

وی به اصفهان آمده، و در این شهر ساکن گردیده، و هم در این شهر وفات یافته است.

وی از محمّد بن بکر عبد الرّزاق تمّار و ابو الحسن احمد بن محمّد بن عیسی انصاری رازی و محدّثان بصره و ری روایت نموده، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.[1249]

احمد اردستانی

سیّد احمد بن سیّد علی حسینی اردستانی، عالم فاضل، از دانشمندان دولت

قطب شاهیان هندوستان است. از تألیفات او کتاب معالجة الامراض است که به نام سلطان محمّد علی قطب‌شاه تألیف نموده، و نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.[1250]

احمد ازواری اصفهانی

ابو نصر احمد بن علی ازواری اصفهانی، شیخ جلیل القدر از محدّثین اصفهان است.

ریاست و افتاء و تدریس در شهر برعهده او بود. در سال 531 ق در خدمت علیّ بن سعید صیرفی استماع حدیث نموده، و بیشتر در اصفهان سکونت داشته است.[1251]

وی به ازوار منسوب است که همان «زوّاره» باشد.

احمد اسواری

احمد بن علی اسواری اصفهانی، از محدّثین اصفهان و ساکن قریه «اسواریه» بوده، حافظ ابو موسی اصفهانی از او روایت می‌کند.[1252]

احمد اصفهانی

[1247] . یادنامه آیت‌الله فقیه امامی، صص 9 و 26- 27 و 44- 50، 98- 106 و 129؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 3، ص 164؛ گنجینه دانشمندان، ج 9، ص 265.
[1248] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 99.
[1249] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 165.
[1250] . اعیان الشّیعة، ج 10، ص 156.
[1251] . معجم البلدان، ج 1، ص 169.
[1252] . معجم البلدان، ج 1، ص 191.

حافظ ابو بکر احمد بن علی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابو عمرو بن حمدان روایت کرده است.[1253]

احمد اصفهانی

احمد بن علی اصفهانی، از محدّثین شیعه در قرن سوم هجری است، و شاید قرن چهارم هجری را نیز درك نموده باشد. در برخی از کتب روایی شیعه، احادیثی از او نقل شده است.

وی از محمّد بن اسلم طوسی، ابو محمّد حسن بن علیّ بن عبد الکریم زعفرانی، ابراهیم

بن محمّد ثقفی روایت می‌کند. عبد الله بن حسن بن مؤدّب و احمد بن یعقوب اصفهانی از او روایت نموده‌اند.[1254]

شیخ احمد روحانی*

شیخ احمد روحانی معروف به «شیخ الاسلام» فرزند شیخ علی شیخ الاسلام کهیازی اردستانی، عالم فاضل معاصر. وی در سال 1312 ش در اصفهان متولّد شد. در هشت‌سالگی پدرش از دنیا رفت. او در حوزه علمیّه اصفهان به تحصیل پرداخت، و نزد اساتید و مدرّسین بسیاری تلمّذ نمود؛ از جمله: ملّا محمّد علی عالم حبیب‌آبادی، شیخ یحیی فاضل هرندی، ملّا فرج الله درّی، شیخ محمّد جواد فریدنی، شیخ هبة الله هرندی، سیّد محمّد باقر ابطحی سدهی، شیخ علی قدیری، سیّد عبد الحسین طیّب، سید محمّد حسین مدرّس کهنگی، شیخ محمّد رضا جرقویه‌ای، شیخ محمود مفید، شیخ عبّاس علی ادیب، مجد العلماء نجفی، شیخ محمّد حسین مقدّس مشکینی، شیخ احمد مدرّس زنجانی، سیّد عبّاس صفی دهکردی، شیخ محمّد حسن عالم نجف‌آبادی، حاج آقا رحیم ارباب و سیّد علی اصغر برزانی.

همچنین او در ایّام اقامت در تهران نزد علّامه میرزا ابو الحسن شعرانی و ادیب بجنوردی به تحصیل پرداخت. وی در تهران در دانشکده معقول و منقول در رشته‌های معقول و منقول و علوم تربیتی به تحصیل پرداخته، و در هر دو رشته، لیسانس دریافت نموده است. مدّتی نیز در نراق کاشان به تبلیغ دین و ترویج احکام شریعت مشغول بود، و عاقبت به زادگاه خود بازگشت و به تدریس در مدارس دولتی و تبلیغ و اقامه جماعت پرداخت. وی اکنون به تدریس برخی از کتب فلسفه و عرفان در منزل خویش مشغول است. او عالمی وارسته و متواضع و زاهد و کم‌نظیر است.[1255]

احمد اصفهانی

احمد بن علی اصفهانی، از فقهاء و علمای اصفهان است از آثار او: ترجمه و شرح الفیّه شهید اوّل، در فقه است که به فارسی تألیف نموده، و به شماره 2341 در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.[1256]

احمد انصاری

ابو علی احمد بن علی انصاری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

در اصفهان متولّد شده، و در نیشابور ساکن شده است. وی از ابو صلت عبد السّلام بن صالح هروی از حضرت امام رضا علیه السّلام روایت می‌کند، و ابو اسحاق ابراهیم بن عبد الله بن اسحاق معدل اصفهانی و ابو العبّاس محمّد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی از مشایخ صدوق از او روایت می‌کند.[1257]

احمد بغدادی

[1253] . احقاق الحق، ج 8، ص 634.
[1254] . طبقات المفسّرین، ج 1، ص 19؛ ثقات العیون، ص 153؛ نوابغ الرّواة، ص 153؛ فضائل الشّیعة، ص 22؛ الغارات، ج 2، ص 669؛ اعیان الشّیعة، ج 6، ص 740.
[1255] . نقل از یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی.
[1256] . فهرست مسجد اعظم قم، ص 83.
[1257] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 138؛ نوابغ الرّواة، ص 32.

ابو الحسین احمد بن علیّ بن بسّام بغدادی معروف به سبك دیناری، از محدّثین قرن چهارم هجری بوده، در سال 340 ق به اصفهان وارد شده است. در عراق و خراسان حدیث آموخته، و نوشته است، و از عبد الله بن اسحاق مدائنی و محدّثین همطبقه او روایت می‌کند.[1258]

احمد اموی

احمد بن علیّ بن بشر بن عبد الملك بن عبید الله بن عبد الله بن ابی مریم اموی، از محدّثین است. از پدرش بعل بن بشر و محمّد بن بکیر روایت نموده، و عبد الله، پدر حافظ ابو نعیم اصفهانی از وی روایت می‌کند. صاحب عنوان در سال 274 ق وفات یافت.[1259]

احمد مصقلی

احمد بن علیّ بن شجاع مصقلی صوفی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. «کثیر السّماع و واسع الرّوایة» بوده، و عدّه زیادی از او روایت کرده‌اند. وی در محرّم سال 466 ق وفات یافته است. «مصقلی» منسوب به «مصقلة بن هبیره» یکی از اجداد صاحب عنوان است.[1260]

احمد اصفهانی

احمد بن علیّ بن عبد الرّشید اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن نهم هجری است. از آثارش کتابت 1. شمایل النّبی یا الشّمائل النبویّة و الخصائل المصطفویّة تألیف ابو عیسی محمّد بن عیسی ترمذی، که در 838 ق به خطّ نستعلیق کتابت نموده است 2. تاریخ الجزری در سرگذشت حضرت رسول اکرم صلّی الله علیه و آله، که در سال 843 ق کتابت شده است. این دو نسخه، ضمن مجموعه شماره 4585 در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.[1261]

احمد اصفهانی

ابو بکر احمد بن علیّ بن محمّد بن ابراهیم اصفهانی، از محدّثین است در کتاب معجم البلدان از قول او گوید که عبد العزیز بن عبید بن محمّد بن عبید بن ابی عبید الدّراوردی معروف به «ابن منجویه» می‌باشد.[1262]

احمد

احمد بن علیّ بن محمّد باقر علیه السّلام، از امامزادگان عالی‌قدر بوده، و قبر او در بازار حسن‌آباد اصفهان قرار دارد. بقعه تاریخی و مجلّل این امامزاده، از آثار دوره صفویّه است.

سنگ نوشته‌ای به تاریخ 15 ربیع الاوّل 536 ق در امامزاده وجود دارد که قدمت امامزاده را

نشان می‌دهد. نسب سادات طالقان و نسب امامزاده سیّد نصیر الدّین واقع در خیابان جلیل‌آباد تهران در محلّه پاچنار به جناب امامزاده احمد منتهی می‌شود.[1263]

احمد خلیل اصفهانی*

1258 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 165.
1259 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 93 و 97.
1260 . التّحبیر، ج 1، ص 356؛ الانساب، ج 4، ص 56.
1261 . فهرست مجلس، ج 12، ص 281.
1262 . معجم البلدان.
1263 . تاریخ اصفهان و ری، ص 332؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 124- 125 و 213- 214؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 668؛ آثار ایران، ج 4، ص 216؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 171؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 1، صص 510- 520.

حاج احمد خلیلیان متخلّص به «خلیل» فرزند حاج میرزا علی خلیلیان متخلّص به «رجاء» از شعرای معاصر اصفهان است. او در سال 1309 ش در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیل به خدمت نظام‌وظیفه رفت، و پس از آن به حج مشرّف شد. او در سنّ 26 سالگی داروخانه مولوی را در اصفهان تأسیس نمود، و به فعّالیت پرداخت. وی به تشویق پدر گرامی خود و استاد گلزار به پشتوانه ذوق و استعداد خدادادی، به سرودن شعر پرداخت، و در انجمن‌های ادبی حضور یافت. فرزند برومند او محمّد رضا خلیلیان در جبهه‌های نبرد به شهادت رسید. وی درباره شهادت فرزندش شعری سروده که دو بیت از آن نقل می‌شود:

در آسمان خاطرم مهر صبح‌خیز سالی است ماه روی تو پیدا نمی‌شود

[...]

چشمی بسان دیده شب‌زنده‌دار من از موج اشك، غیرت دریا نمی‌شود[1264]

احمد رشتی اصفهانی

احمد بن علی رشتی اصفهانی فاضل نویسنده کتب در قرن سیزدهم است، از آثارش کتابت نسخه‌ای از کتاب گوهر یگانه تألیف صدر الدّین محمّد شیرازی است که آن را در سال 1218 ق در مدرسه نیماورد اصفهان نوشته است. نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملّی تهران و به شماره 5041 میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1265]

اعلام اصفهان، ص: 439

احمد سامانی اصفهانی

ابو العبّاس احمد بن علی سامانی صحّاف، از محدّثین اصفهان است، اصلا از اهالی قریه «سامان» چهار محال است که قرن‌ها جزء اصفهان بوده، از حافظ ابو الشّیخ اصفهانی و دیگران روایت حدیث کرده است.[1266]

احمد غزال

ابو جعفر احمد بن علی غزال، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

وی از سلمه روایت می‌کند، و علیّ بن محمّد بن ابراهیم بن شاذویه بیّع از او نقل حدیث کرده است.[1267]

احمد کاتب

ابی العبّاس احمد بن علی کاتبی اصفهانی، از دانشمندان اصفهان و مقدّم بر خواجه نصیر الدّین طوسی بوده است. خواجه طوسی در شرح ثمره بطلمیوس فرماید: دو شرح بر ثمره دیدم: اوّل شرح احمد بن یوسف مقری؛ دوم شرح ابی العبّاس احمد بن علی اصفهانی.[1268]

احمد مافرّوخی

1264 . تذکره شعرای استان اصفهان، صص 241- 242.
1265 . فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه، ص 173.
1266 . معجم البلدان، ج 3، ص 172.
1267 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 136.
1268 . الذّریعة، ج 13، ص 172؛ فهرست مجلس، ج 12، ص 281؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 248.

ابو الفتح احمد بن علی مافرّوخی اصفهانی، از ادباء و فضلای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و از طبقه دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء برشمرده است.

کلمه «مافرّوخ» ظاهرا مرکّب است از دو کلمه ماه و فرّخ به معنی «ماه مبارك» و این، نسبت جمعی از فضلاء اصفهان در قرن پنجم هجری است، و آنان منسوب‌اند به مافرّوخ بن بختیار اصفهانی، که نسبش به آذرشاپوران بن آذرمانان اصفهانی می‌پیوندد.[1269]

اعلام اصفهان، ص: 440

احمد مهابادی

احمد بن علی ماه‌آبادی (مهابادی) اصفهانی از محدّثین و دانشمندان عالی‌قدر شیعه در قرن پنجم هجری است. فرزندش علی، از او روایت نموده است. کتب زیر از تألیفات او است: 1. البیان در نحو 2. التّبیان در تصریف 3. شرح اللّمع 4. المسائل النّادرة فی الاعراب.

وی جدّ فاضل علّامه افضل الدّین حسن بن علیّ بن احمد مهابادی می‌باشد. مهاباد از قرای اردستان است.[1270]

دکتر احمد مجتهدی تبریزی*

دکتر احمد مجتهدی تبریزی فرزند علی، در سال 1314 ش در تبریز متولّد شده، و پس از طیّ تحصیلات ابتدایی و متوسّطه وارد دانشگاه تبریز شد، و در سال 1338 در رشته تاریخ و جغرافیا لیسانس دریافت نمود. سپس در دانشگاه تهران در رشته جغرافیای انسانی و اقتصادی، فوق لیسانس دریافت نمود، و برای تکمیل تحصیلات خود به ترکیه رفته، و موفّق به اخذ درجه دکترا در رشته جغرافیای انسانی از یکی از دانشگاه‌های ترکیّه گردید. او سال‌ها در دانشگاه اصفهان به تدریس جغرافیا پرداخت، و مدّتی رئیس گروه جغرافیا و سپس رئیس دانشکده ادبیّات و علوم انسانی بود، و سرانجام در تاریخ پنجشنبه 10 شهریور 1379 ش در اصفهان بدرود حیات گفت، و در قبرستان عمومی باغ رضوان در شرق اصفهان به خاك سپرده شد.

سیّد احمد میرعلایی*

سیّد احمد میرعلایی فرزند دکتر سیّد علی میرعلایی مترجم، نویسنده و ادیب دانشمند.

در سال 1321 ش در اصفهان متولّد شد، از دانشگاه اصفهان لیسانس زبان و ادبیّات انگلیسی دریافت نمود. وی در انگلستان و فرانسه ادامه تحصیل داد، و از دانشگاه سوربن فرانسه فوق لیسانس ادبیّات انگلیسی دریافت نمود.

اعلام اصفهان، ص: 441

او سال‌ها به تدریس در دانشگاه‌های اصفهان مشغول بود و از مترجمان زبردست و توانای معاصر به شمار می‌رفت و بسیاری از نویسندگان و دانشمندان معاصر جهان را از طریق ترجمه به ایرانیان معرّفی نموده‌اند. وی سرانجام در اوّل آبان 1374 ش درگذشت، و در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاك سپرده شد. این کتاب‌ها از ترجمه‌های او است که همگی به طبع رسیده‌اند: 1. از چشم غربی 2. باغ گذرگاه‌های هزار پیچ 3. خدای غرب 4.

درباره ادبیّات 5. ژان پل سارتر 6. سنگ آفتاب 7. شیاطین 8. طوق طلا 9. عامل انسانی 10. عرفان مولوی 11. کنسول افتخاری 12. کودکان، آب و گل 13. ویرانه‌های مدوّر 14.

هزار توهای بورخس 15. هند، تمدّن مجروح.

سیّد احمد علم الهدی شیرازی

حاج سیّد احمد علم الهدی شیرازی معروف به «ابطحی»، فرزند حاج سیّد علی اکبر طباطبایی یزدی، عالم جلیل فقیه، محدّث و فاضل کامل ادیب شاعر، در 13 رجب 1297 ق در شیراز متولّد شده، و از درس علمای آن دیار همچون حاج سیّد محمّد علی

[1269] . محاسن اصفهان، ص 32؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 882.
[1270] . النّابس، ص 21؛ الفهرست، منتخب الدّین، ص 35؛ اعیان الشّیعة، ج 10، ص 176.

کازرونی و شیخ عبد الجبّار و میرزا ابراهیم محلّاتی بهره گرفت. از سال 1346 ق در اصفهان ساکن شد، و متصدّی محضر شرعی گردید. خانه‌اش مجمع افاضل و محفل فضلاء و شعراء بود، خود او نیز در حفظ اشعار عربی و فارسی حافظه‌ای قوی داشت، و شعر فارسی و عربی را نیکو می‌سرود، و در اخلاق و ملکات نفسانی کم‌نظیر بود. وی سرانجام در پنج‌شنبه 17 جمادی الثّانی 1382 ق وفات یافت. جنازه به شیراز منتقل، و در شاهچراغ مدفون گردید.[1271]

دکتر احمد کیاست‌پور*

دکتر احمد کیاست‌پور فرزند علی رضا، از اساتید دانشگاه و محققان دانشمند معاصر اصفهان. در سال 1312 ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در

اعلام اصفهان، ص: 442

اصفهان به انجام رساند، در تهران ادامه تحصیل داد، و از دانشگاه تهران لیسانس فیزیك دریافت نمود. وی در کشور آمریکا موفّق به اخذ دکترای ستاره‌شناسی و اخذ فوق دکترا در آن رشته گردیده، پس از بازگشت به ایران، در دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخته است.

از آثار او ترجمه مقدّمه‌ای بر نورشناسی نوین تألیف گرانت فالز است که با همکاری دکتر جمشید احبسیان انجام پذیرفته، و به طبع رسیده است.

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد علی اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن 13 هجری است. از آثارش کتابت نسخه‌ای از کتاب لبّ التّواریخ است که آن را در شب دهم جمادی‌الثّانیه سال 1284 به خطّ نسخ زیبا به پایان رسانیده است. نسخه به شماره 723 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[1272]

میرزا احمد طبیب

حاج میرزا احمد طبیب (لقمانی) فرزند حاج میرزا محمّد علی حکیم، از اطبّاء حاذق، با تقوی و با دریافت بوده، و در اوایل قرن چهاردهم هجری می‌زیسته، و در سده ماربین ساکن بوده است. نسب او به میر سیّد احمد علوی عاملی منتهی می‌شود.[1273]

شیخ احمد واعظ

شیخ احمد بن محمّد علی واعظ اصفهانی، فاضل جلیل خطّاط، از شاگردان حاج شیخ محمّد باقر نجفی است. کتب زیر از تألیفات او است: 1. سراج الانام، در کلام 2. فرائض الاعمال که مجموعه فتاوای استادش حاج شیخ محمّد باقر نجفی است که آن را به صورت رساله، جهت عمل مقلّدین جمع‌آوری نموده، و به نظر استاد رسانیده است 3. مشکاة الانام،

اعلام اصفهان، ص: 443

در مسائل حلال و حرام که از روی فتاوای مرجع عالی‌قدر شیعه، میرزای شیرازی تنظیم نموده، و در حاشیه آن، فتاوای حاج شیخ محمّد تقی آقا نجفی، شیخ زین العابدین مازندرانی و حاج شیخ محمّد علی ثقةالاسلام نجفی را آورده است، این کتاب در سال 1307 ق ضمن مجموعه‌ای به چاپ رسیده است. احمد واعظ، همچنین چندین کتاب از تألیفات آقا نجفی را به خطّ نسخ کتابت نموده است، و تاریخ کتابت برخی از آن‌ها سال 1297 ق است.[1274]

احمد طهرانی

[1271] . دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج 3، ص 657؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص 21؛ نقباء البشر، ج 1، ص 114؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، صص 683- 684؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج 2، ص 191؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج 1، ص 64، ج 2، صص 683- 684.

[1272] . فهرست مرعشی، ج 2، ص 318.

[1273] . لطایف غیبیّه، ص بیست و هفت؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 240.

[1274] . مکارم الآثار، ج 6، ص 1974؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج 1، صص 365، 375 و 383.

ابو العبّاس احمد بن عمر بن قاسم طهرانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

ابو ابراهیم عبد الله بن ابراهیم بن محمّد بن عبد الله بن حماد طهرانی [رازی] از مشایخ ابو سعد سمعانی از او استماع حدیث نموده است.[1275]

احمد غازی

حافظ ابو نصر احمد بن عمر بن محمّد بن عبد الله بن محمّد بن علیّ بن اسحاق غازی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری. وی از مشایخ سمعانی است، در سال 448 ق متولّد شده، و در 3 رمضان 532 ق وفات یافته است. سمعانی از او به عنوان «ثقة، دیّن، حافظ، واسع الرّوایه» یاد کرده است. او از ابو الحسین بن نقور، عبد الرّحمن بن منده، ابو عمرو بن منده، ابو القاسم بن بسری، فضل بن محبّ نیشابوری، شیخ الاسلام هروی، ابو عامر ازدی، ابو علی تستری و دیگران حدیث استماع نموده است.[1276]

احمد ضحّاك شیبانی

ابو بکر احمد بن عمرو بن ابی عاصم ضحّاك بن مخلد بن سلم بن رافع بن رفیع بن

ذهل بن شیبان شیبانی، محدّث و فقیه ظاهری مذهب اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از جدّ مادری خود ابو سلمه موسی بن اسماعیل تبوذکی و ابو الولید طیالسی، عمرو بن مرزون، حوضی و محمّد بن کثیر روایت می‌کند. احمد بن جعفر بن معبد، محمّد بن اسحاق بن یعقوب، قاضی ابو احمد محمّد بن احمد بن ابراهیم، عبد الرّحمن بن محمّد بن سیاه، عقبة بن مکرم، نصر بن علی، ابو الجهم ارزق بن علی، زکریّا بن یحیی و هدبه از او نقل حدیث کرده‌اند. وی در 206 ق در بصره متولّد شده، و در سال‌های 269 تا 282 ق در اصفهان قضاوت می‌کرده، و سرانجام در سال 287 ق وفات یافته، و در مقبره روشاباد اصفهان مدفون شده است. وی حدود 300 تصنیف داشته که در فتنه صاحب الزّنج که در بصره رخ داد به یغما رفته، و نابود شده است. این کتاب‌ها از او است: 1. الآحاد المثانی، شامل بیست هزار حدیث 2. الدّیان، در فقه ظاهریّه که در قاهره به طبع رسیده است 3.

المسند الکبیر، شامل حدود 50 هزار حدیث[1277].

احمد

ابو طاهر احمد بن عیسی بن زید بن علیّ بن حسین علیه السّلام از سادات عالی‌قدر و امامزادگان جلیل است. در زمان هارون الرّشید به اصفهان آمد، و در این شهر وفات یافت، و در محلّه «واذار» اصفهان مدفون شد. وی از علیّ بن عبید الله بن محمّد بن عمر بن علی روایت نموده، جعفر بن مروان از او نقل حدیث نموده است.[1278] [برخی احتمال داده‌اند امامزاده احمد مدفون در محلّه باغات اصفهان، که اکنون در بازارچه حسن‌آباد اصفهان واقع شده است، همین احمد بن عیسی باشد].

احمد قرشی

ابو محمّد احمد بن عیسی بن عبد العزیز قرشی، از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است. وی از نعمان بن عبد السّلام روایت نموده، و ابو حامد اشعری از او نقل حدیث کرده است.[1279]

احمد خفاف

[1275] . التّحبیر، ج 1، ص 361.
[1276] . التّحبیر، ج 1، ص 261.
[1277] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 100- 101؛ ریحانة الادب، ج 4، ص 7؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« احمد»، ص 1249؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 736؛ مزارات اصفهان، ص 349؛ الاعلام، ج 1، ص 181؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، صص 54- 55.
[1278] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 80- 81؛ مزارات اصفهان، ص 94.
[1279] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 95.

ابو حامد احمد بن [عیسی بن] عمر عمرکی حقّاف، از محدّثین اصفهان است. وی از احمد بن یونس و سمویه روایت می‌کند، و محمّد بن علیّ بن ابراهیم از او حدیث نقل می‌نماید.[1280]

احمد بیگ اختر گرجی*

احمد بیگ گرجی متخلّص به «اختر» شاعر ادیب، فرزند فرامرز بیك در اصفهان متولّد شد. چندی نزد شاهزادگان زندیّه، از جمله لطف‌علی خان زند به سر برد. پس از به حکومت رسیدن آقا محمّد خان به خراسان رفت. در زمان پادشاهی فتحعلی شاه به سلیمان خان قاجار متخلّص به «عزّت» پیوست، و از مجازات، رهایی یافت. مدّتی بعد، او را به سوء اخلاق متّهم کردند، و زبانش را بریدند. او هم به اصفهان بازگشت، و به تدوین تذکره‌ای موسوم به انجمن‌آرا پرداخت؛ امّا موفّق به اتمام آن نشد، و وفات یافت. پس از فوت او در سال 1232 ق، برادرش محمّد باقر متخلّص به «نشاطی» دست به تکمیل این تذکره زد؛ امّا موفّق به این کار نشد، و در این اثنا وفات کرد. بالاخره فاضل خان گروسی تذکره احمد بیگ را تکمیل کرد، آن را انجمن خاقان نامید، و از دو برادر به بدی یاد کرد، و حقّ آنان را ضایع نمود. تذکره اختر توسّط مرحوم عبد الرّسول خیّام‌پور تصحیح شده، و به طبع رسیده است. اختر، خطّ شکسته را خوش می‌نوشت.

از او است:

اعلام اصفهان، ص: 446

من در سماع از اینکه حدیث تو می‌رود ناصح در اینکه گوشم به پند اوست[1281]

احمد قصری

ابو العبّاس احمد بن فضل بن احمد بن عبد الله بن محمّد قصری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. ابو سعد سمعانی در اصفهان از وی حدیث شنیده است.

[وی منسوب به «قصر» از محلّه‌های اصفهان است، و شاید محلّه «باب القصر» یا «در کوشك» همین محلّه «قصر» باشد.]

احمد باطرقانی

ابو بکر احمد بن فضل بن محمّد باطرقانی اصفهانی، از محدّثین و قاریان اصفهان و از اهالی قریه «باطرقان» اصفهان است. در عصر خویش «شیخ القرّاء» بوده است. در سال 372 ق متولّد [شده]، و در سال 460 ق وفات یافته است. او پس از ابو المظفّر عبد الله بن شبیب ضبّی اصفهانی امام جامع اصفهان گردید. وی علم قرائات را نزد عبد العزیز محمّد بن عبد العزیز تمیمی کسایی آموخته است.

این کتاب‌ها از او است: 1. الشّواذ 2. طبقات القرّاء 3. المدخل الی معرفة اساتید القراءات و مجموع الرّوایات.[1282]

اعلام اصفهان، ص: 447

احمد عنبری اصفهانی

[1280] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 145.

[1281] . تذکره دلگشا، صص 430- 433؛ تذکره میکده، صص 297- 305؛ مکارم الآثار، ج 3، صص 950- 951؛ سفینة المحمود، ج 1، صص 159- 161؛ حدیقة الشّعراء، ج 1، صص 90- 91؛ سرایندگان شعر فارسی در قفقاز، صص 344- 351؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 7، ص 163؛ تذکره انجمن خاقان، صص 464- 468؛ تذکره شبستان، ص 43.

[1282] . التّحبیر، ج 1، ص 160؛ الاعلام، ج 1، ص 186؛ غایة النّهایه، ج 1، صص 96- 97؛ دانشنامه جهان اسلام، حرف« ب»، ج 4، صص 546- 547؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 18، ص 182؛ الانساب، ج 2، صص 42- 39؛ ایضاح المکنون، ج 2، ص 79؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 73؛ محاسن اصفهان، ص 30؛ آثار ملّی اصفهان، ص 187.

ابو الفوارس احمد بن فضل عنبری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از خواص اصحاب شیخ ابو القاسم عبد الرّحمن بن منده و ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی بوده، و ابو محمّد نخشبی از او استماع حدیث کرده است.[1283]

احمد نجم ثانی

نجم الدّین احمد (احمد بیك خان) خوزانی معروف به امیر نجم ثانی، فرزند فضل الله، مؤلّف طراز الاخبار در تاریخ، به فارسی.[1284]

احمد اصفهانی

احمد بن فضلی اصفهانی از فضلاء و نویسندگان در قرن یازدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه‌ای از دیوان خواجه ثنایی است که آن را در 25 رجب سال 1042 ق در شهر آگره هندوستان به خطّ شکسته نستعلیق کتابت نموده است. نسخه میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1285]

احمد دیمرتی

احمد بن قاسم بن علیّ بن رستم دیمرتی اصفهانی، ادیب و شاعر، از شعراء و فضلای اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در وصف بهار گوید:

ضحك الرّبیع بمبسم الأنوار — و بکی بعین سحّة مدرار

فبدمعه اکتسب البسطة بنتها — و بضحك ذری الأشجار

و إذا الرّیاح امالها لکانّه — ثمل یمین لنعمة الاقمار (الاوثار)

و النرجس الغضّ الجنّی کأنّما — تدویرة بشظینی مدوار

حدقت به فوق الزّبرجد فضه — تبکی شعاع کواکب الأسحار[1286]

احمد اصفهانی

احمد بن کوفی بن ایّوب اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی در نیشابور ساکن بوده است. از محمّد بن عبد الله بن حسن بن حفص روایت می‌کند، و ابو القاسم عبد الله بن حسین بوبالویه از او نقل حدیث می‌نماید.[1287]

احمد مدینی

ابو جعفر احمد بن مجاهد بن محمّد بن عبد الله مدینی از محدّثین قرن سوم هجری است. وی اصلا از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بود، سپس در محلّه کوشك ساکن شد، و سرانجام به قریه «خرجان» رفت، و در سال 290 ق در آنجا وفات نمود. وی

1283 . التّحبیر، ج 2، ص 381.
1284 . فهرست دانشگاه پنجاب، ص 409.
1285 . فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه، ص 89.
1286 . محاسن اصفهان، ص 65.
1287 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 139.

از ابو بکر بن ابو شیبه، عثمان بن ابو شیبه، عبد الله بن عمر بن ابان روایت نموده است. طبرانی در معجم الصّغیر از او نقل حدیث کرده است.[1288]

احمد اصفهانی

ابو بکر احمد بن محمّد اصفهانی، عالم فاضل ادیب، مؤلّف کتابی در ملل و نحل است، و در حدود سال 451 هجری وفات یافته است.[1289]

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد اصفهانی، از فضلاء و حکماء اصفهان است. از آثار او: بندی در پنج سطر با عنوان «قال من زعم أنّ الحركة لا وزن له ...» از وی نقل شده است، این مطلب در

مجموعه شماره 3480 میکروفیلم‌های دانشگاه تهران وجود دارد.[1290]

احمد اصفهانی

ابو بکر احمد بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و از عبد الله بن محمّد بن حافظ روایت می‌کند.[1291]

احمد اصفهانی

ابو الحسین احمد بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است.

طبرانی در کتاب معجم الکبیر از او روایت می‌کند. قاضی احمد بن حسین دینوری و ابن سنّی هم از او نقل حدیث می‌نمایند. فوت او در سال 433 ق روی داده است.[1292]

ملّا احمد اصفهانی

ملّا احمد بن آقا محمّد اصفهانی، در سال 1247 ق مالك نسخه‌ای از شافیه ابن حاجب بوده است.

نسخه، جزو کتب صدر هاشمی در کتابخانه دانشکده ادبیّات اصفهان محفوظ است.[1293]

احمد افریقی

ابو الحسن احمد بن محمّد افریقی، ساکن اصفهان معروف به «متیم»، از ادباء و شعرای قرن چهارم و پنجم هجری. وی در سال 415 ق وفات نموده است، و کتب زیر از او است:

1. الانتصار المبنی عن فضل المتنبّی 2. دیوان شعر بزرگ 3. الشّعراء و النّدماء.[1294]

احمد صحّاف

1288 . احقاق الحق، ج 9، ص 38 و ج 18، ص 366؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 1؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 120.
1289 . الذّریعة، ج 1، ص 34.
1290 . فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، ج 2، ص 151.
1291 . احقاق الحق، ج 14، ص 301.
1292 . مرآة الجنان، ج 3، ص 54.
1293 . نشریّه دانشکده ادبیّات اصفهان، سال دوم شماره 2 و 3، ص 137.
1294 . هدیة العارفین، ج 1، ص 72.

ابو علیّ بن محمّد بن ابراهیم صحّاف، از محدّثین اصفهان است. محمّد بن اسحاق از وی روایت می‌کند، و او از ابو جعفر زید بن ابو موسی اصفهانی حدیث نقل می‌کند.[1295]

احمد طیفورآبادی اصفهانی

ابو الفتح احمد بن محمّد بن ابراهیم طیفورآبادی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

از قریه «طیفورآباد» اصفهانی بوده، و از محمّد بن ابراهیم مقری استماع حدیث نموده، و از او حدیث نوشته [است].[1296]

احمد اصفهانی

ابو جعفر احمد بن محمّد بن ابی خالد اصفهانی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری است. وی در نیشابور ساکن بوده، و در جمادی الآخر سال 303 ق وفات یافته، و در مقبره باب معمر نیشابور دفن شده است.[1297]

احمد اصفهانی

ابو سعید احمد بن محمّد بن ابی سعد بغدادی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی از عبد الله بن یوسف اصفهانی روایت کرده است. ابو سعید الاعرابی و ابو المظفّر محمّد بن احمد بن جعفر کوسج از او نقل حدیث نموده‌اند.[1298]

احمد ویری اصفهانی

احمد بن محمّد بن ابی عمرو بن ابی بکر ویری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

[ساکن قریه «ویر» بود که اکنون به شهر کوهپایه معروف است]. حافظ بن بخار گوید که در

منزل او در قریه «ویر» از او استماع حدیث کردم که از حافظ ابو موسی محمّد بن عمرو روایت می‌نمود.[1299]

احمد خوزی اصفهانی

ابو نصر احمد بن محمّد بن ابو القاسم بن فلیزه امین خوزی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. ساکن کوی خوزیان اصفهان بوده، و از ابو العلاء سلیمان بن عبد الرّحیم حسن‌آبادی و ابو عمرو بن منده استماع حدیث کرده، و در 13 شوّال 531 ق وفات یافته است.[1300]

احمد جلکی اصفهانی

ابو سعد احمد بن محمّد بن ابی نصر ضریر ارجانی جلکی اصفهانی از محدّثین قرن ششم هجری، در اصفهان ساکن بوده، از فاطمه جوزدانی حدیث شنیده، و در ربیع الاوّل 606 ق وفات یافته است.[1301]

احمد بغدادی

ابو سعد احمد بن محمّد بن احمد بغدادی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. یافعی درباره او گوید: «کان ثقة خیرا یحفظ صحیح مسلم». در سال 540 ق وفات یافته است. وی از ابو عمرو عبد الوهاب بن محمّد بن اسحاق عبدی، ابو منصور محمّد بن احمد بن علی سینی و ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم طیان روایت می‌کند.[1302]

1295 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 331.
1296 . معجم البلدان.
1297 . تاریخ نیشابور، ص 43.
1298 . احقاق الحق، ج 4، صص 328 و 204.
1299 . معجم البلدان، ج 5، ص 386.
1300 . معجم البلدان، ج 2، ص 404.
1301 . معجم البلدان، ج 1، ص 144.

احمد قصّار

ابو بکر احمد بن محمّد بن احمد بن جعفر قصّار شافعی تمیمی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابی علیّ بن عاصم، عبد الله بن خال دارانی، عبد الله بن جعفر محمّد بن اسحاق بن عباد بصری از او روایت می‌کنند. وی در سال 399 وفات یافته است.[1303]

احمد یزدی

ابو بکر احمد بن محمّد بن احمد بن جعفر اصفهانی معروف به یزدی، فاضل محقّق، ادیب لغوی نحوی. در اصفهان ساکن بوده، و در قرن چهارم هجری می‌زیسته است. از احمد بن محمّد بن موسی ملحمی و حسن بن محمّد زعفرانی روایت می‌کند. احمد بن علی شافعی از او نقل حدیث کرده است.[1304]

احمد تمیمی

ابو بکر احمد بن محمّد بن احمد بن حارث تمیمی اصفهانی مقری ادیب، از محدّثین قرن چهارم و پنجم هجری است. در سال 349 ق در اصفهان متولّد شد، و در ربیع الاوّل سال 430 به نیشابور رفت، و در آن شهر وفات یافت، و در مقبره «شاهنبر» پهلوی ابو اسحاق ارموی مدفون گردید. ابو علی جامع بن حسن بن علی بیهقی از او حدیث شنیده است.[1305]

احمد فیج

ابو بکر احمد بن محمّد بن احمد بن حسین بن محمّد اصفهانی معروف به «فیج» از محدّثین اصفهان است، در همدان ساکن بوده، و از ابو بکر احمد بن عبدان بن محمّد

1306

شیرازی ساکن اهواز روایت می‌کرده است. خطیب بغدادی از او نقل حدیث می‌نماید.[1307]

احمد طرقی اصفهانی

حافظ ابو نصر احمد بن محمّد بن احمد بن حسین بن احمد بن قاسم بن طیب تمیمی طرقی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. از قریه «طرق» بوده که اکنون از قراء نطنز است، در علم حدیث و طرق روایت استادی مسلّم بوده، و خطّ خوشی داشته، از بسیاری حدیث شنیده از آن جمله است: ابو سعد محمّد بن ابی عبد الله مطرّز، ابو العلاء محمّد بن عبد الجبّار فرسانی، ابو القاسم غانم بن محمّد برجی و ابو علی حدّاد. ظاهرا در قرن ششم هجری می‌زیسته [است]، سال وفاتش به دست نیامد.[1308]

احمد گیلانی (کلاتی)

1302 . مرآة الجنان، ج 3، ص 273؛ تبیین کذب المفتری، ص 429.
1303 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 169؛ احقاق الحق، ج 15، ص 330.
1304 . معجم الادباء، ج 8، ص 273؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 250؛ احقاق الحق، ج 4، ص 273 و ج 16، ص 567.
1305 . التّحبیر، ج 1، ص 156.
1306 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
1307 . احقاق الحق، ج 6، ص 517.
1308 . معجم البلدان، ج 4، ص 31؛ راهنمای دانشوران، ج 2، ص 111.

لطیف الدّین احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد گیلانی اصفهانی دردشتی کلامی (یا کلاتی) شاعر ادیب. از تألیفات او: مونس الاحرار و دقایق الاشعار، در 30 باب است. که آن را در پنجشنبه ربیع الثّانی 702 ق تألیف نموده است، و در آن به حدائق السّحر رشید وطواط نظر داشته است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه حبیب گنج در حیدرآباد دکن و میکروفیلم نسخه، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. ظاهرا محمّد بن بدر جاجرمی که کتاب دقایق الاشعار خود را در سال 741 ق تألیف نموده، مطالب خود را از این کتاب اقتباس نموده است.[1309]

احمد سلفی اصفهانی

حافظ ابو طاهر صدر الدّین احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم سلفه (به کسر سین و فتح لام) از مشاهیر حفّاظ و محدّثین و فقهاء شافعی، معروف به سلفی، منسوب

به جدّش ابراهیم است که به اصطلاح مردم اصفهان، لبشکری بوده، و ازاین‌رو وی را سه لبی می‌گفتند. بعدا این کلمه تعریب شده، و سلفی خوانده‌اند). وی در سال 478 در اصفهان متولّد گردیده، در بغداد از خطیب تبریزی، ابو حامد اسفراینی و کیاهراسی علم آموخته، مسافرت‌های بسیار رفته، و با بسیاری از مشایخ و فضلاء دیدار کرده، سرانجام در مصر ساکن شده، و به تدریس مشغول شده، و در صبح جمعه 5 ربیع الثّانی وفات یافته است. کتب زیر از تألیفات او است: 1. اربعین البلدانیّة در حدیث 2. سداسیات در حدیث 3. سلفیّات در حدیث 4. سلماسیّات، معروف به مجالس خمسه 5. شرط القراء علی الشّیوخ 6. شرح بر مختصر مزنی 7. الفضائل الباهرة 8. معجم السّفر 9. المعجم لمشیخة اصبهان 10. المعجم لمشیخة بغداد 11. رساله درباره ابی العلاء معرّی و غیره.[1310]

احمد خاتون عاملی

احمد بن محمّد خاتون بن احمد بن نعمت الله عاملی، از فضلاء و محدّثین اصفهان در قرن یازدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه‌ای از کتاب مشرق الشّمسین و اکسیر السّعادتین تألیف مرحوم شیخ بهایی است که آن را در 14 ربیع الاوّل سال 1029 ق به پایان رسانیده، و در حاشیه تصحیح شده است، و علامت بلاغ دارد. اجازه شیخ بهایی برای کاتب در سه صفحه در پشت کتاب به تاریخ ربیع الاوّل سال 1029 به خطّ مرحوم شیخ می‌باشد.[1311] صاحب عنوان، سال‌ها در اصفهان ساکن بوده، و در محضر شیخ بهایی تلمّذ نموده است.

احمد رنانی

احمد بن محمّد بن احمد رنانی اصفهانی از محدّثین اصفهان است، و ابو سعد سمعانی از او اجازه دریافت نموده است.[1312]

احمد خشینانی

احمد بن محمّد بن اسحاق بن مزید بن عجلان اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

وی در محلّه خشینان ساکن بوده، و از ابراهیم بن فراء، اصمعی، روح بن عصام جبّر، مکّی بن ابراهیم و هشام بن عبید الله سبتی استماع حدیث نموده، و احمد بن حسین انصاری، عبد الرّحمن بن فیض و محمّد بن احمد بن یزید از او روایت می‌کنند.[1313]

احمد واعظ اصفهانی

1309 . فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه، ج 1، ص 801 و ج 2، ص 242.

1310 . روضات الجنّات، ج 1، ص 266؛ لغتنامه دهخدا، ذیل« احمد»، ص 1279؛ احقاق الحق، ج 5، ص 146 و ج 7، ص 126؛ معجم المؤلّفین، ج 2، ص 75؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 459 و 250؛ ریحانة الادب، ج 3، ص 64؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 87؛ الکنی و الالقاب، ج 2، ص 288؛ الاعلام، ج 1، ص 209؛ اللّباب، ج 2، ص 126؛ ثقات العیون، ص 3؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 73؛ کشف الظّنون، ج 1، ص 54؛ وفیات الاعیان، ج 1، ص 87؛ مدارس نظامیّه، ص 191؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 403.

1311 . فهرست مرعشی، ج 1، ص 249.

1312 . معجم البلدان، ج 3، ص 73.

1313 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 92؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 62؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 19.

احمد بن محمّد بن برد اصفهانی واعظ، از محدّثین اصفهان است. از طبرانی روایت می‌کند. ذهبی در میزان الاعتدال گوید: «معتزلیّ غال، و او پدر ابی الخیر است».[1314]

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن بطة بن اسحاق بن ابراهیم مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. ابو الحسن محمّد بن احمد بن عبید الله بن عیسی بن احمد منصوری و ابو محمّد فخام از وی روایت می‌کنند. او در روز جمعه از ماه شوّال 313 ق وفات یافت.[1315] به ظنّ نویسنده، احمد نام‌برده در دو کتاب، یك نفر است.

احمد کلامی

لطیف الدّین احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد کلامی اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن هفتم هجری است. وی از مدّاحان پادشاهان و بزرگان دربار مغول بوده، و کتاب مونس الاحرار فی دقایق الاشعار را در پنج‌شنبه اوّل ربیع الآخر سال 702 ق نوشته است، و آن، مشتمل بر منتخب اشعار شاعران فارسی‌گو است، و به فارسی نوشته شده است. این کتاب را محمّد بن بدر جاجرمی به نام خود کرده، و اشعار کلامی را از آن حذف، و برخی از اشعار خود را در آن درج کرده است.[1316]

احمد ازدی

ابو بکر احمد بن محمّد بن جعفر ازدی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابو بکر خطیب روایت می‌کند، و احمد بن محمّد بن موسی لخمی از او نقل حدیث می‌نماید.[1317]

احمد راشتیانی

ابو بکر احمد بن محمّد بن جعفر بن احمد بن اسحاق بن حماد راشتینانی اصفهانی، از محدّثین است، و از قریه «راشتینان» اصفهان بوده، و در شوشتر از ابو القاسم حسن بن موسی طبری استماع حدیث نموده، و کتابی نیز به نام امالی نوشته است.[1318]

راشتینان از روستاهای اصفهان است.

احمد وذنکابادی

ابو العبّاس احمد بن محمّد بن جعفر بن عیسی ضریر وذنکابادی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از احمد بن محمّد بن مصقله و دیگران روایت

کرده است.[1319]

احمد مدینی

ابو العبّاس احمد بن محمّد بن جعفر خشّاب مدینی، جدّ مادری زید بن ابی مسلم بن شهدل و از محدّثین قرن چهارم هجری است.

از علیّ بن سعید عسکری و ابن سکن روایت نموده، و قبل از سال 350 ق فوت شده است.[1320]

1314 . میزان الاعتدال.
1315 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 133؛ نوابع الرّواة، ص 42.
1316 . تاریخ نظم و نثر، ج 1، ص 176؛ فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، ص 801.
1317 . احقاق الحق، ج 15، ص 60.
1318 . معجم البلدان، ج 3، ص 15.
1319 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 163.
1320 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 159.

احمد خفّاف

ابو بکر احمد بن محمّد بن جعفر خفّاف، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

از محمّد بن عیسی مقری روایت نموده، و ابو اسحاق سریجانی مدینی از او نقل حدیث کرده است.[1321]

احمد اصفهانی تیمی

ابو بکر احمد بن محمّد بن حارث اصفهانی تیمی، از محدّثان اصفهان در قرن پنجم ابو المعالی امام الحرمین جوینی (متوفّی 478 ق) از وی استماع حدیث نموده است.[1322]

احمد مذکّر

ابو الحسین احمد بن محمّد بن حارث مذکّر، از محدّثین اصفهان است. وی از ابن داود سجستانی و عبد الله بن محمّد بغوی روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم از او نقل حدیث می‌نماید.[1323]

احمد معدّل

ابو جعفر احمد بن محمّد بن حجّاج بن یوسف معدّل از محدّثین قرن سوم هجری است. فقیه ثقه بوده، و از احمد بن مهدی، عبد الله بن محمّد بن نعمان، ابو مسلم کشی و محدّثین بغداد روایت نموده است.[1324]

احمد ملنجی اصفهان

ابو عبد الله احمد بن محمّد بن حسن بن برد ملنجی اصفهانی مقری، از محدّثین و قاریان قرن چهارم و پنجم هجری و اهل محلّه «ملنجه» اصفهان بوده، از حافظ ابو الشّیخ و ابو بکر عبد الله بن محمّد قیار روایت نموده [است]. جماعتی کثیر از او روایت نموده‌اند که از آن جمله است ابو بکر خطیب. وی در سال 437 ق وفات یافته است.[1325]

احمد اصفهانی

ابو سعید احمد بن ابو الفضل محمّد بن حسن بن علیّ بن احمد بن سلیمان اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری. در مجمل فصیحی گوید: «روی الحدیث الکثیر و کان علی سیرة السّلف کثیر الاتباع للسنّة». مشار الیه در سال 463 متولّد [شده]، و در سال 540 ق وفات یافته است.[1326]

احمد مرزوقی اصفهانی

ابو علی احمد بن محمّد بن حسن اصفهانی معروف به امام مرزوقی شاعر و ادیب دانشمند. یاقوت حموی در حقّ او گوید: در نهایت ذکاء و فطنت و حسن التّألیف است.

صاحب بن عبّاد نیز گفته: در علم و ادب، سه اصفهانی به مقامی عالی رسیدند 1. اسکاف (ابو عبد الله خطیب) 2. حائك (مرزوقی صاحب عنوان) 3. حلّاج (ابو منصور بن ماشاذه).

1321 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 167.
1322 . معجم البلدان، ج 1، ص 193.
1323 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 160.
1324 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 143.
1325 . معجم البلدان، ج 5، ص 195؛ اللباب، ج 3، صص 254- 255.
1326 . مجمل فصیحی، ج 2، صص 186 و 240.

از شاگردان ابو علی فارسی و دیگران بوده، علاوه بر ادبیّات، در فقه و حدیث نیز مهارت داشته، گویند آل بویه وی را به عنوان معلّم فرزندان خود انتخاب نموده‌اند؛ لذا صاحب عنوان، شیعه بوده است. در ذی‌حجّه 421 ق وفات یافت. وی را کتب و تألیفاتی است که از آن جمله است: 1. الازمنة و الامکنة (نسخه شماره 4170 کتابخانه آستان قدس رضوی) 2. شرح اشعار هذیل 3. شرح حماسه ابی تمام (نسخه شماره 25107 کتابخانه مجلس) 4. شرح مفضلیّات 5. شرح الفصیح (تألیف ثعلب) 6. شرح الموجز در نحو 7. شرح النّحو.[1327]

احمد جورجیری

احمد بن محمّد بن حسن جورجیری مجمل، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. وی از عبد الله بن احمد بن یزید شیبانی روایت می‌کند، و محمّد بن ابراهیم بن علی از وی نقل حدیث می‌نماید.[1328] [جورجیر از محلّه‌های قدیمی اصفهان است، و حکیم داود هندی بر بقایای ویرانه‌های مسجد جورجیر، متعلّق به عصر دیالمه، مسجد حکیم را بنا کرده است].

احمد صحّاف

ابو بکر احمد بن محمّد بن حسنویه صحّاف، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از علیّ بن عبد الله بن مبشر واسطی و دیگران روایت می‌کند. وفات او قبل از سال 270 ق روی داده است.[1329]

اعلام اصفهان، ص: 460

احمد ارجانی تستری

ناصح الدّین ابو بکر احمد بن محمّد بن حسین ارجانی شیرازی، فقیه، محدّث، ادیب و شاعر قرن ششم هجری. در سال 460 ق متولّد شد، و در اوائل عمر، در مدرسه نظامیّه اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس متصدّی قضای تستر [شوشتر] و عسکر مکرم شد، و سرانجام در سال 544 ق در تستر وفات یافت. وی در اصفهان از ابو بکر محمّد بن احمد بن حسین بن ماجد ابهری حدیث شنیده، و از او اجازه دریافت داشته است. به عربی شعر می‌سروده، و اشعارش در غایت حسن و طراوت و ملاحت بوده است. گویند سال‌های متمادی هر روز هشت بیت می‌سرود. او دیوان اشعار بزرگی داشته، و آنچه از آن باقی مانده است، حتّی یك‌دهم آن دیوان نیست. دیوان اشعارش در سال 1307 ق در بیروت طبع گردیده است، و تصحیح و تحشیه و توضیح آن از احمد بن باس ازهری بوده است. در باب مذهب او نیز نوشته‌اند که پیرو فقه شافعی بوده است. این شعر از او است:

أنا أشعر الفقهاء غیر مدافع	فی العصر او أنّه افقه الشّعراء
شعری إذا ما قلت دونه الوری	بالطبع لا بتکلّف الالقاء[1330]

احمد خرجانی

ابو حامد احمد بن محمّد بن حسین بن ابراهیم خرجانی اصفهانی از محدّثان اصفهان و اهل محلّه «خرجان» بود، و از عبدان و ابن زهیر و دیگران روایت نمود، بعد از سال 370 ق وفات یافت.[1331]

[1327] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 249- 250؛ ریحانة الادب، ج 5، ص 284؛ روضات الجنّات، ج 1، ص 254؛ اعیان الشّیعة، ج 9، ص 231؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 73؛ الکنی و الالقاب، ج 2، ص 48؛ مجمل فصیحی، ج 2، ص 144؛ بغیة الوعاة، ص 159؛ فهرست رضوی، ج 1، ص 719؛ فهرست مجلس، ج 15، ص 2؛ معجم المؤلّفین، ج 2، ص 91؛ لغت‌نامه دهخدا« احمد»، ص 1290.

[1328] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 147؛ الانساب، ج 2، ص 114.

[1329] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 163.

[1330] . مرآة الجنان، ج 3، ص 281؛ وفیات الاعیان، ج 1، ص 134؛ النّجوم الزّاهرة، ج 5، ص 285؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 20، ص 210؛ لسان المیزان، ج 5، صص 5، 367؛ تاریخ اصفهان و ری، ص 216؛ معجم المطبوعات، ج 1، ص 424؛ معجم البلدان، ج 1، ص 86 و ج 4، ص 490؛ طبقات الشّافعیة، اسنوی، ج 1، صص 110- 111؛ کشف الظّنون، ج 1، ص 77؛ هدیة العارفین و النّهایه، ج 11، صص 226- 227؛ الکنی و الالقاب، ج 2، ص 19؛ الاعلام، ج 6، ص 209؛ ریحانة الادب، ج 1، ص 72؛ روضات الجنّات، ج 8، ص 21؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج 1، ص 119، مقتبس الاثر، ج 3، ص 231.

احمد احموله

ابو جعفر احمد بن محمّد بن حسین بن حفص معروف به «احموله»، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی مردی نیکوکار، خیّر و بخشنده بوده، و برای اطعام گرسنگان و دادن صدقه به نیازمندان، اهتمام داشته، و در ربیع الاوّل سال 264 ق فوت شده است. وی از ابو نعیم، خلاد بن یحیی، قعنبی و جدّ خود (حسین بن حفص) روایت می‌کند، و ابن عاصم، اخرم، ابو بکر عبد الله بن ابی داود سجستانی، احمد بن حسین انصاری و محمّد بن احمد بن یزید زهری نقل حدیث می‌نماید.[1332]

احمد معدّل

ابو جعفر احمد بن محمّد بن حسین معدّل، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. رئیسی محتشم و بزرگوار بوده، و سفره او گسترده بوده است. از محمّد بن عبد الله حضرمی، ابی شعیب، ابان بن مخلد و عمر بن ابی حسان روایت نموده [است]، و محمّد بن ابراهیم بن علی و ابو الحسن علیّ بن محمّد بن حسین مؤدّب ورّاق از او نقل حدیث می‌کنند.[1333]

میر ناصر الدّین احمد مختاری

امیر ناصر الدّین احمد بن محمّد بن امیر روح الامین بن شمس الدّین محمّد بن امیر سیّد رضا حسینی مختاری سبزواری، عالم فاضل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری. وی از شاگردان بهاء الدّین محمّد اصفهانی (فاضل هندی) بوده، و در سال 1130 ق از استاد خود اجازه دریافت نموده است. در اصفهان اقامت داشته است، و از مشایخ میرزا محمّد ابراهیم خوزانی اصفهانی به شمار می‌رود.[1334] ظاهرا در مقبره امامزاده شاه زید اصفهان مدفون است.

احمد زحاف

احمد بن محمّد بن زحّاف بن زحاف، از محدّثین اصفهان است.[1335]

احمد بغدادی قرشی

ابو الحسن احمد بن محمّد بن سکن بن عمیر بن سیّار بغدادی قرشی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری. وی در سال 304 ق به اصفهان آمد، و در این شهر به نقل حدیث پرداخت. از اسحاق خطمی، ابن سهم انطاکی و محدّثین بصره روایت می‌کرد.[1336]

احمد فافا

ابو العبّاس احمد بن محمّد بن سریج معروف به «فافا» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی به نیشابور رفته، و از محدّثین آنجا روایت نموده، و در سال 301 ق وفات یافته است. از محمّد بن رافع، احمد بن منصور، اسحاق کوسج، محمّد بن یحیی نیشابوری و حسن بن عیسی بن ماسرجس روایت می‌کند، و عبد الله بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث می‌کند.[1337]

احمد معیّنی

ابو سعید احمد بن محمّد بن سعید بن مهران معیّنی محدّث ثقه، از راویان اصفهان در قرن سوم هجری. در اصفهان و مکّه و مدینه از مشایخ و محدّثین استماع حدیث کرده، و به کرمان مهاجرت نموده، و در آنجا به سال 295 ق فوت شده است. از احمد

1331 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 159.
1332 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 83؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 15.
1333 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 51.
1334 . الکواکب المنتشره، صص 45- 46؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 897؛ الذّریعة، ج 3، ص 303.
1335 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 91.
1336 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 129؛ طبقات المحدّثین، ج 4، صص 303- 304؛ تاریخ بغداد، ج 5، ص 25.
1337 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 127؛ طبقات المحدّثین، ج 4، ص 257.

بن عبده، زید بن حرثین و سهل بن عثمان روایت می‌کرد، و سلیمان بن احمد، عبد الله بن محمّد بن جعفر و قاضی ابو احمد محمّد بن احمد بن ابراهیم از وی روایت می‌کنند.[1338]

اعلام اصفهان، ص: 463

احمد اصفهانی

ابو الطیّب احمد بن محمّد بن سلیمان بن هارون اصفهانی نیشابوری، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال 337 ق در نیشابور وفات یافته است.[1339]

احمد خبّاز

ابو بکر احمد بن محمّد بن سندة بن ابراهیم خبّاز، از محدّثین اصفهان است.[1340]

احمد جیرانی

ابو العبّاس احمد بن محمّد بن سهل بن مبارك بزّاز جیرانی فرسانی معدّل معروف به «ممجه»، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. از محدّثین ثقه است.

ساکن «فرسان»، و اصلا از اهالی «جیران» است، و در سال 306 ق وفات یافته است. از محمّد بن سلیمان لوین، حمید بن مسعده، عمرو بن علی، محمّد بن عیسی مقری و ابو مسعود روایت می‌کند، و عبد الله بن محمّد بن حجّاج شروطی و محمّد بن احمد بن ابراهیم اصفهانی از او نقل حدیث کرده‌اند[1341]. [جیران و فرسان دو روستای حومه اصفهان در قرون اولیّه و میانه هجری بوده‌اند، و اکنون به شهر پیوسته‌اند، و از محلّه‌های اصفهان به شمار می‌آیند].

احمد سیّاری

ابو عبد الله احمد بن محمّد بن سیّار اصفهانی، از نویسندگان آل طاهر در زمان حضرت عسکری علیه السّلام بوده است. عموم نویسندگان کتب رجال شیعه، وی را به صفات ضعیف الحدیث، فاسد المذهب، معفوّ الرّوایة، کثیر المراسیل، غال و محرّف، وصف کرده‌اند. وی را تألیفاتی است از آن جمله: 1. ثواب القرآن 2. کتاب الطّب 3. کتاب الغارات 4. کتاب

اعلام اصفهان، ص: 464

القراءات 5. کتاب النّوادر[1342]. برخی او را بصری نوشته‌اند.

احمد صفار

ابو مسلم احمد بن محمّد بن شامّه صفّار ورّاق، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از فضل بن خضیب روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم از او نقل حدیث می‌نماید. در سال 367 یا 368 ق فوت شده است.[1343]

احمد معلّم

احمد بن محمّد بن احمد بن شهردار معلّم اصفهانی، از ادباء و کاتبان قرن پنجم هجری است. بسیاری از فضلاء و ادبای اصفهان، از جمله ابو غالب بن هارون از شاگردان او بوده‌اند. وی در شوّال 446 ق وفات یافت.[1344]

1338 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 108.
1339 . طبقات الشّافعیة، ص 29.
1340 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 164.
1341 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 127؛ معجم البلدان، ج 2، ص 198؛ الانساب، ج 3، ص 455؛ اللباب، ج 1، ص 331؛ طبقات المحدّثین، ج 4، ص 263.
1342 . معجم رجال الحدیث، ج 2، ص 282.
1343 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 162.

احمد

ابو الفضل احمد بن محمّد شهمردان، ادیب نحوی لغوی، از دانشمندان اصفهان است.

مافرّوخی او را در ردیف ادبای متقدّم بر عصر خویش یاد کرده است.[1345]

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن عاصم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از ابی عمر دوری روایت می‌کند، و محمّد بن احمد بن ابراهیم از وی نقل حدیث می‌نماید. [ممکن است صاحب عنوان و احمد بن محمّد بن عاصم کرانی یك نفر باشند، و حافظ ابو نعیم آن‌ها را در دو عنوان آورده باشد.]

احمد کرانی

ابو علی احمد بن محمّد بن عاصم کرانی، از محدّثین اصفهان در قرون چهارم هجری است.

وی از محمّد بن ابراهیم بن ابان جیرانی روایت می‌کند، و ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه از وی نقل حدیث می‌نماید. در روز جمعه از سال 339 ق وفات یافته است.[1346]

احمد تاجر

ابو سهل احمد بن محمّد بن عبّاس بن حسنویه بن علیّ بن بطة بن خواشید بن یزدان آفرید تاجر دلّال از محدّثین قرن چهارم هجری است. فاضل ثقه بوده، در سال 328 ق متولّد شده، و کتاب فضل البنات علی البنین از او است.[1347]

میرزا احمد خیال اصفهانی

میرزا غیاث الدّین احمد متخلّص به «خیال» فرزند صدر الدّین محمّد بن میرزا عبد الحسیب علوی عاملی، عالم فاضل ادیب شاعر، در اصفهان نزد عدّه‌ای از علمای اعلام از جمله آقا جمال الدّین محمّد خوانساری تحصیل نمود، و به افتخار دامادی او نائل آمد.

در حسن اخلاق، یگانه آفاق بود. وی هفت‌بندی سروده که ظهیر الدّین علی تفرشی بر آن تقریظ نگاشته بود. وی سرانجام در سال 1134 ق (یك سال پس از وفات عموی دانشمندش میر محمّد اشرف) در اصفهان وفات یافت. رضا قلی خان هدایت در تألیفات خود، به اشتباه، نام او را غیاث الدّین محمّد نوشته است. این شعر از او است:

شمع می‌داند به شب‌ها لخت پروانه را قدر عاشق را کسی داند که داغش بر دل است[1348]

1344 . معجم الادباء، ج 2، ص 107؛ تاریخ اصفهان(هنرمندان)، ص 178؛ دائرةالمعارف دانش بشر، ص 1558؛ لغت‌نامه دهخدا ذیل« احمد»، ص 1279.

1345 . محاسن اصفهان، ص 32.

1346 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 147.

1347 . تاریخ نیشابور، ص 96.

1348 . تذکرة المعاصرین، صص 152 و 282؛ الذّریعة، ج 9، صص 308- 309؛ ریاض العارفین، ص 319؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج 2، ص 712؛ یادنامه بحر العلوم میردامادی، ص 23؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص 164؛ تذکره غنی، ص 51؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 246؛ دانشمندان خوانسار، صص 233- 234.

احمد کاتب

ابو علی احمد بن محمّد بن عبد الرّحمن بن سهلان معروف به ابو علی کاتب، از محدّثین اصفهان است. وی کاتب و نویسنده علیّ بن تمّه بوده، و در همسایگی حافظ ابو نعیم ساکن بوده است. او از ابی مسعود عسکری روایت نموده، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.[1349]

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن عبد الرّحیم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. در عراق، حدیث می‌گفته است. از محمّد بن یحیی بن منده روایت می‌کند، و محمّد بن مظفّر از او نقل حدیث می‌نماید.[1350]

احمد عبّاسی

ابو جعفر احمد بن محمّد بن عبد العزیز عبّاسی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری نقیب هاشمیّین بوده، و یافعی او را با این عبارت ستوده است: «کان صالحا متواضعا فاضلا مسندا». در بغداد و اصفهان حدیث روایت نموده، و در سال 554 ق وفات یافته است.[1351]

سیّد احمد موسوی اصفهانی

احمد بن محمّد بن عبد الکریم موسوی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن 13 هجری است، از آثارش کتابت نسخه‌ای از ترجمه قصیده میمیّه فرزدق است که آن را

حاجی به شعر ترجمه کرده است. این کتاب، در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

احمد رارانی

ابو الحسین احمد بن محمّد بن عبد الله رارانی اصفهانی از محدّثین اصفهان است، اصلا از قریه «راران» جی اصفهان بوده، از عبد الله بن جعفر و ابی القاسم طبرانی نقل حدیث می‌نماید. سعید بن محمّد بن عبدان از او روایت می‌کند. [وی در ربیع الاوّل 422 وفات یافته است][1352].

احمد ویذآبادی

ابو عبد الله احمد بن محمّد بن عبد الله بن اسحاق بن ماجه ویذآبادی مؤدّب، عالم محدّث قرن پنجم هجری، از اهالی محلّه «ویذآباد» [بیدآباد] اصفهان بوده، از قاضی ابو احمد محمّد بن احمد عسّال و ابو القاسم طبرانی نقل حدیث کرده، در جمادی الآخر سال 422 ق وفات یافت.[1353]

احمد ثقفی ابهری

ابو علی احمد بن محمّد بن عبد الله بن اسید ثقفی ابهری اصفهانی کتبی، از محدّثین اصفهان است.

از ابن متویه، دارکی و ابن مخلد روایت می‌کند. ابو الحسین عبد الوهاب بن یوسف قزّاز از او نقل حدیث می‌نماید. موطن او قریه «ابهر» جی اصفهان است.[1354]

احمد اصفهانی

1349 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 168.
1350 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 144؛ تاریخ بغداد، ج 5، ص 58.
1351 . مرآة الجنان، ج 3، ص 307.
1352 . معجم البلدان، ج 3، ص 12؛ خورشید جی، ص 413.
1353 . اللّباب، ج 3، صص 378- 379؛ آثار ملّی اصفهان، ص 192؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 223.
1354 . معجم البلدان، ج 1، ص 84.

ابو العبّاس احمد بن محمّد بن عبد الله بن بشرویه اصفهانی از محدّثین قرن ششم

اعلام اصفهان، ص: 468

هجری است. ابو بکر محمّد بن طاهر بن ابی الفتح کوّاز اصفهانی از وی حدیث شنیده است.[1355]

احمد معدّل

قاضی ابو المکارم احد بن محمّد بن عبد الله معدّل اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابو علی حسن بن احمد بن حسن حدّاد روایت می‌کند، و حافظ ابو طاهر اسماعیل بن ظفر بن احمد نابلسی دمشقی از او حدیث نقل می‌نماید.[1356]

احمد مدینی

احمد بن محمّد بن عصام مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در ربیع الآخر سال 339 ق فوت شده است. او از عبد الله بن معمر، تعدیة بن خالد، عبد الرّحمن مبارك و هلال بن فیّاض روایت می‌کند. عبد الله بن سلمان بن اشعث، ابو بکر بن حمید، محمّد بن احمد بن یحیی، محمّد بن احمد زهری و محمّد بن احمد یزید از او نقل حدیث نموده‌اند.[1357]

احمد ابهری مدینی

ابو زید احمد بن محمّد بن علیّ بن عبد الله بن محمّد بن احمد بن عمرو ابهری مدینی اصفهانی، از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابو بکر محمّد بن ابراهیم مقری و ابی سهل مرزبان بن محمّد بن مرزبان ابهری نقل احادیث نموده [است]. محمّد بن اسحاق بن منده و ابو بکر محمّد بن احمد بن حسن بن فادار ابهری از او روایت می‌کنند.[1358]

اعلام اصفهان، ص: 469

احمد اصفهانی

شیخ ابو العبّاس احمد بن محمّد بن علی اصفهانی عارف صوفی، از مشایخ صوفیّه اصفهان در قرن نهم هجری. وی مرید شیخ عبد الله، و او مجاز از شیخ رضی الدّین ابراهیم بن ابی محمّد طبری و او مجاز از شیخ عبد الله یافعی بوده است.[1359]

احمد طیرایی اصفهانی

ابو العبّاس احمد بن محمّد بن علیّ بن مته طیرایی اصفهانی از محدّثان اصفهان و از قریه «طیراء» اصفهان است. جهت اخذ حدیث، مسافرت نموده، کثیر الحدیث است؛ لکن کم روایت نموده است. از ابا عبیده عبد الله بن محمّد بن حسن بن زیاد جهرمی استماع حدیث نموده [است]، ابو بکر بن مردویه از او روایت می‌کند.[1360]

احمد جاری مدینی

احمد بن محمّد بن علیّ بن مهران معروف به جاری مدینی از محدّثین اصفهانی است.

[ظاهرا از اهالی روستای گار در شرق اصفهان بوده]، سپس در مدینه اصفهان (شهرستان) ساکن شده، از محمّد بن عبد الله بن ابی بکر بن زید و محدّثان همطبقه او استماع حدیث کرده [است]، و جمعی از اهل اصفهان از او روایت کرده‌اند.

برادرش علی نیز از محدّثان بوده است.[1361]

1355 . التّحبیر، ج 2، ص 137.
1356 . احقاق الحق، ج 13، ص 248.
1357 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 96 و 143.
1358 . معجم البلدان، ج 1، ص 84.
1359 . زندگانی شاه نعمت الله ولی.
1360 . معجم البلدان؛ اللّباب، ج 2، ص 294؛ الانساب، ج 9، ص 122.
1361 . معجم البلدان، ج 2، ص 93.

احمد ربضی اصفهانی

ابو بکر احمد بن محمّد بن علی ربضی اصفهانی، از محدّثین، و به «ربض» اصفهان منسوب است.

از محدّثین این شهر استماع حدیث نموده است، ابو مسعود سلیمان بن ابراهیم حافظ

اصفهانی از او روایت می‌کند.[1362]

احمد مافرّوخی

ابو العبّاس احمد بن ابی جعفر محمّد بن علی مافرّوخی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصفهان است. از عمرو بن علی و حسن بن عرفه روایت نموده است. حافظ ابو الشّیخ اصفهانی و ابو بکر قباب از او نقل حدیث نموده‌اند.[1363]

احمد عبدی لنبانی

ابو الحسن احمد بن محمّد بن عمر بن ابان عبدی لنبانی، از محدّثان اصفهان است. اهل محلّه لنبان (ل ن ب ا ن) اصفهان بوده، از محدّثان عراق روایت می‌کرده، از ابی بکر بن الدّنیا تصانیف او، و از عبد الله فرزند احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل را استماع نموده است.

حافظ ابراهیم بن محمّد بن حمزه و عبد الله بن احمد بن اسحاق پدر حافظ ابو نعیم اصفهانی از وی استماع حدیث نموده‌اند. ابو الحسن لنبانی در یکشنبه 10 ربیع الآخر 332 فوت کرده است.[1364]

احمد مروزی

ابو بشر احمد بن محمّد بن عمرو بن مصعب فقیه مروزی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال 313 ق در راه سفر حج به اصفهان آمد. وی از محمود بن آدم، محمّد بن عبد الله قهزادی و خلف بن عبد العزیز شاذان روایت می‌کند، و سلیمان بن احمد

از او نقل حدیث می‌کند.[1365]

احمد

ابو العلاء احمد بن محمّد بن فضل محدّث از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. در جامع اصفهان حدیث می‌گفته، و از ابو حاتم رازی نقل حدیث نموده است.

ابو الفضل محمّد بن طاهر مقدسی از او روایت می‌کند.[1366]

احمد

احمد بن محمّد بن فضل بن خصیب، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.[1367]

[1362] . معجم البلدان، ج 3، ص 25؛ اللّباب، ج 2، ص 15.
[1363] . اللّباب، ج 3، ص 150؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 882.
[1364] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 137؛ معجم البلدان، ج 5، ص 33؛ مزارات اصفهان، صص 57- 58؛ اللّباب، ج 3، صص 133- 134؛ التّحبیر، ج 1، ص 254؛ ج 2، ص 18؛ محاسن اصفهان، ص 30.
[1365] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 130.
[1366] . لغت‌نامه دهخدا.
[1367] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 153.

احمد جبان

ابو علی احمد بن محمّد بن فیروزان جبّان، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از عبد الله بن محمّد بن یحیی بن ابی بکیر روایت می‌کند، و ابو بکر محمّد بن ابراهیم بن علی ازدی نقل حدیث می‌نماید.[1368]

احمد کوفی

ابو بکر احمد بن محمّد بن کوفی بن نمراذ، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابراهیم بن نائله، محمّد بن ابراهیم بن شبیب و دیگران روایت نموده است. وفات او قبل از سال 350 ق اتّفاق افتاده است.[1369]

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن محمّد اصفهانی، واعظ معتزلی متوفّی به سال 422 ق.

اعلام اصفهان، ص: 472

احمد اصفهانی

شیخ شهاب الدّین احمد بن شمس الدّین محمّد بن محمود بن علی، عالم و مفتی، برادر شیخ خانقاه علیّ بن سهل، شیخ قطب الدّین حسین بوده، و در قرن هفتم هجری زندگی می‌کرده است.[1370]

احمد ابهری

احمد بن محمّد بن مرزبان ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و از اهالی «ابهر» جی اصفهان است، ابو سکر احمد بن حسن بن فادار ابهری از او روایت می‌کند، و خود او از ابو جعفر محمّد بن ابراهیم خروری نقل حدیث می‌نماید. [علاوه بر حدیث، در ادب نیز مهارتی بسزا داشته، و در سال 393 ق وفات یافته است][1371].

احمد واذاری

ابو علی احمد بن محمّد بن مسقلة بن سلم بن عبد الله بن مستورد تیمی، از تیم رباب.

از محدّثین قرن چهارم هجری است.

از احمد بن یحیی بن مالك سوسی و محدّثین عراق و حجاز روایت می‌کند، و عبد الله پدر حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث می‌کند. ابو علی واذاری در سال 306 ق وفات یافته است.[1372] [مرحوم استاد مهدوی «واذار» را همان «باغات» می‌داند که حوالی محلّه خواجوی امروزی است؛ ولی از معمّرین و کشاورزان قدیمی حوالی خیابان بزرگمهر اصفهان شنیدم که اراضی ابتدای خیابان 22 بهمن، واقع در ضلع شرقی خیابان بزرگمهر، در قدیم به صحرا «واذار» معروف بوده است].

اعلام اصفهان، ص: 473

احمد کرانی

ابو الحسن احمد بن محمّد بن موسی بن بحر کرانی معروف به «ادیب» از محدّثین اصفهان است. در محلّه «کران» اصفهان ساکن بوده [است]، و از عبد الله بن محمّد بن عبّاس سهمی روایت می‌کند.[1373]

احمد خزاعی اسپید دشتی

1368 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 139.
1369 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 158؛ الانساب، ج 5، ص 109.
1370 . مقالات الحنفاء، ص 15.
1371 . معجم البلدان، ج 1، ص 84؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 16، ص 555؛ خورشید جی، ص 425.
1372 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 128.
1373 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 23.

ابو حامد احمد بن محمّد بن موسی بن صبّاح خزاعی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. اهل «اسبیدبشت» [اسفید دشت] اصفهان بوده، از عبد الله بن هاشم طوسی ابن ابی بزّه، احمد بن مدبل و ابو احمد محمّد بن احمد بن ابراهیم حدیث شنیده [است].

در سال 297 ق وفات یافت.[1374]

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن موسی بن یحیی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.[1375]

احمد ززی اصفهانی

ابو الفتح احمد بن محمّد بن موسی ززی اصفهانی واعظ، واعظی خوش بیان و از اهالی اصفهان است، و از معاصرین ابو سعد سمعانی مؤلّف التّحبیر می‌باشد.[1376]

احمد سمسار

ابو بکر احمد بن محمّد بن موسی سمسار، از محدّثین اصفهان در اواخر قرن سوم هجری است. وی از عمر بن ابراهیم و محمّد بن عبّاس بن ایّوب روایت می‌کند، و حسین

بن علیّ بن احمد اسواری از او نقل حدیث می‌نماید.[1377]

احمد

احمد بن محمّد بن مهران، از محدّثین اصفهان است. ابو بکر بن عبد الوهاب مقری از او روایت می‌کند.[1378]

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن نصر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از زید بن بندار بن زید نخانی اصفهانی روایت می‌کند.[1379]

احمد مدینی

ابو الحسن احمد بن محمّد بن نصیر بن عبد الله بن ابان مدینی جشنسی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال 256 ق متولّد شده، و از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان است. از احمد بن عصام، اسید بن عاصم و احمد بن مهدی روایت می‌کند. محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث کرده است. وی سرانجام در سال 344 ق در سنّ 88 سالگی وفات یافت.[1380]

احمد رنانی

ابو العبّاس احمد بن محمّد بن هاله رنانی اصفهانی، از محدّثین و مقربان قرن پنجم هجری، اصلا از قریه «رنان- رهنان» ماربین اصفهان است. قرآن را نزد ابی علی حدّاد و العزّ واسطی آموخته، و جمعی کثیر در خدمتش قرآن آموخته‌اند. او حدیث را از حافظ اسماعیل بن محمّد بن فضل اصفهانی فرا گرفته، و در بازگشت از مکّه در حلّه مزیدیّه به

1374 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 109؛ معجم البلدان، ج 1، ص 180؛ اللّباب، ج 1، ص 56.
1375 . میزان الاعتدال، ج 1، ص 74.
1376 . معجم البلدان، ج 1، ص 140.
1377 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 141.
1378 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 168.
1379 . معجم البلدان، ج 1، ص 275.
1380 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 146.

سال 535 وفات یافته است.[1381]

احمد تمیمی

ابو بکر احمد بن محمّد بن یحیی بن خالد تمیمی، از محدّثین اصفهان است. وی از احمد بن عمرو زنبقی روایت می‌نماید. حافظ ابو نعیم اصفهانی از او روایت می‌کند.[1382]

احمد قصار

ابو عبد الله احمد بن محمّد بن یحیی قصار، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از صالح بن احمد بن حنبل، اسید بن عاصم، احمد بن مهدی، ابن ابی عاصم و اخرم روایت می‌کند، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از وی روایت می‌نماید. او در سال 252 ق متولّد [شده]، و در سال 349 وفات یافته است.[1383]

احمد خزاز

ابو بکر احمد بن محمّد بن یعقوب بن مهران بن انس، از محدّثین قرن سوم هجری است. از محمّد بن ولید بشری و جز او روایت می‌کند. سلیمان بن احمد و محمّد بن جعفر بن یوسف از او روایت می‌نمایند.

وی در سال 304 ق وفات یافته است.[1384] [پدرش محمّد بن یعقوب ساکن محلّه باب دشت بوده، و ظاهرا احمد هم در این محل زندگی می‌کرده است].

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن یوسف اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و ابو جعفر محمّد بن

محمّد بن احمد مقری خواهرزاده او است.[1385]

احمد اصفهانی

ابو العبّاس احمد بن محمّد بن یوسف بن فروه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابو الفرج عمران بن حسن بن یوسف ختلی (متوفّی 400 ق) روایت نموده است.[1386]

احمد فزاری

احمد بن محمّد بن یوسف [یا یونس] بن مسعده اصفهانی فزاری، از محدّثین اصفهان است. وی از محمّد بن ایّوب رازی روایت می‌کند، و محمّد بن عبد الله بن حسین دقاق از او نقل حدیث می‌نماید. فزاری در بغداد ساکن بوده است.[1387]

احمد مذکّر

ابو بکر احمد بن محمّد بن یوسف بن معدان بناء مذکّر از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی در سال 271 ق وارد عراق گردید، و از محدّثین حجاز و عراق حدیث روایت نموده است. او از یوسف بن یعقوب نجاحی، ابن ابی مسرّه، صائغ، علیّ

1381 . معجم البلدان، ج 3، ص 73؛ اللّباب، ج 2، ص 38؛ راهنمای دانشوران، ج 1، ص 43.
1382 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 73.
1383 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 151.
1384 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 121؛ طبقات المحدّثین، ج 4، ص 219.
1385 . تبیین کذب المفتری، ص 391.
1386 . معجم البلدان، ج 1، ص 401.
1387 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 126؛ احقاق الحق، ج 15، ص 514.

بن داود قنطری، ابی قلابه عبد الملك بن محمّد، حسن بن مکرم، احمد بن یونس، احمد بن عصام، احمد بن یحیی مکتب، منذر بن محمّد و ابن اشکیب روایت می‌کند، و خواهرزاده‌اش عبد الله بن احمد (پدر حافظ ابو نعیم اصفهانی) از او نقل حدیث می‌نماید.[1388]

احمد ثوری

ابو مسلم احمد بن محمّد معروف به «ثوری»، ادیب فقیه، از محدّثین قرن چهارم هجری. وی از ابو بکر بن ابی عاصم روایت می‌کند، و پدر حافظ ابو نعیم (عبد الله) از او نقل

حدیث می‌نماید.[1389]

سیّد احمد قهپایی

ابو القاسم احمد بن محمّد حسنی حسینی قهپایی اصفهانی عالم فاضل محقّق، در اصفهان نزد حاج محمّد ابراهیم کلباسی و حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی تحصیل نموده، و تا سال 1259 ق در قید حیات بوده است. این کتاب‌ها از او است: 1.

الارشاد فی احوال الصّاحب الکافی اسماعیل بن عبّاد، به عربی، که در سال 1312 خورشیدی به همّت سیّد جلال الدّین تهرانی همراه با محاسن اصفهان به طبع رسیده است[1390]، و نسخه‌های خطّی آن نیز موجود است، از جمله نسخه‌ای در کتابخانه آقا میرزا محمّد رضا الهی شهرکی 2. تحف العقول فی توضیح قوانین الاصول که نسخه آن در کتابخانه علّامه مفضال، حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان می‌باشد.[1391] 3. فهرس ابواب الکتب الاربعة که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[1392]

میرزا احمد مدرّس

آقا میرزا احمد مدرّس فرزند سیّد محمّد حسینی خراسانی عالم فاضل محقّق، از فقهاء و مدرّسین معروف اصفهان. در 29 ذی‌قعده سال 1281 ق متولّد شد. تحصیلات خویش را در اصفهان در خدمت میرزا ابو المعالی کلباسی، حاج سیّد مهدی نحوی، میرزا محمّد حسن نجفی، شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی و دیگران به پایان رسانید، و پس از نیل به اجتهاد، به نجف اشرف مهاجرت فرمود، و دو سالی آنجا بود. مجدّدا به اصفهان آمد، و در مدرسه نیماورد ساکن شد، و به تدریس فقه و اصول اشتغال جست، و در مسجد مجاور آن، امامت نمود. جمعی کثیر از فضلاء، در محضر او حاضر می‌شدند، و استفاده علمی می‌کردند.

سرانجام در شنبه 12 ذی القعدة الحرام 1348 ق وفات یافت، و در منزل خود مدفون شد.

سپس به نجف اشرف نقل گردید، و در آن ارض اقدس مدفون شد. میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ وفات او گفته است:

بنوشت جابری پی فوتش که «جدّ او — معراج احمدیش برد از براق علم»

1348 ق[1393]

احمد خوانساری اصفهانی

1388 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 133.
1389 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 148.
1390 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 206؛ بیان المفاخر، ج 2، صص 263- 264.
1391 . الکرام البررة، ج 1، ص 109.
1392 . فهرست مرعشی، ج 8، ص 280؛ فهرست احیاء، ج 6، صص 35- 36.
1393 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 82؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 305؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 248- 249.

احمد بن حاج ملّا محمّد خوانساری اصفهانی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه‌ای است از تذکره محمّد شاهی تألیف بهمن میرزا فرزند عبّاس میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار است که آن را در سال 1258 به خطّ نستعلیق خوش نوشته است.

نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.[1394]

احمد خوزانی

احمد بن محمّد خوزانی، شاعر ادیب دانشمند، از قریه «خوزان» ماربین اصفهان بوده.

در حدیث و ادبیّات مهارت داشته، و به عربی شعر می‌سروده، ابو رجاء هبة الله بن محمّد بن علی شیرازی از او حدیث نقل می‌کند. این شعر از او است:

خذ فی الشّباب منش الهوی بنصیب — إنّ المشیب إلیه غیر حبیب

ودع اغترارك بالخضاب و عاره — فالشّیب احسن من سواد خضیب[1395]

احمد کلّایی

احمد بن محمّد کلّایی، از محدّثین اصفهان است.[1396]

شیخ احمد لاهیجانی

شیخ جمال الدّین احمد بن محمّد لاهیجانی اصفهانی، عالم فاضل، در قرن یازدهم هجری می‌زیسته، و از شاگردان شیخ بهایی است. وی کتاب الفرائد الشّمسیة فی شرح فوائد الصّمدیة را تألیف نموده که شرح کتاب استادش شیخ بهایی است، و این کتاب را به نام پسرش شمس الدّین محمّد در 16 ربیع الاوّل 1045 ق نامیده است.[1397]

میرزا احمد نیریزی*

میرزا احمد بن شمس الدّین محمّد نیریزی، از اعاظم خوشنویسان ایران است. وی در نسخ و ثلث، استاد مسلّم بود. از زادگاه خود به اصفهان آمد، و به کتابت مشغول شد. نزد شاه سلطان حسین صفوی احترام و اعتبار داشت، و بسیاری از نسخ قرآن و ادعیه را برای وی نوشت.

استادش در خطّ نسخ، آقا ابراهیم قمی بود؛ ولی خود، سبك تازه‌ای در خطّ نسخ به وجود آورد. میرزا احمد، عمر خود را به تحریر قرآن و ادعیه و صحایف، صرف نموده، به زیارت مکّه و مشهد و عتبات عالیات نیز رفته است. مردی قانع و سنجیده طبع و پسندیده خصال بوده، و تا سال 1177 در قید حیات بوده، و محلّ دفن او معلوم نیست.[1398]

سیّد احمد هاشمی خوانساری

سیّد احمد هاشمی خوانساری فرزند سیّد محمّد خیّاط، عالم فاضل، متوفّی به سال 1348 ق، مدفون در تکیه آقا سیّد محمّد ترك در تخت فولاد اصفهان. افسر خونساری در رثاء و مادّه تاریخ او اشعاری گفته که بر سنگ قبرش نوشته‌اند:

1394 . فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج 1، ص 54.
1395 . معجم البلدان، ج 2، ص 404؛ راهنمای دانشوران، ج 1، ص 295؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 116- 117.
1396 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 93.
1397 . نسخه‌های خطّی، ج 3، ص 401؛ الذّریعة، ج 16، ص 138.
1398 . احوال و آثار خوشنویسان، ج 4، صص 1029 و 1041؛ کارنامه بزرگان ایران، صص 268- 269؛ پیدایش خطّ و خطّاطان، صص 90- 92؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، صص 173- 176.

هرکه اندر سایه شرع محمّد جا گرفت | جایگاهی بر فراز عالم بالا گرفت

سال فوتش افسر خوانسار پرسید از خرد | از سماء معرفت این پاسخ زیبا گرفت:

هاتفی از غیب گفتا همزه‌ها کم کن بگو: | »احمد اندر مأمن الطاف ما مأوا گرفت«

احمد

ابو الفضل احمد بن محمّد بن شهمردان، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی در محاسن اصفهان او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، و متقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.[1399]

احمد وذنکابادی

ابو العبّاس احمد بن محمود بن صبیح بن سهل بن ابراهیم مدینی ثقفی وذنکابادی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری است. وی از عبد الله بن عمر، ابی مسعود، احمد بن سعید بن جریر و حجّاج بن یوسف بن قتیبه همدانی روایت می‌کند، و ابو بکر محمّد بن جعفر بن یوسف و سلیمان بن احمد از او نقل حدیث کرده‌اند. وی محدّثی صاحب اصول و ثقه بوده، و در «وذنکاباد» در حومه مدینه (شهرستان) اصفهان سکونت داشت. وفات او در سال 310 ق اتّفاق افتاد.[1400]

احمد

ابو الفضل احمد بن محمود بن ونکروذه، از ادبای و شعرای اصفهان است. وی به فارسی شعر می‌سروده، و مافرّوخی او را در ردیف شعرای پارسی‌گوی متقدّم، ذکر نموده است.[1401]

احمد ثقفی

ابو طاهر احمد بن محمود ثقفی اصفهانی مؤدّب، از محدّثین قرن پنجم هجری است.

ابو بکر عبد الغفّار بن محمّد شیروی جنابذی (414- 510 ق) در اصفهان از وی حدیث شنیده است. همچنین نوه دختری او ابو المطهّر عبد المنعم بن ابی احمد نصر حرّانی اصفهانی از او نقل حدیث کرده است. وی در سال 455 ق وفات یافت.[1402]

احمد قصّار

احمد بن مخلد بن یحیی قصّار، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی ساکن محلّه یهودیّه اصفهان بوده، و از محمّد بن بکیر حضرمی روایت نموده است. قاسم بن عبد الله بن محمّد ورّاق مدینی از او نقل حدیث می‌کند.[1403]

1399 . محاسن اصفهان، ص 32.
1400 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 129؛ احقاق الحق، ج 15، ص 26.
1401 . محاسن اصفهان، ص 33.
1402 . التّحبیر، ج 1، ص 466؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 77؛ معجم البلدان، ج 2، ص 236؛ اللّباب، ج 1، ص 354.
1403 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 103 و 115.

سیّد احمد حسینی شیرازی

سید احمد بن سیّد مرتضی حسینی شیرازی، عالم عامل و فاضل کامل، متوفّی به سال 1126 ق و مدفون در تکیه آقا رضی در تخت فولاد.[1404]

احمد بلخی

احمد بن مسرور بلخی، در سال 304 ق پس از علیّ بن وهسودان دیلمی متقلّد ولایت اصفهان گردید.[1405]

نظام الدّین احمد «شرمی» قزوینی*

نظام الدّین احمد قزوینی متخلّص به «شرمی» فرزند مولانا مشقی شاعر ادیب، در قزوین به خیّاطی مشغول بوده، سپس به سیاحت پرداخته، آخر الامر در اصفهان ساکن شده تا سال 1038 که برای جلوس شاه صفی، مادّه تاریخ گفته، در قید حیات بوده است. سال‌ها

نزد شاه‌عبّاس، اعتبار و احترام داشته، و این شاه را مدح کرده است. علاوه بر دیوان اشعار، ساقی‌نامه‌ای نیز از او باقی است. این بیت از او است:

تازه می‌سازم به ناخن باز داغ خویش را آب و رنگی می‌دهم گل‌های باغ خویش را

[1406]

شیخ احمد فیّاض

حاج شیخ احمد فیّاض فروشانی سدهی فرزند ملّا مصطفی بن ملّا محسن، از علماء و مدرّسین عالی‌قدر اصفهان در 17 ذی‌قعده 1324 ق در سده متولّد شد. مقدّمات علوم را نزد پدر و سیّد مصطفی سدهی آموخت؛ سپس در اصفهان نزد حاج میرزا ابو الهدی کلباسی، میرزا احمد مدرّس، آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای، حاج میرزا جمال الدّین کلباسی، حاج ملّا حسن دولت‌آبادی، شیخ محمّد رضا مسجد شاهی، حاج میر محمّد صادق خاتون‌آبادی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، شیخ علی مدرّس یزدی، میر سیّد علی مجتهد نجف‌آبادی، ملّا محمّد علی عالم حبیب‌آبادی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، سیّد محمّد نجف‌آبادی و آقا سیّد مهدی درچه‌ای تحصیل نمود، و از برخی از آنان موفّق به اخذ اجازه روایت و یا اجتهاد گردید. سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و در محضر شریف آیات عظام، آقا سیّد جمال الدّین گلپایگانی، آقا سیّد عبد الهادی شیرازی، حاج سیّد علی بهبهانی، آقا شیخ محمّد کاظم شیرازی و حاج سیّد محسن حکیم به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، و از آقا سیّد جمال الدّین گلپایگانی، آقا سیّد عبد الهادی شیرازی، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، حاج میرزا احمد آشتیانی، آقا سیّد احمد جزائری معروف به سیّد آقا و آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی اجازه روایت و یا اجتهاد دریافت نمود. او پس از بازگشت به اصفهان، به تدریس در مدرسه صدر بازار و اقامه نماز جماعت در مدرسه صدر خواجو پرداخت. او عالمی متین و منظّم و موقّر و مؤدّب به آداب و اخلاق اسلامی بود. عموم طبقات بالاخص علماء و

طلّاب و مقدّسین به او ارادت داشته، و خدمتش را مغتنم می‌شمردند. او اوّل ذی‌قعده سال 1407 ق در منزل مسکونی خود در محلّه خواجوی اصفهان وفات یافت، و جنازه در مراسمی آبرومند، تشییع شد، و در جوار مسجد ملّا حیدر علی در سده (خمینی‌شهر) مدفون گردید. مرحوم فیّاض، تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را مرقوم فرموده؛ امّا مرتّب نشده، و غیر مدوّن

[1404] . رجال اصفهان، ص 198؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 252؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 118.

[1405] . مجمل فصیحی، ج 2، ص 22.

[1406] . تذکره میخانه، صص 892- 894؛ آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص 1187- 1189؛ تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 371.

است. رساله شروط ضمن العقد از تقریرات آقا سیّد محمّد نجف‌آبادی مدوّن و تنظیم گردیده است. گاهی شعری می‌سروده، و این شعر از او است:

خوبان سزد که دور تو گردند جملگی پروانه‌وار زان که تو شمع میانه‌ای[1407]

احمد عنبری

ابو جعفر احمد بن معاویة بن هذیل عنبری از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابراهیم بن ایّوب فرسانی، محمّد بن زیاد و حسین بن حفص روایت می‌کند، و علیّ بن رستم اصفهانی، محمّد بن یحیی بن معاویه و حسین بن عصیر از او نقل حدیث می‌کنند. وی برادر ابو معاویه هذیل بن معاویة بن هذیل است. برادرش در سال 260 ق وفات یافته، و احمد پس از او مرده است.[1408]

احمد مؤدّب خوراسکانی

ابو جعفر احمد بن مفضّل مؤدّب خوراسکانی اصفهانی، از محدّثین اوایل قرن سوم هجری است. اهل «خوراسکان» جی اصفهان بوده [است]. از حبّان بن بشر روایت می‌کند.

ابو بکر محمّد بن ابراهیم مقری اصفهانی از او حدیث، روایت کرده است.[1409]

احمد ویذآبادی

ابو العبّاس احمد بن منصور بن محمّد بن صالح ویذآبادی اصفهانی از محدّثین محلّه ویذآباد (محلّه بیدآباد امروز) اصفهان بوده، و همچون برادرش جابر از دانشمندان علم حدیث است.[1410]

احمد خطمی انصاری

احمد بن موسی بن اسحاق خطمی انصاری، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال 318 ق به اصفهان آمده، و چندی متصدّی امر قضاء در این شهر بوده است. وی از موسی بن اسحاق قوّاس، عبّاس دوری و احمد بن محمّد بن الاصفر روایت می‌کند.[1411]

دکتر سیّد احمد احمدی*

دکتر سیّد احمد احمدی فرزند سیّد موسی احمدی علون‌آبادی، استاد دانشگاه و محقّق ارجمند، در سال 1322 ش در اصفهان متولّد شد، و به تحصیل در حوزه علمیّه اصفهان نزد حاج آقا حسن امامی، شیخ احمد فیّاض، حاج سیّد مصطفی بهشتی و حاج سیّد محمّد جواد غروی به تحصیل پرداخت. سپس به تحصیل در مدارس جدید روی آورد، و به دانشگاه تهران رفت، و فوق لیسانس روانشناسی دریافت کرد. او در کشور آمریکا دکترای روان‌شناسی دریافت نمود، و سال‌ها است که در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول است.

از آثار او: 1. دستور زبان عربی 2. مقدّمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی 3. اصول و روش‌های تربیت در اسلام 4. روان‌شناسی نوجوانان و جوانان به چاپ رسیده.

[1407] . گنجینه دانشمندان، ج 8، ص 228؛ علوم و عقاید، ص 65؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 2، صص 285- 287؛ مجلّه حوزه، شماره 18، دی‌ماه 1365؛ خمینی‌شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص 176- 179 و 354.

[1408] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 84؛ طبقات المحدّثین، ج 1، ص 16.

[1409] . معجم البلدان، ج 2، ص 354؛ اللّباب، ج 1، ص 439؛ خورشید جی، ص 293.

[1410] . معجم البلدان، ج 1، ص 386.

[1411] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 130.

احمد رقام

احمد بن موسی تمیمی معروف به رقام، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

از محدّثان مورد وثوق بوده است. از بکر بن بکار و محمّد بن عاصم روایت می‌کند. ابو بکر

بن الجارود و عبد الله بن محمّد بن اسحاق از او نقل حدیث نموده‌اند.[1412]

احمد اصفهانی

احمد بن مهدی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از ثابت بن محمّد شیبانی کوفی (متوفّی به سال 115 ق) روایت می‌کند.[1413]

احمد مدینی

حافظ ابو جعفر احمد بن مهدی بن رستم مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او دانشمندی ثروتمند و صاحب ضیاع و عقار فراوان بوده، و در عهد خویش کسی چون او موثّق در نقل حدیث نبود. گویند چهل سال رخت خواب نگسترد. وی در شوّال (یا دهم رمضان) سال 272 ق وفات یافت. کتاب المسند فی الحدیث از تألیفات او است. وی از ابی نعیم، ابی الیمان حکم بن نافع، حجّاج بن ابی منیع، سعد بن ابی مریم، عبد الله بن صالح، قبیصه و نعیم بن حماد روایت می‌کند. ابو جعفر احمد بن ابراهیم بن یوسف، ابو جعفر احمد بن جعفر بن معد و عبد الله بن محمّد بن عیسی از او نقل حدیث می‌کنند.[1414]

احمد اصفهانی

میرزا احمد بن محمّد مهدی اصفهانی از فضلاء قرن 13 هجری است. در سال 1257 کتابت نسخه‌ای از زاد المعاد علّامه مجلسی را به خطّ نسخ به پایان رسانیده، نسخه به شماره 3472 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1415]

ملّا احمد شریف خاتون‌آبادی*

آخوند ملّا احمد بن محمّد مهدی شریف خاتون‌آبادی اصفهانی عالم فاضل منجّم ادیب، در اصفهان به تحصیل پرداخت، و در انواع علوم- به ویژه نجوم- مهارت یافت، سپس به شوشتر رفت، و به تدریس پرداخت[1416]، آن‌گاه عازم عتبات عالیات شد، و چندی در کربلا به سر برد. وی تا سال 1155 ق در قید حیات بود[1417]. او کتابی موسوم به معرفة التّقویم را به عربی و مفصّل تألیف نموده، و یک‌بار آن را به عربی در ده فصل، و بار دیگر به فارسی در هشت فصل مختصر نموده، و تدوین کرده است.[1418]

شیخ احمد زاهد نجفی*

حاج شیخ احمد زاهد نجفی فرزند مهدی بن عبد الحمید بن ملّا محسن بن ملّا اسماعیل درب کوشکی، عالم فاضل. از روحانیون عالی‌قدر معاصر اصفهان است. در سال 1304 ش (سلخ شعبان 1342 ق) در اصفهان متولّد شد. تحصیلات حوزوی را در اصفهان نزد سیّد نور الله قاضی عسکر و شیخ محمّد تقی قمشه‌ای آغاز کرد. سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و در درس علمای اعلام، شیخ محمّد علی مدرّس افغانی، میرزا علی آقا فلسفی، شهید محراب سیّد اسد الله مدنی و شیخ محمّد تقی آل راضی حضور یافت، و کسب فیض کرد. آن‌گاه در درس خارج آیات عظام، خویی، حکیم، شاهرودی، امام خمینی و سید حسین حمامی حاضر شد. در این سال‌ها او در کنار تحصیل، به تدریس شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایتین برای طلّاب و فضلای نجف

[1412] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 88.
[1413] . میزان الاعتدال، ج 1، ص 170.
[1414] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 86؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 50؛ اللباب، ج 3، ص 185.
[1415] . فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج 11، ص 2479.
[1416] . تذکره شوشتر، ص 139.
[1417] . الذّریعة، ج 25، ص 145.
[1418] . الذّریعة، ج 21، ص 250.

مشغول بود. در سال 1395 ق پس از تیره شدن روابط دولت‌های عراق و ایران، از سوی دولت عراق، به همراه سایر ایرانیان مقیم عراق، از آن کشور مهاجرت کرد، و به زادگاه خود اصفهان بازگشت. او در این شهر به تدریس، اقامه نماز جماعت در مساجد، پاسخگویی به سؤالات شرعی مردم، و ارشاد آنان اهتمام ورزید. فرزند 19 ساله‌اش هادی در جبهه‌های نبرد، به شهادت رسید.[1419]

اعلام اصفهان، ص: 487

1420

اعلام اصفهان ؛ ص487

احمد اصفهانی

ابو جعفر احمد بن مهران بن خالد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از اسماعیل بن عمرو بجلی و خالد بن مخلد و حسن بن قتیبه حدیث نقل کرد، و سعید بن یعقوب از او روایت می‌کند. وی فقط جهت نماز از منزل بیرون می‌آمده، و در سال 284 ق در یزد وفات یافته است.[1421]

سیّد احمد دیباجی*

حاج سیّد احمد بن سیّد نصر الله بن سیّد احمد دیباجی سدهی، عالم فاضل، در سال 1353 ق در سده ماربین متولّد شد، و در قم و نجف اشرف تحصیلات خویش را به پایان رسانید، و در تهران به اقامه جماعت پرداخت. سرانجام در سال 1399 ق (فروردین 1358 ش) در تهران به دست مخالفین، ترور و شهید گردید.

او از شاگردان آیات عظام، حکیم، شاهرودی و خویی بوده، و از جمعی از اساتید خود، اجازه روایت اخذ نموده است. کتب زیر از او است: 1. تقریرات در اصول 2. تقریرات در فقه 3. مختصر المنطق 4. تفسیر القرآن 5. کشکول 6. تبویب الذّریعة.[1422]

احمد مدینی

ابو النّعمان احمد بن نضر بن هشام مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از پدرش نضر روایت می‌کند، و ابو بکر محمّد بن عبد الرّحمن بن فضل مدینی از او نقل حدیث می‌نماید.[1423]

احمد نور شرق

احمد نور شرق فرزند شیخ نور الله، از آثار او است: ترجمه جنگ و صلح نوشته لئو

اعلام اصفهان، ص: 488

تولستوی.

احمد قاضی

ابو علی احمد بن وزیر بن بسّام قاضی، از محدّثین قرن سوم هجری است. او اوّلین شخصی است که در زمان متوکّل به منصب قضاوت اصفهان رسید، به این خاطر که ابن دؤاد، تمام قاضیان شهرها را مدّت ده و اند سال از قضاوت عزل کرد، و اصحاب

1419 . نقل از یادداشت‌های فرزند صاحب عنوان، فاضل ارجمند جناب آقای حاج شیخ محمّد زاهد نجفی.
1420 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
1421 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 95؛ معجم البلدان، ج 1.
1422 . خمینی شهر، صص 162- 163؛ گنجینه دانشمندان، ج 4، ص 454.
1423 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 141.

مظالم را بر مردم مسلّط گردانید. ابو علی قاضی از جعفر بن عون، ابی عامر، ابی دؤاد و ابی عاصم روایت می‌کند. یعقوب بن اسماعیل بن شبید از او حدیث نقل نموده است. وی در سال 278 ق وفات یافت.[1424]

میرزا احمد دولت‌آبادی

آقا میرزا احمد بن حاج میرزا هادی حسینی دولت‌آبادی از علماء اصفهان. در قبل از طلوع آفتاب روز چهارشنبه 11 ذی‌قعده 1277 متولّد شد، و در سال 1347 ق وفات یافت، و در تکیه صاحب روضات مدفون گردید. وی در حسن معاشرت و اخلاق، ممتاز بود. در اواخر عمر، به مرض جنون مبتلا شد، و در حال مرض فوت کرد.[1425]

سیّد احمد خاتون‌آبادی

سیّد احمد بن میر محمّد هادی خاتون‌آبادی اصفهانی، از آثار او کتابت نسخه‌ای است از کتاب کافی که آن را در شب سه‌شنبه 6 ذی‌القعده سال 1120 ق به خطّ نسخ به پایان رسانیده است. نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.[1426]

شیخ احمد جوهری

(حاج شیخ احمد جوهری، واعظ شهیر و خطیب فصیح، از اعقاب میرزا محمّد ابراهیم جوهری صاحب طوفان البکاء. بیش از صدسال زندگانی نمود و افتخار روضه‌خوانی داشت. وی در غره شعبان 1363 ق وفات نمود و در تکیه سید العراقین مدفون گردید. صغیر اصفهانی برایش مرثیه‌ای سروده که بر سنگ مزارش حك شده است)[1427]

شیخ احمد جنّتی

حاج شیخ احمد جنّتی، فرزند حاج ملّا هاشم، در 3 اسفند 1305 ش در محلّه لادان اصفهان متولّد شد. وی در اصفهان نزد پدر بزرگوارش و سیّد ابو القاسم هرندی، سیّد محمّد هاشمی، میرزا محمود معین، شیخ علی مشکاتی، شیخ حیدر علی صلواتی، حاج آقا روح الله امامی، سیّد محمّد باقر ابطحی و شیخ احمد فیّاض به تحصیل پرداخت. سپس برای تکمیل آن، راهی قم شد، و در آنجا نزد شهید شیخ محمّد صدوقی، میرزا عبد الکریم تهرانی، سیّد رضا بهاء الدّینی، سیّد محمّد باقر سلطانی، حاج شیخ عبد الجواد اصفهانی، حاج شیخ حسینعلی منتظری، سیّد زین العابدین کاشانی و حاج آقا روح الله کمالوند تحصیل را در مرحله سطح ادامه داد؛ سپس در درس خارج آیات عظام، بروجردی، امام خمینی، حجّت و گلپایگانی حضور یافت، و به اجتهاد نائل آمد.

او حدود چهارده سال در مدرسه حقّانی به تدریس مشغول بود. وی از طرفداران نهضت امام خمینی بود، و به این خاطر، از سوی رژیم پهلوی بارها دستگیر، زندانی و تبعید گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدّتی به تصدّی امر قضا در خوزستان، اراك، اصفهان و تهران پرداخت. سپس از سوی امام خمینی به عنوان عضو شورای نگهبان منصوب شد. از دیگر پست‌های ایشان، امامت جمعه در کرمانشاه و اهواز، و امام جمعه موقّت تهران و قم، ریاست سازمان تبلیغات اسلامی، دبیر شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، نمایندگی در سه دوره مجلس خبرگان، عضویّت در مجمع تشخیص مصلحت نظام و غیره را می‌توان نام

برد. از آثار ایشان: 1. ترجمه اثبات الهداة 2. ترجمه ایقاظ الهجعه 3. ترجمه تحف العقول 4. نصایح در ترجمه المواعظ العددیة به چاپ رسیده است.[1428]

میرزا احمد شوری اصفهانی

[1424] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 82؛ الکامل، ج 7، ص 135.
[1425] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 999؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 79؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 100، مقدّمه دیوان طرب، ص 207.
[1426] . فهرست رضوی، ج 5، ص 147.
[1427] . جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.
[1428] . خبرگان ملّت، ج 1، صص 149- 159.

میرزا احمد متخلّص به شوری، فرزند آقا محمّد هاشم زرگر اصفهانی، شاعر و ادیب خوشنویس، در اوایل قرن سیزدهم هجری، وی به همراه پدر به یزد مهاجرت کرد، و نزد پدر مشق خط نمود، و در خطّ نسخ مهارت یافت. چندی به وزارت امام قلی میرزا فرزند محمّد ولی میرزا قاجار مشغول بوده است. از آثار او کتابت قرآن مجید در سال 1230 ق است که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. او تا سال 1255 ق در قید حیات بوده است.

این شعر از او است:

به من از اینکه سر خشم و کین دارد — یقین که مهر و وفای مرا یقین دارد

همه به مرگ رقیب ار بود نمی‌خواهم — زمانه خاطر شاد تو را غمین دارد[1429]

ملّا احمد مشکاة زفره‌ای

حاج ملّا احمد مشکاة زفره‌ای فرزند ملّا هاشم، واعظ معمّر صالح، در اصفهان ساکن بود، و در یکشنبه 6 ذی‌القعده 1402 ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی مدفون شد.[1430]

احمد ضرّاب

ابو نصر احمد بن هیذام ضرّاب، از محدّثین اصفهان در قرن سوم است. از مسلم بن سعید اشعری و دیگران روایت نموده، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.[1431]

احمد جرواآنی

احمد بن یحیی بن حجّاج جرواآنی، از محدّثین اصفهان، قبل از قرن پنجم هجری است. وی از شاذکونی، سهل بن عثمان و عمرو بن علی نقل حدیث می‌کند، و حافظ ابو نعیم با یك واسطه از او روایت می‌نماید.[1432]

احمد ثقفی

احمد بن یحیی بن حمزة بن زکریّا بن موسی بن مغیره ثقفی معروف به «بوشجه» یا «خشجه» از محدّثین اصفهان است. از حسین بن حفص و محمّد بن ابان عنبری روایت می‌کند. ابو عبد الله احمد بن احمد بن حسن ثقفی مقری کسایی از او روایت می‌نماید. در سال 381 یا 382 وفات یافته است.[1433]

احمد شلمابق

احمد بن یحیی بن منذر بن ابراهیم بن عثمان بن مرّه سعدی ملقّب به «شلمابق مکتب»، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. از ابو داود، مسلم بن ابراهیم، عبد الله بن رجاء، حسین بن حفص و راویان بصره روایت نموده است. او در سال 273 ق فوت شده است.[1434]

احمد عسّال

[1429] . مجمع الفصحاء، ج 5، ص 537؛ حدیقة الشّعرا، ج 2، صص 873- 874؛ راهنمای گنجینه قرآن، ص 299؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج 4، ص 1022.
[1430] . سیری در تاریخ تخت فولاد، صص 84 و 86.
[1431] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 153.
[1432] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 117؛ آثار ملّی اصفهان، ص 202؛ لسان المیزان، ج 1، ص 354؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 77.
[1433] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 97؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 269.
[1434] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 87.

ابو جعفر احمد بن یحیی بن نصر عسّال، از محدّثین قرن سوم هجری است. شیخ ثقه و جامع احادیث فراوان بوده، و از محدّثان عراق و ری نقل حدیث نموده است. او در ذی‌حجّه

286 ق وفات نموده است.[1435]

احمد سنبلانی

ابو بکر احمد بن یحیی سنبلانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی به دمشق رفته، و از ابی عبد الرّحمن هارون بن سعید راعی و ابراهیم بن عیسی اصفهانی روایت نموده است. ابراهیم بن عبد الرّحمن بن عبد الملك بن مروان از او روایت می‌کند.[1436] سنبلان از محلّه‌های اصفهان است که اکنون آن را «سنبلستان» می‌خوانند.

احمد قطان

ابو جعفر احمد بن یزید قطّان، از محدّثین قرن سوم هجری است. کثیر الرّوایه بوده، و از ابی داود، قتیبة بن مهران و حسن بن واصل (ابن مهیار) روایت نموده، و اسماعیل بن عبد الله سمویه و جعفر بن احمد بن فارس از او نقل حدیث کرده‌اند.[1437]

احمد اصفهانی

ابو بکر احمد بن یعقوب بن ناصح اصفهانی، ادیب نحوی، در اصفهان خدمت ابن منده محمّد بن یحیی بن منده و دیگران تلمّذ نموده، پس از آن به نیشابور رفته، در آنجا ساکن گردیده، در بین سال‌های 340- 350 ق وفات یافته است. حاکم نیشابوری در نیشابور از محضر او بهره گرفته است.[1438]

احمد برزویه

ابو جعفر احمد بن یعقوب بن یوسف نحوی اصفهانی معروف به «برزویه» و «غلام نقطویه» از ادباء و محدّثین قرن چهارم هجری است. نحو را از فضل بن جناب و محمّد بن

عبّاس یزیدی فرا گرفت، وی از عمر بن ایّوب سقطی روایت نموده، و ابو الحسن بن شاذان از او نقل حدیث می‌نماید. برزویه در سال 354 ق وفات یافت. غلام در اصطلاح علمای رجال و درایه به معنی شاگرد تربیت شده است.[1439]

[به احتمال زیاد، او همان احمد بن یعقوب اصفهانی از مشایخ روایت حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان است].

احمد اصفهانی

ابو جعفر احمد بن یعقوب اصفهانی، از محدّثین شیعه اصفهان است. وی در نیمه اوّل قرن چهارم هجری می‌زیست. از احمد بن علی اصفهانی و ابو جعفر احمد بن علویّه اصفهانی روایت می‌کند. حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان و احمد بن ابراهیم بن ابی رافع از او روایت می‌کنند.[1440]

شیخ احمد کرمانی

[1435] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 102؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 163.
[1436] . معجم البلدان، ج 3، ص 261.
[1437] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 94.
[1438] . معجم الادباء، ج 5، ص 153؛ تاریخ نیشابور، ص 82.
[1439] . راهنمای دانشوران، ج 1، ص 54؛ معجم الادباء، ج 5، ص 152؛ الوافی بالوفیات، ج 8، ص 275؛ ریحانة الادب، ج 1، ص 246؛ روضات الجنّات، ج 1، ص 212؛ نوابغ الرّواة، ص 60؛ الکنی و الالقاب، ج 2، ص 77؛ اعیان الشّیعة، ج 6، ص 715؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« احمد»، ص 1386؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص 86؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 707.
[1440] . نوابغ الرّواة، ص 60؛ معجم رجال الحدیث، ج 10، ص 230 و ج 2، ص 151؛ احقاق الحق، ج 18، ص 112.

شیخ احمد بن محمّد یوسف کرمانی اصفهانی، از فضلاء و خدمتگزاران به علم و روحانیّت در قرن چهاردهم. وی متصدّی و بانی چاپ و انتشار چندین کتاب دینی از جمله حاشیه آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی و شرح نهج البلاغه میرزا محمّد باقر نوّاب لاهیجی، در سال 1317 ق بوده است.

احمد اصفهانی

احمد بن یونس بن خشنام اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

در بغداد ساکن بوده، و از احمد بن یونس ضبّی روایت نموده است. عمر بن محمّد بن سری بن سهل از او نقل حدیث کرده است.[1441]

احمد ضبّی

ابو العبّاس احمد بن یونس ضبّی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. از اهالی کوفه بود، به اصفهان آمد، و در سال 268 ق در این شهر وفات یافت.

از یعلی بن عبید، محمّد بن عبید، یعقوب زهری، ابو الجوّاب و محمّد بن عبد الصّمد بن جابر روایت نموده است.[1442]

شیخ احمد اهتمام

شیخ احمد اهتمام رهنانی، عالم فاضل و فقیه محقّق، در قریه رهنان ماربین اصفهان [که اکنون محلّه‌ای از محلّات اصفهان است] متولّد شد، [و در اصفهان نزد جمعی از علماء بزرگوار، همچون سیّد محمّد نجف‌آبادی، سیّد علی نجف‌آبادی، حاج میرزا رضا کلباسی تحصیل نمود. در کنار آن، در مدارس جدید نیز تحصیل نمود. وی گاهی شعر نیز می‌سرود.

تألیفاتی نیز داشت که از آن جمله است: (1. حاشیه بر ارائك الاصول شیخ مهدی نجفی 2. رساله در قاعده لا ضرر 3. وسائل العباد، در فقه استدلالی در بیست و شش جزء 4. رساله در منجزات مریض) 5. فلسفه احکام]. صاحب عنوان در ذی حجّة الحرام 1387 ق وفات یافت، و در تکیه زرگرها واقع در تخت فولاد مدفون شد. این بیت از او است:

مژده ای دل که شب هجر سر آمد به وصال — یار بی‌پرده به کف ساغر می مالامال[1443]

سیّد احمد بحرانی

احمد بحرانی، از فضلاء و دانشمندان اصفهان در قرن یازدهم هجری و معاصر صاحب ریاض العلماء است.

صاحب ریاض می‌نویسد: مجموعه‌ای از کتاب‌های کهن در اصفهان دیده‌ام؛ از جمله کتاب‌های سیّد احمد بحرانی، معاصر، که همگی به خطّ شیخ علیّ بن یونس بیاضی بود.[1444]

دکتر احمد برجیان

[1441] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 123؛ تاریخ بغداد، ج 5، صص 224 و 44.
[1442] . میزان الاعتدال، ج 3، ص 94؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 1.
[1443] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 228؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 128؛ خمینی‌شهر، صص 155- 157.
[1444] . ریاض العلماء، ج 4، ص 256؛ الکواکب المنتشره، ص 26.

دکتر احمد برجیان، از اساتید دانشکده پزشکی در حدود سال 1343 ق متولّد شد، و پس از طیّ تحصیلات ابتدایی و متوسّطه، به تحصیل در دانشکده پزشکی تهران پرداخت، و موفّق به اخذ دکترا گردید. وی پس از فعّالیت در بیمارستان‌های سینا در تهران و ثریّا در اصفهان، سرانجام به تدریس در دانشکده پزشکی اصفهان پرداخت.

دکتر احمد تفضّلی*

دکتر احمد تفضّلی، استاد دانشگاه و محقّق دانشمند در 16 آذر 1316 ش در اصفهان متولّد شد در تهران تحصیل نمود، و در رشته ادبیّات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. علاوه بر آن، در دانشگاه لندن و دانشگاه پاریس نیز تحصیل نمود، و به اخذ دکتری در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی نایل آمد. وی سپس در بنیاد فرهنگ ایران به کار تحقیقاتی پرداخت، و در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. از سال 1370 ش عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود و سرانجام در 24 دی 1375 ش وفات یافت.

این کتاب‌ها از تألیفات او است[1445]: 1. اسطوره زندگی زرتشت 2. یکی قطره باران 3. تاریخ ادبیّات ایران پیش از اسلام 4. زبان پهلوی: ادبیّات و دستور آن 5. واژه‌نامه مینوی خرد، 6.

شهرهای ایران و همچنین ترجمه آثاری همچون: 1. شناخت اساطیر ایران 2. مینوی خرد

3. نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان.

احمد جلّودی

احمد معروف به «جلّودی» از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف متقدّمین و از دانشمندان حدیث و کلام ذکر کرده است.[1446]

احمد حامدی اصفهانی

احمد اصفهانی متخلّص به «حامدی» از فضلاء و ادبای اصفهان. وی رساله در معرفت تقویم را در چهار فصل و یك مقدّمه تألیف نموده، و ضمن مجموعه شماره 737 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[1447]

احمد حسینی

احمد حسینی، از خوشنویسان زمان حکومت شاه سلطان حسین صفوی بوده، خطّ ثلث را در کمال استادی می‌نوشته، از آثار او کتیبه ایوان امامزاده احمد اصفهان به تاریخ 1115 ق است.[1448]

میرزا احمد حکیم‌باشی

میرزا احمد حکیم‌باشی، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. ظاهرا در تهران ساکن بوده، و علاوه بر طب، از ریاضیّات و هیئت و نجوم مطلع بوده است. وی به همراه فرهاد میرزا معتمد الدّوله و میرزا علی محمّد محلّه نویی اصفهانی در سال 1276 ق به مراغه رفته، و به بررسی بقایای رصدخانه مراغه پرداخته است.[1449]

سیّد احمد خاتون‌آبادی

[1445] . به نقل از یادداشت‌های محمّد رضا زادهوش.
[1446] . محاسن اصفهان، ص 31.
[1447] . فهرست مرعشی، ج 2، ص 333.
[1448] . گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 671؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 169؛ آثار ملّی اصفهان، ص 747؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 1، ص 517.
[1449] . احوال و آثار خواجه نصیر الدّین طوسی، ص 32.

سیّد احمد اصفهانی خاتون‌آبادی، فاضل جلیل و عالم نبیل در اصفهان نزد میر محمّد باقر خاتون‌آبادی و میر محمّد صالح خاتون‌آبادی تحصیل نمود، و در مشهد مقدّس ساکن گردید، و به تدریس مشغول شد. با وجود تبحّر در فقه، و رسوخ ملکه اجتهاد، در افتاء، احتیاط می‌کرد. وی در سال 1141 ق در مشهد مقدّس وفات یافت. از آثار او جواب اعتراضات بر حقّ الیقین علّامه مجلسی است.[1450]

استاد احمد رائض*

استاد احمد رائض، استاد مینیاتور و تذهیب و از هنرمندان معاصر اصفهان، در سال 1347 قمری در اصفهان متولّد شد، و در این شهر نزد اساتید نقّاشی تحصیل کرد. وی سال‌ها در اداره باستان‌شناسی اصفهان و سپس سازمان میراث فرهنگی اصفهان به فعّالیت پرداخت. وی موضوع مینیاتورهای خود را از خمسه نظامی انتخاب می‌کرد. وی سرانجام در 20 مرداد 1372 هجری شمسی وفات کرد.[1451]

احمد ریاحی چالشتری

احمد خان سالار مفخم ریاحی، در 1313 ق متولّد شد، و مقدّمات را در چالشتر طی نمود، سپس به تهران رفت، و در کالج آمریکایی تحصیل کرد. وی عاقبت به چالشتر باز گشت، و به زراعت پرداخت. این بیت از او است:

نظر به جمع گرفتارهای بندت کن ببین پریش‌تر از گیسوی تو، حالت ماست[1452]

ملّا احمد سبزواری

ملّا احمد سبزواری اصفهانی، عالم فاضل، در اصفهان ساکن بوده، و نزد میر سیّد حسن

مدرّس اصفهانی تحصیل نموده است. شیخ فتح الله شریعت اصفهانی (شیخ الشّریعه) نزد سبزواری تلمّذ نموده، و از استاد خود مدح و ثنای بلیغ فرموده است.[1453]

میرزا احمد خان سرتیپ

میرزا احمد خان سرتیپ، نویسنده و مترجم دوره قاجاریّه. وی به زبان انگلیسی آشنا بوده، و به امر ظلّ السّلطان چندین کتاب ترجمه کرده که نسخه‌های آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است: 1. ترجمه تاریخ آسیای وسطی تألیف، فرنسیس هنری اسکرین، سه فصل از جلد اوّل، و تمام جلد دوم 2. ترجمه مقدّمه لواحق تاریخ رشیدی تألیف میرزا محمّد حیدر بن رو غلات گورگان فرزند محمّد حسین میرزا، از زبان انگلیسی. مشار الیه در تکیه حاج فاتح الملك در تخت فولاد مدفون است.[1454]

احمد شریف اصفهانی

احمد شریف اصفهانی از فضلاء قرن 13 هجری است. از آثارش کتابت جلد چهارم کتاب انوار البصائر تألیف شیخ حسن بن محمّد اصفهانی است که آن را در 12 ذی‌حجّه سال 1227 به خطّ نسخ به پایان رسانیده است. کتاب به شماره 2420 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1455]

سیّد احمد طباطبایی اصفهانی

[1450] . تتمیم امل الآمل، صص 60- 61؛ نجوم السّماء، ص 266؛ مرآة الکتب، ج 1، ص 34؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 229.
[1451] . روزنامه سلام، مورّخ 21 مرداد 1372، ص 15.
[1452] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 24.
[1453] . الکرام البررة، ج 1، ص 72؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 228.
[1454] . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 161؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج 1، ص 29.
[1455] . فهرست دانشگاه، ج 16، ص 411.

سیّد احمد طباطبایی، عالم فاضل، فقیه کامل، در اصفهان ساکن بوده، و شیخ عبد النّبی قزوینی او را چنین ستوده: «کان فاضلا مکرما و عالما مبجلا و فقیها معظّما» و نوشته که نزد اهل علم، مقبول بود، و آنان به فضل او اذعان داشتند. در اواخر عهد صفویّه می‌زیست، و

سال فوت او معلوم نیست[1456].

سیّد احمد طباطبایی

سیّد احمد طباطبایی، از اطبّاء اصفهان، مؤلّف کتاب نقرس و معالجات آن می‌باشد.

مؤلّف آن را جهت ظلّ السّلطان تألیف نموده است. وی از پزشکان معروف اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان بوده است.[1457]

احمد عاصی اصفهانی*

احمد شیران متخلّص به «عاصی» از شعرای معاصر است. در سال 1310 شمسی در اصفهان متولّد شد. وی کمی تحصیل کرد؛ امّا به علّت ناملایمات روزگار، از ادامه تحصیل بازماند، این بیت از او است:

گردد غزل‌سرا به سر کوی عشق دوست رندانه عاشقی که سحر قامتش خم است[1458]

میرزا احمد عاصی اصفهانی

میرزا احمد نقّاش اصفهانی متخلّص به «عاصی»، شاعر و ادیب بوده، و در قرن سیزدهم هجری می‌زیسته [است]. کتابی منظوم در مصائب معصومین علیهم السّلام دارد، و آن را مصائب الائمّه نامیده است.[1459]

میرزا احمد خان فاتح الملك

حاج میرزا احمد خان فاتح الملك، از رجال دستگاه ظلّ السّلطان بوده است. در عهد مشروطیّت، به آزادی‌خواهان پیوست، و از اعضای انجمن ولایتی اصفهان شد. وی نماینده

اصفهان در دور دوم مجلس شورای ملّی بود. او پس از فوت، در جنوب تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.[1460]

احمد فنایی هفشجانی

میرزا احمد مهدوی متخلّص به «فنایی» از علماء طراز اوّل چهارمحال بود. در سال 1316 قمری در قریه هفشجان از قراء ناحیه لار متولّد شد. در مدارس قدیمه اصفهان تحصیلات خویش را انجام داد. پس از اتمام تحصیلات، و نیل به مقامات عالیه علم و فضل و کمال، به مولد خویش مراجعت کرد، و مشغول انجام امور شرعیّه آن حدود گشت. مردی خلیق و مهربان بود، و گاهی اشعاری می‌سرود؛ از آن جمله است:

1456 . تتمیم امل الآمل، ص 60؛ نجوم السّماء، ص 218؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 228؛ اعیان الشّیعة، ج 8، ص 334.
1457 . فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص 151.
1458 . تذکره شعرای استان اصفهان، ص 535.
1459 . فهرست نسخه‌های خطّی مدرسه آخوند همدان، ص 45.
1460 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 160؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 251.

نهال آدمی آنگه سعادت در ثمر آرد | که در وی آشیان گیرد همای شاهباز دل[1461]

احمد قاسمی

میرزا احمد خان قاسمی از فضلاء معاصر اصفهان است. در حدود سال 1320 ق در اصفهان متولّد گردید، و مدّتی تحصیلات قدیمه، مخصوصا مقدّمات نمود، بعدا به مدارس جدید وارد شد، در دبیرستان دار الفنون تهران تحصیل نمود. آنگاه به خدمت اداره فرهنگ وارد [شد]، و در ضمن آن، دانشسرای عالی را به پایان رسانید. مدّتها در شهرهای ایران به ریاست اداره فرهنگ و سایر مناصب مهم اشتغال داشت. وی از مریدان آقا میرزا عبّاس پاقلعه‌ای و پس از فوت ایشان، مرید میرزا زین العابدین نعمت‌اللّهی پاقلعه‌ای بوده است.

میرزا احمد قمشه‌ای

میرزا احمد خان قمشه‌ای، از شعرای قرن یازدهم هجری است. جوان قابلی بود؛ امّا به علّت تندخویی، پیوسته در آزار بود. گویا مدّتی متصدّی وزارت هرات بوده، سپس وزیر

مشهد مقدّس، و سرانجام، وزیر تنکابن شد. او مدّتی در عالی‌قاپی متحصّن شد، و در آن اوقات وفات یافت. از او است:

در حقیقت تندی خو پاسبان راحت است | خار باشد بهتر از گل بر سر دیوار ما

نرمی ظاهر، نشان از خبث طینت می‌دهد | گل به دامان می‌برد گلچین ز زخم خار ما[1462]

شیخ احمد قمی‌نژاد*

شیخ احمد قمی‌نژاد، عالم فاضل و خطیب شاعر، در سال 1299 ش در اصفهان متولّد شد. با وجود فقر و مشکلات اقتصادی، به تحصیل علوم دینی پرداخت، و پس از طیّ دروس مقدّمات در درس حضرات آیات سیّد محمّد رضا خراسانی، سیّد عبد الحسین طیّب، سیّد مرتضی اردکانی، شیخ محمود مفید و حاج آقا رحیم ارباب حاضر شد. مدّتی نیز در تهران نزد شیخ حسینعلی راشد و رفیعی قزوینی کسب فیض نمود. وی- چنانچه خود می‌گفت-، بیست سال ملازم حاج آقا رحیم ارباب بوده است. او واعظی باسواد، با مطالعه و حق‌گو بود، و به جرم حق‌گویی و پرخاش به ظلم و ستم و فساد دستگاه پهلوی، تحت تعقیب و شکنجه قرار گرفت، و تا نزدیکی اعدام پیش رفت.

قمی‌نژاد، شاعری پرشور بود، و اشعاری با تخلّص «قاموس» سرود. گزیده مختصری از غزلیّات و قصاید او، پس از وفات، به خطّ استاد غلام رضا توکّلی به چاپ رسید. او در 15 رمضان 1420 ق (3 آذر 1378 ش) وفات یافت، و در صحن امامزاده ابو العبّاس خوراسکان مدفون گردید. این شعرها از او است:

از عشق روی جانان، هم مست و هم خمارم | بر آن نگار زیبا، معشوق و هم نگارم

عالم چو بزم و محفل، من در میانه شمعم | گرچه ز رخش دولت، افتاده‌ام سوارم

[1461] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص 369- 370.

[1462] . تذکره نصرآبادی، ج 1، صص 107- 108.

ای اولو الالباب بر «قاموس» مهر آرید و لطف　　خوب گوییدش اگرچه او بدی‌ها کرده بود[1463]

ملّا احمد کرمانی

ملّا احمد کرمانی قمشه‌ای از فضلاء اهل منبر و واعظی متّقی بود و سال‌ها در شهرضا به ارشاد و هدایت خلق می‌کوشید، و پس از سال 1354 قمری، در آنجا وفات یافت.

میرزا احمد قمشه‌ای

(میرزا احمد فرزند عالم ربانی ملا عبد الله قمشه‌ای، عالم فاضل، در ذی‌قعده 1259 ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در جوار پدر خود دفن گردید)[1464]

احمد «مجدی» اصفهانی

احمد شکری متخلّص به «مجدی» شاعر ادیب، در سال 1295 خورشیدی در اصفهان متولّد شد، تحصیلات ابتدایی خویش را در این شهر به پایان رسانید، از اعضاء انجمن ادبی کمال بود، و غزل را نیکو می‌سرود. از اشعار او است:

]گردید عمر من همه صرف غم نگار　　آیا نگار هیچ ز من یاد می‌کند

وصل نگار خواهم و آن سنگ دل نگر　　با من به روزگار چه بیداد می‌کند[1465]

شیخ احمد مدرّس زنجانی

شیخ احمد مدرّس زنجانی، عالم فاضل متکلم ادیب. در ابهر زنجان متولّد شد، و در زنجان، قزوین و نجف اشرف به تحصیل پرداخت، سپس به کرمان رفت، و بیش از چهل سال به ارشاد مردم و تدریس و تحقیق مشغول شد. او در اواخر عمر به اصفهان منتقل شد، و

در محلّه دروازه حسن‌آباد ساکن گردید. صبح‌ها در مسجد شاه امامت می‌فرمود، و در مدرسه ناصریّه منظومه خود در علم کلام را تدریس می‌کرد. وی در 9 ربیع الثّانی 1369 ق در سنّ حدود نودسالگی وفات یافت، و در تخت فولاد مقابل تکیه میرزا ابو المعالی کلباسی مدفون گردید. به عربی و فارسی شعر می‌سرود و «خادم» تخلّص می‌نمود.

از تألیفات او: 1. وجیزه در فرق بین سحر و معجزه 2. هدایة الانام که منظومه‌ای عربی در کلام است و به ضمیمه غدیریه فارسی او به طبع رسیده است. این شعر از او است:

شمس و قمر را رسید گاه تقابل　　پر شده صحن چمن ز نغمه بلبل

1463 . یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.
1464 . جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.
1465 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص 411- 412.

ای که دو چشمان توست فتنه بابل خیز نگارا بیار یك قدح از مل

بس کن از این ناز و غمز و غنج و تدلل[1466]

احمد مردیها

احمد مردیها، از شعرای اصفهان است. پس از تحصیلات ابتدایی به دانشسرای پسران رفت، به تحصیل پرداخت. گاهی شعر می‌سرود.[1467]

شیخ احمد سالك*

(شیخ احمد سالك فرزند عالم ربانی شیخ محمود سالك کاشانی، در سال 1325 ش در اصفهان متولد شد. پس از اخذ دیپلم ریاضی به تحصیل دروس حوزوی نزد پدر خود و شیخ محمد رضا مقدس خواجویی و اساتید دیگر پرداخت. وی از دوران نوجوانی وارد مبارزه با رژیم طاغوت شد و سختی‌های فراوانی را به جان خرید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ادوار اول و سوم و چهارم مجلس شورای اسلامی نماینده مردم اصفهان شد و تا کنون نیز در خدمت نظام اسلامی ایران قرار دارد)

دکتر احمد میرحسینی

دکتر احمد میرحسینی، طبیب حاذق، استاد دانشکده پزشکی در حدود سال 1332 ق در کرمان متولّد شد. تحصیلات متوسّطه را در اصفهان طی نمود، و در دانشکده پزشکی تهران تحصیل نمود. سپس در اصفهان با سمت جرّاح به فعّالیت پزشکی مشغول شد. پس از افتتاح آموزشگاه عالی بهداری در اصفهان به سمت دانشیار بافتشناسی و آمیبشناسی آلی آموزشگاه منصوب شد. پس از مدّتی به آمریکا رفت، و در دوره تخصّصی بیماری‌های «میزراه» شرکت نمود و به اصفهان بازگشت.

وی در سال 1395 ق وفات یافت، و در تکیه سیّد محمّد لطیف خواجویی مدفون شد.[1468]

احمد بیك نور کمال*

احمد بیك نور کمال اصفهانی، از کارگزاران و رجال اداری و سیاسی اوایل عهد صفویّه. در هرات ساکن بوده، و از ملازمان درویش خان شاملو، لله سام میرزا بوده است. او در سال 939 ق وزارت دیوان اعلی در حکومت شاه‌تهماسب را برعهده گرفت. در سال 941 به جرم همدستی با حسین خان شاملو که قصد مسموم کردن شاه‌تهماسب را داشت، به همراه برادرانش در قلعه النجق محبوس شد، و ظاهرا در آنجا وفات نمود. وی عمارات مجلّل و زیبایی در اصفهان بنا کرد و جمعی از معماران، نقّاشان و خطّاطان، ساختن و آراستن آن را انجام دادند که از جمله آن‌ها ادهم یزدی است که کتیبه‌های این عمارت را نوشته است.[1469]

سیّد احمد هاتف اصفهانی

احمد حسینی اردوبادی اصفهانی متخلّص به «هاتف» از شعرای نامدار و اطبّاء معروف اصفهان.[1470] پدرانش که از اطبّاء معروف زمان خود بوده‌اند از اردوباد آذربایجان به اصفهان

[1466] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص 434- 436؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 228- 229؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 116؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 3، ص 304؛ الفهرست لمشاهیر و علماء زنجان، ص 19.

[1467] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 24.

[1468] . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 214 و اطّلاعات شخصی نویسنده.

[1469] . تاریخ شاه اسماعیل و شاه‌تهماسب، ص 119؛ احسن التّواریخ، ص 320؛ تکلمة الاخبار، ص 80؛ احوال و آثار خوشنویسان، صص 57- 58.

[1470] . تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص 684.

منتقل شدند، و او در این شهر متولّد گردید، و هم در این شهر و ظاهرا نجف اشرف تحصیل نمود. وی از زمره شعرایی است که در انجمن ادبی مشتاق شرکت داشت، و در برگشت سبك ادبی، حقّی مسلم دارد.[1471] ترجیح‌بند عرفانی او [با مطلع:

ای فدای تو هم دل و هم جان وی نثار رهت هم این و هم آن

از شاهکارهای شعر فارسی است، دیوانش مکرّر به طبع رسیده.[1472] در اواخر عمر، در کاشان ساکن شد، و در بین شعرا با آذر بیگدلی و صباحی کاشانی مأنوس و محشور بود.

سرانجام در 1198 در قم وفات یافت.[1473] [مادّه تاریخ وفات هاتف را صباحی چنین سروده است:

به آیین وفا گفتا صباحی بهر تاریخش: »که یا رب منزل هاتف بگلزار جنان باداا«

[1474]1198]

سیّد احمد یزدی

آقا سید احمد یزدی، عالم عامل و عارف کامل، در سال 1228 ق متولّد و در 2 جمادی الاوّل 1323 ق وفات یافت، و در تکیه آقا محمّد بیدآبادی مدفون شد[1475] (بر سنگ مزارش از او با عنوان قدوة العارفین و سراج السالکین و صاحب نفس قدسی یاد شده است)

احمد رضا طلایی

احمد رضا غفورزاده ورنوسفادرانی متخلّص به «طلایی» فرزند عبّاس، شاعر و

اعلام اصفهان، ص: 506

نویسنده معاصر، در سال 1307 خورشیدی در محلّه زاغ‌آباد ورنوسفادران سده متولّد شد.

تحصیلات ابتدایی خویش را در سده به پایان رساند، و سپس در کارخانه‌های اصفهان به کار مشغول شد[1476]، و سرانجام به استخدام شهرداری اصفهان درآمد. وی از همان نوجوانی به سرودن شعر پرداخت، و در انجمن‌های ادبی، همچون کمال، صائب و حافظ شرکت کرد، و در منزل خود نیز انجمن ادبی و هنری سعدی را بر پا داشت[1477]. اشعارش در بسیاری از مطبوعات اصفهان به چاپ می‌رسید. [طلایی سرانجام در جمعه 23 فروردین 1381 شمسی وفات نمود، و در قبرستان امامزاده سیّد محمّد مدفون شد. از او تألیفاتی به جای ماند، از آن جمله است]: 1. زندگی و جشن‌های ایرانیان 2. گل‌های زاینده‌رود 3. تجارب طلایی 4. دیوان اشعار. این بیت از او است:

خواستم نقّاش را نقشی کشد از زندگی با قلم نقش حبابی بر سر دریا کشید]

1471 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، صص 993- 994.
1472 . الذّریعة، ج 9، ص 1283.
1473 . ریحانة الادب، ج 6، صص 344- 345؛ اصفهان(کتاب جوانان)، ص 244.
1474 . طرائق الحقائق، ج 3، ص 220 و نیز رجوع کنید به: تاریخ ادبیّات ایران، شفق، صص 579- 580؛ مجمع الفصحاء، صص 1175- 1184؛ نگارستان دارا، ج 1، صص 277- 278؛ تذکره انجمن خاقان، صص 644- 661.
1475 . آیینه دانشوران، ج 1، ص 35؛ نقباء البشر، ج 1، ص 87؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 198؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 229؛ تاریخ اصفهان(تکایا و مقابر)، ص 44؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج 1، ص 76.
1476 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 324.
1477 . تذکره شعرای استان اصفهان، ص 491.

ملّا احمد علی اصفهانی

ملّا احمد علی اصفهانی، عالم فاضل در اصفهان ساکن بود، و از شاگردان حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی به شمار می‌رفت. مرحوم سیّد، او را در سال 1252 ق جهت ارشاد مردم به رشت فرستاده، و سفارش نامه‌ای خطاب به مردم آنجا نسبت به رجوع مردم در مسائل شرعی به ملّا احمد علی نوشته، و او را به عنوان «العلّامة الفهّام و المجتهد العادل» ستوده است.[1478]

دکتر احمد علی فروغی*

دکتر احمد علی فروغی ابری، از چهره‌های علمی و اجتماعی معاصر، پس از اخذ دیپلم و گذراندن دوره تربیت معلّم، به خدمت آموزش و پرورش اراك درآمد. سپس ادامه تحصیل داد، و به تدریس در دانشسرای عالی پرداخت. سرانجام پس از تحصیل در

دانشگاه کانزاس در ایالات متّحده آمریکا موفّق به اخذ دکترای برنامه‌ریزی آموزشی گردید. وی ابتدا در دانشگاه کرمان، و سپس در دانشگاه اصفهان تدریس نمود، و در سال 1366 ش دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان را تأسیس نمود، و ریاست آن را برعهده گرفت. او علاوه بر ریاست دانشگاه آزاد، عضو هیئت‌مدیره شبکه فنّاوری استان اصفهان، و چند سازمان دولتی و غیر دولتی دیگر است.[1479]

احنف عبادانی

ابو بحر (یا ابو محمّد) احنف بن ابو الاحنف حکیم بن عمران، از محدّثین قرن سوم هجری است. در عبادان ساکن بوده، و سرانجام به اصفهان رفته، و در آنجا وفات یافته است. وی از حماد بن سلمه، عبد الله بن مبارك، جریر بن حازم و ابی ثعلبه عابد روایت می‌نماید. یونس بن حبیب از او نقل حدیث می‌کند.[1480] [نام «عبادان» را در اوایل قرن چهاردهم هجری خورشیدی به «آبادان» تغییر دادند].

احنف سعدی

ابو بحر احنف بن قیس بن معاویه سعدی تمیمی وی فاتح تیمره و جرم کاشان بوده است.[1481]

اختیار افتخاری

خواجه اختیار افتخاری، از اعیان اصفهان در قرن نهم هجری.[1482]

ادایی اصفهانی

ادایی، از شعرای اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده، نامش معلوم نیست. شعر بسیار

گفته، امّا قافیه غلط در اشعارش بسیار است. از او است:

کشیده‌ای ز میان تیغ آبدار به کینم — مرا ز تیغ مترسان که من هلاك همینم[1483]

[1478] . الکرام البررة، ج 1، ص 120؛ بیان المفاخر، ج 2، صص 264- 265.
[1479] . خورشید جی، ص 435.
[1480] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 225.
[1481] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 224.
[1482] . تاریخ دیار بکریه، ص 332.
[1483] . تذکره تحفه سامی، صص 239- 240؛ الذّریعة، ج 9، ص 63.

ادریس کرجی

ابو شجاع ادریس بن عبّاس کرجی، از محدّثین قرن سوم هجری بوده [است]. به اصفهان آمد، و از محدّثین اصفهان حدیث شنید.

حافظ ابو نعیم اصفهانی و جعفر بن احمد بن فارس از او روایت می‌کنند. حافظ ابو نعیم در باب او گوید: از حفظ، حدیث نقل می‌کرد. ادریس کرجی در محلّه خشینان اصفهان ساکن بوده است.[1484]

ادریس اصفهانی

ادریس بن عبد الله اصفهانی، در قرن دوم هجری می‌زیسته، و شیخ طوسی او را در عداد اصحاب حضرت صادق علیه السّلام شمرده است.[1485]

اردشیر میرزا مسعود

اردشیر میرزا مسعود فرزند مسعود میرزا ظلّ السّلطان حاکم اصفهان، فرزند ناصر الدّین شاه قاجار، از فضلاء خاندان قاجار، مؤلّف 1. جغرافیای تاریخی- سیاسی جهان، تاریخ تألیف، 15 صفر 1331 ق، کتاب حاضر در 151 صفحه در اصفهان به چاپ رسیده است. 2.

مخزن المراثی که در سال 1300 ق در 46 صفحه در تهران به چاپ رسیده است.

دکتر سیّد ارسطو علاج

دکتر سیّد ارسطو علاج فرزند میرزا رشید ناظم الاطبّاء بن سیّد محمّد حسین بن حاجی سیّد محمّد بن میرزا محمّد اسماعیل بن میر محمّد سعید بن میر محمّد حسین بن میر یحیی بن میر آقا بیك طباطبایی اردستانی از اطبّاء حاذق اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در اصفهان می‌زیسته، و تولیّت موقوفات مدرسه کاسه‌گران اصفهان را برعهده داشته است.

یکی از اجداد او میر محمّد سعید، داماد حکیم الملك اردستانی، بانی مدرسه کاسه‌گران بوده است. دکتر علاج در سال 1271 ق متولّد شد، و در سال 1309 ق وفات یافت.[1486]

دکتر ارسطو میرعلایی

دکتر ارسطو میرعلایی خورزوقی اصفهانی، از اطبّاء حاذق اصفهان و مؤلّف عظم طحال در کلینیك.

ازدیار فارسی

ابو محمّد ازدیار بن سلیمان بن داود فارسی صوفی، از محدّثین قرن سوم هجری است، وی فقه را به مذهب اهل حجاز آموخته است. از خالد بن عبد الله هروی روایت نموده است. در سال 367 ق به اصفهان آمده، و حافظ ابو نعیم اصفهانی از وی نقل حدیث نموده است.[1487]

اژرزوره

[1484] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 224.

[1485] . رجال، شیخ طوسی، ص 154؛ جامع الرّواة، ص 78؛ نقد الرجال، ج 1، ص 182؛ معجم رجال الحدیث، ج 3، صص 11 و 173؛ اعیان الشّیعة، ج 11، ص 436؛ منهج المقال، ص 50؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 181؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 252.

[1486] . آتشکده اردستان، ج 1، صص 66- 67؛ آثار ملّی اصفهان، ص 493.

[1487] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 231.

اژرزورهء اصفهانی، شاگرد بزرگمهر، حکیم معروف، مؤلّف: 1. شرح نامه دهگان خداپرست، که به انوشیروان نوشته، و او آن را به صاحب عنوان داد که مرتّب کند. 2. نامه زردشت که به زبان پهلوی بوده، و به نام «زوه» شهرت داشته، انوشیروان آن را به صاحب

عنوان داده که به فارسی برگرداند، و شرح نماید. در آنجا اژرزوره گوید: «از اصفهانم و از نژاد کیومرث و از ساسانیان و از اردشیر نیکوکار و شاگرد بزرگمهر». نسخه خطّی این آثار به شماره 253 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1488]

اسباط مدینی

اسباط بن ابراهیم معدل مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. اصلا از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و از احمد بن خشنام و ابراهیم بن معدان و ابن عاصم روایت نموده است. وی در سال 340 ق وفات یافت.[1489]

اسباط اصفهانی

اسباط بن عبد الله، از محدّثین اصفهان است. از ابی داود روایت نموده، و اسماعیل بن عبد الله سمویّه از او نقل حدیث نموده است.[1490]

اسحاق بیگ عذری بیگدلی

اسحاق بیگ بیگدلی شاملو متخلّص به «عذری» فرزند آقاخان، شاعر ادیب، برادر کوچك‌تر لطف‌علی بیگ آذر است. در غزل‌سرایی، طبعی روان داشت، و اغلب در اصفهان ساکن بود تا اینکه در سال 1185 ق وفات یافته، و در ایوان شمالی امامزاده درب امام اصفهان مدفون گردید. صباحی کاشانی مادّه تاریخ وفاتش را در این بیت آورده است:

از صباحی خواستم تاریخ سال رحلتش — گفت: «بادا در بهشت جاودان اسحاق بیگ»

از آثار و تألیفات او است: 1. دیوان اشعار 2. تذکره اسحاق بیگ که منتخبی از اشعار تذکره آتشکده است، و نسخه‌های آن در کتابخانه ملّی تبریز و کتابخانه دانشکده ادبیّات

اصفهان وجود دارد. این دو بیت از او است:

افسوس که شد باد خزان باز وزان — شد فصل بهار و آمد ایّام خزان

آنان که بدند روز و شب گرد رزان — انگشت زنان شدند انگشت‌گزان[1491]

اسحاق مکتب

[1488] . فهرست دانشگاه، ج 3، صص 550 و 481.
[1489] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 223.
[1490] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 224.
[1491] . تذکره اختر، ص 145؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص 623؛ الذّریعة، ج 3، ص 709؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ج 1، صص 182-183؛ مجمع الفصحاء، ج 5، ص 731؛ نشریّه دانشکده ادبیّات اصفهان، شماره دوم و سوم، سال دوم، ص 128؛ رجال اصفهان، ص 187؛ مزارات اصفهان، ص 207.

ابو یعقوب اسحاق بن ابراهیم بن داود مکتب، از محدّثین اصفهان است. از حمید بن مسعده روایت حدیث می‌کند، و ابو احمد محمّد بن احمد بن ابراهیم از وی نقل حدیث می‌نماید.[1492]

اسحاق معدّل

ابو عثمان اسحاق بن ابراهیم بن زید بن سلمة بن الرّبیع بن جابر تمیمی، از محدّثین اصفهان است. در باب او گفته‌اند: «ثقة مأمون». از جمعی از محدّثین عراق اخذ حدیث کرد، و ابو الحسن علیّ بن احمد فقیه از او نقل حدیث می‌کند. صاحب عنوان در سال 340 ق وفات یافته است.[1493]

اسحاق عقیلی

ابو یعقوب اسحاق بن ابراهیم بن صالح بن زیاد عقیلی (به صیغه مجهول)، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. با احمد بن حنبل دوستی و برادری داشت. از عبد الرّحمن بن محمّد دمشقی و جمعی دیگر روایت حدیث می‌کند، و ابو مسعود و احمد بن ابراهیم دورقی از وی روایت کرده‌اند. وی در طرطوس ساکن بوده، و در سال 240 ق

وفات یافته است[1494]. [خاندان عقیلی در قرن سوم و چهارم هجری در قریه «فابزان» اصفهان ساکن بوده‌اند. مورّخان معاصر اصفهان، این روستا را با «خوابجون» در حومه اصفهان تطبیق داده‌اند].

اسحاق مؤدّب

اسحاق بن ابراهیم بن قرّان مؤدّب، از محدّثین اصفهان است. احمد بن اسحاق از او روایت می‌کند، و او از ابراهیم بن فهد بصری و اسماعیل بن عمر بجلی نقل حدیث می‌نماید.[1495]

اسحاق قاسانی

اسحاق بن ابراهیم بن قره قاسانی، از محدّثین اصفهان است که به مصر رفت، و در آنجا حدیث گفت. از عمرو بن علی و دیگران روایت حدیث می‌کند.[1496]

اسحاق جمیلی

ابو یعقوب اسحاق بن ابراهیم بن محمّد بن جمیل، معروف به جمیلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. از سالخوردگان بود، و بیش از یك قرن عمر کرد. از ابو کرنیب و احمد بن منیع ابو هاشم رفاعی و محدّثان کوفه روایت نمود. محمّد بن جعفر بن یوسف از او نقل حدیث نموده است. صاحب عنوان در سنّ 117 سالگی در سال 310 ق وفات یافت.[1497]

اسحاق راشتینانی

ابو طاهر اسحاق بن ابی بکر احمد بن محمّد بن جعفر راشتینانی از محدّثین اصفهان است. در جرقویه «راشتینان» اصفهان سکونت داشته است. حافظ ابو موسی اصفهانی از او روایت می‌کند.[1498]

اسحاق فلفلانی

[1492] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 220.
[1493] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 220.
[1494] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 215.
[1495] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 220.
[1496] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 215؛ طبقات المحدّثین، ج 2، ص 40.
[1497] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، صص 218 و 206؛ الانساب، ج 4، ص 225؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 16، ص 535؛ تذکرة الحفّاظ، ج 2، ص 759.
[1498] . معجم البلدان، ج 3، ص 15؛ ج 9، ص 15؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 21، ص 153؛ طبقات المحدّثین، ج 1، صص 127- 128.

ابو یعقوب اسحاق بن اسماعیل بن سکین فلفلانی، از محدّثین اصفهان است. از اسحاق بن سلیمان رازی روایت حدیث می‌کند، وی پس از سال 260 هجری وفات یافته است.

[فلفلان قریه‌ای در حومه اصفهان به شمار می‌رفت، و اکنون محلّه‌ای در اصفهان، جنب محلّه طوقچی است که به فلفلچی شهرت دارد].[1499]

اسحاق رملی

ابو یعقوب اسحاق بن اسماعیل بن عبد الله بن زکریّا مذحجی رملی، از محدّثین عامّه است. در سال 288 به اصفهان آمده، و خضاب سرخ به کار می‌برده، و در کوی قصارین نزول کرده، و خود، پیشه مسگری داشته، و از آدم بن ابی ایاس و محمّد بن رمح روایت حدیث می‌نموده است، و چون احادیث را از حفظ بیان می‌کرده، ازاین‌رو به خطا افتاده است.[1500]

اسحاق جلکی

ابو یعقوب اسحاق بن اسماعیل بن موسی بن مهران جلکی تاجر، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

از مشایخ موثّق حدیث به شمار می‌رفته، و از جمعی از راویان بصره و ابی الولید، سهل بن بکار، معاذ بن اسد، ابی الرّبیع، اسماعیل بن اویس و سعید بن منصور نقل حدیث نموده است. صاحب عنوان در سال 279 ق وفات یافت.[1501]

شیخ محمّد اسحاق اصفهانی

شیخ محمّد اسحاق بن محمّد جعفر اصفهانی، ادیب لغوی خطّاط در سال 1112 نسخه از نهج البلاغة را به خطّ نوشته است. در آغاز نسخه، این یادداشت مشهود است:

«چون جناب حمیده اخلاق عمدة فضلاء الآفاق شیخ ابو اسحاق در علم لغات، مشهور و معروف دهر و در حسن خط، افضل از خوشنویسان این عصر بودند؛ لهذا ... به مبلغ هشت تومان ابتیاع نمودم؛ سنه 1112». نسخه به شماره 610 در کتابخانه فیضیّه قم موجود است.[1502]

اسحاق قطربلی

اسحاق بن سعد قطر بلی، عامل اصفهان و معاصر با ابراهیم بن ممشاد است.[1503]

اسحاق زعفرانی

اسحاق بن عبد الله شیبانی زعفرانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. محمّد بن ابراهیم کتانی از او روایت نموده است[1504].

اسحاق اصفهانی

اسحاق بن فیض بن محمّد بن سلیمان، از محدّثین اصفهان و مولی عقاب بن اسید بن العیص بوده است. از عدّه‌ای از محدّثین از جمله عبد المجید بن عبد العزیز روایت کرده

1499 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 216؛ معجم البلدان، ج 4، ص 475؛ اللّباب، ج 2، صص 438- 439.
1500 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 217؛ الانساب، ج 5، ص 241، مقتبس الاثر، ج 4، ص 229.
1501 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 217.
1502 . فهرست فیضیّه، استادی، ج 1.
1503 . اعیان الشّیعة، ج 11، ص 61.
1504 . ذکر اخبار اصفهان، ج 11، صص 217- 219.

است، و محمّد بن یحیی بن منده، اسحاق بن جمیل و محمّد بن جعفر اشعری از او روایت می‌کنند. وی پس از سال 250 ق وفات یافت[1505].

اسحاق اصفهانی

اسحاق بن محمّد اصفهانی از محدّثین اصفهان و مولی عبد الله بن جعفر هاشمی یعنی عبد الله بن معاویة بن عبد الله بن جعفر بوده، و از محمّد بن اسحاق صاغانی روایت می‌کرده است. سلیمان بن احمد از او روایت می‌کند.[1506]

اسحاق اصفهانی

ابو الحسن اسحاق بن محمّد بن ابراهیم بن حکیم بن اسید، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. حافظ ابو نعیم اصفهانی درباره او گوید: «شیخ ثبت، صدوق عارف بالحدیث، ادیب، لا یحدث الّا من کتابه». احمد بن عبید الله بن محمود و محمّد بن جعفر و محمّد بن عبد الله بن مرزبان از او روایت می‌کنند، و او از محمّد بن عاصم، حسن بن عثمان، ابو امیّه و جمعی دیگر از محدّثین شام و حجاز و عراق نقل حدیث می‌کند. وی در رمضان سال 312 ق فوت شده است[1507].

اسحاق زجّاج

اسحاق بن محمّد بن اسحاق زجّاج، از عابدان روزگار خود بود، و در قرن سوم هجری در اصفهان می‌زیست. از محمّد بن فرج و محدّثین هم طبقه او روایت حدیث نموده، و پدر حافظ ابو نعیم از او روایت می‌نماید.[1508]

اسحاق مدینی

ابو یعقوب اسحاق بن محمّد بن علیّ بن سعید مدینی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری. از موالی انصار بوده، و از حمید بن مسعده و عمرو بن علی روایت نموده، و کتاب العلل تألیف یحیی بن معین را از عبّاس دوری شنیده است. وی در روز آخر ماه رمضان 311 ق درگذشته است.[1509]

اسحاق

ابو یعقوب اسحاق بن مهران (یا ابراهیم) بن عبد الرّحمن مولای قریش، از محدّثین اصفهان است. از ابن مهدی، یحیی قطان غندر و عبد الوهاب ثقفی روایت نموده، و ابو مسعود، سمویه و پسرش یعقوب بن اسحاق از او نقل حدیث کرده‌اند.[1510]

اسحاق خرجانی

اسحاق بن یوسف خرجانی دیلمانی، از محدّثین در قرن سوم هجری است. وی از حفص بن عمر عدنی روایت می‌کند، و فرزندش ابو محمّد عبد الله از او نقل حدیث می‌نماید.[1511]

[خرجان از دهات معروف قرون اوّلیه پس از اسلام بوده، و در حومه شهر اصفهان قرار داشته است، و دیلمان از محلّه‌های آن بوده است، و مردم آن روزگار، آن را خورجان می‌گفته‌اند].

نظام الدّین اسحاق مزهد اصفهانی

نظام الدّین اسحاق مزهد، واعظ اصفهانی در قرن هفتم و هشتم هجری. تاج الدّین

1505 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 214.
1506 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 219.
1507 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 219.
1508 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 222.
1509 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 218؛ طبقات المحدّثین، ج 4، ص 371.
1510 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 215؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 32.
1511 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 216؛ طبقات المحدّثین، ج 2، ص 299؛ الانساب، ج 2، ص 527؛ معجم البلدان، ج 2، ص 356.

عبد الله مسمار بغدادی هنگامی که به اصفهان آمد، در باب امامت با صاحب عنوان وارد بحث شد. نظام الدّین چندین سؤال از او نمود. وی به عربی جواب آن‌ها را نوشت، و به نزدش فرستاد، و به مسافرت خود ادامه داد. هبة الله بن اصیل این سؤالات را به فارسی ترجمه کرده، و به نام مسمار العقیدة نامیده است، و آن را به نام غیاث الدّین چنگیزی در اصفهان، در میانه سال 707 ق نامگذاری نموده است. تاج الدّین عبد الله را کتابی دیگر است به نام الکشکول فی ما جری علی آل الرّسول که در 735 تألیف شده، و به نام سیّد حیدر عاملی شهرت یافته است. نسخه مسمار در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود.[1512]

محمّد اسحاق «شوکت» بخارایی

شاعر ادیب، پدرش صرّاف بوده، و خود او یك‌چند به این شغل مشغول بوده، رنجیده از بخارا به خراسان و سپس اصفهان آمده، در زاویه علیّ بن سهل مقیم شده، به عبادت و ریاضت و انزوا و قناعت گذرانیده، مدّت 34 سال به یك لباس قناعت کرده، در 1107 ق فوت شده، و همان‌جا مدفون گردیده [است]. از او است:

دل عاشق وجود از هرچه یابد زان فنا گردد از آن آبی که گندم سبز گردد آسیا گردد[1513]

اسد

سلطان اسد بن جنید، ظاهرا از عرفاء بوده، و قبرش در جنب مزار صاحب بن عبّاد است. حاجی یار بیك صبّاغ در سال 1044 ق یك باب دکان بر آن وقف نموده، و وقف‌نامه در تالار اشرف موجود است.[1514]

اسد اصفهانی

اسد بن حکیم اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری بوده، و از ابی عاصم، مقری و حسین بن حفص روایت می‌کند، و محمّد بن ابراهیم کنانی از او نقل حدیث می‌نماید.[1515]

سیّد اسد الله اصفهانی

حاج سیّد اسد الله اصفهانی، از آزادی‌خواهان مشروطه‌خواه اصفهان بوده، و در دوره اوّل مجلس شورای ملّی به عنوان وکیل فارس، شرکت داشته است. در عهد استبداد صغیر و سرکوب مشروطه‌خواهان به دست محمّد علی شاه مورد تعقیب قشون استبداد واقع شد، به عتبات عالیت گریخت، و ازآنجا با کسب دستور از آخوند خراسانی به خلیج فارس بازگشت، و به مبارزه با استبداد پرداخت.[1516]

اسد الله اصفهانی

اسد الله اصفهانی، از خطّاطان قرن سیزدهم هجری و کاتبان کلام الله مجید بوده، از آثار او قرآن مجید به خطّ نسخ زیبا است که کتابت آن در پنج‌شنبه 4 شوّال 1286 به پایان رسیده، و به شماره 5103 در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.[1517]

اسد الله مصفّی

1512 . عامری‌نامه، ص 261.
1513 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 643؛ تذکرة المعاصرین، صص 162- 165؛ الذّریعة، ج 9، ص 550؛ رجال اصفهان، ص 216؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 704.
1514 . تاریخچه اوقاف اصفهان، ص 351.
1515 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 231.
1516 . تاریخ جراید و مجلّات، ج 4، صص 248- 249.
1517 . فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ج 15، ص 65.

اسد الله مصفّی فرزند میرزا آقا خان محاسب الدّوله از فضلاء و دانشمندان اصفهان است. وی از بنیانگذاران فرهنگ جدید در اصفهان است. مدّتی رئیس اداره فرهنگ اصفهان بود، و در سال 1380 ق در تهران وفات یافت، و در مقبره ظهیر الدّوله مدفون گردید.[1518]

اعلام اصفهان، ص: 519

سیّد اسد الله بهشتی

آقا سیّد اسد الله بن حاج سیّد محمّد ابراهیم حسینی بهشتی عالم فاضل صالح زاهد، امام جماعت مسجد کوچه سرتیپ، متوفّی در شب 18 ربیع الاوّل 1310 ق مدفون در تکیه سادات بهشتی در شمال مصلّای تخت فولاد[1519]. [مادّه تاریخ وفات او این بیت است:

بهر تاریخ او سرود خرد: »اسد الله فاز بالرّضوان«

1310 ق]

سیّد اسد الله بیدآبادی

حاج سیّد اسد الله بیدآبادی فرزند حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی، عالم فاضل، زاهد متّقی، فقیه محقّق مدقّق، در سال 1227 ق در اصفهان متولّد شده، و نزد پدر بزرگوار خود، و سپس در نجف اشرف، نزد آقا سیّد ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر، شیخ مرتضی انصاری، شیخ نوح جعفری نجفی به تحصیل پرداخته، و از آنان اجازه اجتهاد دریافت نمود. از مشایخ روایت او ملّا احمد تربتی خراسانی است.

او از نوجوانی تا سال 1260 ق در عتبات عالیات به تحصیل پرداخت، و در این سال به ایران بازگشته، و به جای پدر به تدریس و مرجعیّت امور شرعی پرداخت. وی اوقات خود را صرف تحقیق و تألیف و مطالعه کتب می‌نمود. خدمات اجتماعی ارزنده‌ای داشته، و آثار باقیه بسیار به جای نهاده که از آن جمله است: تأمین آب آشامیدنی نجف اشرف، بنای غسّالخانه در نجف اشرف، تعمیر مسجد سهله در کوفه، تعمیر مدرسه در کوشك و تکمیل بنای مسجد سیّد در اصفهان. از وقایع زمان ایشان، شورش اصفهان در سال‌های 1265 و 1266 در ابتدای سلطنت ناصر الدّین شاه است. پس از زدوخورد بسیار بین طرفین، و کشتار و خرابی بسیار در اصفهان، جمعی از علمای اصفهان، از جمله حاج سیّد اسد الله بیدآبادی، ملّا حسن نوری و میرزا محمّد نوّاب لاهیجی برای وساطت نزد شاه، و پایان

اعلام اصفهان، ص: 520

دادن به غائله، راهی تهران شدند که در منطقه مورچه‌خورت، قوای دولتی تحت اختیار حاکم اصفهان غلام حسین خان سپهدار و به فرماندهی کیکاووس میرزا قاجار بر سر مهاجرین تاخته، به ضرب و شتم آنان پرداخته، و آنان را به زنجیر کشیده، به اصفهان آوردند. پس از این قضایا حاج سیّد اسد الله به عتبات عالیات مهاجرت کرد، و حدود سه سال در نجف اشرف مقیم شد، و سپس به اصفهان آمد. عموم مؤلّفین که شرح حال وی را متذکّر شده‌اند، مقام زهد و عبادت و تقوای او را ستوده‌اند.

میرزا محمّد تنکابنی در قصص العلماء می‌نویسد: «در ابکاء و خوف حضرت قهّار، مانندی برای او نیست».

وی علاوه بر مقام عالی فقاهت به عوالم عرفانی نیز علاقه‌مند بوده و ملاقات‌های مکرری با میرزا محمد صادق نمازی شیرازی معروف به فیض علی شاه ثانی داشته است.

او در سال 1290 ق به قصد زیارت اعتاب مقدّسه، از اصفهان حرکت نموده، در مسیر راه، در شب یکشنبه سلخ جمادی‌الثّانیه این سال در منزل کرند از توابع کرمانشاه وفات یافت. جنازه به نجف اشرف منتقل، و در اتاق سمت راست وارد شونده به صحن مطهّر حضرت علی علیه السّلام از درب قبله، مقابل قبر حاج شیخ مرتضی انصاری مدفون گردید.

[1518] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 48.
[1519] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 719؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 135.

مادّه تاریخ او را سیّد جعفر حلّی در ضمن قصیده‌ای گوید:

«اسد الله بمثوی اسد الله توسّد»: 1290

کتب زیر از تألیفات او است، و نویسنده در کتاب بیان المفاخر، مفصّل به شرح موضوع و نسخه‌های آن پرداخته‌ام: 1. اجازة الامامة لصلاة الجمعة 2. رساله در امامت 3. رساله در احکام وضعیّه 4. رساله در ارث زوجه 5. رساله در تجوید 6. رساله در تقدیر 7. رساله در تقلید 8. حاشیه بر سیوطی 9. رساله در حبوه 10. حواشی بر تحفة الابرار 11. حواشی بر نخبه حاجی کلباسی 12. کتابی در رجال 13. رساله‌ای در رخصت و عزیمت 14. رساله در سبب و مانع 15. رساله در شبهه محصوره و غیر محصوره 16. شرح زیارت عاشورا 17. شرح شرایع الاسلام 18. رساله عصیریّه 19. رساله عملیّه 20. کتاب الغیبة فی الامام الثانی عشر 21. کتاب الفقه الاستدلالی 22. مستخرجات الطّرائف 23. رساله در معرفة

اعلام اصفهان، ص: 521

التّکالیف 24. مناسك حج 25. مناقب الأئمّة علیهم السّلام 26. رساله در میراث.[1520]

سیّد اسد الله قزوینی

حاج سیّد اسد الله قزوینی اصفهانی فرزند سیّد محمّد باقر موسوی از احفاد سیّد عبد الله مدفون در حوالی قزوین، عالم فاضل زاهد در حدود سال 1245 ق در اصفهان متولّد، و برای تحصیل، عازم عتبات عالیات شد، و در خدمت میرزا محمّد حسن شیرازی، محمّد فشارکی و سیّد اسماعیل صدر به تحصیل پرداخت. بارها به سفر حج رفت، و سرانجام به دستور استادش سیّد اسماعیل صدر برای تبلیغ دین و نشر احکام به هند رفت، و در حیدرآباد، مشغول به انجام وظایف شرعی خود شد تا آنکه در سال 1327 ق وفات یافت، و در همان جا مدفون گردید. وی کتب خود را به دستور استاد اخلاقی خود ملّا فتحعلی عراقی به آب انداخته، و از بین برده است. آنچه باقی مانده، تقریرات فقهیّه او است.

فرزندش سیّد حسن نیز از علماء ازکیاء بوده، و در ذی‌قعده 1365 ق در حیدرآباد وفات یافت، و جنب پدر مدفون گردید.[1521]

شیخ اسد الله فاضل بیدآبادی

حاج شیخ اسد الله بیدآبادی بن ملّا محمّد باقر بن ملّا محمّد رضا، عالم فاضل زاهد، از

اعلام اصفهان، ص: 522

شاگردان میرزا بدیع درب امامی، سیّد محمّد باقر درچه‌ای، آقا نجفی، شیخ محمد جواد بیدآبادی[1522] و از مخصوصین حاج میرزا عبد الحسین مسجد شاهی بود، و پس از فوت او به آخوند فشارکی پیوست، و در خدمت آن دو، به امور شرعی و رسیدگی به اختلافات مردم می‌پرداخت، و نیز در مدرسه میرزا مهدی در محلّه بیدآباد امامت می‌فرمود.[1523] در چهارشنبه 21 ذی‌القعده سال 1363 وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید.[1524]

سیّد اسد الله دادخواه

[1520] . احوال و آثار خوشنویسان، صص 9- 10؛ بیان المفاخر، ج 2، صص 244- 351؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 253- 254؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 148؛ زندگانی و شخصیّت شیخ انصاری، ص 190؛ شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 115؛ الکرام البررة، ج 1، ص 124؛ فوائد الرّضویة، ج 1، ص 42؛ لباب الالقاب، ص 71؛ ماضی النّجف، ج 3، ص 13؛ معارف الرّجال، ج 1، ص 94؛ مکارم الآثار، ج 3، ص 836؛ هدیة الاحباب، ص 140؛ تاریخ اصفهان و ری، صص 262- 279؛ آثار ملّی اصفهان، ص 192؛ احسن الودیعه، ج 1، ص 78؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 305- 306؛ ریحانة الادب، ج 2، ص 26؛ لغتنامه دهخدا، ذیل« اسد الله»، ص 2264؛ معجم المؤلّفین، ج 2، ص 242؛ اعیان الشّیعة، ج 11، ص 109؛ الکنی و الالقاب، ج 2، ص 174؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص 35؛ الذّریعة، ج 13، ص 307 و ج 11، ص 212 و ج 16، ص 75 و ج 10، ص 95 و ج 22، ص 320.

[1521] . نقباء البشر، ج 1، صص 135- 136؛ میرزای شیرازی، صص 108- 109؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 306؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 254- 255؛ اسرة المجدّد الشّیرازی، ص 111.

[1522] . بیان المفاخر، ج 2، ص 232.

[1523] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 153؛ اعیان الشّیعة، ج 11، ص 109.

[1524] . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 86.

سیّد اسد الله دادخواه فرزند سیّد محمّد جعفر حسینی بهشتی، عالم فاضل فقیه، در اصفهان متولّد شد، و نزد جمعی از علماء از جمله آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی تحصیل کرد، و از آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی اجازه دریافت نمود. سال‌ها نماز جماعت را در مسجد سرجوی شاه اصفهان اقامه می‌نمود. در دوره سوم مجلس شورای ملّی به عنوان نماینده اصفهان انتخاب شد. وی محضر شرعی، جهت رفع خصومات و مرافعات و ثبت عقود داشت که پس از تأسیس دفاتر رسمی ثبت‌اسناد و طلاق و ازدواج، از آن کناره گرفت. مشار الیه در 20 شوّال 1363 ق در سنّ قریب به هشتادسالگی وفات یافت، و در تخت فولاد در تکیه زرگرها مدفون شد. سیّد علی بدیع‌زاده در مادّه تاریخ وفات او گوید:

می‌جست خرد سال وفات اسد الله — آن حجّت والاگهر نیك دل آگاه

هورش یکی از جمع برون کرد و چنین گفت: — «پیش اسد الله علی رفت اسد الله[1525]»

شیخ اسد الله حکیم قمشه‌ای

شیخ اسد الله حکیم قمشه‌ای فرزند مشهدی جعفر، از اجله حکماء در حدود سال

اعلام اصفهان، ص: 523

1297 ق در شهرضا متولّد [شد]، نزد حاج میرزا نصر الله حکیم قمشه‌ای به تحصیل پرداخت، و ادبیّات، فقه، کلام، منطق و حکمت را فرا گرفت؛ سپس به اصفهان آمد، و در مدرسه صدر، به تدریس حکمت و ریاضیّات قدیم و جدید پرداخت.

انواع خطوط، خصوصا شکسته را خوب می‌نوشت، و زبان فرانسه را بدون استاد آموخته بود. مرحوم محمّد باقر الفت درباره وی گوید: «وی در علوّ طبع، حدّت ذهن، قوّه حافظه و جمیع فضائل، اخلاقش به درجه‌ای بود که چنین گوهری گران‌مایه، کمتر زیب عالم انسانیّت گشته است». سرانجام در 18 ذی‌قعده 1334 ق در عنفوان جوانی در 36 سالگی وفات یافت، و در تکیه ملك نزدیك قبر آخوند کاشی مدفون گردید. از تألیفات او کتاب علم الاشیاء است که جهت محصلّین مدارس جدید تألیف نموده، و به چاپ رسیده است. شعر نیز می‌سروده و «دیوانه» تخلّص می‌نموده، قسمتی از اشعارش در کتاب دانشنامه به طبع رسیده است. از اشعار او است:

خوش‌تر ز روزگار جنون روزگار نیست — نیکوتر از دیار محبّت دیار نیست

عاقل اگرچه عاقبت از جوی بگذرد — امّا مسلّم است که دیوانه‌وار نیست[1526]

اسد الله اصفهانی

اسد الله بن حبیب الله اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری بوده، از آثارش، کتابت نسخه‌ای از شرح تجرید قوشچی که آن را در ربیع الثّانی سال 1072 به پایان رسانیده است. نسخه آن در کتابخانه مسجد گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است[1527].

اعلام اصفهان، ص: 524

[1525] . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 198؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 255؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 128؛ نقباء البشر، ج 1، ص 133؛ تحفة الاحباب، صص 20- 21.

[1526] . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 202؛ اصفهان(کتاب جوانان)، صص 230- 231؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج 1، صص 406- 411؛ دانشنامه، صص 1- 2 و 6؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 50؛ الذّریعة، ج 9، ص 335؛ نقباء البشر، ج 1، ص 132؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 256- 257؛ کارنامه همایی، صص 56- 57؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 306- 307؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، ص 81؛ تاریخ شهرضا.

[1527] . فهرست کتابخانه گوهرشاد، ص 317.

اعلام اصفهان ؛ ص524

سیّد اسد الله اصفهانی

سیّد اسد الله بن حسن اصفهانی حیدرآبادی معروف به «میر نوّاب»، از فضلاء و ادباء هندوستان در قرن 13 هجری، مؤلّف مختار الاخبار فی احوال الاخیار، در تاریخ سلاطین بهمنیّه هندوستان در سال 1296 ق در دکن هندوستان چاپ سنگی شده است.[1529]

سیّد اسد الله ثقة الواعظین

سیّد اسد الله ثقة الواعظین بن سیّد محمّد حسن سلطان الواعظین کاشانی، واعظ ادیب شاعر، از اهل منبر اصفهان بود. در شب شنبه 26 ذی حجة الحرام 1380 ق وفات یافت، و در یکی از اتاق‌های تکیه میرزا ابو المعالی در تخت فولاد مدفون شد. کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است:

1. آثار باقریّه 2. بغیة الامجاد فی لغات الاضداد 3. ترجمه و شرح حدیث کساء، مطبوع 4. درر ثمین 5. دیوان السّادات 6. سرور العباد فی صدق المعاد 7. سلطان المقاتل 8. کرامة الائمّة فی معرفة الأئمّة 9. لئالی الصّدف و خیر التّحف 10. مجمع الاخوان 11. معاجز القرآن 12. المعراجیّه 13. منتخب اللّغه و غیره.[1530]

اسد الله اصفهانی*

اسد الله اصفهانی معروف به «نایب اسد الله» فرزند نایب حسین خان از هنرمندان اصفهان در اواخر دوره قاجاریّه است. در نواختن نی، استادی چیره‌دست و بی‌مانند بوده، و به الحان و گوشه‌های موسیقی ایرانی مسلّط بوده است. وی پس از وفات، در تخت فولاد، روبه‌روی بقعه فیض به خاك سپرده شد. عبد الخالق اصفهانی و مهدی نوایی، از شاگردان برجسته نایب اسد الله به شمار می‌روند.[1531]

اعلام اصفهان، ص: 525

سیّد اسد الله صدر هاشمی*

حاج سیّد اسد الله صدر هاشمی فرزند سیّد حسین از علماء و مدرّسین بزرگ کربلا. در سال 1315 ق در اصفهان متولّد شد. ابتدا نزد آقا سیّد ابو القاسم دهکردی و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای تحصیل نمود؛ سپس به عتبات عالیات عزیمت کرد، و نزد علمای اعلام، شیخ علی شاهرودی، میرزا هادی خراسانی، سیّد حسین قمی، سیّد محمّد حسن قزوینی، سیّد حسن اشکذری، شیخ عبد الهادی مازندرانی و سیّد ابراهیم قزوینی به تحصیل پرداخت، و به اجتهاد نائل آمد. وی در مدرسه هندی کربلا ساکن بوده، و سال‌ها به تدریس اشتغال داشت. در سال 1339 ش به دعوت مردم آبادان به آنجا رفت، و به ارشاد و راهنمایی مردم پرداخت. در اواخر عمر به زادگاه خود بازگشت، و در 11 ذی‌قعده 1399 ق وفات یافت، و در تکیه شهداء، جنب مزار شهید سیّد ابو الحسن شمس‌آبادی مدفون گردید. کتب زیر از تألیفات او است: 1. الاصول (یك دوره در علم اصول) 2. حاشیة علی العروة 3. رساله عملیّه، مطبوع 4. الفقه 5. مناسك حج، مطبوع.

او اجازه اجتهاد از آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدّین عراقی و سیّد میرزا اصطهباناتی داشته‌اند.

مادّه تاریخ وفات او این شعر است:

[1528] مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
[1529] . فهرست کتب چاپی فارسی، ج 4، ص 4634.
[1530] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 476؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 61.
[1531] . سرگذشت موسیقی ایران، ج 1، صص 290- 293؛ تاریخ تحوّل ضبط موسیقی در ایران، ص 140؛ تاریخ موسیقی ایران، صص 617- 619؛ چهره افروختگان خطّه زنده‌رود، صص 118- 120.

حجّت الاسلام ما چون ارجعی از حق شنید | مرغ روحش با ملك از جان دل لبّيك گفت
سال فوتش را چنین گفتم که چون آمد ندا: | »سیّد اسد الله صدر هاشمی لبّيك گفت[1532]«

میرزا اسد الله پاقلعه‌ای

میرزا اسد الله پاقلعه‌ای فرزند میرزا زین العابدین خاتون‌آبادی عالم عابد زاهد، از دانشمندان قرن چهاردهم هجری و علمای گوشه‌نشین و منزوی بوده، و در علوم مختلف مهارت داشته است. مادرش از نوادگان خطّاط مشهور، میرزا احمد نیریزی است.

اعلام اصفهان، ص: 526

وی در سال 1360 ق وفات یافت، و در اتاق غربی تکیه خاتون‌آبادی در مدفون گردید.

شیخ محمّد رضا حسام الواعظین در مرثیه و مادّه تاریخ وفاتش گوید:

آنکه بد زنده روانش ز تولّای علی | وان که شد سرخوش و سرمست ز صهبای علی
حاج سیّد اسد الله که در مدّت عمر | همچو عمّار بد او واله و شیدای علی
بود هم عالم و هم زاهد و هم روشن‌دل | دل او طور و منوّر ز تجلّای علی
بهر تاریخ وفاتش ز وفا گفت حسام: | »شد بهشتی اسد الله ز اعطای علی[1533]«

سیّد اسد الله صدر الاسلام

آقا سیّد اسد الله صدر الاسلام میردامادی فرزند سیّد محمّد صالح بن سیّد احمد بن محمّد حسین بن میر سیّد اشرف بن میر محمّد حفیظ بن میر محمّد اشرف علوی عاملی عالم فاضل متّقی، در سده متولّد شده، و در اصفهان نزد شیخ ابو القاسم زفره‌ای، آخوندگزی و آقا سیّد مهدی درچه‌ای تحصیل نمود و در مولد خود به نشر احکام و تبلیغ اوامر و نواحی و اقامه جماعت پرداخت. مادر وی، دختر آقا سیّد محمّد خلیل امام جمعه سده بوده است.[1534]

محمّد اسد قهپایی

محمّد اسد بن حاجی صالح قهپایی، مالك نسخه‌ای از شرح مختصر الاصول تألیف قاضی عضد ایجی بوده است. نسخه به شماره 1069 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی

اعلام اصفهان، ص: 527

موجود است.[1535]

[1532] . مستدرك فهرس التّراث، ص 147؛ میراث اسلامی ایران، ج 10، صص 135- 136؛ یادداشت‌های محقّق ارجمند آقای رحیم قاسمی دستگردی؛ مقتبس الاثر، ج 4، ص 245.
[1533] . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 198؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 257؛ سیری در تاریخ تخت فولاد ص 112؛ نقباء البشر، ج 1، ص 132.
[1534] . یادنامه سیّد بحر العلوم میردامادی، ص 34.
[1535] . فهرست مرعشی، ج 3، ص 253.

[ظاهرا صاحب عنوان، از فضلاء و ادبای قرن یازدهم هجری است.]

سیّد اسد الله بهشتی

سیّد اسد الله بن سیّد عبد الباقی حسینی بهشتی، عالم جلیل، متوفّی در سال 1288 ق و مدفون در مقبره سادات بهشتی واقع در شمال مصلّای تخت فولاد.[1536]

میرزا اسد الله رجالی

میرزا اسد الله رجالی فرزند عبد الجواد بن ملّا محمّد رجالی اصفهانی، خطّاط هنرمند، [در حدود سال 1282 ق یا کمی قبل از آن در اصفهان متولّد شده، در جوانی نزد افسر و جلالی مشق خط کرد، و در خطّ نستعلیق و نسخ، مهارت بسیار کسب کرد][1537]. وی سال‌ها در مدارس جدید و خارج از آن به تعلیم خط می‌پرداخت. از آثارش خطوط کتیبه ایوان مقبره مسجد سیّد به سال 1318 ق می‌باشد.[1538] مشار الیه در 5 ذی حجّة الحرام 1372 به سنّ قریب نودسالگی وفات یافت[1539]، [و در تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجویی مدفون شد].

سیّد اسد الله سبزواری

سیّد اسد الله بن سیّد عبد الکریم بن سیّد عبد الله بن سیّد علی حسینی سبزواری، عالم فاضل، در دولت‌آباد برخوار ساکن، و به تبلیغ و ارشاد مشغول بود. سرانجام در سال 1303 ق در کاظمین وفات یافت، و مدفون شد. فرزندش سیّد اسماعیل نیز از فضلا است که در سال 1332 ق در کربلا وفات یافته، و مدفون شده است.[1540]

اعلام اصفهان، ص: 528

ملّا اسد الله فرادنبه‌ای

ملّا اسد الله فرادنبه‌ای بن ملّا عبد الله، از اهالی قریه «فرادنبه» چهار محال بختیاری است. در اصفهان ساکن و استاد مقدمات و سطوح و امام جماعت مسجد قطبیّه بوده، پس از فوت، در بقعه آقا حسین خوانساری مدفون شد. ملا محمد باقر فشارکی شاگرد اوست.[1541]

سیّد اسد الله خلیفه سلطانی

سیّد اسد الله خلیفه سلطانی معروف به صدر، فرزند میرزا علی نوّاب بن میر سیّد علاء الدّین حسین مرعشی (خلیفه سلطان) عالم فاضل فقیه محقّق، در اصفهان نزد پدر و دیگران تحصیل نمود، و به مقام صدارت در دستگاه صفویّه رسید. وی در سال 1114 ق وفات یافت، و در قبرستان ستّی فاطمه اصفهان مدفون شد.[1542]

سیّد اسد الله حسینی

سیّد اسد الله بن سیّد علی رضا حسینی اصفهانی، عالم فاضل، حکیم متکلّم، در اصفهان ساکن بوده، و نزد جمعی از علماء و فضلاء، از جمله محمّد خلیل بن محمّد اشرف قائنی اصفهانی به تحصیل پرداخته است.

وی را تألیفاتی است از آن جمله: رساله در وجود (تقریرات استادش قائنی، درباره اشتراك وجود)، که نسخه خطّی آن در مجموعه شماره 3974 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

1536 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 135.
1537 . دیوان طرب، ص 80.
1538 . گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 770- 776.
1539 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 258 و بنگرید به: آثار ملّی اصفهان، ص 653؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 100؛ تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 109.
1540 . نقباء البشر، ج 1، ص 139؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 259.
1541 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 108.
1542 . اعیان الشّیعة، ج 11، ص 109؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 259؛ مزارات اصفهان، ص 247.

همچنین سیّد اسد الله، نسخه‌ای از کتاب نور البصر محلّ مسألة الجبر و القدر تألیف محمّد خلیل قائنی را در چاشت روز چهارشنبه 12 رجب 1134 ق به خطّ شکسته نستعلیق، به پایان رسانیده است، و در مجموعه شماره 3974 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1543]

ملّا اسد الله گورتانی

ملّا اسد الله بن ملّا علی محمّد واعظ گورتانی، عالم فاضل، واعظ کامل از اهالی قریه «گورتان» از بلوك ماربین اصفهان بوده، و در سال 1323 ق وفات یافته، و در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد. وی مؤلّف کتابی است به نام جواهر الایمان در اصول دین و اخلاق در پنج مجلّد[1544].

اسد الله خان نظام العلماء

حاج سیّد اسد الله خان نظام العلماء فرزند میرزا علی محمّد نظام الدّولة بن میرزا عبد الله خان امین الدّولة بن میرزا محمّد حسین خان صدر اصفهانی از فضلاء خاندان صدر اصفهانی است در نجف اشرف ساکن بود، و در 1324 ق در آن ارض اقدس وفات یافت، و در مدرسه صدر مدفون شد. تاریخ وفاتش را سیّد محمّد نجف‌آبادی شاعر ادیب چنین گفته است:

اسد ثاو باعتاب حمی	اسد الله و خیر الاوصیاء
فباعتاب علی ارخوا:	»فازو الله نظام العلماء[1545]«

اسد الله اشتری

اسد الله اشتری فرزند آقا شیخ محمّد علی اشتری، شاعر ادیب و نویسنده توانا، در سال 1326 قمری در اصفهان متولّد گردید. پس از تحصیل علم و ادب، در انجمن ادبی ادیب فرهمند شرکت کرد، و برای روزنامه‌های اصفهان، مقالاتی نوشت. در سال 1312 خورشیدی به تهران رفت، و در خدمت وزارت دارایی وارد شد، و در ادارات مختلف آن وزارتخانه به خدمت پرداخت.

در این مدّت، مقالاتی ادبی و اجتماعی و اخلاقی از او در جراید مهمّ پایتخت انتشار

می‌یافت. سبك نگارش ایشان، بسیار متین و دلچسب بود. بالاخره به اصفهان منتقل، و در اداره دارایی اصفهان مشغول شد. وی کتب چندی ترجمه و تألیف نموده که از آن جمله است: 1. تاریخ عشق 2. طوفان روح 3. نامه‌های اسیران جنگ.

وی در یکشنبه 19 رمضان سال 1397 ق وفات یافت، و در تکیه آباده‌ای در تخت فولاد مدفون شد. از اشعار او است:

یکبار نام عشق، مرا بر زبان گذشت	دیگر زبان نماند که گویم زبان بسوخت...
از بعد مرگ، لاله‌صفت سوزدم کفن	جایی که عشق زنده مرا استخوان بسوخت[1546]

1543 . فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 12، ص 2970.
1544 . الذّریعة، ج 5، ص 264؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 756 و ج 1، ص 259.
1545 . ماضی النّجف و حاضرها، ج 3، ص 482؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 391.
1546 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 37؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص 49.

شیخ اسد الله جوادی*

حاج شیخ اسد الله جوادی فرزند میرزا غلام حسین بن حاج محمّد جواد بن آخوند علی محمّد بن ملّا علی محمّد گورتانی اصفهانی عالم فاضل معاصر. وی در سال 1305 ق در محلّه گورتان اصفهان متولّد شد. در دوازده‌سالگی پدر خود را از دست داد. از هفده‌سالگی به تحصیل در حوزه علمیّه اصفهان پرداخت تا به درجه اجتهاد رسید. اساتید او عبارت‌اند از: ملّا هاشم جنّتی، شیخ حیدر علی صلواتی، شیخ محمّد جواد اصولی، شیخ علی مشکاة، شیخ عبّاسعلی ادیب، شیخ محمّد حسین شریعت هرندی، شیخ احمد فیّاض، سیّد علی اصغر برزانی، حیدر علی خان برومند، حاج آقا صدر کوپایی، حاج آقا سیّد ابو الحسن شمس‌آبادی، حاج آقا رحیم ارباب، میرزا علی آقا شیرازی، حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، حاج میر سیّد علی بهبهانی، سیّد محمّد رضا خراسانی. وی همچنین یك سال در درس خارج علمای قم، خصوصا آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی حضور یافت، و سپس به اصفهان مراجعت نمود، و به اقامه نماز جماعت در مسجد جامع گورتان و تبلیغ و ارشاد مردم و حلّ مشکلات شرعی آنان پرداخت. از جمله فعّالیت‌های او تدریس در دانشگاه صنعتی اصفهان بوده است. از اقدامات خیریّه او، احداث مدرسه‌ای در فسا، احداث چندین مسجد، و سرپرستی امور دینی مرکز خیریّه ابا بصیر است. او سفرهای تبلیغی

بسیاری به مناطق مختلف کشور داشته‌اند. یکی از فرزندان او در جبهه‌های نبرد به شهادت رسیده است.[1547]

میرزا اسد الله خان وزیر

میرزا اسد الله خان وزیر فرزند میرزا فتح الله خان بن محمّد علیّ بن رضا قلی بن محب علیّ بن فتحعلی خان اعتماد الدّوله، از مستوفیان و کارگزاران عهد ناصری است. نسب او به فتحعلی خان اعتماد الدّوله، وزیر شاه سلطان حسین صفوی می‌رسد. میرزا اسد الله خان در حدود سال 1263 ق در اصفهان متولّد [شد]، و در این شهر به تحصیل پرداخت، و به مستوفی‌گری و وزارت ظلّ السّلطان حاکم اصفهان نائل شد. وی از مردان باکفایت و امین در شغل خود، و حاذق و ماهر بوده، و به حسن خلق و سیرت پسندیده شهرت داشت. در سال 1336 ق وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون گردید.[1548]

اسد الله ایروانی جرقویه‌ای

اسد الله ایروانی فرزند غلام حسین محمّدآبادی جرقویه‌ای، شاعر و نویسنده معاصر.

وی دارای دیوان اشعار است که به چاپ نرسیده است. نمونه اشعارش:

دوش که خورشید از این زبرجد الوان — رخ پس کهسار برنهفت ز کیهان

ظلمت شب روشنی نهفت به پهلو — همچو بتی در کنار زنگی قطران

هر دو بصر تار شد از آن شب تاریك — دل به بدن شد به آه و غصّه و افغان[1549]

اسد الله باطنی

اسد الله باطنی، فرزند قاسم متخلّص به «باطنی» شاعر ادیب در سال 1284 خورشیدی در اصفهان متولّد گردید. به شغل لباس‌فروشی، روزگار می‌گذراند، و کم شعر می‌گوید؛ از آن

جمله است:

[1547] . نقل از یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی.

[1548] . تاریخ نایین، ج 4، ص 35؛ شرح حال رجال ایران، ج 6، ص 36؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص 212؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 1017.

[1549] . گرکویه، ص 388.

بشنو این نکته اگر گوش دلت سوی من است | که جهان جمله غم و محنت و رنج و محن است

از جهان هیچ مسرّت مطلب ز آنکه جهان | بهر مردان خدا یکسره بیت الحزن است

اسد الله معظّمی

اسد الله معظّمی فرزند محمّد خان معظم السّلطان گلپایگانی (مدفون در تکیه مادر شاهزاده، در تخت فولاد اصفهان) تولّدش در سال 1274 ش، و در دوره بیستم مجلس شورای ملّی نماینده اصفهان بوده است.

شیخ اسد الله فهامی

شیخ اسد الله فهامی [بن آقا محمّد دردشتی]، از وعّاظ معروف و مقدس اصفهان و از مخصوصین آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی بود. سال‌ها مراسم احیای شب‌های ماه مبارك رمضان و جمعه را در تکیه آقا حسین خوانساری برگزار می‌نمود، و بسیاری از مؤمنین، در این مراسم حضور می‌یافتند. [وفاتش در جمادی الاوّل 1372 ق روی داد]. پس از فوت، ما بین قبر آقا جمال خوانساری و آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد.[1550]

اسد الله ایزدگشسب

اسد الله ایزدگشسب، معروف به درویش ناصر علی و متخلّص به «شمس»، فرزند محمود بن اسد الله بن عبد الله گلپایگانی اصفهانی، دانشمند فاضل حکیم، ادیب و عارف فرزانه، از مشایخ سلسله گنابادی.

در حدود سال 1303 ق در گلپایگان متولّد شده، و در اصفهان و تهران و خراسان و

نجف تحصیل علوم فقه و اصول و حکمت نموده، در بیدخت گناباد، نزد حاج ملّا محمّد سلطان علی شاه رفت، و دست ارادت به او داد. در فقر و تصوّف، ریاضت‌ها کشید و از سال 1350، اجازه دستگیری یافت. وی عاقبت به استخدام اداره فرهنگ درآمد، و هفت سال مدیر مدرسه حکمت بود. مدّتی نیز در دبیرستان گلبهار تدریس می‌نمود، و نگارنده، افتخار شاگردی او را داشت.

از سال 1305 ش مجلّه عنقا را منتشر ساخت، و سرانجام در 5 جمادی الاوّل 1366 ق وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون گردید، و جهت او تکیه‌ای مخصوص بنا شد. وی را تألیفات بسیاری است که از آن جمله است:

1. اسرار العشق در تفسیر سوره یوسف، مطبوع 2. بدائع الآثار 3. بساط العشق و المحبّة 4. تحفة السّفر 5. ترجمه کتاب خطّ و خطّاطان به عربی 6. جنّة النّفوس در احکام روزه 7. حیاة الانسان و تسبیح اعیان 8. جذبات الهیّه (منتخب دیوان شمس تبریزی، مطبوع) 9. دیوان اشعار 10. دیوان النّبویه در اسرار سلوکیّه 11. ردّ بر دکتر فندر آلمانی 12.

رشحات الاسرار 13. سعادات النّجفیه در شرح دعاء عدلیّه 14. شرح صلاة محی الدّین عربی 15. شمس التّواریخ، مطبوع 16. طرائف الحکم در حکمت الهی 17. قبسات الانوار 18. گلزار اسرار 19. لوامع الانوار 20. مختصر معراج السّعاده نراقی 21. مصابیح الاصول 22. مظاهر الانوار 23. معرفة الرّوح، مطبوع 24. نامه سخنوران در تذکره شعراء، مطبوع 25. نور الابصار در احوالات نور علی شاه اصفهانی 26. هدایة الامم در نبوّت خاصّه و غیره.

از اشعار او است:

ز میخانه یکی دیوانه برخاست | از آن دیوانه صد فرزانه برخاست

دل از لعل لبش یك نکته بشنید | از آن نکته هزار افسانه برخاست

[1550] . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 111؛ تاریخ اصفهان(تکایا و مقابر)، ص 219.

پریشان‌روزگاری‌های عاشق همه زان نظره جانانه برخاست

چو شمس آن دلبر جانانه را دید هزارش نعره مستانه برخاست[1551]

اعلام اصفهان، ص: 534

شیخ اسد الله الهی

(شیخ اسد الله الهی حسین‌آبادی عالم وارسته. در سال 1308 ش متولد شد. در اصفهان از درس اساتیدی چون شیخ عباسعلی ادیب، شریعت هرندی و سید ابو الحسن شمس‌آبادی و در قم به مدت پانزده سال از محضر آیه الله العظمی مرعشی نجفی استفاده نمود و سپس در طالخونچه ساکن گردید و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. وی عالمی فروتن و پارسا و اهل تهجد بود و از خصایص اخلاقی ممتازی برخوردار بود. او در شهریور 1379 ش وفات یافت و در طالخونچه مدفون شد. کتاب متاع السفینة از او چاپ شده است)[1552]

شیخ اسد الله اسماعیلیان*

حاج شیخ اسد الله اسماعیلیان دهاقانی، فرزند نعمت الله، عالم فاضل، در حدود سال 1354 ق در دهاقان متولّد شد. مدّتی در قم به تحصیل مشغول بود، و سرانجام به نجف اشرف عزیمت نمود، و نزد علمای آن دیار به تحصیل پرداخت. سپس به قم بازگشت، و به خدمت به اسلام و مسلمین مشغول شد. او با تأسیس انتشارات اسماعیلیان و نشر کتب مفید مذهبی، به نشر فرهنگ اسلامی اهتمام ورزید. او در 8 آبان 1375 براثر ابتلاء به سرطان وفات نمود، و در گورستان بهشت معصومه- سلام الله علیها- در قم مدفون شد. این آثار از او است: 1. ابو ذر غفاری 2. تحقیق کتاب فروق اللّغة تألیف سیّد نور الدّین جزائری[1553].

اعلام اصفهان، ص: 535

اسد الله ملّاباشی

میرزا اسد الله فرزند میرزا نصیر ملّاباشی، فاضل محترم، داماد مرحوم آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و زوجه‌اش فاطمه بیگم نام داشته است.[1554]

اسد الله رشتیان*

حاج سیّد اسد الله رشتیان فرزند سیّد هاشم، هنرمند و نقّاش معاصر است. وی در 30 شوّال 1392 ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد. بر روی سنگ مزارش از او به عنوان «نقّاش مخصوص صحن مطهّر حضرت سیّدالشّهدا علیه السّلام و آثار باستانی ایران» یاد شده است.

سیّد اسد الله روضاتی

سیّد اسد الله روضاتی فرزند میرزا هدایت الله چهارسوقی در سال 1318 ق در اصفهان متولّد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدّماتی از محضر بزرگانی چون سیّد ابو القاسم دهکردی، سیّد محمّد نجف‌آبادی و میر محمّد صادق خاتون‌آبادی بهره برد، و چند

1551 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 71- 72؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص 279- 282، شمس التّواریخ، صص 84- 86 و 91- 92؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 259- 261؛ نابغه علم و عرفان، صص 413- 414؛ تذکرة العارفین فسایی، ص 84؛ مقالات الحنفاء، ص 141؛ نقباء البشر، ج 1، ص 147؛ سخنوران نامی معاصر، ج 2، صص 2005- 2009؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج 4، صص 52- 54؛ زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، ج 1، صص 320- 321؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، صص 539- 540.

1552 . وفیات علمای معاصر اصفهان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

1553 . سیمای دهاقان، صص 294- 295؛ الذّریعة، ج 15، ص 285؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص 479؛ تربت پاکان قم، ج 1، ص 400.

1554 . احسن الودیعه، ج 1، ص 158؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 3، ص 280.

سالی نیز در قم نزد آیت‌الله حائری یزدی تحصیل کرد و سپس در اصفهان به اقامه جماعت و خدمات اجتماعی پرداخت، او در سال 1410 ق وفات یافت و در باغ رضوان اصفهان مدفون شد.[1555]

اسد الله باغبادرانی

اسد الله باغبادرانی، از روزنامه‌نگاران و نویسندگان معاصر است. وی در سال 1341 ق روزنامه نهضت اسلام را منتشر نمود. او در اواخر عمر، در اداره آمار اصفهان خدمت می‌کرد، و سرانجام در حدود سال 1368 ق در اصفهان وفات نمود، و در تخت فولاد مدفون شد.[1556]

دکتر اسد الله بیژن

دکتر اسد الله بیژن، استاد دانشگاه تهران و از اساتید علوم تربیتی و روان‌شناسی می‌باشد. تحصیلات مقدّماتی خویش را در اصفهان، مولد خویش به پایان رسانیده، و تحصیلات عالیه خویش را در ممالك اروپا و آمریکا خوانده، کتب چندی تألیف نموده است؛ از آن جمله است: 1. تاریخ جندی شاپور: چشم‌انداز تربیت در ایران پیش از اسلام که در سال 1315 ش به چاپ رسیده است 2. سیر تمدّن و تربیت در ایران باستان 3. طبّ و حفظالصّحه.

میر اسد الله تبریزی*

میر اسد الله تبریزی عبّاس‌آبادی، شاعر ادیب، از تبریزی‌های ساکن محلّه عبّاس‌آباد اصفهان و جوان قابل و بااستعدادی بوده، چنان‌که مصاحب نصیرای همدانی شده [است].

سرانجام به هند رفت، و در آنجا فوت شد. از او است:

طرفه حالیست که آن آتش سوزنده من دورتر می‌رود و بیشترم می‌سوزد[1557]

[این بیت را به خلیفه اسد الله مرعشی متخلّص به ملولی نیز نسبت داده‌اند].

شیخ اسد الله دستجردی

شیخ اسد الله دستجردی، عالم فاضل، از بزرگان قریه دستگرد خیار در حومه اصفهان است. در اصفهان به تحصیل پرداخت، و در 12 ربیع الاوّل سال 1367 وفات یافت، و در صحن تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.[1558]

میرزا اسد الله زاهدی

میرزا اسد الله زاهدی، طبیب حاذق مجرّب، از پزشکان اوایل قرن چهاردهم هجری

او از سلسله مشایخ بیدآباد است که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی منتهی می‌شود. در فنون طبّ قدیم استاد بوده، و پس از وفات، در تکیه آقا محمّد بیدآبادی مدفون شد.[1559]

1555 . یادداشت آقای رحیم قاسمی.
1556 . تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج 4، صص 321- 322؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 225.
1557 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 440؛ کاروان هند، ج 1، ص 44؛ دانشمندان آذربایجان، ص 40.
1558 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 936؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 134؛ مزارات اصفهان، ص 214.
1559 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 195؛ بیان المفاخر، ج 2، ص 234.

میرزا اسد الله شریعتی*

میرزا اسد الله شریعتی کمال‌آبادی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن سیزدهم. وی در ناحیه جرقویه به تبلیغ امور دینی مشغول بوده، و پس از وفات، در مسجد جامع روستای کمال‌آباد جرقویه اصفهان مدفون شده است.[1560]

شیخ اسد الله اصفهانی

شیخ اسد الله صفر نوراللّهی، معروف به شیخ اسد الله اصفهانی، عالم فاضل محقّق، در سال 1340 ق (یا 1337 ق) در نجف‌آباد متولّد شد، و در مولد خود نزد شیخ احمد حججی، شیخ ابراهیم ریاضی و سیّد جعفر طباطبایی به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان از درس شیخ محمّد حسن عالم نجف‌آبادی، حاج آقا رحیم ارباب و میرزا علی آقا شیرازی بهره گرفت. پس از آن راهی قم شد، و در درس آیات عظام، بروجردی، امام خمینی، محقّق داماد، حجّت و خوانساری شرکت کرد؛ سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و از درس آیت‌الله‌العظمی خویی بهره گرفت؛ امّا پس از مدّتی به علّت پاره‌ای از مشکلات به قم بازگشت، و به تدریس پرداخت.

وی یکی از مدرسین مشهور حوزه علمیه قم بود و مدّتی نیز در تهران ساکن بود. او در اواخر عمر، به زادگاه خود بازگشت، و به تدریس و ارشاد و اقامه جماعت پرداخت.

سرانجام در سال 1423 ق وفات یافت، و در جنّت الشّهدای نجف‌آباد مدفون شد.[1561]

اعلام اصفهان، ص: 538

میرزا اسد «عریان»*

میرزا اسد متخلّص به «عریان» شاعر ادیب، مقبول دل‌ها و دلنشین خاطره‌ها بوده، در شعر تتبّع بسیار نموده است. مدّتی در هند بوده، و از صحبت فضلاء و شعراء برخوردار شده، سپس مجاور نجف اشرف شده، عاقبت به اصفهان بازگشته، و وفاتش پس از سال 1083 ق واقع شده است.

نه هر حرفی که بر گوش آیا از لب دلنشین افتد — که از صد قطره نیسان یکی درّ ثمین افتد[1562]

قاضی اسد الله قهپایی کاشانی

قاضی اسد الله قهپایه‌ای، عارف سالك و ادیب شاعر، در کوهپایه متولّد شد، و در اصفهان تحصیل کرد؛ سپس به تصوّف روی آورد، و به شیخ مؤمن مشهدی و شیخ کمال سبزواری دست ارادت داد، و عاقبت الامر در کاشان ساکن شد، و سالیان دراز به عبادت و ریاضت پرداخت، و مریدان بسیار گرد او جمع شدند.[1563] وی در سال 1048 ق وفات یافت[1564]، و در مقبره شاه شمس در بیدگل کاشان مدفون شد[1565]. دیوان اشعار او حدود 3500 بیت دارد که در کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی نگهداری می‌شود.[1566] از اشعار او است:

ای آنکه تویی محرم راز همه‌کس — شرمنده راز تو نیاز همه‌کس

چون دشمن و دوست مظهر ذات تواند — از بهر تو می‌کشم ناز همه‌کس

1560 . گرکویه، ص 323.
1561 . آیینه اهل‌قلم، صص 64- 65؛ سیمای دانشوران، صص 113- 115؛ حکایت پارسایی، صص 44- 46؛ گنجینه دانشمندان، ج 8، ص 88.
1562 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 190.
1563 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 300؛ الذّریعة، ج 9، ص 71.
1564 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 252.
1565 . فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 2، ص 157.
1566 . فهرست مرعشی، ج 15، ص 220.

اسد الله مطربی جرقویه‌ای*

اسد الله مطربی پیکانی، از موسیقی‌دانان اواخر دوره قاجاریّه است. وی در قریه پیکان جرقویه اصفهان ساکن، و در نواختن تار و سنتور، استاد بوده است. او به دستگاه‌های

موسیقی ایرانی آشنا بوده، و سفری به ترکمنستان رفته، و در عشق‌آباد به اجرای برنامه پرداخته است.[1567]

سید اسد الله مرعشی

خلیفه سیّد اسد الله مرعشی اصفهانی متخلّص به «ملولی» عالم فاضل ادیب شاعر. از افاضل سادات عالی‌قدر مرعشی در اصفهان بوده، و تولیّت آستان قدس رضوی را برعهده داشته، و سرانجام در سال 969 ق وفات یافته است. صاحب اعیان الشّیعة مقبره او را در قبرستان ستّی فاطمه می‌نویسد. کتب زیر از تألیفات او است: 1. حواشی بر شرح تجرید 2. حواشی بر شرح چغمینی 3. حواشی بر شرایع 4. حواشی بر قواعد علّامه 5. حواشی بر کافی 6. دیوان اشعار. این بیت از او است:

طرفه حالیست که آن آتش سوزان ز برم دورتر آنچه رود، بیشترم می‌سوزد[1568]

اسد الله منجّم اصفهانی

اسد الله منجّم اصفهانی، از فضلاء و ریاضی‌دانان قرن سیزدهم هجری می‌باشد. در هندوستان ساکن بوده، و تاریخ فرس قدیم و تاریخ یزدگردی با ذکر چند فتوی دراین‌باره را در سال 1244 ق تألیف نموده است. میکروفیلم این نسخه، ضمن مجموعه شماره 999 در کتابخانه دانشگاه تهران موجود، و اصل آن در کتابخانه بادلیان محفوظ است.[1569]

اسد الله خان وثیق

اسد الله خان وثیق الدّوله انصاری اصفهانی، از نویسندگان و ادبای معاصر. از آثار او

عجز بشر، در سال 1325 قمری در تهران به چاپ رسیده است. [صاحب عنوان فرزند میرزا حبیب الله مشیر الملك بوده است.

او اوّلین رئیس بلدیّه اصفهان بوده، و سپس به عضویّت انجمن ایالتی اصفهان درآمده است].

سیّد اسد الله هدایی*

حاج سیّد اسد الله هدایی، عالم فاضل، متوفّی در ماه ذی حجّة الحرام 1369 ق مدفون در تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان.

اسعد اصفهانی

[1567] . گرکویه، صص 329- 330.

[1568] . اعیان الشّیعة، ج 11، ص 104؛ الذّریعة، ج 9، ص 101؛ آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص 1008- 1009؛ تذکره هفت اقلیم، ج 2، ص 405؛ مزارات اصفهان، صص 246- 247؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 252- 253؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص 258.

[1569] . فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه، ص 552.

ابو الفخر اسعد بن سعید بن محمود اصفهانی از محدّثین قرن هفتم هجری است. وی در سال 607 ق متولّد شده، و مقدسی در اصفهان از او حدیث شنیده است.[1570]

اسفندیار معتمدی*

اسفندیار معتمدی، نویسنده و پژوهشگر معاصر، در 28 بهمن 1317 ش در روستای سده لنجان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در اصفهان طی نمود، و از سال 1336 به تحصیل در دانشسرای عالی در تهران پرداخت، و به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) درآمد، و در دبیرستان‌های شهرضا و اصفهان به تدریس پرداخت. از سال 1353 ش جهت ادامه تحصیل در رشته مدیریّت دولتی به تهران نقل مکان نمود، و سال‌ها در سازمان کتاب‌های درسی به تدوین و تألیف کتاب‌های مورد نیاز مدارس آموزش و پرورش پرداخت تا اینکه در سال 1360 ش به درخواست خود بازنشسته شد. برخی از تألیفات و آثار علمی چاپ‌شده او عبارت‌اند از:

1. ابو ریحان و ریحانه 2. بنو موسی 3. پرسش‌های ابو ریحان و پاسخ‌های ابن سینا.

اسفندیار بیگ «انیس»

اسفندیار بیگ متخلّص «انیس» از امرای شاه‌عبّاس اوّل صفوی است. شعر نیز می‌سروده، از آثار او مدرسه اسفندیار بیك است که آن را در محلّه چرخاب اصفهان ساخته است. وی در سال 1023 وفات یافته است.[1571]

اسفندیار مشرف شهرکردی

اسفندیار مشرف الملك شهرکردی متخلّص به «مشرف» فرزند مشرف الملك دهکردی شاعر ادیب، در سال 1312 ش در شهرکرد متولّد شد، و تحصیلات ابتدایی و متوسّطه خود را در اصفهان انجام داد. سپس در تهران به تحصیلات عالیه مشغول شد. در شعر و ادب، دارای ذوقی سرشار بوده، و در سال 1330 ش در اصفهان کتاب گل‌های نوشکفته از آثار او به چاپ رسیده که شامل مقداری از اشعار او است، این ابیات از او است:

همزبانی به از کتاب مجو — راز دل را به‌جز کتاب مگو

بی‌تکبّر رفاقتش با تو — به تو آموزد آنچه پرسی از او

هست یکرنگ و یك‌زبان دائم — نیست یاری چو وی عزیز و نکو

به حقایق تو را بود رهبر — عقل و هوشت همی‌دهد نیرو[1572]

اسکندر زاهد

ابو المحاسن اسکندر بن حاجی بن احمد بن علیّ بن احمد خیارجی زاهد، از محدّثین و دانشمندان قرن پنجم هجری. او به ورع، زهد و صلابت در دین و نیك خلقی معروف بود. یحیی بن عبد الوهاب بن منده در کتاب طبقات اهل اصفهان گوید: به اصفهان آمد، و از هبة الله بن زاذان روایت می‌کرد، و بزرگان شهر، از او استماع حدیث کردند.

سرانجام، فداییان اسماعیلی در 24 شعبان 495 ق او را کشتند. قبر او در «سهره هیزه»

[1570] . جعفر بن ابی طالب(ع)، ص 25.
[1571] . تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج 3، ص 306.
[1572] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص 449- 450.

می‌باشد.[1573]

اسکندر میرزا اصفهانی

اسکندر میرزا فرزند محمّد ولی میرزا، از تحصیل کرده‌های دار الفنون بوده، و پس از فراغت از تحصیل، به اصفهان آمده، و به طبابت اشتغال جسته است. طبیبی ماهر و حاذق، و چندی نزد ظلّ السّلطان به طبابت مشغول بود.

وفاتش پس از سال 1330 ق روی داده است، و قبر او در مقبره آخوند ملّا محمّد حسین کرمانی است. ظاهرا وی مؤلّف طبّ جدید است که اکنون در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد نگهداری می‌شود.[1574]

اسکندر بیك منشی*

اسکندر بیك منشی ترکمان فراهی، مورّخ، منشی، ادیب و شاعر نامدار عصر صفویّه.

وی در سال 948 ق متولّد شده، و در جوانی به تحصیل پرداخته، و در انواع علوم ادبی و ریاضی، خصوصا انشاء و سیاق، مهارت یافته است تا حدّی که شاه‌عبّاس صفوی او را به خدمت خویش خواند، و منشی مخصوص خویش گردانید. وی در سال 1043 ق وفات یافت. تاریخ عالم‌آرای عبّاسی اثر مشهور او است که در سال 1025 ق آن را در تاریخ وقایع عصر صفویّه تألیف نموده، و بارها به چاپ رسیده است. وی طبع شعر داشته، و در مادّه تاریخ‌گویی مهارت داشته است.[1575]

امامزاده اسماعیل

جناب امامزاده اسماعیل علیه السّلام، [از امامزادگان واجب التّعظیم اصفهان، مدفون در محلّه

گلبهار است، و بر سر مزار او بقعه‌ای شکوهمند در عصر صفویّه بنا نهاده‌اند که از آثار تاریخی اصفهان به شمار می‌رود]. در کتیبه سردر امامزاده، از او به عنوان «اسماعیل جالب الحجارة بن حسن بن زید بن الامام حسن السّبط الشّهید» یاد شده است. در برخی کتب، مدفون در این امامزاده را اسماعیل دیباج اکبر فرزند ابراهیم فرزند حسن مثنّی فرزند امام حسن مجتبی علیه السّلام دانسته‌اند، و برحسب آنچه معروف است، آن جناب، جدّ سادات طباطبایی است.

برخی هم او را اسماعیل بن زید بن حسن مثنی ذکر کرده‌اند.[1576]

اسماعیل اصفهانی

قاضی اسماعیل اصفهانی گجراتی، از علمای هند و معاصر سلطان محمود[1577].

ملّا اسماعیل اصفهانی

ملّا اسماعیل اصفهانی، فاضل خطّاط قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری در اصفهان، از آثارش کتابت نسخه‌ای از مفتاح الفلاح تألیف آخوند ملّا اسماعیل خواجویی است که آن را به خطّ نسخ کتابت نموده، نسخه در کتابخانه مسجد گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است.[1578]

محمّد اسماعیل اصفهانی

از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. یك نسخه ادعیه به خطّ نسخ زیبای او در مجموعه مرتضی عبد الرّسولی وجود داشته است. تاریخ کتابت این نسخه 1246 ق است].

1573 . تعلیقات نقض، ج 2، ص 1061.
1574 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 263؛ مزارات اصفهان، ص 220؛ فهرست گوهرشاد، ص 150.
1575 . فهرست کتابخانه استانبول، صص 287- 288؛ تذکره نصرآبادی، ج 2، ص 702؛ تاریخ عالم‌آرای عبّاسی، مقدّمه.
1576 . مزارات اصفهان، صص 102- 103؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 187؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 384- 38.
1577 . تذکره علمای هند، ص 261.
1578 . فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد، ص 397.

وی در سال 1249 قرآنی به خطّ نسخ، جهت فتحعلی شاه قاجار نوشته که به شماره 1486

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1579]

قرآن یادشده شامل سوره‌های «یس»، «الرّحمن»، «جمعه» و «نبأ» می‌باشد.

شیخ اسماعیل اصفهانی کاظمینی

شیخ اسماعیل اصفهانی کاظمینی، از فضلاء و صلحاء بوده، و در 1330 ق در کاظمین وفات یافت.[1580]

اسماعیل

اسماعیل بن حاج ابراهیم، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. ظاهرا از شاگردان ملّا محمّد باقر سبزواری بوده، و در اصفهان اقامت داشته است. وی نسخه‌ای از ذخیرة المعاد را در سال 1128 ق کتابت نموده است.[1581]

میرزا اسماعیل خان مصلح السّلطنه

میرزا اسماعیل خان مصلح السّلطنه صدری متخلّص به «مصلح» فرزند محمّد ابراهیم خان بن حاج محمّد حسین خان صدر اعظم اصفهانی شاعر ادیب، مادرش خدیجه خانم ملقّب به عصمت الدّوله دختر فتحعلی شاه بوده، و خود او در سال 1260 ق در اصفهان متولّد شده، و علم و ادب آموخته است. وی تفنگ‌چی‌باشی ظلّ السّلطان حاکم اصفهان بوده، و در سال 1346 ق در سنّ 86 سالگی وفات یافته، و در تخت فولاد، تکیه ملك مدفون شده [است]. از آثار او: 1. نخجیرنامه، در آداب شکار زدن، مطبوع 2. دیوان اشعار.

این شعر از او است:

زلفت چو سنبل است، و خم اندر خم اوفتد — رویت چو ماه روشن و این مه کم اوفتد

رویت عرق کند به خجالت به نزد دوست — آن‌سان که صبح بر گل تر، شبنم اوفتد

دل از کفم ربودی و سخنش را نگاه دار — زیرا در این زمانه، چنین دل کم اوفتد[1582]

اسماعیل ثقفی

ابو اسحاق اسماعیل بن ابراهیم بن صبیح ثقفی، از محدّثین اصفهان است از سعدویه، سهل بن عثمان و شاذکونی حدیث روایت می‌کند.[1583]

1579 . احوال و آثار خوشنویسان، ج 4، ص 1140؛ فهرست دانشگاه، ج 8، ص 137.
1580 . نقباء البشر، ج 1، ص 9.
1581 . فهرست رضوی، ج 5، ص 424؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص 73.
1582 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 199؛ مکارم الآثار، ج 5، ص 1632؛ نقباء البشر، ج 1، صص 150- 151؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 265؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 202.

میرزا اسماعیل اصفهانی «دردی»

میرزا اسماعیل متخلّص به «دردی» فرزند میرزا محمّد ابراهیم ساغر اصفهانی شاعر ادیب، نویسنده و خطّاط، در قرن 14 هجری می‌زیسته، از اصفهان به هندوستان مهاجرت نموده، و در اسکندرآباد ساکن شده، از کتب او است:

1. امراض مسلمانان و ادویه آن‌ها 2. تجارب من و آراء خود من 3. تعویض جان و روح ایمان 4. محبوب الاخلاق، منظوم 5. همدردی 6. رساله در تغییر رسم الخط 7. تاریخ جهان[1584].

اسماعیل ابوی

اسماعیل بن ابی زید الابوی، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف متقدّمین، و در شمار دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء آورده است.[1585]

میر محمّد اسماعیل اعرجی

میر محمّد اسماعیل بن میر ابو صالح بن امیر عبد الرزّاق حسینی اعرجی سبزواری

اصفهانی، عالم فاضل، واعظ کامل در این شهر سکونت داشته، و تحصیل نموده است. امام جماعت مسجد جامع جدید عبّاسی [مسجد امام فعلی] بوده، و در آنجا وعظ و ارشاد می‌نموده است. وفات او ظاهرا در اواخر قرن دوازدهم یا اوایل قرن سیزدهم بوده، و او را سه پسر است به نام‌های میر محمّد رفیع، میر محمّد تقی، شیخ الاسلام ماربین و میر محمّد باقر.

صاحب عنوان، تألیفاتی داشته که از آن جمله است: 1. رساله‌ای در اصول دین 2. رساله‌ای در تجوید 3. کتابی در ادعیه.[1586]

سیّد اسماعیل طباطبایی

اسماعیل طباطبایی اصفهانی بن میر ابو طالب، از فضلاء قرن سیزدهم هجری قمری و ظاهرا از شاگردان مرحوم سیّد حجّت الاسلام بیدآبادی است. از آثارش کتابت نسخه‌ای است از رجال مرحوم حجّت الاسلام شفتی بیدآبادی در ترجمه اسحاق بن عمّار که آن را در چهارشنبه اوّل محرّم سال 1246 ق به خطّ نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره 1249 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم موجود است. میرزا زین العابدین شهشهانی فرزند محمّد علی سبزواری از شاگردان او است که در مجموعه 1540 کتابخانه آیت‌الله مرعشی ذکری از او شده است.[1587]

اسماعیل عطّار

ابو شکر اسماعیل بن ابی الفضل بن علی عطّار اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. او سبط ظفر بن عبد الرّحیم اصفهانی است. قبل از سال 460 ق متولّد شده است. سمعانی از او چنین یاد می‌کند؛ «شیخ صالح سدید، من اهل الخیر. له ثروة و نعمه». او از ابو عبد الله قاسم ثقفی استماع حدیث نموده [است]. ابو سعد سمعانی از او روایت حدیث می‌کند.[1588]

میرزا اسماعیل کلباسی

میرزا اسماعیل بن میرزا ابو القاسم شیخ العراقین بن آقا محمّد مهدی بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، از علماء و فضلای نجف اشرف بوده است. [در سال 1342 ق وفات یافت، و جنب قبر پدرش واقع در مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری، در صحن مطهّر مرقد حضرت علی علیه السّلام مدفون شد][1589].

1583 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 214.
1584 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 99؛ مؤلّفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج 1، ص 588؛ فهرست مرعشی، ج 7، ص 36.
1585 . محاسن اصفهان، ص 32.
1586 . ارشاد المسلمین، ص 33؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 265.
1587 . فهرست مرعشی، ج 4، ص 52؛ بیان المفاخر، ج 1، ص 267.
1588 . التّحبیر، ج 1، ص 116.

میر محمّد اسماعیل خاتون‌آبادی

میر محمّد اسماعیل بن میر ابو المحسن بن میر محمّد اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی از فضلای قرن سیزدهم هجری است. وی در سال 1263 ق وفات یافت، و در تکیه خاتون‌آبادی در تخت فولاد مدفون شد. مسجد میر ابو المحسن در محلّه پاقلعه اصفهان منسوب به پدر او است.[1590]

اسماعیل ثقفی

ابو اسحاق اسماعیل بن احمد بن اسید ثقفی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از محدّثین مکّه، کوفه و بصره روایت نموده است. وفات او در ربیع الآخر 282 ق روی داد. از اسماعیل بن موسی روایت می‌کند، و عبد الله بن حسن بن بندار در کتابش از او نقل حدیث نموده است. از تألیفات او: المسند و التّفسیر می‌باشد.[1591]

محمّد اسماعیل خوانساری

محمّد اسماعیل بن احمد خوانساری، از خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری

است. از آثار او کتابت کتابی در امامت، تألیف حاج سیّد اسد الله بیدآبادی است که در کتابخانه فاضل ارجمند، آقای شفتی نگهداری می‌شود. کتاب در سال 1293 ق کتابت شده، و عبد العظیم اصفهانی در شهر رجب 1293 آن را تصحیح و مقابله نموده است.[1592]

آقا محمّد اسماعیل خوراسکانی

آقا محمّد اسماعیل فرزند آخوند ملّا احمد خوراسکانی، عالم فاضل، از زندگانی او اطّلاعی در دست نیست. در 24 ذی‌حجّه 1284 ق وفات یافت، و در تخت فولاد نزدیك بقعه فیض مدفون گردید.[1593]

سیّد اسماعیل سبزواری

سیّد اسماعیل حسینی اصفهانی سبزواری فرزند سیّد اسد الله عالم فقیه، در نجف اشرف خدمت حاج میرزا حبیب الله رشتی تلمّذ نموده، و در سال 1322 در کربلا وفات یافته است.[1594]

میر محمّد اسماعیل خاتون‌آبادی

میر محمّد اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی فرزند سیّد محمّد باقر بن میر محمّد اسماعیل عالم فاضل، عابد زاهد، فقیه حکیم مفسّر، در دوشنبه 16 ربیع الثّانی سال 1031 ق متولّد شد. از شاگردان ملّا محمّد تقی مجلسی، میرزا رفیعا نایینی، ملّا رجبعلی تبریزی بوده، و از ملّا محمّد تقی مجلسی و سیّد محمد جزایری اجازه دریافت نموده است. سال‌ها امام جماعت و مدرّس جامع جدید عبّاسی [مسجد امام فعلی] بود، و شاگردان بسیاری تربیت نمود. در اواخر عمر، در تخت فولاد مدرسه‌ای بنا نمود، و به تدریس و تألیف و عبادت در آن مدرسه مشغول شد. وی سرانجام در سال 1116 ق وفات یافت، و در مدرسه خود در

تخت فولاد، نزدیك تکیه آخوند ملّا محمّد زکی مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات او است:

1589 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 956؛ خاندان کلباسی، ص 155.
1590 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 199؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 266؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 112.
1591 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 212؛ الاعلام، ج 1، ص 303؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« اسماعیل»، ص 2502؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 316.
1592 . بیان المفاخر، ج 2، ص 270.
1593 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 266؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 169؛ خورشید جی، صص 293- 294.
1594 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 267.

1. اعتقادیّه، به فارسی، موجود در کتابخانه مجلس 2. انموذج العلوم، به عربی، موجود در کتابخانه مجلس 3. التّحفة الرّضویة در شرح حدیث عمران صابی، جزو کتب اهدایی آقای مشکاة به دانشگاه تهران 4. تفسیر قرآن، چهارده جلد که سوره جمعه تا تحریم، در کتابخانه مجلس موجود است 5. تقویم الایمان و تحقیق الایقان به فارسی، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی 6. تنقیح العقائد یا تنقیح المقاصد، به عربی، موجود در کتابخانه مجلس 7. جامع الاخبار و الفتاوی 8. الجبر و الاختیار، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی 9. حاشیه بر الهیّات شفا، موجود در کتابخانه دانشکده الهیّات دانشگاه تهران 10. حاشیه بر شرح اشارات 11. زاد المسافرین و تحفة السّالکین، به فارسی، موجود در کتابخانه مجلس 12. شرح اصول کافی در پنج جلد 13. شرح عقاید ملّا جلال دوانی بر عقاید عضد الدّین ایجی، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران 14. شرح عقاید شیخ صدوق، موجود در کتابخانه دانشکده الهیّات دانشگاه تهران 15. صلاة الجمعة، موجود در کتابخانه مجلس 16. معالم الدّین، در اصول دین، به عربی موجود در کتابخانه مجلس 17.

منهاج الیقین در اصول دین، موجود در کتابخانه مجلس.[1595]

شیخ محمّد اسماعیل نجفی

حاج شیخ محمّد اسماعیل نجفی فرزند حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی نجفی عالم فاضل فقیه مجتهد، در نیمه‌شب 27 رمضان المبارك سال 1288 ق در اصفهان متولّد شد، و

اعلام اصفهان، ص: 550

پس از تحصیلات مقدّمات علوم به عتبات عالیات مهاجرت نمود، و نزد مراجع عالی‌قدر و مجتهدین و مدرّسین آن دیار، همچون حاج میرزا حبیب الله رشتی، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، آخوند خراسانی، شیخ عبد الهدی شلیله، تحصیل کرد، و از آقا ابو الحسن اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری اجازه دریافت نمود. سپس به تدریس پرداخت، و پس از چندی به اصفهان بازگشت، و عزلت و انزوا برگزید، و تنها به اقامه نماز جماعت در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] در ظهرها قناعت نمود. سرانجام، صاحب عنوان در شب 8 ذی الحجّة الحرام سال 1370 ق در اصفهان وفات یافت، و جنازه به عتبات عالیات منتقل، و در یکی از حجرات صحن حضرت ابو الفضل العبّاس علیه السّلام مدفون گردید.

ید الله برخوردار، متخلّص به تائب، تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

به تاریخ وفاتش تائب بی‌دل چنین گفتا: »شد اسماعیل وارد در جنان از مهر یزدانی«

کتب و رسائل زیر از تألیفات حاج شیخ اسماعیل نجفی است، و هیچکدام به طبع نرسیده است: 1. رساله در استصحاب 2. رساله در اصول، تا پایان بحث عموم و خصوص 3. رساله در تعادل و تراجیح 4. رساله در اصل برائت 5. رساله در عدالت، مختصر 6.

حواشی بر رجال علّامه (خلاصه علّامه)، غیر مدوّن 7. حواشی بر کفایة الاصول، مختصر 8.

مجموعه‌ای کشکول مانند، حاوی مطالب متفرّقه.[1596]

میر محمّد اسماعیل ثالث خاتون‌آبادی

[1595] . رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج 1، صص 49- 50؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 176 و 307؛ وقایع السّنین و الاعوام، ص 505؛ تتمیم امل الآمل، ص 69؛ مصفّی المقال، صص 78- 79؛ تاریخ اصفهان و ری، ص 320؛ اعیان الشّیعة، ج 43، ص 293؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 99؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 186- 187 و 264؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص 112 و 114؛ الذّریعة، ج 24، ص 381؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 1، صص 323- 324؛ فهرست مجلس، ج 7، ص 16، ج 10، صص 1228 و 1332 و 1329- 1330 و ج 12، ص 17؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج 9، ص 975؛ فهرست اهدایی مشکاة، ج 5، ص 1199؛ فهرست الهیّات تهران، صص 531 و 569.

[1596] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 268؛ نقباء البشر، ج 1، ص 152؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 3، صص 27- 38؛ مکارم الآثار، ج 8، صص 2888- 2889.

میر محمّد اسماعیل خاتون‌آبادی معروف به میر محمّد اسماعیل ثالث فرزند میر محمّد باقر حسینی خاتون‌آبادی، عالم فاضل، فقیه محقّق، در اصفهان تحصیل کرد، و سپس در مسجد جامع جدید عبّاسی (مسجد امام) اقامه جماعت می‌نمود، و در مدرسه چهارباغ تدریس می‌کرد. سرانجام در سال 1160 ق وفات یافت، و در تکیه

اعلام اصفهان، ص: 551

خاتون‌آبادی‌ها در تخت فولاد مدفون شد.[1597]

میر محمّد اسماعیل گلستانه

میر محمّد اسماعیل بن میر محمّد باقر بن علاء الدّین محمّد گلستانه، عالم فاضل، در اصفهان نزد جمعی از فضلاء، از جمله ملّا محمّد اسماعیل مازندرانی خواجویی به تحصیل پرداخته است. وی نسخه‌ای از کتاب بشارت الشّیعة تألیف استادش خواجویی را در 9 ذی‌قعده سال 1156 ق کتابت نموده است. وی همچنین دعای علقمه را به خطّ زیبای خود نوشته است.[1598]

اسماعیل ذهبی

ابو الفتوح اسماعیل بن بختمیر بن فتکین ذهبی اصفهانی از محدّثین قرن پنجم هجری است. سمعانی درباره او گوید: «کان شیخا صالحا مستورا». تولّدش بعد از سال 460 ق بوده است. سمعانی از او یك حدیث نقل کرده است.[1599]

میرزا محمّد اسماعیل منجّم

میرزا محمّد اسماعیل بن میرزا بدیع الزّمان منجّم حسینی گنابادی از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. او همچون پدر به تحصیل نجوم و ریاضی پرداخت، و در آن علوم، مهارت کامل یافت. تصنیفات و تألیفات متعدّد از او باقی ماند. وی در سال 1230 ق در اصفهان وفات نمود، و جنازه در عتبات عالیات مدفون شد.[1600]

اعلام اصفهان، ص: 552

ملّا محمّد اسماعیل واحد العین

آخوند ملّا محمّد اسماعیل واحد العین، فرزند محمّد سمیع از فلاسفه و مدرّسین حکمت در اصفهان و از افاضل شاگردان حکیم ملّا علی نوری، و خود، در تدریس، خوش‌بیان و خوش‌تقریر بوده [است]. بسیاری از فضلاء و حکماء، از دست‌پروردگان او به شمار می‌روند؛ از جمله حاج ملا هادی سبزواری که استاد را ذو العیون می‌خوانده، و سال‌ها از محضر او مستفیض شده است. [در تبیین و تدریس حکمت متعالیه ملّا صدرا استادی کم‌نظیر بوده، و به ایرادات مخالفان ملّا صدرا همچون شیخ احمد احسایی پاسخ‌هایی درخور داده است.

صاحب عنوان، در روزهای آخر عمر به تهران عزیمت کرد، و در رکاب فتحعلی شاه به سلطانیّه رفت. در آنجا بیمار، و راهی گیلان شد، و در محرّم 1242 ق در آنجا وفات یافت]. آثار و تألیفات او عبارت‌اند از: 1. حاشیه بر اسفار 2. حاشیه بر شوارق الالهام 3.

شرح الحکمة العرشیّة، که در آن، به ایرادهای شیخ احمد احسایی به ملّا صدرا پاسخ داده، و در حواشی کتاب عرشیّه، در سال 1310 ق چاپ سنگی شده است 4. حاشیه بر مشاعر که در حواشی کتاب مشاعر در سال 1315 ق در تهران چاپ سنگی شده است.[1601]

[1597] . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 104؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 267؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 1، ص 327؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 114.

[1598] . الکواکب المنتشره، صص 65- 66؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 806؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 1، ص 321؛ الذّریعة، ج 3، ص 112.

[1599] . التّحبیر، ج 1، ص 86؛ تاریخ مدینة دمشق، ج 34، ص 243.

[1600] . مکارم الآثار، ج 8، ص 2996؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 334؛ چهل سال تاریخ ایران(المآثر و الآثار)، ج 1، ص 255.

[1601] . الذّریعة، ج 13، ص 368 و ج 6، صص 144 و 200؛ الکرام البررة، ج 1، ص 140؛ ریحانة الادب، ج 6، ص 285؛ تحریر ثانی تاریخ حکما و عرفاء؛ شرح احوال و آراء فلسفی ملا صدرا، ص 214؛ مکارم الآثار، ج 6، صص 2152- 2153؛ آشنای حق، ص 28؛

محمّد اسماعیل خواجویی ثانی

آقا محمّد اسماعیل خواجویی ثانی، فرزند محمّد جعفر بن ملّا محمّد اسماعیل خواجویی، از علماء و فضلاء اصفهان، و (احتمالا) از شاگردان آخوند ملّا علی نوری و دیگران بوده است.

در 25 ربیع الاوّل سال 1282 وفات یافت، و در تخت فولاد، در جنب قبر جدّ خویش

اعلام اصفهان، ص: 553

مدفون گردید.

کفّاش شاعر اصفهانی در مرثیه و مادّه تاریخ وفات او گوید:

زین جهان چون‌که به فرمان خداوند جلیل — کرد منزل به گلستان بقا اسماعیل

حال کفّاش به تاریخ وفاتش تو بگو: — »شد ز دنیا سوی بستان جنان اسماعیل[1602]«

[وی یکی از کسانی است که در ماه رجب سنه 1256 تصدیق بر صحّت نسب میرجهانی جوشقانی نوشته، و صورت آن در کتاب سبیکة البیضاء تألیف حاج میر محمّد حسن میرجهانی محمّدآبادی جرقویه‌ای ص 79 درج شده است. سیّد احمد دیوان‌بیگی در شرح حال محمّد حسین متخلّص به ضیاء، فرزند صاحب عنوان گوید: «پدر در پدر از فضلاء و علمای اخیار».

ملّا محمّد اسماعیل در کوشکی

حاج ملّا محمّد اسماعیل درکوشکی فرزند محمّد جعفر، حکیم فیلسوف، از اجلّه حکماء و مدرّسین اصفهان از شاگردان ملّا اسماعیل واحد العین، میرزا حسن نوری، میرزا رضی لاریجانی، ملّا عبد الجواد خراسانی و دیگران بود، و شاگردان بسیاری از محضر او مستفیض شدند؛ از جمله آخوند کاشی، جهانگیر خان قشقایی و آقا سیّد ابو القاسم دهکردی.

وفاتش در روز جمعه 15 شوّال 1304 ق روی داده و مدفنش در تخت فولاد، در جوار مرقد ملّا اسماعیل خواجویی است.[1603]

[چندین جلد کتاب در کتابخانه‌های مختلف، تألیف محمّد اسماعیل بن محمّد جعفر

اعلام اصفهان، ص: 554

اصفهانی است که به احتمال قوی، همین ملّا محمّد اسماعیل درکوشکی است] از جمله: 1.

جلوات ناصریّه، در توحید، به فارسی[1604]، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران جزو کتب اهدایی آقای مشکاة به دانشگاه[1605] و نسخه دیگر، موجود در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی مشهد[1606]، و نسخه دیگر موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی[1607] 2.

مقالات ادبی، صص 429- 432؛ قصص العلماء، ص 151؛ الشّواهد الرّبوبیّة، مقدّمه، ص صد و شانزده؛ فهرست مجلس، ج 35، ص 406؛ فهرست کتاب‌های چاپی عربی، ص 295؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 273- 274.

[1602] . مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص 74- 75؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 198؛ دانشمندان بزرگان اصفهان، ج 1، صص 269- 270؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 114.

[1603] . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 52؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 269؛ زندگانی آیت‌الله چهارسوقی، صص 191- 193؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 116.

[1604] . الذّریعة، ج 5، ص 127.

[1605] . فهرست اهدایی مشکاة، ج 3، ص 223؛ الذّریعة.

[1606] . فهرست الهیّات مشهد، ج 1، ص 397.

[1607] . فهرست مجلس، ج 6، صص 80- 82.

شرح حدیث رأس الجالوت[1608] 4. رساله در اثبات سکون زمین، موجود در کتابخانه آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی[1609]

میرزا اسماعیل قائنی

میرزا اسماعیل قائنی بیرجندی اصفهانی فرزند محمّد جعفر، عالم فاضل ادیب عارف نیمه اوّل قرن سیزدهم هجری. از خراسان به اصفهان آمده، و در آنجا به تحصیل پرداخت و تألیفاتی از خود به جای نهاد[1610] که از آن جمله است: 1. ارجوزة فی الاصول[1611] 2.

ثمرة الارواح، در رمل موجود در کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی[1612] 3. نظم اللئالی در اصول فقه، ظاهرا همان ارجوزه است، موجود در کتابخانه بروجردی در نجف[1613].

حسیّد اسماعیل هاشمی

حاج سیّد اسماعیل بن آقا سیّد محمّد حسن بن سیّد ابراهیم موسوی طالخونچه‌ای، عالم عامل و فاضل کامل. در حدود سال 1330 ق در قریه «طالخونچه» از بلوك سمیرم متولّد شد. مقدّمات علوم را نزد پدر و برادر بزرگ خود سیّد علی اکبر هاشمی فرا گرفت، و سپس در اصفهان نزد آقا شیخ محمّد رضا نجفی، حاج شیخ مهدی نجفی، سیّد زین العابدین طباطبایی ابرقویی، شیخ محمّد جواد بیدآبادی و استاد همایی تحصیل نمود. آن‌گاه برای

تکمیل تحصیلات خود به قم رفت، و نزد علمای اعلام و آیات عظام، سیّد محمّد رضا گلپایگانی، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، شیخ محمّد رضا جرقویه‌ای، سیّد محمّد حجّت، سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد صدر الدّین صدر و فاضل لنکرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس به اصفهان بازگشت، و در قریه «قمبوان» ساکن شد. پس از سال‌ها به اصفهان آمد، و به تدریس، ارشاد و هدایت مردم و اقامه جماعت پرداخت. وی نماینده استان اصفهان در مجلس خبرگان بود و در چندین مؤسسه خیریه عضویت داشت.

او در 28 جمادی الاوّل 1420 ق وفات یافت، و در بقعه علّامه مجلسی مدفون گردید. کتب زیر از او است:

1. اربعین به نام ملتقطات 2. دیوان اشعار 3. ذریعة الزّائر یا رهبر زوّار، مطبوع 4. درّة البیضاء فی فضائل سیّد النّساء 5. شهادة الشّهداء، در شرح و ترجمه لوح حضرت زهرا- سلام الله علیها-، مطبوع 6. ضیاء البشر در رد شیخیّه کریمخانیّه 7. لؤلؤ درخشان در صفات بهترین زنان 8. مجموعه‌ای در ردّ صوفیّه 9. هدایة الاخوان، درباره حقوق برادران.[1614]

سیّد اسماعیل سدهی

سیّد اسماعیل سدهی اصفهانی بن سیّد حسن موسوی، عالم فاضل، در سال 1306 ق در محلّه درب سیّد محلّه فروشان بیده متولّد شد. مقدّمات را نزد دایی خود میرزا عبد الرّحیم و برخی از علمای اصفهان خواند، و سپس راهی نجف اشرف گردید، و از درس آخوند خراسانی، شیخ علی گنابادی، شیخ اسماعیل محلّاتی، میرزا حسین نایینی، آقا ضیاء الدّین عراقی و سیّد ابو تراب خوانساری بهره گرفت، و در علوم عقلی نیز در درس شیخ عبد الحسین رشتی و سیّد حسین بادکوبی حاضر شد. وی در شب دوشنبه 5 شوّال 1373 ق وفات یافت، در صحن شریف مجاور مقبره معین التجّار اصفهانی مدفون شد. از وی تقریرات فقه و اصول و رساله‌های مستقل به صورت ناقص، نزد فرزند مؤلّف، سیّد محمّد

باقی مانده است.[1615]

1608 . مکارم الآثار، ج 7، ص 2739.
1609 . فهرست گلپایگانی، ج 2، صص 81 و 84.
1610 . مقالات ادبی، همایی، ص 440.
1611 . تراجم الرّجال، ج 1، ص 108.
1612 . فهرست مرعشی، ج 14، صص 217- 218.
1613 . الذّریعة، ج 1، ص 457 و ج 24، ص 24.
1614 . یادنامه آیت‌الله حاج سیّد اسماعیل هاشمی؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 2، صص 287- 289؛ مزارات اصفهان، ص 44؛ مدرّس مجاهدی شکست‌ناپذیر، صص 220- 221؛ سیمای دهاقان، صص 296- 298.

شیخ اسماعیل تاج الواعظین

(شیخ اسماعیل تاج الواعظین واعظ با اخلاص و وارسته. دارای صدایی دلنشین و آوازی گیرا بود و ازاین‌رو شهرت و محبوبیت زیادی در بین مردم داشت. وی در 31 مرداد 1326 ش وفات یافت و در تکیه سید العراقین مدفون شد.

(صغیر اصفهانی ماده تاریخ وفاتش را چنین گفته: قربانی دوست کرد جان اسماعیل)[1616]

ملّا محمّد اسماعیل خواجویی

ملّا محمّد اسماعیل بن محمّد حسین بن محمّد رضا بن علاء الدّین محمّد مازندرانی معروف به ملّا اسماعیل خواجویی. عالم فاضل و حکیم کامل محقّق مدقّق، از اکابر فقهاء مجتهدین، و از اعاظم حکماء و مدرّسین. اصلا از اهالی مازندران است؛ امّا به مناسبت سکونت در محلّه خواجوی اصفهان، به خواجویی شهرت یافته است. از اساتید او اطّلاعی نداریم، خود او نیز در تألیفاتش به نام اساتید خود اشاره نکرده است؛ امّا از برخی منابع برمی‌آید که از شیخ حسین ماحوزی اجازه نقل روایت دارد، و احتمال دارد از شاگردان محضر آخوند ملّا محمّد جعفر کرباسی صاحب کتاب طباشیر، و همچنین فاضل هندی، فاضل سراب و ملّا محمّد صادق اردستانی باشد.

[زندگانی او با فتنه افغان مصادف بوده، و در جریان محاصره اصفهان و تسلّط افغان‌ها، گرانی و قحطی و بیماری‌ها و قتل عام مردم اصفهان، رنج‌ها دیده، و آزارها کشیده است.

پس از ظهور نادر، و رفع فتنه افاغنه، کمر به احیای حوزه علمیّه اصفهان بسته، و فضلاء و اهل علم را گرد آورده، و مجالس و محافل تدریس و بحث را رونق داده، و به اشاعه فقه و کلام و حکمت، اهتمام ورزیده است.

او در انواع علوم زمان خود ماهر بوده، و خصوصا در تدریس شفا مهارتی بسزا داشته است. از حافظه‌ای قوی برخوردار بوده، و خطّ نستعلیق را خوش می‌نوشته است. این عالم عالی‌قدر، در دنیا به قلیلی از خوراك و پوشاك اکتفا کرده، و نظر خود را از ما سوی الله قطع نموده بود؛ لاجرم، مستجاب الدّعوه بود، و کراماتی از او به ظهور رسید. در مقابل سخن حق، تسلیم و صاحب هیبتی عظیم بود. بزرگ و کوچك و شاه و گدا او را احترام می‌کردند و صاحبان جلالت و سلطنت، در تفخیم او دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کردند. تا جایی که نادر شاه افشار با آن‌همه سطوت و صولتی که داشت، و به فضلاء و اعاظم علمای عصر خود اعتنایی نمی‌کرد، وی را مورد عنایت خاصّه قرار داده بود، و فرمان او را امتثال می‌کرد، درحالی‌که آن بزرگمرد، به مقام و عظمت نادر، بی‌اعتنا بود].

بسیاری از علماء و فضلاء، از محضر درس او مستفیض شده‌اند که از آن جمله‌اند:

آقا محمّد بیدآبادی، میرزا ابو القاسم مدرّس، ملّا مهدی نراقی و ملّا محراب گیلانی.

صاحب عنوان در 11 شعبان 1173 ق در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد، نزدیك مزار فاضل هندی مدفون گردید. [میرزا عبد النّبی قزوینی در تتمیم امل الآمل سال وفات او را 1177 ق ذکر نموده است، و احتمال اینکه اشتباه، از کاتب نسخه باشد زیاد است. شیخ عبّاس قمی در فوائد الرّضویة و جمعی پنداشته‌اند که ما دو نفر ملّا اسماعیل خواجویی در یك‌زمان داشته‌ایم، یك نفر فقیه، متوفّی به سال 1173، و یك نفر حکیم و فیلسوف، متوفّی به سال 1177 که این ادّعا ناشی از اشتباه رامیافته به کتاب تتمیم امل الآمل، و به کلّی مردود است]. در تاریخ وفات او [به حساب ابجد] گفته‌اند:

«نوّر الله الجلیل مقبرته» «رفع الله فی الجنان منزلته»

دبیر، شاعر اصفهانی در مرثیّه‌ای که در حاشیه سنگ لوح مزار خواجویی نقر گردیده، مادّه تاریخ وفات او را چنین می‌گوید:

1615 . نقباء البشر، ج 1، ص 155؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 271.

1616 . جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

[تا این اواخر، قبر او به صورت سکویی در وسط قبرستان باقی بود، تا اینکه شهرداری اصفهان، بقعه‌ای بر سر قبر او احداث کرد].

تألیفات او را اعمّ از کتاب و رساله، بیش از یك‌صد و پنجاه کتاب نوشته‌اند که اغلب به

چاپ رسیده است، و از آن جمله است:

1. ابطال زمان الموهوم، [چاپ شده در کتاب سبع رسائل] 2. الاربعون حدیثا، [چاپ شده] 2. بشارات الشّیعة، [چاپ شده] 3. تجسّم اعمال، [چاپ شده] 4. ترجمه مناظره مأمونیّه، [به چاپ رسیده است] 5. تعلیقه بر اربعین حدیث شیخ بهایی [چاپ شده] 6.

تعلیقه بر اثنی‌عشریّه صومیّه شیخ بهایی، [چاپ شده] 8. تعلیقه بر مفتاح الفلاح شیخ بهایی [چاپ شده] 9. ردّ بر وحدت وجود، به فارسی، [چاپ شده] 10. جامع الشّتّات [چاپ شده] 11. رسائل در اجل محتوم، [چاپ شده] 12. سهو النّبی، [چاپ شده] 13. الفوائد الرّجالیّة، [چاپ شده] 14. مفتاح الفلاح فی شرح دعاء الصّباح، [چاپ شده] 15. هدایة الفؤاد، [چاپ شده] 16. حاشیه بر مدارك، در دو جلد [مخطوط] 17. حاشیه بر تفسیر صافی، [مخطوط] 18. حاشیه بر زبدة البیان، [مخطوط][1617].

اسماعیل مبارکه‌ای لنجانی

اسماعیل بن حسین مبارکه‌ای لنجانی اصفهانی، از خطّاطان قرن سیزدهم هجری. از آثار او نسخه‌ای از حیاة القلوب تألیف علّامه مجلسی است که در 26 محرّم 1245 به خطّ نستعلیق، از کتابت آن فراغت یافته است. نسخه آن به شماره 3107 در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.[1618]

1619

اسماعیل نایینی*

اسماعیل بن حسین نایینی، از فضلای قرن دهم هجری است. وی ظاهرا به تحصیل طب در اصفهان مشغول، و در مدرسه دیلمیّه اصفهان ساکن بوده است. وی در این مدرسه، کتاب‌های مختصر در طب، اثر چغمینی و فصول الایلاقیّه یا معالجات که از چغمینی است را در سال 980 ق کتابت نموده، و نسخه، در کتابخانه مجلس سنای سابق موجود بوده است.[1620]

[1617] . سیری در تاریخ تخت فولاد، صص 115- 116؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص 307 و 175 و 260؛ آشنای حق، صص 28- 31؛ مقالات ادبی، ج 1، ص 328، شرح روضات الجنّات، ج 1، صص 296- 307؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج 1، صص 316- 318؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 53- 55؛ تتمیم امل الآمل، صص 67- 69؛ تجربة الاحرار، ص 150؛ الذّریعة، ج 1، ص 410 و 70، ج 2، ص 321، ج 6، صص 13 و 196، ج 5، ص 541، ج 13، صص 116 و 311، ج 14، صص 62 و 252، ج 16، صص 60 و 337، ج 21، ص 330 و ج 25، صص 186 و 54؛ روضات الجنّات، ج 1، ص 114؛ ریحانة الادب، ج 2، ص 105؛ الکنی و الالقاب، ج 2، ص 200؛ فوائد الرّضویة، ج 1، صص 52- 53؛ خدمت متقابل اسلام و ایران، ص 952؛ نجوم السّماء، ص 268؛ اعیان الشّیعة، ج 43، ص 293؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص 74- 75؛ گلشن مراد، ص 391؛ مکارم الآثار، ج 7، صص 2421- 2422؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 272- 273.

[1618] . فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج 1، ص 92.

[1619] مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

اسماعیل اشعری

اسماعیل بن حماد بن ابی سلیمان مسلم، فقیه اشعری، از محدّثین اصفهان است. جدّش مسلم از اهالی رستاق برخوار اصفهان بوده، و محمّد بن یحیی بن منده از او نام برده است.

اسماعیل اشعری از ابی اسحاق سبیعی و سلیمان اعمش روایت می‌کند. معتمر بن سلیمان و خالد بن عبد الله از او نقل حدیث می‌کنند.[1621]

اسماعیل کاشف اصفهانی

آقا اسماعیل اصفهانی متخلّص به «کاشف» فرزند استاد حیدر علی معمار اصفهانی و نواده استاد محمّد علی معمار اصفهانی، شاعر ادیب هنرمند، در اصفهان ساکن، و در فنّ آجرتراشی، استاد بود، عاقبت آن شغل را ترك كرد.[1622]

در سرودن شعر، طبع روانی داشت. از تألیفات او [است]: 1. مثنوی تحفة العالم[1623] 2.

مثنوی ساقی‌نامه[1624] 3. دیوان اشعار و بنا بر آنچه از دیوان او مستفاد می‌شود، در سال 999 متولّد [شده]، و تا سال 1080 ق در قید حیات بوده، و پس از این تاریخ، وفات یافته است.[1625]

اعلام اصفهان، ص: 560

از او است:

هر جلوه که آن قدّ دلارا دارد — در صفحه سینه چون الف جا دارد

آویخته زلف مشك‌بو از چپ و راست — این مصرع رنگین چه طرف‌ها دارد

اسماعیل خان اصفهانی

اسماعیل خان اصفهانی، از اهل ذوق ادب بوده، و به خواهش او شاه محمّد بن محمّد شیرازی دارابی کتاب ریاض العارفین را در سال 1099 ق تألیف نموده است.[1626]

اسماعیل کوفی

ابو هانی اسماعیل بن خلیفه انصاری کوفی، از محدّثین قرن دوم هجری است. از موالی سعد بن عباده بود، و منصور، خلیفه عبّاسی، او را به منصب قضای اصفهان برگزید. وی در زمان خلافت مهدی عبّاسی وفات نمود.

از اسماعیل بن ابی خالد، مجالد، ثوری و مبارك بن فضاله روایت نموده، و حسین بن حفص، عامر بن ابراهیم، ابراهیم بن ایّوب، ابو سفیان و پسرش سعید بن اسماعیل از او نقل حدیث کرده‌اند.[1627]

اسماعیل بزّاز

1620 . فهرست مجلس، ج 2، ص 57.
1621 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 206؛ طبقات المحدّثین، ج 1، ص 154.
1622 . تذکره نصرآبادی، ج 1، صص 510- 511.
1623 . الذّریعة، ج 19، ص 136.
1624 . الذّریعة، ج 19، ص 199.
1625 . فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 10، ص 1796.
1626 . فهرست مرعشی، ج 5، ص 241.
1627 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 206.

اسماعیل بن داود بزّاز، از محدّثین اصفهان است. وی از ابو طالب عبد الله بن صلت روایت نموده، و احمد بن حسن تمیمی از او نقل حدیث نموده است.[1628]

اسماعیل خوانساری

اسماعیل بن محمّد خلیل خوانساری، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم

هجری است. وی در سال 1226 ق تفسیر صافی را کتابت نموده، و در سال 1228 ق، این نسخه توسّط صادق بن حاج مسیح خوانساری مقابله و تصحیح شده است. این نسخه در کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان موجود بوده است.[1629]

شیخ اسماعیل کلباسی

حاج شیخ اسماعیل کلباسی فرزند حاج میرزا محمّد رضا بن حاج عبد الرّحیم بن حاج محمّد رضا بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل و واعظ کامل، در 10 ذی‌حجّه 1322 ق متولّد شد[1630]، و نزد پدر بزرگوار خود، و بسیاری از علمای اصفهان و تهران و نجف اشرف بهره برد که از آن جمله است: آقا شیخ محمّد رضا نجفی، ملّا محمّد حسین فشارکی، آقا سیّد محمّد مدرّس نجف‌آبادی، میر سیّد علی مجتهد نجف‌آبادی، میرزا محمّد حسن داورپناه (قاضی عسکر)، میرزا یحیی بیدآبادی، شیخ علی یزدی، آقا سیّد مهدی درچه‌ای، حاج آقا صدر الدّین هاطلی کوپایی، شیخ محمود مفید، فاضل بسطامی، میرزا محمّد مهدی آشتیانی، میرزا آقا شیرازی، سیّد محمود شاهرودی، شیخ محمّد حسین آل کاشف الغطاء و محمّد طاهر تنکابنی[1631]، و از برخی از آنان اجازه دریافت نمود.

او سال‌ها در اصفهان به وعظ و خطابه و ارشاد مردم مشغول بود و باقی اوقات خود را صرف عبادت و مطالعه و تحقیق می‌نمود. مشارالیه در 26 رمضان 1397 ق در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد، در مقبره مسجد رکن الملك مدفون شد.[1632]

کتب زیر از تألیفات اوست: 1. ترجمه و شرح نفس المهموم شیخ عبّاس قمی 2. حواشی بر انیس اللّیل فی شرح دعاء کمیل پدر بزرگوارشان 3. زیارتگاه اهواز (در شرح حال علیّ بن مهزیار اهوازی، مطبوع[1633] 4. شرح نبراس حاجی سبزواری، در اسرار احکام.

شیخ اسماعیل دیهوکی طبسی

شیخ اسماعیل بن محمّد رفیع دیهوکی طبسی، عالم فاضل، از اهالی قریه «دیهوك» طبس و برادر ملّا عبد الحی دیهوکی طبسی است. همچون برادر در اصفهان به تحصیل علم مشغول بوده، و از علمای اصفهان به ویژه ملّا محمّد باقر مجلسی بهره علمی برده است. وی نسخه‌ای از رساله الاوزان و المقادیر، تألیف علّامه مجلسی را در 20 رجب 1106 ق کتابت نموده است. وفات او حدود سال 1140 ق اتّفاق افتاده است.[1634]

محمّد اسماعیل کفرانی

ملّا محمّد اسماعیل بن زین العابدین کفرانی رویدشتی اصفهانی فاضل جلیل خطّاط، از نویسندگان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. از آثارش کتابت دو نسخه از شرح زیارت جامعه از تألیفات شیخ احمد احسایی، هر دو مورّخ به سال 1266 یکی در کتابخانه دانشگاه تهران، و دیگری در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم به شماره 245 موجود است. اثر دیگر وی، کتابت وجیزة

1628 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 212؛ مقتبس الاثر، ج 4، ص 310.
1629 . فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج 1، ص 207.
1630 . تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 2، ص 289؛ خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج 2، صص 253- 254.
1631 . احوال حاجی کرباسی و اولادش، صص 71- 73؛ خاندان کلباسی، ص 220.
1632 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 123.
1633 . مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 609.
1634 . زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، ص 13؛ تلامذة العلامة المجلسی، ص 133؛ الذّریعة، ج 23، ص 31.

البحار فی مناقب الائمة الاطهار تألیف محمّد بن علی اصغر قائنی می‌باشد که در سال 1258 ق آن را به خطّ نسخ نوشته است، و به شماره 2028 در کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی در قم موجود است.[1635]

ملّا اسماعیل اصفهانی

ملّا اسماعیل بن محمّد صادق نجّار اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. از آثار او کتابت نسخه‌ای از شمسیّه است که آن را در سال 1235 به خطّ نسخ نوشته است.[1636]

اعلام اصفهان، ص: 563

اسماعیل طالقانی (صاحب بن عبّاد)

ابو القاسم اسماعیل بن ابو الحسن عبّاد بن عبّاس بن عبّاد بن احمد بن ادریس طالقانی اصفهانی ملقّب به «صاحب» و «کافی الکفاة»، عالم محدّث و ادیب شاعر و وزیر با کفایت، در 4 ذی‌قعده سال 324 (و یا بنا بر مشهور 326 ق) متولّد شده است. برخی مولد او را در اصطخر فارس، و برخی طالقان قزوین نوشته‌اند؛ امّا ثعالبی در یتیمة الدّهر او را اهل طالقان اصفهان دانسته است که ظاهرا قریه «طالخونچه» (طالقانچه) در اطراف اصفهان است. وی ابتدا نزد پدر به تحصیل پرداخت، سپس تحت تربیت ابو الفضل بن عمید قرار گرفت، و دبیر او شد. فنون ادبی، از قبیل صرف و نحو و لغت را از ابن فارس در ری کسب نمود، و از محدّثان عراق، ری و اصفهان حدیث شنید؛ از جمله ابو عمرو صبّاغ، قاضی ابو بکر احمد بن کامل بن شجره، احمد بن محمّد بن حسین رازی، ابو علی حسن بن احمد فسایی، ابو سعد حسن بن عبد الله سیرافی، ابو الفضل عبّاس بن محمّد نحوی (عرام)، ابو بکر محمّد بن حسن بن مقسم عطّار.

دانشمندان بسیاری نیز از شاگردان او به شمار می‌روند که از آن جمله‌اند: حافظ ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، ابو محمّد جعفر بن احمد بن علی ایلاقی قمی، شیخ عبد القاهر بن عبد الرّحمن جرجانی، ابو الحسن محمّد بن جعفر بن محمّد کوفی (ابن نجار) و ابو العلاء محمّد بن علیّ بن حسن همدانی رازی. در باب مذهب او گرچه عدّه‌ای او را زیدی یا معتزلی دانسته‌اند؛ امّا اکثر نویسندگان، به تشیّع او اقرار دارند، و قرائن و شواهد بسیاری همچون اشعاری که در مدح ائمّه شیعه اثنی عشر، به ویژه علیّ بن ابی طالب علیه السّلام سروده، و قول بسیاری از علمای اهل سنّت در مورد شیعه بودن او، از جمله ابن حجر عسقلانی، مؤیّد شیعه بودن او است.

علّت شهرت او به صاحب، به خاطر مصاحبت وی با مؤیّد الدّوله بوده، و عدّه‌ای گفته‌اند وی مصاحب ابو الفضل بن عمید بوده، و لقب صاحب را یافته است. وی نوزده سال در اصفهان و هفت سال در ری و گرگان وزیر مؤیّد الدّوله امیر آل بویه بود، و پس از وفات او، به پیشنهاد خود، فخر الدّوله را به امیری آل بویه برگزیدند، و دوازده سال نیز وزارت او را نمود. وی در ایّام وزارت خود، با وجود کثرت اشتغال و گرفتاری‌ها، و رفع حوائج

اعلام اصفهان، ص: 564

مراجعین، و رسیدگی به دعاوی مظلومین و رتق و فتق امور دیوانی، دائما با ادباء و علماء، مجالست و مؤانست داشته، و آثار خیریّه‌ای همچون بنای مسجد جامع جورجیر، و صفّه صاحب در مسجد جامع اصفهان را از خود به جای نهاده است. بسیاری از شعرای معاصر صاحب در مدح او شعر سروده‌اند. مقام علمی و شخصیّت صاحب به گونه‌ای بوده که در آن عهد، بسیاری از فضلاء، آثار خود را به نام صاحب نامیده بودند؛ از جمله احمد بن فارس در کتاب المجمل الصّاحبی، ابو منصور ثعالبی در کتاب لطائف المعارف، حسن بن محمّد قمی در کتاب تاریخ قم و شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرّضا علیه السّلام. او کتابخانه‌ای با چندین هزار جلد کتاب داشته که برای حمل آن به چهارصد شتر نیاز بوده است، و کتابدار آن ابو محمّد عبد الله بن احمد خازن از شعرا و فضلای اصفهان است. کتابخانه در ری بوده، و پس از آنکه سلطان محمود غزنوی ری را تصرّف کرد، بسیاری از کتاب‌های آن را سوزانید. صاحب در ماه صفر 385 ق در ری بیمار شد، و در جمعه 24 صفر وفات یافت. با مرگ او، هنگامه‌ای در ری بر پا شد، و عموم مردم و بزرگان و امرا و اشراف حکومت به همراه فخر الدّوله در تشییع او حاضر شدند. ابو العباس ضبّی بر او نماز گزارد، و سپس جنازه به اصفهان نقل شد، و در منزل او در محلّه باب دریّه (که امروزه به محلّه طوقچی معروف است) مدفون گردید.

[1635] . فهرست کتب اهدایی مشکاة به دانشگاه، ص 141؛ فهرست کتابخانه مدرسه فیضیّه قم، استادی، ج 1، ص 148؛ فهرست مرعشی، ج 6، ص 35.

[1636] . فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج 1، ص 123.

در دوره قاجاریّه، حاج محمّد ابراهیم کلباسی در تعمیر و احیاء مقبره او اقدام نمود، و در عصر حاضر، به همّت حاج شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب‌آبادی بقعه‌ای آبرومند و شایسته بر سر مزار او بنا گردید. صاحب بن عبّاد تألیفات بسیاری داشته که بسیاری از آن‌ها از بین رفته [است]، و برخی موجود می‌باشد. نگارنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی] در کتاب مزارات اصفهان در ضمن شرح حال مفصّل وی، اسامی 38 کتاب و رساله از تألیفات وی را ذکر نموده‌ام که برخی از آن‌ها به قرار زیر است: 1. الابانة عن مذهب اهل العدل 2. التّعلیل 3. تفضیل علیّ بن ابی طالب علیه السّلام 4. التّذکرة 5. جوهرة الجمهرة 6. الرّسائل الصّاحبیّة که در مصر به طبع رسیده 7. ترجمه حضرت عبد العظیم حسنی علیه السّلام 8. الزّیدیّة 9. شرح اسماء الحسنی 10. شواهد 11. العروض، در نحو 12. مختصر نهج السّبیل 13. المحیط، در لغت، در هفت مجلّد 14. نهج السّبیل و غیره.

اعلام اصفهان، ص: 565

از صاحب بن عبّاد تنها دختری باقی ماند. صاحب او را به عقد یکی از سادات، به نام ابو الحسن علی اطروش همدانی بن ابو عبد الله حسین بن ابو الحسین علی الرئیس بن ابا عبد الله حسین (معروف به مسمعی) بن حسن بصری بن قاسم فقیه بن محمّد بطحایی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسین مجتبی علیه السّلام درآورد.

نوادگان دختری صاحب، دو نفرند: اوّل عبّاد، و دوم ابو الفضل حسین ملقّب به «الرّضی»، و یکی از نوادگانش شرفشاه بن عبّاد بن ابو الفتح محمّد بن حسین الرّاضی، جدّ سادات گلستانه اصفهان است.[1637]

اسماعیل کاتب

ابو القاسم اسماعیل بن عبّاد محمّد بن وزیران کاتب اصفهانی نحوی، از ادباء و دانشمندان اصفهان است.[1638]

اسماعیل شهرستانی

اسماعیل بن عبّاس بن احمد [معلّم شهرستانی] اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن دهم هجری، از آثار او: 1. کتابت مسالك الافهام تألیف شهید ثانی که در صفر سال 977، به خطّ نسخ آن را به پایان رسانده، نسخه به شماره 499 در کتابخانه مدرسه فیضیّه

اعلام اصفهان، ص: 566

قم موجود است.[1639] 2. کتابت مختلف الشّیعة تألیف علّامه حلّی، که در غرّه محرّم سال 987 ق به خطّ نسخ، آن را به پایان رسانیده، نسخه به شماره 2996 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[1640]

اسماعیل سدّی

ابو محمّد الاعور اسماعیل بن عبد الرّحمن مکنّی به ابا خزیمه فرزند ابو دویب (یا ابن کریمه کوفی) معروف به سدّی، از راویان مشهور قرن دوم هجری. پدرش ابو خزیمه از بزرگان اصفهان بوده، و در سال 127 ق در زمان ولایت مروان، وفات یافته است. او اصلا از حجاز و ساکن کوفه بوده است. اسماعیل، دارای ریشی پهن و بلند بوده، به طوری که در موقع نشستن، سینه او را می‌پوشانید، و چون در سدّه ساکن شده، به سدّی شهرت یافته است. سدّه به معنی رواق و درگاه است؛ چون صاحب عنوان، در رواق مسجد کوفه، و یا درگاه مسجد می‌نشسته، و تفسیر قرآن می‌گفته، و یا در درگاه مسجد، مقنعه می‌فروخته است.

او با عدّه‌ای از صحابه دیدار کرده، و از برخی از آنان روایت نموده است، از آن جمله:

[1637] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 274- 277؛ مزارات اصفهان، صص 284- 312؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 134- 137؛ نوابغ الرّواة، ص 62؛ معجم الادباء، ج 6، صص 168- 317؛ بغیة الوعاة، ص 136؛ دستور الوزراء، صص 118- 121؛ الاعلام، ج 1، صص 312- 313؛ آثار الشّیعة، ج 4، صص 84- 88؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج 5، صص 682- 686؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 99؛ اعیان الشّیعة، ج 11، صص 399 و 358- 359؛ امل الآمل، ج 2، صص 34- 35؛ ریاض العلماء، ج 1، صص 84- 91؛ الکنی و الالقاب، ج 2، صص 403- 409؛ الذّریعة، ج 1، ص 56 و ج 9، ص 577؛ ریحانة الادب، ج 8، ص 89 معجم المؤلّفین، ج 2، ص 274؛ هدیة العباد در شرح حال صاحب بن عباد؛ الارشاد فی احوال الصّاحب بن عبّاد(ضمیمه کتاب محاسن اصفهان)؛ صاحب بن عبّاد شرح احوال و آثار؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص 230- 244؛ فوائد الرّضویة، صص 45- 51؛ اصفهان(کتاب جوانان)، صص 209- 210؛ از دیروز تا امروز، صص 315- 318؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 214؛ الصّاحب بن عبّاد حیاته و ادبه؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ص 264؛ وفیات العلماء، صص 13- 17.

[1638] . مقتبس الاثر، ج 4، ص 315.

[1639] . فهرست کتابخانه مرعشی، ج 8، ص 169.

[1640] . فهرست کتابخانه فیضیّه، ج 1، ص 244.

ابن عبّاس، ابو سعید خدری، ابو هریره، انس بن مالك، حسن بن علی علیهما السّلام، سعد بن وقّاص، عبد الله بن عمر، عمرو بن حریث و محمّد بن عبّاس. ابو عوانه، ثوری، حسن بن صالح، زائده، شریك، شعبه، عیسی بن عمر، محمّد بن ابان و معلّی از او حدیث نقل کرده‌اند. در میزان الاعتدال گوید: «رمی السدّی بالتشیّع». حسین بن واقد مروزی گوید: نزد او بودم، و از او قرآن و حدیث می‌شنیدم، تا هنگامی که شنیدم (شب جمعه) دو نفر اوّل را بد می‌گوید، و لعن می‌کرد، دیگر نزد او نرفتم. وی تفسیری تألیف نموده که سیوطی آن را ستوده، و نوشته است که تفسیر او، از بهترین تفاسیر است. سدّی کبیر، لقب او است و سدّی صغیر، لقب نواده او محمّد بن مروان بن عبد الله بن اسماعیل بن عبد الرّحمن کوفی.[1641]

اعلام اصفهان، ص: 567

اسماعیل طرقی

ابو الوفاء اسماعیل بن عبد الرّزّاق بن عبد العزیز بن محمّد بن عمر تاجر طرقی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری. سمعانی درباره او نوشته است: «کان شیخا فقیها عالما متمیّزا فاضلا و کان احد الشّهود العدلین صالحا حسن المنظر (المعروف بالقاضی الارشد). وی از اهالی طرق، از قرای نطنز است. در سال 470 ق متولّد شد. طرقی از ابو الفتح عبد الرّزاق بن عبد الکریم حسن‌آبادی، ابو سعد عبد الجلیل بن حسن ساوی ساکن بغداد، محمّد رزق الله تمیمی بغدادی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد طیّان و دیگران استماع حدیث کرده، و ابو سعد سمعانی در اصفهان از وی استماع حدیث نموده است. او در نیمه دوم شوّال سال 532 ق در اصفهان وفات یافت.[1642]

کمال الدّین اسماعیل

کمال الدّین اسماعیل بن جمال الدّین عبد الرزّاق اصفهانی ملقّب و مشهور به خلّاق المعانی، از شعراء و قصیده‌سرایان معروف ایران در قرن هفتم هجری است. او نزد پدر شاعر و دانشمند خود و سایر بزرگان آن عصر تربیت شده، و از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته، و کم‌کم آوازه او همه جا را فرا گرفته است.

او از مریدان شیخ شهاب الدّین عمر سهروردی عارف مشهور آن عصر به شمار می‌رفته، و اشعاری در مدح او سروده است.

از دیگر ممدوحان او حسام الدّین اردشیر، از پادشاهان آل باوند مازندران، اتابك سعد بن زنگی از حکّام فارس، رکن الدّین صاعد بن مسعود، از رؤسای مذهبی اصفهان و جلال الدّین منکبرنی، پادشاه خوارزمشاهی بوده‌اند. او در اصفهان، شاهد درگیری‌های طولانی و کشتارهای فراوان بین شافعیان و حنفیان بوده، و از این درگیری‌ها که در دو محلّه

اعلام اصفهان، ص: 568

اصفهان، جویباره و دردشت صورت می‌گرفته، آزرده خاطر شده، و آنان را نفرین کرده، و سروده است:

تا که دردشت هست و جوباره — نیست از کوشش و کشش چاره

ای خداوند هفت سیّاره — پادشاهی فرست خون‌خواره

تا که دردشت را چو دشت کند — جوی خون آورد ز جوباره

عدد کشتگان بیفزاید — هریکی را کند دو صد

عاقبت، مغولان به اصفهان حمله، و در سال 633 ق آنجا را تصرّف، و مردم شهر را قتل عام کردند. کمال الدّین هم در دوم جمادی الاوّل 635 ق به دست مغولان کشته شد. قبر او در محلّه جوباره اصفهان واقع شده است، و متّصل به کنیسه یهودیان

[1641] . احقاق الحق، ج 2، ص 220؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص 96؛ معجم المؤلّفین، ج 2، ص 275؛ کشف الظّنون، ص 448؛ ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 204؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 109؛ راهنمای دانشوران، ج 1، ص 474؛ تاریخ نجف، ص 147؛ طبقات المحدّثین باصفهان، ج 1، ص 335؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 206؛ الاعلام، ج 1، ص 314؛ ریحانة الادب، ج 7، ص 198؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« اسماعیل»، ص 2516.

[1642] . التّحبیر، ج 1، ص 97.

است. سال‌های طولانی قرار بود که آرامگاهی برای او بنا شود. همچنین مدّتی در جوار سی و سه پل، آرامگاهی برای او ساختند، و قرار بود استخوان‌های کمال در آنجا دفن شود، و خیابان مجاور آن را کمال اسماعیل نامیدند؛ امّا این کار انجام نشد. [سرانجام در سال‌های اخیر، بنای یادبودی بر روی قبر او بنا کردند].

[شعرای معاصر اصفهان به کمال الدّین اسماعیل و شعر او علاقه فراوان داشتند، و مدّتی انجمن ادبی خود را که در کتابخانه عمومی فرهنگ در مدرسه چهارباغ برگزار می‌شد، به نام انجمن کمال نامیده بودند].

او آثاری به نظم و نثر دارد که از آن جمله است 1. دیوان اشعار که به چاپ رسیده است رسالة فی وصف القرین، به عربی که میکروفیلم آن در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است 3. رسالة فی العشق المجازی و الحقیقی، به فارسی و بیشتر به نظم که میکروفیلم آن در دانشگاه تهران موجود است 4. رسالة القوس یا رساله قوسیّه به عربی 5. سوگندنامه 6.

فراق‌نامه 7. نامه‌ای به شهاب الدّین عمر سهروردی به عربی که میکروفیلم آن در دانشگاه تهران موجود است 8. نامه در پاسخ امیری که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

این شعر از او است:

جان را چو نیست وصل تو حاصل کجا برم؟ دل را که شد ز درد تو غافل کجا برم؟

اعلام اصفهان، ص: 569

گفتند برگرفته فلان دل ز مهر تو من داوری مردم نادان کجا برم؟

گر برکند دل از تو و بردارم از تو مهر آن مهر بر که افکنم این دل کجا برم[1643]

شیخ اسماعیل اژه‌ای

شیخ اسماعیل بن عبد الرّسول اژه‌ای (اجیه‌یی) از فضلای قرن سیزدهم هجری است.

وی کتاب فهرس الکتب و الرّسائل و لمن هی من العلماء و الحدود و الافاضل را تألیف نموده، و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1644]

میرزا اسماعیل

میرزا اسماعیل فرزند سیّد عبد الکریم، عالم فاضل عارف شاعر، در اصفهان خدمت جمعی از فضلاء و علمای عظام، همچون آقا حسین خوانساری تحصیل کرد. در اواخر عمر، میل به تصوّف پیدا کرد، دست ارادت به میرزا ملك صوفی تویسرکانی داد، و سرانجام در سال 1075 ق وفات یافت. در فنون ادب و شعر، به ویژه معمّا مهارت بسزایی داشت.[1645]

[1643] . ریحانة الادب، ج 5، ص 83؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 279- 280؛ تذکرة الشّعراء دولتشاه، صص 113- 116؛ مجمع الفصحاء، ج 3، صص 1144 و 1152؛ تاریخ ادبیّات در ایران، ج 2، صص 871- 874؛ تذکره مجالس النّفائس، ص 348؛ تذکره غنی، ص 114؛ تذکره حسینی، ص 281، شمس التّواریخ، ص 72؛ آتشکده آذر، بخش سوم، نیمه نخست، صص 980- 984؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 199- 200؛ تذکره ریاض العارفین، ص 386؛ فرهنگ معین، ج 5، صص 1598- 1599؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 212؛ الذّریعة، ج 9، ص 916؛ مقدّمه دیوان کمال الدّین اسماعیل؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، ج 1، ص 157 و ج 2، ص 739؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص 96.

[1644] . فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه، ص 362.

[1645] . تذکره نصرآبادی، ج 2، ص 760.

اسماعیل سمّویه

ابو بشر اسماعیل بن عبد الله بن مسعود بن جبیر بن عبد الله بن کیسان عبدی اصفهانی معروف به «سمّویه» از حافظان حدیث و فقیهان اهل سنت است. از اسماعیل بن ابان، حسین بن حفص، بکر بن بکار، فضل بن دکین، علیّ بن عیاض حمصی، قتیبة بن مهران

آزادانی و موسی بن اسماعیل روایت نموده است. عبد الله بن جعفر بن احمد بن فارس، عبد الرّحمن بن ابی حاتم، ابو نعیم، ابو مسهر، ابو الیمان و سعید بن ابی مریم از او حدیث نقل کرده‌اند. از جمله احادیثی که اسماعیل سمّویه نقل نموده است، حدیث أ لست اولی بالمؤمنین من أنفسهم و من کنت مولاه فعلیّ مولاه می‌باشد. سمّویه در سال 277 ق وفات یافت.[1646]

اسماعیل نیشابوری اصفهانی

ابو القاسم اسماعیل بن علیّ بن حسین نیشابوری اصفهانی صوفی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. وی حدود یکصد سال عمر کرده، و در سال 551 ق وفات یافته است. مسند اصفهان از آثار او است.[1647]

قاضی اسماعیل خطیبی

قاضی اسماعیل بن علیّ بن عبد الله خطیبی اصفهانی، قاضی اصفهان در قرن پنجم هجری، پس از وفاتش، منصب قضاوت را ابو العلاء صاعد بن محمّد اصفهانی برعهده گرفت.[1648]

احمد زینبی

ابو الفتح اسماعیل بن علیّ بن محمّد بن حمزة بن محمّد بن عبد الله طوسی جعفری زینبی، از صوفیان قرن پنجم و ششم هجری است.

در اصفهان ساکن بوده، و به زهد و تقوی مشهور بوده، و از مشاهیر صوفیّه شهر به شمار می‌رفته است. وی در سال 511 ق در اصفهان برای ابو سعد سمعانی اجازه نوشته است.[1649]

شیخ اسماعیل معزّی

شیخ اسماعیل معزّی عالم زاهد و فقیه وارسته، در سال 1288 ق متولد شد. (در اصفهان از درس آخوند کاشی، میرزا محمد علی کاشانی، میرزا بدیع درب امامی، شیخ مرتضی ریزی، سید مهدی و سید محمد باقر درچه‌ای و در نجف اشرف به مدت 12 سال از محضر آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، شریعت اصفهانی و شیخ محمد حسین قمشه ای استفاده کرد و به اجتهاد رسید) وی سال‌ها در محضر آخوند فشارکی به فصل خصومات اشتغال داشت و به امامت مسجد سلام و تدریس در مدرسه نوریه پرداخت. از او دوره اصول فقه، شرح کفایه و تقریرات درس آخوند خراسانی و سید یزدی بر جای مانده است. او در شب جمعه 23 ذی‌قعده 1363 ق وفات یافت و در تکیه کازرونی مدفون شد.[1650]

دکتر اسماعیل آزرم

[1646] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 210؛ اللّباب، ج 2، ص 142؛ الاعلام، ج 1، ص 314؛ احقاق الحق، ج 6، ص 263؛ الانساب، ج 3، ص 308؛ طبقات المحدّثین باصبهان، ج 3، ص 13؛ مرآة الجنان، ج 2، ص 181.

[1647] . مرآة الجنان، ج 3، ص 298.

[1648] . فوائد البهیّة، ص 83؛ تذکرة الحفّاظ، ج 3، ص 1157.

[1649] . التّحبیر، ج 1، ص 100.

[1650] . دانشمندان و بزرگان اصفهان ج 1 ص 270، المسلسلات ج 1 ص 302.

دکتر اسماعیل آزرم، فرزند حاج محمّد علی، استاد بیولوژی حیاتی دانشکده دامپزشکی و معاون دانشکده. در سال 1286 شمسی در اصفهان متولّد شد، و در اصفهان و تهران و فرانسه تحصیل کرد، و در دانشگاه تهران تدریس می‌نمود. چندین کتاب علمی از او به چاپ رسیده است.[1651]

اسماعیل ایجی اصفهانی

اسماعیل بن محمّد علی ایجی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. ظاهرا از اهالی قریه «اژه» اصفهان است، و «ایجی»، تصحیف «اژه‌ای» است. نام‌برده در سال 1240 کتاب ریاض الشّهاده تألیف ملّا محمّد حسن قزوینی را به خطّ نسخ، کتابت نموده است. نسخه به شماره 4562 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است.[1652]

اعلام اصفهان، ص: 572

حاج اسماعیل فروشانی

حاج اسماعیل فرزند عین علی فروشانی از معاصرین نصرآبادی، مؤلّف تذکرة الشّعر در شرح حال برادرش عشرتی، ذکری از او نموده و وی را به «قطب العارفین» ستوده است.[1653]

اسماعیل بجلی

ابو اسحاق اسماعیل بن عمرو بن مجیح بجلی کوفی، از محدّثان قرن سوم هجری است.

به اصفهان آمده، و در مدینه (شهرستان) ساکن گردیده، و در آنجا به نشر احادیث اشتغال داشته است. عموم نویسندگان کتب تراجم و رجال، وی را ستوده‌اند؛ لکن برخی از آنان، وی را ضعیف، و عموما ثقه خوانده‌اند، و درباره او گفته‌اند که: «اسحاق بن عمرو در اصفهان ضایع و گمنام شد، و حقّ او در علم حدیث، شناخته نشد». ذهبی به سیره غیر مرضیّه خود، جایی که او را ذکر می‌کند، گوید: «حدیث باطلی نقل نمود»، و سپس سند آن را ذکر می‌کند که به حضرت باقر علیه السّلام می‌رسد، از پدران بزرگوارش. وی در سال 227 مرده است.[1654]

اسماعیل سراج

ابو الفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن اخشید سراج از قاریان و محدّثان اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. وی در سال 436 یا 437 ق در اصفهان متولّد شد، و از ابو الطّیّب عبد الجبّار بن فضل، ابو طاهر محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم، ابو الفتح علیّ بن محمّد بن عبد الصّمد دلیلی، ابو محمّد عبد الله بن ابو جعفر، ابو الفضل عبد الرّحمن بن احمد رازی و طاهر احمد بن محمود روایت نمود. قاضی ابو بکر بن حسن، ابو محمّد بن ابی نصر خونجانی، ابی جعفر بن حسن، سمعانی و ابو عامر عبدوی از وی حدیث نقل می‌کنند. او در قرائت نیز از اساتید بزرگ بوده، و قرآن را به روایت شیوخ متقدّم، قرائت می‌نموده است. وفات او در شعبان 524 ق در اصفهان اتّفاق افتاد.[1655]

اعلام اصفهان، ص: 573

اسماعیل اصفهانی

اسماعیل بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او در بغداد ساکن بوده است. از یونس بن حبیب حدیث روایت کرد. محمّد بن مظفّر از او روایت می‌نماید.[1656]

اسماعیل اصفهانی

1651 . مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 569.
1652 . فهرست مرعشی، ج 12، ص 128.
1653 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 480.
1654 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 208؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 111؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 10، ص 435؛ تاریخ بغداد، ج 1، ص 62.
1655 . التّحبیر، ج 1، ص 101؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 232.
1656 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 213؛ تاریخ بغداد، ج 6، ص 302.

ابو عثمان اسماعیل بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است.

شیخ عبد القادر بن موسی گیلانی عارف مشهور، از وی اخذ حدیث نموده است.[1657]

میر محمّد اسماعیل صابر علی شاه

میر محمّد اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای ملقّب به «صابر علی شاه» فرزند حاج محمّد بن میرزا ابو القاسم مدرّس خاتون‌آبادی، عالم عارف، از مشایخ سلسله نعمت‌اللّهیّه. در اصفهان متولّد شد، و به تحصیل علم پرداخت. سپس به شیراز رفت، و دست ارادت به حاج میرزا علی آقا ذو الرّئاستین داد، و از او مجاز و مأذون در ارشاد و دستگیری از فقرای نعمت‌اللّهی اصفهان گردید، و پس از فوت برادرش میر محمّد هادی، شیخ فقرای نعمت‌اللّهی بود. سرانجام در شب جمعه 3 محرّم الحرام سال 1323 ق وفات یافت، و در تکیه‌ای که میرزا سلیمان آغاباشی در تخت فولاد، جنب تکیه خاتون‌آبادی بنا کرده بود، مدفون گردید. طرب اصفهانی در تاریخ وفات او گوید:

شیخ طریق اهل حق، میر جلیل — در کعبه وصل زد قدم همچو خلیل

تاریخ وفات او طرب گفت به شور: — »قربانی دوست کرد جان اسماعیل[1658]«

اسماعیل رنانی

ابو نصر اسماعیل بن محمّد بن احمد بن ابی الحسن رنانی صوفی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. از ابو العلاء احمد بن عبد الجبّار فرسانی، ابو العبّاس احمد بن عبد الغفّار بن اشته، ابو مطیع محمّد بن عبد الواحد و ابو العلاء محمّد بن نصر حافظ همدانی حدیث شنید. وی به شهرهای مختلف سفر کرد، و مجموعه‌هایی در حدیث فراهم نمود. این کتب از آثار او بیان من کذب من مال المزامیر و الملاهی الجاهل بحقایق الاوامر و المناهی است که ابو سعد سمعانی نزد او در حالت مرض موت، خوانده است. وی در سال 531 ق وفات یافته است.

در معجم البلدان، رنان را به ضمّ راء می‌نویسد. در زمان ما به کسر راء خوانده، و رهنان تلفّظ می‌شود.[1659]

اسماعیل سلمانی

ابو عثمان اسماعیل بن ابو سعید محمّد بن احمد بن جعفر سلمانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان. وی حدیث صحیفة الرّضا علیه السّلام را از خطیب ابو منصور عبد الرّزّاق بن احمد غزال روایت می‌کند. ابو محمّد طاهر بن احمد بن محمّد بن اسماعیل بن حسن قصری از صاحب عنوان روایت می‌نماید.[1660]

اسماعیل طرطوسی

ابو الفتح اسماعیل بن محمّد بن احمد بن علیّ بن حسن بن حسین بن جعفر طرطوسی سلمی، از محدّثین قرن ششم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و در ربیع الثّانی سال 540 ق وفات یافته است. سمعانی درباره او گوید: «کان شیخا متمیّزا من اهل العلم حسن الخط». وی از ابو عبده سلم بن فضل ثقفی و ابو مطیع محمّد بن عبد الواحد و دیگران

روایت می‌کند.[1661]

[1657] . مرآة الجنان، ج 3، ص 353.
[1658] . مقالات الحنفاء، ص 144؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 281؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 53؛ گلستان جاوید، ص 109.
[1659] . معجم البلدان، ج 2، ص 824؛ راهنمای دانشوران، ج 1، ص 403؛ التّحبیر، ج 1، ص 109.
[1660] . صحیفة الامام الرّضا، چاپ مدرسة المهدی، ص 25؛ احقاق الحق، ج 5، ص 75.

اسماعیل امین

اسماعیل بن محمّد بن احمد بن نصرویه اصفهانی معروف به امین، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است.

وی چندین سفر به نیشابور رفته است. او در سال چهارصد و هفتاد و اندی برای آخرین بار به نیشابور سفر کرده است.[1662]

اسماعیل ضبّی

ابو القاسم اسماعیل بن محمّد بن احمد بن محمّد بن سعید بن ضرار بن مساور بن موسی بن مساور ضبّی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است.

سمعانی از او حدیث شنیده، و او را چنین توصیف کرده است: «کان شیخا جلیل القدر متمیّزا ملیح الخطّ حسن الاخلاق». تولّدش در حدود سال 460 ق روی داده است. او از ابو بکر محمّد بن احمد بن اسید مدینی، سیّد ابو طالب علیّ بن حسین علوی حسنی و ابا عمرو عبد الوهاب بن منده حدیث شنیده است.[1663]

اسماعیل وثابی

ابو طاهر اسماعیل بن محمّد بن احمد وثابی اصفهانی، از ادباء و دانشمندان اصفهان است.

سمعانی می‌نویسد: در اصفهان در صنعت شعر و ترسّل، فاضل‌تر از وی ندیدم. من در اصفهان به خانه وی رفتم، و در بداهت نظم و نثر، سریع‌تر از او ندیدم. رساله‌ای بر وی اقتراح کردم. مرا گفت: قلم بگیر و بنویس، و فی الحال، بی‌آنکه بیندیشد، به نیکوترین وجه

بر من املاء کرد. وثابی در اواخر عمر، به فقر و تنگدستی افتاد، و نابینا شد تا اینکه در سال 533 ق وفات یافت.[1664] در محاسن اصفهان از ابو علی اسماعیل وثابی در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء که متقدّم بر عصر مافرّوخی بوده‌اند، یاد شده است.[1665]

این شعر از وثابی است:

اشاعوا و قالوا وقفه الوداع	و زمّت مطایا للرّحیل شراع
فقلت فراق لا اطیق احتماله	کغانی من البنین المشتّ سماع
و لا علیك الکتمان قلب ملکته	و عند النّوی سرّ المکتوم یذاع

سیّد اسماعیل صدر

حاج سیّد اسماعیل صدر فرزند سیّد صدر الدّین محمّد عاملی اصفهانی، عالم فاضل فقیه مجتهد. در سال 1255 (و یا به قولی 1258 ق) در اصفهان متولّد شد. در کودکی پدرش در نجف اشرف فوت شد، و خود، زیر نظر برادر دانشمند خود سیّد محمّد علی عاملی آقا مجتهد تربیت شد، و از درس علمای اصفهان، به خصوص حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی و ملّا عبد الجواد حکیم خراسانی بهره گرفت؛ سپس به عتبات عالیات هجرت نمود، و در نجف، به درس شیخ راضی نجفی، شیخ مهدی

[1661] . التّحبیر، ج 1، ص 108.
[1662] . تاریخ نیشابور، ص 207.
[1663] . التّحبیر، ج 1، ص 88.
[1664] . معجم الادباء، ج 2، ص 355؛ لغت‌نامه دهخدا، ج 7، ذیل« اسماعیل»، ص 2527؛ راهنمای دانشوران، ج 3، 320.
[1665] . محاسن اصفهان، ص 32.

کاشف الغطاء، میرزای شیرازی، حاج شیخ زین العابدین مازندرانی و میرزا حبیب الله رشتی حاضر شد، و به درجه اجتهاد نائل گردید.

پس از وفات میرزای شیرازی، به همراه میرزا محمّد تقی شیرازی زعامت و مرجعیّت شیعه را برعهده گرفت.

در سال 1314 ق به کربلا مهاجرت کرد، و به تدریس و اقامه جماعت و وعظ و رسیدگی به امور طلّاب و فقرا پرداخت. در اواخر عمر، از کربلا به کاظمین مهاجرت نمود، و در آن شهر مقدّس مجاور گردید، و سرانجام در دوشنبه 18 (یا 12) جمادی الاوّل سال 1338 ق

در کاظمین وفات یافت، و در رواق مطهّر (قسمت شرقی) برابر حجره‌ای که ابن قولویه قمی مدفون است، دفن شد. میرزا حسن خان جابری انصاری مادّه تاریخ او را چنین گفته است:

«صدر جنّت مقام علوی صدر»

فرزندش سیّد صدر الدّین صدر نیز این عبارت را مادّه تاریخ وفات یافته است:

«من الخلد اسماعیل طال له صدر».

آثار و تألیفات او عبارت‌اند از: 1. انیس المقلّدین، رساله عملیّه، مطبوع در سال 1329 ق 2. حاشیه بر کتاب احکام الایمان، رساله عملیّه مرحوم آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی 3. حاشیه بر جامع عبّاسی تألیف شیخ بهایی 4. حاشیه بر متاجر، تألیف وحید بهبهانی 5. حاشیه بر نجات العباد، تألیف شیخ محمّد حسن نجفی، چاپ 1297 ق 6. حاشیه بر نخبه حاجی کلباسی 7. دیوان اشعار (بنا بر نقل مرحوم انصاری) 8. راه راست، ترجمه صراط المستقیم، رساله عملیّه 9. صراط المستقیم 10. مفتاح الهدایه، رساله عملیّه، در بمبئی به چاپ رسیده است.[1666]

اسماعیل کاغذی مدینی

ابو القاسم اسماعیل بن محمّد بن عبد الرّحمن بن عبد الوهاب کاغذی مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. سمعانی درباره او گوید:

«کان من الشّیوخ المسندین المعمّرین الصّالحین من بیت الصّلاح و الحدیث». از ابو بکر محمّد بن عبد الله بن ریذه ضبّی و ابو محمّد عبد الله بن محمّد بن ابراهیم بن یحیی کرونی روایت نموده، و ابو سعد سمعانی از او اجازه داشته است. وی از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و در تشهّد نماز ظهر روز پنجشنبه 29 ذی‌القعده سال 514 ق وفات یافته

است.[1667]

اسماعیل اصفهانی

ابو محمّد اسماعیل بن محمّد بن عبد الواحد بن محمّد هراس اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. وی قبل از سال 470 ق متولّد شده، و از ابو عمرو بن منده روایت نموده است. ابو سعد سمعانی از او نقل حدیث می‌کند.[1668]

اسماعیل همدانی جبّری

[1666] . نقباء البشر، ج 1، ص 160؛ تکمله امل الآمل، ص 104؛ مکارم الآثار، ج 5، صص 1565- 1566؛ ریحانة الادب، ج 3، ص 431؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل« صدر»، ص 163؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص 308؛ الذّریعة، ج 10، صص 63؛ ج 2، ص 466؛ ج 21، ص 357 و ج 5، ص 138؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 1، صص 270- 274؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 283- 285؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص 100.

[1667] . التّحبیر، ج 1، ص 111.

[1668] . التّحبیر، ج 1، ص 111.

ابو مالك اسماعيل بن محمّد بن عصام جبّر بن يزيد بن عجلان همدانى اصفهانى، از محدّثين اصفهان است. جدّش عصام، سيزده سال مصاحب سفيان ثورى بوده است.

اسماعيل، احاديث غريب ثورى را از پدرش محمّد و عمويش روح بن عصام و جدّش عصام روايت مى‌كند. محمّد بن علىّ بن جارود از او نقل حديث مى‌نمايد.[1669]

اسماعيل شلمكى

ابو الفتوح اسماعيل بن محمّد بن فضل بن احمد بن قاسم شلمكى اصفهانى، از محدّثين اصفهان در قرن ششم هجرى است. وى از ابو عيسى عبد الرّحمن بن محمّد بن زياد ثانى و ابو بكر محمّد بن احمد بن ماجه ابهرى و ديگران حديث شنيده است. تولّد او در حدود سال 490 ق در اصفهان بوده است.[1670]

اسماعيل طلحى

حافظ ناصر الدّين ابو القاسم اسماعيل بن محمّد بن فضل بن علىّ بن احمد بن طاهر قرشى طلحى تيمى اصفهانى، از مفسّرين و محدّثين بزرگ عامّه است. علّامه

ملّا محمّد صالح حائرى سمنانى او را شيعه دانسته است. صاحب عنوان به قوام السّنه ملقّب بوده، و به «جوزى» (چورى) شهرت داشته است كه در زبان اصفهانى به معناى جوجه است. در سال 457 ق در اصفهان متولّد شد، و نزد بسيارى از محدّثين و دانشمندان تحصيل، و يا از آنان روايت كرد كه از آن جمله‌اند: ابى عمرو بن منده، ابو الطيّب عبد الجبّار بن فضل كرانى، ابو نصر زينبى، ابو بكر بن خلف شيرازى، عايشه وركانيّه، مالك بانيامى. جمعى كثير نيز از او روايت مى‌كنند كه از آن جمله‌اند: سمعانى مؤلّف الانساب، محمّد بن ابى جعفر بن حسن خونجانى اصفهانى، قاضى ابو بكر محمّد بن حسن بن محمّد بوانى اصفهانى، ابو القاسم بن عساكر، ابو موسى مدينى و ديگران.

وى سرانجام در عيد اضحى (10 ذى‌حجّه) سال 535 ق در اصفهان وفات يافت. كتب زير از تأليفات او است: 1. احاديث المسلسلات 2. اعراب القرآن 3. الايضاح، در تفسير، چهار جلد 4. امالى، در حديث 5. التّذكرة در نحو، در سى جزء 6. التّرغيب و التّرهيب 7. التّفسير، به زبان اصفهانى 8. الجامع الكبير فى معالم التّفسير 9. الحجّة فى المحجّة 10. دلائل النّبوّة، در شرح جامع صحيح بخارى 11. السنّه 12. سير السّلف، در احوال صحابه و تابعين 13. شرح جامع صحيح مسلم 14. المعتمد، در تفسير، ده جلد 15. الموضح، در تفسير، سه جلد 16. المغازى.[1671]

اسماعيل كاغذى مدينى

ابو القاسم اسماعيل بن محمّد بن محمّد بن عبد الرّحمن بن عبد الوهاب كاغذى مدينى، از محدّثين و اهل صلاح و از خاندان محدّثين بوده، و در قرن پنجم و ششم هجرى زندگى مى‌كرده است. عدّه‌اى از او استماع حديث كرده‌اند، و ابو سعد سمعانى از او اجازه

داشته است. او در تشهّد نماز ظهر روز پنجشنبه 19 ذى‌القعده 514 ق وفات يافته است.

اسماعيل محتسب

حافظ ابو عثمان اسماعيل بن محمّد بن مله محتسب اصفهانى واعظ، از محدّثين قرن پنجم و ششم هجرى است. ذهبى در ميزان الاعتدال درباره او گويد: «وضع حديثا و املاه و كان يخلط».

1669 . ذكر اخبار اصفهان، ج 1، ص 210.

1670 . التّحبير، ج 1، ص 108.

1671 . الاعلام، ج 1، صص 322- 323؛ تاريخ معارف اماميّه، ص 255؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 287؛ طبقات الشّافعيّه، اسنوى، ج 1، صص 259- 261؛ طبقات المفسّرين، ج 2، صص 112- 114؛ فهرست ميكروفيلم‌هاى دانشگاه تهران، صص 288 و 205؛ فهرست مرعشى، ج 7، ص 254؛ كشف الظّنون، ج 2، صص 1732 و 1904؛ لغت‌نامه دهخدا، ذيل« اسماعيل»، ص 2529؛ مجمل فصيحى، ج 2، ص 232؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 263.

او از ابن ربذه روایت می‌کند، و ابو محمّد مکّی بن هبة الله بن عبد الصّمد آشنایی خراسانی از او نقل حدیث می‌نماید. از آثار او کتاب المجالس در مواعظ است. وی سرانجام در سال 509 ق وفات یافت.[1672]

اسماعیل جرباذقانی

استاد ابو الفضل اسماعیل بن محمّد جرباذقانی اصفهانی از شعراء و ادبای معاصر مافرّوخی است. از او اشعاری نغز و دلپذیر به عربی باقی مانده است.[1673]

[اصل او از گلپایگان، و در دربار امیران دیلمی در اصفهان، صاحب نفوذ و دارای احترام بوده است].

ملّا اسماعیل نقنه‌ای

ملّا اسماعیل بن ملّا محمّد نقنه‌ای، عالم فاضل مجتهد از اهالی قریه «نقنه» (بین راه دهاقان و بروجن) با پدر خود در اصفهان، نزد علمای این شهر، به ویژه حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی تحصیل نمود- سپس در محضر علمای مسجد شاه، به رتق و فتق امور پرداخت، و سرانجام در سال 1350 ق در سنّ حدود هشتادسالگی وفات یافت، و در داخل بقعه تکیه حاج محمّد جعفر آباده‌ای در تخت فولاد مدفون شد.[1674]

اعلام اصفهان، ص: 581

سیّد اسماعیل حسینی نجفی

اسماعیل بن سیّد محمّد حسینی نجفی، سبط ملّا محمّد طاهر شیرازی قمی، ساکن اصفهان[1675].

میرزا اسماعیل نصرآبادی

میرزا اسماعیل نصرآبادی فرزند میرزا محمّد، شاعر ادیب خطّاط، عمّه‌زاده میرزا محمّد طاهر نصرآبادی صاحب تذکرة الشّعرا بود. خطّ شکسته را خوش می‌نوشت، و شعر می‌گفت.

در جوانی به هند رفت، و ملازم مهابت خان شد، و شاه جهان، پادشاه هند را مدح گفت، و همان جا وفات یافت. از او است:

صبح دلم چون ز قید خواب برآمد طلعت یارم چو آفتاب برآمد[1676]

اسماعیل ورنوسفادرانی

اسماعیل بن محمّد ورنوسفادرانی سدهی اصفهانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است، و به احتمال قوی، از شاگردان محضر درس مرحوم سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی- علیه الرّحمه- بوده است.

از آثار او کتابت جلد دوم مطالع الانوار، تألیف سیّد حجّت الاسلام به خطّ نسخ است که در سه‌شنبه 15 رمضان 1243 ق آن را به پایان رسانده است. نسخه به شماره 1145 در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم موجود است.[1677]

اعلام اصفهان، ص: 582

اسماعیل ادیب خوانساری*

1672 . میزان الاعتدال، ج 1، ص 118؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 210؛ مرآة الجنان، ج 3، ص 198؛ معجم البلدان، ج 1، ص 223.
1673 . محاسن اصفهان، ص 61.
1674 . رجال اصفهان، ص 200؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 280؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 51.
1675 . الذّریعة، ج 5، ص 274.
1676 . تذکره نصرآبادی، ج 2، ص 662؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج 4، ص 1253؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 179.
1677 . فهرست کتابخانه مدرسه فیضیّه، ج 1، ص 255؛ بیان المفاخر، ج 1، ص 270.

اسماعیل ادیب خوانساری فرزند میرزا محمود، هنرمند و موسیقی‌دان معاصر در سال 1280 ش در خوانسار متولّد شد، و در آنجا نزد عندلیب گلپایگانی (تولّایی) به فراگیری موسیقی پرداخت، سپس در اصفهان نزد سیّد رحیم اصفهانی و نایب اسد الله و در تهران نزد حسین اسماعیل‌زاده و سیّد حسین طاهرزاده به تکمیل معلومات خود پرداخت. وی از خواننده‌های ماهر موسیقی سنّتی ایران بود، و در نواختن سه‌تار، و تا حدودی پیانو مهارت داشت. او از سال 1319 به همکاری با رادیو پرداخت، و برنامه‌های بسیاری را اجراء کرد.

همچنین در کنسرت‌های انجمن موسیقی، به رهبری روح الله خالقی شرکت می‌نمود، و با اغلب هنرمندان موسیقی، خصوصا مرتضی محجوبی معاشرت و دوستی داشت. ادیب خوانساری در 6 فروردین 1361 ش در تهران درگذشت، و در قطعه 91 قبرستان بهشت زهرا به خاك سپرده شد.[1678]

اسماعیل حیرانی اصفهانی

شیخ اسماعیل حیرانی اصفهانی فرزند آقا شیخ محمود بن حاج ملّا اسماعیل شهرضایی، عالم فاضل، شاعر ادیب. در سال 1321 ق متولّد شده، و تحصیلات خود را در اصفهان انجام داد، و برای تبلیغ به غرب کشور رفت، و مدّتی در ایلام، و سپس به مدّت چهل سال به تبلیغ دین و ترویج شریعت در اسلام‌آباد غرب پرداخت، در اواخر عمر به مناسبت وقوع جنگ ایران و عراق و بمباران شدن اسلام‌آباد، به اصفهان بازگشت، [و در اوّل ربیع الاوّل 1403 ق در این شهر وفات یافت، و جنب تکیه کرمانی در تخت فولاد، مدفون گردید. آثار او: 1. اشعار انقلابی حیرانی، مطبوع 2. هشت بهشت][1679].

اعلام اصفهان، ص: 583

شیخ اسماعیل بروجردی

حاج شیخ اسماعیل فرزند حاج آقا منیر الدّین بروجردی، عالم فاضل، در اصفهان نزد پدر خود (و میر محمد تقی مدرس) و جمعی از فضلای اصفهان تحصیل کرد، ولی در سن جوانی، در روز چهارشنبه 3 شعبان سال 1352 ق وفات یافت، و در تکیه ملك در تخت فولاد، جنب مزار پدر دانشمند خود مدفون گردید.[1680]

اسماعیل فزاری

ابو محمّد اسماعیل بن موسی بن فزاری معروف به «ابن بنت سدی»، از محدّثین اصفهان است. وی از مالك بن انس و شریك روایت می‌کند، و عیسی بن عمر قاری و جعفر بن محمّد بن عبّاس از او نقل حدیث می‌نمایند. در حدود سال 225 ق وفات یافته است. عقیلی در کتاب اصفهان از او یاد کرده است.[1681]

سیّد اسماعیل بهشتی

اسماعیل معروف به آقا حاجی بن حاجی سیّد مهدی بهشتی، عالم فاضل، از ائمّه جماعات قریه سیچان اصفهان، که در 14 جمادی الاوّل 1338 ق وفات یافت، و در تخت فولاد تکیه سادات بهشتی جنب مصلّا مدفون شد.[1682]

محمّد اسماعیل جوشقانی

محمّد اسماعیل بن محمّد مهدی جوشقانی، در ربیع الثّانی 1270 ق کتاب شرح صمدیّه، تألیف سیّد محمّد حسین بن علی حسینی کاشانی را رونویس نموده. نسخه آن در کتابخانه حقیر [سیّد مصلح الدّین مهدوی] موجود است، و بر روی یکی از برگه‌ها مهر چهارگوش با

اعلام اصفهان، ص: 584

سجع «عبده الرّاجی محمّد اسماعیل بن محمّد مهدی» دیده می‌شود.

1678 . تاریخ تحوّل ضبط موسیقی، صص 305- 306؛ نامنامه موسیقی ایران زمین، ج 3، صص 55- 56.
1679 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 421 و اطّلاعات متفرّقه.
1680 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 288؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 202.
1681 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 209؛ الانساب، ج 3، ص 239؛ تذکرة الحفاظ، ج 2، ص 541؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 11، ص 177.
1682 . تحفة الاحباب، صص 23- 24؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 719.

میرزا اسماعیل خان، ثاقب اصفهانی

میرزا اسماعیل خان متخلّص به «ثاقب» و ملقّب به «تاج الشّعراء» فرزند میرزا نصر الله لاوی سمیرمی متخلّص به «شهاب» و ملقّب به «تاج الشّعراء» بن ملّا محمّد بن ملك احمد، شاعر و ادیب دانشمند، در سال 1285 ق متولّد شد، در اصفهان علم و ادب آموخت.

در عموم انجمن‌های ادبی، حاضر می‌شد، و در اواخر عمر، از اساتید پیش‌کسوت انجمن ادبی شیدا در اصفهان به شمار می‌رفت. وی قسمتی از مراثی و مجالس تعزیه دیوان پدرش را در سال 1319 ق طبع نموده؛ امّا دیوان اشعار خودش هنوز طبع نگردیده است. ثاقب در 29 محرّم وفات یافت، و در تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد. از شعر او است:

با جلوه بالای تو سرو چمنی را — سر از پی دعوی دگر افراختنی نیست[1683]

اسماعیل سمّویه

اسماعیل بن یوسف بن محمّد زاهد، معروف به «سمّویه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. با عبد الرّحمن بن یوسف معدانی، دوست و معاشر بوده، و ابو محمّد بن حیّان، او را درك نموده است. از عبد الرّحمن بن مهدی، نائل بن جیح و یحیی بن قطّان روایت نمود. محمّد بن ابراهیم بن شبیب از او نقل حدیث می‌کند.[1684]

اسماعیل افلاکی سامانی

اسماعیل سامانی متخلّص به «افلاکی» شاعر ادیب، در سال 1306 قمری در قریه «سامان» از توابع چهارمحال متولّد شد. تحصیلات خود را در همان‌جا انجام داد. از اوان جوانی، به گفتن اشعار اشتغال ورزید. اشعارش عموما دارای مضامین عالی است. وی به شغل زراعت روزگار می‌گذرانید. در سال 1325 خورشیدی وفات یافت. از او است:

ترك چشمت چو به شمشیر برد دست نخست — دل اگر شیر بود دست ز جان باید شست

کی گمان بود در آغوش وصالت گیرم — تو بدین سخت‌دلی ما به چنین طالع سست[1685]

میرزا اسماعیل ایمای اصفهانی

میرزا اسماعیل علاقه‌بند اصفهانی متخلّص به «ایما»، شاعر ادیب در قرن دوازدهم هجری، متوفّی به سال 1132 ق. وی با شفیعا و نجات، دو شاعر اصفهانی، محاجاتی داشته است. صاحب عنوان، دارای دیوان اشعار است. از او است:

بی‌وعده آمد امشب آن مرهم دل‌ریش — همچون گلی که آید در غیر موسم خویش[1686]

1683 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 288.
1684 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 210.
1685 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 50.
1686 . الذّریعة، ج 9، ص 73 و 114؛ تذکره غنی، ص 23؛ تذکره حزین، ص 101.

میرزا اسماعیل بدیع اصفهانی*

میرزا اسماعیل اصفهانی متخلّص به «بدیع»، شاعر ادیب، این بیت از او است:

ز جسم ناتوانم آتش سودا چه می‌خواهد
اگر ما را نمی‌خواهی، غمت از ما چه می‌خواهد؟[1687]

حاج اسماعیل خان تبریزی

حاج اسماعیل خان تبریزی عبّاس‌آبادی، شاعر ادیب، در محلّه عبّاس‌آباد اصفهان ساکن و به تجارت مشغول بود. چند بار به هند رفته بود. در گفتن رباعیات عارفانه، شور و حرارتی خاص داشت. این رباعی از او است:

بیرون ز جهان زین خم نه طاق پسند
در صیدگه قدس بینداز کمند

فیض هرکس فراخور همّت اوست
فوّاره شود به قدر فوّاره بلند[1688]

حاج اسماعیل حجّاریان*

استاد حاج اسماعیل حجّاریان، از هنرمندان قرن چهاردهم هجری و از حجّاران زبردست اصفهان است. ظاهرا از اهالی محلّه چهارسوق اصفهان، و تا سال 1376 ق زنده بوده است. از آثار او حجّاری سنگ قبر استاد محمّد باقر حجّاریان متوفّی به سال 1376 ق و استاد عبّاسعلی حجّاریان متوفّی 1365 ق است. هر دو سنگ قبر، در تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان موجود است.

حاج اسماعیل خاتون‌آبادی

حاج اسماعیل اصفهانی خاتون‌آبادی فرزند حاج محمّد امین، از اعاظم علماء و اکابر فقهاء، محقّق مدقق، در علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. قسمت موسیقی شفا را در مسجد جامع جدید عبّاسی [مسجد امام] اصفهان تدریس می‌کرد. مردی قانع، زاهد و اهل ورع و تقوی بود، و با وجود مکنت، ترك لذّات نموده، لباس خشن می‌پوشید، و اموال خود را به نیازمندان می‌بخشید، و نسبت به سلاطین و بزرگان دولت، بی‌اعتنا بود. گویند اشرف افغان به دیدارش رفت؛ ولی وی بدو اعتنایی ننمود، و برایش برنخاست. (شیخ محمّد بن محمّد زمان کاشانی از شاگردان او است، و از استاد خویش چنین یاد کرده است: مولانا المحقّق المدقّق، العلّامة الزّاهد العابد الاورع الحاج محمّد اسماعیل بن الحاج محمّد امین الخاتون‌آبادی).[1689]

میرزا محمّد اسماعیل خلیفه سلطانی

میرزا محمّد اسماعیل خلیفه سلطانی، در سال 1334 ق وفات یافت، و در تکیه میرزا

[1687] . تذکره روز روشن، ص 103.
[1688] . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 197؛ کاروان هند، ج 1، ص 53.
[1689] . تتمیم امل الآمل، ص 66؛ اعیان الشّیعة، ج 11، ص 185؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 263، میراث اسلامی ایران، ج 7، ص 184.

ابو المعالی کلباسی در تخت فولاد مدفون شد.[1690]

محمّد اسماعیل خوراسکانی*

محمّد اسماعیل خوراسکانی از شعرای اصفهان است. ظاهرا در قرن سیزدهم هجری می‌زیسته است. در جنگ جامع المناقب که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره 5679 نگهداری می‌شود، اشعاری در مناقب اهل بیت علیهم السّلام از او موجود است. این دو بیت، منتخب از یکی از قصاید او است:

ای شوخ دلارام من ای یار دل‌آزار — تا چند برد جان ز تو تیمار دل‌آزار

گیرم من شایسته آزار توام لیك — کی از تو بود این همه آزار سزاوار[1691]

سیّد اسماعیل ریزی

اسماعیل ریزی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل، از اهالی قصبه ریز لنجان [زرّین شهر کنونی] پس از تحصیل مقدّمات، به نجف اشرف مهاجرت نمود و در درس میرزا حسن شیرازی و سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی حاضر شد، و سال‌ها در آنجا اقامت داشت.

جهت زیارت حضرت ثامن الحجج علیّ بن موسی الرّضا علیه السّلام به ایران بازگشت، و در این سفر، در ماه صفر 1338 ق وفات یافت، و در تخت فولاد تکیه حاج آقا مجلس مدفون شد.[1692]

ملّا اسماعیل صوفی

ملّا اسماعیل صوفی، از عرفاء و متصوّفه در قرن یازدهم هجری، و ساکن هند بوده است.

[1693]

مؤلّف دبستان المذاهب وی را در سال 1041 ق در هند دیدار کرده است.[1694]

محمّد اسماعیل ضعیف اصفهانی

محمّد اسماعیل متخلّص به «ضعیف»، شاعر ادیب در سال 1325 ق در اصفهان متولّد شد.

از اعضاء قدیمی انجمن ادبی شیدا است. روزگار به کفّاشی می‌گذرانید، از اشعار او است:

1690 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص 199؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 263؛ نقباء البشر، ج 1، صص 143- 144.
1691 . خورشید جی، صص 294- 296؛ فهرست مجلس، ج 17، ص 135.
1692 . نقباء البشر، ج 1، ص 147؛ میرزای شیرازی، ص 112؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 144؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 56.
1693 مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.
1694 . الذّریعة، ج 8، ص 49.

]کار ما مشکل از آن زلف گره در گره است زلف بگشا و گره باز کن از مشکل ما[1695]

سیّد اسماعیل طباطبایی

اسماعیل طباطبایی اصفهانی، عالم فاضل، از دانشمندان علوم عقلی در اوایل قرن سیزدهم هجری است.[1696]

سیّد اسماعیل طباطبایی زوّاره‌ای

آقا سیّد اسماعیل طباطبایی زوّاره‌ای اصفهانی، از اساتید فنّ قرائت و تجوید در اصفهان بوده، و میرزا زین العابدین بن محمّد علی سبزواری معروف به شهشهانی، امام مسجد صفا، نزد او این علم را آموخته است. در مجموعه شماره 1540 کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ذکری از او شده است.[1697]

ملّا اسماعیل طبسی

ملّا اسماعیل طبسی خراسانی اصفهانی، فاضل جلیل واعظ متّقی، از فضلاء اهل منبر در قرن سیزدهم هجری در اصفهان بوده است. در طبس خراسان متولّد گردید، و در اصفهان

اعلام اصفهان، ص: 589

فی‌الجمله تحصیل نمود، و روزگار، به ذکر مصائب و فضائل معصومین علیهم السّلام می‌گذرانید، و در نزد علماء وقت، همچون سیّد حجّت الاسلام و دیگران تحصیل کرد، و معزّز می‌زیست، سرانجام قبل از سال 1260 وفات یافت، در صحن امامزاده هارون ولایت علیه السّلام مدفون گردید. مشار الیه پدر مولی محمّد حسین عارفچه و جدّ میرزا محمّد علی عارفچه شاعر ادیب و واعظ می‌باشد.[1698]

محمّد اسماعیل طبیب

محمّد اسماعیل طبیب اصفهانی، از اطبّاء معروف در قرن سیزدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه‌ای است از قرابادین تألیف حکیم مظفّر بن محمّد شفایی کاشانی که آن را در سال 1230 ق به خطّ نسخ نوشته است. نسخه به شماره 1069 در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد موجود است.[1699]

حکیم اسماعیل طبیب*

حکیم اسماعیل طبیب، از اطبّاء حاذق عهد صفویّه است. وی ساکن اصفهان، و ظاهرا تا سال 1083 ق در قید حیات بوده است. نصرآبادی در ضمن شرح حال زمانای نقّاش گوید:

«زمانای نقّاش اصفهانی، گویا والد حکمت‌پناه، حکیم اسماعیل طبیب است»[1700].

اسماعیل فرهنگ چالشتری

اسماعیل فرهنگ، از بزرگـزادگان قریه چالشتر است. سال 1320 قمری متولّد شد.

1695 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 321.
1696 . الکرام البررة، ج 1، ص 132.
1697 . فهرست مرعشی، ج 4، ص 340.
1698 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، صص 535- 536؛ بیان المفاخر، ج 1، صص 265- 266.
1699 . فهرست گوهرشاد، ص 160.
1700 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 420.

زمانی در ارتش بود، بعدا استعفا نمود، و در دوائر کشوری مشغول شد، از آن هم مستعفی، و در مولد خویش به کار زراعتی مشغول شد. از او است:

]گل حسرت که بروید به مزار تو و من ز آرزوهاست که خاك است به خاك من و تو[1701]

شیخ اسماعیل قصری

شیخ اسماعیل قصری اصفهانی، از عرفاء و متصوّفه قرن هفتم هجری است. در سلسلة الاولیاء در باب او نوشته شده است: «کان عالما بعلوم الظّاهر، متبحرا فیها عارفا بحقایق الباطن محقّقا فی دقائقها و فی المجاهدة و المشاهدة و المکاشفة له شأن عظم و مرتبة کبر».

وی از مشایخ شیخ نجم الدّین کبری بوده، و شیخ نجم الدّین از او خرقه پوشیده است.

صاحب عنوان سرانجام در دزفول اقامت گزیده، و همان جا وفات یافته است.[1702]

سیّد اسماعیل قوام الواعظین

سیّد اسماعیل قوام الواعظین فریزهندی اصفهانی، عالم فاضل واعظ، از اهالی قریه «فریزهند» از قرای اصفهان، و از معاصرین است. در تهران ساکن است. کتاب ذخیرة المعاد در مواعظ و نصایح و ذکر مصائب، از تألیفات او است که در دو مجلّد به طبع رسیده است.[1703]

استاد اسماعیل کاشی‌پز*

استاد اسماعیل کاشی‌پز، هنرمند کاشی‌ساز، پدر میرزا یحیی مدرّس بیدآبادی عالم و شاعر معروف است. در هنر کاشی‌سازی، از اساتید زمان خود بوده، قسمتی از تزیینات کاشی‌کاری مسجد سیّد اصفهان در سال 1294 ق از آثار هنرمندانه او است.[1704]

محمّد اسماعیل کامی دولت‌آبادی

محمّد اسماعیل دولت‌آبادی متخلّص به «کامی»، شاعر ادیب قرن سیزدهم هجری

است، در «دولت‌آباد» برخوار متولّد، و پس از تحصیل به تجارت مشغول شد. سفری هم به همدان داشت، و بالاخره در سال 1219 ق در عنفوان جوانی در اصفهان وفات یافت. این رباعی از او است:

گریان نبود سحاب هنگام بهار نالان نبود به گلستان بلبل زار

چون دیده اشك‌ریز من از غم دوست چون سینه ناله‌خیز من از غم یار[1705]

1701 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 353.
1702 . روضات الجنان، صص 380 و 575.
1703 . الذّریعة، ج 10، ص 19.
1704 . تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 356.
1705 . سفینة المحمود، ص 274؛ تذکره اختر، ص 165؛ حدیقة الشّعراء، ج 2، ص 1450.

ملا اسماعیل کرمانی

مولی اسماعیل کرمانی اصفهانی فاضل خطّاط، ساکن مدرسه نیماورد اصفهان، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. از آثار او مجموعه‌ای به شماره 1016 در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی در مشهد مقدّس، حاوی رساله‌های الفوائد الحائریّة و الفوائد الاصولیّه، هر دو از تألیفات وحید بهبهانی و ایضاح الاشتباه تألیف علّامه حلّی است که به خطّ نسخ در مدرسه نیماورد کتابت شده است.[1706]

پیر اسماعیل مالواجردی*

پیر اسماعیل مالواجردی جرقویه‌ای اصفهانی، از عرفای سرزمین جرقویه است. ظاهرا در قرن هشتم هجری می‌زیسته، و مقبره‌اش در قریه مالواجرد بوده، و به «پیر مالواجرد» معروف بوده است.[1707]

میرزا اسماعیل موسوی

میرزا اسماعیل موسوی، عالم فاضل، از دانشمندان علم ریاضی در اصفهان است. از بنی اعمام مرحوم حاج سیّد محمّد باقر حجّت الاسلام شفتی بوده است. نسخه‌ای از کتاب تحریر اقلیدس از کتاب‌های سیّد حجّت الاسلام نزد او امانت بوده، و مشار الیه در پشت

صفحه اوّل کتاب یادداشت نموده که: «امانت از عموزاده سیّد محمّد باقر رشتی». این کتاب در کتابخانه نویسنده سطور [سیّد مصلح الدّین مهدوی] می‌باشد.[1708]

محمّد اسماعیل نجف‌آبادی*

محمّد اسماعیل نجف‌آبادی در سال 1228 ق نسخه‌ای از کتاب حلیة المتّقین علّامه مجلسی را کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه مسجد الزّهراء اصفهان موجود است.

اسود

اسود بن رزین، از محدّثین اصفهان در اوایل قرن سوم هجری است. از حسن بن سالم و وقاء اسدی روایت می‌کند، و ابراهیم بن ایّوب از او نقل حدیث می‌نماید.[1709]

اسید ثقفی

ابو الحسین اسید بن عاصم بن عبد اللّه، از موالی ثقیف و از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از سعید بن عامر، بشر بن عمر، عبد الصّمد بن وارث، حسین بن حفص و بکر بن بکار روایت نموده است. وی در سال 270 ق وفات یافت، و اسماعیل بن احمد بر او نماز خواند، و در اصفهان مدفون شد. کتاب مسند از تألیفات او است.[1710]

اسید مدینی

اسید بن عبد اللّه بن احمد بن اسید معدّل مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی قبل از سال 350 ق وفات یافت. از محمّد بن نصیر و همطبقه‌های او نقل حدیث می‌کند.[1711]

[1706] . فهرست کتابخانه الهیّات مشهد، ج 2، ص 174.
[1707] . گرکویه، ص 177.
[1708] . بیان المفاخر، ج 2، ص 175.
[1709] . ذکر اخبار اصفهان، ص 231.
[1710] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 226؛ طبقات المحدّثین، ج 2، ص 306؛ سیر اعلام النّبلاء، ج 12، ص 378؛ الوافی بالوفیات، ج 9، ص 261.
[1711] . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 227.

اسید

اسید بن متشمّس بن معاویه از محدّثین قرن اوّل هجری است. با ابو موسی اشعری برای فتح اصفهان به این شهر آمد. او پسر عموی احنف بن قیس بود. او از ابو موسی اشعری روایت نموده است.[1712]

محمّد اشرف ورنوسفادرانی

محمّد اشرف بن حیدر علی ورنوسفادرانی سدهی بن ملّا کلب علی بن محمّد بن نورا بن محمّد بن نور الدّین علیّ بن عبد العالی میسی عاملی عالم فاضل جلیل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است که به قصد زیارت حضرت رضا علیه السّلام به ایران آمد، و در اصفهان برحسب خواهش علماء و بزرگان ساکن شد، و در فتنه افغان به سده مهاجرت نمود، و در سال 1135 وفات یافت، و در قریه ورنوسفادران مدفون گردید. [اولاد و احفادش در سده ساکن و به نورایی، معرفت، جبل عاملی و اشرفی شهرت دارند]. کتب زیر از تألیفات او است:

1. سفینة العارفین فی معرفة اصول الدّین، در کلام، به فارسی در 129 صفحه به روش استدلالی، تاریخ ختم تألیف، سه‌شنبه شوّال 1134 در اصفهان، نسخه، ضمن مجموعه 227 در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی در قم موجود است. 2. عروة المتّقین، در تفسیر آیة الکرسی به فارسی که در اصفهان در سال 1368 ق به چاپ رسیده است.[1713]

محمّد اشرف اصفهانی

محمّد اشرف بن زین الدّین اصفهانی، از کاتبان قرن 11 هجری و از نویسندگان خطّ نسخ. از آثار او است: 1. نسخه‌ای از کتاب جامع المقاصد فی تکلمة شرح القواعد تألیف عبد الله شوشتری اصفهانی، که به خطّ نسخ کتابت نموده، و به شماره 8393 در کتابخانه

آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.[1714] 2. نسخه‌ای از کتاب مناقب ابن شهرآشوب که در سال 1095 ق به خطّ نسخ کتابت کرد، و در مدرسه سلیمان خان در مشهد مقدّس موجود است. در پشت نسخه، وقف‌نامه‌ای است به خطّ علّامه مجلسی که از بابت نما و سود گرمابه نقش جهان اصفهان، وقفی شاه سلطان حسین صفوی خریداری و وقف شده است.

میر محمّد اشرف علوی عاملی

میر محمّد اشرف بن سیّد عبد الحسیب محمّد بن سیّد احمد علوی حسینی عاملی اصفهانی، عالم فاضل ادیب شاعر محقّق مدقق، در اواخر قرن یازدهم هجری در اصفهان متولّد شد و نزد پدر دانشمند خود، ملّا محمّد صالح مازندرانی و علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی تلمّذ نموده، و علّامه او را با القاب و صفات عالی، در اجازه‌ای که به او داده، ستوده است. همچنین میر محمّد اشرف از ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) اجازه روایت دارد.[1715] وی در هنگام حمله افغان‌ها و محاصره اصفهان به سده مهاجرت نمود، و در سال 1145 ق وفات یافت[1716]. (شیخ محمّد علی حزین سال وفاتش را 1133 ق می‌نویسد)[1717]، و در محلّه ورنوسفادران سده ماربین مدفون شد، و بقعه‌ای بر سر مزار او بنا شد، و بعدا جمعی از اولاد و اعقابش در آنجا دفن شدند.[1718] وی را تألیفاتی است؛ از آن جمله: 1. اشرف المناقب، شروع تألیف، 1102 ق به نام شاه سلیمان صفوی 2. ترجمه الفیّه ابن مالك به نظم فارسی 3. حاشیه بر قبسات جدّش میرداماد 4. حاشیه بر شرح مختصر عضدی 5. شرح مشیخه تهذیب الحدیث معروف به رجال محمّد اشرف 6. فضائل السّادات، که همان کتاب اشرف المناقب او است که مطالبی به آن افزوده، و آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی نامیده است. این کتاب با مقدّمه‌ای به نام لؤلؤ الصّدف تألیف آیت‌الله مرعشی نجفی چاپ شده است. 8. ترجمه فارسی مصائب النّواصب، به خواهش احمد بیك یوزباشی در سال

1712 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 226؛ طبقات المحدّثین، ج 1، ص 85.
1713 . الذّریعة، ج 15، ص 249؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 200 و 259؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 289؛ فهرست کتابخانه گلپایگانی، ج 1، ص 196؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 351؛ خمینی‌شهر، ص 141.
1714 . فهرست مرعشی، ج 21، ص 361.
1715 . تلامذة العلّامة المجلسی، صص 77- 78.
1716 . رجال اصفهان یا تذکرة القبور، صص 95 و 273؛ مکارم الآثار، ج 4، ص 1196.
1717 . تذکرة المعاصرین.
1718 . یادنامه سیّد بحر العلوم میردامادی، صص 30- 32؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 290.

1070 ق 9. علاقه التّجرید، شرح فارسی بر تجرید خواجه نصیر الدّین طوسی، مطبوع.[1719]

میر محمّد اشرف، گاهی شعر می‌گفته، و این ابیات از او است:

آن ماه دوهفته دلبر جانی من — آن یار عزیز، یوسف ثانی من

یك روز نکرد فکر شب‌های غمم — یك‌بار نگفت پیر کنعانی من[1720]

آقا اشرف طبیب

محمّد اشرف فرزند حکیم شمس الدّین محمّد (حکیم شمسا) اصفهانی. مرحوم خاتون‌آبادی درباره او گوید: «مرد فاضلی بود، و به همه مراتب علوم، ربط معقولی داشت، و اکثر اوقات، مسائل و عبادات مشکله طرح می‌نمود و می‌نوشت، و بسیار با ادب و خوش‌اخلاق بود. در کمال شکستگی و تواضع، و لا سیّما با طالب علمان، صحبت دوست بود با علماء، و طالب علمان او را طبیب حرم نمودند، و منع کردند او را از تردّدها، رحمه الله».

فوت او بعد از فوت آقا حسین، پیش از ماه مبارك رمضان [در سال 1098 ق] به چند روز بوده است.[1721] [از تألیفات او تقویم الابدان در طب است که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود][1722].

محمّد اشرف خنجی اصفهانی

محمّد اشرف بن معزّ الدّین خنجی اصفهانی، از فضلاء و علماء اصفهان در قرن یازدهم هجری است. در زمره علماء و مشار بالبنان، و تا سال 1089 ق زنده بوده است. از آثار او کتابت نسخه‌ای است از کتاب غرر الفرائد و درر الفرائد تألیف سیّد مرتضی علم الهدی معروف به امالی که آن را در 21 صفر سال 1089 ق به دستور حسینعلی خان یکی از بزرگان اصفهان تصحیح نموده است. نسخه به شماره 569 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم

اعلام اصفهان، ص: 596

موجود است.[1723]

همچنین وی در زمره علمایی است که وقف‌نامه مسجد شاه اصفهان را امضاء کرده است. سجع مهر او: «یثق بالله الصّمد محمّد اشرف بن معزّ الله بن محمّد»[1724].

محمّد اشرف ساوجی

محمّد اشرف بن محمّد مقیم بن عبد الغفور ساوجی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده است. از آثارش کتابت مقاله شانزدهم از کتاب النّبض الکبیرة تألیف محمّد بن زکریّای رازی است که آن را در شب چهارشنبه 19 رجب سال 1073 در اصفهان به پایان رسانیده است. کتاب، به شماره 2808 در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.[1725]

اشرف جعفری

1719 . الذّریعة(مجلّدات مختلف)؛ مصفّی المقال، ستون 82؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، صص 14- 16؛ اعیان الشّیعة، ج 43، ص 296.

1720 . تذکرة المعاصرین.

1721 . وقایع السّنین و الاعوام، ص 542.

1722 . فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص 143.

1723 . فهرست مرعشی، ج 2، ص 168.

1724 . تاریخچه اوقاف اصفهان، ص 95.

1725 . فهرست مجلس، ج 10، جزء یکم، ص 91.

اشرف جعفری از محدّثین و دانشمندان اصفهان است. [مافرّوخی در کتاب خود از او نام برده است. وی ظاهرا در قرن سوم و یا چهارم هجری می‌زیسته است[1726]].

اشعث اصفهانی

اشعث بن اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و ابن منده در کتاب خود از او نام برده است. از خارجة بن مصعب روایت می‌کند، و حسین بن عاصم رازی از او نقل حدیث می‌نماید.[1727]

ملّا اصغر قمی

مولی اصغر بن محمّد قاسم بن جمال قمی اصفهانی، از خطّاطین و نویسندگان فاضل در

قرن 12 هجری است که در سال 1115 در اصفهان، کتاب ریاض السّالکین در شرح صحیفه سیّد السّاجدین تألیف سیّد علی خان مدنی شیرازی را کتابت نموده است. نسخه آن در کتابخانه شیخ مشکور در نجف اشرف موجود بوده است.[1728]

استاد اصغر طاهرزاده*

(استاد اصغر طاهرزاده از فضلاء و محققین پرتلاش معاصر است. در سال 1330 ش متولّد شد. تحصیلات دانشگاهی را تا لیسانس زمین‌شناسی ادامه داد و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در کنار تدریس به تحصیل در حوزه علمیه قم پرداخت و در رشته فلسفه و کلام و تفسیر تبحر پیدا کرد. وی سال‌ها به تدریس معارف اسلامی برای اقشار مختلف مردم اشتغال دارد و موفقیت چشمگیری در ترویج معارف الهی پیدا کرده است. آثار ارزشمند زیر از او به چاپ رسیده است:

معرفت النفس و الحشر (ترجمه و تنقیح جلد 8 و 9 اسفار)، از برهان تا عرفان، مبانی معرفتی مهدویت، کربلا مبارزه با پوچی‌ها، علل تزلزل تمدن غرب، آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین، شرح نامه 21 نهج البلاغة، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، ده نکته از معرفت نفس و مقام لیلة القدری حضرت فاطمه (س)

استاد اصغر صانعی*

استاد اصغر صانعی از نقّاشان معاصر. در حدود سال 1340 ق در اصفهان متولّد شده است. وی در هنرستان هنرهای زیبا در تهران تحصیل کرد، و در خارج از هنرستان نیز نزد استادانی چون استاد حاج حسین مصوّر الملکی در اصفهان و استاد حسین بهزاد در تهران شاگردی نمود، و استادی ماهر گردید. وی در نقّاشی مینیاتور تبحّر خاصّی داشت.[1729]

اصغر «درویش متین اصفهانی»*

اصغر معروف به «درویش متین» فرزند ملك محمد، از دراویش باصفا بود که به کسوت درویشی در شهر می‌گشت، و شعر مولوی می‌گفت. مردی بی‌آلایش و بریده از علایق دنیوی بود. استاد همایی به وی محبّت بسیار داشت. در 9 ذی‌حجّه 1384 قمری وفات یافت، و پای دیوار جنوبی خارج از تکیه سیّد العراقین مدفون شد.[1730]

دکتر اصغر فروغی*

دکتر اصغر فروغی ابری، در سال 1340 ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات ابتدایی و متوسّطه به جبهه‌های نبرد شتافت، و در سال 1362 ش براثر انفجار مین نابینا گردید. وی پس از آن به تحصیل در رشته تاریخ پرداخت، و سرانجام موفّق به اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه تهران گردید، و به تدریس در دانشگاه اصفهان پرداخت.

1726 . محاسن اصفهان، ص 30.
1727 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 231.
1728 . الذّریعة، ج 11، ص 326.
1729 . تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 316.
1730 . دولت دیدار، ص 281.

این کتاب‌ها از او است: 1. تاریخ غوریان، که در سال 1381 به چاپ رسیده است. 2.

یك‌مشت خاك، یك دشت خون، که در سال 1383 چاپ شده است.[1731]

اصمعی

اصمعی، از ادبای اصفهان و معاصر مافرّوخی مؤلّف محاسن اصفهان بوده، و در لغت و صرف و نحو، تبحّر داشته است.[1732]

اصیل الدّین

نظام الدّین اصیل، شیخ و مقتدای اصفهان در قرن هشتم بوده است. در موقع تسخیر اصفهان، شاه ابو اسحاق اینجو مدّتی در منزل او مخفی بود، تا سپس گرفتار و در شیراز مقتول شد. وی شیخ الاسلام اصفهان، و تا سال 759 ق در قید حیات بوده است.[1733]

اظهری اصفهانی

اظهری، از شعرای اصفهان در عصر صفویّه است. وی تا سال 1061 ق در قید حیات بوده است.

در همین زمان، شاعری به نام «اظهری شیرازی» که نامش بوداق بوده، از اینکه با اظهری اصفهانی هم تخلّص شده، شکایت نموده است.[1734]

اظهری قهپایه‌ای

اظهری قهپایه‌ای، شاعر ادیب خوشنویس. در اوایل، گیوه‌کش بوده، سپس نویسنده عسس اصفهان شده، در اواخر عمر، به جنون مبتلا گردیده، در آخر با گلاب، غسل کرده و خوابیده، و وفات یافته است. از او است:

سرخی آن کف پا را به حنا نسبت کرد خون صددل فسرده می‌خواست که از پا ببرد[1735]

اغملش

اغملش، نایب خلیفه عبّاسی در اصفهان بوده است. او در سال 613 ق به دست فداییان اسماعیلیّه کشته شده است.

افراسیاب خان

افراسیاب خان، از ادباء و شعرای عصر صفویّه است. وی برادر رستم خان ایلچی حاکم جام بود. به سخن‌شناسی و لطافت طبع، شهرت داشت، و به حسن سلیقه و کمالات صوریّه، موصوف بود. در اصفهان ساکن بود، و همان‌جا درگذشت. این بیت از او است:

خورم صد زخم اگر بر دل تمنّای دگر دارم ز تیغ غمزه‌اش امید جوهر بیشتر دارم[1736]

1731 . خورشید جی، ص 434.
1732 . محاسن اصفهان، ص 35.
1733 . مجمل فصیحی، ج 1، ص 88؛ روضة الصّفا، ج 4، ص 498.
1734 . فهرست مدرسه سپهسالار، ج 2، ص 561؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج 1، ص 287.
1735 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 591؛ الذّریعة، ج 9، ص 81؛ تذکره روز روشن، ص 59.
1736 . تذکرة المعاصرین، حزین، ص 183.

افریدون اصفهانی

افریدون بن محمّد بن محمّد بن علی اصفهانی تاجر، از مردان نیکوکار در قرن هشتم هجری است. از آثارش بنای مدرسه‌ای است در دمشق که آن را به سال 744 ق بنا نموده، و خود در رجب سال 749 وفات یافته است.[1737]

میر افضل طباطبایی اردستانی*

میر افضل فرزند عبد الکریم طباطبایی اردستانی، شاعر ادیب فاضل از نوادگان میر بلند، از سادات عالی‌قدر اردستان بوده که در قریه «اویخ» اردستان مدفون است، و خود او در اصفهان به تحصیل مشغول بوده، و گاهی شعر می‌سروده، از آن جمله است. این بیت:

فضای سینه‌ام ازبس‌که بر نفس تنگ است　　میانه دل‌وجان از برای جا جنگ است[1738]

میر افضل تونی*

میر افضل حسینی تونی معروف به «افضل الحسینی» از نقّاشان معروف عهد صفویّه است. نقّاشی‌های او به سبك رضا عبّاسی [است]. شاید او از شاگردان رضا عبّاسی باشد.[1739]

اکبر خان تارزن*

اکبر خان تارزن، هنرمند موسیقی‌دان اصفهانی، در حدود سال 1322 ق در اصفهان متولّد شد. وی در نواختن تار، مهارت بسزایی داشت، و در فنّ خود خوش‌سلیقه بود.

نواهای چنان چالاك می‌زد　　که مرغ از شور، پر بر خاك می‌زد

وی قبل از سال 1374 ق بدرود حیات گفت.[1740]

اکبر ترابیان

اکبر ترابیان از شعرای اصفهان است. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در اصفهان طی کرد. از همان نوجوانی شعر می‌گفت.[1741]

شیخ اکبر جوادی*

[1737] . الدّرر الکامنه، ج 1، ص 418.
[1738] . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 279؛ تذکره روز روشن، ص 64.
[1739] . دائرةالمعارف هنر، ص 33.
[1740] . تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 255.
[1741] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 132.

شیخ اکبر جوادی، روحانی پرتلاش و با اخلاص، در سال 1336 ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات مقدّماتی به قم رفت، و نزد اساتید حوزه، همچون مشکینی، سبحانی، جوادی آملی، نوری همدانی، شیخ یوسف صانعی، حسن‌زاده آملی، منتظری و فاضل لنکرانی به تلمّذ مشغول شد. در سال 1370 ق به امامت جمعه فولادشهر منصوب شد، و در حوزه و دانشگاه به تدریس پرداخت. وی در ترویج دین و جذب مردم به شعائر مذهبی، نقش مؤثّری ایفا نمود، و سرانجام در 21 بهمن 1374 ش (20 رمضان) در اثر سانحه تصادف، دار فانی را وداع گفت، و پیکرش در تکیه شهدای اصفهان مدفون گردید.[1742]

دکتر اکبر بردبار

دکتر اکبر بردبار، از دانشمندان طب و متخصّص بی‌هوشی، در سال 1310 ش در اصفهان متولّد شد. پس از طیّ تحصیلات ابتدایی و متوسّطه در اصفهان، به تحصیل در رشته پزشکی در دانشکده پزشکی پرداخت، و پس از اتمام آن، به مدّت سه سال دوره تخصّصی بی‌هوشی را در بیمارستان سینا گذراند، و از سال 1338 ش به سمت ریاست درمانگاه بی‌هوشی دانشکده پزشکی اصفهان منصوب شد. سپس به مدّت سیزده سال در انگلستان به مطالعه و تکمیل تحصیلات خود در رشته بی‌هوشی پرداخت، و موفّق به اخذ دیپلم بی‌هوشی با درجه «د. آ. سی. پی. آر. سی. اسDACPRCS » از کالج جرّاحان و پزشکان انگلستان گردید. از تألیفات و آثار ایشان، چندین مقاله و کتاب، جهت تدریس

در دانشگاه، با عناوین روش بی‌هوشی ساده، درمان مصونیّت با تریاك، توقّف قلب با ایجاد عوارض مغزی، هیپوترمی و غیره است.

میرزا محمّد اکبر دولت‌آبادی «اکبر»

میرزا محمّد اکبر فرزند آقا میرزا دولت‌آبادی، شاعر ادیب، پدرش در زمان شاه‌عبّاس کبیر، مستوفی الممالك بوده [است][1743]، مشار الیه، جامع کمالات بوده، از آثار او است:

1. مثنوی زاهدنامه 2. مثنوی در بحر خسرو و شیرین[1744] 3. مثنوی در وصف اصفهان[1745]. این رباعی از او است:

تا مرد ز نقش خویشتن ساده نشد — از بهر جلای عشق آماده نشد

تا آب روان نهفته در تاك نرفت — گلرنگ نشد صاف نشد باده نشد

محمّد اکبر اصفهانی

محمّد اکبر اصفهانی متخلّص به «اکبر» شاعر ادیب، به هندوستان مسافرت نمود؛ و سپس به توران رفت، و محمّد خان (متوفّی 1056 ق) را مدح گفت. دیوانش شامل 7200 بیت در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است. این بیت از او است:

شراب خانه پرورد عراق است این زلال فیض — مجو از شیشه شیراز یا جام خراسانش[1746]

اکبر بروجنی

1742 . یادداشت آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.
1743 . تذکره نصرآبادی، ج 1، صص 158- 159.
1744 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 893.
1745 . فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج 1، ص 170؛ فهرست دانشگاه تهران، ج 9، ص 119.
1746 . کاروان هند، ج 1، صص 81- 82؛ فهرست مجلس، ج 3، ص 221؛ الذّریعة، ج 9، ص 87.

اکبر بروجنی، از شعرای معاصر است. در اصفهان سکونت داشت. قسمتی از اشعارش به نام رفیق خیانتکار به طبع رسیده است.[1747]

محمّد اکمل اصفهانی

ملّا محمّد اکمل بن محمّد صالح اصفهانی، عالم فاضل محدّث، پدر جناب آقا محمّد باقر وحید بهبهانی. در اوایل قرن دوازدهم هجری می‌زیست. نزد جمعی از علماء، از جمله علّامه مجلسی، ملّا میرزا شیروانی، شیخ جعفر قاضی، مولی محمّد شفیع استرآبادی تحصیل نمود، و از آنان روایت کرد. فرزندش وحید بهبهانی در اجازات خود او را چنین ستوده است: «العالم الکامل الفاضل الامین المحقّق المدقّق الباذل الاعلم الافضل الاکمل، استاد الاساتید و الفضلاء، و شیخ المشایخ العظماء العلماء الفقهاء، مولانا محمّد اکمل».

ملّا محمّد اکمل با دختر ملّا نور الدّین محمّد بن ملّا محمّد صالح مازندرانی ساروی ازدواج کرده، و صاحب فرزندانی شده است که از آن جمله است جناب وحید بهبهانی.[1748]

الفتی ساوجی

الفتی ساوجی فرزند حسین ساوجی است. مدّت‌ها در هند بوده، رساله‌ای در عروض و قافیه به نام عبد الله قطب‌شاه تألیف کرده، در اواخر عمر به اصفهان آمده، در قهوه‌خانه جنب دارالشّفاء ساکن شده، در کمال شوخی و نمك بوده، و اشعار همواری می‌گفته؛ لکن خود، خویشتن را از انوری بالاتر می‌دانسته [است]، و در زمان تألیف تذکره نصرآبادی فوت شده بوده است. از او است:

بود هر خم می که خشتیش هست — حکیمی ز حکمت کتابی به دست

می کهنه و نو سخنگو به هم — یکی از حدوث و یکی از قدم[1749]

الله کرم رئوفی بروجنی «سالك»

الله کرم رئوفی متخلّص به «سالك»، شاعر ادیب در سال 1322 قمری در قصبه بروجن متولّد شد. در مکاتب قدیم، مشغول به تحصیل شد، و به مناسبت فوت پدر، ترك تحصیل

کرد، و برای امرار معاش خانواده به شغل بزّازی پرداخت، و چون به علم و ادب، علاقه داشت، در ضمن کار روزانه، تحصیلات خود را ادامه داد. گاهی برحسب اقتضای حال، اشعاری می‌سرود. دیوان اشعاری دارد که هنوز طبع نشده است. از او است:

در ره عشق به پای سر و جان باید رفت — سوی معشوق به ترك دوجهان باید رفت[1750]

الله وردی خان*

[1747] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 50.

[1748] . تذکرة العلماء، ص 261؛ الفیض القدسی، ص 89(ترجمه فارسی فیض قدسی، ص 214)؛ مرآة الاحوال، صص 131 و 270؛ هدیة الاحباب، ص 114؛ نجوم السّماء، ص 230؛ وحید بهبهانی، ص 107؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 2، ص 16.

[1749] . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 464.

[1750] . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 232.

الله وردی خان، از سرداران و امرای بزرگ عهد شاه‌عبّاس صفوی است. اصلا از خاندان اصیل «اوندیلادزه» گرجستان بود، و در زمان لشکرکشی شاه‌تهماسب به گرجستان به ایران آورده شد. وی کم‌کم از خود لیاقت و کاردانی بروز داد، و پلّه‌های ترقّی را در دستگاه صفویّه طی کرد. ابتدا حاکم گلپایگان شد، و سپس در سال 1005 ق حکومت فارس را برعهده گرفت، و پس از سرکوب شورشیان کوه‌گیلویه، حکومت آنجا را نیز ضمیمه حکومت خود ساخت.

در سال 1006 ق به سپهسالاری ایران رسید. او در جنگ‌های شاه‌عبّاس با ازبك‌ها در شرق ایران، و عثمانی‌ها در غرب کشور، فرماندهی نیروها را برعهده داشت، و باعث پیروزی دولت صفویّه بر رقیبان خود شد. او همچنین بحرین و لار را از دست پرتغالی‌ها که جنوب ایران را اشغال کرده بودند، خارج ساخت. الله وردی خان از مردان نیکوکار زمان بود، و آثار متعدّدی از خود به جای نهاد؛ از جمله: بنای پل الله وردی خان (سی و سه پل) در اصفهان، بنای قیصریّه لار، بنای گنبد و رواق الله وردی خان در مشهد مقدّس، و احداث مدرسه خان در شیراز و چندین مسجد، کاروان‌سرا و آب انبار و غیره در شهرهای مختلف.

وی سرانجام در سال 1022 ق درگذشت. شاه‌عبّاس از مرگ او متأسّف شده، دستور تشییع جنازه او را در مراسمی باشکوه صادر کرد، و به فرمان شاه، جنازه الله وردی خان به مشهد مقدّس حمل، و در جوار حرم امام رضا علیه السّلام به خاك سپرده شد. شاه‌عبّاس همچنین

به خاطر قدردانی از خدمات الله وردی خان، تمام مناصب او را به فرزندش امام قلی خان تفویض نمود.[1751]

خواجه امام الدّین واعظ

خواجه امام الدّین واعظ، از دانشمندان قرن هفتم هجری در اصفهان است.[1752]

امام الدّین اصفهانی

امام الدّین اصفهانی از دانشمندان اصفهان است. برادرش شمس الدّین، استاد او بوده، و شمس الدّین، رساله شمسیّه در منطق را نزد برادر خوانده است.[1753]

امام قلی خان*

امام قلی خان فرزند الله وردی خان، از خاندان «اوندیلادزه» گرجی، در سال 1022 ق پس از وفات پدرش به فرمانروایی فارس و کوه گیلویه منصوب شد، و پس از آن، حکومت لار، هرمز، بحرین، گلپایگان، تویسرکان، محلّات، هویزه، و دورق به قلمرو او اضافه شد.

شاه‌عبّاس به او احترام فراوان می‌گذاشت.

امام قلی خان در جنگ با اشغالگران پرتغالی در خلیج فارس پیروز شد، و بندر گمبرون (بندر عبّاس) و جزیره‌های هرمز و قشم را از دست آنان خارج ساخت، و به سیطره آنان به جنوب ایران و خلیج فارس پایان داد. وی در استان فارس، آثار خیریّه فراوانی از خود به جای نهاد؛ از جمله پلی عظیم در جهرم، چندین کاروان‌سرا، احداث پل خان بر روی رود کر، ساخت دو شبستان بزرگ در جنوب مسجد عتیق شیراز. او همچنین قصرهایی مجلّل و شکوهمند در شیراز و اصفهان بنا کرد.

امام قلی خان به شعرا و دانشمندان احترام می‌گذاشت، و بسیاری از آنان از سخاوت و اکرام او بهره‌مند شدند. پس از مرگ شاه‌عبّاس در 1038 ق، امام قلی خان همچنان حکومت فارس و متعلّقات آن را به عهده داشت؛ امّا شاه صفی پادشاه قصّی القلب

[1751] . تاریخ عالم‌آرای عبّاسی، صفحات مختلف؛ مجلّه وقف میراث جاویدان، تابستان 1375، صص 27- 28؛ محافل المؤمنین، ص 146؛ جایگاه گرجی‌ها در تاریخ، صص 244- 261.

[1752] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 589؛ مزارات اصفهان، ص 179.

[1753] . مرآة الجنان، ج 4، ص 332.

و کینه‌توز صفویّه، در سال 1042 ق دستور قتل امام قلی خان و اولاد ذکور او را صادر کرد، و به این ترتیب، امام قلی خان و فرزندانش کشته شدند.[1754]

استاد امان الله طریقی*

استاد امان الله طریقی، عکّاس و نقّاش معاصر، در سال 1302 ش در اصفهان متولّد شد.

وی پس از تحصیلات ابتدایی، به هنرستان هنرهای زیبا رفت، و در رشته نقّاشی به تحصیل پرداخت. پس از آن به عکّاسی پرداخت، و در کنار آن به نقّاشی مشغول شد. وی در نقّاشی پرتره و آثار تاریخی، تبحّر خاصی داشت، و نمایشگاه‌هایی از آثار او بر پا گردید. این هنرمند توانا در 24 شهریور 1380 درگذشت، و در باغ رضوان اصفهان مدفون گردید.[1755]

امام قلی بیك چگنی «وارسته»

امام قلی بیك چگنی معروف به «ملّا وارسته» ادیب فاضل شاعر از معاصرین نصرآبادی است، و با مل مظفّر ترکه مناظرات و منازعاتی داشت. در سال 1075 وفات یافت[1756]، [و در امامزاده اسماعیل اصفهان مدفون شد][1757].

از او است:

چشمی که افتد از گل رویت به روی گل — پای برهنه‌ای است که بر خار می‌رود

امام قلی کمره‌ای

امام قلی بن ابو القاسم بن شاه قلی کمره‌ای، از فضلاء و علمای قرن یازدهم هجری است. اصلا از اهالی کمره که امروزه به «خمین» معروف است بوده، جهت تحصیل به اصفهان آمد، و در مدرسه شیخ لطف الله ساکن شد، از آثار او: کتابت الفوائد الضیائیّة تألیف عبد الرّحمن جامی است که آن را به خطّ نسخ، در سال 1047 ق در مدرسه شیخ لطف الله به پایان برده است. نسخه به شماره 707 در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی در قم موجود است.[1758]

امام قلی حشمت

امام قلی متخلّص به «حشمت» برادر میرزا جعفر راهب از سادات طباطبایی و از نوادگان میرزا رفیعا نایینی اصفهانی است. به هند رفت، و به خدمت محمّد شاه رسید. لقب عماد الدّین خان یافت، و داماد حکیم الملك معصوم علی خان شد. از اشعار او است:

ما جورکشان نام نگیریم وفا را — پرورده دردیم نخواهیم دوا را[1759]

امام قلی وحشت بختیاری

1754 . فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره 14، تابستان 1375، صص 28- 29؛ جایگاه گرجی‌ها در تاریخ، صص 261- 277.
1755 . فصلنامه فرهنگ اصفهان، بهار 1379، ص 162 و اطّلاعات شخصی.
1756 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 476؛ ریحانة الادب، ج 6، ص 287؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، صص 991- 992.
1757 . قصص الخاقانی، ج 2، ص 114.
1758 . فهرست گلپایگانی، ج 2، ص 139.
1759 . خزانه عامره، ص 247؛ تذکره غنی، ص 46.

میرزا امام قلی بختیاری متخلّص به «وحشت»، از شعرای عصر صفویّه است. او برادر خلیل خان بختیاری، از خوانین ایل بختیاری است. وی تا حدود سال 1090 ق در قید حیات بوده است. این رباعی از او است:

این چرخ نگون که واژگون می‌گردد — ای بی‌خبر آگهی که چون می‌گردد؟

صد خوشه ز هر دانه امید تو سبز — تو خفته و آسیا به خون می‌گردد[1760]

اعلام اصفهان، ص: 608

شیخ امان الله گینکانی

شیخ امان الله گینکانی فرزند ملّا ابدال کوجانی اصفهانی عالم فاضل. در اصفهان نزد آخوند ملّا حسین فشارکی، آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای و آقا شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی تحصیل نموده، و از خواصّ اصحاب آقا شیخ محمّد رضا بود.

سال‌ها در مدرسه عربان به تدریس مقدّمات و سطوح فقه و اصول مشغول بود، در علوم عربیّت، مهارتی بسزا داشت، و عدّه‌ای از محضرش بهره‌مند می‌شدند. در بلوك برخوار نیز مصدر امور شرعی و مقبول القول بود. سرانجام در شب 23 رمضان 1383 ق وفات یافت، و در صحن تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجویی مدفون گردید.[1761]

امان الله بیگ «نظیر» زنگنه*

امان الله بیگ زنگنه متخلّص به «نظیر» شاعر ادیب، اصلا از ایل زنگنه ساکن کرمانشاهان بوده، امّا در اصفهان زندگی می‌کرد، و شعر می‌سرود. علاوه بر آن از خطّاطان زبردست نیز بوده، و به واسطه کتابت امرار معاش می‌کرده، در سال 1206 ق در اصفهان وفات یافت. این بیت از او است:

برون نمی‌رود ار حرفی از میانه ما — چنان‌که غیر نداند، بیا به خانه ما

[1762]

امیر اصفهانی

امیر اصفهانی از اعلام قرن هفتم هجری است. در تراجم رجال القرنین ضمن وقایع سال 660 می‌نویسد: «و فی الخامس من ذی القعدة مات الأمیر المعروف بالأصفهانی مخمورا».[1763]

اعلام اصفهان، ص: 609

امیر بیگ اصفهانی

[1760] . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 54.

[1761] . مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص 82- 83؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 2، ص 289؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 191.

[1762] . سفینة المحمود، ج 1، ص 325؛ تذکره منظوم رشحه، ص 71؛ حدیقة الشّعراء، ج 3، ص 1091؛ تذکره نگارستان دارا، ص 269؛ ریحانة الادب، ج 6، ص 216؛ تذکره دلگشا، صص 476- 477؛ مجمع الفصحاء، ج 6، ص 1089؛ مکارم الآثار، ج 3، ص 216؛ الذّریعة، ج 9، ص 1212؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص 105.

[1763] . تراجم رجال القرنین، ص 220.

امیر بیگ اصفهانی، شاعر ادیب، نزد حکیم شفایی، فنون شعر و ادب را آموخته، و به کسب قصّابی اشتغال داشته، حدود هفتاد سال عمر کرده، در زمان شاه‌عبّاس ثانی وفات یافته است. از اشعار او است:

روزی به شب کنم به صد اندوه سینه سوز شب را سحر کنم به امید کدام روز[1764]

امیر اصفهانی

امیر بن حسین اصفهانی، فاضل ادیب ریاضی‌دان، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. وی مؤلّف نوزده باب در نجوم است که آن را جهت استفاده اطفال تألیف نموده است.

نسخه به شماره 2/ 3451 ضمن مجموعه شماره 1156 در کتابخانه ملّی ملك در تهران نگهداری می‌شود.[1765]

حاج امیر آقا فلاورجانی

[شیخ محمّد حسن کیانی] معروف به «حاج امیر آقا فلاورجانی» عالم فاضل کامل، [در 7 دی 1267 ش در فلاورجان اصفهان متولّد شد.] در اصفهان نزد بسیاری از علمای این شهر از جمله سیّد علی نجف‌آبادی، سیّد محمّد نجف‌آبادی، شیخ محمّد رضا نجفی و [میر محمّد صادق خاتون‌آبادی تحصیل نمود. سپس در نجف اشرف از درس سیّد ابو الحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، سید عبد الهادی شیرازی و دیگران بهره برد و به اصفهان بازگشت و در مدرسه جدّه بزرگ ساکن شد. او روزهای پنج‌شنبه و جمعه را در فلاورجان به اقامه جماعت و ترویج و تبلیغ احکام و وعظ و خطابه می‌پرداخت.

وی عالمی فاضل، خوش‌محضر، نکته‌دان و مورد علاقه مردم و شخص اوّل روحانی در آن ناحیه بود. او در حجره مدرسه جدّه ساکن بود. اهل علم و فضلاء دیدار با او را مغتنم می

اعلام اصفهان، ص: 610

شمردند و از خرمن علم او بهره‌مند می‌شدند. او تا آخر عمر مجرّد زیست، و در اواخر زندگی، دارایی خود را به دولت واگذار نمود تا صرف مدرسه‌سازی و بهداشت و درمان مردم شود] وفات او در سال 1403 ق اتّفاق افتاد، و پیکرش در قبرستان عمومی فلاورجان به خاك سپرده شد.[1766]

امیر بیك قهبایجی

امیر بیك بن ملك محمّد قهبایجی [کوهپایه‌ای] خطّاط نستعلیق‌نویس. از آثارش مجموعه‌ای است شامل دو کتاب: 1. مصابیح القلوب، تألیف ابو سعید حسن شیعی بیهقی سبزواری 2. داستان دقیانوس و قسمتی از تاریخ قوم حضرت موسی علیه السّلام که در 1054 ق کتابت شده است. نسخه به شماره 1758 در کتابخانه وزیری یزد موجود است.[1767]

امیر کوکبی گرجی*

امیر خان کوکبی گرجی، از هنرمندان قرن دوازدهم هجری است. او از موسیقی‌دانان دربار شاه سلطان حسین صفوی بوده، و به نام او رساله‌ای در موسیقی به نظم و نثر تألیف نموده، و در سال 1108 ق آن را به پایان رسانده است.

شعر نیز می‌سروده، و کوکبی تخلّص می‌کرده است. او در فنّ موسیقی، خصوصا گوشه‌ها و الحان و تصانیف، اساتید بوده است. وی کتاب خود را در سنّ 78 سالگی تألیف نموده است؛ بنابراین، سال تولّد او 1030 ق خواهد بود.[1768]

1764 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 600؛ الذّریعة، ج 9، ص 99؛ تذکره روز روشن، ص 659؛ تذکره آتشکده، بخش سوم، ص 926.
1765 . الذّریعة، ج 24، ص 390.
1766 . یادداشت‌های آقای رحیم قاسمی(وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطی؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 2، ص 290.
1767 . فهرست وزیری، ج 2، ص 614.
1768 . مداومت در اصول موسیقی ایران، صص 170- 175؛ نامنامه موسیقی ایران زمین، ج 3، صص 459- 462؛ جایگاه گرجی‌ها در تاریخ و فرهنگ و تمدّن ایران، ص 308.

امیر احمد کامخواه

امیر احمد کامخواه، شاعر ادیب در سال 1304 خورشیدی در اصفهان متولّد گردید،

اعلام اصفهان، ص: 611

پس از اتمام دوره دبیرستان در این شهر، به دانشکده شهربانی وارد، و سرانجام در اداره شهربانی اصفهان به انجام‌وظیفه مشغول شد. از دوران تحصیل، به شعر و ادب، علاقه فراوان داشته، و از بیست‌سالگی، لب به گفتن اشعار گشوده است.

از او است:

]مرا دیوانه کرد آخر جفای ماجراجویی که اندر دل نبودش گویی از مهر و وفا بویی[1769]

امیر حسین ظفر

امیر حسین خان ایلخان ظفر بختیاری فرزند حسین خان فرزند خسرو خان سردار ظفر، از نویسندگان و مترجمان معاصر، در حدود سال 1271 ق متولّد شده، و چندین دوره از طرف ایل بختیاری، و یك دوره از طرف مردم نجف‌آباد در مجلس شورای ملّی نماینده بوده، و چندین کتاب ترجمه نموده است؛ از جمله: 1. سفری به سرزمین دلاوران، نوشته کوپرسی که در تهران چاپ شده است 2. سقراط، زندگانی و افکار، نوشته کوراماسیون 3.

شاه‌زاده خانم بعلبك نوشته رابدار هاکارد.[1770]

امیر قلی اشراقی بروجنی

امیر قلی اشراقی بروجنی، شاعر ادیب و از خدمتگزاران صدّیق فرهنگ در سال 1297 خورشیدی در قصبه بروجن چهارمحال متولّد شده، ادبیّات فارسی و عربی را در مدرسه بختیاری نزد میر سیّد حسن مجد الادباء اصفهانی و شیخ محمّد رفیع نطنزی خواند، و در همان مدرسه، ناظم و معلّم شد. پس از تعطیلی مدرسه، خود مستقلّا مدرسه‌ای تأسیس کرد، و پس از تأسیس دبستان دولتی، مدرسه خود را به اداره فرهنگ واگذار کرد، و خود، کارمند رسمی دولتی شد. او سال‌ها نماینده فرهنگ بروجن بوده، و به همّت او چندین باب دبیرستان و دبستان در آن محل ساخته شده است. از سال 1331 به مناسبت اختلافات

اعلام اصفهان، ص: 612

محلّی به اصفهان آمد، و در دانشسرای پسران مشغول به کار شد. او شاعری است توانا و علاوه بر فضل و سخنوری، خطّ نستعلیق را نیز خوب می‌نویسد. از اشعار او است:

پرتو دوست چو در آینه دل افتاد روزگار من و دل، آه چه مشکل افتاد

هرکجا کرد گذر موکبت ای مایه ناز به قفای تو صد قافله دل افتاد[1771]

امیر قلی امینی

1769 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 386.
1770 . دائرةالمعارف دانش بشر و اطّلاعات شخصی نویسنده.
1771 . تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص 37.

امیر قلی امینی فرزند ابراهیم خان امین الدّوله صدری، نویسنده، روزنامه‌نگار و محقّق توانا، در ماه ذی‌القعده 1314 ق در اصفهان متولّد شد. مادرش از خاندان نمازی شیراز و مادر پدرش از ایل بختیاری بود. در سنّ دوازده‌سالگی به درد مفاصل مبتلا شد، و در سال 1334 که خبر قتل برادرش را شنید، از هر دو پا فلج شد؛ امّا این مشکل، مانع از تحصیلات و فعّالیت او نشده، و در اثر جدّیت و پشتکار، موفّق به خدمات زیاد، و تألیف آثار ارجمند شده است. وی سال‌ها روزنامه اخگر به صاحب امتیازی میرزا فتح الله خان وزیرزاده را اداره می‌کرد. سپس در سال 1369 ق روزنامه اصفهان را منتشر ساخت. مدّتی هم مدیریّت روزنامه باختر به صاحب امتیازی سیف‌پور فاطمی را به عهده داشت.

او در عمر خود، کارهای عامّ‌المنفعه زیادی انجام داد که از آن جمله است:

1. تأسیس پرورشگاه ایتام 2. ساختمان دو عمارت مجزّا در پرورشگاه، جهت پسران و دختران 3. تربیت صدها کودك بی‌سرپرست، و تکفّل امور تربیتی و تحصیلی آنان 4. احداث قنوات و غرس درختان بی‌شمار و آب‌رسانی به اراضی بایر، جهت تأمین درآمد برای روستاییان. امیر قلی امینی مدّتی رئیس انجمن شهر، و مدّتی هم رئیس جمعیّت شیر و خورشید سرخ در اصفهان [جمعیّت هلال احمر کنونی] بود. او سرانجام در 21 رجب 1398 ق وفات یافت، و بنا بر وصیّت خودش، در منزل مسکونی خود، واقع در خیابان کاشانی فعلی، جنب بیمارستان کاشانی مدفون گردید. در سال‌های اخیر، منزل او به مرکز فرهنگی و کتابخانه عمومی تبدیل شده است.

تألیفات و آثار علمی مشار الیه عبارت است از: 1. ابطال الباطل در ردّ قرارداد 1331 قمری 2. تداوی روحی، مطبوع در روزنامه اخگر 3. داستان‌های امثال، در دو جلد 4. سی افسانه از افسانه‌های محلّی اصفهان 5. چگونه بچّه خود را پرورش می‌دهم؟ 6. خوار و یك‌سخن در امثال و حکم فارسی 7. گزیده آثار، مجموعه مقالات 8. فرهنگ عوام یا شرح امثال و اصطلاحات زبان فارسی، چاپ دانشگاه اصفهان 9. ترجمه کتاب عبد الرّحمن ناصر، نوشته جرجی زیدان 10. ترجمه عروس فرغانه اثر جرجی زیدان 11. ترجمه غلبه بر ترس و خستگی اثر اسپنسر، از ترجمه عربی امیر بقطر 12. ترجمه کودك، نوشته ویکتور پوشه 13. ترجمه داستان‌های کوچك از اسپرانتو 14. ترجمه داستان‌های تاریخی اثر ابراهیم مصری.[1772]

امیر شاهکی

امیر شاهکی اصفهانی، از اعیان اصفهان بوده، و غزل را نیکو می‌سروده است.[1773]

امیر قالبی

امیر قالبی، اصلش از اصفهان است. در قرن دهم هجری می‌زیست، و شعر می‌سرود. در اصفهان قالب‌زنی می‌نمود. مدّتی در شیراز بود. عاقبت به خراسان رفت، و به مناسبت هرزه‌گویی، به دست امیر عبد الغنی از اقوام امیر نجم ثانی کشته شد. در قحطی شیراز گفته است:

شهر شیراز پر از مردم آدمخوار است می‌روم آخر از این شهر که آدمخوار است[1774]

امین اصفهانی

امین اصفهانی معروف به «امنیای زعفران‌فروش»، شاعر ادیب بوده، این شعر از او است:

[1772] . تاریخ جراید و مجلّات، ج 1، صص 71- 74 و 177- 182؛ زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، ج 1، صص 194- 195؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج 1، ص 679- 681؛ چهره مطبوعات معاصر، ص 183؛ سپیدار پایدار، یادنامه بزرگداشت زنده‌نام امیر قلی امینی؛ مزارات اصفهان، صص 106- 108؛ نادره‌کاران، ص 395.

[1773] . تاریخ نظم و نثر، ج 2، ص 721.

[1774] . تذکره تحفه سامی، ص 43.

رنجیده‌ای از من بت نامهربان من | حرفی شنیده‌ای تو مگر از زبان من؟
خونم حلال باد به دشمن اگر کند | یك حرف در حضور تو خاطرنشان من[1775]

محمّد امین مازندرانی

آقا محمّد امین بن محمّد سعید متخلّص به اشرف بن ملّا محمّد صالح مازندرانی ساروی، عالم فاضل محقّق، تا سال 1152 ق زنده بوده، و تألیفاتی داشته است که از آن جمله است: 1. الامامة، به فارسی، که نزد میرزا حیدر علی مجلسی بوده است 2. شرح بر تهذیب الکلام تفتازانی، شرحی مبسوط است که به شماره 3956 در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، و مؤلّف در آن، از شرح کافی ملّا صالح مازندرانی، و از شرح عمّ خود و از شرح ملّا محمّد علی استرآبادی بر کافی یاد می‌کند.[1776]

محمّد امین فایق اصفهانی*

آقا محمّد امین اصفهانی متخلّص به «فایق»، فرزند آقا شاه ولی، شاعر ادیب، در حدود سال 1036 ق در اصفهان متولّد شد[1777]. از کسب پوستین دوزی امرار معاش می‌کرد. مردی خلیق و مردمدار بود، و با قناعت زندگی می‌کرد[1778]، اشعارش متجاوز از هشت هزار بیت است. از او است:

شکست قیمت شکّر که طوطیان را دل | چو مغز پسته خندان در آن دهن پیداست

اعلام اصفهان، ص: 615

محمّد امین ازل اصفهانی

میرزا محمّد امین متخلّص به «ازل» فرزند میرزا شفیع حسینی، مستوفی موقوفات، شاعر ادیب فاضل، جودت طبع و استقامت سلیقه‌اش به کمال و در شاعری، قدوه امثال بود. از فرط علوّ همّت و تقوی هرگز به مشاغل دنیا آلوده نشد، و به وضع گوشه‌نشینان، معاش می‌نمود. وی در سال 1135 ق وفات یافت. از او است:

غمش با هرکه می‌گویم ز دل بیگانه می‌گردد | سر مهر از پرزور این پیمانه می‌گردد
ازل الفت به دنیا از برای آخرت دارم | که مفلس ز آرزوی گنج در ویرانه می‌گردد[1779]

میرزا محمّد امین خازن تبریزی

میرزا محمّد امین تبریزی معروف به «آقاسی» و متخلّص به «خازن»، شاعر ادیب، فرزند ضیاء الدّین. در محلّه عبّاس‌آباد اصفهان ساکن بوده، مدّتی تحصیل کرد، و سرانجام به شیراز رفت، و در آنجا وفات یافت. از اشعار او است:

1775 . تذکره روز روشن، ص 82؛ تذکرة المعاصرین، حزین، ص 220.
1776 . فهرست مجلس، ج 10، بخش چهارم، ص 2096؛ نجوم السّماء، ج 1، ص 264؛ الذّریعة، ج 13، ص 159 و ج 2، ص 321؛ الکواکب المنتشره، صص 76 و 81؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 670؛ زندگی‌نامه علّامه مجلسی، ج 1، ص 353.
1777 . قصص الخاقانی، ج 2، ص 155.
1778 . تذکره نصرآبادی، ص 349.
1779 . تذکرة المعاصرین، حزین، ص 148.

گلشن فردوس اگر خواهی مرنجان خلق را سدّ راهی چون غبار خاطر احباب نیست[1780]

محمّد امین کفرانی

محمّد امین بن محمّد طاهر بن هدایت الله کفرانی، فاضل نویسنده. از آثارش کتابت:

1. تحفه عبّاسی، تألیف محمّد طاهر کاشی (م 1098 ق). 2. ترجمة الصّلاة، تألیف محسن فیض کاشانی که در سال 1076 ق به خطّ نسخ کتابت نموده، و به شماره 3036 در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.[1781]

فایده: کفران بر وزن خندان، از دهات رویدشت اصفهان است.

اعلام اصفهان، ص: 616

میرزا امین اصفهانی

میرزا امین فرزند میرزا عبد الله بن خواجه علی شاه بن میرزا شاه حسین اصفهانی، شاعر ادیب، پس از فوت برادرش شرف جهان، وزیر شیروان شد. پس از شش سال اوراجه‌نویس آذربایجان شد، و در آن منصب وفات یافت.[1782]

محمّد امین

(شیخ محمّد امین از عرفا و زهاد و صالحین، مدفون در بیرون تکیه میر ابو القاسم فندرسکی. شرح حال او در دست نیست. سنگ نوشته مزارش یکی از مفصل‌ترین سنگ نوشته‌های تخت فولاد است.

متأسفانه قسمت‌هایی از آن از بین رفته و تاریخ وفاتش خوانده نمی‌شود. بخشی از عبارات آن چنین است:

«هذا مرقد افتخار العلماء و خیار الفضلاء محبّ الفقراء محبوب الاغنیاء المباشر بانواع الریاضات و المرتکب باصناف المجاهدات المتجرد عن العلائق الجسمانیة و المتفرد عن العوائق النفسانیة، المشفق بالصالحین و المنفق بالمساکین، المعتکف فی المواقف الکریمة ...

کاسب الحلال و صادق المقال و الراقب فی کل حال، تارك الشهوات و قامع اللذات و سارع فی الخیرات، متفرد بالخضوع و الانکسار متمسك بالفقر و الافتقار متصف بالبذل و الایثار، متفکر فی الآلاء حامد بالنعماء شاکر فی الشدة و الرخاء، قلیل الضحك کثیر البکاء ...»[1783]

محمّد امین واصل لاهیجی

ملّا محمّد امین لاهیجی گیلانی فرزند درویش محمّد، عالم فاضل شاعر ادیب، فرزند درویش محمّد، از گیلان به تبریز و مشهد مقدّس رفت، عاقبت الامر در اصفهان ساکن، و در مدرسه حاج محمّد باقر مهابادی به تحصیل مشغول شد، و در همین شهر وفات یافت. در

اعلام اصفهان، ص: 617

شعر نیز طبعی روان داشته، «واصل» تخلّص می‌کرده، علاوه بر دیوان اشعار، مثنوی‌ای به نام خلوت‌زار سروده است. از اشعار او است:

1780 . تذکره نصرآبادی، ج 1، صص 294- 295؛ الذّریعة، ج 9، ص 279؛ دانشمندان آذربایجان، ص 9.
1781 . فهرست مجلس، ج 10، جزو دوم، ص 579.
1782 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 109؛ الذّریعة، ج 9، ص 103.
1783 . جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

ز یاد غیر می‌گردد به دل یاد خدا کمتر چو پر شد خانه می‌گردد به صاحب‌خانه جا کمتر[1784]

حاج امین آقا صدری

حاج امین آقا بن علی محمّد نظام الدّولة بن عبد الله امین الدّولة بن حاج محمّد حسین خان صدر اعظم اصفهانی، عالم فاضل، در نجف اشرف ساکن بوده است. تولّدش در 1269 و وفاتش در سال 1330 ق روی داده، و در صحن مطهّر مرقد حضرت علی علیه السّلام مدفون شده است.[1785]

امین الدّین اصفهانی

امین الدّین بن جمال الدّین محمّد بن مولانا علی اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن 11 هجری است، از آثارش کتابت نسخه‌ای از وقوف القرآن است که آن را به خطّ نسخ در ذی‌قعده سال 1016 به پایان رسانیده است. نسخه به شماره 350 در کتابخانه ملّی ملك در تهران موجود است.[1786]

حاج امین اصفهانی*

حاج امین فرزند حاج معز شیشه‌گر اصفهانی، شاعر ادیب، در زمان گردآوری تذکرة الشّعرا توسّط میرزا محمّد طاهر نصرآبادی جوانی بوده صالح و آرامخوی. این بیت از او است:

تا شده شمع قدت نامزد آغوشم از حریر پر پروانه مرصّع پوشم[1787]

استاد محمّد امین بنّای اصفهانی*

استاد محمّد امین بن محمّد مؤمن اصفهانی، از هنرمندان دوره صفویّه است. وی در سال 1112 ق تعمیرات صفّه غربی مسجد جامع اصفهان را به پایان رسانده است.[1788]

ملّا محمّد امین تویسرکانی*

ملّا محمّد امین بن نوروز علی تویسرکانی، عالم فاضل، برادر ملّا حسینعلی تویسرکانی.

در اصفهان ساکن بود، و در شعبان 1317 ق وفات یافت و در بیرون تکیه شیخ محمد تقی رازی مدفون شد.[1789]

میرزا امین تبریزی

میرزا امین تبریزی عبّاس‌آبادی فرزند میرزا نوری بیك خازن، شاعر ادیب خطّاط، از تبریزیان محلّه عبّاس‌آباد اصفهان است. علاوه بر فضیلت شعر، در حسن خط نیز مشهور بود، و خطّ نسخ را خوش می‌نوشت، در اواخر عمر، مستوفی شیراز شد، و سپس وفات یافت. از او است:

1784 . تذکره نصرآبادی، ص 352؛ تذکرة المعاصرین، ص 208.
1785 . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 392.
1786 . فهرست کتابخانه ملّی ملك، ص 799.
1787 . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 189.
1788 . تاریخ اصفهان(هنر و هنرمندان)، ص 360.
1789 . تخت فولاد یادگار تاریخ، نسخه خطّی.

با تهی‌دستی هنر بی‌قدر باشد زان چنار جوهر خود را چو رگ پنهان کند در زیر پوست[1790]

محمّد امین فطرت لرستانی*

محمّد امین بیك لرستانی متخلّص به «فطرت» از شعراء و سخنوران اوایل قرن سیزدهم هجری است. سال‌ها در اصفهان ساکن بوده است. سفری به هند رفته، و دوباره به اصفهان بازگشته است. این بیت از او است:

خیال دانه و خال تو طوطی هند شکنج سنبل زلف تو دام و آهوی چین[1791]

محمّد امین نصرآبادی

محمّد امین بن محمّد هاشم نصرآبادی، از خطّاطان قرن 11 هجری است. در سال 1072 ق نسخه‌ای از شرح سی فصل خواجه نصیر الدّین طوسی را به خطّ نستعلیق کتابت نموده که ضمن مجموعه شماره 3186 در کتابخانه مجلس شورا موجود است. در پشت نسخه، یادداشت تملّك روح الامین حسین بن سیّد محمّد بن روح الامین بن شمس الدّین محمّد حسینی مختاری مشهود است.[1792] [به احتمال قوی، صاحب عنوان، همان محمّد امین نصرآبادی، دایی میرزا طاهر نصرآبادی است که شرح حالش را در این کتاب می‌خوانید].

میرزا محمّد امین «روح الامین» شهرستانی

میرزا محمّد امین شهرستانی معروف به «روح الامین» مشهور به «میرجمله»، فاضل ادیب شاعر، در سال 971 ق متولّد شده، در اوایل جوانی به هندوستان مسافرت نموده، و آنجا به خدمت جهانگیر پادشاه رسیده، عزّت و اعتبار یافته، و به منصب «میرجملگی» مفتخر شده است. در زمان شاه‌عبّاس اوّل به ایران مراجعت نموده، و مجددا به هند رفته، و در 1047 ق وفات یافته است. وی عموزاده میرزا رضی شهرستانی صدر شاه‌عبّاس صفوی است، و در زمان حیات، اموال و اسباب زیاد به اصفهان فرستاده، و موقوفاتی در این شهر ترتیب داده که هنوز قسمتی از آن باقی است. دیوانش حدود بیست هزار بیت است، و شامل این منظومه‌ها است: 1. آسمان هشتم یا بهرامنامه 2. خسرو و شیرین 3. جواهرنامه 4.

گلستان ناز 5. لیلی و مجنون 6. مطمع الانظار و غیره[1793]، از او است:

هرچه گویم عشق از آن برتر بود عشق امیر المؤمنین حیدر بود

میرزا محمّد امین طائر*

حاج میرزا محمّد امین صفوی خلیفه سلطانی متخلّص به «طائر» شاعر ادیب و فاضل.

[1790] . تذکره نصرآبادی، ج 1، ص 129؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج 1، ص 79؛ گلزار جاویدان، ج 3، ص 1394.
[1791] . تذکره انجمن خاقان، صص 599- 600.
[1792] . فهرست مجلس، ج 10، بخش دوم، ص 769.
[1793] . دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 2، ص 1005؛ الذّریعة، ج 7، ص 260؛ تذکره روز روشن، ص 315؛ تذکره نصرآبادی، ج 1، صص 79- 80؛ کاروان هند، ج 1، صص 471- 481.

در اواخر قرن سیزدهم هجری در روستای محمّدآباد جرقویه متولّد شد، و در اصفهان، فقه و اصول، صرف و نحو و علوم غریبه را آموخت. در نوشتن خطّ نسخ نیز مهارت داشت. از سال وفات او اطّلاعی در دست نیست. از او است:

به جان خود چه بلایی که دیدم و نخریدم — کدام بار جفا از تو آمد و نکشیدم

به یاد عارض گلگون و یاد آن قد موزون — به بوستان نرسیدم که پیرهن ندریدم[1794]

محمّد امین حسینی مرعشی

محمّد امین حسینی، از اعقاب میر بزرگ مرعشی، و از طرف مادر، از سادات دستغیب شیراز. نیاکانش در مازندران بوده‌اند، و خود او در شیراز متولّد گردیده، و در اصفهان ساکن شده است. از آثارش کتابت نسخه‌ای است از کتاب مصائب النّواصب تألیف قاضی نور الله شوشتری که آن را به خطّ نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره 651 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.[1795]

میرزا امین نصرآبادی

میرزا امین نصرآبادی، شاعر ادیب خطّاط، نواده دایی میرزا محمّد طاهر نصرآبادی بوده، در حساب و نجوم مهارت داشته، و خطّ نسخ و نستعلیق را خوش می‌نوشته، و مادّه تاریخ را نیکو می‌گفته است. از اشعار او است:

کی نصیحت در دل سنگین‌دلان دارد اثر — در زمین نرم تخم افزون دواند ریشه را

تا حیاتی هست، ما را روزی ما می‌رسد — آب تا جاری بود این آسیا در گردش است[1796]

دکتر امین الله جلوه

دکتر امین الله جلوه اردستانی، از اطبّاء حاذق و متدیّن معاصر است. در اصفهان ساکن

بود، و پس از وفات، در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.[1797]

انور اصفهانی*

انور اصفهانی، شاعر ادیب، در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری می‌زیسته، و در اصفهان ساکن بوده، و با محمّد علی مسکین اصفهانی معاصر بوده [است]، این بیت از او است:

گفته بودی که از این بعد به خوابم بینی — بی‌تو در دیده محال است که خوابی برود[1798]

1794 . گرکویه، صص 376- 377.
1795 . فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج 3، ص 620.
1796 . تذکره نصرآبادی، ج 2، ص 661؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج 1، ص 179؛ تذکره آتشکده، بخش سوم، ص 926؛ الذّریعة، ج 9، ص 105.
1797 . سیری در تاریخ تخت فولاد، ص 225.
1798 . تذکره حدیقة الشّعراء، ج 1، ص 193.

انوشیروان مجوسی

انوشیروان مبروص مجوسی اصفهانی، از خواص خوارزمشاه بوده، و پادشاه، وی را به عنوان سفارت و نمایندگی، نزد سلطان سنجر فرستاد. چون مبتلا به مرض برص بود، از حضور نزد سنجر وحشت داشت، متوسّل به حضرت رضا علیه السّلام شد، و از این بیماری نجات یافت، و بدین سبب، مسلمان و شیعه شد، و صندوقی از نقره، جهت مرقد مطهّر تهیّه کرد، و بر قبر مبارك نهاد. عماد الدّین ابی جعفر محمّد بن علیّ بن حمزه مشهدی طوسی وی را دیده، و در کتاب ثاقب المناقب که در 560 ق آن را تألیف نموده، این واقعه را نقل نموده است.[1799]

انیس مدنی اسلمی

ابو یونس انیس بن ابی یحیی سمعان مدنی اسلمی، از محدّثان اصفهان در قرن دوم هجری است. وی از پدرش سمعان روایت نموده، و یحیی بن قطان و سعد بن صلت از او نقل حدیث کرده‌اند.[1800]

اعلام اصفهان، ص: 622

ایّوب

ایّوب بن حماد، از فقهاء اصفهان است. ابو محمّد بن حیّان گوید: حدیث زیاد نقل نموده، و لکن چیزی از آن به ما نرسیده است.[1801]

ایّوب بن زیاد

ایّوب بن زیاد، عامل اصفهان در عهد ابو جعفر منصور دوانیقی دومین خلیفه اصفهانی است. وی ساکن محلّه خشینان بود، و در آن محلّه، کوشك و مسجدی بنا کرد، و همچنین می‌دانی جهت خریدوفروش، و در زمان او محلّه خشینان به یهودیّه متّصل شده، و به صورت شهر درآمده است.[1802]

ایّوب اصفهانی

ایّوب بن عمران بن ایّوب بن عمران بن ابی سلیمان، از محدّثان اصفهان است. عبد الله بن محمّد بن عمران معدل، برادرزاده‌اش از او نقل حدیث می‌نماید.[1803]

ایّوب اصفهانی

حافظ ایّوب بن معمر بن شریس اصفهانی، از محدّثین و حفّاظ قبیله تیم اصفهان بوده، و در کودکی از اصفهان خارج شده است. حافظ ابو نعیم اصفهانی درباره او گوید: «کان حافظا جلیل القدر صاحب غرائب». وی از مخلد شعیری روایت می‌کند، و محمّد بن قاسم بن عبد الله حلبی رقّی و محمّد بن منصور از وی روایت می‌کنند.[1804]

ایّوب قرشی مکتب

ایّوب بن موسی بن زکریّا قرشی مکتب، از محدّثین اصفهان است. وی از ابو محمّد بن بکیر روایت کرده است.[1805]

اعلام اصفهان، ص: 623

1799 . الذّریعة، ج 5، ص 5؛ الثّقات العیون، ص 28.
1800 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 229.
1801 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 223؛ طبقات المحدّثین، ج 3، ص 152.
1802 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 16.
1803 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 223.
1804 . ذکر اخبار اصفهان، ج 1، ص 222.
1805 . ذکر اخبار اصفهان، ص 223.

فهرست عناوین مقدمه

پیشگفتار 8

مقدّمه تحقیق 11

منابع اصفهان‌شناسی در قرن سوم تا نهم هجری 12

منابع اصفهان‌شناسی از قرن 13 هجری تا امروز 15

جایگاه استاد مهدوی در اصفهان‌شناسی 20

زندگی‌نامه نویسنده کتاب 23

خاندان مهدوی 23

پدر و مادر 23

نام و شهرت 23

تولّد و کودکی 23

تحصیل در مدارس جدید 24

تحصیلات حوزوی 24

تحصیلات دانشگاهی 24

سفر به عتبات 24

تدریس 25

در عرصه پژوهش 25

مصاحبان و دوستان 26

مراسم تقدیر از استاد 27

کتابخانه استاد مهدوی 27

مشایخ اجازات 28

اعلام اصفهان، ص: 624

وفات 28

در وصف استاد 29

تألیفات و آثار 30

الف) کتاب‌های چاپ شده 30

ب) آثار چاپ شده در ضمن کتاب‌های نویسندگان دیگر 31

ج) مقالات چاپ شده در مطبوعات 31

د) مصاحبه‌ها 32

ه) آثار چاپ نشده 32

آشنایی نگارنده با مؤلّف این کتاب 34

درباره نام کتاب 35

روش تدوین، تنظیم و تصحیح کتاب 35

سپاس و قدردانی 38

اجازات مؤلّف 40

اعلام اصفهان، ص: 625

فهرست الفبایی عناوین

آدم بن سعید مدینی 51

آدم مدینی 51

آذرپژوه 51

آذر شاپور 52

آذر نیوق 52

آزاد اصفهانی 52

آشوبی نطنزی 53

آقا احمد نقّاش اصفهانی 373

آقا اشرف طبیب 595

آقا بابا خرّم اصفهانی 54

آقا بابا عارض اصفهانی 54

ملّا آقا جان زفره‌ای 55

آقا جان کاشی‌پز 55

آقا جونی معمار 55

میرزا آقا خان محاسب الدّوله 55

سیّد آقا خلیفه سلطانی 54

آقا کوچك قمشه‌ای 56

آقا گلی اصفهانی 57

آقا محمّد ابراهیم نعمت‌اللّهی 100

آقا محمّد اسماعیل خوراسکانی 548

آقایی اصفهانی 57

آل ترکه 57

آل ترکه 58

آل ترکه- ابو الهادی 57

آل ترکه- جلال الدّین محمّد 61

آل ترکه، خواجه افضل الدّین محمّد 61

آل ترکه- خواجه افضل الدّین محمّد ترکه 60

آل ترکه- خواجه حبیب الله 58

آل ترکه- خواجه عنایت ترکه 60

آل ترکه- خواجه قاسم علی 60

آل ترکه- صائن الدّین علی 58

آل ترکه- صدر الدّین محمّد 62

آل ترکه- علی 60

آل ترکه- محمّد 63

آل ترکه- مظفّر 63

آل ترکه- نظام الدّین 63

آل خجند 64

آل خجند- ابراهیم 64

آل خجند- ثابت 64

آل خجند- جمال الدّین محمّد 70

آل خجند- جمال الدّین محمود 71

آل خجند- شهاب الدّین 65

آل خجند- صدر الدّین عبد اللطیف 65

آل خجند- صدر الدّین عبد اللطیف 66

آل خجند- صدر الدّین عمر 67

آل خجند- صدر الدّین محمّد 68

اعلام اصفهان، ص: 626

آل خجند- صدر الدّین محمّد 70

آل خجند- عبید الله 67

آل خجند- علاء الدّین ثابت 65

آل خجند- علاء الدّین عبد القادر 66

آل خجند- کمال الدّین احمد 64

آل خجند- محمّد 68

آل خجند- مسعود 71

آل خجند- مسعود 71

آل صاعد 72

آل صاعد- ابو العلاء صاعد 74[1806]

اعلام اصفهان ؛ ص626

آل صاعد- احمد 72

آل صاعد- تاج الدّین حسین 73

آل صاعد- جلال الاسلام محمّد 76

آل صاعد- جمال الدّین صاعد 74

آل صاعد- خواجه جلال الدّین محمّد 76

آل صاعد- رکن الدّین صاعد 74

آل صاعد، رکن الدّین مسعود 76

[1806] مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

آل صاعد- شرف الدّین 74

آل صاعد- صدر الدّین 75

آل صاعد- ظفر الاسلام 75

آل صاعد- عضد الاسلام 75

آل صاعد- قاضی صاعد 74

آل صاعد- نظام الدّین احمد 72

آوانس 77

آیت اصفهانی 77

ابان 78

ابان بزّاز 78

ابدال اصفهانی 78

ابدال بیگ نقّاش‌باشی 79

ابدال قلندر 79

ابراهیم 79

ابراهیم 86

ابراهیم 96

سیّد ابراهیم 104

ابراهیم 105

ابراهیم 112

ابراهیم 120

میرزا ابراهیم آرتیمانی «ادهم» 135

ابراهیم آقاباشی 80

ابراهیم ابار 122

ابراهیم ابهری 96

ابراهیم ابهری 115

سیّد ابراهیم احمدی 80

سیّد ابراهیم اردوبادی 80

ابراهیم اسدی 138

ابراهیم اسدی کاشانی 123

ابراهیم اسلمی 129

ابراهیم اشعری 86

ابراهیم اشعری 95

ابراهیم اشعری 109

ابراهیم اشعری مدینی 115

ابراهیم اصفهانی 81

ابراهیم اصفهانی 81

ابراهیم اصفهانی 81

ابراهیم اصفهانی 81

ابراهیم اصفهانی 82

میرزا ابراهیم اصفهانی 82

میرزا ابراهیم اصفهانی 82

ابراهیم اصفهانی 83

ابراهیم اصفهانی 86

میرزا ابراهیم اصفهانی 89

ابراهیم اصفهانی 94

ابراهیم اصفهانی 94

ابراهیم اصفهانی 95

ابراهیم اصفهانی 96

ابراهیم اصفهانی 96

ابراهیم اصفهانی 104

ابراهیم اصفهانی 105

میرزا ابراهیم اصفهانی 105

ابراهیم اصفهانی 112

ابراهیم اصفهانی 117

ابراهیم اصفهانی 120

ابراهیم اصفهانی 121

ابراهیم اصفهانی 123

ابراهیم اصفهانی 126

ابراهیم اصفهانی 128

ابراهیم اصفهانی 128

ابراهیم اصفهانی 129

ابراهیم اصفهانی 130

ابراهیم اصفهانی 130

ابراهیم اصفهانی 130

ابراهیم اصفهانی 131

ابراهیم اصفهانی 132

ابراهیم اصفهانی 134

ابراهیم اصفهانی 139

شیخ ابراهیم اصفهانی صنعانی 136

ابراهیم افرجه 140

میرزا ابراهیم امین الواعظین 119

شیخ ابراهیم امینی 98

ابراهیم انجذانی 108

ابراهیم انواری 111

ابراهیم باب کوشکی 87

ابراهیم بادرانی 113

ابراهیم باطرقانی 122

ابراهیم بن ایّوب 123

ابراهیم بن شیبه 107

سید ابراهیم بیرجندی 126

ابراهیم بیك یوزباشی 148

ابراهیم تاجر 113

شیخ ابراهیم تنکابنی 100

ابراهیم ثقفی 130

ابراهیم ثقفی 131

ابراهیم جرواآنی 111

ابراهیم جرواآنی 120

ابراهیم جوزدانی 137

ابراهیم جی اصفهانی 142

شیخ ابراهیم جیلانی 124

دکتر ابراهیم چهرازی 137

ابراهیم حبّال 111

ابراهیم حبال 124

شیخ ابراهیم حرفوشی عاملی 133

ابراهیم حزّوری 140

سیّد ابراهیم حسینی خوراسکانی 114

ابراهیم حنظلی جزی 88

ابراهیم خاتون‌آبادی 142

ابراهیم خان ضرغام السّلطنه 102

ابراهیم خطّابی 87

میرزا ابراهیم خلیفه سلطانی 101

شیخ ابراهیم خوانساری 117

ابراهیم دبیر قهفرّخی 136

ابراهیم دواتی 128

ابراهیم راه نجات 109

ابراهیم رفاعی 129

شیخ ابراهیم ریاضی نجف‌آبادی 126

ابراهیم زاهد 121

ابراهیم سرّی 85

ابراهیم سریجانی 134

ابراهیم سعدی مدینی 121

ابراهیم شاه طبیب اصفهانی 148

ابراهیم شاهین 112

ابراهیم شجری 134

ابراهیم صائغ 139

ابراهیم صفّار 88

ابراهیم طوبی 143

ابراهیم طهرانی 104

ابراهیم طیّان 129

میرزا ابراهیم عارف تبریزی 144

ابراهیم عاصی فریدنی 144

ابراهیم عبّاسی 106

ابراهیم عقیلی 88

ابراهیم فرسانی 92

ابراهیم فرسانی 101

ابراهیم فرسانی 109

ابراهیم فقیه 141

میرزا ابراهیم قاجار 122

ابراهیم قاسانی 115

ابراهیم قرابه 125

ابراهیم قصّار 113

ابراهیم قطّان 94

سیّد ابراهیم کابلی 84

ابراهیم کاتب مدینی 104

ابراهیم کامی 94

ابراهیم کرانی 137

ابراهیم کرمانی 131

ابراهیم کسایی 133

ابراهیم لفتوانی 106

ابراهیم متوکّلی 137

ابراهیم مدینی 83

ابراهیم مدینی 106

ابراهیم مدینی 114

ابراهیم مدینی 140

ابراهیم معتمدی 146

ابراهیم معدّل 121

استاد ابراهیم معصوم‌زاده 101

سیّد ابراهیم مقدّس 147

ابراهیم مقری 117

ابراهیم منجانی 83

سیّد ابراهیم میرباقری دهاقانی 124

ابراهیم مؤدّب 87

ابراهیم مؤدّب 132

ابراهیم مؤذّن 102

ابراهیم نائله 125

ابراهیم نایینی 122

ابراهیم نجف‌آبادی 136

ابراهیم نخعی 86

ابراهیم نعمت‌اللّهی 103

دکتر سیّد ابراهیم نعمت‌اللّهی 117

ابراهیم نقّاش 88

میرزا ابراهیم نوّاب 92

میرزا ابراهیم نوّاب احمدآبادی 147

ابراهیم نوید 139

ابن ابی حاتم- عبد الرّحمن 148

ابن ابی دلف- دلف 149

ابن ابی رزمه 149

ابن ابی عاصم- احمد 149

ابن ابی علی اصفهانی- محمّد 149

ابن ابی فاطمه 150

ابن ابی نواس- عبد الله 150

ابن اخباری- محمّد 150

ابن اخوه بغدادی- عبد الرّحیم 150

ابن اسود- احمد 151

ابن اسید- اسحاق 152

ابن اشته 152

ابن اشته- احمد 152

ابن اشته- احمد 153

ابن اشته- خرّزاد 153

ابن اشته- عبد الرّحمن 153

ابن اشته- محمّد 154

ابن اشته- محمّد 154

ابن اصفهانی- یحیی 154

ابن افرجه- احمد 154

ابن افرجه- محمّد 155

ابن البغدادی- حسن 156

ابن الجارود 158

ابن اللّباد، علی 197

ابن اللّبان، احمد 197

ابن اللّبان، عبد الله 197

ابن النّعمان- عبد الله 229

ابن امّ هشام- عقیل 155

ابن اورمه- ابراهیم 155

ابن بابویه 155

ابن بادشاله 156

ابن باغبان- زکریّا 156

ابن باغبان- محمّد 156

ابن بامدویه- علی 156

ابن بندار- اسعد 157

ابن بوته- حسن 157

ابن تلمیذ- یحیی 157

ابن جارود- احمد 158

ابن حریش- عبد الواحد 158

ابن حسنویه- محمّد 158

ابن حمزه اصفهانی 158

ابن خاتون امامی 159

ابن خبّاز- محمّد 159

ابن خصیب- عبد الله 159

ابن خوام بغدادی- عبد الله 159

ابن خیّاط بغدادی- عبد الله 160

ابن داود- محمّد 160

ابن دق- احمد 161

ابن دکّه- احمد 161

ابن دکّه- حسن 161

ابن دکّه- محمّد 161

ابن دلّویه مدینی- حسین 161

ابن راهویه- اسحاق 162

ابن رسته 162

ابن رسته- ابراهیم 162

ابن رسته- ابراهیم 162

ابن رسته- احمد 162

ابن رسته- احمد 163

ابن رسته- احمد 163

ابن رسته- احمد 163

ابن رسته- ازهر 163

ابن رسته- جبله 164

ابن رسته- حسن 164

ابن رسته- رسته 164

ابن رسته- سعید 164

ابن رسته- عبد الرّحمن 165

ابن رسته- عبد الرّحمن 165

ابن رسته- عبد الله 165

ابن رسته- عبد الله 166

ابن رسته- عبيد الله 166

ابن رسته- على 166

ابن رسته- عمر 166

ابن رسته- محمّد 167

ابن رسته- محمّد 167

ابن رسته- محمّد 167

ابن رسته- محمّد 167

ابن رسته- محمّد 167

ابن ريذوس، على 168

ابن ريذه، محمّد 168

ابن زر، احمد 168

ابن زرارة، اسماعيل 169

ابن زرقويه- ابو اللطيف 169

ابن زكريّا- عبد الله 170

ابن زكريّا- عبد الوهاب 169

ابن زنجويه- احمد 170

ابن زنجويه- عبد الرّحمن 170

ابن زيله- حسين 170

ابن سابق- محمّد 171

ابن سالم مؤذّن 171

ابن ساوجى- محمّد 171

ابن سلم رازى- عبد الرّحمن 172

ابن سمویه- احمد 172

ابن سینا- حسین 173

ابن شاذویه- احمد 176

ابن شاذویه- حسن 176

ابن شاذویه- فضل 176

ابن شاذه- اسحاق 177

ابن شساه- محمّد 177

ابن شفروه 177

ابن شفروه اسعد 178

ابن شفروه- اسماعیل 179

ابن شفروه- رزق الله 179

ابن شفروه- سلیمان 180

ابن شفروه- سلیمان 180

ابن شفروه- شرف الدّین عبد المؤمن 181

ابن شفروه- ظهیر الدّین عبد الله 180

ابن شفروه- عبد اللّطیف 180

ابن شفروه- عبید الله 182

ابن شفروه- عزّ الدّین 183

ابن شفروه- فضل الله 183

ابن شفروه- هبة الله 183

ابن شیرویه اصفهانی 183

ابن شیره- علی 184

ابن صاعد- یحیی 184

ابن طباطبا- احمد 184

ابن طباطبا- محمّد 184

ابن عبده- احمد 185

ابن عجمی- محمّد 185

ابن عدی- هارون 185

ابن عطّار 186

ابن عطاش 186

ابن عطاش- احمد 186

ابن عطاش- احمد 187

ابن علی- محمّد 187

ابن فادشاه، ابو الحسن 187

ابن فادشاه- ابو عبد الله 188

ابن فادشاه- احمد 187

ابن فادشاه- علی 187

ابن فادشاه، محمّد 188

ابن فتی- حسن 188

ابن فتی- سلمان 189

ابن فتی نهروانی 188

ابن فتی- هبة الله 189

ابن فزار- عبد العظیم 190

ابن فقیه- حسن 190

ابن فنجویه 190

ابن فورك 190

ابن فورك- احمد 191

ابن فورك- احمد 191

ابن فورك- اسماعیل 191

ابن فورك- بشران 191

ابن فورك- عبد الله 192

ابن فورك- عبد الله 192

ابن فورك- عبد الله 192

ابن فورك- عبيد الله 192

ابن فورك- على 192

ابن فورك- قاسم 193

ابن فورك- قاسم 193

ابن فورك- محمّد 193

ابن فورك- محمّد 193

ابن فورك، هيثم 194

ابن فورك، يوسف 195

ابن فولاد 195

ابن قولويه 196

ابن قولويه، اسحاق 196

ابن كرسيّه، محمّد 196

ابن كيغلغ، احمد 197

ابن لره، بندار 198

ابن لره، محمّد 198

ابن ليلاف، عبد الله 199

ابن ماشاذه 199

ابن ماشاذه 199

ابن ماشاذه، احمد 200

ابن ماشاذه احمد 200

ابن ماشاذه، احمد 200

ابن ماشاذه، داود 200

ابن ماشاذه، عبد الله 201

ابن ماشاذه، على 201

ابن ماشاذه، عمر 201

ابن ماشاذه، کمال 201

ابن ماشاذه، محمّد 202

ابن ماشاذه، محمّد 202

ابن ماشاذه، محمود 202

ابن ماشاذه، مسعود 203

ابن ماما، احمد 199

ابن ماهویه، ابراهیم 203

ابن متویه 203

ابن متویه، ابراهیم 203

ابن متویه، احمد 204

ابن متویه، حسن 204

ابن متویه- حسن 204

ابن متویه- حسین 205

ابن متویه- محمّد 205

ابن متویه- محمّد 205

ابن مردانبه- اسماعیل 205

ابن مردویه 206

ابن مردویه، احمد 206

ابن مردویه- محمّد 207

ابن مردویه، محمّد 207

ابن مردویه- موسی 207

ابن مرده- احمد 208

ابن مرده- محمّد 208

ابن مرزبان- سهل 208

ابن مسکویه- احمد 208

ابن مطلب- هبة الله 210

ابن مظاهر 210

ابن مظفّر 210

اعلام اصفهان، ص: 633

[1807]

اعلام اصفهان ؛ ص633

ابن معدان- محمّد 211

ابن مقرى- احمد 211

ابن مقرى- محمّد 211

ابن مكرم، محمّد 212

ابن مكّه، اسماعيل 212

ابن ممجه، عمر 212

ابن ممشاد، عبد الله 213

ابن ممك، اسحاق 213

ابن مملك، احمد 213

ابن مملك، محمّد 214

ابن مملك، محمّد 214

ابن منجويه، احمد 214

ابن منجويه- حسين 215

ابن منجويه- عبد الله 215

ابن مندويه 215

ابن مندويه، احمد 216

ابن مندويه، اعين 216

ابن مندويه، حمد 216

[1807] مهدوى، مصلح‌الدين، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگى تفريحى شهردارى اصفهان - ايران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

ابن مندويه- عبد الرّحمن 217

ابن مندويه- عبد الصّمد 217

ابن مندويه- عبد الله 217

ابن مندويه، فضل 218

ابن مندويه- محمّد 218

ابن مندويه- محمّد 218

ابن مندويه- محمّد 218

ابن مندويه، محمّد 218

ابن مندويه- محمّد 219

ابن منده 219

ابن منده، ابراهيم 219

ابن منده، ابو الطيّب 220

ابن منده، احمد 220

ابن منده، احمد 220

ابن منده، اسحاق 220

ابن منده، اسحاق 221

ابن منده، بندار 221

ابن منده، سفيان 221

ابن منده، عبد الرّحمن 221

ابن منده، عبد الرّحمن 222

ابن منده، عبد الله 223

ابن منده، عبد الوهاب 223

ابن منده، عبيد الله 223

ابن منده، على 224

ابن منده، قاسم 224

ابن منده، محمّد 224

ابن منده، محمّد 225

ابن منده، محمّد 226

ابن منده، محمّد 226

ابن منده، محمّد 226

ابن منده، محمود 227

ابن منده- یحیی 227

ابن منده، یحیی 227

ابن نابتی، احمد 228

ابن نابتی- اسحاق 228

ابن نجوکه، احمد 228

ابن نوله- علی 229

ابن واضح اصفهانی، احمد 229

ابن ورواجه 230

ابن هاجر، محمّد 230

ابن هامیه، زیاد 231

ابن یمین 231

ابو احمد عسال 232

ابو اسحاق 232

ابو اسحاق اصفهانی 233

ابو اسحاق قفّال 233

ابو اسحاق مطرّز 233

ابو الآداب یزدی 232

شیخ ابو البرکات واعظ 233

میرزا ابو البقاء ابرقویی 234

میرزا ابو البقاء قهپایه‌ای 234

ابو الحسن آتشکده گزی 248

شیخ ابو الحسن ابراهیم 108

ابو الحسن ابرقوهی 260

ابو الحسن اصفهانی 249

ابو الحسن اصفهانی 249

ابو الحسن اصفهانی 249

سیّد ابو الحسن اصفهانی 262

سید ابو الحسن بدری 268

میرزا ابو الحسن بروجردی 256

میرزا ابو الحسن تویسرکانی 256

ابو الحسن ثابت اصفهانی 266

ملّا ابو الحسن جاجرمی 258

میرزا ابو الحسن جلوه 260

ابو الحسن جوزدانی 266

سیّد ابو الحسن حسنی حسینی 266

میرزا ابو الحسن خاتون‌آبادی 267

ملّا ابو الحسن خواجویی 267

سیّد ابو الحسن خوش‌مزّه اصفهانی 267

سیّد ابو الحسن درچه‌ای‌زاده 253

ابو الحسن ریزی لنجانی 257

ملّا ابو الحسن زنوزی 268

میرزا ابو الحسن سلطان الاطبّاء 264

استاد ابو الحسن سنمار 268

میرزا ابو الحسن شمس‌آبادی 249

سیّد ابو الحسن شهشهانی 251

سیّد ابو الحسن صدر 265

میرزا ابو الحسن صدر نصیری 265

ابو الحسن ضرّاب اصفهانی 270

سیّد ابو الحسن طبیب 269

سیّد ابو الحسن عاملی 263

میرزا ابو الحسن عماد الشّریعه 256

سیّد ابو الحسن فاطمی 269

ملّا ابو الحسن فتونی عاملی 255

ابو الحسن فروغی 254

ابو الحسن فیضی 259

ملّا ابو الحسن قهجاورستانی 263

میرزا ابو الحسن قهی اصفهانی 252

ابو الحسن کازرونی 269

سیّد ابو الحسن کتابی 253

ابو الحسن کفرانی 269

ابو الحسن کهپایه‌ای 253

میرزا ابو الحسن گلستانه 252

ابو الحسن محزون اصفهانی 269

سیّد ابو الحسن مرتضوی 259

میرزا ابو الحسن موالی اصفهانی 270

سیّد ابو الحسن موسوی 251

سیّد ابو الحسن موسوی بیدآبادی 257

ابو الحسن میرزا حسینی اصفهانی 252

ابو الحسن نجفی اصفهانی 264

استاد ابو الحسن نقّاش اصفهانی 270

میرزا ابو الحسن نوری 265

ابو الحسن همام 265

ابو الحسین 271

ابو الحسین اصفهانی 271

ابو الحسین اصفهانی 271

ابو الحسین خلیفه سلطانی 271

ابو الحسین صوفی 272

ابو الرّبیع زهرانی 273

ابو الشّرف اصفهانی 279

ابو الشکر حرّانی 279

ابو الشّیخ ابهری 279

ابو العبّاس خوزانی 293

ابو العبّاس ضبّی 293

ابو العزّ اصفهانی 299

ابو العلاء اصفهانی 299

ابو العلاء سروی 300

ابو العلاء فرسانی 300

ابو العلاء نیشابوری 300

ابو الفتح اردستانی 305

ابو الفتح اردستانی 306

ابو الفتح اصفهانی 305

ابو الفتح اصفهانی 306

ابو الفتح اصفهانی 306

ابو الفتح اصفهانی 306

ابو الفتح اصفهانی 307

ابو الفتح اصفهانی 307

ابو الفتح انصاری 307

ابو الفتح اوژن بختیاری 308

ابو الفتح بن ابی العیاض 309

ابو الفتح بنجری 309

ابو الفتح حدّاد 308

سیّد ابو الفتح خوراسکانی 311

ابو الفتح دانشور بختیاری 309

ابو الفتح دهقان سامانی 310

ابو الفتح کجوری 311

ابو الفتح ورزرده 312

ابو الفتوح اصفهانی 312

ابو الفتوح اصفهانی 312

ابو الفتوح اصفهانی 312

ابو الفتوح عجلی 313

ابو الفتوح قمشه‌ای 314

ابو الفتوح گلستانه 314

ابو الفرج اصفهانی 314

ابو الفرج بن واوا 315

ابو الفرج بن یوحنّا 316

ابو الفرج بن یونس 316

ابو الفرج صیرفی اصفهانی 316

ابو الفضل 316

ابو الفضل اصفهانی 317

میرزا ابو الفضل اعلامی 317

میرزا ابو الفضل بیدآبادی 321

ابو الفضل حدّاد 323

میرزا ابو الفضل خاتون‌آبادی 320

شیخ ابو الفضل خوانساری 317

شیخ ابو الفضل ریزی 321

سیّد ابو الفضل صفوی 319

شیخ ابو الفضل قدسی نجفی 322

سیّد ابو الفضل کاظمی 323

شیخ ابو الفضل کلباسی 320

ابو الفضل کوکبی 323

سیّد ابو الفضل مشکاة الواعظین 320

شیخ ابو الفضل معزّی 318

سیّد ابو الفضل میر لوحی 340

شیخ ابو الفضل نجفی 322

شیخ ابو الفضل واعظ 322

ابو الفضل همایی «شادمان» 318

سیّد ابو القاسم آسیاب پری 330

شیخ ابو القاسم اشراقی 324

ابو القاسم اصفهانی 324

ابو القاسم اصفهانی 324

ابو القاسم اصفهانی 324

میرزا ابو القاسم اصفهانی 325

ابو القاسم اصفهانی 325

ابو القاسم اصفهانی 336

ابو القاسم اصفهانی 338

ابو القاسم اصفهانی 339

شیخ ابو القاسم اصفهانی 339

ابو القاسم اصفهانی 347

ابو القاسم اعلامی 325

میرزا ابو القاسم امام جمعه 338

میرزا ابو القاسم امام جمعه 346

سیّد ابو القاسم امامی 326

ابو القاسم انصاری 328

میرزا ابو القاسم انصاری 334

ابو القاسم باب الدشتی 326

سیّد ابو القاسم بختیاری 335

سیّد ابو القاسم بدری 345

ابو القاسم بن ابو العلاء 329

سیّد ابو القاسم بهشتی 335

سیّد ابو القاسم بهشتی 335

سیّد ابو القاسم بیدآبادی 332

سیّد ابو القاسم بیدآبادی 345

ابو القاسم پاینده نجف‌آبادی 337

سیّد ابو القاسم تابش محمودیان 352

ابو القاسم تمیمی اصفهانی 352

ابو القاسم جاوید اصفهانی 352

ابو القاسم جلا 353

سیّد ابو القاسم چهارسوقی 327

شیخ ابو القاسم حججی نجف‌آبادی 336

سید ابو القاسم حسینی اصفهانی 348

شیخ ابو القاسم حکّاك 353

سیّد ابو القاسم خواجویی 332

استاد ابو القاسم خواجویی 353

ابو القاسم خواجویی 354

ابو القاسم خوزانی 345

شیخ ابو القاسم دولت‌آبادی 340

سیّد ابو القاسم دهکردی 330

میرزا ابو القاسم راجی بیدآبادی 343

میرزا ابو القاسم رشتی 328

ابو القاسم رفیعی مهرآبادی 336

ابو القاسم ریاحی چهارمحالی 347

ملّا ابو القاسم ریزی لنجانی 342

میرزا ابو القاسم زفره‌ای 342

میرزا ابو القاسم زنجانی 333

میرزا ابو القاسم زیانی 354

سیّد ابو القاسم سدهی 343

سیّد ابو القاسم سرّی 355

میرزا ابو القاسم سلطان الحکماء 334

سیّد ابو القاسم سیّد الاسلام 328

میرزا ابو القاسم شمس‌آبادی 355

شیخ ابو القاسم صدر العلماء دهاقانی 344

سیّد ابو القاسم صفوی 327

سیّد ابو القاسم فریدنی 349

سیّد ابو القاسم قاری 355

شیخ ابو القاسم قاری 355

میرزا ابو القاسم قاضی 341

میرزا ابو القاسم قدسی 344

سیّد ابو القاسم کزازی 329

میرزا ابو القاسم کلباسی «شیخ العراقین» 349

میرزا ابو القاسم کوپایی 341

ملّا ابو القاسم گلپایگانی 337

ملّا ابو القاسم گلپایگانی 348

میرزا ابو القاسم لاهیجی 356

میرزا ابو القاسم مدرّس 330

سیّد ابو القاسم مذهب باشی 356

ابو القاسم معبّر اصفهانی 356

سیّد ابو القاسم ملایری 357

میرزا ابو القاسم ناصر حکمت 346

سیّد ابو القاسم نایب الصّدر اصفهانی 348

شیخ ابو القاسم نجفی 329

ابو القاسم نژند اصفهانی 343

میرزا ابو القاسم نشاط 357

شیخ ابو القاسم نصرآبادی 357

شیخ ابو القاسم نورایی 339

ابو القاسم «نیّر» 333

ابو القاسم ورنوسفادرانی 326

سیّد ابو القاسم هرندی 357

ابو المرجّی 360

ابو المطهّر مجلّدی 362

ابو المظفّر بن سهل 367

ابو المظفّر بن ناحیه 362

ابو المظفّر حسن‌آبادی 362

میرزا ابو المعالی کلباسی 363

ابو المعالی نقیب حسینی 364

ابو المفاخر رضوی 365

ابو المکارم اصفهانی 365

ابو الولید کنانی 368

حاج میرزا ابو الهدی کلباسی 369

ابو بشر عبدی 234

ابو بکر اسواری 236

ابو بکر اشنانی 235

ابو بکر اصفهانی 235

ابو بکر اصفهانی 237

ابو بکر بن ابو علی 236

ابو بکر بن ابی الحرث 236

ابو بکر بن حدّاد 237

ابو بکر ثقفی 237

ابو بکر جشمجی 238

ابو بکر خلّاد 235

ابو بکر سجستانی 235

ابو بکر ضحّاك شیبانی 235

ابو بکر طادی 237

ابو بکر طهرانی 238

ابو بکر عبّاب اصفهانی 238

ابو بکر قاضی 237

ابو بکر قصار 236

ابو بکر کوکبی 239

ابو بکر محاربی اصفهانی 239

ابو بکر محمّد بن ثابت بن حسن خجندی 67

ابو بکر مطرّز 239

ابو بکر مقری 235

ابو بکر و علی 239

حاج ابو تراب اصفهانی 239

میرزا ابو تراب اصفهانی 240

ابو تراب اصفهانی 242

میرزا ابو تراب بروجردی 242

میرزا ابو تراب ثقةالاسلام نایینی 241

میرزا ابو تراب حجاب اصفهانی 245

ابو تراب خادم اصفهانی 245

ابو تراب خلیفه سلطانی 244

سیّد ابو تراب درچه‌ای 244

شیخ ابو تراب زاهدی 243

ملّا ابو تراب زفره‌ای 242

ابو تراب فرقتی جوشقانی 245

شیخ ابو تراب کلباسی 241

سیّد ابو تراب ملکی اصفهانی 241

سیّد ابو تراب موسوی 243

دکتر ابو تراب نفیسی 243

ابو تراب هدایی بختیاری 246

میرزا ابو تراب هرندی 246

سیّد ابو جعفر خادم الشّریعه 246

شیخ ابو جعفر مازندرانی 247

ابو حاتم رازی 247

ابو حاتم رازی 247

ابو حرب دیلمی 248

ابو حفص بن ابی علی 272

ابو حفص جاری 272

ابو دردا 272

ابو دلف عجلی 273

ابو ریّان اصفهانی 274

ابو زید 274

ابو زید 274

ابو زید 274

ابو زید تیجابادی 274

ابو سعد 275

ابو سعد 275

ابو سعد جوهری 275

ابو سعد زین الملك 275

ابو سعد قمی 276

ابو سعد مطرّز 276

ابو سعد مطرّز 276

ابو سعد نختکینی 276

ابو سعید امامی 276

ابو سعید رارانی 277

میرزا ابو سعید مشکی 277

ابو سعید نقّاش 277

ابو سهل کحّال 278

ابو شجاع اصفهانی 278

ابو شجاع اصفهانی 278

ابو شجاع اصفهانی 279

ابو شفروه- حسین 179

ابو صالح اصفهانی 280

شیخ ابو صالح اصفهانی 281

حاج ابو طالب 281

میرزا ابو طالب اصفهانی 281

میرزا ابو طالب اصفهانی 282

میرزا ابو طالب اصفهانی 282

حاج ابو طالب اصفهانی 283

ابو طالب اصفهانی 287

میر سیّد ابو طالب امامی 282

ابو طالب تبریزی اصفهانی 288

حاج ابو طالب تصنیف اصفهانی 289

میرزا ابو طالب «حیات» اصفهانی 289

ابو طالب دارجانی 285

سیّد ابو طالب دهکردی 283

شیخ ابو طالب زاهدی لاهیجی 285

ابو طالب «زهره» بروجنی 290

ابو طالب شیروانی 286

میرزا ابو طالب طبیب اصفهانی 286

ابو طالب غوّاص قهفرخی 287

ملّا ابو طالب فخر الواعظین چهارسوقی 290

میرزا ابو طالب فندرسکی 288

ملّا ابو طالب قزوینی 290

ملّا ابو طالب لواسانی 291

ابو طالب مذهّب اصفهانی 291

شیخ ابو طالب مصطفایی 283

میرزا ابو طالب معین الشّریعه 284

ابو طاهر اصفهانی 291

ابو طاهر اصفهانی 291

ابو طاهر بن ثابت 292

ابو طاهر ثقفی 292

ابو طاهر خیّاط 292

ابو طاهر فرقدی 292

ابو طاهر قمی 293

ابو عامر جرواآنی 293

ابو عبد الله ابرقویی 294

ابو عبد الله اصفهانی 295

ابو عبد الله اصفهانی 295

ابو عبد الله اصفهانی 295

ابو عبد الله انداآنی 295

ابو عبد الله بادی 296

ابو عبد الله برقی 296

ابو عبد الله خطیب 296

ابو عبد الله طبری 296

ابو عبد الله فقیه 297

ابو عبد الله قاینی 297

ابو عبد الله معصومی 297

ابو عبد الله ملنجی 298

ابو عبد الله وعلی 298

ابو عبید جوزجانی 298

ابو عبید ضراب 299

ابو علی اردستانی 300

ابو علی بادی 301

ابو علی بغدادی 301

ابو علیّ بن دیزویه 301

ابو علیّ بن سهلویه 301

ابو علی حدّاد 301

ابو علی خطیر اصفهانی 303

ابو علی رستمی 302

ابو علی سبط الوزراء 303

ابو علی صحّاف 303

ابو علی قزوینی 304

ابو علی قمی 304

میرزا ابو علی «هاتف» اصفهانی 300

ابو عمرو بن قدامه 304

ابو عیسی مافرّوخی 304

ابو غالب 305

ابو غالب رویدشتی 305

ابو محمّد 358

ابو محمّد اصفهانی 358

ابو محمّد بن یحیی 359

ابو محمّد خونجانی اصفهانی 359

ابو محمّد طیرانی 359

ابو محمّد ورّاق 359

ابو مسعود رازی 360

ابو مسلم اصفهانی 361

ابو مسلم اصفهانی 361

ابو مضر بن ابی طالب 362

ابو مضر بن ابی عدنان 362

ابو مضر بن جریر 362

شیخ ابو منصور اصفهانی 365

ابو منصور بن اسماعیل 366

ابو منصور بن حسن 366

ابو منصور خیّاط 366

ابو نعیم اصفهانی 367

ابو یعقوب حذّاء 370

ابی الخیر 370

ابی حامد اصفهانی 248

ابی قوسین 196

اثرم فابجانی 370

احسان الله ساطعی نجف‌آبادی 371

احمد 374

احمد 376

احمد 376

احمد 391

احمد 404

احمد 416

احمد 419

احمد 433

احمد 437

احمد 444

احمد 464

احمد 471

احمد 471

احمد 474

احمد 480

احمد 480

احمد آذینی 399

سیّد احمد آزاد اصفهانی 371

دکتر احمد آژیر 371

دکتر سیّد احمد ابطحی 386

احمد ابهری 372

احمد ابهری 383

احمد ابهری 401

احمد ابهری 409

احمد ابهری 431

احمد ابهری 472

احمد ابهری مدینی 468

دکتر میرزا احمد احتشام زوّاره‌ای 410

شیخ احمد احرام‌باف 372

دکتر سیّد احمد احمدی 484

احمد احموله 461

احمد اخوّت 372

احمد ارجانی تستری 460

احمد اردستانی 430

احمد اردستانی 433

احمد ازدی 456

احمد ازواری اصفهانی 434

احمد اسدی 404

احمد اسواری 434

احمد اشعری ملحمی 393

احمد اصفهانی 372

احمد اصفهانی 373

میرزا احمد اصفهانی 373

احمد اصفهانی 373

احمد اصفهانی 374

احمد اصفهانی 374

اعلام اصفهان، ص: 642

[1808]

اعلام اصفهان ؛ ص642

احمد اصفهانی 378

احمد اصفهانی 382

احمد اصفهانی 384

احمد اصفهانی 386

احمد اصفهانی 391

احمد اصفهانی 391

احمد اصفهانی 392

احمد اصفهانی 394

احمد اصفهانی 399

احمد اصفهانی 404

احمد اصفهانی 406

احمد اصفهانی 410

احمد اصفهانی 412

[1808] مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

احمد اصفهانی 415

احمد اصفهانی 418

ملّا احمد اصفهانی 418

میرزا احمد اصفهانی 418

احمد اصفهانی 423

احمد اصفهانی 424

احمد اصفهانی 424

احمد اصفهانی 425

احمد اصفهانی 425

احمد اصفهانی 425

احمد اصفهانی 428

احمد اصفهانی 430

احمد اصفهانی 434

احمد اصفهانی 434

احمد اصفهانی 436

احمد اصفهانی 437

احمد اصفهانی 437

احمد اصفهانی 442

احمد اصفهانی 447

احمد اصفهانی 448

احمد اصفهانی 448

احمد اصفهانی 448

احمد اصفهانی 449

احمد اصفهانی 449

ملّا احمد اصفهانی 449

احمد اصفهانی 450

احمد اصفهانی 450

احمد اصفهانی 455

احمد اصفهانی 458

احمد اصفهانی 463

احمد اصفهانی 464

احمد اصفهانی 466

احمد اصفهانی 467

احمد اصفهانی 469

احمد اصفهانی 471

احمد اصفهانی 472

احمد اصفهانی 473

احمد اصفهانی 474

احمد اصفهانی 475

احمد اصفهانی 476

احمد اصفهانی 485

احمد اصفهانی 485

احمد اصفهانی 487

احمد اصفهانی 492

احمد اصفهانی 493

احمد اصفهانی 493

احمد اصفهانی تیمی 457

احمد افریقی 449

احمد اموی 436

احمد انصاری 385

احمد انصاری 399

احمد انصاری 432

احمد انصاری 436

احمد انواری 377

شیخ احمد اهتمام 494

احمد باب کوشکی 375

احمد باطرقانی 446

سیّد احمد بحرانی 427

سیّد احمد بحرانی 495

احمد برجی اصفهانی 417

دکتر احمد برجیان 495

احمد برزویه 492

احمد برقی 428

ملّا احمد بروجنی 419

احمد برّی 432

احمد بغدادی 436

احمد بغدادی 451

احمد بغدادی قرشی 462

احمد بلخی 481

احمد بنداری 429

احمد بن سیاه 417

احمد بن عبید 430

سیّد احمد بهشتی 402

ملّا احمد بیان الواعظین 402

شیخ احمد بیدآبادی 397

احمد بیك نور کمال 504

احمد بیگ اختر گرجی 445

احمد تاجر 425

احمد تاجر 465

سیّد احمد تربتی 392

شیخ احمد ترشیزی 421

دکتر احمد تفضّلی 495

احمد تمیمی 452

احمد تمیمی 475

سیّد احمد تنکابنی 381

دکتر سیّد احمد تویسرکانی 389

احمد تیمی 426

احمد تیمی واذاری 400

احمد ثقفی 383

احمد ثقفی 480

احمد ثقفی 491

احمد ثقفی ابهری 467

احمد ثقفی مدینی 410

احمد ثوری 476

احمد جاری مدینی 469

احمد جبان 471

احمد جرواآنی 491

احمد جلکی اصفهانی 451

احمد جلّودی 496

احمد جنّت اصفهانی 395

شیخ احمد جنّتی 489

احمد جورجیری 459

شیخ احمد جوهری 489

احمد جیرانی 463

میرزا احمد چهارسوقی 388

سیّد احمد حائری بروجنی 383

احمد حامدی اصفهانی 496

احمد حبّال 392

احمد حبّال 409

شیخ احمد حججی نجف‌آبادی 405

احمد حداد 425

احمد حرانی 382

احمد حسینی 496

سیّد احمد حسینی شیرازی 481

احمد حکیم‌باشی 416

میرزا احمد حکیم‌باشی 496

احمد حلاوی 431

احمد حلّی 407

احمد حنظلی خوراسکانی 419

احمد حنفی 379

سیّد احمد خاتون‌آبادی 488

سیّد احمد خاتون‌آبادی 497

احمد خاتونی عاملی 454

احمد خان بیگ کامل اصفهانی 386

میرزا احمد خان سرتیپ 498

احمد خان صدر اصفهانی 421

میرزا احمد خان فاتح الملك 499

میرزا احمد خان مشیر فاطمی 386

احمد خبّاز 463

احمد خبزی اصفهانی 378

احمد خرجانی 406

احمد خرجانی 460

احمد خرطبه 431

احمد خزاز 475

احمد خزاعی 430

احمد خزاعی اسپید دشتی 473

احمد خشّاب 396

احمد خشینانی 455

احمد خطمی انصاری 484

احمد خفاف 445

احمد خفّاف 457

احمد خلیل اصفهانی 438

شیخ احمد خوانساری 407

میرزا احمد خوانساری 411

احمد خوانساری اصفهانی 478

احمد خوزانی 478

احمد خوزی اصفهانی 451

میرزا احمد خیال اصفهانی 465

احمد دارکی 401

احمد دقّاق 375

احمد دلیجانی 406

میرزا احمد دولت‌آبادی 488

سیّد احمد دیباجی 487

احمد دیمرتی 447

احمد ذکوانی 422

دکتر احمد رئیسی 379

استاد احمد رائض 497

احمد رارانی 467

احمد راشتینانی 456

احمد ربضی اصفهانی 469

احمد رشتی اصفهانی 438

احمد رضا طلایی 505

احمد رقام 484

احمد رنانی 455

احمد رنانی 474

شیخ احمد روحانی 435

سیّد احمد روضاتی 387

احمد رویدشتی 429

احمد ریاحی چالشتری 497

شیخ احمد زاهد نجفی 486

احمد زحاف 462

احمد ززی اصفهانی 473

احمد زعفرانی 375

احمد زعفرانی 421

احمد زیرك‌زاده 413

احمد زینبی 570

شیخ احمد سالك 503

احمد سامانی اصفهانی 439

ملّا احمد سبزواری 497

احمد سرّاج 422

احمد سسّویه 399

احمد سعدی کوفی 422

احمد سلفی اصفهانی 453

احمد سمسار 394

احمد سمسار 473

احمد سمیرمی 379

احمد سنبلانی 415

احمد سنبلانی 492

احمد سنّی 378

احمد سودرجانی 426

احمد سیّاری 463

احمد شریف اصفهانی 498

احمد شریف حائری 382

ملّا احمد شریف خاتون‌آبادی 486

احمد شعّار 391

احمد شلمابق 491

میرزا احمد شوری اصفهانی 490

احمد شیبانی 374

احمد صحّاف 450

احمد صحّاف 459

احمد صدیق السّلطان 412

احمد صفّار 415

احمد صفار 464

احمد صوفی 395

احمد صیرفی بغدادی 394

احمد ضبّی 494

احمد ضحّاك شیبانی 443

احمد ضرّاب 490

احمد ضیاء الملك 404

سیّد احمد طباطبایی 499

سید احمد طباطبایی اصفهانی 498

احمد طبیب 429

میرزا احمد طبیب 442

احمد طرقی اصفهانی 393

احمد طرقی اصفهانی 453

احمد طهرانی 443

احمد طیرایی اصفهانی 469

احمد طیفورآبادی اصفهانی 450

احمد عابد 385

احمد عاصی اصفهانی 499

میرزا احمد عاصی اصفهانی 499

احمد عبّاسی 466

احمد عبدی 415

احمد عبدی لنبانی 470

احمد عرفان 423

احمد عسّال 491

احمد عقیلی فابزانی 416

سیّد احمد علم الهدی شیرازی 441

سیّد احمد علوی عاملی 413

ملّا احمد علی اصفهانی 506

دکتر احمد علی فروغی 506

میرزا احمد عماد الواعظین 407

احمد عنبری 483

احمد عنبری اصفهانی 447

احمد غازی 443

احمد غزال 439

احمد غزّاء اصفهانی 381

احمد غسال 376

احمد فافا 462

احمد فرسانی 393

احمد فریدنی 410

احمد فریز هندی 378

احمد فزاری 476

دکتر احمد فشارکی 385

احمد فقیه 396

سیّد احمد فقیه امامی 432

احمد فنایی هفشجانی 500

شیخ احمد فیّاض 482

احمد فیج 452

احمد قاری 401

احمد قاسمی 500

شیخ احمد قاضی 380

احمد قاضی 488

احمد قرشی 445

احمد قصّار 380

احمد قصّار 431

احمد قصّار 452

احمد قصار 475

احمد قصّار 481

احمد قصری 446

احمد قطّان 396

احمد قطان 492

سیّد احمد قمشه‌ای 420

میرزا احمد قمشه‌ای 500

میرزا احمد قمشه‌ای 502

شیخ احمد قمی‌نژاد 501

احمد قناطری 427

سیّد احمد قهپایی 477

احمد کاتب 414

احمد کاتب 439

احمد کاتب 466

احمد کرانی 374

احمد کرّانی 405

احمد کرانی 465

احمد کرانی 473

شیخ احمد کرمانی 493

ملّا احمد کرمانی 502

میرزا احمد کفرانی 416

احمد کلامی 456

احمد کلّایی 478

شیخ احمد کلباسی 376

احمد کوفی 471

دکتر احمد کیاست‌پور 441

احمد گرجی 409

احمد گیلانی (کلاتی) 453

شیخ احمد لاهیجانی 479

احمد مازندرانی 420

احمد مازندرانی 424

احمد مافرّوخی 439

احمد مافرّوخی 470

احمد ماندکانی اصفهانی 400

دکتر احمد مجتهدی تبریزی 440

احمد «مجدی» اصفهانی 502

میرزا احمد محیی 403

میرزا احمد مدرّس 477

شیخ احمد مدرّس زنجانی 502

احمد مدینی 379

احمد مدینی 381

احمد مدینی 409

احمد مدینی 412

احمد مدینی 419

احمد مدینی 448

احمد مدینی 457

احمد مدینی 468

احمد مدینی 474

احمد مدینی 485

احمد مدینی 487

احمد مدینی دشتکی 394

احمد مذکّر 457

احمد مذکّر 476

احمد مردیها 503

احمد مرزوقی اصفهانی 458

سیّد احمد مرندی 408

احمد مروزی 470

احمد مستوفی اصفهانی 398

ملّا احمد مشکاة زفره‌ای 490

احمد مصقلی 437

احمد معدّل 458

احمد معدّل 461

احمد معدّل 468

احمد معلّم 464

احمد معیّنی 462

سیّد احمد مقدّس 380

میرزا احمد ملّاباشی 403

احمد ملنجی اصفهان 458

سیّد احمد موسوی اصفهانی 466

احمد مهابادی 429

احمد مهابادی 440

دکتر احمد میرحسینی 504

سیّد احمد میردامادی 408

سیّد احمد میردامادی 427

سیّد احمد میرعلایی 440

شیخ احمد میسی عاملی 424

احمد مؤدّب 395

احمد مؤدّب ابهری 393

احمد مؤدّب خوراسکانی 483

احمد نجم ثانی 447

احمد نقّاط 427

احمد نقّاش 400

سیّد احمد نوربخش دهکردی 390

احمد نور شرق 487

احمد نهرآبادی 417

احمد نیازی اصفهانی 384

میرزا احمد نیریزی 479

احمد واذاری 472

شیخ احمد واعظ 442

احمد واعظ اصفهانی 455

احمد وذنکابادی 456

احمد وذنکابادی 480

احمد ورّاق 433

احمد ورنوسفادرانی 420

احمد ویذآبادی 467

احمد ویذآبادی 484

احمد ویری اصفهانی 450

سیّد احمد هاتف اصفهانی 504

سیّد احمد هاشمی خوانساری 479

احمد هفشوری 377

احمد همدانی 421

احمد هنرمند 412

احمد هیسانی 401

احمد یزدی 397

احمد یزدی 423

احمد یزدی 452

سیّد احمد یزدی 505

احمد یوانی 428

احنف سعدی 507

احنف عبادانی 507

اختیار افتخاری 507

ادایی اصفهانی 507

ادریس اصفهانی 508

ادریس کرجی 508

اردشیر میرزا مسعود 508

دکتر سیّد ارسطو علاج 509

دکتر ارسطو میرعلایی 509

ازدیار فارسی 509

اژرزوره 509

اسباط اصفهانی 510

اسباط مدینی 510

اسحاق 516

اسحاق اصفهانی 514

اسحاق اصفهانی 515

اسحاق اصفهانی 515

اسحاق بیگ عذری بیگدلی 510

اسحاق جلکی 513

اسحاق جمیلی 512

اسحاق خرجانی 516

اسحاق راشتینانی 513

اسحاق رملی 513

اسحاق زجّاج 515

اسحاق زعفرانی 514

اسحاق عقیلی 511

اسحاق فلفلانی 513

اسحاق قاسانی 512

اسحاق قطربلی 514

اسحاق مدینی 516

اسحاق معدّل 511

اسحاق مکتب 511

اسحاق مؤدّب 512

اسد 517

اسد اصفهانی 518

شیخ اسد الله اسماعیلیان 534

اسد الله اشتری 529

سیّد اسد الله اصفهانی 518

اسد الله اصفهانی 518

اسد الله اصفهانی 523

سیّد اسد الله اصفهانی 524

اسد الله اصفهانی 524

شیخ اسد الله اصفهانی 537

شیخ اسد الله الهی 534

اسد الله ایروانی جرقویه‌ای 531

اسد الله ایزدگشسب 532

اسد الله باطنی 531

اسد الله باغبادرانی 535

سیّد اسد الله بهشتی 519

سیّد اسد الله بهشتی 527

سیّد اسد الله بیدآبادی 519

دکتر اسد الله بیژن 536

میرزا اسد الله پاقلعه‌ای 525

سیّد اسد الله ثقة الواعظین 524

اعلام اصفهان، ص: 650

1809

اعلام اصفهان ؛ ص650

شیخ اسد الله جوادی 530

سیّد اسد الله حسینی 528

شیخ اسد الله حکیم قمشه‌ای 522

اسد الله خان نظام العلماء 529

اسد الله خان وثیق 539

میرزا اسد الله خان وزیر 531

سید اسد الله خلیفه سلطانی 528

سیّد اسد الله دادخواه 522

شیخ اسد الله دستجردی 536

میرزا اسد الله رجالی 527

اسد الله رشتیان 535

[1809] مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.

سیّد اسد الله روضاتی 535

میرزا اسد الله زاهدی 536

سیّد اسد الله سبزواری 527

میرزا اسد الله شریعتی 537

سیّد اسد الله صدر الاسلام 526

سیّد اسد الله صدر هاشمی 525

شیخ اسد الله فاضل بیدآبادی 521

ملّا اسد الله فرادنبه‌ای 528

شیخ اسد الله فهامی 532

سیّد اسد الله قزوینی 521

ملّا اسد الله گورتانی 529

سیّد اسد الله مرعشی 539

اسد الله مصفّی 518

اسد الله مطربی جرقویه‌ای 538

اسد الله معظّمی 532

اسد الله ملّاباشی 535

اسد الله منجّم اصفهانی 539

سیّد اسد الله هدایی 540

میرزا اسد «عریان» 538

اسعد اصفهانی 540

اسفندیار بیگ «انیس» 541

اسفندیار مشرف شهرکردی 541

اسفندیار معتمدی 540

اسکندر بیك منشی 542

اسکندر زاهد 541

اسکندر میرزا اصفهانی 542

اسماعیل 544

میرزا اسماعیل 569

دکتر اسماعیل آزرم 571

اسماعیل ابوی 545

اسماعیل ادیب خوانساری 582

شیخ اسماعیل اژه‌ای 569

اسماعیل اشعری 559

اسماعیل اصفهانی 543

ملّا اسماعیل اصفهانی 543

ملّا اسماعیل اصفهانی 562

اسماعیل اصفهانی 573

اسماعیل اصفهانی 573

اسماعیل اصفهانی 578

میرزا اسماعیل اصفهانی «دردی» 545

شیخ اسماعیل اصفهانی کاظمینی 544

اسماعیل افلاکی سامانی 584

اسماعیل امین 575

اسماعیل ایجی اصفهانی 571

میرزا اسماعیل ایمای اصفهانی 585

اسماعیل بجلی 572

میرزا اسماعیل بدیع اصفهانی 585

شیخ اسماعیل بروجردی 583

اسماعیل بزّاز 560

سیّد اسماعیل بهشتی 583

شیخ اسماعیل تاج الواعظین 556

اسماعیل ثقفی 545

اسماعیل ثقفی 547

اسماعیل جرباذقانی 580

حاج اسماعیل حجّاریان 586

سیّد اسماعیل حسینی نجفی 581

اسماعیل حیرانی اصفهانی 582

حاج اسماعیل خاتون‌آبادی 586

اسماعیل خان اصفهانی 560

حاج اسماعیل خان تبریزی 585

میرزا اسماعیل خان، ثاقب اصفهانی 584

میرزا اسماعیل خان مصلح السّلطنه 544

اسماعیل خوانساری 560

شیخ اسماعیل دیهوکی طبسی 562

اسماعیل ذهبی 551

اسماعیل رنانی 574

سیّد اسماعیل ریزی 587

سیّد اسماعیل سبزواری 548

سیّد اسماعیل سدهی 555

اسماعیل سدّی 566

اسماعیل سراج 572

اسماعیل سلمانی 574

اسماعیل سمّویه 569

اسماعیل سمّویه 584

اسماعیل شلمکی 578

اسماعیل شهرستانی 565

سیّد اسماعیل صدر 576

ملّا اسماعیل صوفی 587

اسماعیل ضبّی 575

اسماعیل طالقانی (صاحب بن عبّاد) 563

سیّد اسماعیل طباطبایی 546

سیّد اسماعیل طباطبایی 588

سیّد اسماعیل طباطبایی زوّاره‌ای 588

ملّا اسماعیل طبسی 588

اسماعیل طرطوسی 574

اسماعیل طرقی 567

اسماعیل طلحی 578

اسماعیل عطّار 546

حاج اسماعیل فروشانی 572

اسماعیل فرهنگ چالشتری 589

اسماعیل فزاری 583

میرزا اسماعیل قائنی 554

شیخ اسماعیل قصری 590

سیّد اسماعیل قوام الواعظین 590

اسماعیل کاتب 565

اسماعیل کاشف اصفهانی 559

استاد اسماعیل کاشی‌پز 590

اسماعیل کاغذی مدینی 577

اسماعیل کاغذی مدینی 579

ملّا اسماعیل کرمانی 591

میرزا اسماعیل کلباسی 547

شیخ اسماعیل کلباسی 561

اسماعیل کوفی 560

اسماعیل مبارکه‌ای لنجانی 558

اسماعیل محتسب 580

شیخ اسماعیل معزّی 571

میرزا اسماعیل موسوی 591

اسماعیل نایینی 559

میرزا اسماعیل نصرآبادی 581

ملّا اسماعیل نقنه‌ای 580

اسماعیل نیشابوری اصفهانی 570

اسماعیل وثابی 575

اسماعیل ورنوسفادرانی 581

اسماعیل همدانی جبّری 578

اسود 592

اسید 593

اسید ثقفی 592

اسید مدینی 592

اشرف جعفری 596

اشعث اصفهانی 596

اصغر «درویش متین اصفهانی» 598

استاد اصغر صانعی 597

استاد اصغر طاهرزاده 597

دکتر اصغر فروغی 598

ملّا اصغر قمی 596

اصمعی 598

اصیل الدّین 598

اظهری اصفهانی 599

اظهری قهپایه‌ای 599

اغملش 599

افراسیاب خان 599

افریدون اصفهانی 600

دکتر اکبر بردبار 601

اکبر بروجنی 602

اکبر ترابیان 601

شیخ اکبر جوادی 601

اکبر خان تارزن 600

الفتی ساوجی 603

الله کرم رئوفی بروجنی «سالك» 603

الله وردی خان 604

امام الدّین اصفهانی 605

امامزاده اسماعیل 542

امام قلی بیك چگنی «وارسته» 606

امام قلی حشمت 607

امام قلی خان 605

امام قلی کمره‌ای 607

امام قلی وحشت بختیاری 607

امان الله بیگ «نظیر» زنگنه 608

استاد امان الله طریقی 606

شیخ امان الله گینکانی 608

حاج امیر آقا فلاورجانی 609

امیر احمد کامخواه 610

امیر اصفهانی 608

امیر اصفهانی 609

امیر بیك قهبایجی 610

امیر بیگ اصفهانی 609

امیر حسین ظفر 611

امیر شاهکی 613

امیر قالبی 613

امیر قلی اشراقی بروجنی 611

امیر قلی امینی 612

امیر کوکبی گرجی 610

حاج امین آقا صدری 617

امین اصفهانی 614

میرزا امین اصفهانی 616

حاج امین اصفهانی 617

امین الدّین اصفهانی 617

دکتر امین الله جلوه 620

میرزا امین تبریزی 618

میرزا امین نصرآبادی 620

انور اصفهانی 621

انوشیروان مجوسی 621

انیس مدنی اسلمی 621

ایّوب 622

ایّوب اصفهانی 622

ایّوب اصفهانی 622

ایّوب بن زیاد 622

ایّوب قرشی مکتب 622

پیر اسماعیل مالواجردی 591

جلال الاسلام صاعدی 73

حافظ ابو الشّیخ اصفهانی 280

حافظ احمد اصفهانی 397

حسیّد اسماعیل هاشمی 554

حکیم ابو طاهر 291

حکیم اسماعیل طبیب 589

خواجه امام الدّین واعظ 605

قاضی اسد الله قهپایی کاشانی 538

قاضی اسماعیل خطیبی 570

کمال الدّین اسماعیل 567

آقا میرزا محمّد ابراهیم 79

محمّد ابراهیم اصفهانی 89

محمّد ابراهیم اصفهانی 90

محمّد ابراهیم اصفهانی 102

محمّد ابراهیم بصیر اصفهانی 141

استاد محمّد ابراهیم بنّای اصفهانی 91

سیّد محمّد ابراهیم بهشتی 89

ملّا محمّد ابراهیم جدلی گلپایگانی 141

محمد ابراهیم جواهری 144

میرزا محمّد ابراهیم جوهری 92

میرزا محمّد ابراهیم چهارسوقی 107

استاد محمّد ابراهیم حجّار اصفهانی 142

محمّد ابراهیم خراسانی 90

سیّد محمّد ابراهیم خواجویی 107

محمّد ابراهیم خوراسکانی 84

شیخ محمّد ابراهیم درّی 143

ملّا محمّد ابراهیم دهکردی 118

محمّد ابراهیم رهی اصفهانی 143

ملّا محمّد ابراهیم زفره‌ای 119

میرزا محمّد ابراهیم ساغر 91

سیّد محمّد ابراهیم شمس‌آبادی 114

محمّد ابراهیم شوکتی اصفهانی 145

محمّد ابراهیم فارغ فروشانی 145

محمّد ابراهیم فیض 100

میرزا محمّد ابراهیم قاضی 127

محمّد ابراهیم قزوینی 125

حاج محمّد ابراهیم قزوینی 145

محمّد ابراهیم قمی 146

حاج محمّد ابراهیم کلباسی 97

شیخ محمّد ابراهیم کلباسی 110

شیخ محمّد ابراهیم کلباسی 116

میرزا محمّد ابراهیم مشیر الاسلام 124

محمّد ابراهیم مقتول اصفهانی 147

ملّا محمّد ابراهیم مقدّس 138

حاج محمّد ابراهیم ملك التجّار 135

سیّد محمّد ابراهیم میرشفیعیان 116

میرزا محمّد ابراهیم نصیری طوسی 103

میرزا محمّد ابراهیم همدانی 95

شیخ محمّد اسحاق اصفهانی 514

محمّد اسحاق «شوکت» بخارایی 517

محمّد اسد قهپایی 526

محمّد اسماعیل اصفهانی 543

میر محمّد اسماعیل اعرجی 545

میر محمّد اسماعیل ثالث خاتون‌آبادی 550

محمّد اسماعیل جوشقانی 583

میر محمّد اسماعیل خاتون‌آبادی 547

میر محمّد اسماعیل خاتون‌آبادی 548

میرزا محمّد اسماعیل خلیفه سلطانی 586

ملّا محمّد اسماعیل خواجویی 556

محمّد اسماعیل خواجویی ثانی 552

محمّد اسماعیل خوانساری 547

محمّد اسماعیل خوراسکانی 587

ملّا محمّد اسماعیل درکوشکی 553

میر محمّد اسماعیل صابر علی شاه 573

محمّد اسماعیل ضعیف اصفهانی 588

محمّد اسماعیل طبیب 589

محمّد اسماعیل کامی دولت‌آبادی 590

محمّد اسماعیل کفرانی 562

میر محمّد اسماعیل گلستانه 551

میرزا محمّد اسماعیل منجّم 551

محمّد اسماعیل نجف‌آبادی 592

شیخ محمّد اسماعیل نجفی 549

ملّا محمّد اسماعیل واحد العین 552

محمّد اشرف اصفهانی 593

محمّد اشرف خنجی اصفهانی 595

محمّد اشرف ساوجی 596

محمّد اشرف ورنوسفادرانی 593

محمّد اکبر اصفهانی 602

میرزا محمّد اکبر دولت‌آبادی «اکبر» 602

محمّد اکمل اصفهانی 603

محمّد امین 616

محمّد امین ازل اصفهانی 615

استاد محمّد امین بنّای اصفهانی 618

ملّا محمّد امین تویسرکانی 618

محمّد امین حسینی مرعشی 620

میرزا محمّد امین خازن تبریزی 615

میرزا محمّد امین «روح الامین» شهرستانی 619

میرزا محمّد امین طائر 619

محمّد امین فایق اصفهانی 614

محمّد امین فطرت لرستانی 618

محمّد امین کفرانی 615

محمّد امین مازندرانی 614

محمّد امین نصرآبادی 619

محمّد امین واصل لاهیجی 616

میر آصف قزوینی 53

میر ابراهیم قزوینی 120

میر ابو الحسن تاج حسینی 266

میر ابو الفتح فندرسکی 311

میر ابو القاسم خلیفه 353

میر ابو القاسم فندرسکی 350

میر ابو المعالی طباطبایی 364

میر ابو صالح اعرجی اصفهانی 281

میر ابو طالب طباطبایی 284

میر اسد الله تبریزی 536

میر افضل تونی 600

میر افضل طباطبایی اردستانی 600

میرزا آقا بابا ثابت اصفهانی 53

میر محمّد اشرف علوی عاملی 594

میر ناصر الدّین احمد مختاری 461

نظام الدّین احمد «شرمی» قزوینی 481

نظام الدّین اسحاق مزهد اصفهانی 516[1810]

[1810] مهدوی، مصلح‌الدین، اعلام اصفهان، 3جلد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان - ایران - اصفهان، چاپ: 1، 1386 ه.ش.